مسیر اشتقاق
لغات فارسی

تألیف

دکتر علی نورائی

ISBN 978-1-6698-5269-8



The
Origins of

Persian Words

An Etymological Dictionary
of the Persian Language

Dr. Ali Nourai

ISBN: Softcover 978-1-6698-5269-8

Print information available on the last page.

Rev. date: 10/26/2022

To order additional copies of this book, contact:
Xlibris
844-714-8691
www.Xlibris.com
Orders@Xlibris.com
847389

Reverse Pagination

The order of the Persian Words in this dictionary is from right to left. Therefore, except for the Index section, the book is paginated from right to left.

مقدمه

تغییرات آوائی در داد و ستد لغات

لغات هند و اروپایی در زبان فارسی با قالب عربی

راهنمای استفاده از این فرهنگ

لیست منابع و مآخذ

لغات فارسی

فهرست لغات

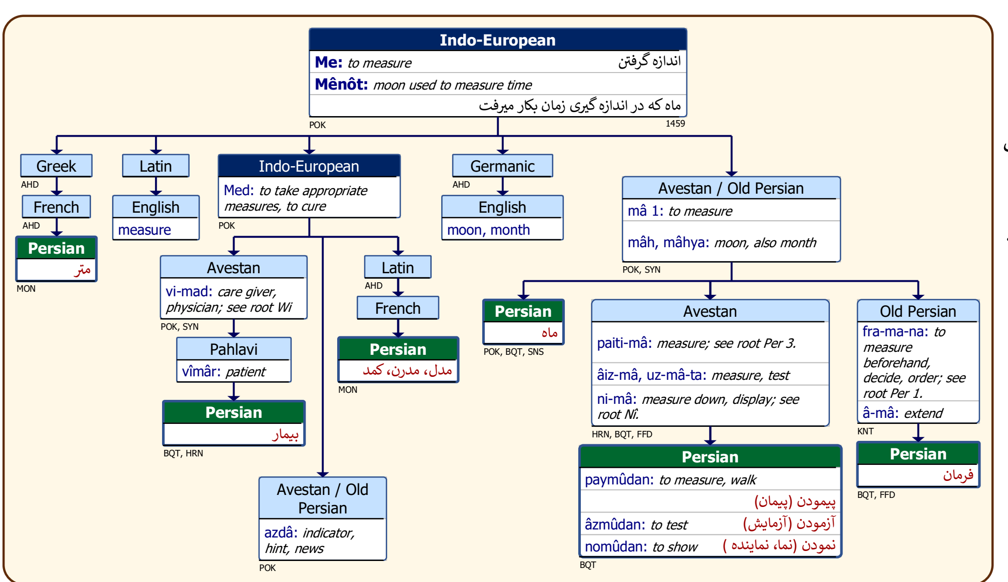
فهرست ریشه لغات

مقدمه

در سالهای گذشته اطلاعات نسبتا گسترده ای در باره قدیمی ترین ریشه های شناخته شده لغات فارسی را از مراجع و مآخذ گوناگون جمع آوری کرده و در قالب شجره نامه هایی برای هر ریشه ترسیم و در چند کتاب از جمله فرهنگ ریشه لغات فارسی با نمودار مشتقات منتشر کردم (Persian Etymology Charts). شجره نامه ها کمک میکنند تا خواننده بتواند با یک نگاه اجمالی کلیه مشتقات یک ریشه را در فارسی و زبانهای دیگر یکجا مشاهده نماید. ولی تمرکز شجره نامه ها روی ریشه لغات است و اطلاعات مربوط به لغاتی که از ریشه های گوناگون تشکیل شده در شجره نامه های مختلف پخش میباشد. از اینرو درکتاب حاضر، مسیر اشتقاق لغات فارسی (The Origins of Persian Words)، اضافه بر گسترش و بروز رسانی داده ها و استفاده از منابع جدیدتر، بجای نشان دادن لغات گوناگون مشتق شده از هر ریشه، ریشه های گوناگون هر لغت فارسی را در یک نمودار نشان داده ام که مسیر اشتقاق و ترکیب آنها را روشن ترکند. تصویرهای ۱و۲ نمونه هایی از این دو روش را نشان میدهد. مضافا، در قسمت "فهرست ریشه لغات" آخر کتاب، کلّیه لغات فارسی همریشه در مقابل ریشه مشترکشان نشان داده شده است.

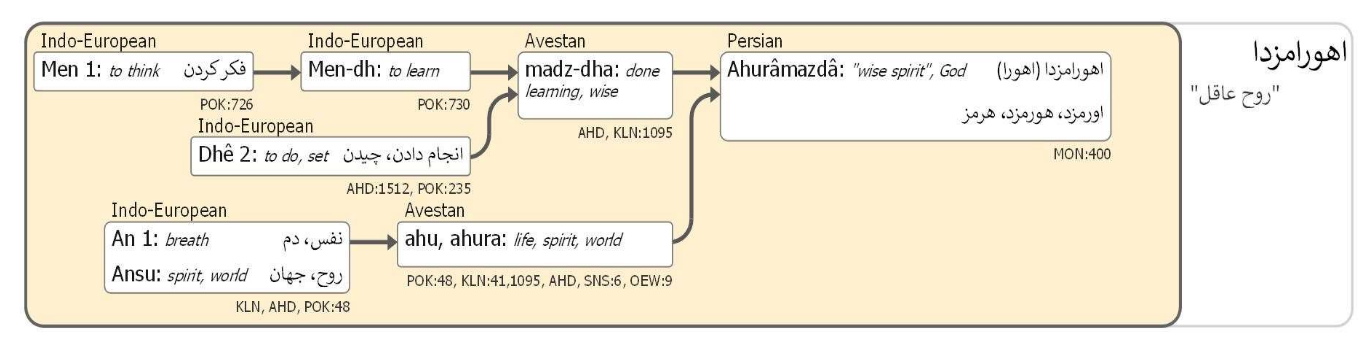
حدود ۲۷۰۰ لغت فارسی در این فرهنگ ریشه یابی شده که از بیش از ۸۶۰ ریشه که عمدتا هند و اروپایی هستند مشتق شده اند. مسیر اشتقاق این لغات حدود ۴۰ زبان مختلف را دربر میگیرد. در این میان زبانهای عربی، یونانی و سانسکریت بیش از زبانهای غیر ایرانی دیگر در مهاجرت لغات فارسی اثر گذار بوده اند. امیدوارم که این فرهنگ برای علاقمندان به زبان فارسی قابل استفاده باشد.

علی نورائی
آبان ۱۴۰۱ (2022)



تصویر ۱ ـ نمونه یک "**شجره نامه**" از فرهنگ ریشه لغات فارسی با نمودار مشتقات که متمرکز روی ریشه مشترک لغات است و لغات فارسی و همریشه های آنرا در زبانهای دیگر نشان میدهد.

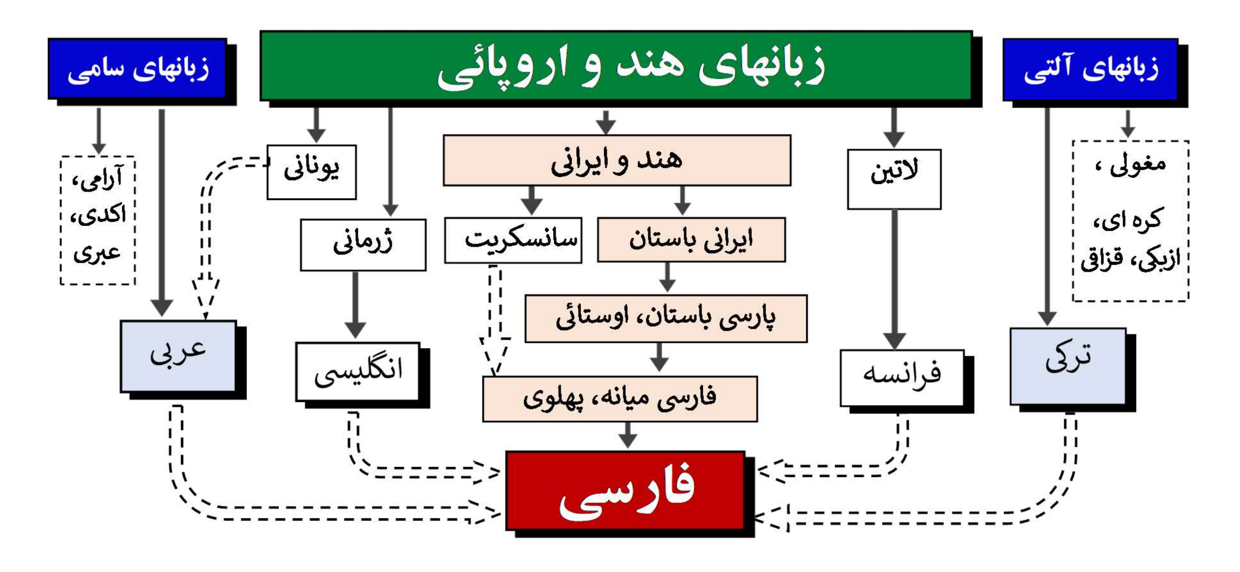
تصویر ۲ ـ نمونه یک "**مسیر اشتقاق**" در این فرهنگ که متمرکز روی لغات فارسی است و ریشه های مختلف هر لغت و ترکیب آنها را نشان میدهد.



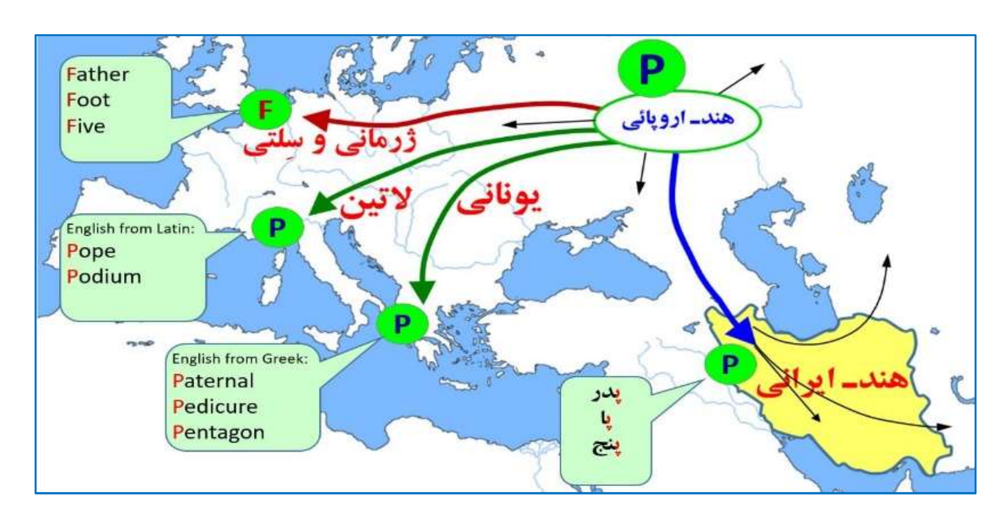
تغییرات آوائی در داد و ستد لغات

وقتی به مسیر اشتقاق لغات مینگریم، تغییر صدا و معنی در بعضی از موارد چنان زیاد و گسترده است که خواننده را در حیرت فرو میبرد. باید در نظر داشت که هیچ زبانی در طول تاریخ خود از تغییر و تبدیل مصون نمانده و اقوام مختلف دائماً در داد و ستد لغات بوده اند که، در خیلی از موارد، باعث رشد و نمو زبان گشته و از نارسایی و متروک شدن زبان نیز جلوگیری میکند. در این تبادل لغات، نه تنها صداها تغییر میکند، گاهی معنی و موارد استفاده از لغت نیز عوض میشود. همانطورکه در تصویر شمارهٔ ۳ نشان داده شده است زبان فارسی یک زبان هند و اروپائی است که، مانند هر زبان دیگر، در مسیر تکامل خود پیوسته در تبادل لغت بوده است. با پراکنده شدن اقوام هند_اروپائی در آسیا و اروپا زبان مشترک آنها تدریجاً به لهجه ها و سپس به زبانهای مختلف تقسیم شد. با مقایسه لغات این زبانها معلوم گشته که تغییر اصوات بین آنها تصادفی نبوده بلکه، بر حسب عادات فونتیک اقوام مختلف، قواعد مشخصی را دنبال میکند. با کشف و استفاده از این قواعد است که همریشه بودن لغاتی را که حتی دیگر شباهت ظاهری هم باهم ندارند میتوان تشخیص داد. برای مثال، تصویر شمارهٔ ۴ تغییر صدای (P) در آغاز لغات هند_اروپائی را به صدای (F) در زبانهای ژرمانیک (انگلیسی) نشان میدهد ولی این صوت در بسیاری از لغات فارسی و زبانهای جنوب اروپا (یونانی و لاتین) محفوظ مانده است که ارتباط لغاتی نظیر (پنج ـ five) و (پا ـ foot) و (پدر ـ father) را توجیه میکند.

تصویر ۳ ـ زبانهای موثر در مهاجرت لغات به زبان فارسی



تصویر ۴ ـ نمونه ای از تغییر اصوات در چند زبان هند و اروپائی



لغات هند و اروپایی در زبان فارسی با قالب عربی

اضافه براکثر لغات هند و اروپایی که از طریق زبانهای ایرانی به فارسی رسیده، بسیاری از آنها از مسیر های دیگر، خصوصا زبان عربی، وارد زبان فارسی شده اند. تاثیر تلفظ عربی روی این لغات به حدی زیاد است که بسیاری از مردم این لغات را عربی بشمار می آورند حال آنکه آنها در اصل هند و اروپایی هستند. جدول شماره ۱ نمونه ای از این لغات و ریشه های هند واروپایی آنها را نشان میدهد. بعضی از این لغات مستقیما از فارسی به عربی رفته و پس از تغییر تلفظ به فارسی باز گشته اند مانند فردوس و فنجان. همانطور که در تصویر شماره ۳ نیز نشان داده شده تعداد زیادی از لغات هند و اروپایی را عربی از زبان یونانی گرفته و پس از تغییر تلفظ به فارسی داده است. جدول شماره ۲ نیز نمونه ای از این لغات را که از مسیر یونانی ـ عربی به فارسی رسیده نشان میدهد.

جدول شماره ۱ ـ لغات هند و اروپایی که در غالب عربی وارد زبان فارسی شده اند

لغت هند و اروپایی در زبان فارسی پس از عبور از زبان عربی	بسط و تغییر معنی در زبانهای واسطه (بعضی لغات از فارسی به عربی رفته و باز گشته اند)	ریشه های هند و اروپایی
ابّهت	فارسی: آب (درخشش،، آبرو)	Ab: آب، درخشش
ابریق	فارسی: آبریز	Ab + Raiĉ: آب + ترک کردن. بیرون ریختن
اسطبل	لاتین (استَبولوم): محل ایستادن	Stâ: ایستادن
اسکله	لاتین: پله، نردبان	Skand بالا رفتن
اکواب	لاتین (کوپّا): ظرف گود	Keup: خم کردن
انکار، نکره	لاتین (نگاره): انکار کردن	Ne: منفی، نه
اوج	سانسکریت (اوچّا): بالا	Ud: بالا، بیرون
تُرّهات	فارسی: راه	Ret: دویدن، قلتیدن
تزویر	پهلوی (زور): دروغ	Gheul: خمیده، ناصاف
تکدی	فارسی: گدا	Gwhedh: خواستن، طلب کردن
جاه	فارسی:گاه (مقام و منزلت)	Gwa: قدم زدن
جناه	فارسی:گناه	Wi + Nek: جدا از هم + خراب کردن
خندق	پهلوی: کندک	Ken: کندن
دجله	اوستایی: رود سریع	Teig: نوک دار، تیز، سریع
رزق	فارسی: روز	Leuk: روشنایی
رواج	فارسی: رفتن	Rêp: خزیدن
رونق	فارسی: رو + نیک	Nei: درخشیدن
سَمت	لاتین (سمیتیتا): راه	Mei 3: حرکت کردن
سُرادق	فارسی باستان (سراده): سرا، خانه	Ter: گذر یا غلبه کردن
سجل	لاتین (سیگنوم): نشان، امضا	Sekw: دنبال کردن
سقرلات	لاتین (سیگنوم): نشان عربی: پارچه نقش دار	Sekw: دنبال کردن
سوق، اسواق	فارسی: سو، سوی	Teub: طرف، جهت
صفر	سانسکریت: خالی	Keu: سوراخ
غربال	لاتین: از هم جدا کردن	Ker 2: بریدن، پاره کردن
فسفسه، فصفصه	اوستایی: غذای اسب	Ed + kwos: خوردن + اسب
قصر	لاتین: محلی جدا از بقیه	Kas: قطع یا جدا کردن
کعک	فارسی: کاک (نان خشک)	Kak: قرص نان
لُجّه	سانسکریت: صد هزار سرباز عربی: (عمق) زیاد	Alek دفاع کردن
مایده	پهلوی: میهمانی	Mei 1: نرم، ملایم
نسخه	اوستایی (نسک): کاغذهای بهم چسبیده، کتاب	Ned: بستن
نمره، نمرات	لاتین: سهم، قسمت، شماره	Nem: اختصاص دادن
هندسه، مهندس	اوستایی: کنار هم گذاشتن برای اندازه گیری	Teku + Sem: دویدن + هم
وزیر، وزارت	اوستایی (ویچیر): کسیکه قدرت تشخیص دارد	Kwer + Wi: ساختن + جدا

جدول شماره ۲ ـ لغات هند و اروپایی که از طریق زبان یونانی و در غالب زبان عربی وارد زبان فارسی شده اند

لغت هند و اروپایی در زبان فارسی پس از عبور از زبان عربی	**بسط و تغییر معنی در زبانهای واسطه (عمدتا زبان یونانی)**	**ریشه های هند و اروپایی**
ابلیس	یونانی (دیا بولوس): تهمت زن، موذی	Gwel 1: پرت کردن، تهمت زدن
ارغنون	یونانی (اُرگانون): ابزار	Werg: کار کردن
اریکه	یونانی (آری کُیتی): تخت خواب	Kei دراز کشیدن، استراحت کردن
اُسطُقُس	یونانی: عنصر، قوت	Steigh: بلند شدن، قدم زدن
اسفنج	یونانی	Spongo: پفکی، خالی
افسنتین	یونانی (آپسینتیون): نوعی گیاه	Kwen: مقدس
اقلیم	یونانی (کلیما): زمین شیب دار	Klei: مایل، شیب دار
ترخون	یونانی: اژدهایی با چشمان سرخ	Derk: دیدن
خیال	یونانی: صفرای سیاه لاتین: مالیخولیا	Ghel + Mel: زرد + سیاه، کثیف
رطل	یونانی: واحد اندازه گیری مایعات	Lithra: تراز، ترازو
زوج، ازدواج	یونانی (زوگن): تراز، ترازو	Yeu: جفت یا مساوی کردن
سنتور	یونانی: چنگ زدن(آلت موسیقی)	Pôl: لمس کردن
سندروس	یونانی (سندَرَک): صمغی سرخ رنگ	Kand: سفید و روشن بودن
سیف	یونانی (خیفوس): شاخه	Kiph: شاخه نرم
سیما	یونانی: نما	Dheye: دیدن
صابون	یونانی: صابون	Seip: بیرون ریختن
صراط	یونانی: راه هموار شده	Ster: پخش و پهن کردن
طلسم	یونانی: انتهای حلقه، دست نیافتنی، رمز	Kwel: چرخ
طوفان	یونانی: طوفان	Dheu: دود، مه
غانغرایا، غانقرایا	یونانی: فساد گوشت بدن	Gras: خوردن
فلس، مفلس	یونانی (اُبولوس): میخ، سکه میخ شکل یونانی	Gwel 2: سوراخ کردن
فلسفه، فیلسوف	یونانی: دوستدار عقل و منطق	Bhilo: دوستانه + Sophos: عاقل
فنجان	یونانی: تخته، بشقاب فارسی: پنگان	Pin: چوب، کنده درخت
قالب	یونانی: پای چوبین (قالب کفش)	Kû + Pod: سوختن (هیزم، چوب) + پا
قرن	یونانی: آنچه همه چیز را در بر میگیرد (زمان)	Gher: محصور کردن، شامل شدن
قسط	یونانی (زوگن): تراز، ترازو عربی: متعادل، مساوی	Yeu: جفت یا مساوی کردن
قفس	یونانی: جعبه، قفس	Kap: گرفتن، نگه داشتن
قفقاز	یونانی (کاوکاسوس): کوه های درخشان	kû: سوختن (درخشیدن)
قلم	یونانی(کَلَمُس): نی برای نوشتن	Kolemos: علف، نی
قمیص	یونانی (کَمیسیون): پیراهن	Kem پوشاندن
قندیل	یونانی: چراغ	Kand: درخشیدن، سفید بودن
قولون	یونانی: روده بزرگ	Skel: خمیده
قیراط	یونانی (کِرَس): میوه شاخ شکل درخت خرنوب که واحد وزن بود	Ker 1: سر، شاخ
قیصر	یونانی (کایسر): نام امپراطور روم که با سزارین بدنیا آمد	Skhai: بریدن، پاره کردن
قیفال	یونانی (کِفالی): سر	Ghebh-el: سَر
کسوف	یونانی (اکلیپسیس): ترک یا قطع شدن نور	Leigh: ترک کردن
کوفیه	یونانی (کِفالی): سر ایتالیایی (کوفیا): روسری	Ghebh-el: سَر
مصطکی	یونانی: آدامس	Menth: دهان، جویدن
ملغم	یونانی: ماده نرم	Mel نرم، ملایم
ناموس	یونانی (نوموس): قانون، اصول	Nem: اختصاص دادن

راهنمای استفاده از این فرهنگ

لغات فارسی در این فرهنگ سمت راست هر صفحه و اطلاعات مربوط به ریشه هایشان و اشتقاق و ترکیب هر یک از آنها در نمودار کوچکی در مقابل آن نشان داده شده است.

همانطور که در تصویر شماره ۲ نشان داده شده، لغات در این نمودارها داخل چهارچوبهای مستطیل شکل قرار دارند که بالای آنها نام زبان و در زیر آنها سه حرف اختصاری منابع و مآخذ آنها درج شده است مانند MON:389 که به صفحه ۳۸۹ فرهنگ دکتر معین رجوع میکند. گاهی اطلاعات بیشتری نظیر لغات همریشه یا معانی لغات نا مانوس نیز در سمت راست نمودار و زیر لغت نشان داده شده است. جدول شماره ۳ علائم اختصاری بکار رفته در نمودارها را نشان میدهد. برای تلفظ لغات در زبانهای مختلف از حروف خاصی استفاده شده که در جدول شمارهٔ ۴ همراه مثالهایی شرح و نشان داده شده.

جدول شماره ۳ ـ علائم اختصاری استفاده شده در نمودارها

هم:	همریشه است با ... (لغات فارسی یا انگلیسی)
مق:	مقایسه شود با ...
" ... "	معانی اولیه یا ریشه ای لغات در گیومه قرار دارد
NOTE-	یاد داشت نکات مهم خصوصا در مواردی که در ریشه و یا اشتقاق لغت اختلاف نظر هست
؟	لغت فارسی برای این ریشه و مسیر اشتقاق یافت نشد
↳	مسیر لغات همریشه در زبانهای اوستایی، پارسی باستان یا پهلوی که فارسی آنها یافت نشد

جدول شماره ۴ ـ حروف مورد استفاده برای تلفظ لغات

معادل فارسی	English example	Sound Symbols
غ	*gargling sound*	ğ [gh]
ق	*emphatic k*	q [gh]
چ	**ch**ur**ch**	č [ch]
خ	Scottish lo**ch**	x [kh]
ژ	vi**s**ion	ž [jh , zh]
ش	**sh**op	š [sh]
او (پول)	b**oo**t	û (long)
اُ (استاد)	**o**ld	o (short)
اُو (اوراق)	t**oe**	ô, ow (long)
ای (ایمان)	mach**i**ne	î (long)
ئی	b**ee**	ê (long)

معادل فارسی	English example	Sound Symbols
ی	**y**ard	y
ج	**j**oy	j
د	**d**ay	d
ر	**r**ay	r
ت ط	**t**oy	t
ح ه	**h**ot	h
ث س ص	**s**on	s
ذ ز ض ظ	**z**ebra	z
ء (ماخذ)	*glottal stop*	’
ع	*strong guttural sound*	‘

معادل فارسی	English example	Sound Symbols
آ	F**a**r	â
ا	m**a**n	a
ف	**f**un	f
ب	**b**oy	b
پ	**p**et	p
ک	**c**ake	k
گ	**g**oat	g
ل	**l**ip	l
م	**m**an	m
ن	**n**oo**n**	n
و	**v**oice	v

۱) حروف داخل [ ] برای نوشتن لغات در متون انگلیسی میباشد.
۲) صدای a در لغات سغدی با علامت (`) نشان داده شده است.

لیست منابع و مآخذ

IEC Stuart E. Mann, **An Indo-European Comparative Dictionary**, Helmut Buske Verlag, Hamburg 1987

IRN A. Farahvashî, **Irânvîj,** Tehran University Press, 1368 (1989). ایرانویچ

ISS H. W. Baily, **Indo-Scythian Studies (Khotanese Texts - volume VI),** Cambridge University Press, 1967.

KLN D. Klein, **A comprehensive Etymological Dictionary of the English Language**, Two volumes, Elsevier Publishing Co., 1966.

KNT R. G. Kent, **Old Persian - Grammer, Text, Lexicon**, American Oriental Society, 1953.

MON M. Mo` în**, Farhang Fârsî Moî`n,** Six volumes, Amîr Kabîr press 1363 (1984). فرهنگ فارسی معین

MPP W. Henning, **"A List of Middle – Persian and Parthian Words",** Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS IX:1937-39) pp 79-92, University of London.

NYB H. S. Nyberg, **A Manual of Pahlavi**, Wiesbaden 1974.

OEW J. T. Shipley, **The Origins of English Words,** The John Hopkins University Press, Baltimore 1984.

PHD D. N. MacKenzie, **A Concise Pahlavi Dictionary**, Oxford University press, London 1971.

PLA Asya Asbaghi, **Persische Lehnworter im Arabischen**, Otto Harrassowitz, Wiesbaden 1988

POK J. Pokorny, **Indogermanisches Etymologisches Worterbuck**, Two volumes, Francke verlag, Bern 1959.

PRT B. Partridge, **Origins - A short Etymological Dictionary of Modern English**, MacMillan Co., NewYork 1958.

SIN G. Laufer, **Sino-Iranica, Chinese Contributions to the History of Civilization in Ancient Iran**, Field museum of natural History, publication 201, Anthropological Series, Vol XV, No. 3, Chicago 1919.

SKT W. W. Skeat, **A Concise Etymological Dictionary of the English Language**, Clarenden press, Oxford 1882-1967.

SLW W. B. Henning, "**Sogdian Loan-words in New Persian**", Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS X:1939-42) pp 93-106, University of London

SNS M. Tavoosî, **A Glossary of Shâyast Nê Shâyast,** Shirâz University publications, 1986. واژه نامۀ شایست نشایست

SOD B. Gharîb, **Sogdian – Persian – English Dictionary**, Farhangân Press, Tehran, 1374 (1995). فرهنگ سغدی. فارس انگلیسی

SYN C. D. Buck, **A Dictionary of the Selected Synonyms in the Principal Indo-European Languages**, University of Chicago press, 1949-1988.

TAD T. Unaysî , **Tafsîr al-Alfâz al-Dakhîleh fe al-Loghat al-Arabîyeh**, Dâr al-Arab, Cairo, 1964.

TZF M. Abolghâsemî, **Târîkh Mokhtasar Zabân Fârsî**, Bonyâd Andîsheh Eslâmî Press, Tehran, 1373 (1994). تاریخ مختصر زبان فارسی

VDQ G. Badreh-î, **Vâjheh-hây Dakhîl dar Qorân-e Majîd**, Translation of A. Jeffrey's book with Comments (see FVQ). Toos Publishers, Tehran 1372 (1993). واژه های دخیل در قرآن مجید

VOP M. Moshîrî, **Farhang Vâjheh-hây Orûpâyî dar Fârsî**, Alborz Press, Tehran 1371 (1992). فرهنگ واژه های اروپایی در فارسی

WLD A. Walde**, Vergleichendes Worterbuch der Indogermanischen Sprachen,** two volumes, Walter de Gruyter & co., Leipzig 1930-1973.

ZMA F. Jonaydî, **Zendegî va Mohâjerat Âryâîân** Bonyâd Nayshâbûr, Tehran, 1374 (1995) زندگی و مهاجرت آریائیان

لیست منابع و مآخذ

AEF Jalâl Khâleqî Motlaq, **Asâs Eshteqâq Fârsî** ,Vol. I (a - kh), Bonyâd Farhang Irân, 1977. اساس اشتقاق فارسی

AFM Addi Shir, **Al-Alfâz Al-Fârsîyya Al-Mu`arraba**, (A Dictionary of Persian Words in the Arabic Language), Library of Lebanon, 1980.

AHD W. Morris, **The American Heritage Dictionary**, New College Edition, 1975, Appendix on Indo-European Roots, pp 1505-1550.

AHM I. Gershevitch, **The Avestan Hymn to Mithra**, Oriental Publications No.4, Cambridge University Press, 1959.

AKD H. Zimmern, **Akkadische Fremdworter Als Beweis, Fur Babylonischen Kultureinfluss**, Leipzig 1917.

ARK M. H. Rokn Zâdeh - Âdammîyat, **Arkân Sokhan,** Sharq Press, Tehran 1347 (1968). ارکان سخن

ARN M. Aryan Pour Kashani, **Farhange Rishehaye Hend Oroupaee Zaban Farsi**, University of Esfahan, 1384 (2005). فرهنگ ریشه های هند و اروپایی زبان فارسی

BLY H. W. Baily, "**Hvatanica II**", (Glossary of some Khotanese words with reference to Avestan and Persian words), Bulletin of the School of Oriental and African Studies (BSOAS IX:1937-39) pp 69-78, University of London.

BQT M. H. Tabrîzî (Borhân), **Borhân Qâte`**, Etymological footnotes by Dr. M. Mo`în, 4 vol, Amîr Kabîr Press, Tehran 1362 (1983) برهان قاطع

BRT C. Bartholomae, **Altiranisches Worterbuch Zusammen Mit Den Nacharbeiten Und Vorarbeiten**, Walter de Gruyter Press, 1979.

CEL S. K. Gupta**, A Comparative Etymologic Lexicon of Common Indo-European Words**, 6 Vol., Sverge Haus Publishers, Milton, Ma, 1997

EIV J. Cheung, **Etymological Dictionary of the Iranian Verb**, Vol. 2, Leiden Indo-European Etymological Dictionary Series, Brill Press, Linden, Boston, 2007.

ETM M. Abolghâsemî, **Rîsheh Shenâsî – Etîmologî**, Ghoghnoos Press, Tehran 1374 (1995). ریشه شناسی ـ اتیمولوژی

FAF A. Dâneshgar, **Farhang A`alâm Fârsî**, Hâfez Novîn Press, 1370 (1991). فرهنگ اعلام فارسی

FFD M. Abolghâsemî, **Fe`lhây Farsî Darî**, Ghoghnoos Press, Tehran 1374 (1995) فعل های فارسی دری

FRS Asadî Tûsî, **Farhang Fors**, Khârazmî Press, Tehran 1365 (1986) فرهنگ فرس

FSF A. H. Noushîn, **Farhang Shâhnâmeh Ferdowsî, Vâjheh Nâmak**, Donyâ Press, Tehran 1363 (1984) فرهنگ شاهنامه فردوسی

FVA S. M. Nahvî, **Farhang Vâme Vâjhehhây Arabî, Dakhîl**, Tolû` Âzâdî Press 1368 (1989). فرهنگ وام واژه های عربی ـ دخیل

FVF S. M. A. Emâm Shûshtarî, **Farhang Vâjhehhây Fârsî dar zabân Arabî,** Anjoman Âsâr Mellî, No 58, Bahman Press, Tehran, 1347 (1968). فرهنگ واژه های فارسی در زبان عربی

FVQ A. Jeffrey, **The Foreign Vocabulary of the Qur'ân**, (see **VDQ**). Oriental Institute, Baroda, Stephen Austin & Sons Press, Great Britain 1938

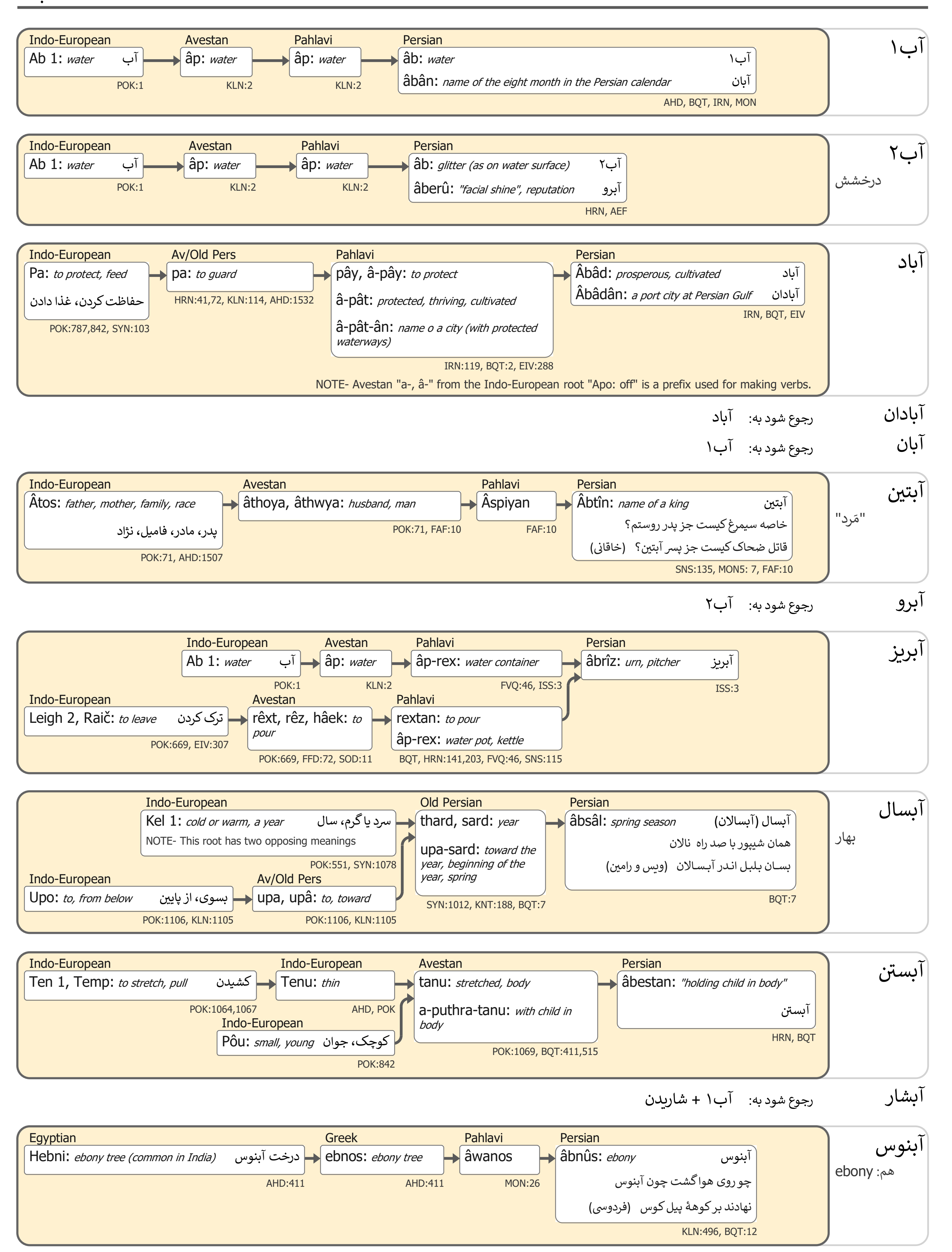
HJB H. Yule & A. C. Burnel, **Hobson Jobson, A Glossary of Colloqual Anglo-Indian Words**, Oriental Publishers, Delhi 1903-1968.

HRN Paul Horn, **Grundriss der NeuPersischen Etymology**, Verlag von Karl J. Trubner, Strassburg 1893-1974.

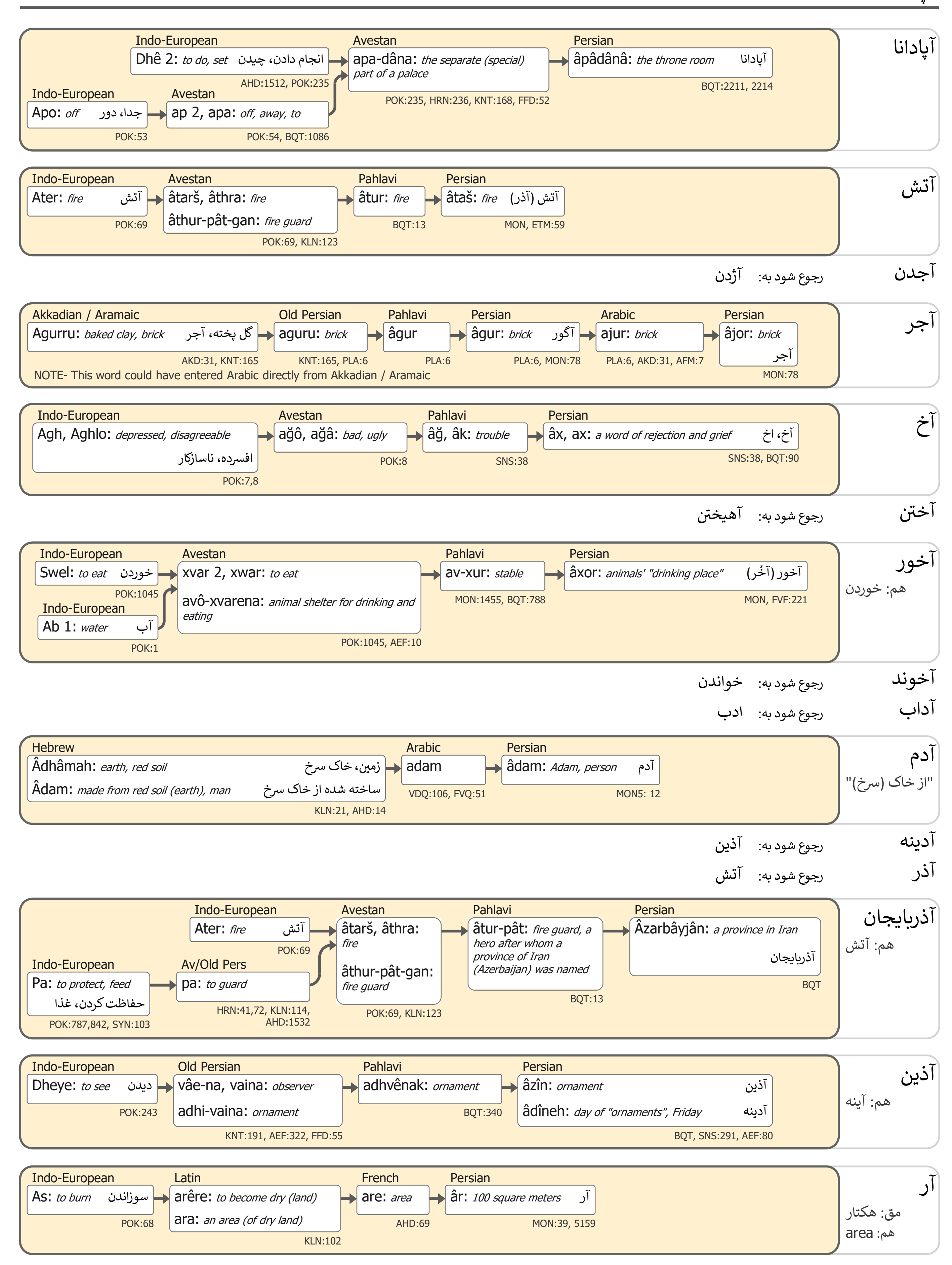
HUB H. Hubschmann, **Persische Studien,** Verlag von Karl J. Trubner, Strassburg 1895.

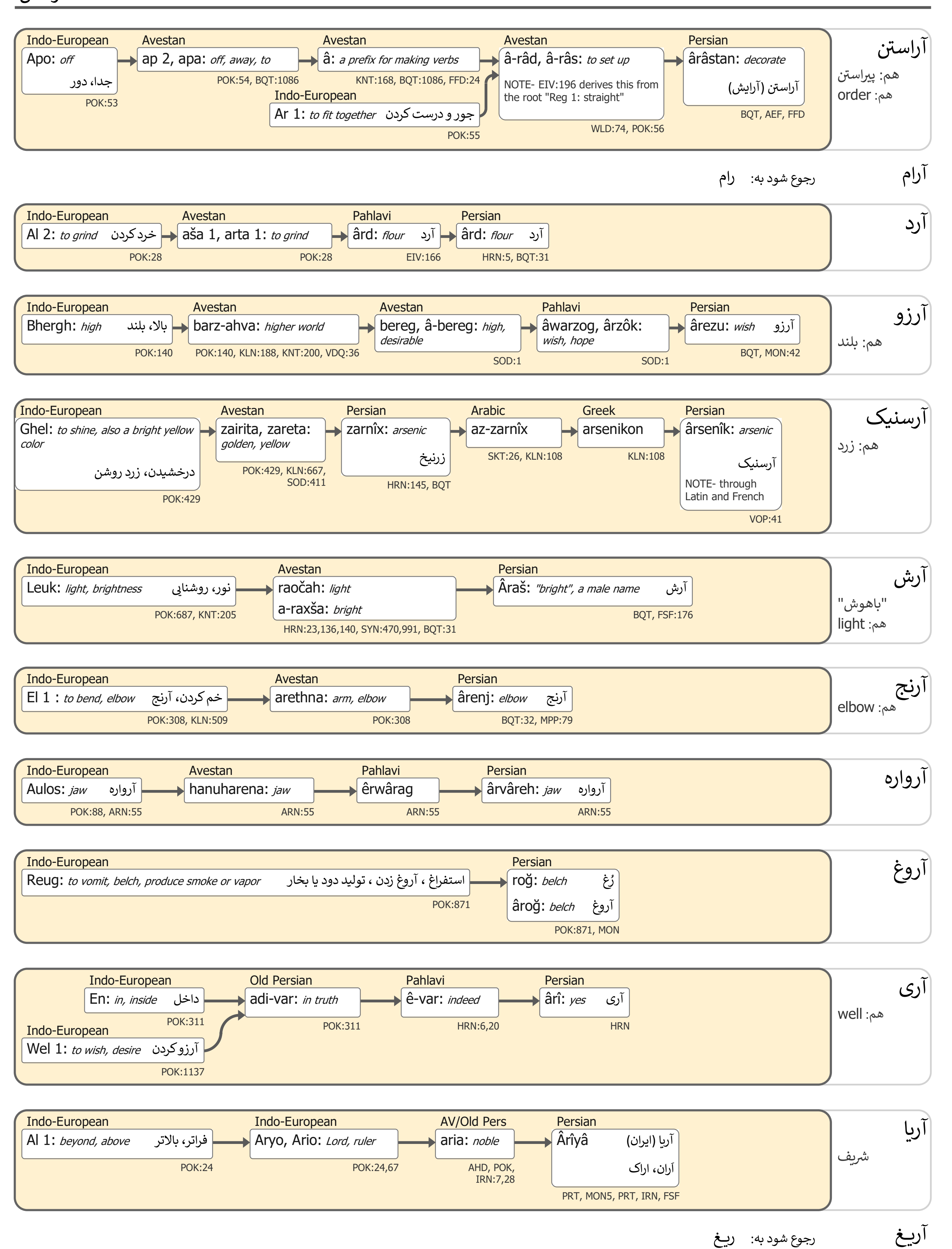
لغات فارسی

با ذکر ریشه لغات و نمودارهای مسیر اشتقاق

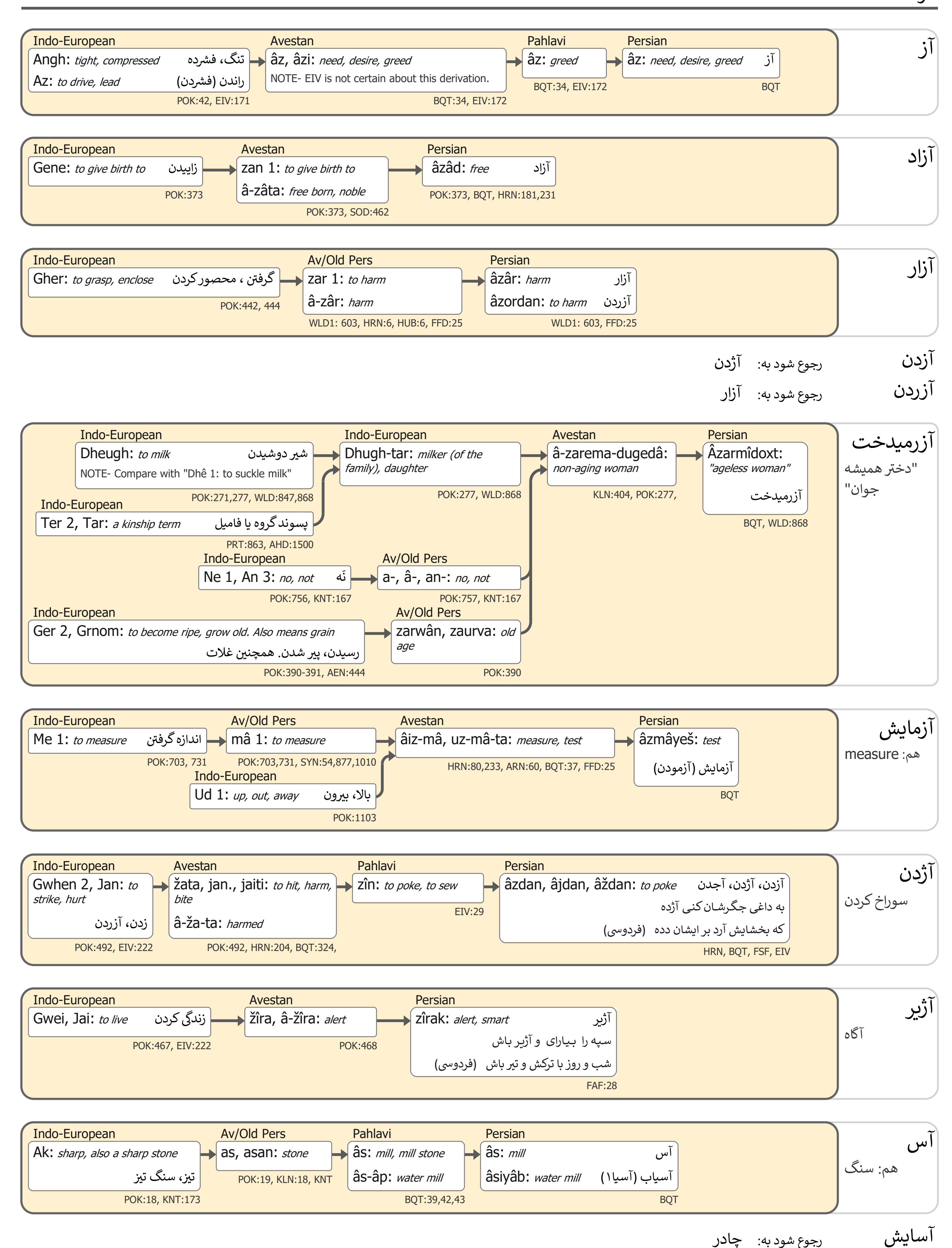


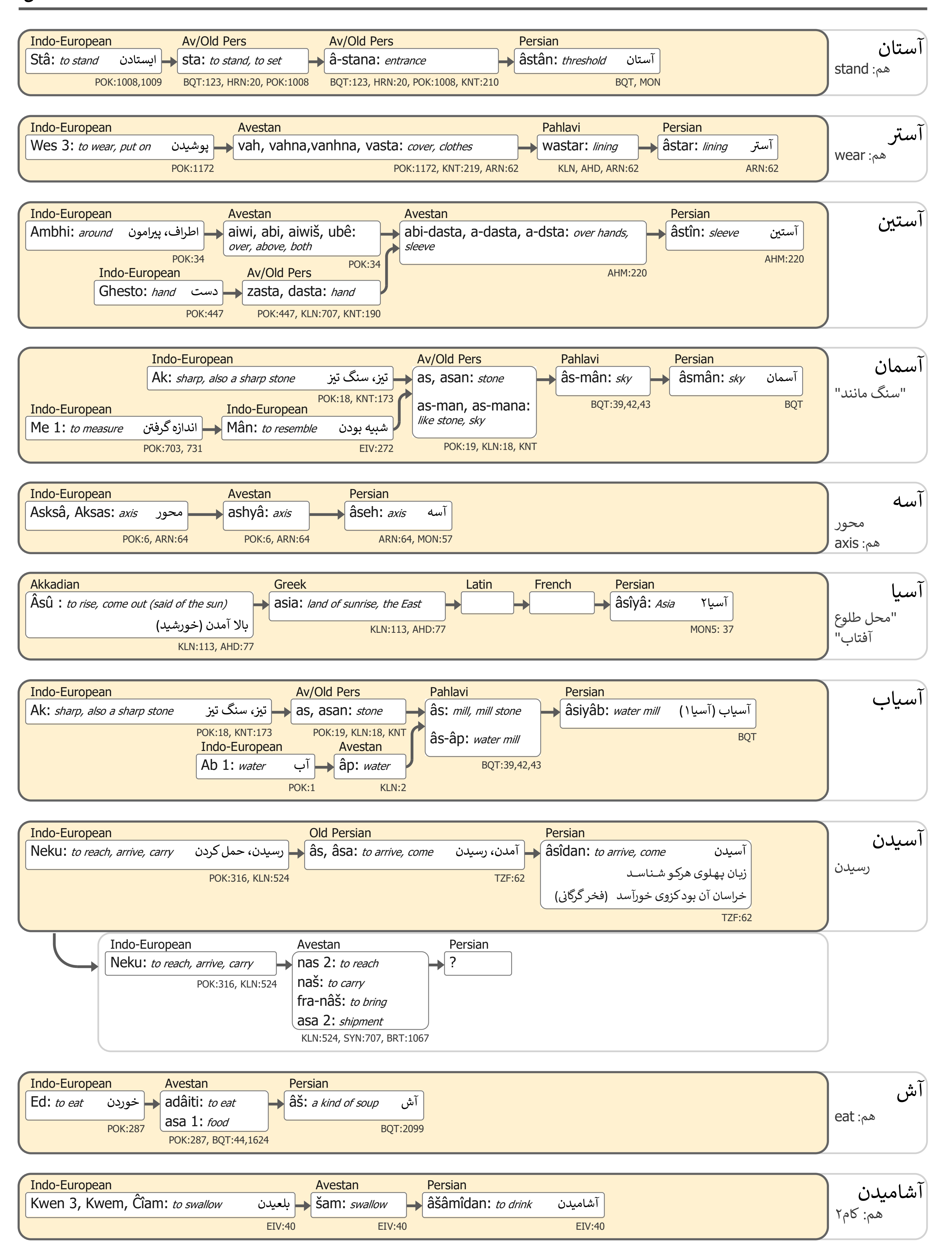
آب۱
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
Pahlavi
âp: water
KLN:2
Persian
âb: water آب۱
âbân: name of the eight month in the Persian calendar آبان
AHD, BQT, IRN, MON
آب۲
درخشش
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
Pahlavi
âp: water
KLN:2
Persian
âb: glitter (as on water surface) آب۲
âberû: "facial shine", reputation آبرو
HRN, AEF
آباد
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Pahlavi
pây, â-pây: to protect
â-pât: protected, thriving, cultivated
â-pât-ân: name o a city (with protected waterways)
IRN:119, BQT:2, EIV:288
Persian
Âbâd: prosperous, cultivated آباد
Âbâdân: a port city at Persian Gulf آبادان
IRN, BQT, EIV
NOTE- Avestan "a-, â-" from the Indo-European root "Apo: off" is a prefix used for making verbs.
آبادان
رجوع شود به: آباد
آبان
رجوع شود به: آب۱
آبتین
"مَرد"
Indo-European
Âtos: father, mother, family, race
پدر، مادر، فامیل، نژاد
POK:71, AHD:1507
Avestan
âthoya, âthwya: husband, man
POK:71, FAF:10
Pahlavi
Âspiyan
FAF:10
Persian
Âbtîn: name of a king آبتین
خاصه سیمرغ کیست جز پدر روستم؟
قاتل ضحاک کیست جز پسر آبتین؟ (خاقانی)
SNS:135, MON5: 7, FAF:10
آبرو
رجوع شود به: آب۲
آبریز
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
Pahlavi
âp-rex: water container
FVQ:46, ISS:3
Persian
âbrîz: urn, pitcher آبریز
ISS:3
Indo-European
Leigh 2, Raič: to leave ترک کردن
POK:669, EIV:307
Avestan
rêxt, rêz, hâek: to pour
POK:669, FFD:72, SOD:11
Pahlavi
rextan: to pour
âp-rex: water pot, kettle
BQT, HRN:141,203, FVQ:46, SNS:115
آبسال
بهار
Indo-European
Kel 1: cold or warm, a year سرد یا گرم، سال
NOTE- This root has two opposing meanings
POK:551, SYN:1078
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Old Persian
thard, sard: year
upa-sard: toward the year, beginning of the year, spring
SYN:1012, KNT:188, BQT:7
Persian
âbsâl: spring season آبسال (آبسالان)
همان شیپور با صد راه نالان
بسـان بلبل اندر آبسـالان (ویس و رامین)
BQT:7
آبستن
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Indo-European
Tenu: thin
AHD, POK
Indo-European
Pôu: small, young کوچک، جوان
POK:842
Avestan
tanu: stretched, body
a-puthra-tanu: with child in body
POK:1069, BQT:411,515
Persian
âbestan: "holding child in body"
آبستن
HRN, BQT
آبشار
رجوع شود به: آب۱ + شاریدن
آبنوس
هم: ebony
Egyptian
Hebni: ebony tree (common in India) درخت آبنوس
AHD:411
Greek
ebnos: ebony tree
AHD:411
Pahlavi
âwanos
MON:26
Persian
âbnûs: ebony آبنوس
چو روی هوا گشت چون آبنوس
نهادند بر کوههٔ پیل کوس (فردوسی)
KLN:496, BQT:12


آپادانا
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
apa-dâna: the separate (special) part of a palace
POK:235, HRN:236, KNT:168, FFD:52
Persian
âpâdânâ: the throne room آپادان
BQT:2211, 2214
آتش
Indo-European
Ater: fire آتش
POK:69
Avestan
âtarš, âthra: fire
âthur-pât-gan: fire guard
POK:69, KLN:123
Pahlavi
âtur: fire
BQT:13
Persian
âtaš: fire آتش (آذر)
MON, ETM:59
آجدن
رجوع شود به: آژدن
آجر
Akkadian / Aramaic
Agurru: baked clay, brick گل پخته، آجر
AKD:31, KNT:165
Old Persian
aguru: brick
KNT:165, PLA:6
Pahlavi
âgur
PLA:6
Persian
âgur: brick آگور
PLA:6, MON:78
Arabic
ajur: brick
PLA:6, AKD:31, AFM:7
Persian
âjor: brick آجر
MON:78
NOTE- This word could have entered Arabic directly from Akkadian / Aramaic
آخ
Indo-European
Agh, Aghlo: depressed, disagreeable افسرده، ناسازکار
POK:7,8
Avestan
ağô, ağâ: bad, ugly
POK:8
Pahlavi
âğ, âk: trouble
SNS:38
Persian
âx, ax: a word of rejection and grief آخ، اخ
SNS:38, BQT:90
آختن
رجوع شود به: آهیختن
آخور
هم: خوردن
Indo-European
Swel: to eat خوردن
POK:1045
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
xvar 2, xwar: to eat
avô-xvarena: animal shelter for drinking and eating
POK:1045, AEF:10
Pahlavi
av-xur: stable
MON:1455, BQT:788
Persian
âxor: animals' "drinking place" آخور (آخُر)
MON, FVF:221
آخوند
رجوع شود به: خواندن
آداب
رجوع شود به: ادب
آدم
"از خاک (سرخ)"
Hebrew
Âdhâmah: earth, red soil زمین، خاک سرخ
Âdam: made from red soil (earth), man ساخته شده از خاک سرخ
KLN:21, AHD:14
Arabic
adam
VDQ:106, FVQ:51
Persian
âdam: Adam, person آدم
MON5: 12
آدینه
رجوع شود به: آذین
آذر
رجوع شود به: آتش
آذربایجان
هم: آتش
Indo-European
Ater: fire آتش
POK:69
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Avestan
âtarš, âthra: fire
âthur-pât-gan: fire guard
POK:69, KLN:123
Pahlavi
âtur-pât: fire guard, a hero after whom a province of Iran (Azerbaijan) was named
BQT:13
Persian
Âzarbâyjân: a province in Iran آذربایجان
BQT
آذین
هم: آینه
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Old Persian
vâe-na, vaina: observer
adhi-vaina: ornament
KNT:191, AEF:322, FFD:55
Pahlavi
adhvênak: ornament
BQT:340
Persian
âzîn: ornament آذین
âdîneh: day of "ornaments", Friday آدینه
BQT, SNS:291, AEF:80
آر
مق: هکتار
هم: area
Indo-European
As: to burn سوزاندن
POK:68
Latin
arêre: to become dry (land)
ara: an area (of dry land)
KLN:102
French
are: area
AHD:69
Persian
âr: 100 square meters آر
MON:39, 5159

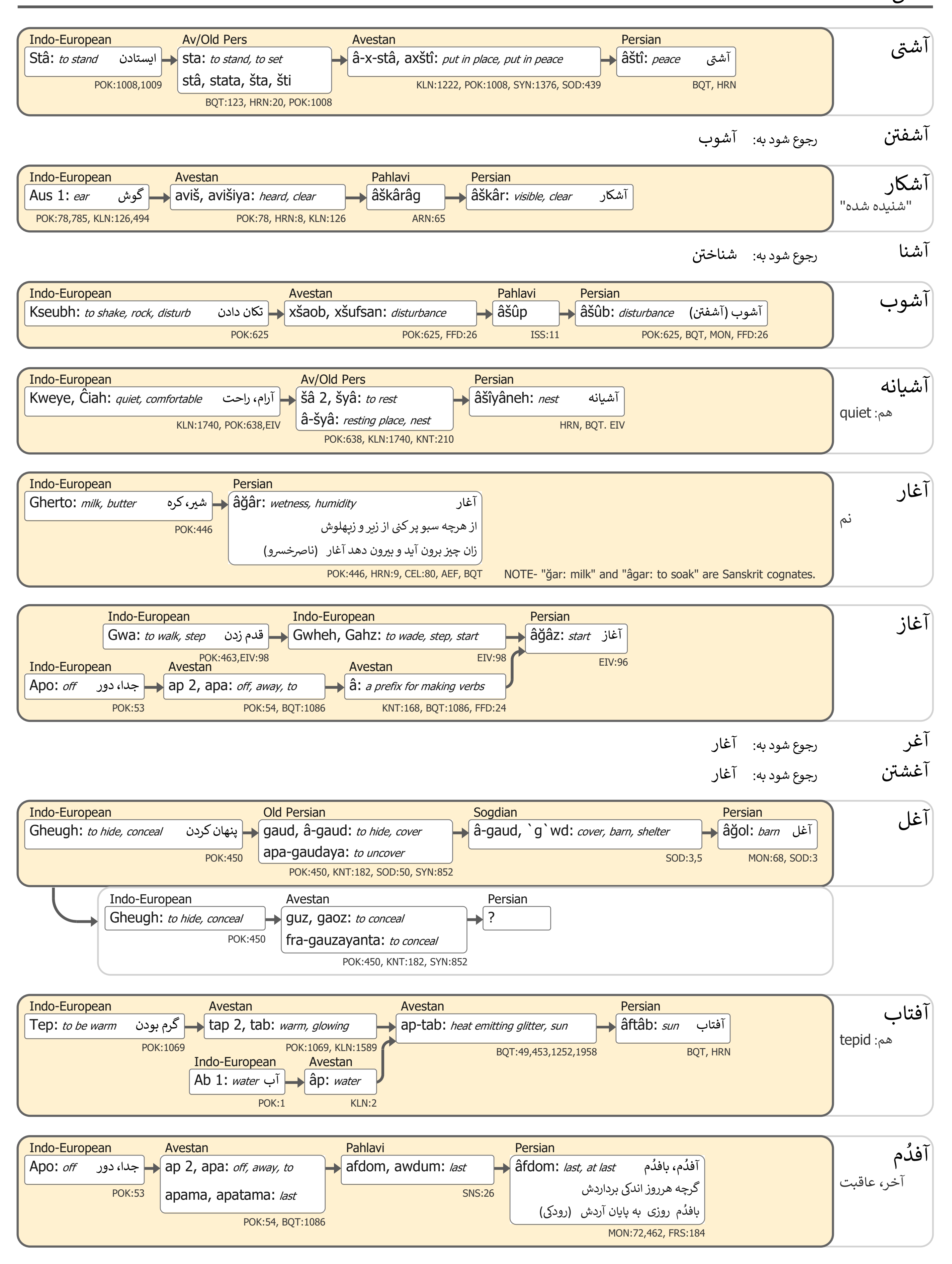


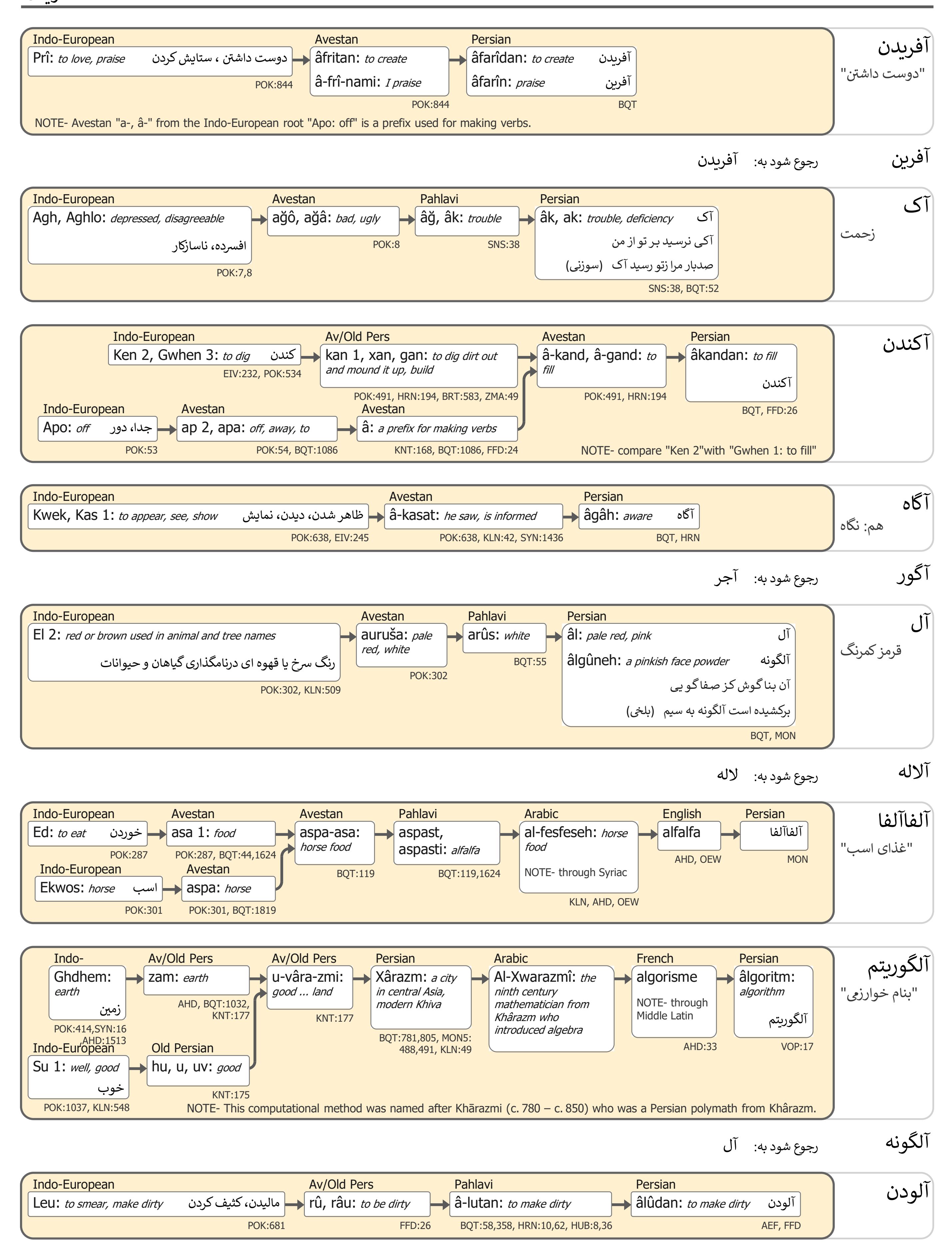
آراستن
هم: پیراستن
order :هم
Indo-European
Apo: off
جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
â: a prefix for making verbs
KNT:168, BQT:1086, FFD:24
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Avestan
â-râd, â-râs: to set up
NOTE- EIV:196 derives this from the root "Reg 1: straight"
WLD:74, POK:56
Persian
ârâstan: decorate
آراستن (آرایش)
BQT, AEF, FFD
آرام
رجوع شود به: رام
آرد
Indo-European
Al 2: to grind خرد کردن
POK:28
Avestan
aša 1, arta 1: to grind
POK:28
Pahlavi
ârd: flour آرد
EIV:166
Persian
ârd: flour آرد
HRN:5, BQT:31
آرزو
هم: بلند
Indo-European
Bhergh: high بالا، بلند
POK:140
Avestan
barz-ahva: higher world
POK:140, KLN:188, KNT:200, VDQ:36
Avestan
bereg, â-bereg: high, desirable
SOD:1
Pahlavi
âwarzog, ârzôk: wish, hope
SOD:1
Persian
ârezu: wish آرزو
BQT, MON:42
آرسنیک
هم: زرد
Indo-European
Ghel: to shine, also a bright yellow color
درخشیدن، زرد روشن
POK:429
Avestan
zairita, zareta: golden, yellow
POK:429, KLN:667, SOD:411
Persian
zarnîx: arsenic
زرنیخ
HRN:145, BQT
Arabic
az-zarnîx
SKT:26, KLN:108
Greek
arsenikon
KLN:108
Persian
ârsenîk: arsenic
آرسنیک
NOTE- through Latin and French
VOP:41
آرش
"باهوش"
light :هم
Indo-European
Leuk: light, brightness نور، روشنایی
POK:687, KNT:205
Avestan
raočah: light
a-raxša: bright
HRN:23,136,140, SYN:470,991, BQT:31
Persian
Âraš: "bright", a male name آرش
BQT, FSF:176
آرنج
elbow :هم
Indo-European
El 1 : to bend, elbow خم کردن، آرنج
POK:308, KLN:509
Avestan
arethna: arm, elbow
POK:308
Persian
ârenj: elbow آرنج
BQT:32, MPP:79
آرواره
Indo-European
Aulos: jaw آرواره
POK:88, ARN:55
Avestan
hanuharena: jaw
ARN:55
Pahlavi
êrwârag
ARN:55
Persian
ârvâreh: jaw آرواره
ARN:55
آروغ
Indo-European
Reug: to vomit, belch, produce smoke or vapor استفراغ ، آروغ زدن ، تولید دود یا بخار
POK:871
Persian
roğ: belch رُغ
âroğ: belch آروغ
POK:871, MON
آری
well :هم
Indo-European
En: in, inside داخل
POK:311
Indo-European
Wel 1: to wish, desire آرزو کردن
POK:1137
Old Persian
adi-var: in truth
POK:311
Pahlavi
ê-var: indeed
HRN:6,20
Persian
ârî: yes آری
HRN
آریا
شریف
Indo-European
Al 1: beyond, above فراتر، بالاتر
POK:24
Indo-European
Aryo, Ario: Lord, ruler
POK:24,67
AV/Old Pers
aria: noble
AHD, POK, IRN:7,28
Persian
Ârîyâ آریا (ایران)
آران، اراک
PRT, MON5, PRT, IRN, FSF
آریغ
رجوع شود به: ریغ

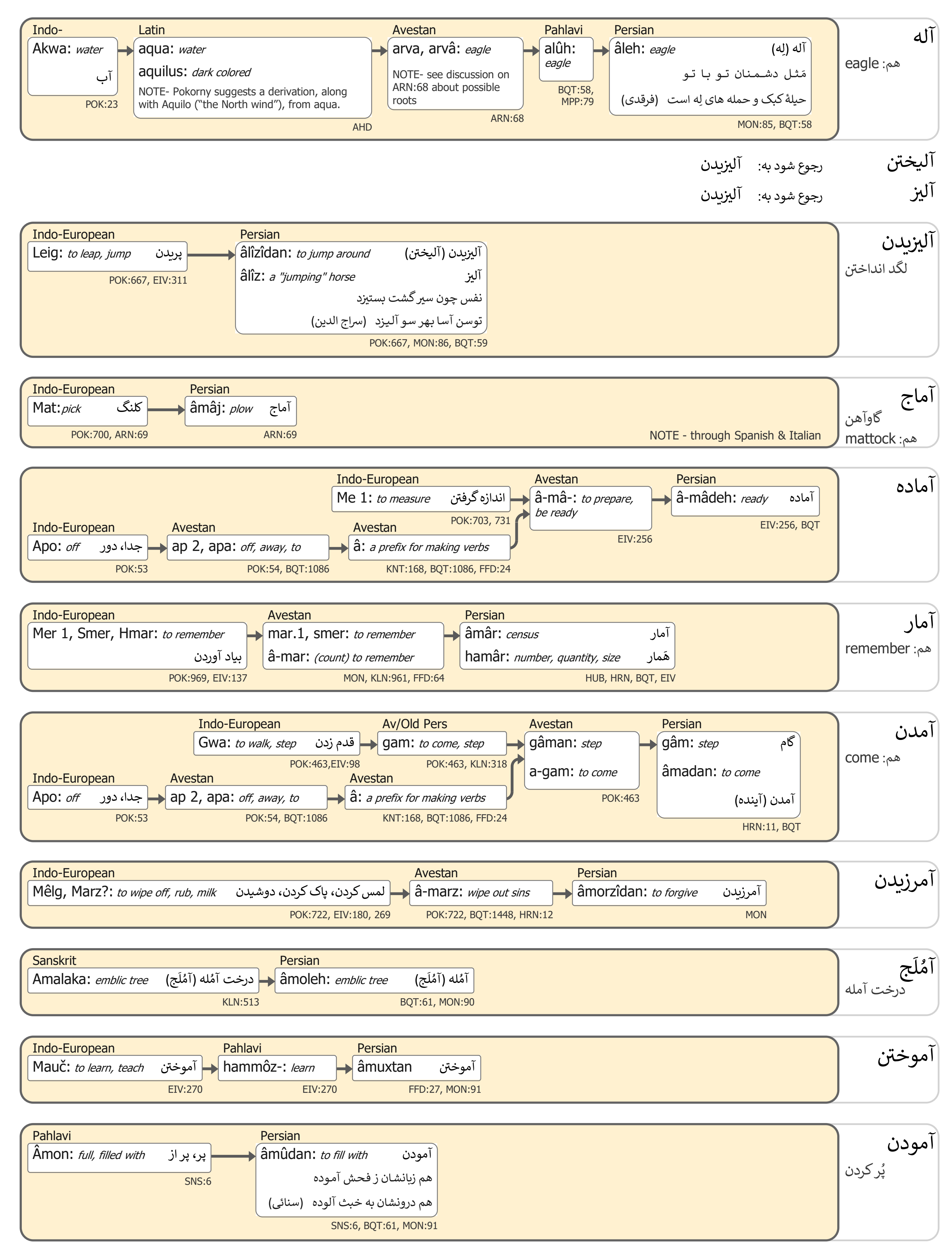

آز
Indo-European
Angh: tight, compressed تنگ، فشرده
Az: to drive, lead راندن (فشردن)
POK:42, EIV:171
Avestan
âz, âzi: need, desire, greed
NOTE- EIV is not certain about this derivation.
BQT:34, EIV:172
Pahlavi
âz: greed
BQT:34, EIV:172
Persian
âz: need, desire, greed آز
BQT
آزاد
Indo-European
Gene: to give birth to زاییدن
POK:373
Avestan
zan 1: to give birth to
â-zâta: free born, noble
POK:373, SOD:462
Persian
âzâd: free آزاد
POK:373, BQT, HRN:181,231
آزار
Indo-European
Gher: to grasp, enclose گرفتن ، محصور کردن
POK:442, 444
Av/Old Pers
zar 1: to harm
â-zâr: harm
WLD1: 603, HRN:6, HUB:6, FFD:25
Persian
âzâr: harm آزار
âzordan: to harm آزردن
WLD1: 603, FFD:25
آزدن رجوع شود به: آژدن
آزردن رجوع شود به: آزار
آزرمیدخت
"دختر همیشه جوان"
Indo-European
Dheugh: to milk شیر دوشیدن
NOTE- Compare with "Dhê 1: to suckle milk"
POK:271,277, WLD:847,868
Indo-European
Ter 2, Tar: a kinship term پسوند گروه یا فامیل
PRT:863, AHD:1500
Indo-European
Dhugh-tar: milker (of the family), daughter
POK:277, WLD:868
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Indo-European
Ger 2, Grnom: to become ripe, grow old. Also means grain
رسیدن، پیر شدن. همچنین غلات
POK:390-391, AEN:444
Av/Old Pers
zarwân, zaurva: old age
POK:390
Avestan
â-zarema-dugedâ: non-aging woman
KLN:404, POK:277,
Persian
Âzarmîdoxt: "ageless woman"
آزرمیدخت
BQT, WLD:868
آزمایش
هم: measure
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Av/Old Pers
mâ 1: to measure
POK:703,731, SYN:54,877,1010
Indo-European
Ud 1: up, out, away بالا، بیرون
POK:1103
Avestan
âiz-mâ, uz-mâ-ta: measure, test
HRN:80,233, ARN:60, BQT:37, FFD:25
Persian
âzmâyeš: test
آزمایش (آزمودن)
BQT
آژدن
سوراخ کردن
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt
زدن، آزردن
POK:492, EIV:222
Avestan
žata, jan., jaiti: to hit, harm, bite
â-ža-ta: harmed
POK:492, HRN:204, BQT:324,
Pahlavi
zîn: to poke, to sew
EIV:29
Persian
âzdan, âjdan, âždan: to poke آزدن، آژدن، آجدن
به داغی جگرشان کنی آژده
که بخشایش آرد بر ایشان دده (فردوسی)
HRN, BQT, FSF, EIV
آژیر
آگاه
Indo-European
Gwei, Jai: to live زندگی کردن
POK:467, EIV:222
Avestan
žîra, â-žîra: alert
POK:468
Persian
zîrak: alert, smart آژیر
سپه را بیارای و آژیر باش
شب و روز با ترکش و تیر باش (فردوسی)
FAF:28
آس
هم: سنگ
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone
تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Av/Old Pers
as, asan: stone
POK:19, KLN:18, KNT
Pahlavi
âs: mill, mill stone
âs-âp: water mill
BQT:39,42,43
Persian
âs: mill آس
âsiyâb: water mill آسیاب (آسیا۱)
BQT
آسایش رجوع شود به: چادر



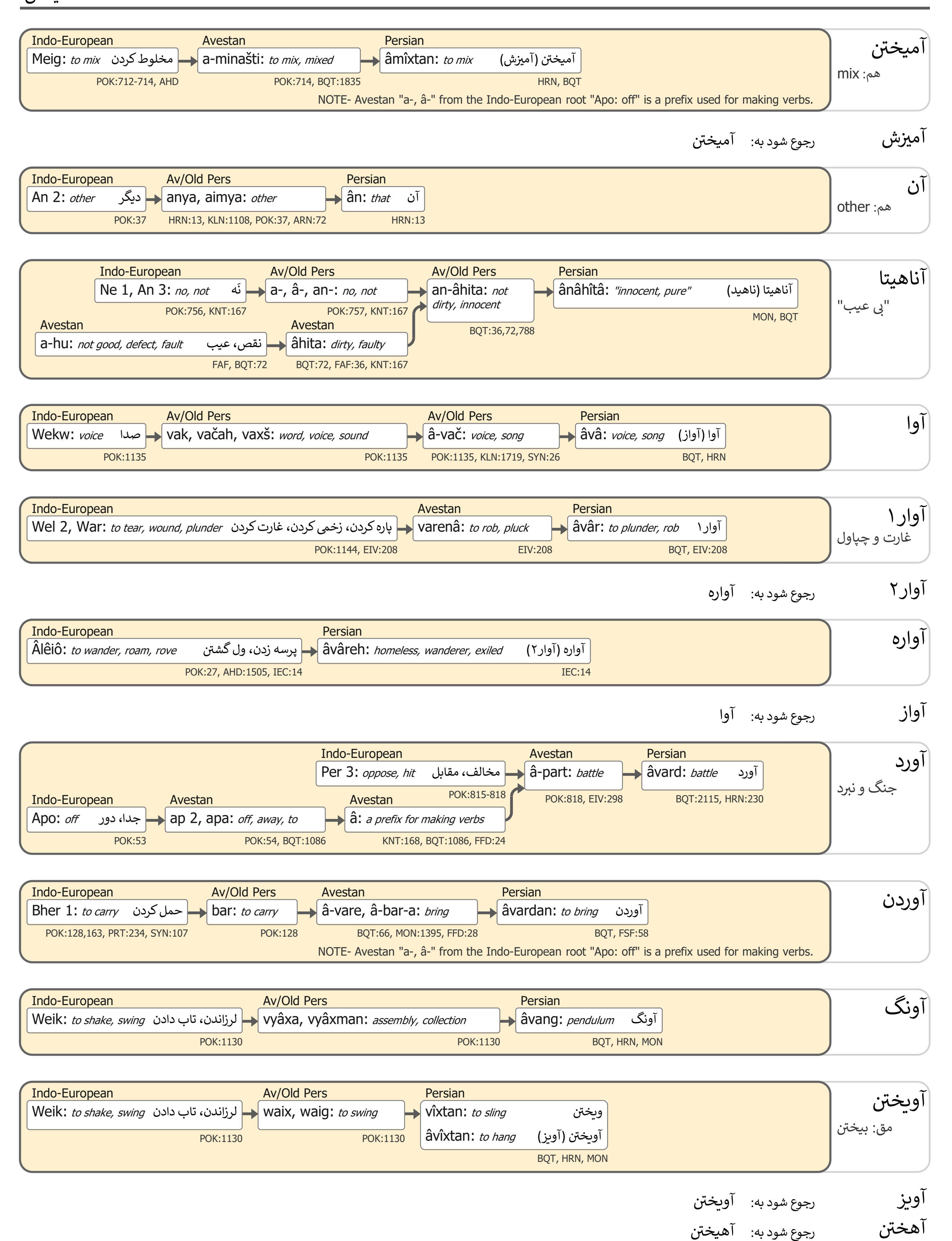
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Av/Old Pers
â-stana: entrance
BQT:123, HRN:20, POK:1008, KNT:210
Persian
âstân: threshold آستان
BQT, MON
آستان
هم: stand
Indo-European
Wes 3: to wear, put on پوشیدن
POK:1172
Avestan
vah, vahna,vanhna, vasta: cover, clothes
POK:1172, KNT:219, ARN:62
Pahlavi
wastar: lining
KLN, AHD, ARN:62
Persian
âstar: lining آستر
ARN:62
آستر
هم: wear
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Avestan
abi-dasta, a-dasta, a-dsta: over hands, sleeve
AHM:220
Persian
âstîn: sleeve آستین
AHM:220
Indo-European
Ghesto: hand دست
POK:447
Av/Old Pers
zasta, dasta: hand
POK:447, KLN:707, KNT:190
آستین
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Indo-European
Mân: to resemble شبیه بودن
EIV:272
Av/Old Pers
as, asan: stone
as-man, as-mana: like stone, sky
POK:19, KLN:18, KNT
Pahlavi
âs-mân: sky
BQT:39,42,43
Persian
âsmân: sky آسمان
BQT
آسمان
"سنگ مانند"
Indo-European
Asksâ, Aksas: axis محور
POK:6, ARN:64
Avestan
ashyâ: axis
POK:6, ARN:64
Persian
âseh: axis آسه
ARN:64, MON:57
آسه
محور
هم: axis
Akkadian
Âsû : to rise, come out (said of the sun)
بالا آمدن (خورشید)
KLN:113, AHD:77
Greek
asia: land of sunrise, the East
KLN:113, AHD:77
Latin
French
Persian
âsîyâ: Asia آسیا۲
MON5: 37
آسیا
"محل طلوع آفتاب"
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Av/Old Pers
as, asan: stone
POK:19, KLN:18, KNT
Pahlavi
âs: mill, mill stone
âs-âp: water mill
BQT:39,42,43
Persian
âsiyâb: water mill آسیاب (آسیا۱)
BQT
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
آسیاب
Indo-European
Neku: to reach, arrive, carry رسیدن، حمل کردن
POK:316, KLN:524
Old Persian
âs, âsa: to arrive, come آمدن، رسیدن
TZF:62
Persian
âsîdan: to arrive, come آسیدن
زبان پهلوی هرکو شناسد
خراسان آن بود کزوی خورآسد (فخر گرگانی)
TZF:62
آسیدن
رسیدن
Indo-European
Neku: to reach, arrive, carry
POK:316, KLN:524
Avestan
nas 2: to reach
naš: to carry
fra-nâš: to bring
asa 2: shipment
KLN:524, SYN:707, BRT:1067
Persian
?
Indo-European
Ed: to eat خوردن
POK:287
Avestan
adâiti: to eat
asa 1: food
POK:287, BQT:44,1624
Persian
âš: a kind of soup آش
BQT:2099
آش
هم: eat
Indo-European
Kwen 3, Kwem, Ĉîam: to swallow بلعیدن
EIV:40
Avestan
šam: swallow
EIV:40
Persian
âšâmîdan: to drink آشامیدن
EIV:40
آشامیدن
هم: کام۲

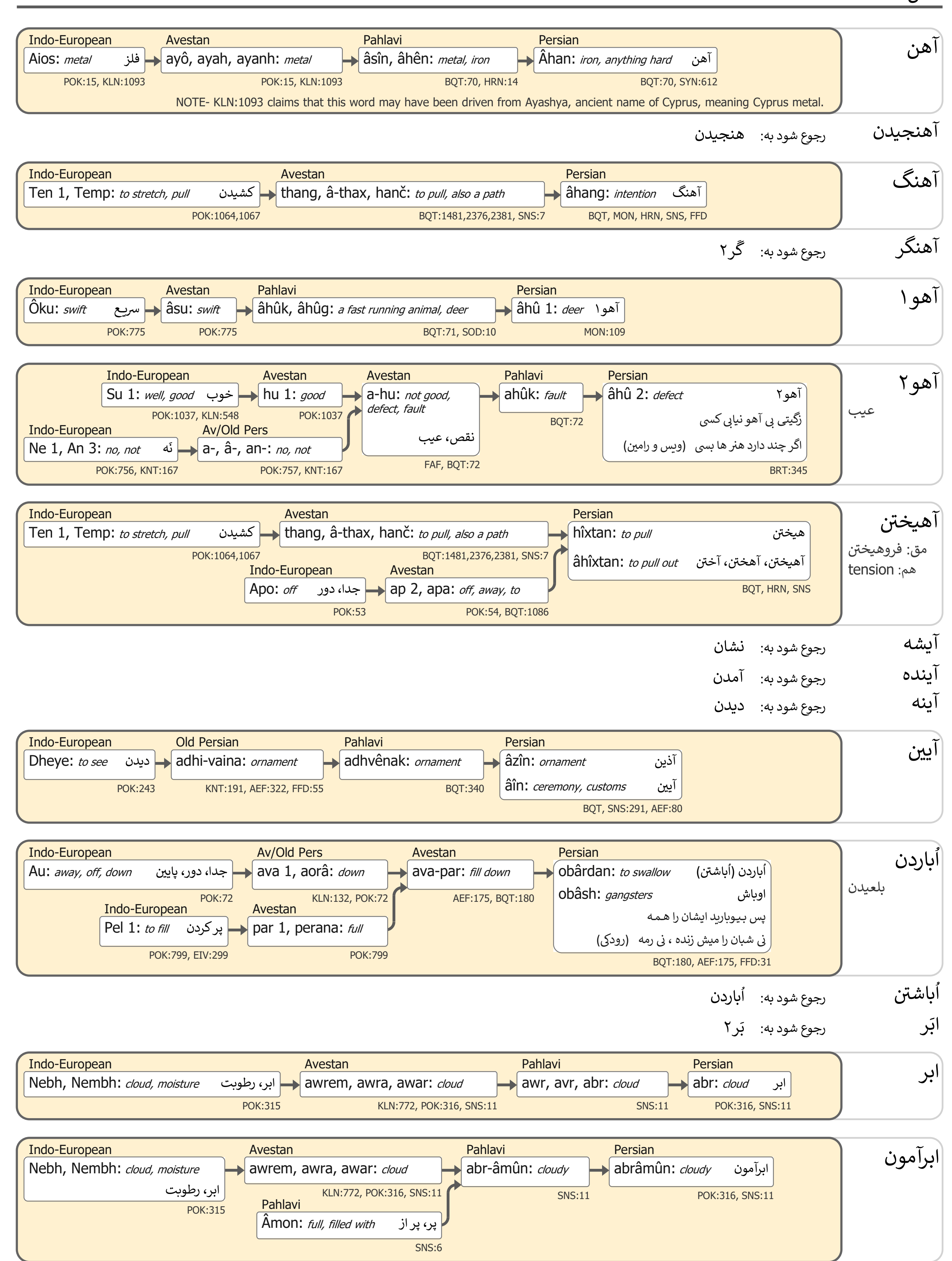

آشتی
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
stâ, stata, šta, šti
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Avestan
â-x-stâ, axštî: put in place, put in peace
KLN:1222, POK:1008, SYN:1376, SOD:439
Persian
âštî: peace آشتی
BQT, HRN
آشفتن
رجوع شود به: آشوب
آشکار
"شنیده شده"
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Avestan
aviš, avišiya: heard, clear
POK:78, HRN:8, KLN:126
Pahlavi
âškârâg
ARN:65
Persian
âškâr: visible, clear آشکار
آشنا
رجوع شود به: شناختن
آشوب
Indo-European
Kseubh: to shake, rock, disturb تکان دادن
POK:625
Avestan
xšaob, xšufsan: disturbance
POK:625, FFD:26
Pahlavi
âšûp
ISS:11
Persian
âšûb: disturbance آشوب (آشفتن)
POK:625, BQT, MON, FFD:26
آشیانه
هم: quiet
Indo-European
Kweye, Ĉiah: quiet, comfortable آرام، راحت
KLN:1740, POK:638,EIV
Av/Old Pers
šâ 2, šyâ: to rest
â-šyâ: resting place, nest
POK:638, KLN:1740, KNT:210
Persian
âšîyâneh: nest آشیانه
HRN, BQT. EIV
آغار
نم
Indo-European
Gherto: milk, butter شیر، کره
POK:446
Persian
âğâr: wetness, humidity آغار
از هرچه سبو پر کنی از زیر و زِبهلوش
زان چیز برون آید و بیرون دهد آغار (ناصرخسرو)
POK:446, HRN:9, CEL:80, AEF, BQT
NOTE- "ğar: milk" and "âgar: to soak" are Sanskrit cognates.
آغاز
Indo-European
Gwa: to walk, step قدم زدن
POK:463,EIV:98
Indo-European
Gwheh, Gahz: to wade, step, start
EIV:98
Persian
âğâz: start آغاز
EIV:96
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
â: a prefix for making verbs
KNT:168, BQT:1086, FFD:24
آغر
رجوع شود به: آغار
آغشتن
رجوع شود به: آغار
آغل
Indo-European
Gheugh: to hide, conceal پنهان کردن
POK:450
Old Persian
gaud, â-gaud: to hide, cover
apa-gaudaya: to uncover
POK:450, KNT:182, SOD:50, SYN:852
Sogdian
â-gaud, `g`wd: cover, barn, shelter
SOD:3,5
Persian
âğol: barn آغل
MON:68, SOD:3
Indo-European
Gheugh: to hide, conceal
POK:450
Avestan
guz, gaoz: to conceal
fra-gauzayanta: to conceal
POK:450, KNT:182, SYN:852
Persian
?
آفتاب
هم: tepid
Indo-European
Tep: to be warm گرم بودن
POK:1069
Avestan
tap 2, tab: warm, glowing
POK:1069, KLN:1589
Avestan
ap-tab: heat emitting glitter, sun
BQT:49,453,1252,1958
Persian
âftâb: sun آفتاب
BQT, HRN
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
آفدُم
آخر، عاقبت
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
apama, apatama: last
POK:54, BQT:1086
Pahlavi
afdom, awdum: last
SNS:26
Persian
âfdom: last, at last آفدُم، بافدُم
گرچه هرروز اندکی بردارش
بافدُم روزی به پایان آردش (رودکی)
MON:72,462, FRS:184

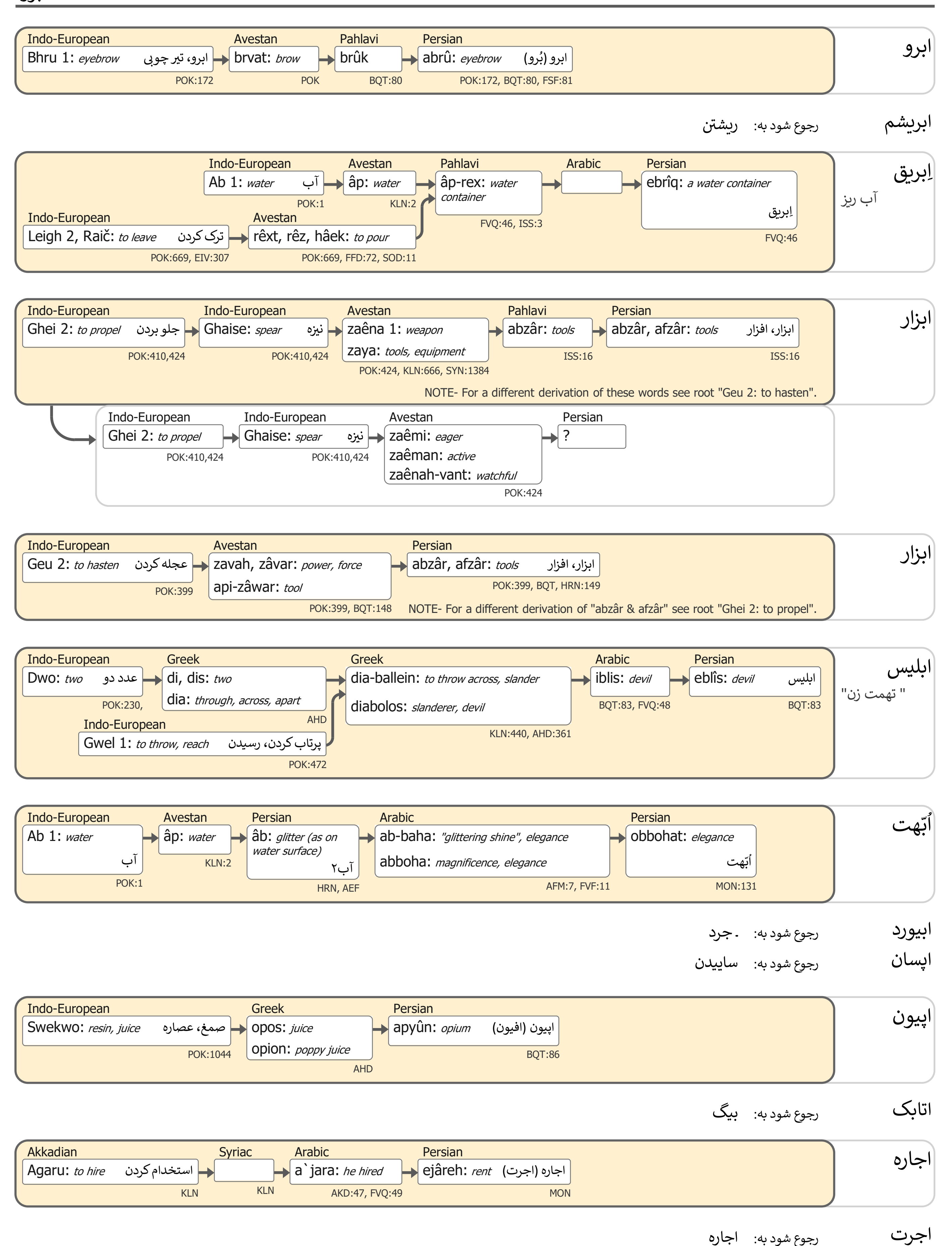

آفریدن
"دوست داشتن"
Indo-European
Prî: to love, praise دوست داشتن ، ستایش کردن
POK:844
Avestan
âfritan: to create
â-frî-nami: I praise
POK:844
Persian
âfarîdan: to create آفریدن
âfarîn: praise آفرین
BQT
NOTE- Avestan "a-, â-" from the Indo-European root "Apo: off" is a prefix used for making verbs.
آفرین
رجوع شود به: آفریدن
آک
زحمت
Indo-European
Agh, Aghlo: depressed, disagreeable
افسرده، ناسازکار
POK:7,8
Avestan
aǧô, aǧâ: bad, ugly
POK:8
Pahlavi
âǧ, âk: trouble
SNS:38
Persian
âk, ak: trouble, deficiency آک
آکی نرسید بر تو از من
صدبار مرا زتو رسید آک (سوزنی)
SNS:38, BQT:52
آکندن
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Avestan
â-kand, â-gand: to fill
POK:491, HRN:194
Persian
âkandan: to fill
آکندن
BQT, FFD:26
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
â: a prefix for making verbs
KNT:168, BQT:1086, FFD:24
NOTE- compare "Ken 2"with "Gwhen 1: to fill"
آگاه
هم: نگاه
Indo-European
Kwek, Kas 1: to appear, see, show ظاهر شدن، دیدن، نمایش
POK:638, EIV:245
Avestan
â-kasat: he saw, is informed
POK:638, KLN:42, SYN:1436
Persian
âgâh: aware آگاه
BQT, HRN
آگور
رجوع شود به: آجر
آل
قرمز کمرنگ
Indo-European
El 2: red or brown used in animal and tree names
رنگ سرخ یا قهوه ای درنامگذاری گیاهان و حیوانات
POK:302, KLN:509
Avestan
auruša: pale red, white
POK:302
Pahlavi
arûs: white
BQT:55
Persian
âl: pale red, pink آل
âlgûneh: a pinkish face powder آلگونه
آن بنا گوش کز صفا گویی
برکشیده است آلگونه به سیم (بلخی)
BQT, MON
آلاله
رجوع شود به: لاله
آلفاآلفا
"غذای اسب"
Indo-European
Ed: to eat خوردن
POK:287
Avestan
asa 1: food
POK:287, BQT:44,1624
Avestan
aspa-asa: horse food
BQT:119
Pahlavi
aspast, aspasti: alfalfa
BQT:119,1624
Arabic
al-fesfeseh: horse food
NOTE- through Syriac
KLN, AHD, OEW
English
alfalfa
AHD, OEW
Persian
آلفاآلفا
MON
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
آلگوریتم
"بنام خوارزمی"
Indo-
Ghdhem: earth
زمین
POK:414,SYN:16
AHD:1513
Av/Old Pers
zam: earth
AHD, BQT:1032, KNT:177
Av/Old Pers
u-vâra-zmi: good ... land
KNT:177
Persian
Xârazm: a city in central Asia, modern Khiva
BQT:781,805, MON5: 488,491, KLN:49
Arabic
Al-Xwarazmî: the ninth century mathematician from Khârazm who introduced algebra
French
algorisme
NOTE- through Middle Latin
AHD:33
Persian
âlgoritm: algorithm
آلگوریتم
VOP:17
Indo-European
Su 1: well, good
خوب
POK:1037, KLN:548
Old Persian
hu, u, uv: good
KNT:175
NOTE- This computational method was named after Khārazmi (c. 780 – c. 850) who was a Persian polymath from Khârazm.
آلگونه
رجوع شود به: آل
آلودن
Indo-European
Leu: to smear, make dirty مالیدن، کثیف کردن
POK:681
Av/Old Pers
rû, râu: to be dirty
FFD:26
Pahlavi
â-lutan: to make dirty
BQT:58,358, HRN:10,62, HUB:8,36
Persian
âlûdan: to make dirty آلودن
AEF, FFD



آله
هم: eagle
Indo-
Akwa: water
آب
POK:23
Latin
aqua: water
aquilus: dark colored
NOTE- Pokorny suggests a derivation, along with Aquilo ("the North wind"), from aqua.
AHD
Avestan
arva, arvâ: eagle
NOTE- see discussion on ARN:68 about possible roots
ARN:68
Pahlavi
alûh: eagle
BQT:58, MPP:79
Persian
âleh: eagle
آله (لِه)
مَثل دشمنان تو با تو
حیلهٔ کبک و حمله های لِه است (فرقدی)
MON:85, BQT:58
آلیختن
رجوع شود به: آلیزیدن
آلیز
رجوع شود به: آلیزیدن
آلیزیدن
لگد انداختن
Indo-European
Leig: to leap, jump
پریدن
POK:667, EIV:311
Persian
âlîzîdan: to jump around
آلیزیدن (آلیختن)
âlîz: a "jumping" horse
آلیز
نفس چون سیر گشت بستیزد
توسن آسا بهر سو آلیزد (سراج الدین)
POK:667, MON:86, BQT:59
آماج
گاوآهن
هم: mattock
Indo-European
Mat: pick
کلنگ
POK:700, ARN:69
Persian
âmâj: plow
آماج
ARN:69
NOTE - through Spanish & Italian
آماده
Indo-European
Me 1: to measure
اندازه گرفتن
POK:703, 731
Avestan
â-mâ-: to prepare, be ready
EIV:256
Persian
â-mâdeh: ready
آماده
EIV:256, BQT
Indo-European
Apo: off
جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
â: a prefix for making verbs
KNT:168, BQT:1086, FFD:24
آمار
هم: remember
Indo-European
Mer 1, Smer, Hmar: to remember
بیاد آوردن
POK:969, EIV:137
Avestan
mar.1, smer: to remember
â-mar: (count) to remember
MON, KLN:961, FFD:64
Persian
âmâr: census
آمار
hamâr: number, quantity, size
هَمار
HUB, HRN, BQT, EIV
آمدن
هم: come
Indo-European
Gwa: to walk, step
قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
POK:463, KLN:318
Avestan
gâman: step
a-gam: to come
POK:463
Persian
gâm: step
گام
âmadan: to come
آمدن (آینده)
HRN:11, BQT
Indo-European
Apo: off
جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
â: a prefix for making verbs
KNT:168, BQT:1086, FFD:24
آمرزیدن
Indo-European
Mêlg, Marz?: to wipe off, rub, milk
لمس کردن، پاک کردن، دوشیدن
POK:722, EIV:180, 269
Avestan
â-marz: wipe out sins
POK:722, BQT:1448, HRN:12
Persian
âmorzîdan: to forgive
آمرزیدن
MON
آمُلَج
درخت آمله
Sanskrit
Amalaka: emblic tree
درخت آمُلَه (آمُلَج)
KLN:513
Persian
âmoleh: emblic tree
آمُلَه (آمُلَج)
BQT:61, MON:90
آموختن
Indo-European
Mauč: to learn, teach
آموختن
EIV:270
Pahlavi
hammôz-: learn
EIV:270
Persian
âmuxtan
آموختن
FFD:27, MON:91
آمودن
پُر کردن
Pahlavi
Âmon: full, filled with
پر، پر از
SNS:6
Persian
âmûdan: to fill with
آمودن
هم زبانشان ز فحش آموده
هم درونشان به خبث آلوده (سنائی)
SNS:6, BQT:61, MON:91


آمیختن
هم: mix
Indo-European
Meig: to mix مخلوط کردن
POK:712-714, AHD
Avestan
a-minašti: to mix, mixed
POK:714, BQT:1835
Persian
âmîxtan: to mix آمیختن (آمیزش)
HRN, BQT
NOTE- Avestan "a-, â-" from the Indo-European root "Apo: off" is a prefix used for making verbs.
آمیزش
رجوع شود به: آمیختن
آن
هم: other
Indo-European
An 2: other دیگر
POK:37
Av/Old Pers
anya, aimya: other
HRN:13, KLN:1108, POK:37, ARN:72
Persian
ân: that آن
HRN:13
آناهیتا
"بی عیب"
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Av/Old Pers
an-âhita: not dirty, innocent
BQT:36,72,788
Persian
ânâhîtâ: "innocent, pure" آناهیتا (ناهید)
MON, BQT
Avestan
a-hu: not good, defect, fault نقص، عیب
FAF, BQT:72
Avestan
âhita: dirty, faulty
BQT:72, FAF:36, KNT:167
آوا
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Av/Old Pers
â-vač: voice, song
POK:1135, KLN:1719, SYN:26
Persian
âvâ: voice, song آوا (آواز)
BQT, HRN
آوار۱
غارت و چپاول
Indo-European
Wel 2, War: to tear, wound, plunder پاره کردن، زخمی کردن، غارت کردن
POK:1144, EIV:208
Avestan
varenâ: to rob, pluck
EIV:208
Persian
âvâr: to plunder, rob آوار۱
BQT, EIV:208
آوار۲
رجوع شود به: آواره
آواره
Indo-European
Âlêiô: to wander, roam, rove پرسه زدن، ول گشتن
POK:27, AHD:1505, IEC:14
Persian
âvâreh: homeless, wanderer, exiled آواره (آوار۲)
IEC:14
آواز
رجوع شود به: آوا
آورد
جنگ و نبرد
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
â-part: battle
POK:818, EIV:298
Persian
âvard: battle آورد
BQT:2115, HRN:230
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
â: a prefix for making verbs
KNT:168, BQT:1086, FFD:24
آوردن
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Avestan
â-vare, â-bar-a: bring
BQT:66, MON:1395, FFD:28
Persian
âvardan: to bring آوردن
BQT, FSF:58
NOTE- Avestan "a-, â-" from the Indo-European root "Apo: off" is a prefix used for making verbs.
آونگ
Indo-European
Weik: to shake, swing لرزاندن، تاب دادن
POK:1130
Av/Old Pers
vyâxa, vyâxman: assembly, collection
POK:1130
Persian
âvang: pendulum آونگ
BQT, HRN, MON
آویختن
مق: بیختن
Indo-European
Weik: to shake, swing لرزاندن، تاب دادن
POK:1130
Av/Old Pers
waix, waig: to swing
POK:1130
Persian
vîxtan: to sling ویختن
âvîxtan: to hang آویختن (آویز)
BQT, HRN, MON
آویز
رجوع شود به: آویختن
آهختن
رجوع شود به: آهیختن


آهن
Indo-European
Aios: metal فلز
POK:15, KLN:1093
Avestan
ayô, ayah, ayanh: metal
POK:15, KLN:1093
Pahlavi
âsîn, âhên: metal, iron
BQT:70, HRN:14
Persian
Âhan: iron, anything hard آهن
BQT:70, SYN:612
NOTE- KLN:1093 claims that this word may have been driven from Ayashya, ancient name of Cyprus, meaning Cyprus metal.
آهنجیدن
رجوع شود به: هنجیدن
آهنگ
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
thang, â-thax, hanč: to pull, also a path
BQT:1481,2376,2381, SNS:7
Persian
âhang: intention آهنگ
BQT, MON, HRN, SNS, FFD
آهنگر
رجوع شود به: گر۲
آهو۱
Indo-European
Ôku: swift سریع
POK:775
Avestan
âsu: swift
POK:775
Pahlavi
âhûk, âhûg: a fast running animal, deer
BQT:71, SOD:10
Persian
âhû 1: deer آهو۱
MON:109
آهو۲
عیب
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Avestan
a-hu: not good, defect, fault
نقص، عیب
FAF, BQT:72
Pahlavi
ahûk: fault
BQT:72
Persian
âhû 2: defect آهو۲
زگیتی بی آهو نیابی کسی
اگر چند دارد هنر ها بسی (ویس و رامین)
BRT:345
آهیختن
مق: فروهیختن
هم: tension
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
thang, â-thax, hanč: to pull, also a path
BQT:1481,2376,2381, SNS:7
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Persian
hîxtan: to pull هیختن
âhîxtan: to pull out آهیختن، آهختن، آختن
BQT, HRN, SNS
آیشه
رجوع شود به: نشان
آینده
رجوع شود به: آمدن
آینه
رجوع شود به: دیدن
آیین
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Old Persian
adhi-vaina: ornament
KNT:191, AEF:322, FFD:55
Pahlavi
adhvênak: ornament
BQT:340
Persian
âzîn: ornament آذین
âîn: ceremony, customs آیین
BQT, SNS:291, AEF:80
اُباردن
بلعیدن
Indo-European
Au: away, off, down جدا، دور، پایین
POK:72
Av/Old Pers
ava 1, aorâ: down
KLN:132, POK:72
Indo-European
Pel 1: to fill پر کردن
POK:799, EIV:299
Avestan
par 1, perana: full
POK:799
Avestan
ava-par: fill down
AEF:175, BQT:180
Persian
obârdan: to swallow اُباردن (اُباشتن)
obâsh: gangsters اوباش
پس بیوباربد ایشان را همه
نی شبان را میش زنده ، نی رمه (رودکی)
BQT:180, AEF:175, FFD:31
اُباشتن
رجوع شود به: اُباردن
ابَر
رجوع شود به: بَر۲
ابر
Indo-European
Nebh, Nembh: cloud, moisture ابر، رطوبت
POK:315
Avestan
awrem, awra, awar: cloud
KLN:772, POK:316, SNS:11
Pahlavi
awr, avr, abr: cloud
SNS:11
Persian
abr: cloud ابر
POK:316, SNS:11
ابرآمون
Indo-European
Nebh, Nembh: cloud, moisture
ابر، رطوبت
POK:315
Avestan
awrem, awra, awar: cloud
KLN:772, POK:316, SNS:11
Pahlavi
Âmon: full, filled with پر، پر از
SNS:6
Pahlavi
abr-âmûn: cloudy
SNS:11
Persian
abrâmûn: cloudy ابرآمون
POK:316, SNS:11


ابرو
Indo-European
Bhru 1: eyebrow ابرو، تیر چوبی
POK:172
Avestan
brvat: brow
POK
Pahlavi
brûk
BQT:80
Persian
abrû: eyebrow ابرو (بُرو)
POK:172, BQT:80, FSF:81
ابریشم
رجوع شود به: ریشتن
اِبریق
آب ریز
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
Pahlavi
âp-rex: water container
FVQ:46, ISS:3
Arabic
Persian
ebrîq: a water container
اِبریق
FVQ:46
Indo-European
Leigh 2, Raič: to leave ترک کردن
POK:669, EIV:307
Avestan
rêxt, rêz, hâek: to pour
POK:669, FFD:72, SOD:11
ابزار
Indo-European
Ghei 2: to propel جلو بردن
POK:410,424
Indo-European
Ghaise: spear نیزه
POK:410,424
Avestan
zaêna 1: weapon
zaya: tools, equipment
POK:424, KLN:666, SYN:1384
Pahlavi
abzâr: tools
ISS:16
Persian
abzâr, afzâr: tools ابزار، افزار
ISS:16
NOTE- For a different derivation of these words see root "Geu 2: to hasten".
Indo-European
Ghei 2: to propel
POK:410,424
Indo-European
Ghaise: spear نیزه
POK:410,424
Avestan
zaêmi: eager
zaêman: active
zaênah-vant: watchful
POK:424
Persian
?
ابزار
Indo-European
Geu 2: to hasten عجله کردن
POK:399
Avestan
zavah, zâvar: power, force
api-zâwar: tool
POK:399, BQT:148
Persian
abzâr, afzâr: tools ابزار، افزار
POK:399, BQT, HRN:149
NOTE- For a different derivation of "abzâr & afzâr" see root "Ghei 2: to propel".
ابلیس
" تهمت زن "
Indo-European
Dwo: two عدد دو
POK:230,
Greek
di, dis: two
dia: through, across, apart
AHD
Indo-European
Gwel 1: to throw, reach پرتاب کردن، رسیدن
POK:472
Greek
dia-ballein: to throw across, slander
diabolos: slanderer, devil
KLN:440, AHD:361
Arabic
iblis: devil
BQT:83, FVQ:48
Persian
eblîs: devil ابلیس
BQT:83
اُبّهت
Indo-European
Ab 1: water
آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
Persian
âb: glitter (as on water surface)
آب۲
HRN, AEF
Arabic
ab-baha: "glittering shine", elegance
abboha: magnificence, elegance
AFM:7, FVF:11
Persian
obbohat: elegance
اُبّهت
MON:131
ابیورد
رجوع شود به: جرد.
اپسان
رجوع شود به: ساییدن
اپیون
Indo-European
Swekwo: resin, juice صمغ، عصاره
POK:1044
Greek
opos: juice
opion: poppy juice
AHD
Persian
apyûn: opium اپیون (افیون)
BQT:86
اتابک
رجوع شود به: بیگ
اجاره
Akkadian
Agaru: to hire استخدام کردن
KLN
Syriac
KLN
Arabic
a`jara: he hired
AKD:47, FVQ:49
Persian
ejâreh: rent اجاره (اجرت)
MON
اجرت
رجوع شود به: اجاره

اخ

Indo-European — Agh, Aghlo: *depressed, disagreeable* افسرده، ناسازکار (POK:7,8) → Avestan — ağô, ağâ: *bad, ugly* (POK:8) → Pahlavi — âğ, âk: *trouble* (SNS:38) → Persian — âx, ax: *a word of rejection and grief* آخ، اخ (SNS:38, BQT:90)

اختر

Avestan — Apânk: *turned backwards, north* بازگشت، شمال (SYN:873) → Pahlavi — apâxtar: *north, north star*; axtar: *star* (SYN:870, BQT:99, FSF:58) → Persian — axtar: *star, fate* اختر (BQT, FSF)

ادب

Sumerian — Dub: *tablet, scripture* لوحه، نوشته (AKD:19, BQT:823) → Old Persian — dipi: *to write* (BQT:823) → Persian — teacher دبیر (دبستان، دیباچه، دیوان) (BQT:824, KLN:467, AKD:19, ETM:36) → Arabic — adab: *literature* (FVF:13,273) → Persian — adab: *literature* ادب (آداب، ادبیات) (FVA:28, FVF:273)

ادبیات

رجوع شود به: ادب

ارّابه

رجوع شود به: ارّاده

ارّاده

Indo-European — Ret: *to roll, run* قلتیدن، دویدن (POK:866) → Avestan — ratha: *chariot* (POK:866, ARN:302) → Persian — arrâdeh: *chariot* ارّاده (ارّابه) (BQT:97,1895, MON:191, ARN:78)

Indo-European — Ret: *to roll, run* (POK:866) → Old Persian — ratha: *chariot* (KNT:176) → Persian — ?

اراک

رجوع شود به: آریا

آران

رجوع شود به: آریا

ارتش

"سوار بر ارابه"

Indo-European — Stâ: *to stand* ایستادن (POK:1008,1009) + Indo-European — Ret: *to roll, run* قلتیدن، دویدن (POK:866) → Avestan — ratha: *chariot* (POK:866, ARN:302) → Avestan — ratha-eštra: *"standing on a chariot"* (POK:866, MON:191) → Persian — arteš: *army* ارتش (BQT:97, 1895)

ارج

Indo-European — Algwh: *worth, value* ارزش (POK:32) → Avestan — arej, arejah: *value*; varejah, varecah: *value* (POK:32, SYN:826) → Persian — arj: *value* ارج (ارز، ورج، ارزیدن، ارزش)

نه تنها شه و خسروکشور است
که شاه است و با ورج پیغمبر است (فردوسی)

(BQT, HRN:241, MON)

ارجاسپ

"دارای اسبان ارزشمند"

Indo-European — Ekwos: *horse* اسب (POK:301) → Avestan — aspa: *horse* (POK:301, BQT:1819) + Indo-European — Algwh: *worth, value* ارزش (POK:32) → Avestan — arej, arejah: *value* (POK:32, SYN:826) → Avestan — arejat-aspa: *(with) valuable horses* (BQT, POK:1082, KNT, HRN:206, MON5: 419) → Persian — arjâsp: *"with valuable horses"* ارجاسپ (MON)

ارد

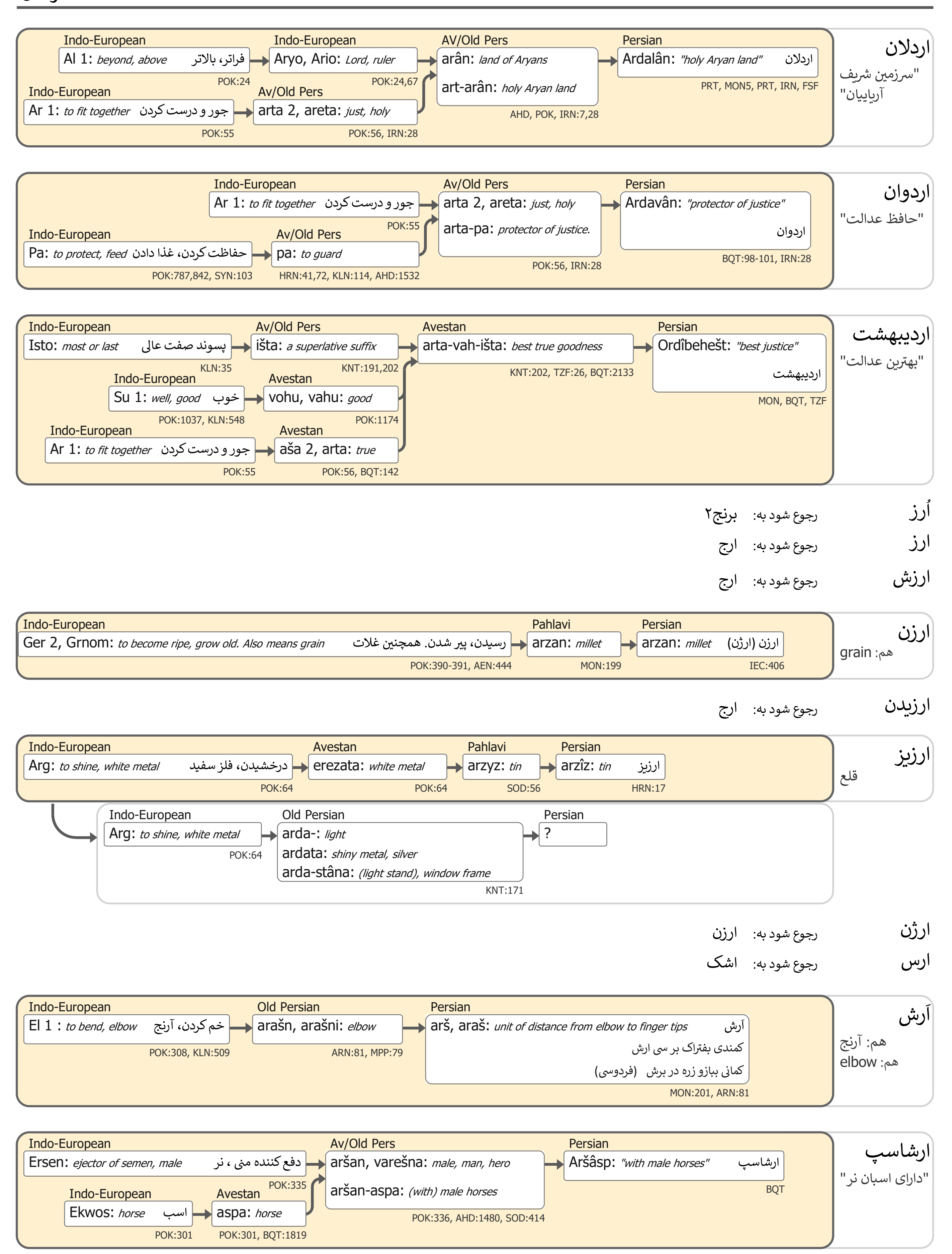
عدالت
هم: reason

Indo-European — Ar 1: *to fit together* جور و درست کردن (POK:55) → Av/Old Pers — arta 2, areta: *just, holy*; arata, aradra: *true* (POK:56, IRN:28) → Persian — ard: *just* ارد (BQT:98-101, IRN:28)

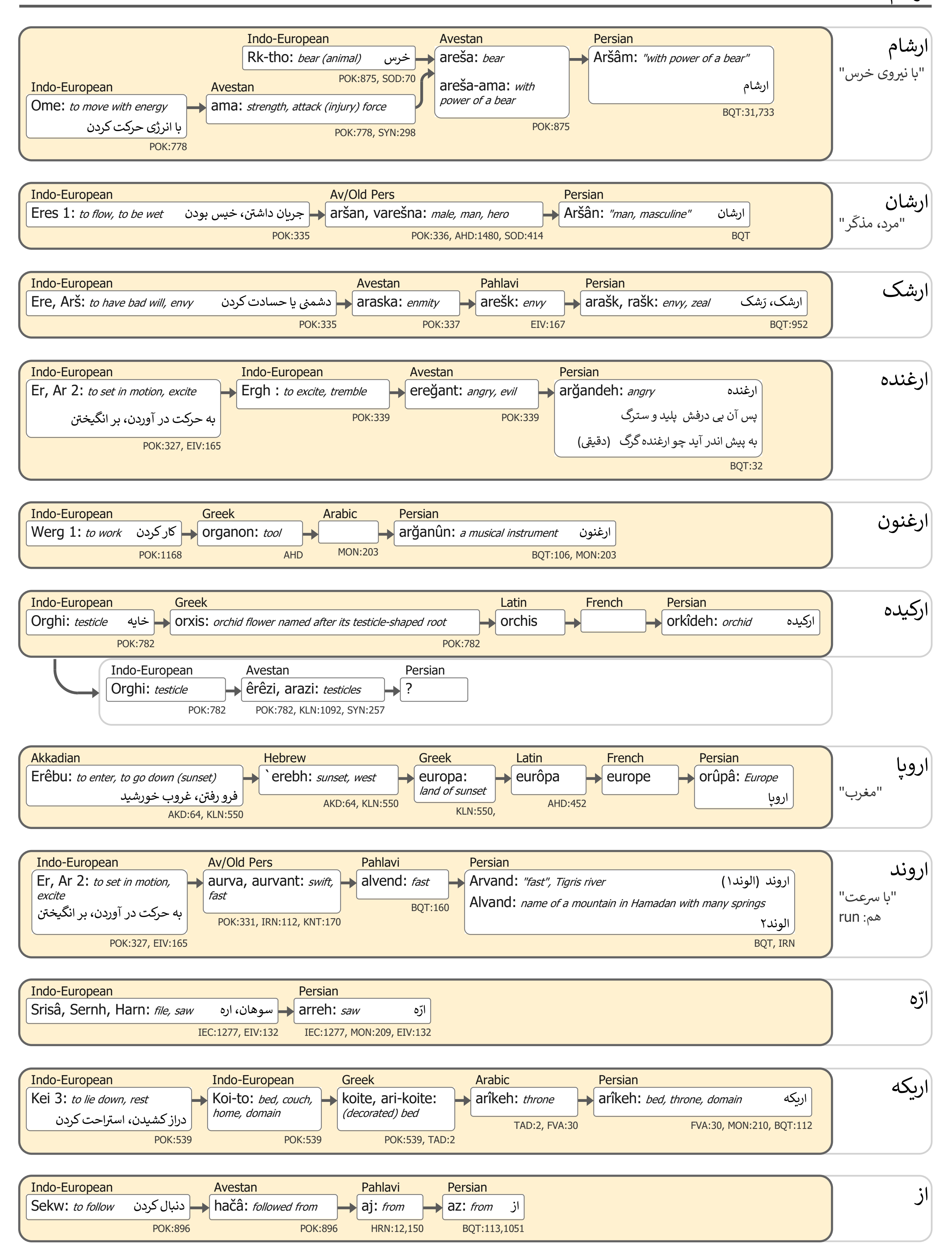
اردشیر

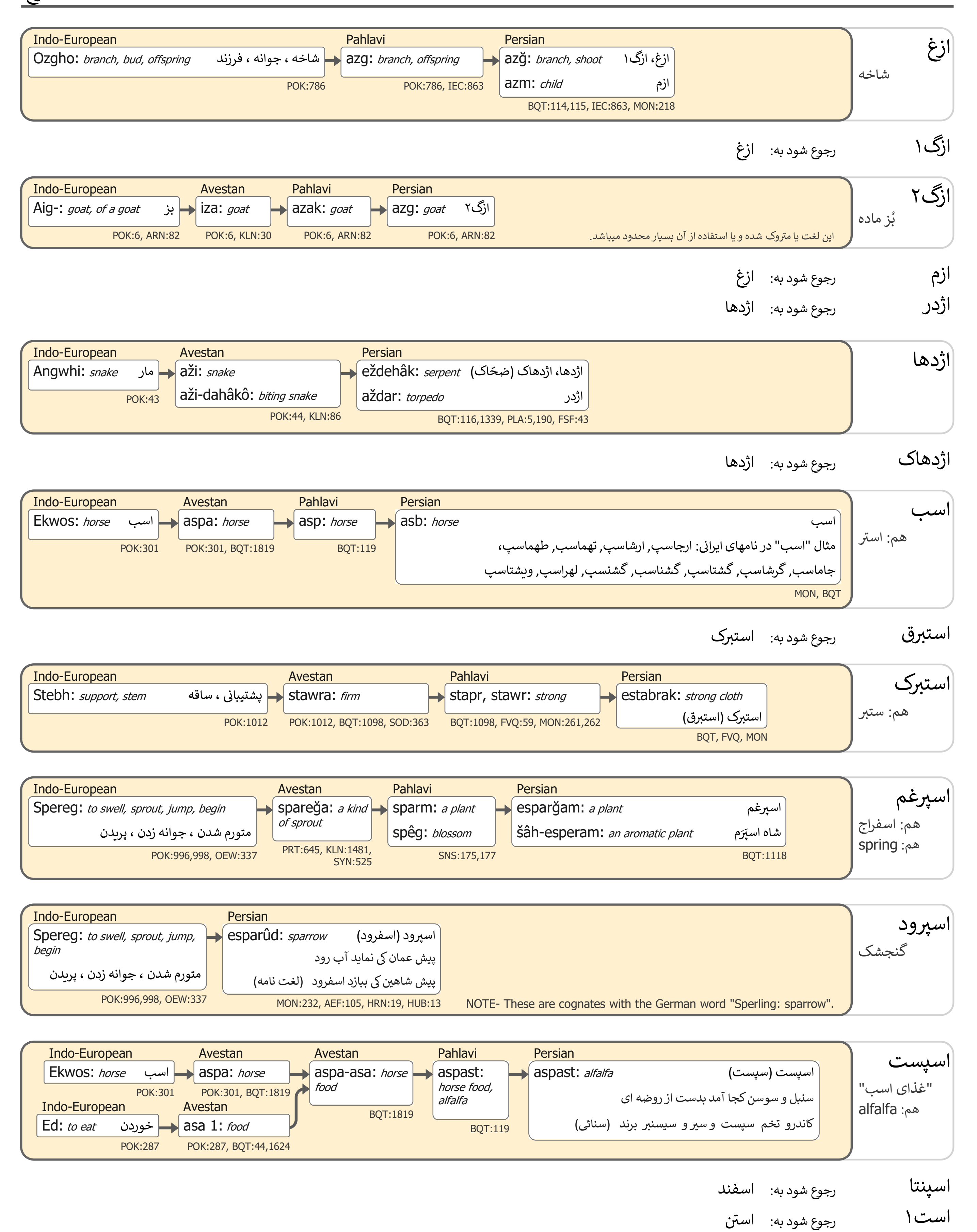
"شاه عادل"

Indo-European — Ar 1: *to fit together* جور و درست کردن (POK:55) + Indo-European — Ksei 1: *to be able, qualify, rule* قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن (POK:626, KLN:272) → Av/Old Pers — xšača: *king, ruler* (POK:626, KNT:181) → Av/Old Pers — arta 2, areta: *just, holy*; arta-xšathra: *a just king.* (POK:56, IRN:28) → Persian — Ardešîr: *"just king"* اردشیر



Indo-European
Al 1: beyond, above فراتر، بالاتر
POK:24
Indo-European
Aryo, Ario: Lord, ruler
POK:24,67
AV/Old Pers
arân: land of Aryans
art-arân: holy Aryan land
AHD, POK, IRN:7,28
Persian
Ardalân: "holy Aryan land" اردلان
PRT, MON5, PRT, IRN, FSF
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Av/Old Pers
arta 2, areta: just, holy
POK:56, IRN:28
اردلان
"سرزمین شریف آریاییان"
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Av/Old Pers
arta 2, areta: just, holy
arta-pa: protector of justice.
POK:56, IRN:28
Persian
Ardavân: "protector of justice"
اردوان
BQT:98-101, IRN:28
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
اردوان
"حافظ عدالت"
Indo-European
Isto: most or last پسوند صفت عالی
KLN:35
Av/Old Pers
išta: a superlative suffix
KNT:191,202
Avestan
arta-vah-išta: best true goodness
KNT:202, TZF:26, BQT:2133
Persian
Ordîbehešt: "best justice"
اردیبهشت
MON, BQT, TZF
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
vohu, vahu: good
POK:1174
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Avestan
aša 2, arta: true
POK:56, BQT:142
اردیبهشت
"بهترین عدالت"
اُرز رجوع شود به: برنج۲
ارز رجوع شود به: ارج
ارزش رجوع شود به: ارج
Indo-European
Ger 2, Grnom: to become ripe, grow old. Also means grain رسیدن، پیر شدن. همچنین غلات
POK:390-391, AEN:444
Pahlavi
arzan: millet
MON:199
Persian
arzan: millet ارزن (ارژن)
IEC:406
ارزن
هم: grain
ارزیدن رجوع شود به: ارج
Indo-European
Arg: to shine, white metal درخشیدن، فلز سفید
POK:64
Avestan
erezata: white metal
POK:64
Pahlavi
arzyz: tin
SOD:56
Persian
arzîz: tin ارزیز
HRN:17
ارزیز
قلع
Indo-European
Arg: to shine, white metal
POK:64
Old Persian
arda-: light
ardata: shiny metal, silver
arda-stâna: (light stand), window frame
KNT:171
Persian
?
ارژن رجوع شود به: ارزن
ارس رجوع شود به: اشک
Indo-European
El 1 : to bend, elbow خم کردن، آرنج
POK:308, KLN:509
Old Persian
arašn, arašni: elbow
ARN:81, MPP:79
Persian
arš, araš: unit of distance from elbow to finger tips آرش
کمندی بفتراک بر سی آرش
کمانی ببازو زره در برش (فردوسی)
MON:201, ARN:81
آرش
هم: آرنج
هم: elbow
Indo-European
Ersen: ejector of semen, male دفع کننده منی ، نر
POK:335
Av/Old Pers
aršan, varešna: male, man, hero
aršan-aspa: (with) male horses
POK:336, AHD:1480, SOD:414
Persian
Aršâsp: "with male horses" ارشاسپ
BQT
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
ارشاسپ
"دارای اسبان نر"


ارشام
"با نیروی خرس"
Indo-European
Ome: to move with energy
با انرژی حرکت کردن
POK:778
Avestan
ama: strength, attack (injury) force
POK:778, SYN:298
Indo-European
Rk-tho: bear (animal) خرس
POK:875, SOD:70
Avestan
areša: bear
areša-ama: with power of a bear
POK:875
Persian
Aršâm: "with power of a bear"
ارشام
BQT:31,733
ارشان
"مرد، مذکّر"
Indo-European
Eres 1: to flow, to be wet جریان داشتن، خیس بودن
POK:335
Av/Old Pers
aršan, varešna: male, man, hero
POK:336, AHD:1480, SOD:414
Persian
Aršân: "man, masculine" ارشان
BQT
ارشک
Indo-European
Ere, Arš: to have bad will, envy دشمنی یا حسادت کردن
POK:335
Avestan
araska: enmity
POK:337
Pahlavi
arešk: envy
EIV:167
Persian
arašk, rašk: envy, zeal ارشک، رَشک
BQT:952
ارغنده
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite
به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Indo-European
Ergh : to excite, tremble
POK:339
Avestan
ereğant: angry, evil
POK:339
Persian
arğandeh: angry ارغنده
پس آن بی درفش پلید و سترگ
به پیش اندر آید چو ارغنده گرگ (دقیق)
BQT:32
ارغنون
Indo-European
Werg 1: to work کارکردن
POK:1168
Greek
organon: tool
AHD
Arabic
MON:203
Persian
arğanûn: a musical instrument ارغنون
BQT:106, MON:203
ارکیده
Indo-European
Orghi: testicle خایه
POK:782
Greek
orxis: orchid flower named after its testicle-shaped root
POK:782
Latin
orchis
French
Persian
orkîdeh: orchid ارکیده
Indo-European
Orghi: testicle
POK:782
Avestan
êrêzi, arazi: testicles
POK:782, KLN:1092, SYN:257
Persian
?
اروپا
"مغرب"
Akkadian
Erêbu: to enter, to go down (sunset)
فرو رفتن، غروب خورشید
AKD:64, KLN:550
Hebrew
`erebh: sunset, west
AKD:64, KLN:550
Greek
europa: land of sunset
KLN:550,
Latin
eurôpa
AHD:452
French
europe
Persian
orûpâ: Europe
اروپا
اروند
"با سرعت"
هم: run
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite
به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Av/Old Pers
aurva, aurvant: swift, fast
POK:331, IRN:112, KNT:170
Pahlavi
alvend: fast
BQT:160
Persian
Arvand: "fast", Tigris river اروند (الوند۱)
Alvand: name of a mountain in Hamadan with many springs
الوند۲
BQT, IRN
ارّه
Indo-European
Srisâ, Sernh, Harn: file, saw سوهان، اره
IEC:1277, EIV:132
Persian
arreh: saw ارّه
IEC:1277, MON:209, EIV:132
اریکه
Indo-European
Kei 3: to lie down, rest
دراز کشیدن، استراحت کردن
POK:539
Indo-European
Koi-to: bed, couch, home, domain
POK:539
Greek
koite, ari-koite: (decorated) bed
POK:539, TAD:2
Arabic
arîkeh: throne
TAD:2, FVA:30
Persian
arîkeh: bed, throne, domain اریکه
FVA:30, MON:210, BQT:112
از
Indo-European
Sekw: to follow دنبال کردن
POK:896
Avestan
hačâ: followed from
POK:896
Pahlavi
aj: from
HRN:12,150
Persian
az: from از
BQT:113,1051



ازغ
شاخه

- Indo-European: Ozgho: *branch, bud, offspring* شاخه ، جوانه ، فرزند — POK:786
- Pahlavi: azg: *branch, offspring* — POK:786, IEC:863
- Persian: azğ: *branch, shoot* ازغ، ازگ۱ ; azm: *child* ازم — BQT:114,115, IEC:863, MON:218

ازگ۱
رجوع شود به: ازغ

ازگ۲
بُز ماده

- Indo-European: Aig-: *goat, of a goat* بز — POK:6, ARN:82
- Avestan: iza: *goat* — POK:6, KLN:30
- Pahlavi: azak: *goat* — POK:6, ARN:82
- Persian: azg: *goat* ازگ۲ — POK:6, ARN:82

این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.

ازم
رجوع شود به: ازغ

اژدر
رجوع شود به: اژدها

اژدها

- Indo-European: Angwhi: *snake* مار — POK:43
- Avestan: aži: *snake* ; aži-dahâkô: *biting snake* — POK:44, KLN:86
- Persian: eždehâk: *serpent* اژدها، اژدهاک (ضحّاک) ; aždar: *torpedo* اژدر — BQT:116,1339, PLA:5,190, FSF:43

اژدهاک
رجوع شود به: اژدها

اسب
هم: استر

- Indo-European: Ekwos: *horse* اسب — POK:301
- Avestan: aspa: *horse* — POK:301, BQT:1819
- Pahlavi: asp: *horse* — BQT:119
- Persian: asb: *horse* اسب

مثال "اسب" در نامهای ایرانی: ارجاسپ, ارشاسپ, تهماسب, طهماسپ،
جاماسب, گرشاسپ, گشتاسپ, گشناسب, گشنسپ, لهراسپ, ویشتاسپ

MON, BQT

استبرق
رجوع شود به: استبرک

استبرک
هم: ستبر

- Indo-European: Stebh: *support, stem* پشتیبانی ، ساقه — POK:1012
- Avestan: stawra: *firm* — POK:1012, BQT:1098, SOD:363
- Pahlavi: stapr, stawr: *strong* — BQT:1098, FVQ:59, MON:261,262
- Persian: estabrak: *strong cloth* استبرک (استبرق) — BQT, FVQ, MON

اسپرغم
هم: اسفراج
هم: spring

- Indo-European: Spereg: *to swell, sprout, jump, begin* متورم شدن ، جوانه زدن ، پریدن — POK:996,998, OEW:337
- Avestan: spareğa: *a kind of sprout* — PRT:645, KLN:1481, SYN:525
- Pahlavi: sparm: *a plant* ; spêg: *blossom* — SNS:175,177
- Persian: esparğam: *a plant* اسپرغم ; šâh-esperam: *an aromatic plant* شاه اسپَرَم — BQT:1118

اسپرود
گنجشک

- Indo-European: Spereg: *to swell, sprout, jump, begin* متورم شدن ، جوانه زدن ، پریدن — POK:996,998, OEW:337
- Persian: esparûd: *sparrow* اسپرود (اسفرود)

پیش عمان کی نماید آب رود
پیش شاهین کی ببازد اسفرود (لغت نامه)

MON:232, AEF:105, HRN:19, HUB:13

NOTE- These are cognates with the German word "Sperling: sparrow".

اسپست
"غذای اسب"
هم: alfalfa

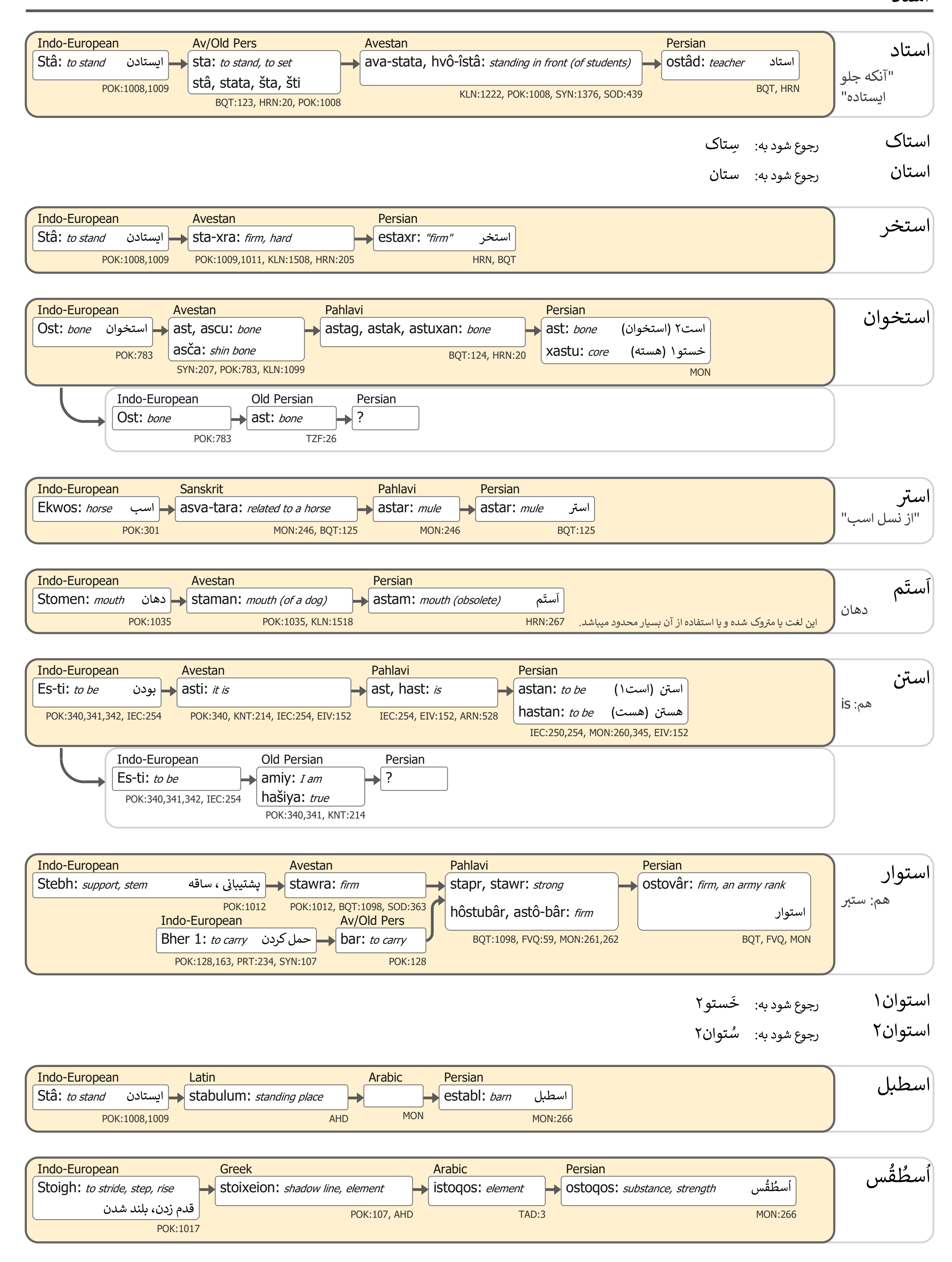
- Indo-European: Ekwos: *horse* اسب — POK:301
- Avestan: aspa: *horse* — POK:301, BQT:1819
- Indo-European: Ed: *to eat* خوردن — POK:287
- Avestan: asa 1: *food* — POK:287, BQT:44,1624
- Avestan: aspa-asa: *horse food* — BQT:1819
- Pahlavi: aspast: *horse food, alfalfa* — BQT:119
- Persian: aspast: *alfalfa* اسپست (سپست)

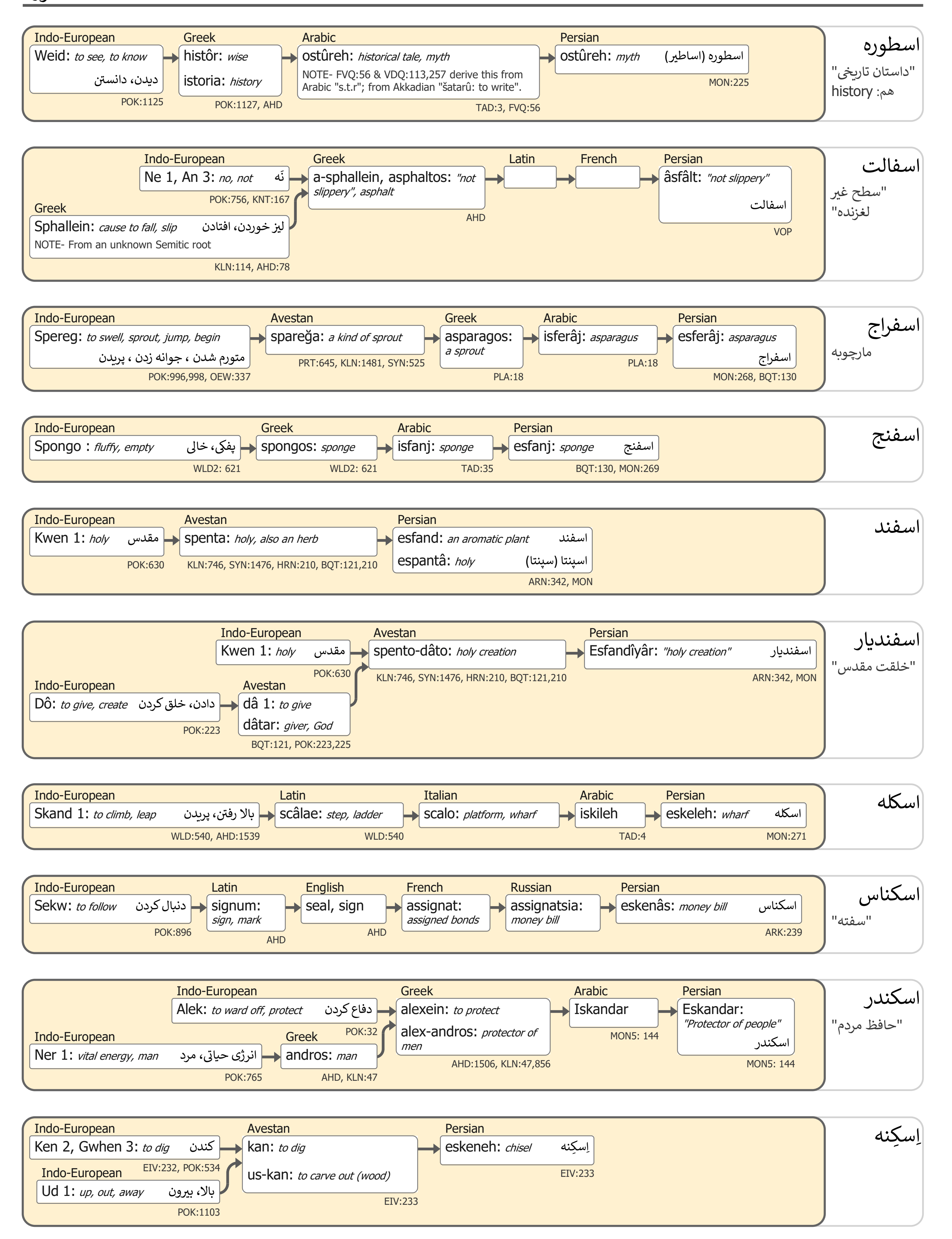
سنبل و سوسن کجا آمد بدست از روضه ای
کاندرو تخم سپست و سیر و سیسنبر برند (سنائی)

اسپنتا
رجوع شود به: اسفند

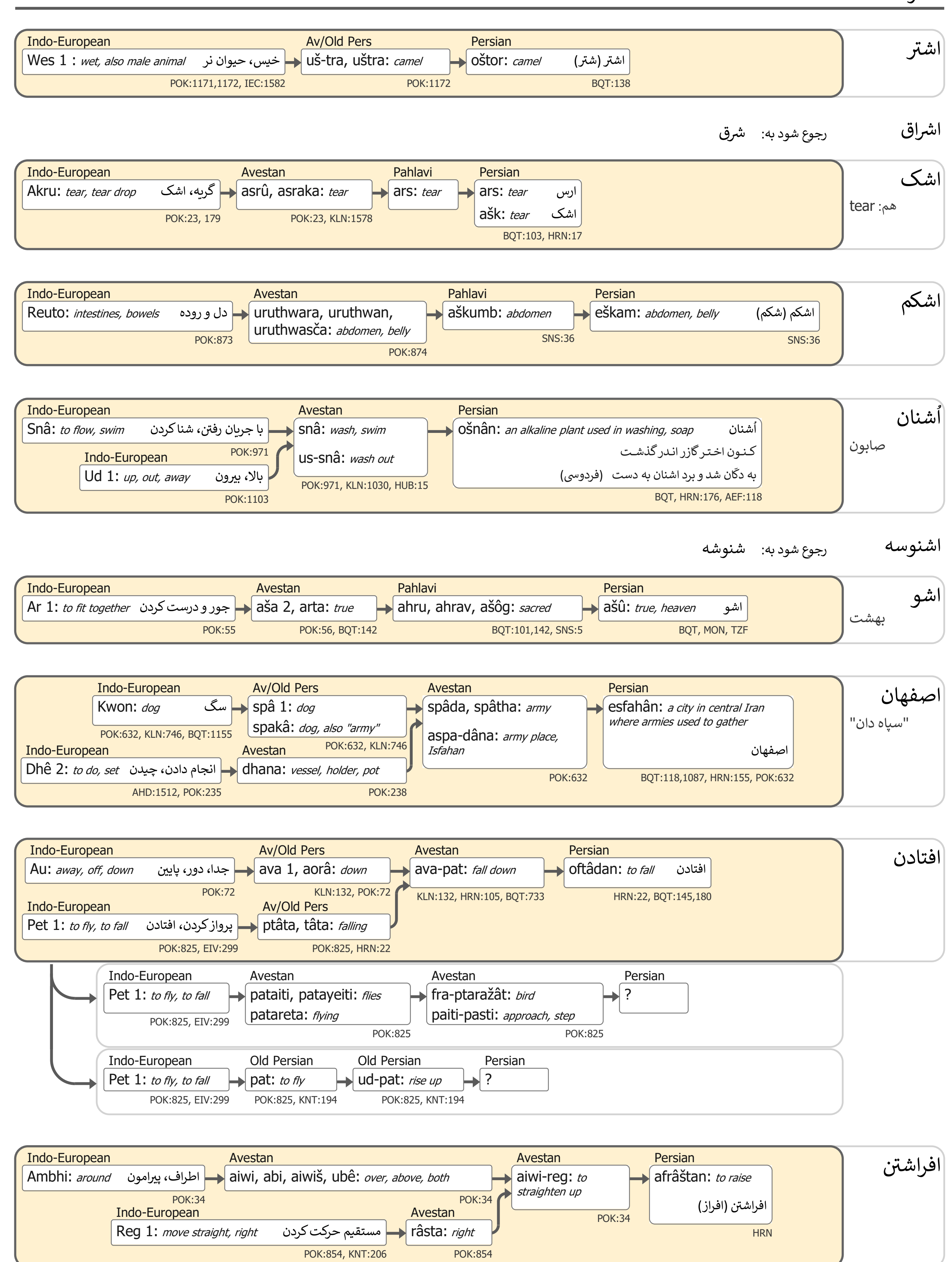
است۱
رجوع شود به: استن

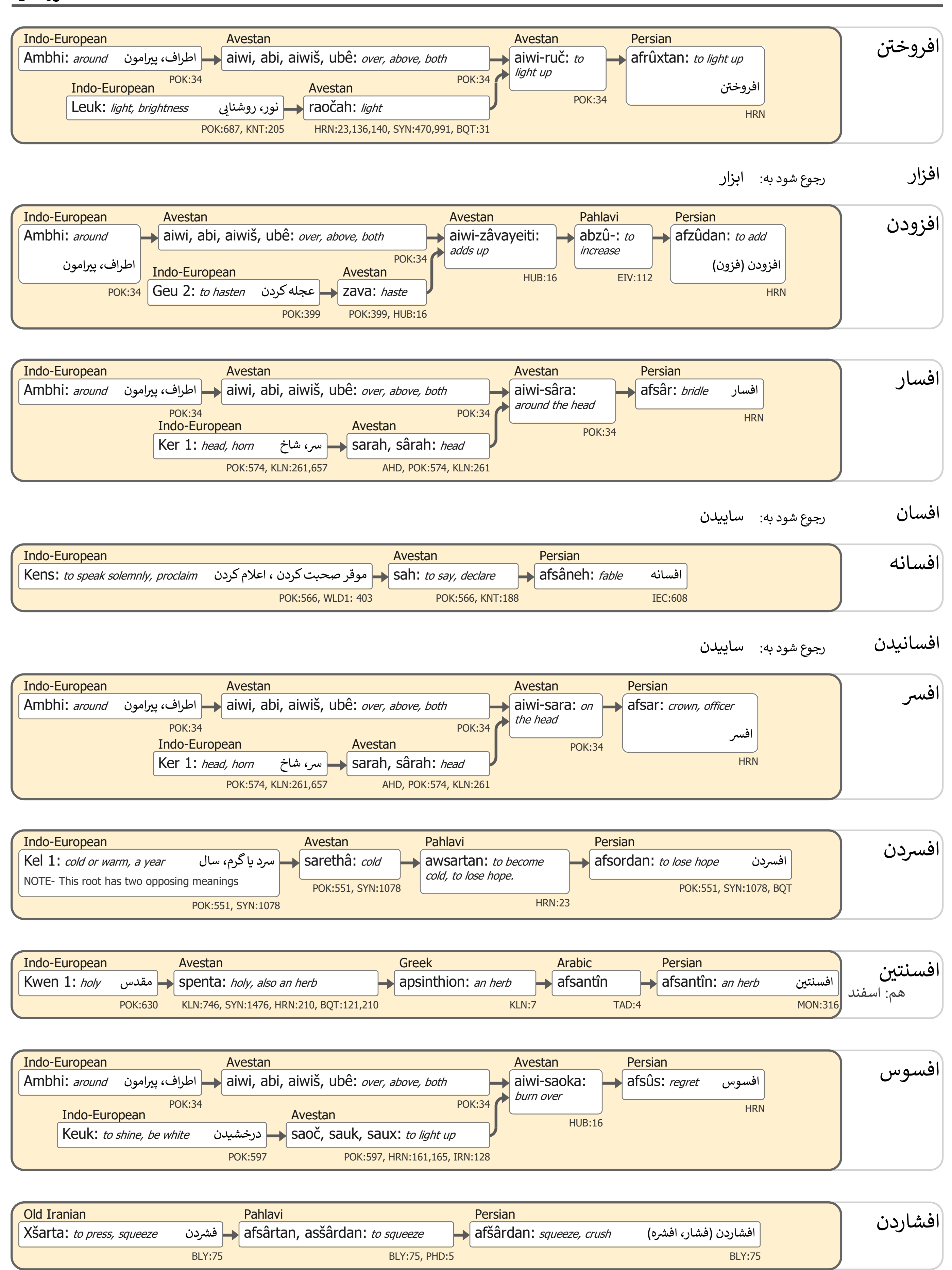
است۲
رجوع شود به: استخوان


استاد
"آنکه جلو ایستاده"
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
stâ, stata, šta, šti
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Avestan
ava-stata, hvô-îstâ: standing in front (of students)
KLN:1222, POK:1008, SYN:1376, SOD:439
Persian
ostâd: teacher استاد
BQT, HRN
استاک
رجوع شود به: سِتاک
استان
رجوع شود به: ستان
استخر
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Avestan
sta-xra: firm, hard
POK:1009,1011, KLN:1508, HRN:205
Persian
estaxr: "firm" استخر
HRN, BQT
استخوان
Indo-European
Ost: bone استخوان
POK:783
Avestan
ast, ascu: bone
asča: shin bone
SYN:207, POK:783, KLN:1099
Pahlavi
astag, astak, astuxan: bone
BQT:124, HRN:20
Persian
ast: bone است۲ (استخوان)
xastu: core خستو۱ (هسته)
MON
Indo-European
Ost: bone
POK:783
Old Persian
ast: bone
TZF:26
Persian
?
استر
"از نسل اسب"
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Sanskrit
asva-tara: related to a horse
MON:246, BQT:125
Pahlavi
astar: mule
MON:246
Persian
astar: mule استر
BQT:125
آستَم
دهان
Indo-European
Stomen: mouth دهان
POK:1035
Avestan
staman: mouth (of a dog)
POK:1035, KLN:1518
Persian
astam: mouth (obsolete) أستَم
HRN:267
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
ستن
هم: is
Indo-European
Es-ti: to be بودن
POK:340,341,342, IEC:254
Avestan
asti: it is
POK:340, KNT:214, IEC:254, EIV:152
Pahlavi
ast, hast: is
IEC:254, EIV:152, ARN:528
Persian
astan: to be استن (است۱)
hastan: to be هستن (هست)
IEC:250,254, MON:260,345, EIV:152
Indo-European
Es-ti: to be
POK:340,341,342, IEC:254
Old Persian
amiy: I am
hašiya: true
POK:340,341, KNT:214
Persian
?
استوار
هم: ستبر
Indo-European
Stebh: support, stem پشتیبانی ، ساقه
POK:1012
Avestan
stawra: firm
POK:1012, BQT:1098, SOD:363
Pahlavi
stapr, stawr: strong
hôstubâr, astô-bâr: firm
BQT:1098, FVQ:59, MON:261,262
Persian
ostovâr: firm, an army rank
استوار
BQT, FVQ, MON
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
استوان۱
رجوع شود به: خَستو۲
استوان۲
رجوع شود به: سُتوان۲
اسطبل
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Latin
stabulum: standing place
AHD
Arabic
MON
Persian
establ: barn اسطبل
MON:266
اُسطُقس
Indo-European
Stoigh: to stride, step, rise
قدم زدن، بلند شدن
POK:1017
Greek
stoixeion: shadow line, element
POK:107, AHD
Arabic
istoqos: element
TAD:3
Persian
ostoqos: substance, strength أسطُقس
MON:266

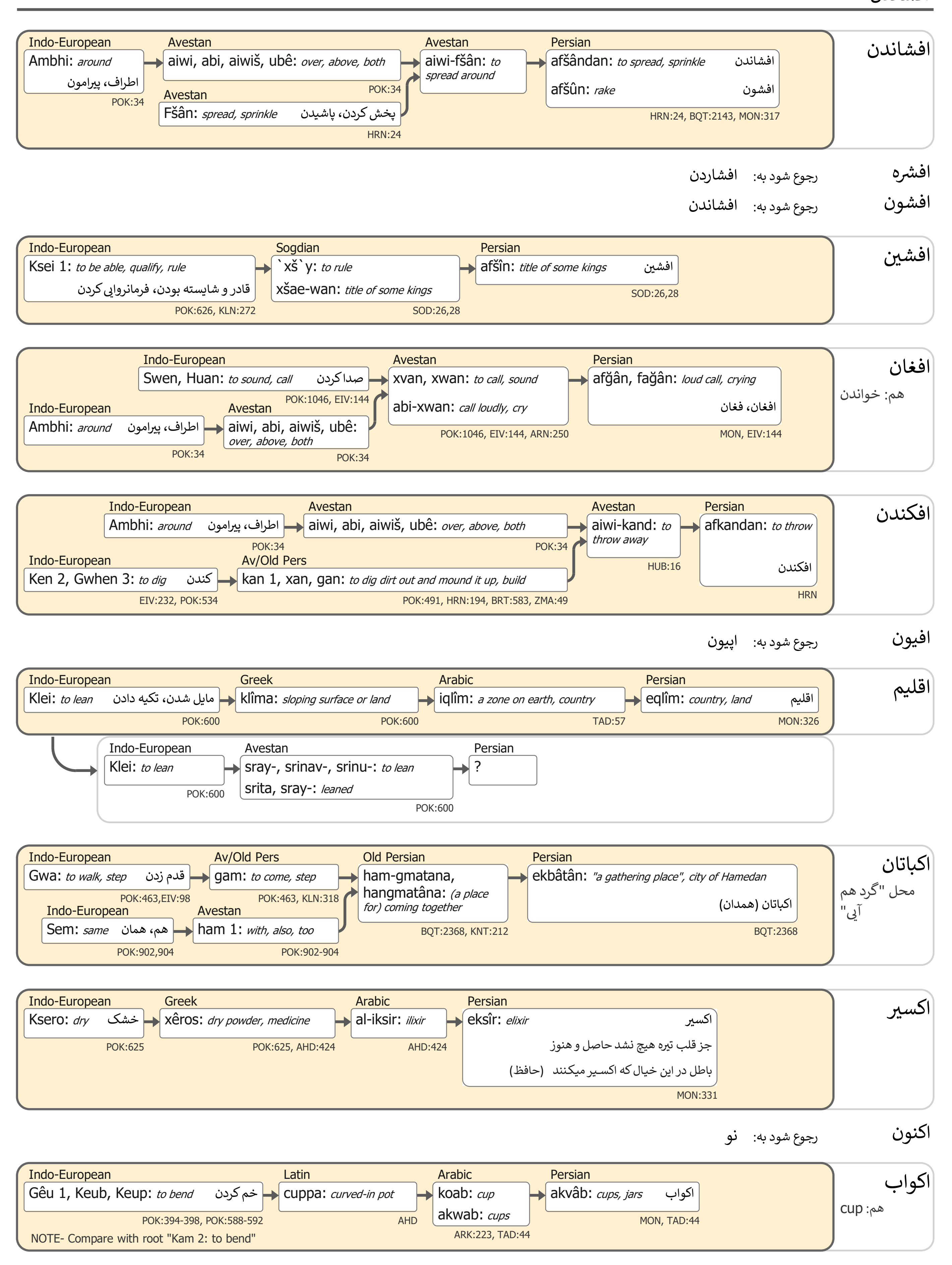


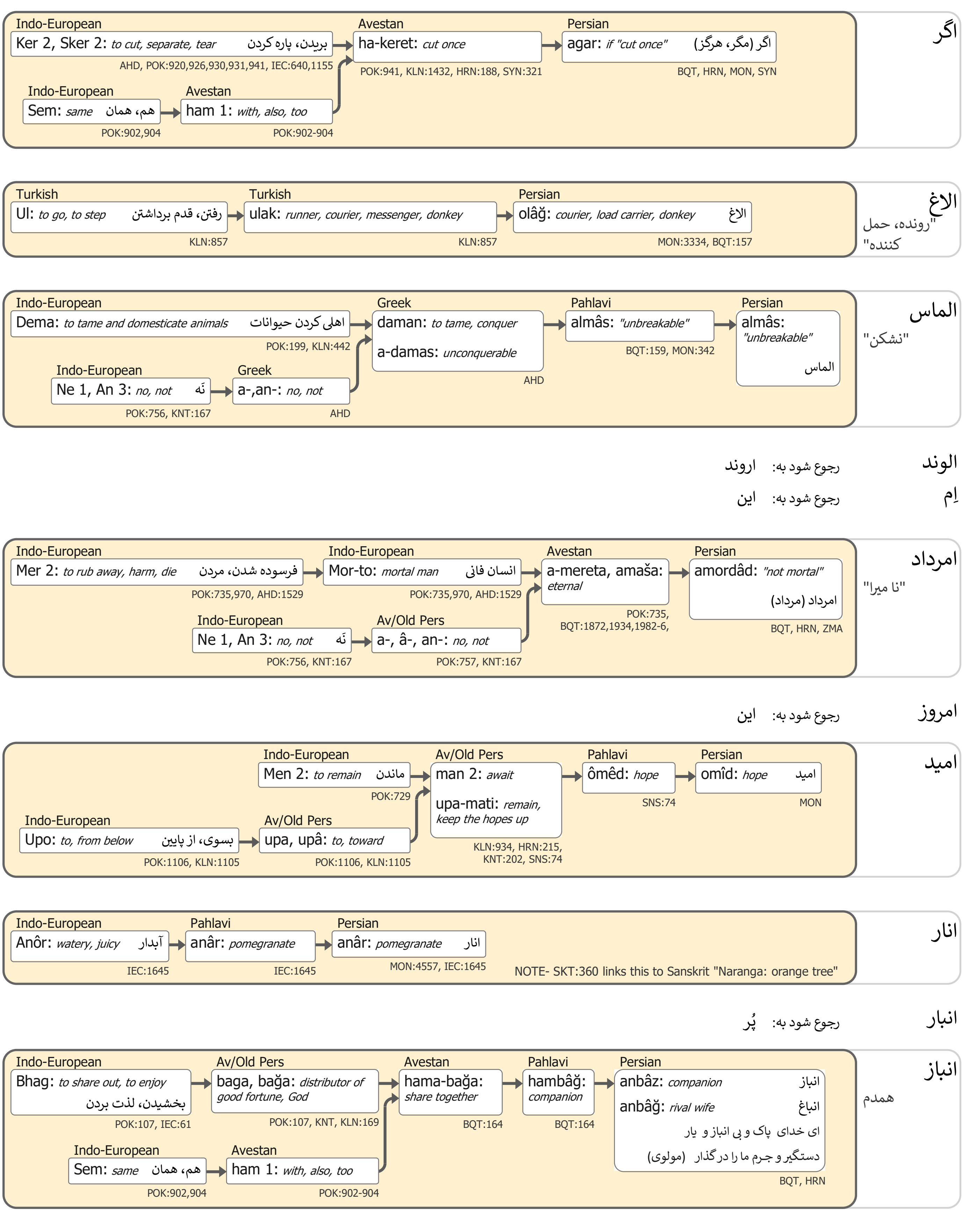
Indo-European
Weid: to see, to know
دیدن، دانستن
POK:1125
Greek
histôr: wise
istoria: history
POK:1127, AHD
Arabic
ostûreh: historical tale, myth
NOTE- FVQ:56 & VDQ:113,257 derive this from Arabic "s.t.r"; from Akkadian "šatarû: to write".
TAD:3, FVQ:56
Persian
ostûreh: myth
اسطوره (اساطیر)
MON:225
اسطوره
"داستان تاریخی"
history :هم
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not
نَه
POK:756, KNT:167
Greek
Sphallein: cause to fall, slip
لیز خوردن، افتادن
NOTE- From an unknown Semitic root
KLN:114, AHD:78
Greek
a-sphallein, asphaltos: "not slippery", asphalt
AHD
Latin
French
Persian
âsfâlt: "not slippery"
اسفالت
VOP
اسفالت
"سطح غیر لغزنده"
Indo-European
Spereg: to swell, sprout, jump, begin
متورم شدن ، جوانه زدن ، پریدن
POK:996,998, OEW:337
Avestan
spareğa: a kind of sprout
PRT:645, KLN:1481, SYN:525
Greek
asparagos: a sprout
PLA:18
Arabic
isferâj: asparagus
PLA:18
Persian
esferâj: asparagus
اسفراج
MON:268, BQT:130
اسفراج
مارچوبه
Indo-European
Spongo : fluffy, empty
پفکی، خالی
WLD2: 621
Greek
spongos: sponge
WLD2: 621
Arabic
isfanj: sponge
TAD:35
Persian
esfanj: sponge
اسفنج
BQT:130, MON:269
اسفنج
Indo-European
Kwen 1: holy
مقدس
POK:630
Avestan
spenta: holy, also an herb
KLN:746, SYN:1476, HRN:210, BQT:121,210
Persian
esfand: an aromatic plant
اسفند
espantâ: holy
اسپنتا (سپنتا)
ARN:342, MON
اسفند
Indo-European
Kwen 1: holy
مقدس
POK:630
Avestan
spento-dâto: holy creation
KLN:746, SYN:1476, HRN:210, BQT:121,210
Persian
Esfandîyâr: "holy creation"
اسفندیار
ARN:342, MON
Indo-European
Dô: to give, create
دادن، خلق کردن
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
dâtar: giver, God
BQT:121, POK:223,225
اسفندیار
"خلقت مقدس"
Indo-European
Skand 1: to climb, leap
بالا رفتن، پریدن
WLD:540, AHD:1539
Latin
scâlae: step, ladder
WLD:540
Italian
scalo: platform, wharf
Arabic
iskileh
TAD:4
Persian
eskeleh: wharf
اسکله
MON:271
اسکله
Indo-European
Sekw: to follow
دنبال کردن
POK:896
Latin
signum: sign, mark
AHD
English
seal, sign
AHD
French
assignat: assigned bonds
Russian
assignatsia: money bill
Persian
eskenâs: money bill
اسکناس
ARK:239
اسکناس
"سفته"
Indo-European
Alek: to ward off, protect
دفاع کردن
POK:32
Indo-European
Ner 1: vital energy, man
انرژی حیاتی، مرد
POK:765
Greek
andros: man
AHD, KLN:47
Greek
alexein: to protect
alex-andros: protector of men
AHD:1506, KLN:47,856
Arabic
Iskandar
MON5: 144
Persian
Eskandar: "Protector of people"
اسکندر
MON5: 144
اسکندر
"حافظ مردم"
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig
کندن
EIV:232, POK:534
Indo-European
Ud 1: up, out, away
بالا، بیرون
POK:1103
Avestan
kan: to dig
us-kan: to carve out (wood)
EIV:233
Persian
eskeneh: chisel
اِسکِنه
EIV:233
اِسکِنه


اشتر
Indo-European
Wes 1 : wet, also male animal خیس، حیوان نر
POK:1171,1172, IEC:1582
Av/Old Pers
uš-tra, uštra: camel
POK:1172
Persian
oštor: camel اشتر (شتر)
BQT:138
اشراق
رجوع شود به: شرق
اشک
هم: tear
Indo-European
Akru: tear, tear drop گریه، اشک
POK:23, 179
Avestan
asrû, asraka: tear
POK:23, KLN:1578
Pahlavi
ars: tear
Persian
ars: tear ارس
ašk: tear اشک
BQT:103, HRN:17
اشکم
Indo-European
Reuto: intestines, bowels دل و روده
POK:873
Avestan
uruthwara, uruthwan, uruthwasča: abdomen, belly
POK:874
Pahlavi
aškumb: abdomen
SNS:36
Persian
eškam: abdomen, belly اشکم (شکم)
SNS:36
اُشنان
صابون
Indo-European
Snâ: to flow, swim با جریان رفتن، شنا کردن
POK:971
Indo-European
Ud 1: up, out, away بالا، بیرون
POK:1103
Avestan
snâ: wash, swim
us-snâ: wash out
POK:971, KLN:1030, HUB:15
Persian
ošnân: an alkaline plant used in washing, soap اُشنان
کنون اختر گاز اندر گذشت
به دگان شد و برد اشنان به دست (فردوسی)
BQT, HRN:176, AEF:118
اشنوسه
رجوع شود به: شنوشه
اشو
بهشت
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Avestan
aša 2, arta: true
POK:56, BQT:142
Pahlavi
ahru, ahrav, ašôg: sacred
BQT:101,142, SNS:5
Persian
ašû: true, heaven اشو
BQT, MON, TZF
اصفهان
"سپاه دان"
Indo-European
Kwon: dog سگ
POK:632, KLN:746, BQT:1155
Av/Old Pers
spâ 1: dog
spakâ: dog, also "army"
POK:632, KLN:746
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
dhana: vessel, holder, pot
POK:238
Avestan
spâda, spâtha: army
aspa-dâna: army place, Isfahan
POK:632
Persian
esfahân: a city in central Iran where armies used to gather
اصفهان
BQT:118,1087, HRN:155, POK:632
افتادن
Indo-European
Au: away, off, down جدا، دور، پایین
POK:72
Av/Old Pers
ava 1, aorâ: down
KLN:132, POK:72
Indo-European
Pet 1: to fly, to fall پرواز کردن، افتادن
POK:825, EIV:299
Av/Old Pers
ptâta, tâta: falling
POK:825, HRN:22
Avestan
ava-pat: fall down
KLN:132, HRN:105, BQT:733
Persian
oftâdan: to fall افتادن
HRN:22, BQT:145,180
Indo-European
Pet 1: to fly, to fall
POK:825, EIV:299
Avestan
pataiti, patayeiti: flies
patareta: flying
POK:825
Avestan
fra-ptaražât: bird
paiti-pasti: approach, step
POK:825
Persian
?
Indo-European
Pet 1: to fly, to fall
POK:825, EIV:299
Old Persian
pat: to fly
POK:825, KNT:194
Old Persian
ud-pat: rise up
POK:825, KNT:194
Persian
?
افراشتن
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Indo-European
Reg 1: move straight, right مستقیم حرکت کردن
POK:854, KNT:206
Avestan
râsta: right
POK:854
Avestan
aiwi-reg: to straighten up
POK:34
Persian
afrâštan: to raise
افراشتن (افراز)
HRN



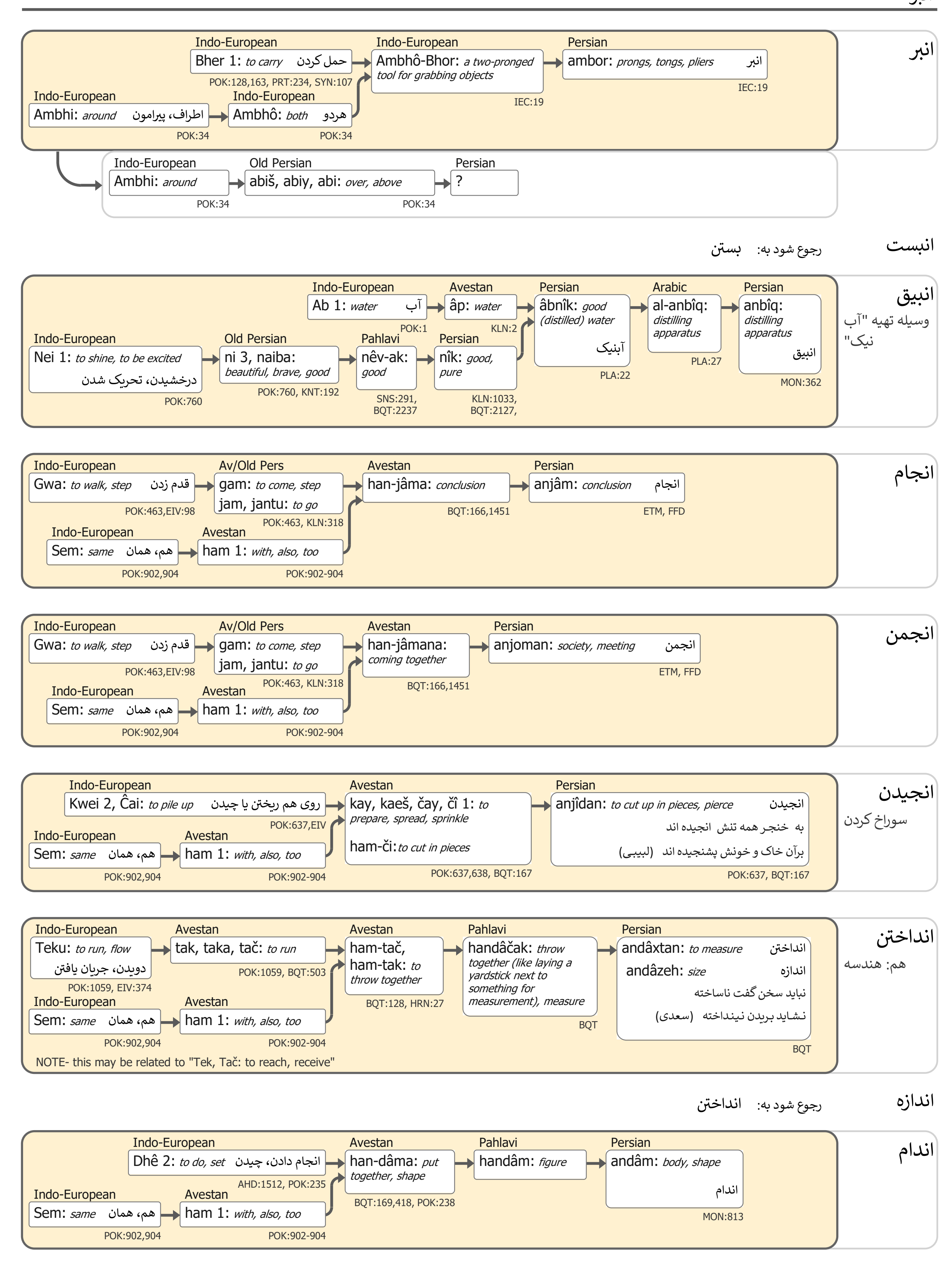
افروختن
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Indo-European
Leuk: light, brightness نور، روشنایی
POK:687, KNT:205
Avestan
raočah: light
HRN:23,136,140, SYN:470,991, BQT:31
Avestan
aiwi-ruč: to light up
POK:34
Persian
afrûxtan: to light up افروختن
HRN
افزار
رجوع شود به: ابزار
افزودن
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Indo-European
Geu 2: to hasten عجله کردن
POK:399
Avestan
zava: haste
POK:399, HUB:16
Avestan
aiwi-zâvayeiti: adds up
HUB:16
Pahlavi
abzû-: to increase
EIV:112
Persian
afzûdan: to add افزودن (فزون)
HRN
افسار
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Indo-European
Ker 1: head, horn سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Avestan
sarah, sârah: head
AHD, POK:574, KLN:261
Avestan
aiwi-sâra: around the head
POK:34
Persian
afsâr: bridle افسار
HRN
افسان
رجوع شود به: ساییدن
افسانه
Indo-European
Kens: to speak solemnly, proclaim موقر صحبت کردن ، اعلام کردن
POK:566, WLD1: 403
Avestan
sah: to say, declare
POK:566, KNT:188
Persian
afsâneh: fable افسانه
IEC:608
افسانیدن
رجوع شود به: ساییدن
افسر
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Indo-European
Ker 1: head, horn سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Avestan
sarah, sârah: head
AHD, POK:574, KLN:261
Avestan
aiwi-sara: on the head
POK:34
Persian
afsar: crown, officer افسر
HRN
افسردن
Indo-European
Kel 1: cold or warm, a year سرد یا گرم، سال
NOTE- This root has two opposing meanings
POK:551, SYN:1078
Avestan
sarethâ: cold
POK:551, SYN:1078
Pahlavi
awsartan: to become cold, to lose hope.
HRN:23
Persian
afsordan: to lose hope افسردن
POK:551, SYN:1078, BQT
افسنتین
هم: اسفند
Indo-European
Kwen 1: holy مقدس
POK:630
Avestan
spenta: holy, also an herb
KLN:746, SYN:1476, HRN:210, BQT:121,210
Greek
apsinthion: an herb
KLN:7
Arabic
afsantîn
TAD:4
Persian
afsantîn: an herb افسنتین
MON:316
افسوس
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Indo-European
Keuk: to shine, be white درخشیدن
POK:597
Avestan
saoč, sauk, saux: to light up
POK:597, HRN:161,165, IRN:128
Avestan
aiwi-saoka: burn over
HUB:16
Persian
afsûs: regret افسوس
HRN
افشاردن
Old Iranian
Xšarta: to press, squeeze فشردن
BLY:75
Pahlavi
afsârtan, assârdan: to squeeze
BLY:75, PHD:5
Persian
afšârdan: squeeze, crush افشاردن (فشار، افشره)
BLY:75


افشاندن
Indo-European
Ambhi: around
اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Avestan
Fšân: spread, sprinkle
پخش کردن، پاشیدن
HRN:24
Avestan
aiwi-fšân: to spread around
Persian
afšândan: to spread, sprinkle
افشاندن
afšûn: rake
افشون
HRN:24, BQT:2143, MON:317
افشره
رجوع شود به: افشاردن
افشون
رجوع شود به: افشاندن
افشین
Indo-European
Ksei 1: to be able, qualify, rule
قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن
POK:626, KLN:272
Sogdian
`xš`y: to rule
xšae-wan: title of some kings
SOD:26,28
Persian
afšîn: title of some kings
افشین
SOD:26,28
افغان
هم: خواندن
Indo-European
Swen, Huan: to sound, call
صدا کردن
POK:1046, EIV:144
Indo-European
Ambhi: around
اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Avestan
xvan, xwan: to call, sound
abi-xwan: call loudly, cry
POK:1046, EIV:144, ARN:250
Persian
afğân, fağân: loud call, crying
افغان، فغان
MON, EIV:144
افکندن
Indo-European
Ambhi: around
اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig
کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Avestan
aiwi-kand: to throw away
HUB:16
Persian
afkandan: to throw
افکندن
HRN
افیون
رجوع شود به: اپیون
اقلیم
Indo-European
Klei: to lean
مایل شدن، تکیه دادن
POK:600
Greek
klîma: sloping surface or land
POK:600
Arabic
iqlîm: a zone on earth, country
TAD:57
Persian
eqlîm: country, land
اقلیم
MON:326
Indo-European
Klei: to lean
POK:600
Avestan
sray-, srinav-, srinu-: to lean
srita, sray-: leaned
POK:600
Persian
?
اکباتان
محل "گرد هم آیی"
Indo-European
Gwa: to walk, step
قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
POK:463, KLN:318
Indo-European
Sem: same
هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Old Persian
ham-gmatana, hangmatâna: (a place for) coming together
BQT:2368, KNT:212
Persian
ekbâtân: "a gathering place", city of Hamedan
اکباتان (همدان)
BQT:2368
اکسیر
Indo-European
Ksero: dry
خشک
POK:625
Greek
xêros: dry powder, medicine
POK:625, AHD:424
Arabic
al-iksir: ilixir
AHD:424
Persian
eksîr: elixir
اکسیر
جز قلب تیره هیچ نشد حاصل و هنوز
باطل در این خیال که اکسیر میکنند (حافظ)
MON:331
اکنون
رجوع شود به: نو
اکواب
هم: cup
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend
خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
NOTE- Compare with root "Kam 2: to bend"
Latin
cuppa: curved-in pot
AHD
Arabic
koab: cup
akwab: cups
ARK:223, TAD:44
Persian
akvâb: cups, jars
اکواب
MON, TAD:44

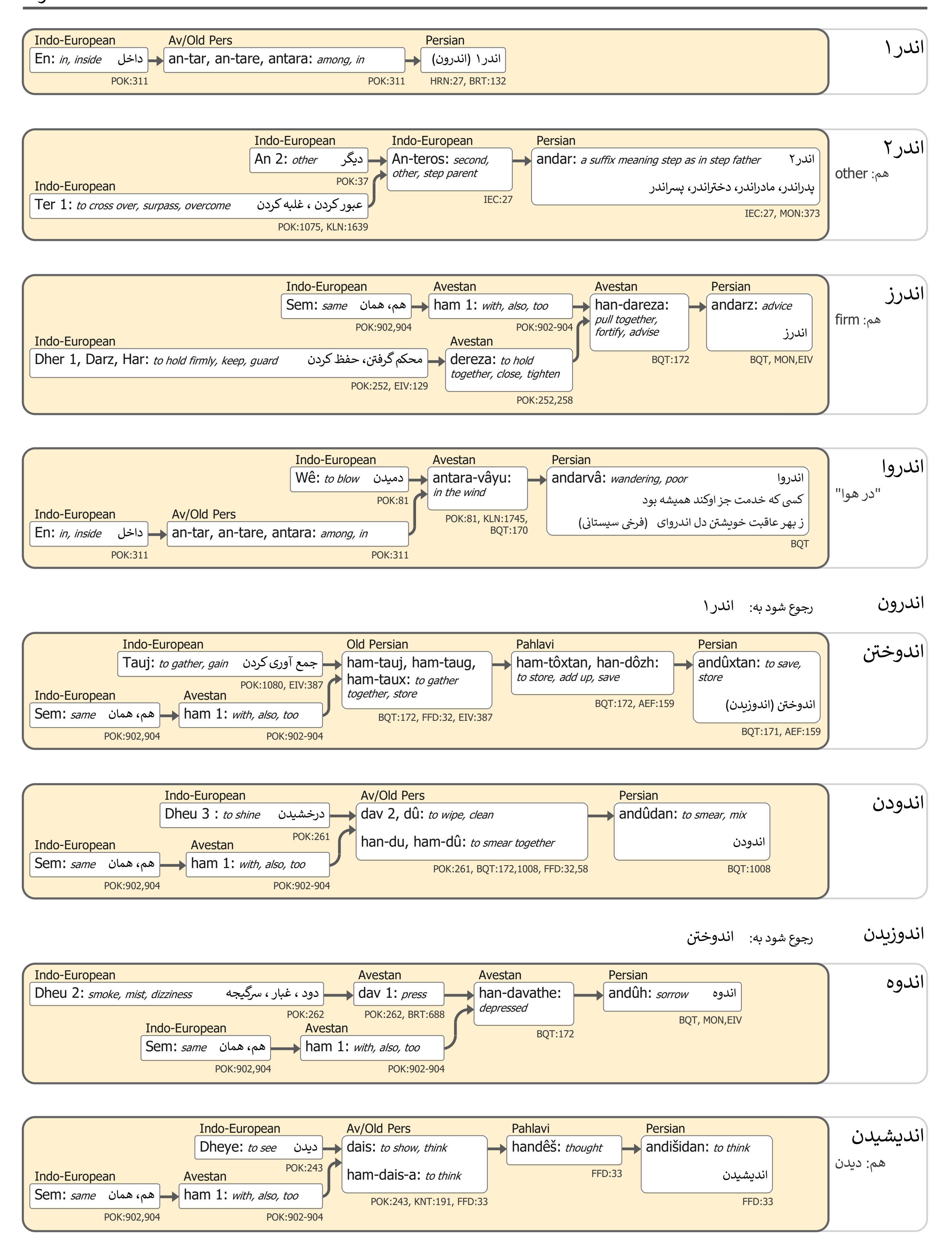


انباشتن رجوع شود به: پُر

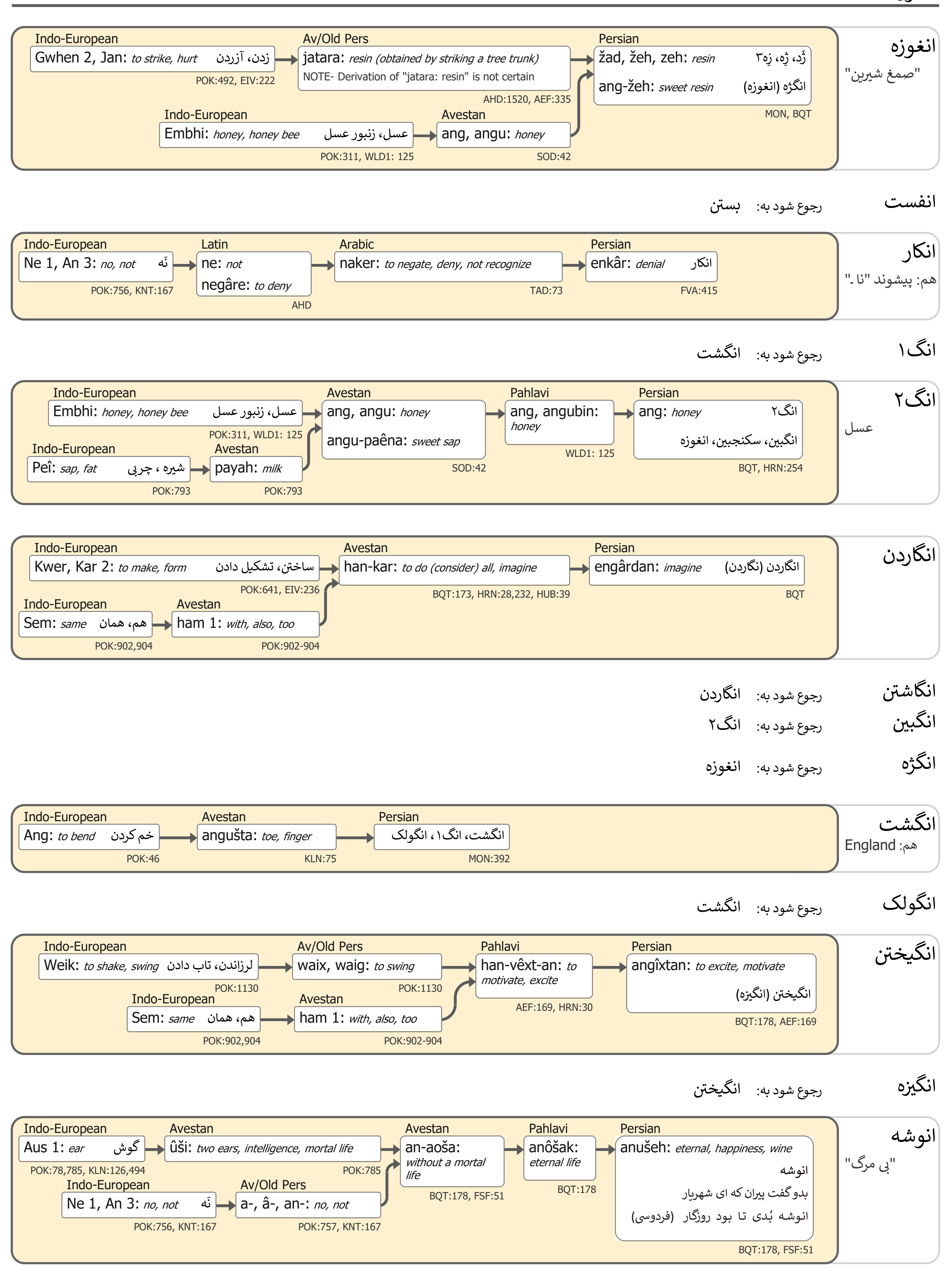
انباغ رجوع شود به: انباز

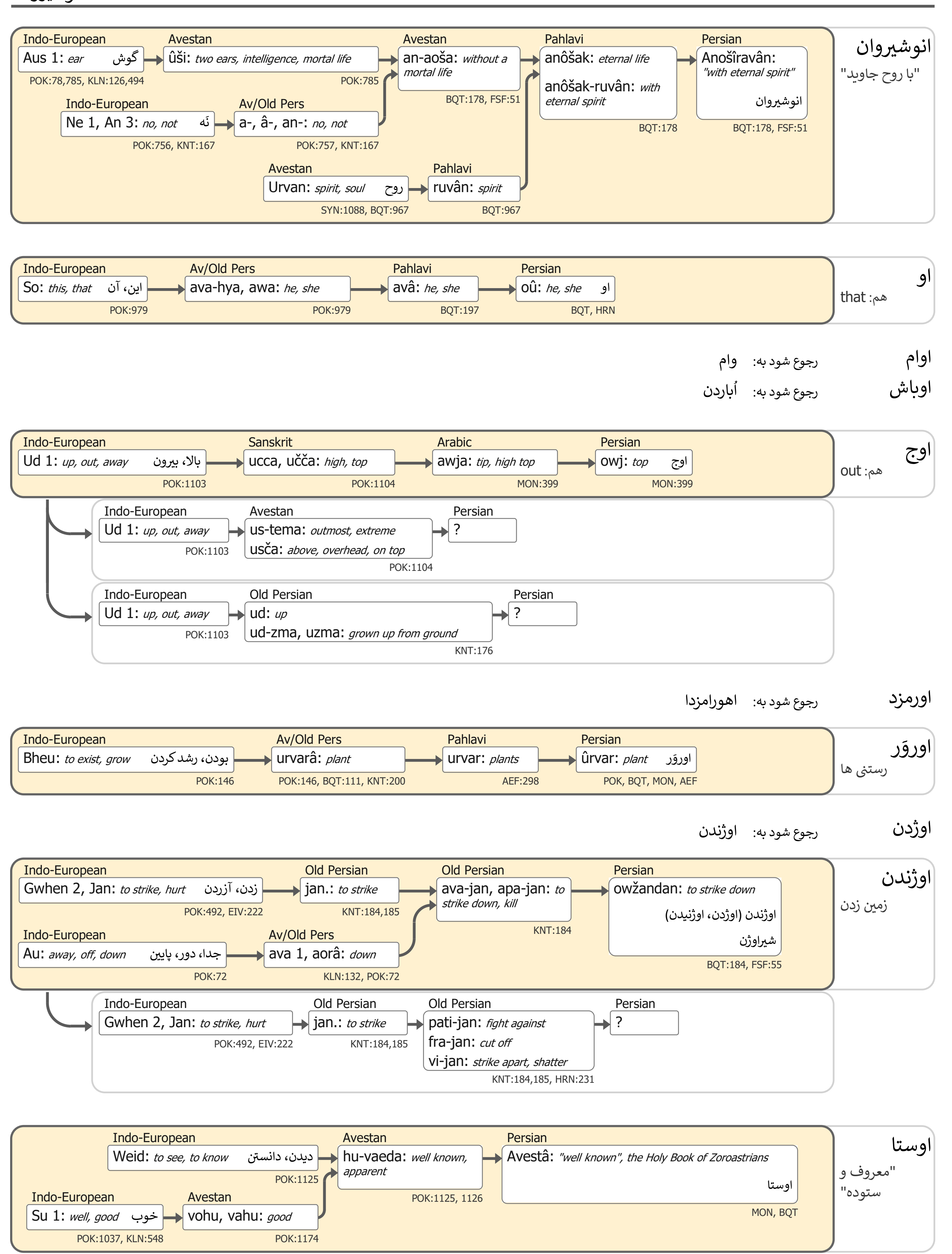


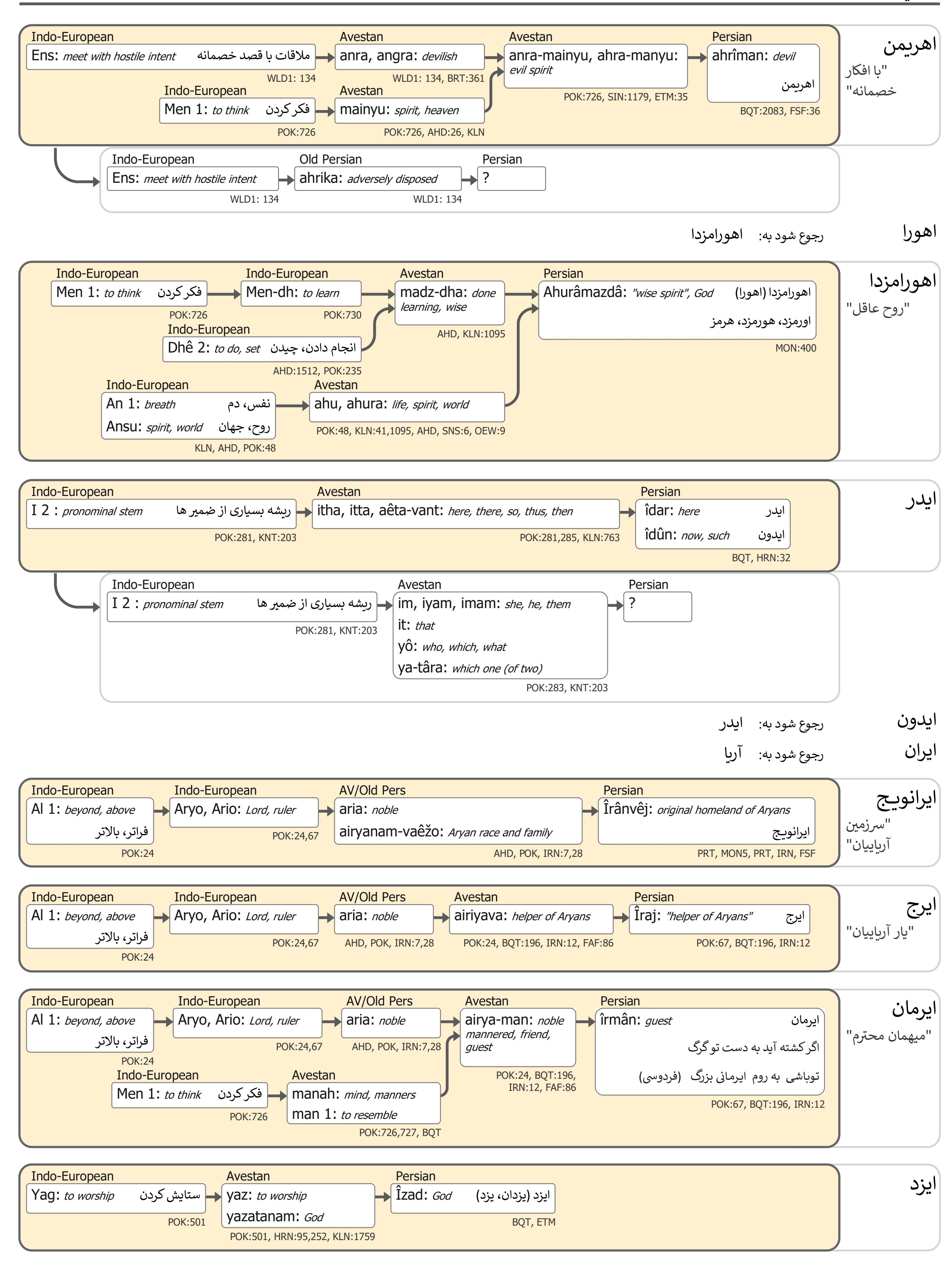
انبر
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Indo-European
Ambhô-Bhor: a two-pronged tool for grabbing objects
IEC:19
Persian
ambor: prongs, tongs, pliers انبر
IEC:19
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Indo-European
Ambhô: both هردو
POK:34
Indo-European
Ambhi: around
POK:34
Old Persian
abiš, abiy, abi: over, above
POK:34
Persian
?
انبست
رجوع شود به: بستن
انبیق
وسیله تهیه "آب نیک"
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
Persian
âbnîk: good (distilled) water آبنیک
PLA:22
Arabic
al-anbîq: distilling apparatus
PLA:27
Persian
anbîq: distilling apparatus انبیق
MON:362
Indo-European
Nei 1: to shine, to be excited درخشیدن، تحریک شدن
POK:760
Old Persian
ni 3, naiba: beautiful, brave, good
POK:760, KNT:192
Pahlavi
nêv-ak: good
SNS:291, BQT:2237
Persian
nîk: good, pure
KLN:1033, BQT:2127,
انجام
Indo-European
Gwa: to walk, step قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
jam, jantu: to go
POK:463, KLN:318
Avestan
han-jâma: conclusion
BQT:166,1451
Persian
anjâm: conclusion انجام
ETM, FFD
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
انجمن
Indo-European
Gwa: to walk, step قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
jam, jantu: to go
POK:463, KLN:318
Avestan
han-jâmana: coming together
BQT:166,1451
Persian
anjoman: society, meeting انجمن
ETM, FFD
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
انجیدن
سوراخ کردن
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up روی هم ریختن یا چیدن
POK:637,EIV
Avestan
kay, kaeš, čay, či 1: to prepare, spread, sprinkle
ham-či: to cut in pieces
POK:637,638, BQT:167
Persian
anjîdan: to cut up in pieces, pierce انجیدن
به خنجر همه تنش انجیده اند
برآن خاک و خونش پشنجیده اند (لبیبی)
POK:637, BQT:167
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
انداختن
هم: هندسه
Indo-European
Teku: to run, flow دویدن، جریان یافتن
POK:1059, EIV:374
Avestan
tak, taka, tač: to run
POK:1059, BQT:503
Avestan
ham-tač, ham-tak: to throw together
BQT:128, HRN:27
Pahlavi
handâčak: throw together (like laying a yardstick next to something for measurement), measure
BQT
Persian
andâxtan: to measure انداختن
andâzeh: size اندازه
نباید سخن گفت ناساخته
نشاید بریدن نینداخته (سعدی)
BQT
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
NOTE- this may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"
اندازه
رجوع شود به: انداختن
اندام
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
han-dâma: put together, shape
BQT:169,418, POK:238
Pahlavi
handâm: figure
Persian
andâm: body, shape اندام
MON:813
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904



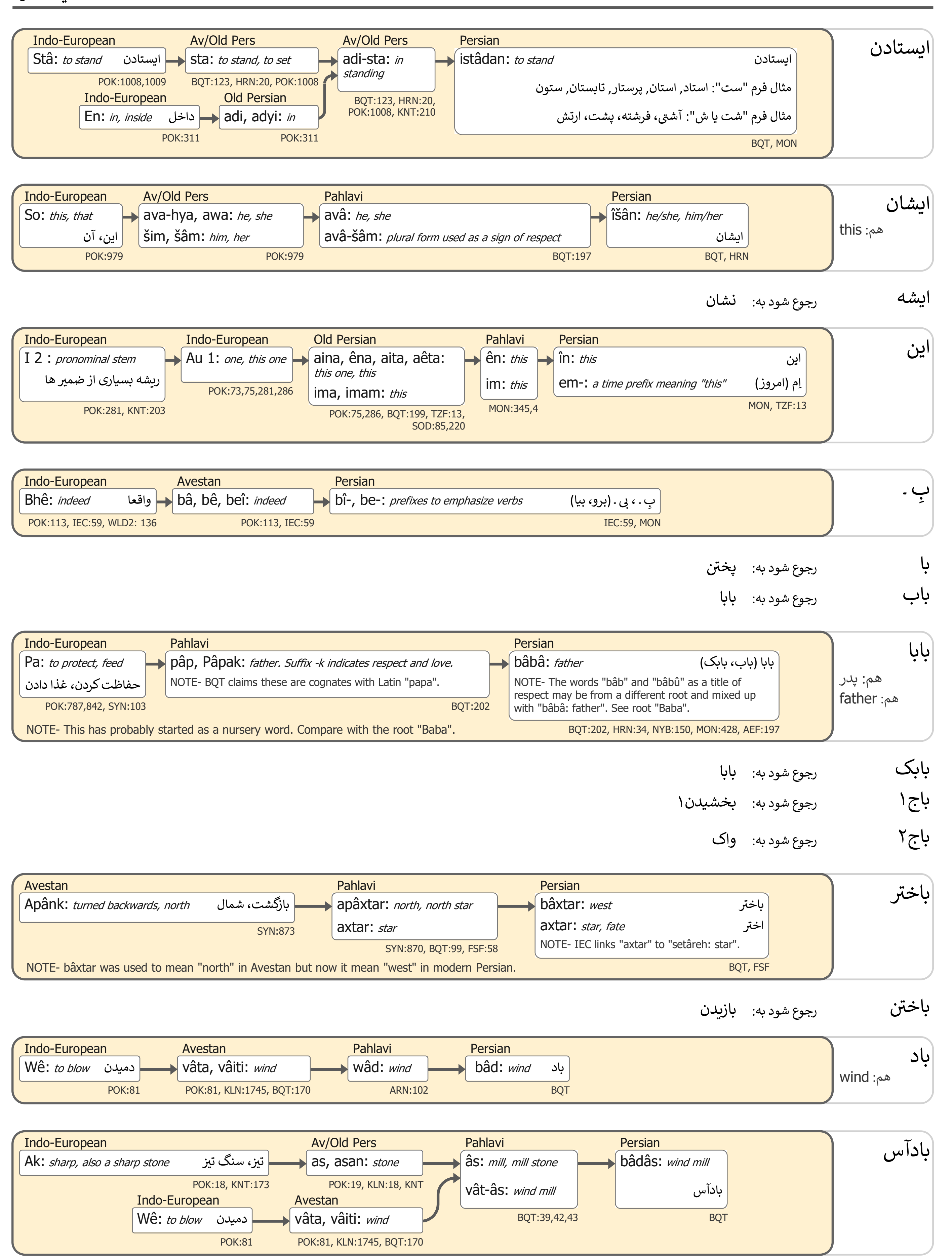
اندر۱
Indo-European
En: in, inside داخل
POK:311
Av/Old Pers
an-tar, an-tare, antara: among, in
POK:311
Persian
اندر۱ (اندرون)
HRN:27, BRT:132
اندر۲
other :هم
Indo-European
An 2: other دیگر
POK:37
Indo-European
Ter 1: to cross over, surpass, overcome عبور کردن ، غلبه کردن
POK:1075, KLN:1639
Indo-European
An-teros: second, other, step parent
IEC:27
Persian
andar: a suffix meaning step as in step father اندر۲
پدراندر، مادراندر، دختراندر، پسراندر
IEC:27, MON:373
اندرز
firm :هم
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Avestan
dereza: to hold together, close, tighten
POK:252,258
Avestan
han-dareza: pull together, fortify, advise
BQT:172
Persian
andarz: advice
اندرز
BQT, MON,EIV
اندروا
"در هوا"
Indo-European
Wê: to blow دمیدن
POK:81
Indo-European
En: in, inside داخل
POK:311
Av/Old Pers
an-tar, an-tare, antara: among, in
POK:311
Avestan
antara-vâyu: in the wind
POK:81, KLN:1745, BQT:170
Persian
andarvâ: wandering, poor اندروا
کسی که خدمت جز اوکند همیشه بود
ز بهر عاقبت خویشتن دل اندروای (فرخی سیستانی)
BQT
اندرون
رجوع شود به: اندر۱
اندوختن
Indo-European
Tauj: to gather, gain جمع آوری کردن
POK:1080, EIV:387
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Old Persian
ham-tauj, ham-taug, ham-taux: to gather together, store
BQT:172, FFD:32, EIV:387
Pahlavi
ham-tôxtan, han-dôzh: to store, add up, save
BQT:172, AEF:159
Persian
andûxtan: to save, store
اندوختن (اندوزیدن)
BQT:171, AEF:159
اندودن
Indo-European
Dheu 3 : to shine درخشیدن
POK:261
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Av/Old Pers
dav 2, dû: to wipe, clean
han-du, ham-dû: to smear together
POK:261, BQT:172,1008, FFD:32,58
Persian
andûdan: to smear, mix
اندودن
BQT:1008
اندوزیدن
رجوع شود به: اندوختن
اندوه
Indo-European
Dheu 2: smoke, mist, dizziness دود ، غبار ، سرگیجه
POK:262
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
dav 1: press
POK:262, BRT:688
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Avestan
han-davathe: depressed
BQT:172
Persian
andûh: sorrow اندوه
BQT, MON,EIV
اندیشیدن
هم: دیدن
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Av/Old Pers
dais: to show, think
ham-dais-a: to think
POK:243, KNT:191, FFD:33
Pahlavi
handêš: thought
FFD:33
Persian
andišidan: to think
اندیشیدن
FFD:33

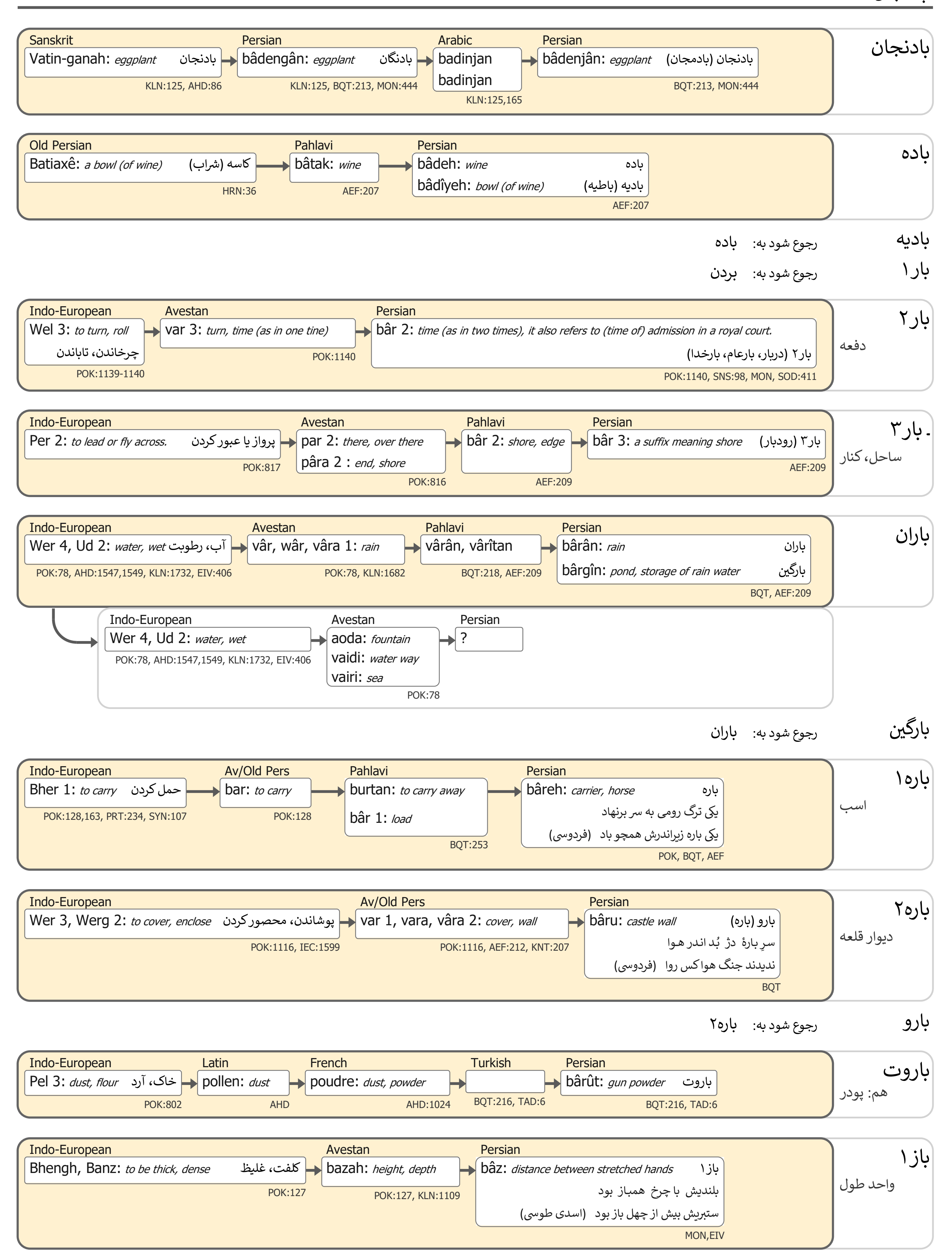

انغوزه
"صمغ شیرین"
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt زدن، آزردن
POK:492, EIV:222
Av/Old Pers
jatara: resin (obtained by striking a tree trunk)
NOTE- Derivation of "jatara: resin" is not certain
AHD:1520, AEF:335
Persian
žad, žeh, zeh: resin ژد، ژه، زه۳
ang-žeh: sweet resin انگژه (انغوزه)
MON, BQT
Indo-European
Embhi: honey, honey bee عسل، زنبور عسل
POK:311, WLD1: 125
Avestan
ang, angu: honey
SOD:42
انفست
رجوع شود به: بستن
انکار
هم: پیشوند "نا-"
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Latin
ne: not
negâre: to deny
AHD
Arabic
naker: to negate, deny, not recognize
TAD:73
Persian
enkâr: denial انکار
FVA:415
انگ۱
رجوع شود به: انگشت
انگ۲
عسل
Indo-European
Embhi: honey, honey bee عسل، زنبور عسل
POK:311, WLD1: 125
Indo-European
Peî: sap, fat شیره ، چربی
POK:793
Avestan
payah: milk
POK:793
Avestan
ang, angu: honey
angu-paêna: sweet sap
SOD:42
Pahlavi
ang, angubin: honey
WLD1: 125
Persian
ang: honey انگ۲
انگبین، سکنجبین، انغوزه
BQT, HRN:254
انگاردن
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Avestan
han-kar: to do (consider) all, imagine
BQT:173, HRN:28,232, HUB:39
Persian
engârdan: imagine انگاردن (نگاردن)
BQT
انگاشتن
رجوع شود به: انگاردن
انگبین
رجوع شود به: انگ۲
انگژه
رجوع شود به: انغوزه
انگشت
هم: England
Indo-European
Ang: to bend خم کردن
POK:46
Avestan
angušta: toe, finger
KLN:75
انگشت، انگ۱، انگولک
MON:392
انگولک
رجوع شود به: انگشت
انگیختن
Indo-European
Weik: to shake, swing لرزاندن، تاب دادن
POK:1130
Av/Old Pers
waix, waig: to swing
POK:1130
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Pahlavi
han-vêxt-an: to motivate, excite
AEF:169, HRN:30
Persian
angîxtan: to excite, motivate
انگیختن (انگیزه)
BQT:178, AEF:169
انگیزه
رجوع شود به: انگیختن
انوشه
"بی مرگ"
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Avestan
ûši: two ears, intelligence, mortal life
POK:785
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Avestan
an-aoša: without a mortal life
BQT:178, FSF:51
Pahlavi
anôšak: eternal life
BQT:178
Persian
anušeh: eternal, happiness, wine
انوشه
بدو گفت پیران که ای شهریار
انوشه بُدی تا بود روزگار (فردوسی)
BQT:178, FSF:51

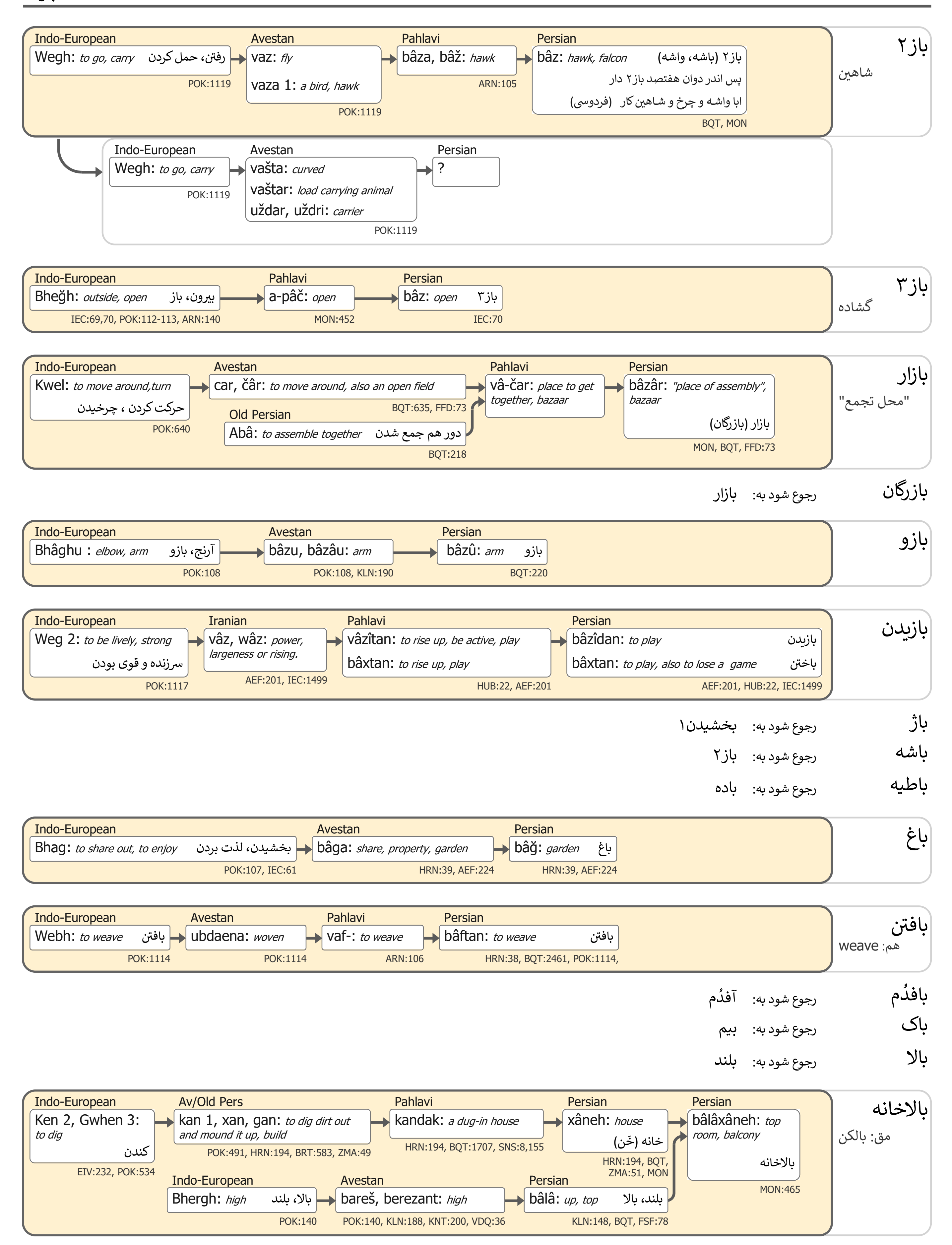

انوشیروان
"با روح جاوید"
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Avestan
ûši: two ears, intelligence, mortal life
POK:785
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Avestan
an-aoša: without a mortal life
BQT:178, FSF:51
Avestan
Urvan: spirit, soul روح
SYN:1088, BQT:967
Pahlavi
ruvân: spirit
BQT:967
Pahlavi
anôšak: eternal life
anôšak-ruvân: with eternal spirit
BQT:178
Persian
Anošîravân: "with eternal spirit"
انوشیروان
BQT:178, FSF:51
او
هم: that
Indo-European
So: this, that این، آن
POK:979
Av/Old Pers
ava-hya, awa: he, she
POK:979
Pahlavi
avâ: he, she
BQT:197
Persian
oû: he, she او
BQT, HRN
اوام
رجوع شود به: وام
اوباش
رجوع شود به: اُباردن
اوج
هم: out
Indo-European
Ud 1: up, out, away بالا، بیرون
POK:1103
Sanskrit
ucca, uččа: high, top
POK:1104
Arabic
awja: tip, high top
MON:399
Persian
owj: top اوج
MON:399
Indo-European
Ud 1: up, out, away
POK:1103
Avestan
us-tema: outmost, extreme
usča: above, overhead, on top
POK:1104
Persian
?
Indo-European
Ud 1: up, out, away
POK:1103
Old Persian
ud: up
ud-zma, uzma: grown up from ground
KNT:176
Persian
?
اورمزد
رجوع شود به: اهورامزدا
اوروَر
رستنی ها
Indo-European
Bheu: to exist, grow بودن، رشد کردن
POK:146
Av/Old Pers
urvarâ: plant
POK:146, BQT:111, KNT:200
Pahlavi
urvar: plants
AEF:298
Persian
ûrvar: plant اوروَر
POK, BQT, MON, AEF
اوژدن
رجوع شود به: اوژندن
اوژندن
زمین زدن
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt زدن، آزردن
POK:492, EIV:222
Old Persian
jan.: to strike
KNT:184,185
Indo-European
Au: away, off, down جدا، دور، پایین
POK:72
Av/Old Pers
ava 1, aorâ: down
KLN:132, POK:72
Old Persian
ava-jan, apa-jan: to strike down, kill
KNT:184
Persian
owžandan: to strike down
اوژندن (اوژدن، اوژنیدن)
شیراوژن
BQT:184, FSF:55
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt
POK:492, EIV:222
Old Persian
jan.: to strike
KNT:184,185
Old Persian
pati-jan: fight against
fra-jan: cut off
vi-jan: strike apart, shatter
KNT:184,185, HRN:231
Persian
?
اوستا
"معروف و ستوده"
Indo-European
Weid: to see, to know دیدن، دانستن
POK:1125
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
vohu, vahu: good
POK:1174
Avestan
hu-vaeda: well known, apparent
POK:1125, 1126
Persian
Avestâ: "well known", the Holy Book of Zoroastrians
اوستا
MON, BQT

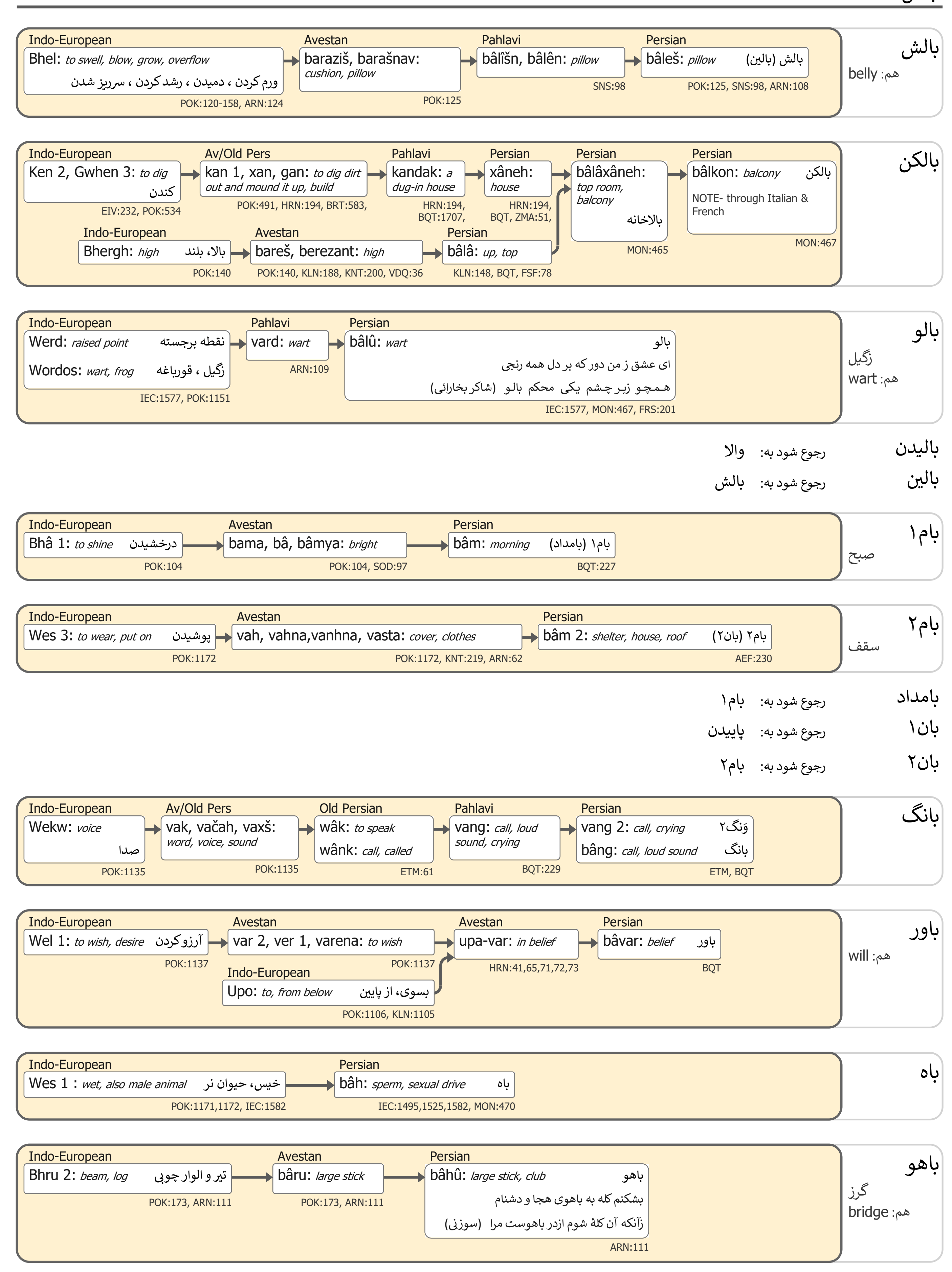


اهریمن
"با افکار خصمانه"
Indo-European
Ens: meet with hostile intent ملاقات با قصد خصمانه
WLD1: 134
Avestan
anra, angra: devilish
WLD1: 134, BRT:361
Avestan
anra-mainyu, ahra-manyu: evil spirit
POK:726, SIN:1179, ETM:35
Persian
ahrîman: devil اهریمن
BQT:2083, FSF:36
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
mainyu: spirit, heaven
POK:726, AHD:26, KLN
Indo-European
Ens: meet with hostile intent
WLD1: 134
Old Persian
ahrika: adversely disposed
WLD1: 134
Persian
?
اهورا
رجوع شود به: اهورامزدا
اهورامزدا
"روح عاقل"
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Indo-European
Men-dh: to learn
POK:730
Avestan
madz-dha: done learning, wise
AHD, KLN:1095
Persian
Ahurâmazdâ: "wise spirit", God اهورامزدا (اهورا)
اورمزد، هورمزد، هرمز
MON:400
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Indo-European
An 1: breath نفس، دم
Ansu: spirit, world روح، جهان
KLN, AHD, POK:48
Avestan
ahu, ahura: life, spirit, world
POK:48, KLN:41,1095, AHD, SNS:6, OEW:9
ایدر
Indo-European
I 2 : pronominal stem ریشه بسیاری از ضمیر ها
POK:281, KNT:203
Avestan
itha, itta, aêta-vant: here, there, so, thus, then
POK:281,285, KLN:763
Persian
îdar: here ایدر
îdûn: now, such ایدون
BQT, HRN:32
Indo-European
I 2 : pronominal stem ریشه بسیاری از ضمیر ها
POK:281, KNT:203
Avestan
im, iyam, imam: she, he, them
it: that
yô: who, which, what
ya-târa: which one (of two)
POK:283, KNT:203
Persian
?
ایدون
رجوع شود به: ایدر
ایران
رجوع شود به: آریا
ایرانویج
"سرزمین آریاییان"
Indo-European
Al 1: beyond, above فراتر، بالاتر
POK:24
Indo-European
Aryo, Ario: Lord, ruler
POK:24,67
AV/Old Pers
aria: noble
airyanam-vaêžo: Aryan race and family
AHD, POK, IRN:7,28
Persian
Îrânvêj: original homeland of Aryans ایرانویج
PRT, MON5, PRT, IRN, FSF
ایرج
"یار آریاییان"
Indo-European
Al 1: beyond, above فراتر، بالاتر
POK:24
Indo-European
Aryo, Ario: Lord, ruler
POK:24,67
AV/Old Pers
aria: noble
AHD, POK, IRN:7,28
Avestan
airiyava: helper of Aryans
POK:24, BQT:196, IRN:12, FAF:86
Persian
Îraj: "helper of Aryans" ایرج
POK:67, BQT:196, IRN:12
ایرمان
"میهمان محترم"
Indo-European
Al 1: beyond, above فراتر، بالاتر
POK:24
Indo-European
Aryo, Ario: Lord, ruler
POK:24,67
AV/Old Pers
aria: noble
AHD, POK, IRN:7,28
Avestan
airya-man: noble mannered, friend, guest
POK:24, BQT:196, IRN:12, FAF:86
Persian
îrmân: guest ایرمان
اگر کشته آید به دست تو گرگ
توباشی به روم ایرمانی بزرگ (فردوسی)
POK:67, BQT:196, IRN:12
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
man 1: to resemble
POK:726,727, BQT
ایزد
Indo-European
Yag: to worship ستایش کردن
POK:501
Avestan
yaz: to worship
yazatanam: God
POK:501, HRN:95,252, KLN:1759
Persian
Îzad: God ایزد (یزدان، یزد)
BQT, ETM

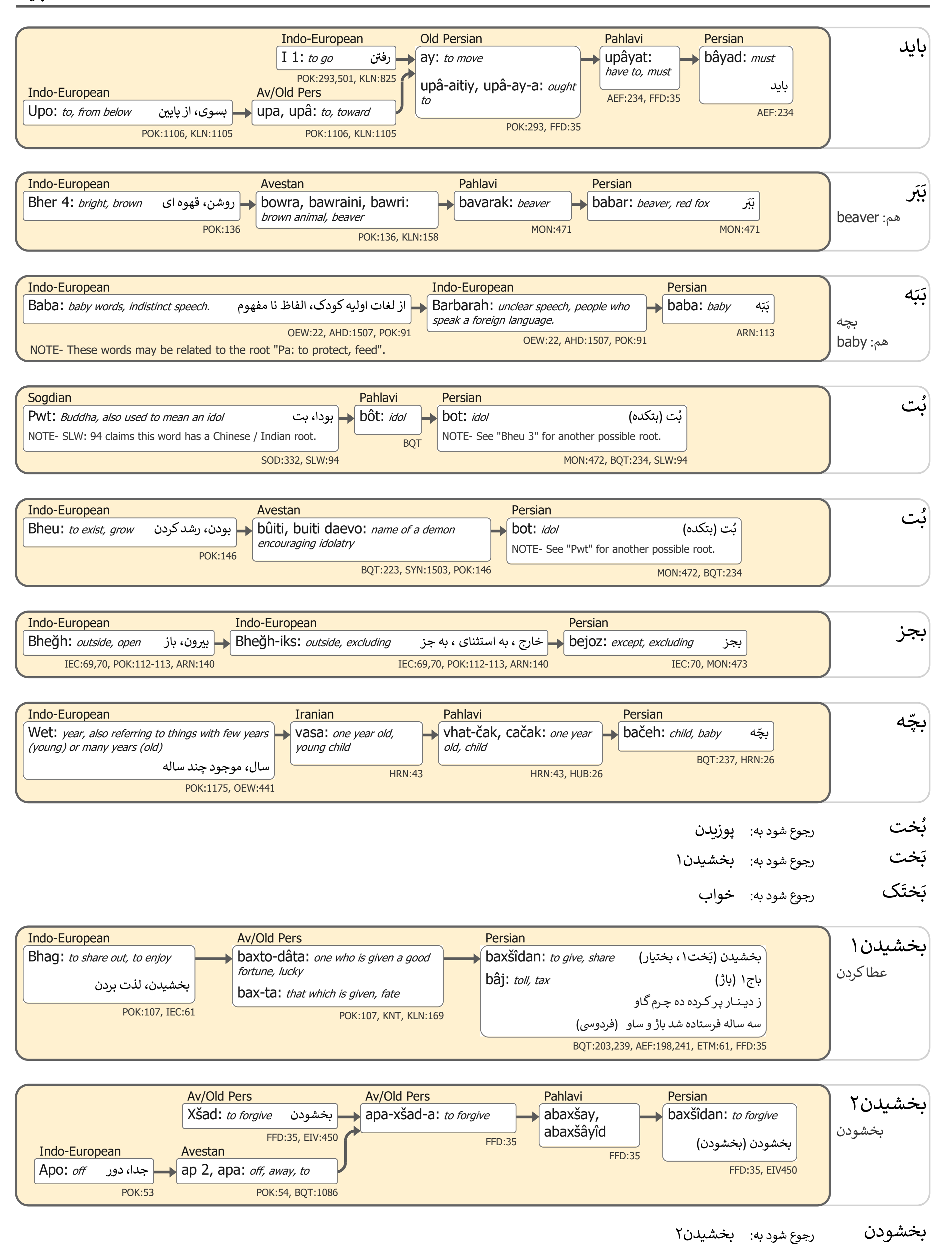

ایستادن
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Indo-European
En: in, inside داخل
POK:311
Old Persian
adi, adyi: in
POK:311
Av/Old Pers
adi-sta: in standing
BQT:123, HRN:20, POK:1008, KNT:210
Persian
istâdan: to stand ایستادن
مثال فرم "ست": استاد, استان, پرستار, تابستان, ستون
مثال فرم "شت یا ش": آشتی، فرشته، پشت، ارتش
BQT, MON
ایشان
this :هم
Indo-European
So: this, that
این، آن
POK:979
Av/Old Pers
ava-hya, awa: he, she
šim, šâm: him, her
POK:979
Pahlavi
avâ: he, she
avâ-šâm: plural form used as a sign of respect
BQT:197
Persian
îšân: he/she, him/her
ایشان
BQT, HRN
ایشه
رجوع شود به: نشان
این
Indo-European
I 2 : pronominal stem
ریشه بسیاری از ضمیر ها
POK:281, KNT:203
Indo-European
Au 1: one, this one
POK:73,75,281,286
Old Persian
aina, êna, aita, aêta: this one, this
ima, imam: this
POK:75,286, BQT:199, TZF:13, SOD:85,220
Pahlavi
ên: this
im: this
MON:345,4
Persian
în: this این
em-: a time prefix meaning "this" اِم (امروز)
MON, TZF:13
بِ .
Indo-European
Bhê: indeed واقعا
POK:113, IEC:59, WLD2: 136
Avestan
bâ, bê, beî: indeed
POK:113, IEC:59
Persian
bî-, be-: prefixes to emphasize verbs بِ ، بی . (بِرو، بیا)
IEC:59, MON
با
رجوع شود به: پختن
باب
رجوع شود به: بابا
بابا
هم: پدر
father :هم
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Pahlavi
pâp, Pâpak: father. Suffix -k indicates respect and love.
NOTE- BQT claims these are cognates with Latin "papa".
BQT:202
Persian
bâbâ: father بابا (باب، بابک)
NOTE- The words "bâb" and "bâbû" as a title of respect may be from a different root and mixed up with "bâbâ: father". See root "Baba".
BQT:202, HRN:34, NYB:150, MON:428, AEF:197
NOTE- This has probably started as a nursery word. Compare with the root "Baba".
بابک
رجوع شود به: بابا
باج۱
رجوع شود به: بخشیدن۱
باج۲
رجوع شود به: واک
باختر
Avestan
Apânk: turned backwards, north بازگشت، شمال
SYN:873
Pahlavi
apâxtar: north, north star
axtar: star
SYN:870, BQT:99, FSF:58
Persian
bâxtar: west باختر
axtar: star, fate اختر
NOTE- IEC links "axtar" to "setâreh: star".
BQT, FSF
NOTE- bâxtar was used to mean "north" in Avestan but now it mean "west" in modern Persian.
باختن
رجوع شود به: بازیدن
باد
wind :هم
Indo-European
Wê: to blow دمیدن
POK:81
Avestan
vâta, vâiti: wind
POK:81, KLN:1745, BQT:170
Pahlavi
wâd: wind
ARN:102
Persian
bâd: wind باد
BQT
بادآس
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Av/Old Pers
as, asan: stone
POK:19, KLN:18, KNT
Indo-European
Wê: to blow دمیدن
POK:81
Avestan
vâta, vâiti: wind
POK:81, KLN:1745, BQT:170
Pahlavi
âs: mill, mill stone
vât-âs: wind mill
BQT:39,42,43
Persian
bâdâs: wind mill
بادآس
BQT


بادنجان
Sanskrit
Vatin-ganah: eggplant بادنجان
KLN:125, AHD:86
Persian
bâdengân: eggplant بادنگان
KLN:125, BQT:213, MON:444
Arabic
badinjan
badinjan
KLN:125,165
Persian
bâdenjân: eggplant بادنجان (بادمجان)
BQT:213, MON:444
باده
Old Persian
Batiaxê: a bowl (of wine) کاسه (شراب)
HRN:36
Pahlavi
bâtak: wine
AEF:207
Persian
bâdeh: wine باده
bâdîyeh: bowl (of wine) بادیه (باطیه)
AEF:207
بادیه رجوع شود به: باده
بار ۱ رجوع شود به: بردن
بار ۲
دفعه
Indo-European
Wel 3: to turn, roll
چرخاندن، تاباندن
POK:1139-1140
Avestan
var 3: turn, time (as in one time)
POK:1140
Persian
bâr 2: time (as in two times), it also refers to (time of) admission in a royal court.
بار ۲ (دربار، بارعام، بارخدا)
POK:1140, SNS:98, MON, SOD:411
بار ۳
ساحل، کنار
Indo-European
Per 2: to lead or fly across. پرواز یا عبور کردن
POK:817
Avestan
par 2: there, over there
pâra 2 : end, shore
POK:816
Pahlavi
bâr 2: shore, edge
AEF:209
Persian
bâr 3: a suffix meaning shore بار ۳ (رودبار)
AEF:209
باران
Indo-European
Wer 4, Ud 2: water, wet آب، رطوبت
POK:78, AHD:1547,1549, KLN:1732, EIV:406
Avestan
vâr, wâr, vâra 1: rain
POK:78, KLN:1682
Pahlavi
vârân, vârîtan
BQT:218, AEF:209
Persian
bârân: rain باران
bârgîn: pond, storage of rain water بارگین
BQT, AEF:209
Indo-European
Wer 4, Ud 2: water, wet
POK:78, AHD:1547,1549, KLN:1732, EIV:406
Avestan
aoda: fountain
vaidi: water way
vairi: sea
POK:78
Persian
?
بارگین رجوع شود به: باران
باره ۱
اسب
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Pahlavi
burtan: to carry away
bâr 1: load
BQT:253
Persian
bâreh: carrier, horse باره
یکی ترگ رومی به سر برنهاد
یکی باره زیراندرش همچو باد (فردوسی)
POK, BQT, AEF
باره ۲
دیوار قلعه
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Av/Old Pers
var 1, vara, vâra 2: cover, wall
POK:1116, AEF:212, KNT:207
Persian
bâru: castle wall بارو (باره)
سرِ بارهٔ دژ بُد اندر هوا
ندیدند جنگ هوا کس روا (فردوسی)
BQT
بارو رجوع شود به: باره ۲
باروت
هم: پودر
Indo-European
Pel 3: dust, flour خاک، آرد
POK:802
Latin
pollen: dust
AHD
French
poudre: dust, powder
AHD:1024
Turkish
BQT:216, TAD:6
Persian
bârût: gun powder باروت
BQT:216, TAD:6
باز ۱
واحد طول
Indo-European
Bhengh, Banz: to be thick, dense کلفت، غلیظ
POK:127
Avestan
bazah: height, depth
POK:127, KLN:1109
Persian
bâz: distance between stretched hands باز ۱
بلندیش با چرخ همباز بود
ستبریش بیش از چهل باز بود (اسدی طوسی)
MON,EIV


باز۲
شاهین
Indo-European
Wegh: to go, carry رفتن، حمل کردن
POK:1119
Avestan
vaz: fly
vaza 1: a bird, hawk
POK:1119
Pahlavi
bâza, bâž: hawk
ARN:105
Persian
bâz: hawk, falcon باز۲ (باشه، واشه)
پس اندر دوان هفتصد باز۲ دار
ابا واشه و چرخ و شاهین کار (فردوسی)
BQT, MON
Indo-European
Wegh: to go, carry
POK:1119
Avestan
vašta: curved
vaštar: load carrying animal
uždar, uždri: carrier
POK:1119
Persian
?
باز۳
گشاده
Indo-European
Bheğh: outside, open بیرون، باز
IEC:69,70, POK:112-113, ARN:140
Pahlavi
a-pâč: open
MON:452
Persian
bâz: open باز۳
IEC:70
بازار
"محل تجمع"
Indo-European
Kwel: to move around,turn
حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Avestan
car, čâr: to move around, also an open field
BQT:635, FFD:73
Old Persian
Abâ: to assemble together دور هم جمع شدن
BQT:218
Pahlavi
vâ-čar: place to get together, bazaar
Persian
bâzâr: "place of assembly", bazaar
بازار (بازرگان)
MON, BQT, FFD:73
بازرگان
رجوع شود به: بازار
بازو
Indo-European
Bhâghu : elbow, arm آرنج، بازو
POK:108
Avestan
bâzu, bâzâu: arm
POK:108, KLN:190
Persian
bâzû: arm بازو
BQT:220
بازیدن
Indo-European
Weg 2: to be lively, strong
سرزنده و قوی بودن
POK:1117
Iranian
vâz, wâz: power, largeness or rising.
AEF:201, IEC:1499
Pahlavi
vâzîtan: to rise up, be active, play
bâxtan: to rise up, play
HUB:22, AEF:201
Persian
bâzîdan: to play بازیدن
bâxtan: to play, also to lose a game باختن
AEF:201, HUB:22, IEC:1499
باژ
رجوع شود به: بخشیدن۱
باشه
رجوع شود به: باز۲
باطیه
رجوع شود به: باده
باغ
Indo-European
Bhag: to share out, to enjoy بخشیدن، لذت بردن
POK:107, IEC:61
Avestan
bâga: share, property, garden
HRN:39, AEF:224
Persian
bâğ: garden باغ
HRN:39, AEF:224
بافتن
هم: weave
Indo-European
Webh: to weave بافتن
POK:1114
Avestan
ubdaena: woven
POK:1114
Pahlavi
vaf-: to weave
ARN:106
Persian
bâftan: to weave بافتن
HRN:38, BQT:2461, POK:1114,
بافدُم
رجوع شود به: آفدُم
باک
رجوع شود به: بیم
بالا
رجوع شود به: بلند
بالاخانه
مق: بالکن
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig
کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Pahlavi
kandak: a dug-in house
HRN:194, BQT:1707, SNS:8,155
Persian
xâneh: house
خانه (خَن)
HRN:194, BQT, ZMA:51, MON
Persian
bâlâxâneh: top room, balcony
بالاخانه
MON:465
Indo-European
Bhergh: high بالا، بلند
POK:140
Avestan
bareš, berezant: high
POK:140, KLN:188, KNT:200, VDQ:36
Persian
bâlâ: up, top بلند، بالا
KLN:148, BQT, FSF:78



بالش
هم: belly
Indo-European
Bhel: to swell, blow, grow, overflow
ورم کردن ، دمیدن ، رشد کردن ، سرریز شدن
POK:120-158, ARN:124
Avestan
baraziš, barašnav: cushion, pillow
POK:125
Pahlavi
bâlîšn, bâlên: pillow
SNS:98
Persian
bâleš: pillow بالش (بالین)
POK:125, SNS:98, ARN:108
بالکن
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583,
Pahlavi
kandak: a dug-in house
HRN:194, BQT:1707,
Persian
xâneh: house
HRN:194, BQT, ZMA:51,
Persian
bâlâxâneh: top room, balcony بالاخانه
MON:465
Persian
bâlkon: balcony بالکن
NOTE- through Italian & French
MON:467
Indo-European
Bhergh: high بالا، بلند
POK:140
Avestan
bareš, berezant: high
POK:140, KLN:188, KNT:200, VDQ:36
Persian
bâlâ: up, top
KLN:148, BQT, FSF:78
بالو
زگیل
هم: wart
Indo-European
Werd: raised point نقطه برجسته
Wordos: wart, frog زگیل ، قورباغه
IEC:1577, POK:1151
Pahlavi
vard: wart
ARN:109
Persian
bâlû: wart بالو
ای عشق ز من دور که بر دل همه رنجی
همچو زیر چشم یکی محکم بالو (شاکر بخارائی)
IEC:1577, MON:467, FRS:201
بالیدن رجوع شود به: والا
بالین رجوع شود به: بالش
بام۱
صبح
Indo-European
Bhâ 1: to shine درخشیدن
POK:104
Avestan
bama, bâ, bâmya: bright
POK:104, SOD:97
Persian
bâm: morning بام۱ (بامداد)
BQT:227
بام۲
سقف
Indo-European
Wes 3: to wear, put on پوشیدن
POK:1172
Avestan
vah, vahna,vanhna, vasta: cover, clothes
POK:1172, KNT:219, ARN:62
Persian
bâm 2: shelter, house, roof بام۲ (بان۲)
AEF:230
بامداد رجوع شود به: بام۱
بان۱ رجوع شود به: پاییدن
بان۲ رجوع شود به: بام۲
بانگ
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Old Persian
wâk: to speak
wânk: call, called
ETM:61
Pahlavi
vang: call, loud sound, crying
BQT:229
Persian
vang 2: call, crying وَنگ۲
bâng: call, loud sound بانگ
ETM, BQT
باور
هم: will
Indo-European
Wel 1: to wish, desire آرزو کردن
POK:1137
Avestan
var 2, ver 1, varena: to wish
POK:1137
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Avestan
upa-var: in belief
HRN:41,65,71,72,73
Persian
bâvar: belief باور
BQT
باه
Indo-European
Wes 1 : wet, also male animal خیس، حیوان نر
POK:1171,1172, IEC:1582
Persian
bâh: sperm, sexual drive باه
IEC:1495,1525,1582, MON:470
باهو
گرز
هم: bridge
Indo-European
Bhru 2: beam, log تیر و الوار چوبی
POK:173, ARN:111
Avestan
bâru: large stick
POK:173, ARN:111
Persian
bâhû: large stick, club باهو
بشکنم کله به باهوی هجا و دشنام
زآنکه آن کلۀ شوم ازدر باهوست مرا (سوزنی)
ARN:111


باید
Indo-European
I 1: to go رفتن
POK:293,501, KLN:825
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Old Persian
ay: to move
upâ-aitiy, upâ-ay-a: ought to
POK:293, FFD:35
Pahlavi
upâyat: have to, must
AEF:234, FFD:35
Persian
bâyad: must
باید
AEF:234
بَبَر
هم: beaver
Indo-European
Bher 4: bright, brown روشن، قهوه ای
POK:136
Avestan
bowra, bawraini, bawri: brown animal, beaver
POK:136, KLN:158
Pahlavi
bavarak: beaver
MON:471
Persian
babar: beaver, red fox بَبَر
MON:471
بَبَه
بچه
هم: baby
Indo-European
Baba: baby words, indistinct speech. از لغات اولیه کودک، الفاظ نا مفهوم
OEW:22, AHD:1507, POK:91
Indo-European
Barbarah: unclear speech, people who speak a foreign language.
OEW:22, AHD:1507, POK:91
Persian
baba: baby بَبَه
ARN:113
NOTE- These words may be related to the root "Pa: to protect, feed".
بُت
Sogdian
Pwt: Buddha, also used to mean an idol بودا، بت
NOTE- SLW: 94 claims this word has a Chinese / Indian root.
SOD:332, SLW:94
Pahlavi
bôt: idol
BQT
Persian
bot: idol بُت (بتکده)
NOTE- See "Bheu 3" for another possible root.
MON:472, BQT:234, SLW:94
بُت
Indo-European
Bheu: to exist, grow بودن، رشد کردن
POK:146
Avestan
bûiti, buiti daevo: name of a demon encouraging idolatry
BQT:223, SYN:1503, POK:146
Persian
bot: idol بُت (بتکده)
NOTE- See "Pwt" for another possible root.
MON:472, BQT:234
بجز
Indo-European
Bheğh: outside, open بیرون، باز
IEC:69,70, POK:112-113, ARN:140
Indo-European
Bheğh-iks: outside, excluding خارج ، به استثنای ، به جز
IEC:69,70, POK:112-113, ARN:140
Persian
bejoz: except, excluding بجز
IEC:70, MON:473
بچّه
Indo-European
Wet: year, also referring to things with few years (young) or many years (old)
سال، موجود چند ساله
POK:1175, OEW:441
Iranian
vasa: one year old, young child
HRN:43
Pahlavi
vhat-čak, cačak: one year old, child
HRN:43, HUB:26
Persian
bačeh: child, baby بچّه
BQT:237, HRN:26
بُخت رجوع شود به: پوزیدن
بَخت رجوع شود به: بخشیدن۱
بَختَک رجوع شود به: خواب
بخشیدن۱
عطا کردن
Indo-European
Bhag: to share out, to enjoy
بخشیدن، لذت بردن
POK:107, IEC:61
Av/Old Pers
baxto-dâta: one who is given a good fortune, lucky
bax-ta: that which is given, fate
POK:107, KNT, KLN:169
Persian
baxšîdan: to give, share بخشیدن (بَخت۱ ، بختیار)
bâj: toll, tax باج۱ (باژ)
ز دینـار پر کـرده ده چرم گاو
سه ساله فرستاده شد باژ و ساو (فردوسی)
BQT:203,239, AEF:198,241, ETM:61, FFD:35
بخشیدن۲
بخشودن
Av/Old Pers
Xšad: to forgive بخشودن
FFD:35, EIV:450
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Av/Old Pers
apa-xšad-a: to forgive
FFD:35
Pahlavi
abaxšay, abaxšâyîd
FFD:35
Persian
baxšîdan: to forgive
بخشودن (بخشودن)
FFD:35, EIV450
بخشودن رجوع شود به: بخشیدن۲

بَد

- **Indo-Scythian** — Vata: *small, undesirable, bad* کوچک، ناپسند، بد (ISS:223)
- → **Iranian** — vata: *bad* (ISS:224)
- → **Pahlavi** — vat: *bad* (ISS:224)
- → **Persian** — bad 1: *bad* بَد; vad: *bad* وَد (HRN:44, BQT, MON:4993)

بُد

پیشوا، رهبر

- **Indo-European** — Per 3: *oppose, hit* مخالف، مقابل (POK:815-818)
- → **Avestan** — paiti 2: *counter, back* (POK:815)
- → **Pahlavi** — paitiš, pat, pêš: *in front of, before, leader* (BQT:440)
- → **Persian** — bod, bed 2: *(suffix) leader* بُد، بِد (سپهبد، هیربد، موبد) (BQT)

بدخشان رجوع شود به: بلخ

بدرود رجوع شود به: دُرود۲

بذله

- **Indo-European** — Bhag: *to share out, to enjoy* بخشیدن، لذت بردن (POK:107, IEC:61)
- → **Indo-European** — Bhag-los, Bhag-mos: *enjoyment, feasting* (IEC:61)
- → **Persian** — bazleh: *joke* بذله (IEC:61, MON:489)

NOTE- MON derives this from Arabic

بَر۱ رجوع شود به: ویر

بَر۲

بالا

- **Indo-** — Bhergh: *high* بالا، بلند (POK:140)
- → **Old Persian** — bard-: *to be high or tall*; Bardiya: *glorified* (KNT:200,201)
- → **Persian** — bar 2: *high* بَر۲ (برتر، برین); Bardiyeh: *"great", a name* بردیه (FSF:79, KNT:200)

NOTE- See "Upo: from below" for another possible root.

بَر۲

بالا

- **Indo-European** — Upo: *to, from below* بسوی، از پایین (POK:1106, KLN:1105)
- → **Indo-European** — Uper: *over, above, beyond* (POK:1105, KLN:1105)
- → **Avestan** — upairi: *above, over, beyond* (POK:1105, KLN:1105)
- → **Pahlavi** — apar: *on, over, more than* (HRN)
- → **Persian** — abar: *super* اَبَر; bar 2: *over* بَر۲ (BQT:79)

NOTE- See "Bhergh: high" for another possible root.

بَر۳ رجوع شود به: بردن

بَر۴

سینه

هم: breast

- **Indo-European** — Bhreus: *swollen* متورم (POK:170, ARN:116)
- → **Avestan** — varang,varah: *swollen, breast* (ARN:116)
- → **Pahlavi** — war, bar: *breast* (ARN:116)
- → **Persian** — bar: *breast, chest, appearance* بَر۴ (ARN:116)

برادر

هم: brother

- **Indo-European** — Bher 1: *to carry* حمل کردن (POK:128,163, PRT:234, SYN:107)
- **Indo-European** — Ter 2, Tar: *a kinship term* پسوند گروه یا فامیل (PRT:863, AHD:1500)
- → **Indo-European** — Bhra-ter: *carrier of load or responsibility* (POK, SYN:103-107)
- → **Avestan** — brâ-tar: *carrier of family* (KLN, SYN:103-107)
- → **Persian** — barâdar: *"load or responsibility carrier of family", brother* برادر (BQT)

برازنده رجوع شود به: برازیدن

برازیدن

هم: bright

- **Indo-European** — Bhereg: *to shine, bright* درخشیدن، روشن (POK:139)
- → **Avestan** — brâz: *to shine* (POK:139, BQT:137)
- → **Persian** — barâzîdan: *to look nice* برازیدن; barâzandeh: *well suited, fit* برازنده (BQT:247, MON:493, ARN:118)

بربط

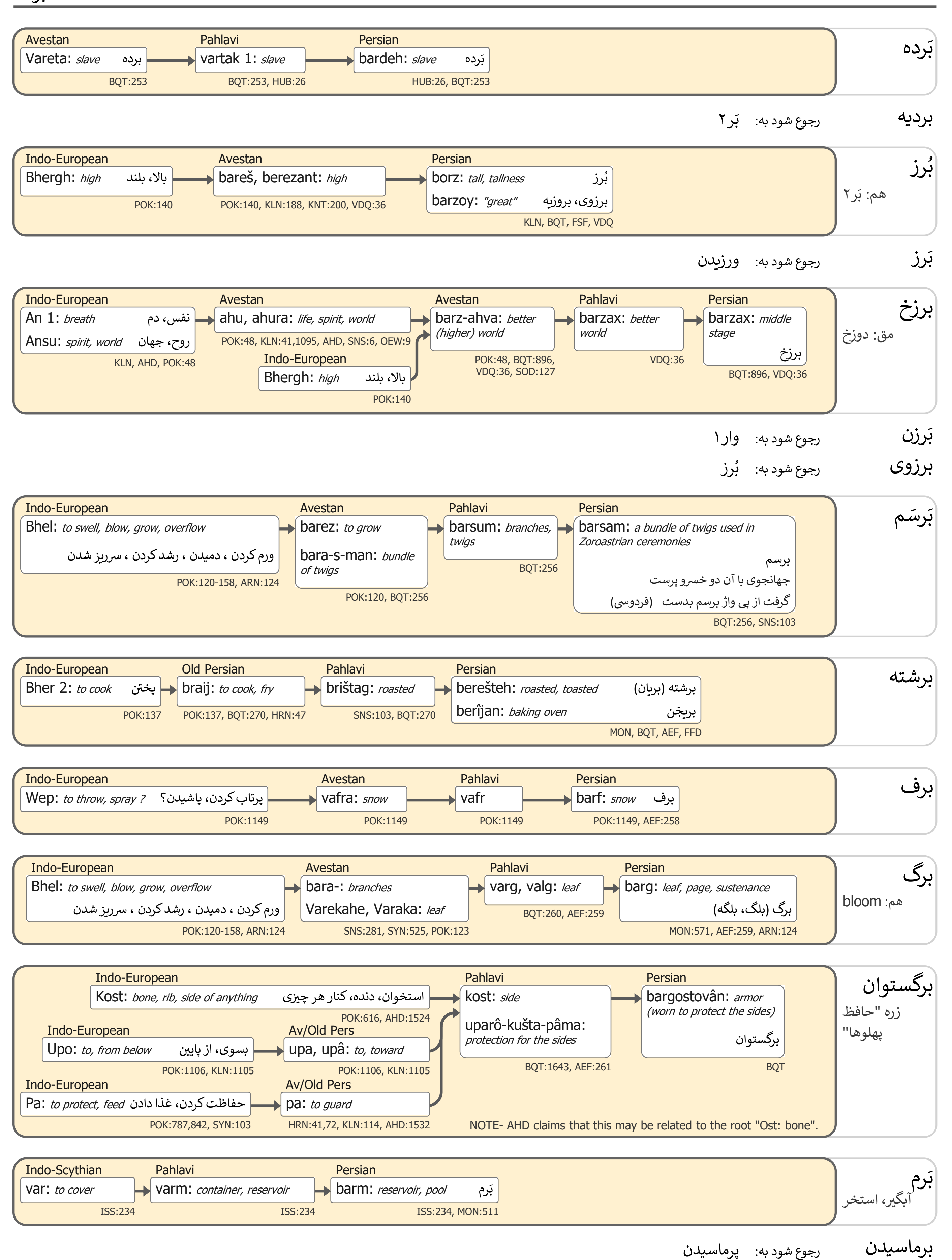
- **Indo-European** — Baba: *baby words, indistinct speech.* از لغات اولیه کودک، الفاظ نا مفهوم (OEW:22, AHD:1507, POK:91)
- → **Indo-European** — Barbarah: *unclear speech, people who speak a foreign language.* (OEW:22, AHD:1507, POK:91)
- → **Greek** — barbitos: *foreign people or objects.* (OEW:22)
- → **Pahlavi** — barbut: *a stringed musical instrument* (BQT:249, MON:497)
- → **Persian** — barbat: *a musical instrument* بربط (MON:497)

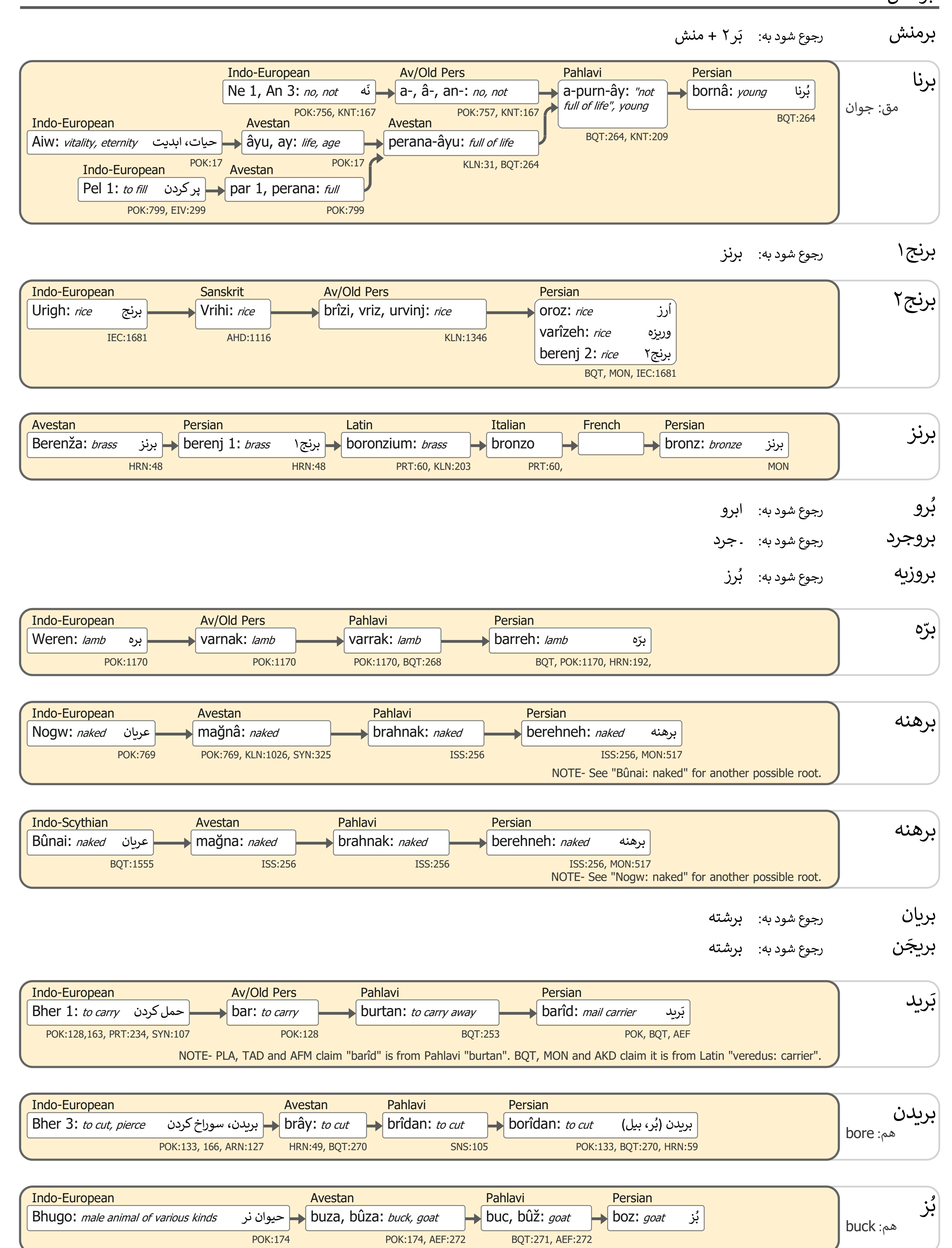
بَرخ رجوع شود به: بهره

بردن

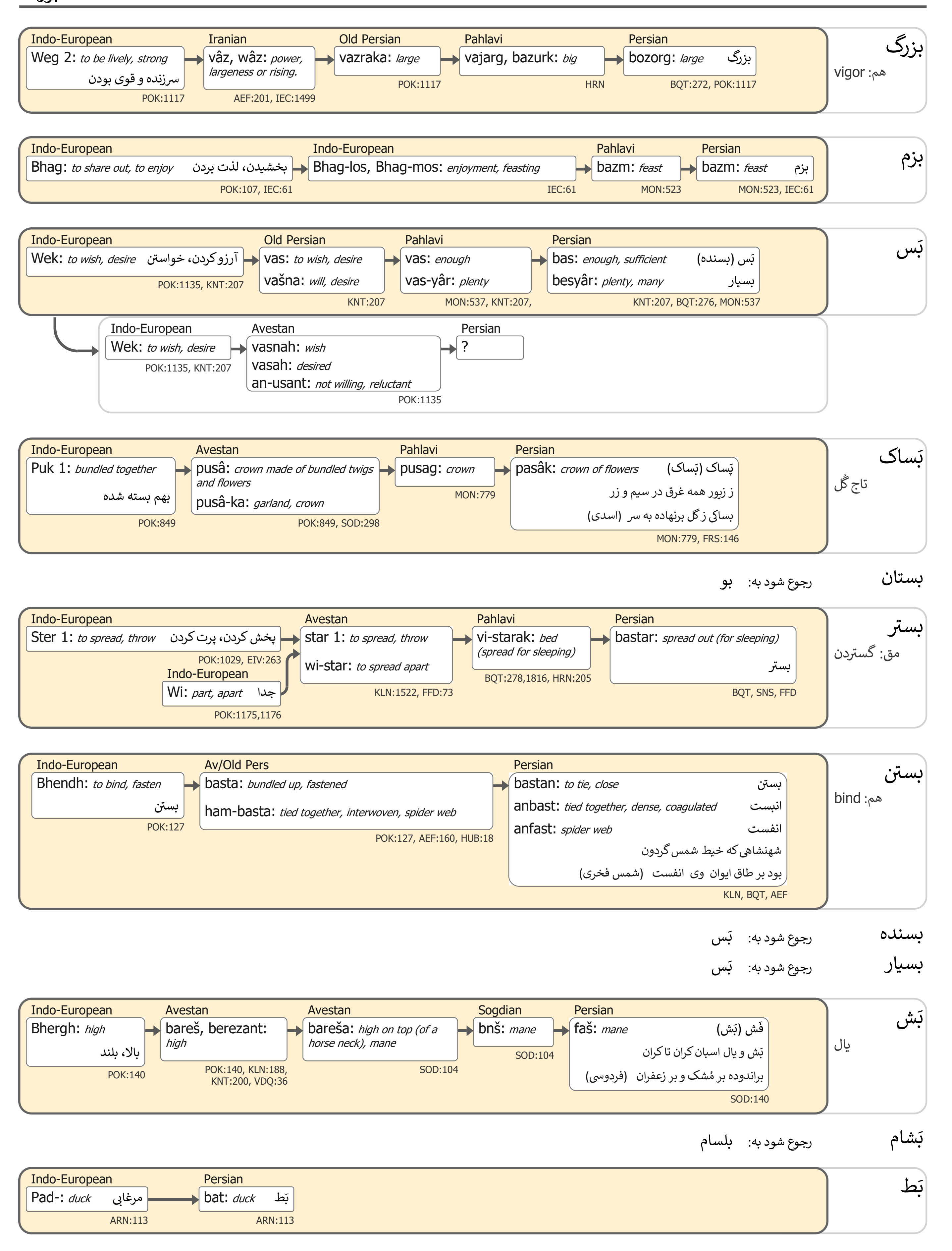
هم: bear

- **Indo-European** — Bher 1: *to carry* حمل کردن (POK:128,163, PRT:234, SYN:107)
- → **Av/Old Pers** — bar: *to carry* (POK:128)
- → **Pahlavi** — burtan: *to carry away*; bâr 1: *load* (BQT:253)
- → **Persian** — bordan: *to carry, take* بردن; bâr 1: *load, fruit (tree load)* بار۱ (بَر۳) (POK, BQT, AEF)


بَرده
Avestan
Vareta: slave برده
BQT:253
Pahlavi
vartak 1: slave
BQT:253, HUB:26
Persian
bardeh: slave بَرده
HUB:26, BQT:253
بردیه
رجوع شود به: بَر۲
بُرز
هم: بَر۲
Indo-European
Bhergh: high بالا، بلند
POK:140
Avestan
bareš, berezant: high
POK:140, KLN:188, KNT:200, VDQ:36
Persian
borz: tall, tallness بُرز
barzoy: "great" برزوی، بروزیه
KLN, BQT, FSF, VDQ
بَرز
رجوع شود به: ورزیدن
برزخ
مق: دوزخ
Indo-European
An 1: breath نفس، دم
Ansu: spirit, world روح، جهان
KLN, AHD, POK:48
Avestan
ahu, ahura: life, spirit, world
POK:48, KLN:41,1095, AHD, SNS:6, OEW:9
Indo-European
Bhergh: high بالا، بلند
POK:140
Avestan
barz-ahva: better (higher) world
POK:48, BQT:896, VDQ:36, SOD:127
Pahlavi
barzax: better world
VDQ:36
Persian
barzax: middle stage
برزخ
BQT:896, VDQ:36
بَرزن
رجوع شود به: وار۱
برزوی
رجوع شود به: بُرز
بَرسَم
Indo-European
Bhel: to swell, blow, grow, overflow
ورم کردن ، دمیدن ، رشد کردن ، سرریز شدن
POK:120-158, ARN:124
Avestan
barez: to grow
bara-s-man: bundle of twigs
POK:120, BQT:256
Pahlavi
barsum: branches, twigs
BQT:256
Persian
barsam: a bundle of twigs used in Zoroastrian ceremonies
برسم
جهانجوی با آن دو خسرو پرست
گرفت از پی واژ برسم بدست (فردوسی)
BQT:256, SNS:103
برشته
Indo-European
Bher 2: to cook پختن
POK:137
Old Persian
braij: to cook, fry
POK:137, BQT:270, HRN:47
Pahlavi
brištag: roasted
SNS:103, BQT:270
Persian
berešteh: roasted, toasted برشته (بریان)
berĵjan: baking oven بریجَن
MON, BQT, AEF, FFD
برف
Indo-European
Wep: to throw, spray ? پرتاب کردن، پاشیدن؟
POK:1149
Avestan
vafra: snow
POK:1149
Pahlavi
vafr
POK:1149
Persian
barf: snow برف
POK:1149, AEF:258
برگ
هم: bloom
Indo-European
Bhel: to swell, blow, grow, overflow
ورم کردن ، دمیدن ، رشد کردن ، سرریز شدن
POK:120-158, ARN:124
Avestan
bara-: branches
Varekahe, Varaka: leaf
SNS:281, SYN:525, POK:123
Pahlavi
varg, valg: leaf
BQT:260, AEF:259
Persian
barg: leaf, page, sustenance
برگ (بلگ، بلگه)
MON:571, AEF:259, ARN:124
برگستوان
زره "حافظ پهلوها"
Indo-European
Kost: bone, rib, side of anything استخوان، دنده، کنار هر چیزی
POK:616, AHD:1524
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Pahlavi
kost: side
uparô-kušta-pâma: protection for the sides
BQT:1643, AEF:261
Persian
bargostovân: armor (worn to protect the sides)
برگستوان
BQT
NOTE- AHD claims that this may be related to the root "Ost: bone".
بَرم
آبگیر، استخر
Indo-Scythian
var: to cover
ISS:234
Pahlavi
varm: container, reservoir
ISS:234
Persian
barm: reservoir, pool بَرم
ISS:234, MON:511
برماسیدن
رجوع شود به: پرماسیدن



برمنش
رجوع شود به: بَر۲ + منش
برنا
مق: جوان
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Pahlavi
a-purn-ây: "not full of life", young
BQT:264, KNT:209
Persian
bornâ: young بُرنا
BQT:264
Indo-European
Aiw: vitality, eternity حیات، ابدیت
POK:17
Avestan
âyu, ay: life, age
POK:17
Avestan
perana-âyu: full of life
KLN:31, BQT:264
Indo-European
Pel 1: to fill پر کردن
POK:799, EIV:299
Avestan
par 1, perana: full
POK:799
برنج۱
رجوع شود به: برنز
برنج۲
Indo-European
Urigh: rice برنج
IEC:1681
Sanskrit
Vrihi: rice
AHD:1116
Av/Old Pers
brîzi, vriz, urvinj: rice
KLN:1346
Persian
oroz: rice اُرز
varîzeh: rice وریزه
berenj 2: rice برنج۲
BQT, MON, IEC:1681
برنز
Avestan
Berenža: brass برنز
HRN:48
Persian
berenj 1: brass برنج۱
HRN:48
Latin
boronzium: brass
PRT:60, KLN:203
Italian
bronzo
PRT:60,
French
Persian
bronz: bronze برنز
MON
بُرو
رجوع شود به: ابرو
بروجرد
رجوع شود به: ـ جرد
بروزیه
رجوع شود به: بُرز
برّه
Indo-European
Weren: lamb بره
POK:1170
Av/Old Pers
varnak: lamb
POK:1170
Pahlavi
varrak: lamb
POK:1170, BQT:268
Persian
barreh: lamb برّه
BQT, POK:1170, HRN:192,
برهنه
Indo-European
Nogw: naked عریان
POK:769
Avestan
mağnâ: naked
POK:769, KLN:1026, SYN:325
Pahlavi
brahnak: naked
ISS:256
Persian
berehneh: naked برهنه
ISS:256, MON:517
NOTE- See "Bûnai: naked" for another possible root.
برهنه
Indo-Scythian
Bûnai: naked عریان
BQT:1555
Avestan
mağna: naked
ISS:256
Pahlavi
brahnak: naked
ISS:256
Persian
berehneh: naked برهنه
ISS:256, MON:517
NOTE- See "Nogw: naked" for another possible root.
بریان
رجوع شود به: برشته
بریجَن
رجوع شود به: برشته
بَرید
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Pahlavi
burtan: to carry away
BQT:253
Persian
barîd: mail carrier بَرید
POK, BQT, AEF
NOTE- PLA, TAD and AFM claim "barîd" is from Pahlavi "burtan". BQT, MON and AKD claim it is from Latin "veredus: carrier".
بریدن
هم: bore
Indo-European
Bher 3: to cut, pierce بریدن، سوراخ کردن
POK:133, 166, ARN:127
Avestan
brây: to cut
HRN:49, BQT:270
Pahlavi
brîdan: to cut
SNS:105
Persian
borîdan: to cut بریدن (بُر، ببل)
POK:133, BQT:270, HRN:59
بُز
هم: buck
Indo-European
Bhugo: male animal of various kinds حیوان نر
POK:174
Avestan
buza, bûza: buck, goat
POK:174, AEF:272
Pahlavi
buc, bûž: goat
BQT:271, AEF:272
Persian
boz: goat بُز



بزرگ
هم: vigor
Indo-European
Weg 2: to be lively, strong
سرزنده و قوی بودن
POK:1117
Iranian
vâz, wâz: power, largeness or rising.
AEF:201, IEC:1499
Old Persian
vazraka: large
POK:1117
Pahlavi
vajarg, bazurk: big
HRN
Persian
bozorg: large بزرگ
BQT:272, POK:1117
بزم
Indo-European
Bhag: to share out, to enjoy بخشیدن، لذت بردن
POK:107, IEC:61
Indo-European
Bhag-los, Bhag-mos: enjoyment, feasting
IEC:61
Pahlavi
bazm: feast
MON:523
Persian
bazm: feast بزم
MON:523, IEC:61
بَس
Indo-European
Wek: to wish, desire آرزو کردن، خواستن
POK:1135, KNT:207
Old Persian
vas: to wish, desire
vašna: will, desire
KNT:207
Pahlavi
vas: enough
vas-yâr: plenty
MON:537, KNT:207,
Persian
bas: enough, sufficient بَس (بسنده)
besyâr: plenty, many بسیار
KNT:207, BQT:276, MON:537
Indo-European
Wek: to wish, desire
POK:1135, KNT:207
Avestan
vasnah: wish
vasah: desired
an-usant: not willing, reluctant
POK:1135
Persian
?
بَساک
تاج گل
Indo-European
Puk 1: bundled together
بهم بسته شده
POK:849
Avestan
pusâ: crown made of bundled twigs and flowers
pusâ-ka: garland, crown
POK:849, SOD:298
Pahlavi
pusag: crown
MON:779
Persian
pasâk: crown of flowers پَساک (بَساک)
ز زیور همه غرق در سیم و زر
بساکی ز گل برنهاده به سر (اسدی)
MON:779, FRS:146
بستان
رجوع شود به: بو
بستر
مق: گستردن
Indo-European
Ster 1: to spread, throw پخش کردن، پرت کردن
POK:1029, EIV:263
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Avestan
star 1: to spread, throw
wi-star: to spread apart
KLN:1522, FFD:73
Pahlavi
vi-starak: bed (spread for sleeping)
BQT:278,1816, HRN:205
Persian
bastar: spread out (for sleeping)
بستر
BQT, SNS, FFD
بستن
هم: bind
Indo-European
Bhendh: to bind, fasten
بستن
POK:127
Av/Old Pers
basta: bundled up, fastened
ham-basta: tied together, interwoven, spider web
POK:127, AEF:160, HUB:18
Persian
bastan: to tie, close بستن
anbast: tied together, dense, coagulated انبست
anfast: spider web انفست
شهنشاهی که خیط شمس گردون
بود بر طاق ایوان وی انفست (شمس فخری)
KLN, BQT, AEF
بسنده
رجوع شود به: بَس
بسیار
رجوع شود به: بَس
بَش
یال
Indo-European
Bhergh: high
بالا، بلند
POK:140
Avestan
bareš, berezant: high
POK:140, KLN:188, KNT:200, VDQ:36
Avestan
barešа: high on top (of a horse neck), mane
SOD:104
Sogdian
bnš: mane
SOD:104
Persian
faš: mane فَش (بَش)
بَش و یال اسبان کران تا کران
براندوده بر مُشک و بر زعفران (فردوسی)
SOD:140
بَشام
رجوع شود به: بلسام
بَط
Indo-European
Pad-: duck مرغابی
ARN:113
Persian
bat: duck بَط
ARN:113

بغ
بخشنده

- Indo-European — Bhag: *to share out, to enjoy* بخشیدن، لذت بردن (POK:107, IEC:61)
- → Av/Old Pers — baga, bağa: *distributor of good fortune, God* (POK:107, KNT, KLN:169)
- → Persian — bağ, fağ: *God, goddess* بغ، فغ (BQT, MON, POK, TZF)

NOTE- Henning derives "bağ" from Sogdian (SLW:94).

بغچه

- Turkish — Boqčâ: *linen for wrapping clothes in it* بغچه (MON:551)
- → Persian — boqčeh: *bundle, pack* بغچه (MON:551,555)

بغداد
"خدا داد" یا "باغ عدالت"

- Indo-European — Bhag: *to share out, to enjoy* بخشیدن، لذت بردن (POK:107, IEC:61)
- → Av/Old Pers — baga, bağa: *distributor of good fortune, God* (POK:107, KNT, KLN:169)
- Indo-European — Dô: *to give, create* دادن، خلق کردن (POK:223)
- → Avestan — dâ 1: *to give* (BQT:121, POK:223,225)
- → Persian — Bağdâd: *God-given (city), Baghdad* بغداد (BQT, MON, POK, TZF)

NOTE- Henning derives "bağ" from Sogdian (SLW: 94).
TAD: 12 derives "Bağdâd" from Persian "bâğ-e-dâd: garden of justice".

بغستان
"جایگاه خدا"

- Indo-European — Bhag: *to share out, to enjoy* بخشیدن، لذت بردن (POK:107, IEC:61)
- → Av/Old Pers — baga, bağa: *distributor of good fortune, God* (POK:107, KNT, KLN:169)
- Indo-European — Stâ: *to stand* ایستادن (POK:1008,1009)
- → Av/Old Pers — sta: *to stand, to set* (BQT:123, HRN:20, POK:1008)
- → Persian — bağ-stân: *location or mountain of gods* بغستان، فغستان، بیستون (BQT, MON, POK, TZF)

NOTE- Henning derives "bağ" from Sogdian (SLW:94).

بلخ

- Avestan — Apânk: *turned backwards, north* بازگشت، شمال (SYN:873)
- → Pahlavi — apâxtar: *north, north star* (SYN:870, BQT:99,)
- → Pahlavi — bâxtri, bâxr, balx: *a city north of the ancient Iran* (MON5: 275, BQT:297)
- → Persian — balx: *an ancient city in Iran famous for its rose-red ruby gems.* بلخ (بلخش، بدخشان) (MON5: 247)

بلسام
هم: balsam

- Aramaic — Busmâ: *perfume* عطر (TAD:12, KLN:144)
- → Hebrew — bâsam: *spice, balsam plant* (KLN:144)
- → Greek — balsamon: *balsam plant* (KLN:144)
- → Arabic — bašam: *perfume*; balšam: *balsam plant* (TAD:12, MON:567)
- → Persian — balsâm: *any resinous plant* بلسام; bašâm: *seed of a balsam plant* بَشام (MON:540,567)

بلگه
رجوع شود به: برگ

بلند
هم: آرزو

- Indo-European — Bhergh: *high* بالا، بلند (POK:140)
- → Avestan — bareš, berezant: *high* (POK:140, KLN:188, KNT:200, VDQ:36)
- → Persian — bâlâ: *up, top* بلند، بالا (KLN:148, BQT, FSF:78)

بلوا

- Indo-European — Bheru: *to boil, bubble* جوشاندن (AHD:1510, POK:132,143, IEC:116)
- → Persian — balvâ: *tumult* بلوا (IEC:116, MON: 575)

NOTE- MON: 575 claims this is from an Arabic root

بُلور

- Sanskrit — Bêlûr: *an Indian city famous for its crystal* نام شهری در هند (KLN:166, AHD:126)
- → Greek — beryllos: *crystal* (AHD:126, KLN:166)
- → Arabic — bolûr: *crystal* (MON:575)
- → Persian — bolûr: *crystal* بُلور (MON:575)

بله

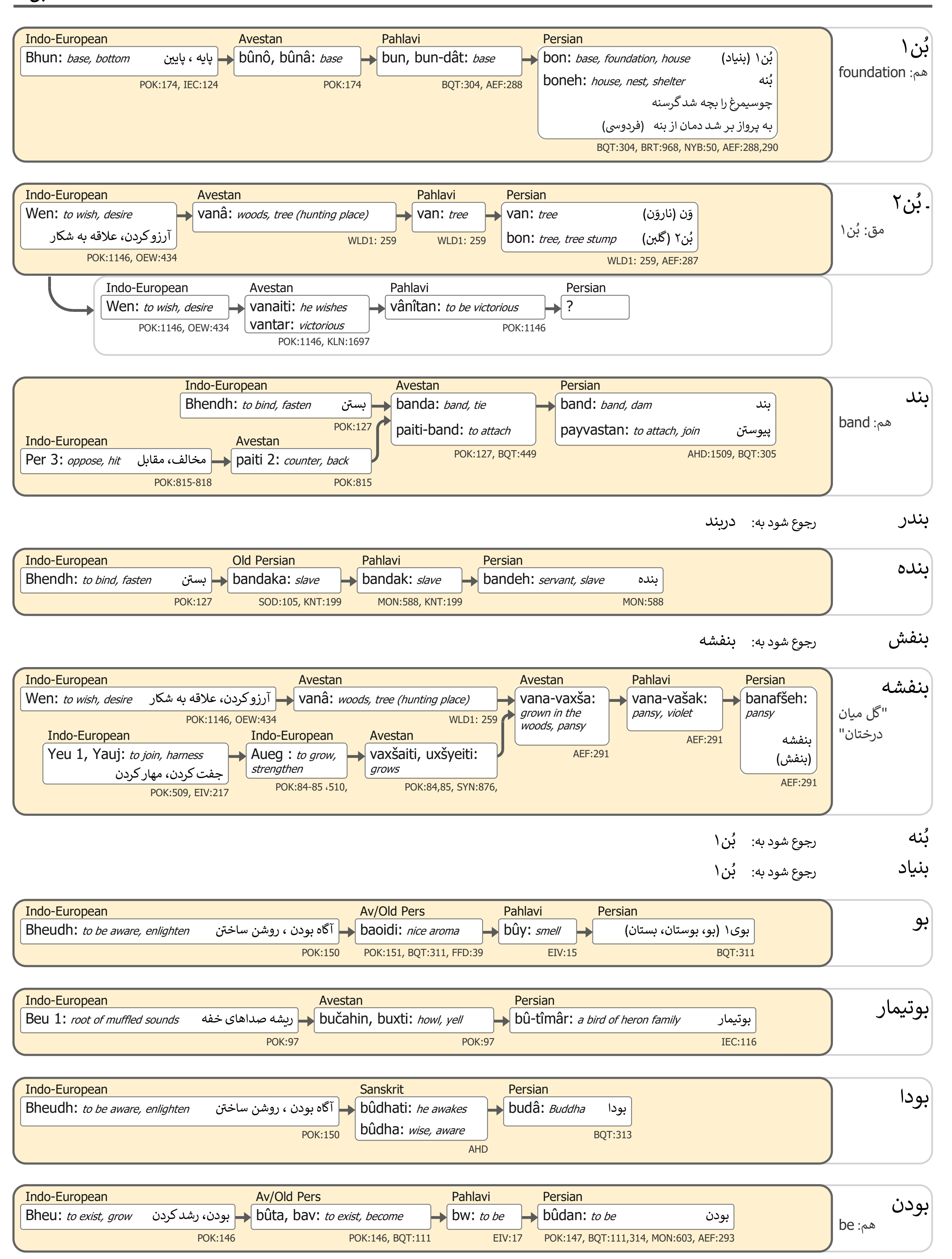
- Indo-European — Bhê: *indeed* واقعا (POK:113, IEC:59, WLD2: 136)
- → Avestan — bâ, bê, beî: *indeed* (POK:113, IEC:59)
- → Persian — baleh: *yes* بله (IEC:59, MON)

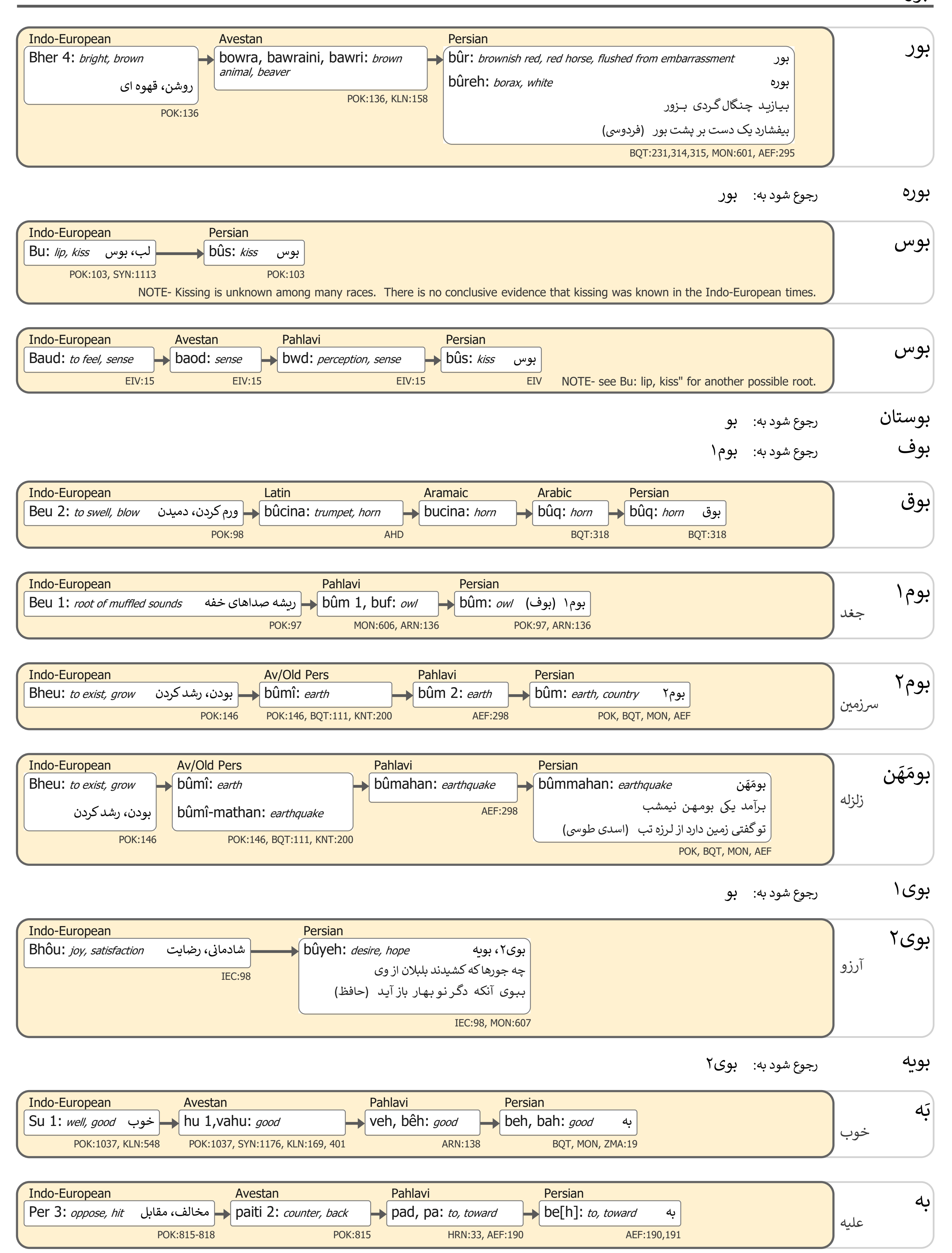
NOTE- MON derives "baleh & balî" from Arabic while IEC claims they are Indo-European

بَم

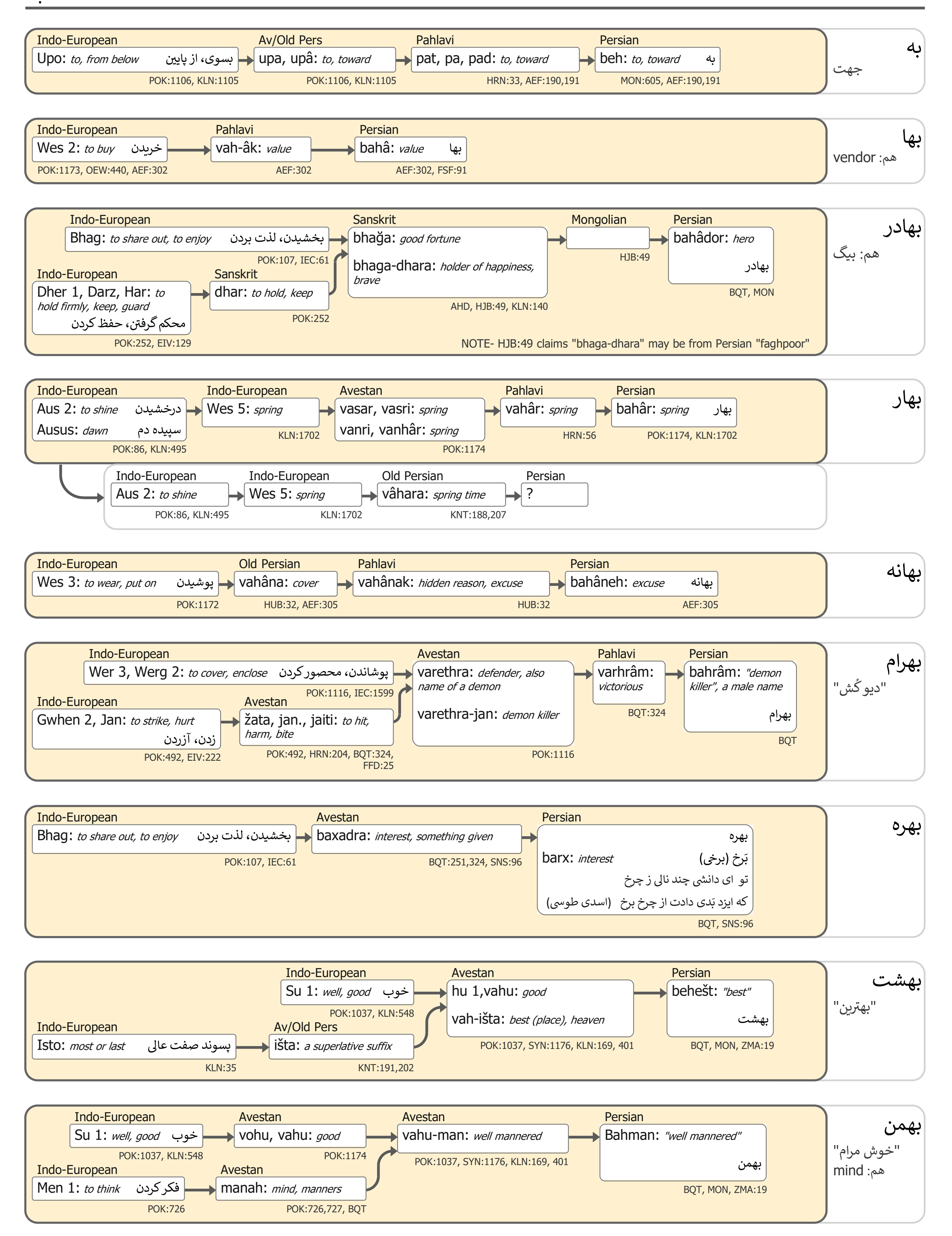
- Indo-European — Bamb: *bang, rumble* صدای ضربه، غرش (POK:93, IEC:53,92)
- → Persian — bam: *bass, low* بَم (IEC:53,92, MON:578)

NOTE- MON derives this word from Arabic but IEC claims it is Indo-European

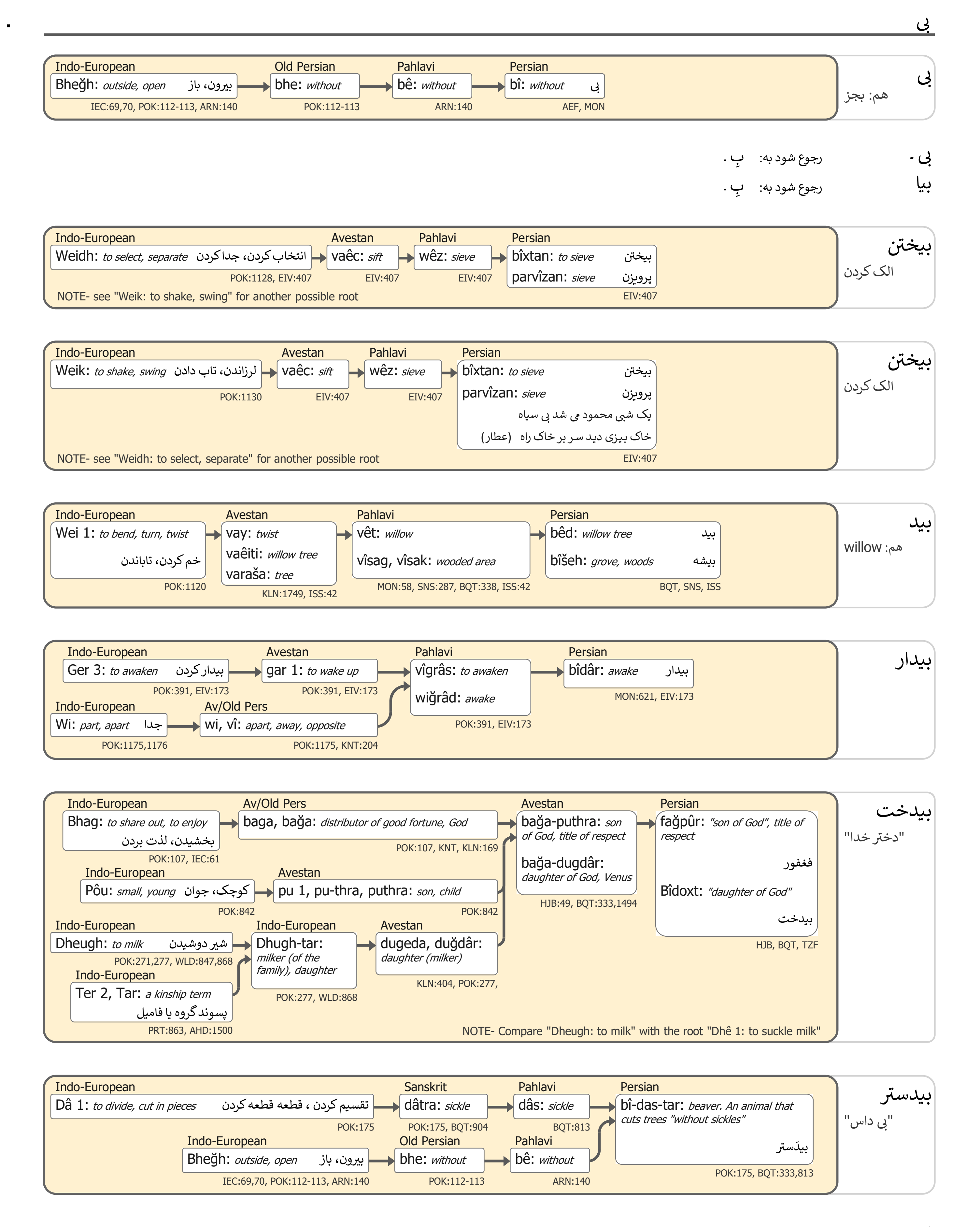

بُن۱
هم: foundation
Indo-European
Bhun: base, bottom پایه ، پایین
POK:174, IEC:124
Avestan
bûnô, bûnâ: base
POK:174
Pahlavi
bun, bun-dât: base
BQT:304, AEF:288
Persian
bon: base, foundation, house بُن۱ (بنیاد)
boneh: house, nest, shelter بُنه
چوسیمرغ را بچه شد گرسنه
به پرواز بر شد دمان از بنه (فردوسی)
BQT:304, BRT:968, NYB:50, AEF:288,290
بُن۲ .
مق: بُن۱
Indo-European
Wen: to wish, desire
آرزو کردن، علاقه به شکار
POK:1146, OEW:434
Avestan
vanâ: woods, tree (hunting place)
WLD1: 259
Pahlavi
van: tree
WLD1: 259
Persian
van: tree وَن (نارون)
bon: tree, tree stump بُن۲ (گلبن)
WLD1: 259, AEF:287
Indo-European
Wen: to wish, desire
POK:1146, OEW:434
Avestan
vanaiti: he wishes
vantar: victorious
POK:1146, KLN:1697
Pahlavi
vânîtan: to be victorious
POK:1146
Persian
?
بند
هم: band
Indo-European
Bhendh: to bind, fasten بستن
POK:127
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Avestan
banda: band, tie
paiti-band: to attach
POK:127, BQT:449
Persian
band: band, dam بند
payvastan: to attach, join پیوستن
AHD:1509, BQT:305
بندر رجوع شود به: دربند
بنده
Indo-European
Bhendh: to bind, fasten بستن
POK:127
Old Persian
bandaka: slave
SOD:105, KNT:199
Pahlavi
bandak: slave
MON:588, KNT:199
Persian
bandeh: servant, slave بنده
MON:588
بنفش رجوع شود به: بنفشه
بنفشه
"گل میان درختان"
Indo-European
Wen: to wish, desire آرزو کردن، علاقه به شکار
POK:1146, OEW:434
Avestan
vanâ: woods, tree (hunting place)
WLD1: 259
Indo-European
Yeu 1, Yauj: to join, harness
جفت کردن، مهار کردن
POK:509, EIV:217
Indo-European
Aueg : to grow, strengthen
POK:84-85 ،510,
Avestan
vaxšaiti, uxšyeiti: grows
POK:84,85, SYN:876,
Avestan
vana-vaxša: grown in the woods, pansy
AEF:291
Pahlavi
vana-vašak: pansy, violet
AEF:291
Persian
banafšeh: pansy
بنفشه
(بنفش)
AEF:291
بُنه رجوع شود به: بُن۱
بنیاد رجوع شود به: بُن۱
بو
Indo-European
Bheudh: to be aware, enlighten آگاه بودن ، روشن ساختن
POK:150
Av/Old Pers
baoidi: nice aroma
POK:151, BQT:311, FFD:39
Pahlavi
bûy: smell
EIV:15
Persian
بوی۱ (بو، بوستان، بستان)
BQT:311
بوتیمار
Indo-European
Beu 1: root of muffled sounds ریشه صداهای خفه
POK:97
Avestan
bučahin, buxti: howl, yell
POK:97
Persian
bû-tîmâr: a bird of heron family بوتیمار
IEC:116
بودا
Indo-European
Bheudh: to be aware, enlighten آگاه بودن ، روشن ساختن
POK:150
Sanskrit
bûdhati: he awakes
bûdha: wise, aware
AHD
Persian
budâ: Buddha بودا
BQT:313
بودن
هم: be
Indo-European
Bheu: to exist, grow بودن، رشد کردن
POK:146
Av/Old Pers
bûta, bav: to exist, become
POK:146, BQT:111
Pahlavi
bw: to be
EIV:17
Persian
bûdan: to be بودن
POK:147, BQT:111,314, MON:603, AEF:293



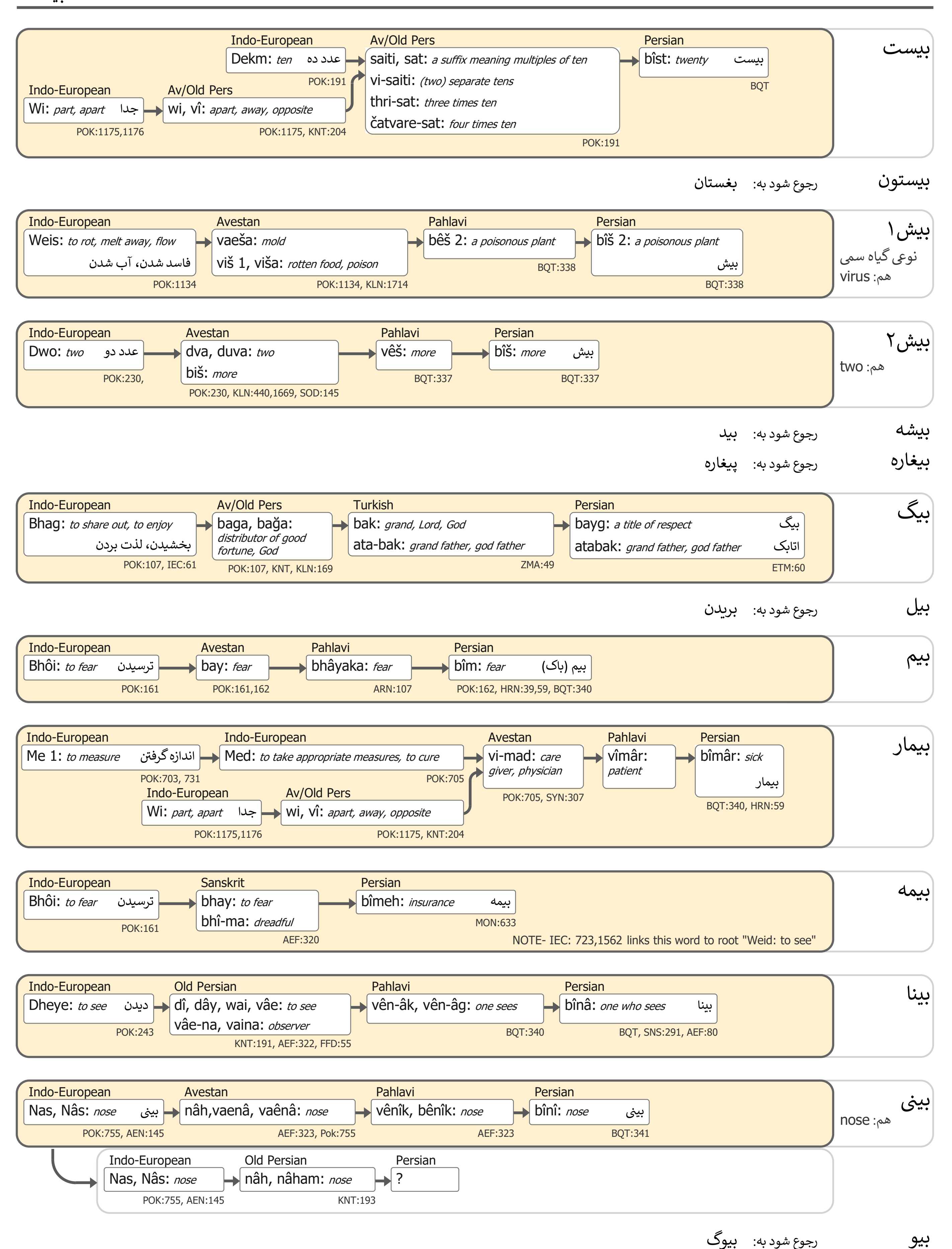
بور
Indo-European
Bher 4: bright, brown
روشن، قهوه ای
POK:136
Avestan
bowra, bawraini, bawri: brown animal, beaver
POK:136, KLN:158
Persian
bûr: brownish red, red horse, flushed from embarrassment بور
bûreh: borax, white بوره
بیازید چنگال گردی بـزور
بیفشارد یک دست بر پشت بور (فردوسی)
BQT:231,314,315, MON:601, AEF:295
بوره
رجوع شود به: بور
بوس
Indo-European
Bu: lip, kiss لب، بوس
POK:103, SYN:1113
Persian
bûs: kiss بوس
POK:103
NOTE- Kissing is unknown among many races. There is no conclusive evidence that kissing was known in the Indo-European times.
بوس
Indo-European
Baud: to feel, sense
EIV:15
Avestan
baod: sense
EIV:15
Pahlavi
bwd: perception, sense
EIV:15
Persian
bûs: kiss بوس
EIV
NOTE- see Bu: lip, kiss" for another possible root.
بوستان
رجوع شود به: بو
بوف
رجوع شود به: بوم۱
بوق
Indo-European
Beu 2: to swell, blow ورم کردن، دمیدن
POK:98
Latin
bûcina: trumpet, horn
AHD
Aramaic
bucina: horn
Arabic
bûq: horn
BQT:318
Persian
bûq: horn بوق
BQT:318
بوم۱
جغد
Indo-European
Beu 1: root of muffled sounds ریشه صداهای خفه
POK:97
Pahlavi
bûm 1, buf: owl
MON:606, ARN:136
Persian
bûm: owl (بوف) بوم۱
POK:97, ARN:136
بوم۲
سرزمین
Indo-European
Bheu: to exist, grow بودن، رشد کردن
POK:146
Av/Old Pers
bûmî: earth
POK:146, BQT:111, KNT:200
Pahlavi
bûm 2: earth
AEF:298
Persian
bûm: earth, country بوم۲
POK, BQT, MON, AEF
بومَهَن
زلزله
Indo-European
Bheu: to exist, grow
بودن، رشد کردن
POK:146
Av/Old Pers
bûmî: earth
bûmî-mathan: earthquake
POK:146, BQT:111, KNT:200
Pahlavi
bûmahan: earthquake
AEF:298
Persian
bûmmahan: earthquake بومَهَن
برآمد یکی بومهن نیمشب
توگفتی زمین دارد از لرزه تب (اسدی طوسی)
POK, BQT, MON, AEF
بوی۱
رجوع شود به: بو
بوی۲
آرزو
Indo-European
Bhôu: joy, satisfaction شادمانی، رضایت
IEC:98
Persian
bûyeh: desire, hope بوی۲، بویه
چه جورها که کشیدند بلبلان از وی
ببوی آنکه دگر نو بهار باز آید (حافظ)
IEC:98, MON:607
بویه
رجوع شود به: بوی۲
بَه
خوب
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1,vahu: good
POK:1037, SYN:1176, KLN:169, 401
Pahlavi
veh, bêh: good
ARN:138
Persian
beh, bah: good به
BQT, MON, ZMA:19
به
علیه
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Pahlavi
pad, pa: to, toward
HRN:33, AEF:190
Persian
be[h]: to, toward به
AEF:190,191



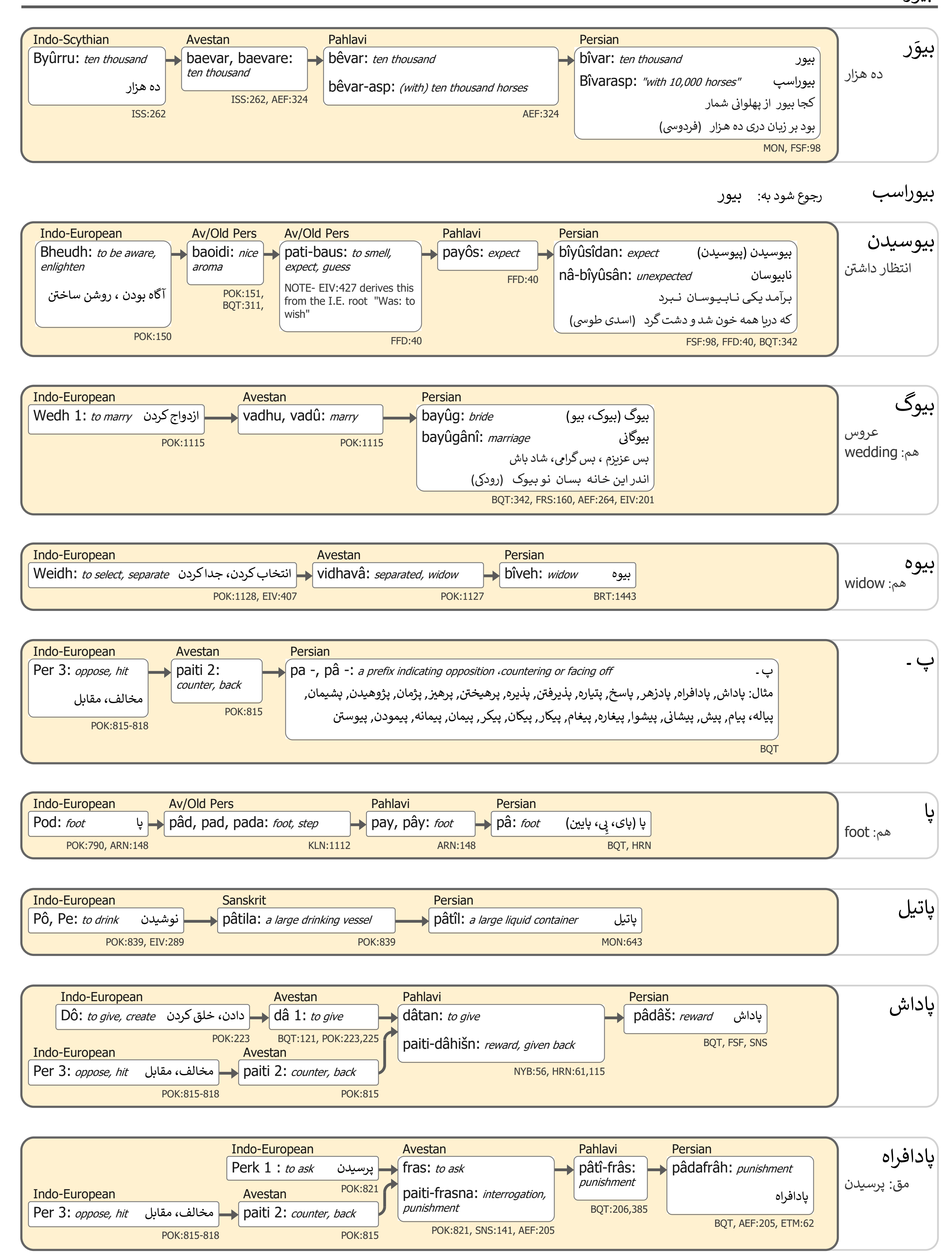
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Pahlavi
pat, pa, pad: to, toward
HRN:33, AEF:190,191
Persian
beh: to, toward به
MON:605, AEF:190,191
به
جهت
Indo-European
Wes 2: to buy خریدن
POK:1173, OEW:440, AEF:302
Pahlavi
vah-âk: value
AEF:302
Persian
bahâ: value بها
AEF:302, FSF:91
بها
vendor :هم
Indo-European
Bhag: to share out, to enjoy بخشیدن، لذت بردن
POK:107, IEC:61
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Sanskrit
dhar: to hold, keep
POK:252
Sanskrit
bhağa: good fortune
bhaga-dhara: holder of happiness, brave
AHD, HJB:49, KLN:140
Mongolian
HJB:49
Persian
bahâdor: hero
بهادر
BQT, MON
NOTE- HJB:49 claims "bhaga-dhara" may be from Persian "faghpoor"
بهادر
هم: بیگ
Indo-European
Aus 2: to shine درخشیدن
Ausus: dawn سپیده دم
POK:86, KLN:495
Indo-European
Wes 5: spring
KLN:1702
Avestan
vasar, vasri: spring
vanri, vanhâr: spring
POK:1174
Pahlavi
vahâr: spring
HRN:56
Persian
bahâr: spring بهار
POK:1174, KLN:1702
Indo-European
Aus 2: to shine
POK:86, KLN:495
Indo-European
Wes 5: spring
KLN:1702
Old Persian
vâhara: spring time
KNT:188,207
Persian
?
بهار
Indo-European
Wes 3: to wear, put on پوشیدن
POK:1172
Old Persian
vahâna: cover
HUB:32, AEF:305
Pahlavi
vahânak: hidden reason, excuse
HUB:32
Persian
bahâneh: excuse بهانه
AEF:305
بهانه
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose پوشاندن، محصورکردن
POK:1116, IEC:1599
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt زدن، آزردن
POK:492, EIV:222
Avestan
žata, jan., jaiti: to hit, harm, bite
POK:492, HRN:204, BQT:324, FFD:25
Avestan
varethra: defender, also name of a demon
varethra-jan: demon killer
POK:1116
Pahlavi
varhrâm: victorious
BQT:324
Persian
bahrâm: "demon killer", a male name
بهرام
BQT
بهرام
"دیو کُش"
Indo-European
Bhag: to share out, to enjoy بخشیدن، لذت بردن
POK:107, IEC:61
Avestan
baxadra: interest, something given
BQT:251,324, SNS:96
Persian
بهره
barx: interest بَرخ (برخی)
تو ای دانشی چند نالی ز چرخ
که ایزد بَدی دادت از چرخ برخ (اسدی طوسی)
BQT, SNS:96
بهره
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Indo-European
Isto: most or last پسوند صفت عالی
KLN:35
Av/Old Pers
išta: a superlative suffix
KNT:191,202
Avestan
hu 1,vahu: good
vah-išta: best (place), heaven
POK:1037, SYN:1176, KLN:169, 401
Persian
behešt: "best"
بهشت
BQT, MON, ZMA:19
بهشت
"بهترین"
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
vohu, vahu: good
POK:1174
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
Avestan
vahu-man: well mannered
POK:1037, SYN:1176, KLN:169, 401
Persian
Bahman: "well mannered"
بهمن
BQT, MON, ZMA:19
بهمن
"خوش مرام"
mind :هم



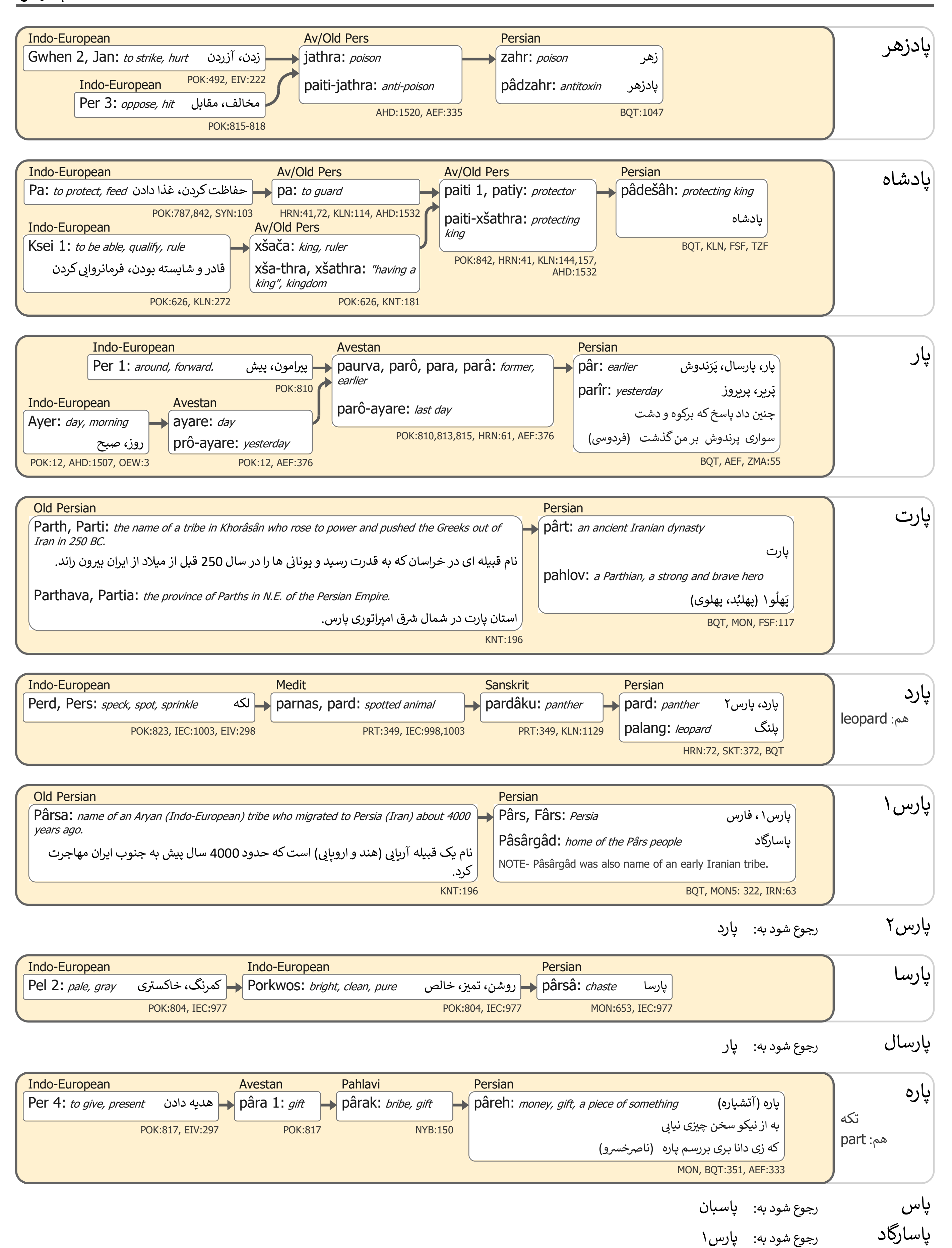
بی
هم: بجز
Indo-European
Bheğh: outside, open بیرون، باز
IEC:69,70, POK:112-113, ARN:140
Old Persian
bhe: without
POK:112-113
Pahlavi
bê: without
ARN:140
Persian
bî: without بی
AEF, MON
بی - رجوع شود به: بِ .
بیا رجوع شود به: بِ .
بیختن
الک کردن
Indo-European
Weidh: to select, separate انتخاب کردن، جدا کردن
POK:1128, EIV:407
Avestan
vaêc: sift
EIV:407
Pahlavi
wêz: sieve
EIV:407
Persian
bîxtan: to sieve بیختن
parvîzan: sieve پرویزن
EIV:407
NOTE- see "Weik: to shake, swing" for another possible root
بیختن
الک کردن
Indo-European
Weik: to shake, swing لرزاندن، تاب دادن
POK:1130
Avestan
vaêc: sift
EIV:407
Pahlavi
wêz: sieve
EIV:407
Persian
bîxtan: to sieve بیختن
parvîzan: sieve پرویزن
یک شبی محمود می شد بی سپاه
خاک بیزی دید سر بر خاک راه (عطار)
EIV:407
NOTE- see "Weidh: to select, separate" for another possible root
بید
هم: willow
Indo-European
Wei 1: to bend, turn, twist
خم کردن، تاباندن
POK:1120
Avestan
vay: twist
vaêiti: willow tree
varaša: tree
KLN:1749, ISS:42
Pahlavi
vêt: willow
vîsag, vîsak: wooded area
MON:58, SNS:287, BQT:338, ISS:42
Persian
bêd: willow tree بید
bîšeh: grove, woods بیشه
BQT, SNS, ISS
بیدار
Indo-European
Ger 3: to awaken بیدار کردن
POK:391, EIV:173
Avestan
gar 1: to wake up
POK:391, EIV:173
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Pahlavi
vîgrâs: to awaken
wiğrâd: awake
POK:391, EIV:173
Persian
bîdâr: awake بیدار
MON:621, EIV:173
بیدخت
"دختر خدا"
Indo-European
Bhag: to share out, to enjoy
بخشیدن، لذت بردن
POK:107, IEC:61
Av/Old Pers
baga, bağa: distributor of good fortune, God
POK:107, KNT, KLN:169
Indo-European
Pôu: small, young کوچک، جوان
POK:842
Avestan
pu 1, pu-thra, puthra: son, child
POK:842
Avestan
bağa-puthra: son of God, title of respect
bağa-dugdâr: daughter of God, Venus
HJB:49, BQT:333,1494
Persian
fağpûr: "son of God", title of respect
فغفور
Bîdoxt: "daughter of God"
بیدخت
HJB, BQT, TZF
Indo-European
Dheugh: to milk شیر دوشیدن
POK:271,277, WLD:847,868
Indo-European
Ter 2, Tar: a kinship term
پسوند گروه یا فامیل
PRT:863, AHD:1500
Indo-European
Dhugh-tar: milker (of the family), daughter
POK:277, WLD:868
Avestan
dugeda, duğdâr: daughter (milker)
KLN:404, POK:277,
NOTE- Compare "Dheugh: to milk" with the root "Dhê 1: to suckle milk"
بیدستر
"بی داس"
Indo-European
Dâ 1: to divide, cut in pieces تقسیم کردن ، قطعه قطعه کردن
POK:175
Sanskrit
dâtra: sickle
POK:175, BQT:904
Pahlavi
dâs: sickle
BQT:813
Indo-European
Bheğh: outside, open بیرون، باز
IEC:69,70, POK:112-113, ARN:140
Old Persian
bhe: without
POK:112-113
Pahlavi
bê: without
ARN:140
Persian
bî-das-tar: beaver. An animal that cuts trees "without sickles"
بیدَستر
POK:175, BQT:333,813
بیر رجوع شود به: ویر



بیست
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Av/Old Pers
saiti, sat: a suffix meaning multiples of ten
vi-saiti: (two) separate tens
thri-sat: three times ten
čatvare-sat: four times ten
POK:191
Persian
bîst: twenty بیست
BQT
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
بیستون
رجوع شود به: بغستان
بیش۱
نوعی گیاه سمی
هم: virus
Indo-European
Weis: to rot, melt away, flow
فاسد شدن، آب شدن
POK:1134
Avestan
vaeša: mold
viš 1, viša: rotten food, poison
POK:1134, KLN:1714
Pahlavi
bêš 2: a poisonous plant
BQT:338
Persian
bîš 2: a poisonous plant
بیش
BQT:338
بیش۲
هم: two
Indo-European
Dwo: two عدد دو
POK:230,
Avestan
dva, duva: two
biš: more
POK:230, KLN:440,1669, SOD:145
Pahlavi
vêš: more
BQT:337
Persian
bîš: more بیش
BQT:337
بیشه
رجوع شود به: بید
بیغاره
رجوع شود به: پیغاره
بیگ
Indo-European
Bhag: to share out, to enjoy
بخشیدن، لذت بردن
POK:107, IEC:61
Av/Old Pers
baga, bağa:
distributor of good fortune, God
POK:107, KNT, KLN:169
Turkish
bak: grand, Lord, God
ata-bak: grand father, god father
ZMA:49
Persian
bayg: a title of respect بیگ
atabak: grand father, god father اتابک
ETM:60
بیل
رجوع شود به: بریدن
بیم
Indo-European
Bhôi: to fear ترسیدن
POK:161
Avestan
bay: fear
POK:161,162
Pahlavi
bhâyaka: fear
ARN:107
Persian
bîm: fear بیم (باک)
POK:162, HRN:39,59, BQT:340
بیمار
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Indo-European
Med: to take appropriate measures, to cure
POK:705
Avestan
vi-mad: care giver, physician
POK:705, SYN:307
Pahlavi
vîmâr: patient
Persian
bîmâr: sick
بیمار
BQT:340, HRN:59
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
بیمه
Indo-European
Bhôi: to fear ترسیدن
POK:161
Sanskrit
bhay: to fear
bhî-ma: dreadful
AEF:320
Persian
bîmeh: insurance بیمه
MON:633
NOTE- IEC: 723,1562 links this word to root "Weid: to see"
بینا
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Old Persian
dî, dây, wai, vâe: to see
vâe-na, vaina: observer
KNT:191, AEF:322, FFD:55
Pahlavi
vên-âk, vên-âg: one sees
BQT:340
Persian
bînâ: one who sees بینا
BQT, SNS:291, AEF:80
بینی
هم: nose
Indo-European
Nas, Nâs: nose بینی
POK:755, AEN:145
Avestan
nâh,vaenâ, vaênâ: nose
AEF:323, Pok:755
Pahlavi
vênîk, bênîk: nose
AEF:323
Persian
bînî: nose بینی
BQT:341
Indo-European
Nas, Nâs: nose
POK:755, AEN:145
Old Persian
nâh, nâham: nose
KNT:193
Persian
?
بیو
رجوع شود به: بیوگ



بیوَر
ده هزار
Indo-Scythian
Byûrru: ten thousand
ده هزار
ISS:262
Avestan
baevar, baevare: ten thousand
ISS:262, AEF:324
Pahlavi
bêvar: ten thousand
bêvar-asp: (with) ten thousand horses
AEF:324
Persian
bîvar: ten thousand بیور
Bîvarasp: "with 10,000 horses" بیوراسپ
کجا بیور از پهلوانی شمار
بود بر زبان دری ده هزار (فردوسی)
MON, FSF:98
بیوراسب
رجوع شود به: بیور
بیوسیدن
انتظار داشتن
Indo-European
Bheudh: to be aware, enlighten
آگاه بودن ، روشن ساختن
POK:150
Av/Old Pers
baoidi: nice aroma
POK:151, BQT:311,
Av/Old Pers
pati-baus: to smell, expect, guess
NOTE- EIV:427 derives this from the I.E. root "Was: to wish"
FFD:40
Pahlavi
payôs: expect
FFD:40
Persian
bîyûsîdan: expect بیوسیدن (پیوسیدن)
nâ-bîyûsân: unexpected نابیوسان
برآمد یکی نـابـیـوسـان نـبرد
که دریا همه خون شد و دشت گرد (اسدی طوسی)
FSF:98, FFD:40, BQT:342
بیوگ
عروس
هم: wedding
Indo-European
Wedh 1: to marry ازدواج کردن
POK:1115
Avestan
vadhu, vadû: marry
POK:1115
Persian
bayûg: bride بیوگ (بیوک، بیو)
bayûgânî: marriage بیوگانی
بس عزیزم ، بس گرامی، شاد باش
اندر این خانه بسان نو بیوک (رودکی)
BQT:342, FRS:160, AEF:264, EIV:201
بیوه
هم: widow
Indo-European
Weidh: to select, separate انتخاب کردن، جدا کردن
POK:1128, EIV:407
Avestan
vidhavâ: separated, widow
POK:1127
Persian
bîveh: widow بیوه
BRT:1443
پ -
Indo-European
Per 3: oppose, hit
مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Persian
pa -, pâ -: a prefix indicating opposition ،countering or facing off پ -
مثال: پاداش, پادافراه, پادزهر, پاسخ, پتیاره, پذیرفتن, پذیره, پرهیختن, پرهیز, پژمان, پژوهیدن, پشیمان,
پیاله، پیام, پیش, پیشانی, پیشوا, پیغاره, پیغام, پیکار, پیکان, پیکر, پیمان, پیمانه, پیمودن, پیوستن
BQT
پا
هم: foot
Indo-European
Pod: foot پا
POK:790, ARN:148
Av/Old Pers
pâd, pad, pada: foot, step
KLN:1112
Pahlavi
pay, pây: foot
ARN:148
Persian
pâ: foot پا (پای، پِی، پایین)
BQT, HRN
پاتیل
Indo-European
Pô, Pe: to drink نوشیدن
POK:839, EIV:289
Sanskrit
pâtila: a large drinking vessel
POK:839
Persian
pâtîl: a large liquid container پاتیل
MON:643
پاداش
Indo-European
Dô: to give, create دادن، خلق کردن
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
BQT:121, POK:223,225
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Pahlavi
dâtan: to give
paiti-dâhišn: reward, given back
NYB:56, HRN:61,115
Persian
pâdâš: reward پاداش
BQT, FSF, SNS
پادافراه
مق: پرسیدن
Indo-European
Perk 1 : to ask پرسیدن
POK:821
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Avestan
fras: to ask
paiti-frasna: interrogation, punishment
POK:821, SNS:141, AEF:205
Pahlavi
pâtî-frâs: punishment
BQT:206,385
Persian
pâdafrâh: punishment
پادافراه
BQT, AEF:205, ETM:62



پادزهر
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt زدن، آزردن
POK:492, EIV:222
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Av/Old Pers
jathra: poison
paiti-jathra: anti-poison
AHD:1520, AEF:335
Persian
zahr: poison زهر
pâdzahr: antitoxin پادزهر
BQT:1047

پادشاه
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Indo-European
Ksei 1: to be able, qualify, rule
قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن
POK:626, KLN:272
Av/Old Pers
xšača: king, ruler
xša-thra, xšathra: "having a king", kingdom
POK:626, KNT:181
Av/Old Pers
paiti 1, patiy: protector
paiti-xšathra: protecting king
POK:842, HRN:41, KLN:144,157, AHD:1532
Persian
pâdešâh: protecting king
پادشاه
BQT, KLN, FSF, TZF

پار
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Indo-European
Ayer: day, morning
روز، صبح
POK:12, AHD:1507, OEW:3
Avestan
ayare: day
prô-ayare: yesterday
POK:12, AEF:376
Avestan
paurva, parô, para, parâ: former, earlier
parô-ayare: last day
POK:810,813,815, HRN:61, AEF:376
Persian
pâr: earlier پار، پارسال، پَرَندوش
parîr: yesterday پَریر، پریروز
چنین داد پاسخ که برکوه و دشت
سواری پرندوش بر من گذشت (فردوسی)
BQT, AEF, ZMA:55

پارت
Old Persian
Parth, Parti: the name of a tribe in Khorâsân who rose to power and pushed the Greeks out of Iran in 250 BC.
نام قبیله ای در خراسان که به قدرت رسید و یونانی ها را در سال 250 قبل از میلاد از ایران بیرون راند.
Parthava, Partia: the province of Parths in N.E. of the Persian Empire.
استان پارت در شمال شرق امپراتوری پارس.
KNT:196
Persian
pârt: an ancient Iranian dynasty
پارت
pahlov: a Parthian, a strong and brave hero
پَهلُوا (پهلبُد، پهلوی)
BQT, MON, FSF:117

پارد
هم: leopard
Indo-European
Perd, Pers: speck, spot, sprinkle لکه
POK:823, IEC:1003, EIV:298
Medit
parnas, pard: spotted animal
PRT:349, IEC:998,1003
Sanskrit
pardâku: panther
PRT:349, KLN:1129
Persian
pard: panther پارد، پارس۲
palang: leopard پلنگ
HRN:72, SKT:372, BQT

پارس۱
Old Persian
Pârsa: name of an Aryan (Indo-European) tribe who migrated to Persia (Iran) about 4000 years ago.
نام یک قبیله آریایی (هند و اروپایی) است که حدود 4000 سال پیش به جنوب ایران مهاجرت کرد.
KNT:196
Persian
Pârs, Fârs: Persia پارس۱، فارس
Pâsârgâd: home of the Pârs people پاسارگاد
NOTE- Pâsârgâd was also name of an early Iranian tribe.
BQT, MON5: 322, IRN:63

پارس۲
رجوع شود به: پارد

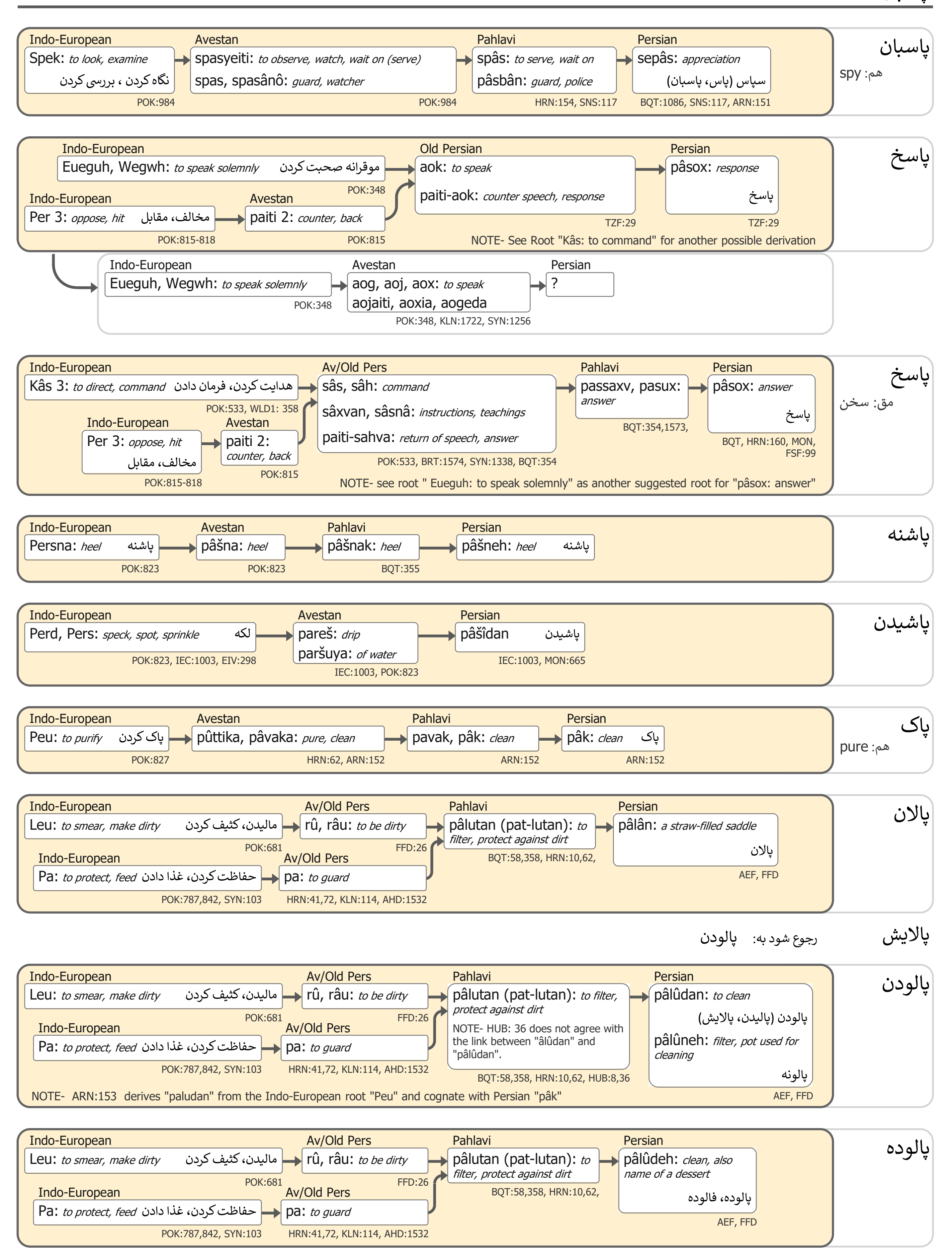
پارسا
Indo-European
Pel 2: pale, gray کمرنگ، خاکستری
POK:804, IEC:977
Indo-European
Porkwos: bright, clean, pure روشن، تمیز، خالص
POK:804, IEC:977
Persian
pârsâ: chaste پارسا
MON:653, IEC:977

پارسال
رجوع شود به: پار

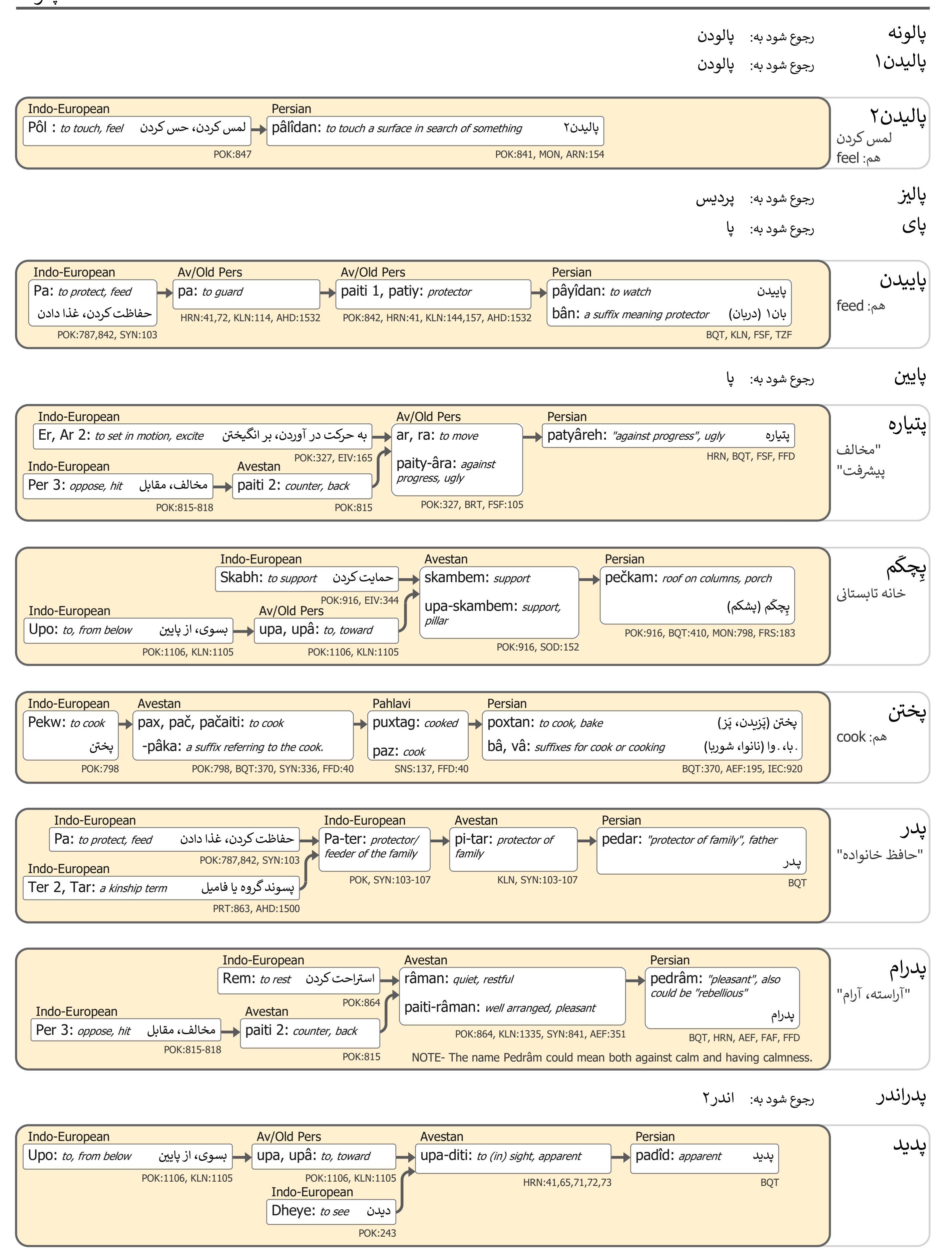
پاره
تکه
هم: part
Indo-European
Per 4: to give, present هدیه دادن
POK:817, EIV:297
Avestan
pâra 1: gift
POK:817
Pahlavi
pârak: bribe, gift
NYB:150
Persian
pâreh: money, gift, a piece of something پاره (آتشپاره)
به از نیکو سخن چیزی نیابی
که زی دانا بری بررسم پاره (ناصرخسرو)
MON, BQT:351, AEF:333

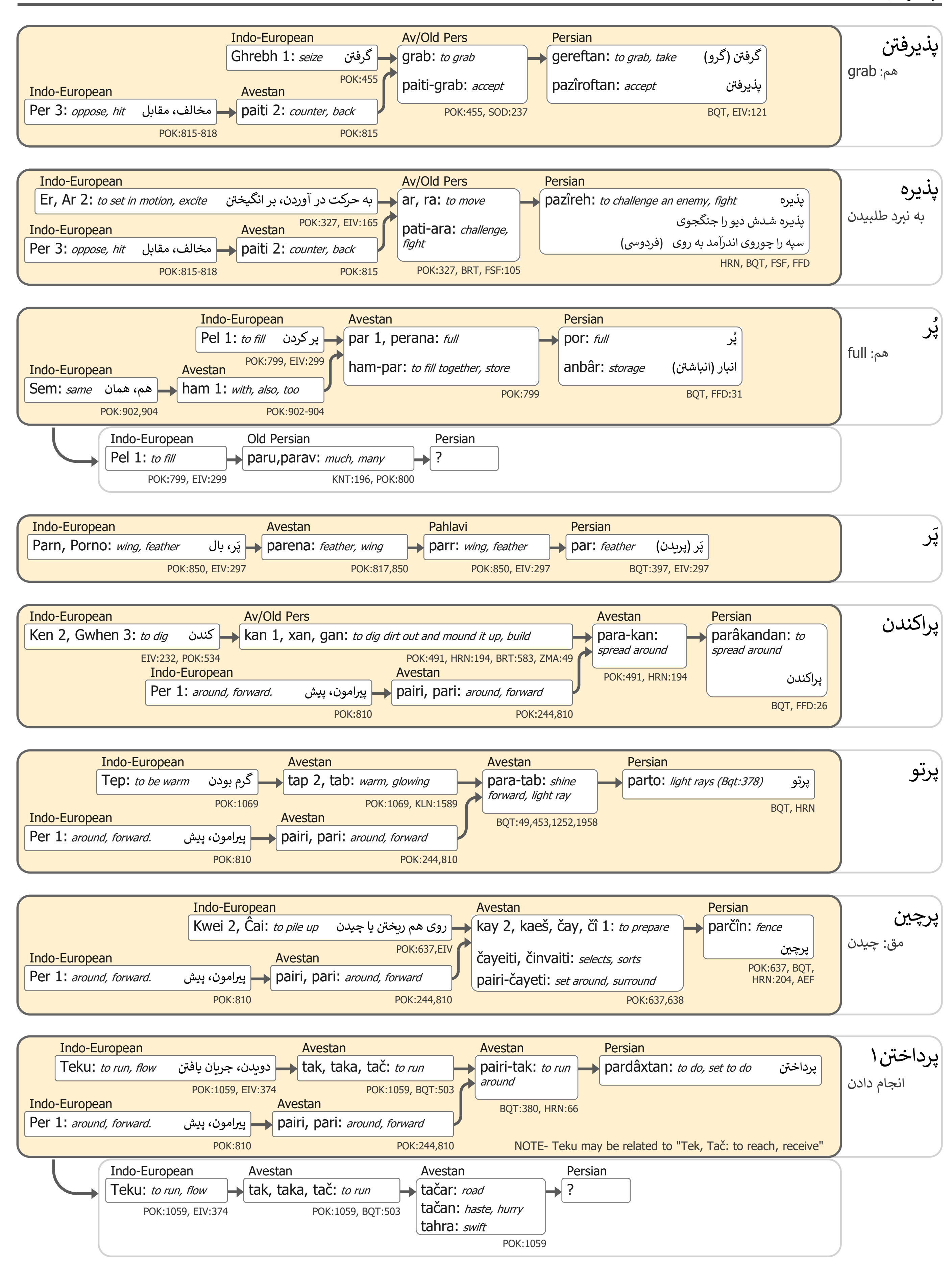
پاس
رجوع شود به: پاسبان

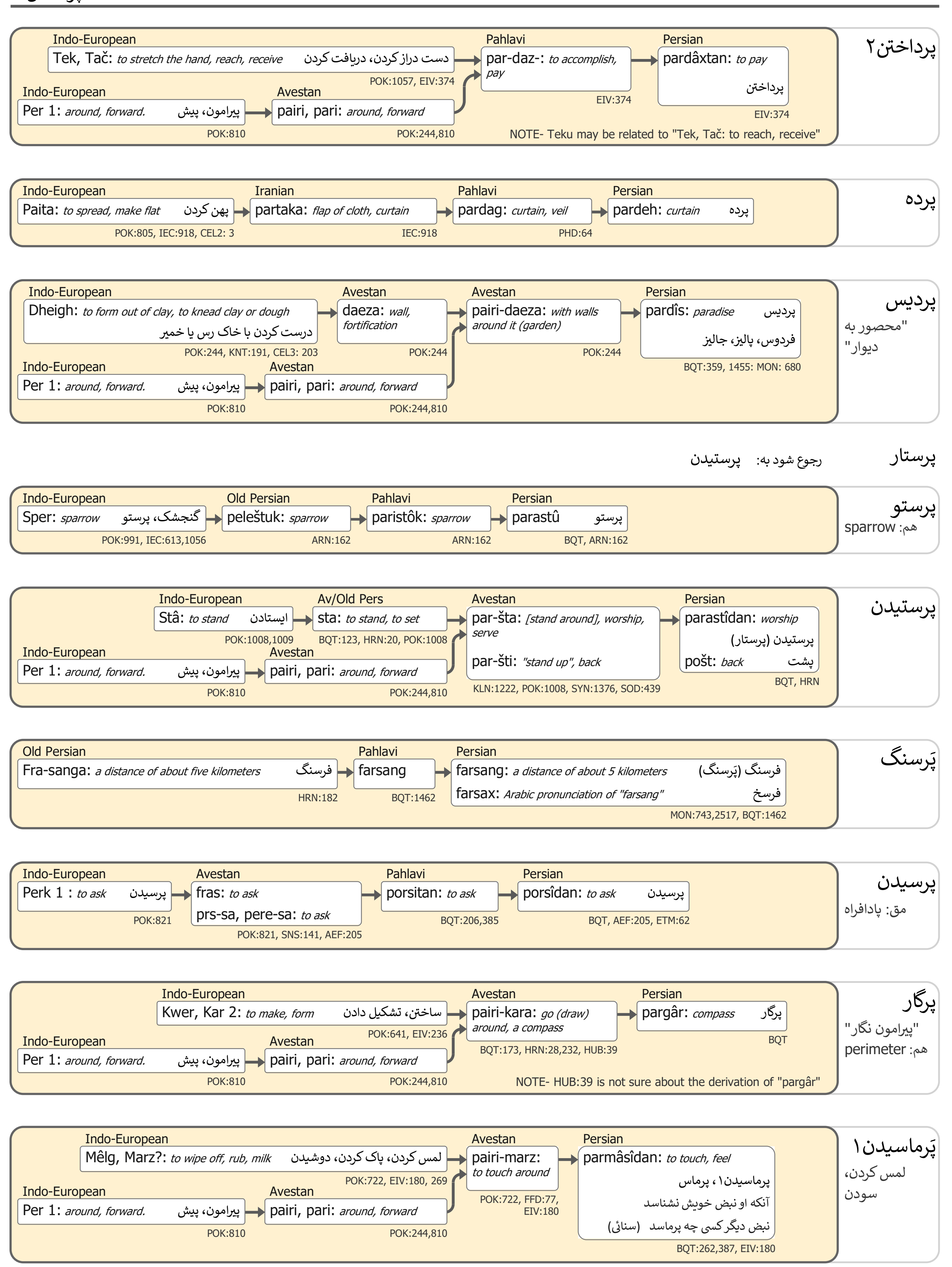
پاسارگاد
رجوع شود به: پارس۱



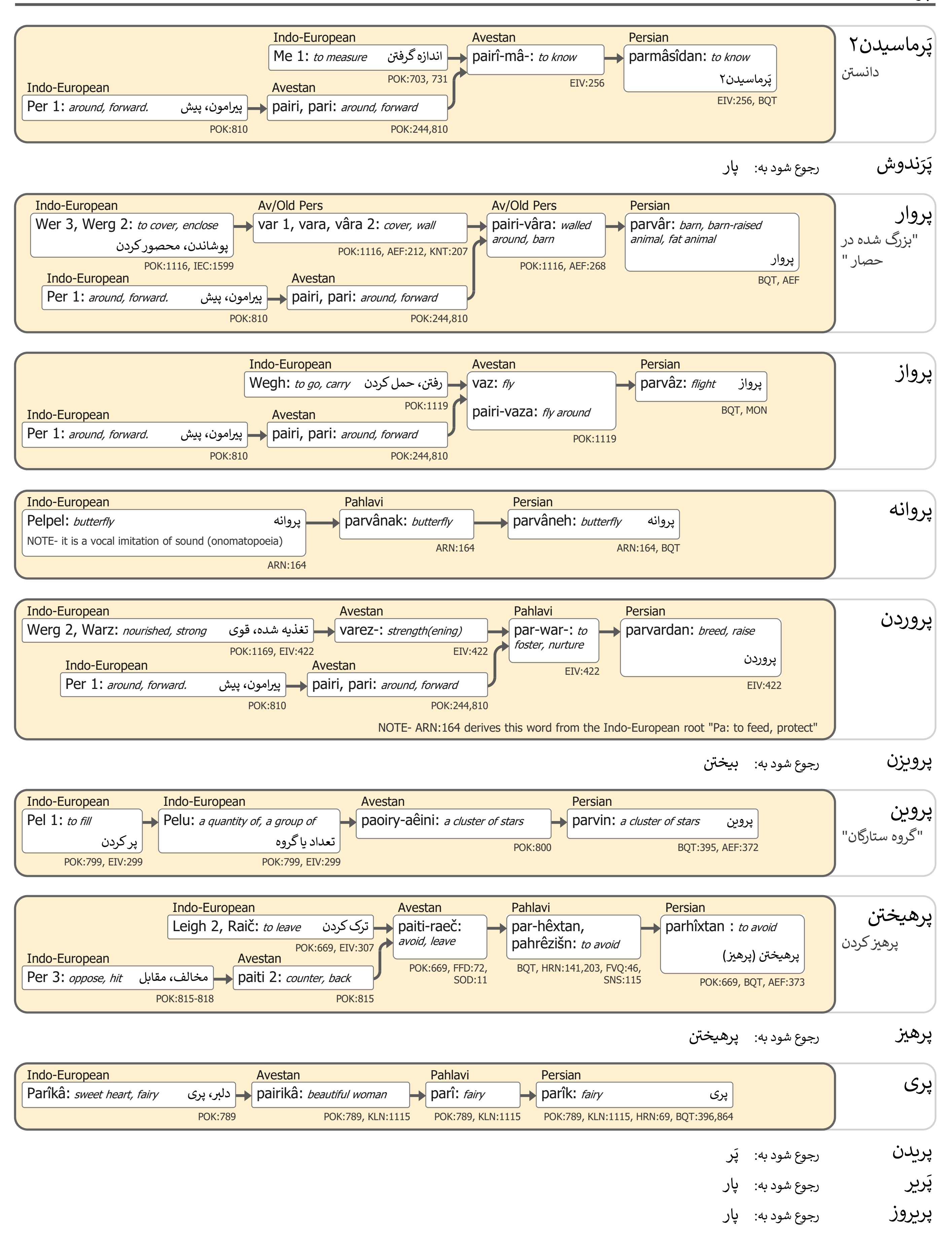
پاسبان
هم: spy
Indo-European
Spek: to look, examine
نگاه کردن ، بررسی کردن
POK:984
Avestan
spasyeiti: to observe, watch, wait on (serve)
spas, spasânô: guard, watcher
POK:984
Pahlavi
spâs: to serve, wait on
pâsbân: guard, police
HRN:154, SNS:117
Persian
sepâs: appreciation
سپاس (پاس، پاسبان)
BQT:1086, SNS:117, ARN:151
پاسخ
Indo-European
Eueguh, Wegwh: to speak solemnly
موقرانه صحبت کردن
POK:348
Indo-European
Per 3: oppose, hit
مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Old Persian
aok: to speak
paiti-aok: counter speech, response
TZF:29
Persian
pâsox: response
پاسخ
TZF:29
NOTE- See Root "Kâs: to command" for another possible derivation
Indo-European
Eueguh, Wegwh: to speak solemnly
POK:348
Avestan
aog, aoj, aox: to speak
aojaiti, aoxia, aogeda
POK:348, KLN:1722, SYN:1256
Persian
?
پاسخ
هم: سخن
Indo-European
Kâs 3: to direct, command
هدایت کردن، فرمان دادن
POK:533, WLD1: 358
Indo-European
Per 3: oppose, hit
مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Av/Old Pers
sâs, sâh: command
sâxvan, sâsnâ: instructions, teachings
paiti-sahva: return of speech, answer
POK:533, BRT:1574, SYN:1338, BQT:354
Pahlavi
passaxv, pasux: answer
BQT:354,1573,
Persian
pâsox: answer
پاسخ
BQT, HRN:160, MON, FSF:99
NOTE- see root " Eueguh: to speak solemnly" as another suggested root for "pâsox: answer"
پاشنه
Indo-European
Persna: heel
پاشنه
POK:823
Avestan
pâšna: heel
POK:823
Pahlavi
pâšnak: heel
BQT:355
Persian
pâšneh: heel
پاشنه
پاشیدن
Indo-European
Perd, Pers: speck, spot, sprinkle
لکه
POK:823, IEC:1003, EIV:298
Avestan
pareš: drip
paršuya: of water
IEC:1003, POK:823
Persian
pâšîdan
پاشیدن
IEC:1003, MON:665
پاک
هم: pure
Indo-European
Peu: to purify
پاک کردن
POK:827
Avestan
pûttika, pâvaka: pure, clean
HRN:62, ARN:152
Pahlavi
pavak, pâk: clean
ARN:152
Persian
pâk: clean
پاک
ARN:152
پالان
Indo-European
Leu: to smear, make dirty
مالیدن، کثیف کردن
POK:681
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
rû, râu: to be dirty
FFD:26
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Pahlavi
pâlutan (pat-lutan): to filter, protect against dirt
BQT:58,358, HRN:10,62,
Persian
pâlân: a straw-filled saddle
پالان
AEF, FFD
پالایش
رجوع شود به: پالودن
پالودن
Indo-European
Leu: to smear, make dirty
مالیدن، کثیف کردن
POK:681
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
rû, râu: to be dirty
FFD:26
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Pahlavi
pâlutan (pat-lutan): to filter, protect against dirt
NOTE- HUB: 36 does not agree with the link between "âlûdan" and "pâlûdan".
BQT:58,358, HRN:10,62, HUB:8,36
Persian
pâlûdan: to clean
پالودن (پالیدن، پالایش)
pâlûneh: filter, pot used for cleaning
پالونه
AEF, FFD
NOTE- ARN:153 derives "paludan" from the Indo-European root "Peu" and cognate with Persian "pâk"
پالوده
Indo-European
Leu: to smear, make dirty
مالیدن، کثیف کردن
POK:681
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
rû, râu: to be dirty
FFD:26
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Pahlavi
pâlutan (pat-lutan): to filter, protect against dirt
BQT:58,358, HRN:10,62,
Persian
pâlûdeh: clean, also name of a dessert
پالوده، فالوده
AEF, FFD


پالونه
رجوع شود به: پالودن
پالیدن۱
رجوع شود به: پالودن
پالیدن۲
لمس کردن
هم: feel
Indo-European
Pôl : to touch, feel لمس کردن، حس کردن
POK:847
Persian
pâlîdan: to touch a surface in search of something پالیدن۲
POK:841, MON, ARN:154
پالیز
رجوع شود به: پردیس
پای
رجوع شود به: پا
پاییدن
هم: feed
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Av/Old Pers
paiti 1, patiy: protector
POK:842, HRN:41, KLN:144,157, AHD:1532
Persian
pâyîdan: to watch پاییدن
bân: a suffix meaning protector بان۱ (دربان)
BQT, KLN, FSF, TZF
پایین
رجوع شود به: پا
پتیاره
"مخالف
پیشرفت"
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Av/Old Pers
ar, ra: to move
paity-âra: against progress, ugly
POK:327, BRT, FSF:105
Persian
patyâreh: "against progress", ugly پتیاره
HRN, BQT, FSF, FFD
پچگم
خانه تابستانی
Indo-European
Skabh: to support حمایت کردن
POK:916, EIV:344
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Avestan
skambem: support
upa-skambem: support, pillar
POK:916, SOD:152
Persian
pečkam: roof on columns, porch
پچگم (پشکم)
POK:916, BQT:410, MON:798, FRS:183
پختن
هم: cook
Indo-European
Pekw: to cook
پختن
POK:798
Avestan
pax, pač, pačaiti: to cook
-pâka: a suffix referring to the cook.
POK:798, BQT:370, SYN:336, FFD:40
Pahlavi
puxtag: cooked
paz: cook
SNS:137, FFD:40
Persian
poxtan: to cook, bake پختن (پَزیدن، پَز)
bâ, vâ: suffixes for cook or cooking .با، .وا (نانوا، شوربا)
BQT:370, AEF:195, IEC:920
پدر
"حافظ خانواده"
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Indo-European
Ter 2, Tar: a kinship term پسوند گروه یا فامیل
PRT:863, AHD:1500
Indo-European
Pa-ter: protector/ feeder of the family
POK, SYN:103-107
Avestan
pi-tar: protector of family
KLN, SYN:103-107
Persian
pedar: "protector of family", father
پدر
BQT
پدرام
"آراسته، آرام"
Indo-European
Rem: to rest استراحت کردن
POK:864
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Avestan
râman: quiet, restful
paiti-râman: well arranged, pleasant
POK:864, KLN:1335, SYN:841, AEF:351
Persian
pedrâm: "pleasant", also could be "rebellious"
پدرام
BQT, HRN, AEF, FAF, FFD
NOTE- The name Pedrâm could mean both against calm and having calmness.
پدراندر
رجوع شود به: اندر۲
پدید
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Avestan
upa-diti: to (in) sight, apparent
HRN:41,65,71,72,73
Persian
padîd: apparent پدید
BQT

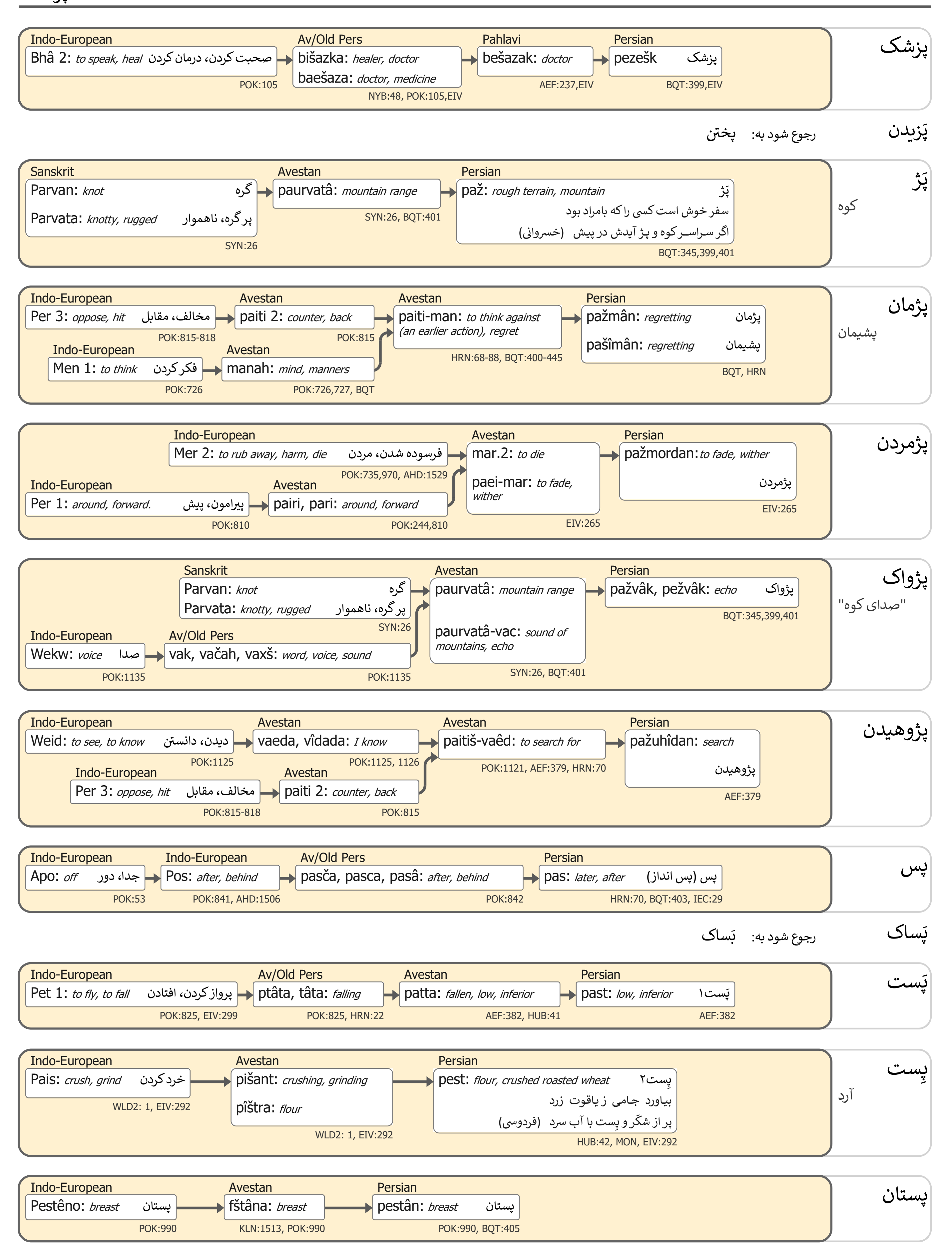

پذیرفتن
هم: grab
Indo-European
Ghrebh 1: seize گرفتن
POK:455
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Av/Old Pers
grab: to grab
paiti-grab: accept
POK:455, SOD:237
Persian
gereftan: to grab, take گرفتن (گرو)
pazîroftan: accept پذیرفتن
BQT, EIV:121
پذیره
به نبرد طلبیدن
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Av/Old Pers
ar, ra: to move
pati-ara: challenge, fight
POK:327, BRT, FSF:105
Persian
pazîreh: to challenge an enemy, fight پذیره
پذیره شدش دیو را جنگجوی
سپه را چوروی اندرآمد به روی (فردوسی)
HRN, BQT, FSF, FFD
پُر
هم: full
Indo-European
Pel 1: to fill پر کردن
POK:799, EIV:299
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Avestan
par 1, perana: full
ham-par: to fill together, store
POK:799
Persian
por: full پُر
anbâr: storage انبار (انباشتن)
BQT, FFD:31
Indo-European
Pel 1: to fill
POK:799, EIV:299
Old Persian
paru,parav: much, many
KNT:196, POK:800
Persian
?
پَر
Indo-European
Parn, Porno: wing, feather پَر، بال
POK:850, EIV:297
Avestan
parena: feather, wing
POK:817,850
Pahlavi
parr: wing, feather
POK:850, EIV:297
Persian
par: feather پَر (پریدن)
BQT:397, EIV:297
پراکندن
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
para-kan: spread around
POK:491, HRN:194
Persian
parâkandan: to spread around پراکندن
BQT, FFD:26
پرتو
Indo-European
Tep: to be warm گرم بودن
POK:1069
Avestan
tap 2, tab: warm, glowing
POK:1069, KLN:1589
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
para-tab: shine forward, light ray
BQT:49,453,1252,1958
Persian
parto: light rays (Bqt:378) پرتو
BQT, HRN
پرچین
مق: چیدن
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up روی هم ریختن یا چیدن
POK:637,EIV
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
kay 2, kaeš, čay, čî 1: to prepare
čayeiti, činvaiti: selects, sorts
pairi-čayeti: set around, surround
POK:637,638
Persian
parčîn: fence پرچین
POK:637, BQT, HRN:204, AEF
پرداختن ۱
انجام دادن
Indo-European
Teku: to run, flow دویدن، جریان یافتن
POK:1059, EIV:374
Avestan
tak, taka, tač: to run
POK:1059, BQT:503
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
pairi-tak: to run around
BQT:380, HRN:66
Persian
pardâxtan: to do, set to do پرداختن
NOTE- Teku may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"
Indo-European
Teku: to run, flow
POK:1059, EIV:374
Avestan
tak, taka, tač: to run
POK:1059, BQT:503
Avestan
tačar: road
tačan: haste, hurry
tahra: swift
POK:1059
Persian
?



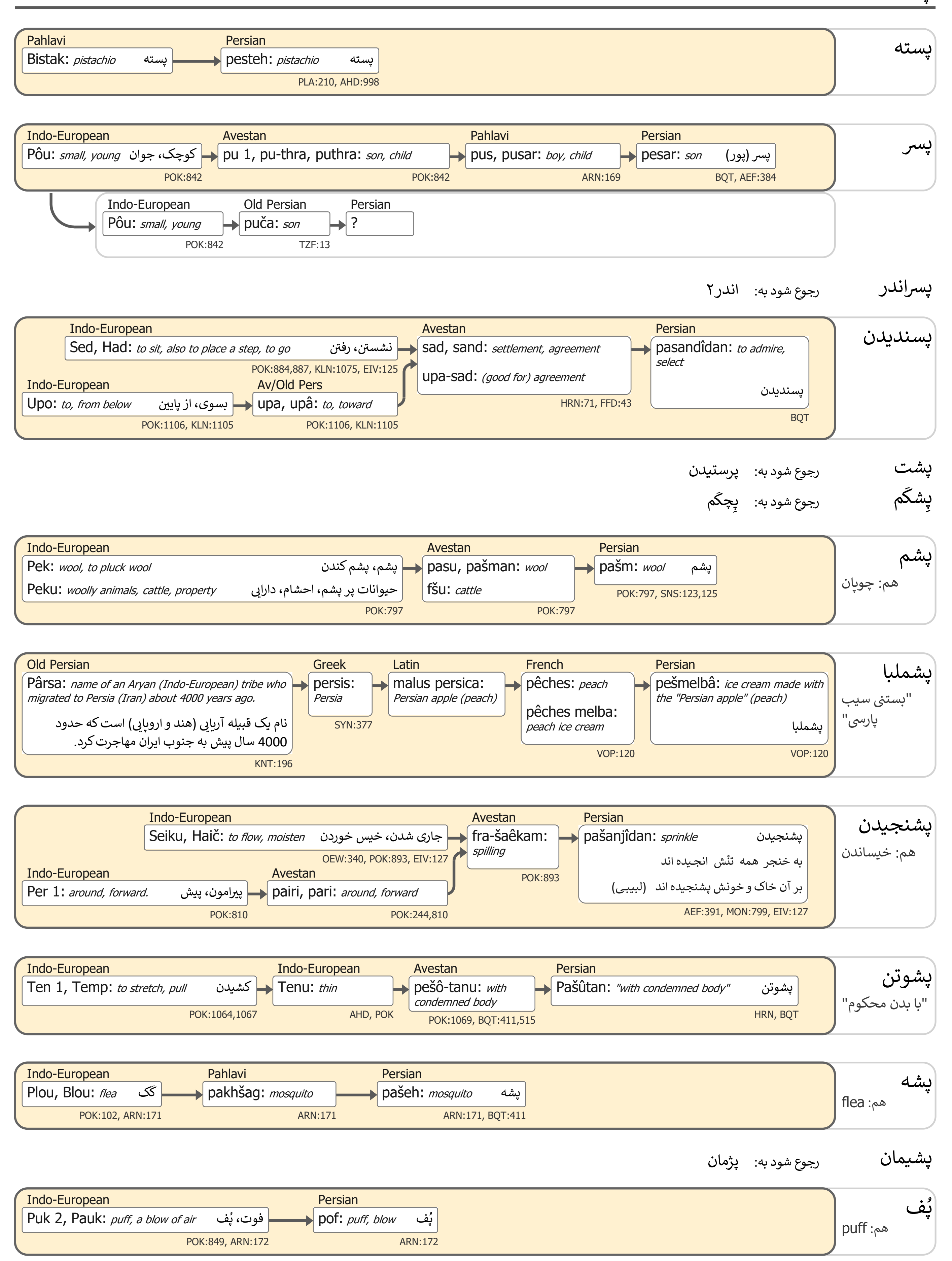
پرداختن۲
Indo-European
Tek, Tač: to stretch the hand, reach, receive دست دراز کردن، دریافت کردن
POK:1057, EIV:374
Pahlavi
par-daz-: to accomplish, pay
EIV:374
Persian
pardâxtan: to pay
پرداختن
EIV:374
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
NOTE- Teku may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"
پرده
Indo-European
Paita: to spread, make flat پهن کردن
POK:805, IEC:918, CEL2: 3
Iranian
partaka: flap of cloth, curtain
IEC:918
Pahlavi
pardag: curtain, veil
PHD:64
Persian
pardeh: curtain پرده
پردیس
"محصور به دیوار"
Indo-European
Dheigh: to form out of clay, to knead clay or dough
درست کردن با خاک رس یا خمیر
POK:244, KNT:191, CEL3: 203
Avestan
daeza: wall, fortification
POK:244
Avestan
pairi-daeza: with walls around it (garden)
POK:244
Persian
pardîs: paradise پردیس
فردوس، پالیز، جالیز
BQT:359, 1455: MON: 680
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
پرستار
رجوع شود به: پرستیدن
پرستو
هم: sparrow
Indo-European
Sper: sparrow گنجشک، پرستو
POK:991, IEC:613,1056
Old Persian
peleštuk: sparrow
ARN:162
Pahlavi
paristôk: sparrow
ARN:162
Persian
parastû پرستو
BQT, ARN:162
پرستیدن
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Avestan
par-šta: [stand around], worship, serve
par-šti: "stand up", back
KLN:1222, POK:1008, SYN:1376, SOD:439
Persian
parastîdan: worship
پرستیدن (پرستار)
pošt: back پشت
BQT, HRN
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
پَرسنگ
Old Persian
Fra-sanga: a distance of about five kilometers فرسنگ
HRN:182
Pahlavi
farsang
BQT:1462
Persian
farsang: a distance of about 5 kilometers فرسنگ (پَرسنگ)
farsax: Arabic pronunciation of "farsang" فرسخ
MON:743,2517, BQT:1462
پرسیدن
مق: پادافراه
Indo-European
Perk 1 : to ask پرسیدن
POK:821
Avestan
fras: to ask
prs-sa, pere-sa: to ask
POK:821, SNS:141, AEF:205
Pahlavi
porsitan: to ask
BQT:206,385
Persian
porsîdan: to ask پرسیدن
BQT, AEF:205, ETM:62
پرگار
"پیرامون نگار"
هم: perimeter
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Avestan
pairi-kara: go (draw) around, a compass
BQT:173, HRN:28,232, HUB:39
Persian
pargâr: compass پرگار
BQT
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
NOTE- HUB:39 is not sure about the derivation of "pargâr"
پَرماسیدن۱
لمس کردن، سودن
Indo-European
Mêlg, Marz?: to wipe off, rub, milk لمس کردن، پاک کردن، دوشیدن
POK:722, EIV:180, 269
Avestan
pairi-marz: to touch around
POK:722, FFD:77, EIV:180
Persian
parmâsîdan: to touch, feel
پرماسیدن۱، پرماس
آنکه او نبض خویش نشناسد
نبض دیگر کسی چه پرماسد (سنائی)
BQT:262,387, EIV:180
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810



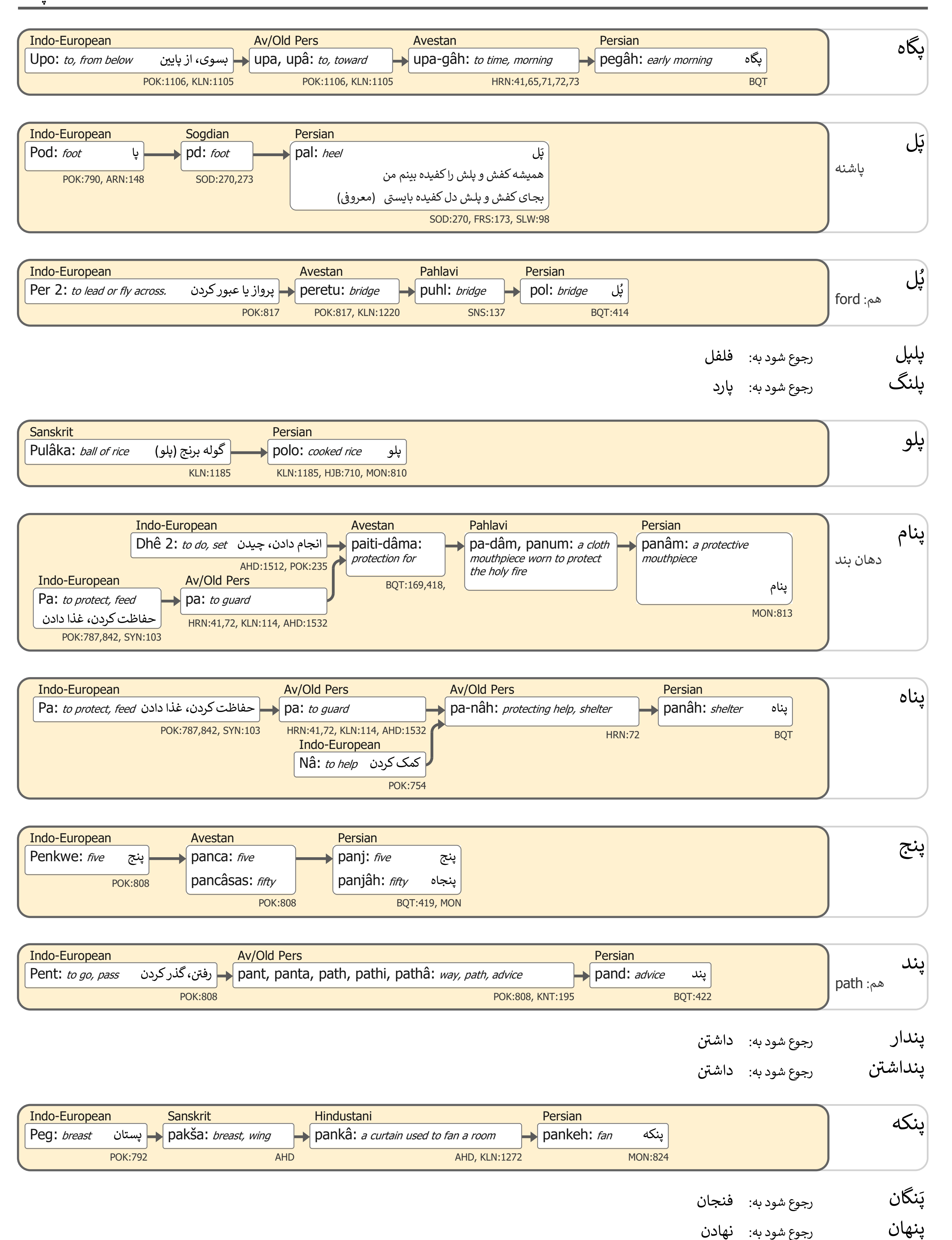
پَرماسیدن۲
دانستن
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
pairî-mâ-: to know
EIV:256
Persian
parmâsîdan: to know
پَرماسیدن۲
EIV:256, BQT
پَرَندوش
رجوع شود به: پار
پروار
"بزرگ شده در حصار "
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose
پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Av/Old Pers
var 1, vara, vâra 2: cover, wall
POK:1116, AEF:212, KNT:207
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Av/Old Pers
pairi-vâra: walled around, barn
POK:1116, AEF:268
Persian
parvâr: barn, barn-raised animal, fat animal
پروار
BQT, AEF
پرواز
Indo-European
Wegh: to go, carry رفتن، حمل کردن
POK:1119
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
vaz: fly
pairi-vaza: fly around
POK:1119
Persian
parvâz: flight پرواز
BQT, MON
پروانه
Indo-European
Pelpel: butterfly پروانه
NOTE- it is a vocal imitation of sound (onomatopoeia)
ARN:164
Pahlavi
parvânak: butterfly
ARN:164
Persian
parvâneh: butterfly پروانه
ARN:164, BQT
پروردن
Indo-European
Werg 2, Warz: nourished, strong تغذیه شده، قوی
POK:1169, EIV:422
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
varez-: strength(ening)
EIV:422
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Pahlavi
par-war-: to foster, nurture
EIV:422
Persian
parvardan: breed, raise
پروردن
EIV:422
NOTE- ARN:164 derives this word from the Indo-European root "Pa: to feed, protect"
پرویزن
رجوع شود به: بیختن
پروین
"گروه ستارگان"
Indo-European
Pel 1: to fill
پر کردن
POK:799, EIV:299
Indo-European
Pelu: a quantity of, a group of
تعداد یا گروه
POK:799, EIV:299
Avestan
paoiry-aêini: a cluster of stars
POK:800
Persian
parvin: a cluster of stars پروین
BQT:395, AEF:372
پرهیختن
پرهیز کردن
Indo-European
Leigh 2, Raič: to leave ترک کردن
POK:669, EIV:307
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti-raeč: avoid, leave
POK:669, FFD:72, SOD:11
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Pahlavi
par-hêxtan, pahrêzišn: to avoid
BQT, HRN:141,203, FVQ:46, SNS:115
Persian
parhîxtan : to avoid
پرهیختن (پرهیز)
POK:669, BQT, AEF:373
پرهیز
رجوع شود به: پرهیختن
پری
Indo-European
Parîkâ: sweet heart, fairy دلبر، پری
POK:789
Avestan
pairikâ: beautiful woman
POK:789, KLN:1115
Pahlavi
parî: fairy
POK:789, KLN:1115
Persian
parîk: fairy پری
POK:789, KLN:1115, HRN:69, BQT:396,864
پریدن
رجوع شود به: پَر
پَریر
رجوع شود به: پار
پریروز
رجوع شود به: پار
پَز
رجوع شود به: پختن

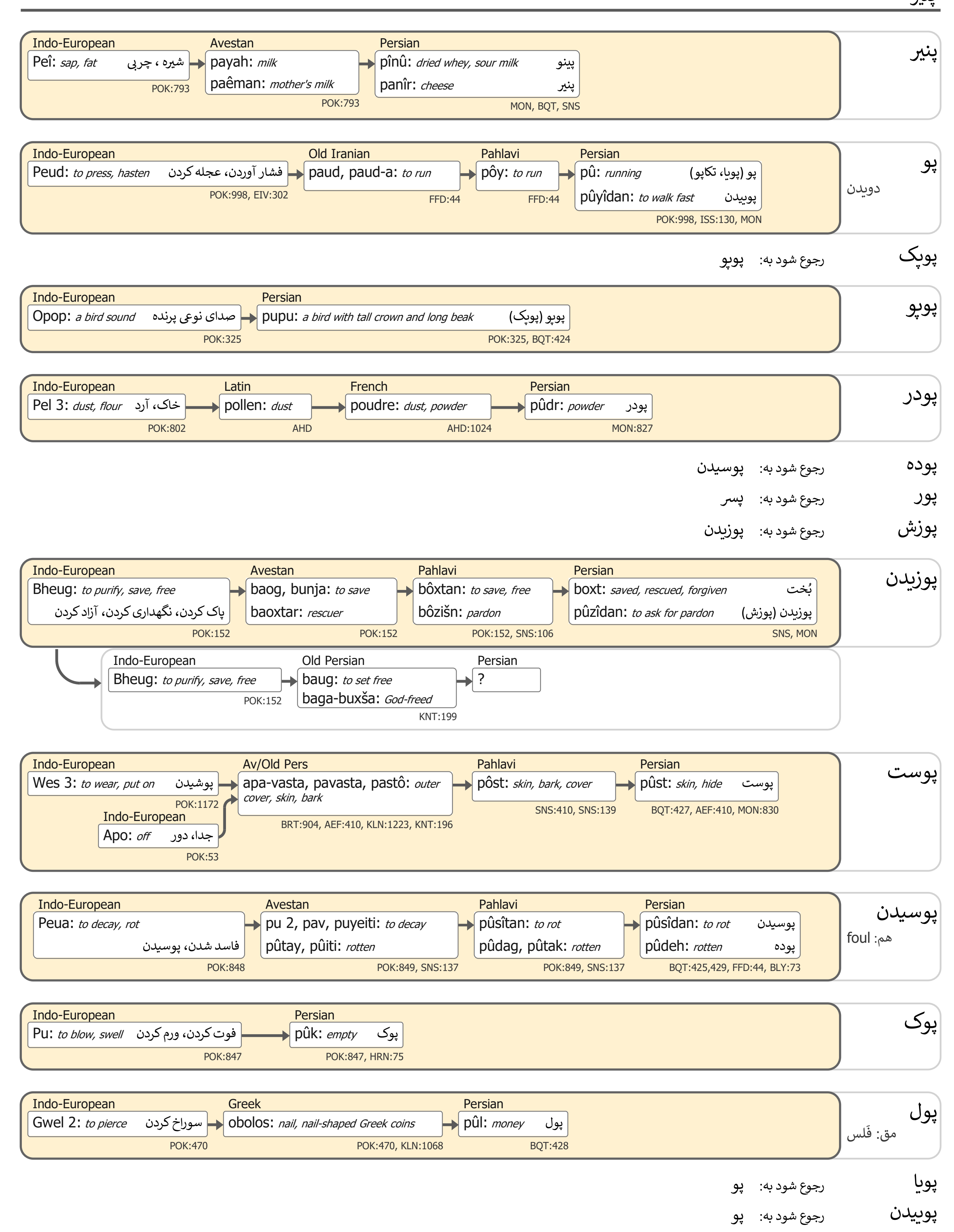


پزشک
Indo-European
Bhâ 2: to speak, heal صحبت کردن، درمان کردن
POK:105
Av/Old Pers
bišazka: healer, doctor
baešaza: doctor, medicine
NYB:48, POK:105,EIV
Pahlavi
bešazak: doctor
AEF:237,EIV
Persian
pezešk پزشک
BQT:399,EIV
پَزیدن
رجوع شود به: پختن
پَژ
کوه
Sanskrit
Parvan: knot گره
Parvata: knotty, rugged پرگره، ناهموار
SYN:26
Avestan
paurvatâ: mountain range
SYN:26, BQT:401
Persian
paž: rough terrain, mountain پَژ
سفر خوش است کسی را که بامراد بود
اگر سراسـر کوه و پژ آیدش در پیش (خسروانی)
BQT:345,399,401
پژمان
پشیمان
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
Avestan
paiti-man: to think against (an earlier action), regret
HRN:68-88, BQT:400-445
Persian
pažmân: regretting پژمان
pašîmân: regretting پشیمان
BQT, HRN
پژمردن
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
mar.2: to die
paei-mar: to fade, wither
EIV:265
Persian
pažmordan: to fade, wither
پژمردن
EIV:265
پژواک
"صدای کوه"
Sanskrit
Parvan: knot گره
Parvata: knotty, rugged پرگره، ناهموار
SYN:26
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Avestan
paurvatâ: mountain range
paurvatâ-vac: sound of mountains, echo
SYN:26, BQT:401
Persian
pažvâk, pežvâk: echo پژواک
BQT:345,399,401
پژوهیدن
Indo-European
Weid: to see, to know دیدن، دانستن
POK:1125
Avestan
vaeda, vîdada: I know
POK:1125, 1126
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Avestan
paitiš-vaêd: to search for
POK:1121, AEF:379, HRN:70
Persian
pažuhîdan: search
پژوهیدن
AEF:379
پس
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Indo-European
Pos: after, behind
POK:841, AHD:1506
Av/Old Pers
pasča, pasca, pasâ: after, behind
POK:842
Persian
pas: later, after پس (پس انداز)
HRN:70, BQT:403, IEC:29
پَساک
رجوع شود به: بَساک
پَست
Indo-European
Pet 1: to fly, to fall پرواز کردن، افتادن
POK:825, EIV:299
Av/Old Pers
ptâta, tâta: falling
POK:825, HRN:22
Avestan
patta: fallen, low, inferior
AEF:382, HUB:41
Persian
past: low, inferior پَست۱
AEF:382
پِست
آرد
Indo-European
Pais: crush, grind خرد کردن
WLD2: 1, EIV:292
Avestan
pišant: crushing, grinding
pištra: flour
WLD2: 1, EIV:292
Persian
pest: flour, crushed roasted wheat پست۲
بیاورد جامی ز یاقوت زرد
پر از شکّر و پست با آب سرد (فردوسی)
HUB:42, MON, EIV:292
پستان
Indo-European
Pestêno: breast پستان
POK:990
Avestan
fštâna: breast
KLN:1513, POK:990
Persian
pestân: breast پستان
POK:990, BQT:405

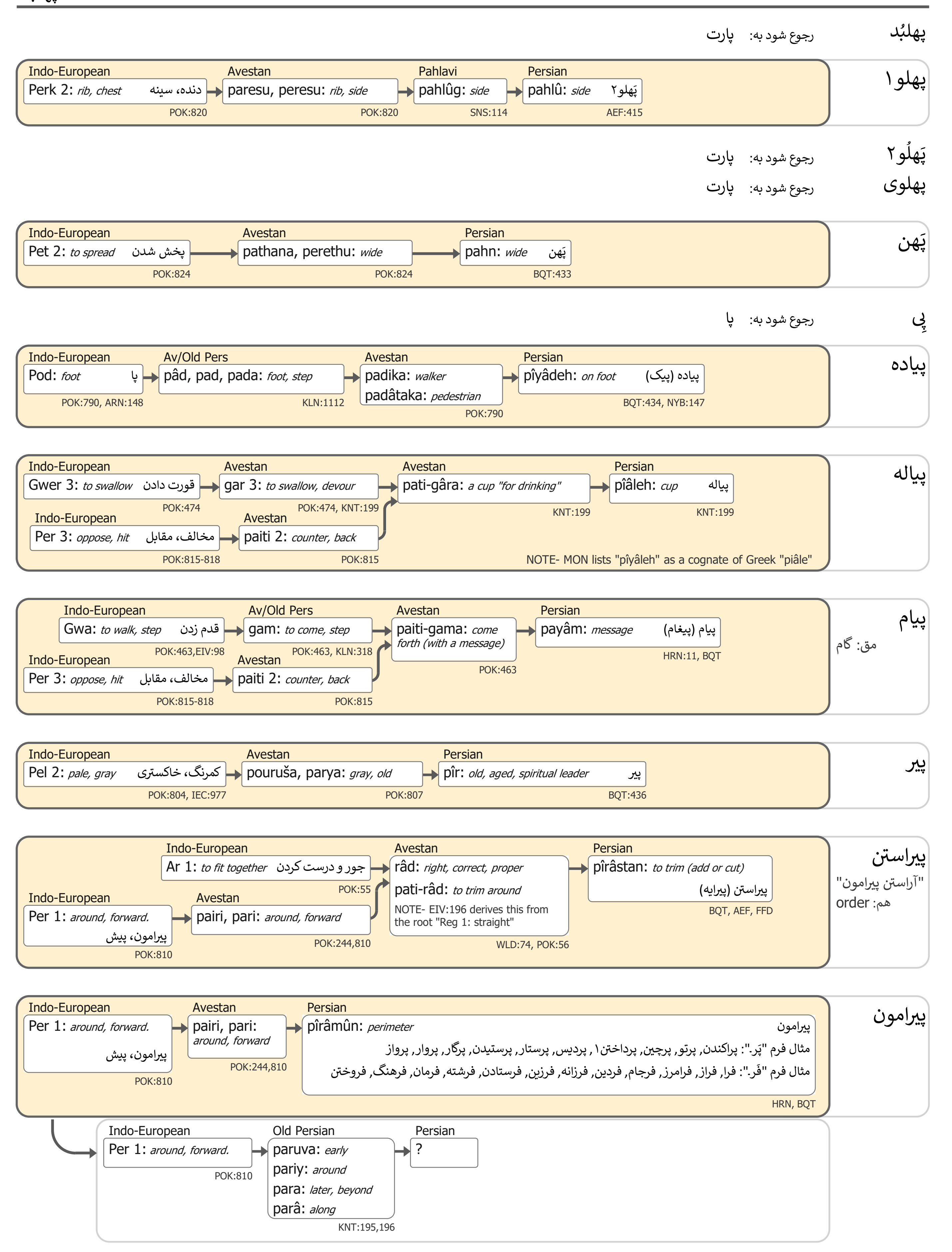


پسته
Pahlavi
Bistak: pistachio پسته
Persian
pesteh: pistachio پسته
PLA:210, AHD:998
پسر
Indo-European
Pôu: small, young کوچک، جوان
POK:842
Avestan
pu 1, pu-thra, puthra: son, child
POK:842
Pahlavi
pus, pusar: boy, child
ARN:169
Persian
pesar: son پسر (پور)
BQT, AEF:384
Indo-European
Pôu: small, young
POK:842
Old Persian
puča: son
TZF:13
Persian
?
پسراندر
رجوع شود به: اندر۲
پسندیدن
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go نشستن، رفتن
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Avestan
sad, sand: settlement, agreement
upa-sad: (good for) agreement
HRN:71, FFD:43
Persian
pasandîdan: to admire, select
پسندیدن
BQT
پشت
رجوع شود به: پرستیدن
پِشگم
رجوع شود به: پِچگم
پشم
هم: چوپان
Indo-European
Pek: wool, to pluck wool پشم، پشم کندن
Peku: woolly animals, cattle, property حیوانات پر پشم، احشام، دارایی
POK:797
Avestan
pasu, pašman: wool
fšu: cattle
POK:797
Persian
pašm: wool پشم
POK:797, SNS:123,125
پشملبا
"بستنی سیب پارسی"
Old Persian
Pârsa: name of an Aryan (Indo-European) tribe who migrated to Persia (Iran) about 4000 years ago.
نام یک قبیله آریایی (هند و اروپایی) است که حدود 4000 سال پیش به جنوب ایران مهاجرت کرد.
KNT:196
Greek
persis: Persia
SYN:377
Latin
malus persica: Persian apple (peach)
French
pêches: peach
pêches melba: peach ice cream
VOP:120
Persian
pešmelbâ: ice cream made with the "Persian apple" (peach)
پشملبا
VOP:120
پشنجیدن
هم: خیساندن
Indo-European
Seiku, Haič: to flow, moisten جاری شدن، خیس خوردن
OEW:340, POK:893, EIV:127
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
fra-šaêkam: spilling
POK:893
Persian
pašanjîdan: sprinkle پشنجیدن
به خنجر همه تَشْ انجیده اند
بر آن خاک و خونش پشنجیده اند (لبیبی)
AEF:391, MON:799, EIV:127
پشوتن
"با بدن محکوم"
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Indo-European
Tenu: thin
AHD, POK
Avestan
pešô-tanu: with condemned body
POK:1069, BQT:411,515
Persian
Pašûtan: "with condemned body" پشوتن
HRN, BQT
پشه
هم: flea
Indo-European
Plou, Blou: flea کک
POK:102, ARN:171
Pahlavi
pakhšag: mosquito
ARN:171
Persian
pašeh: mosquito پشه
ARN:171, BQT:411
پشیمان
رجوع شود به: پژمان
پُف
هم: puff
Indo-European
Puk 2, Pauk: puff, a blow of air فوت، پُف
POK:849, ARN:172
Persian
pof: puff, blow پُف
ARN:172

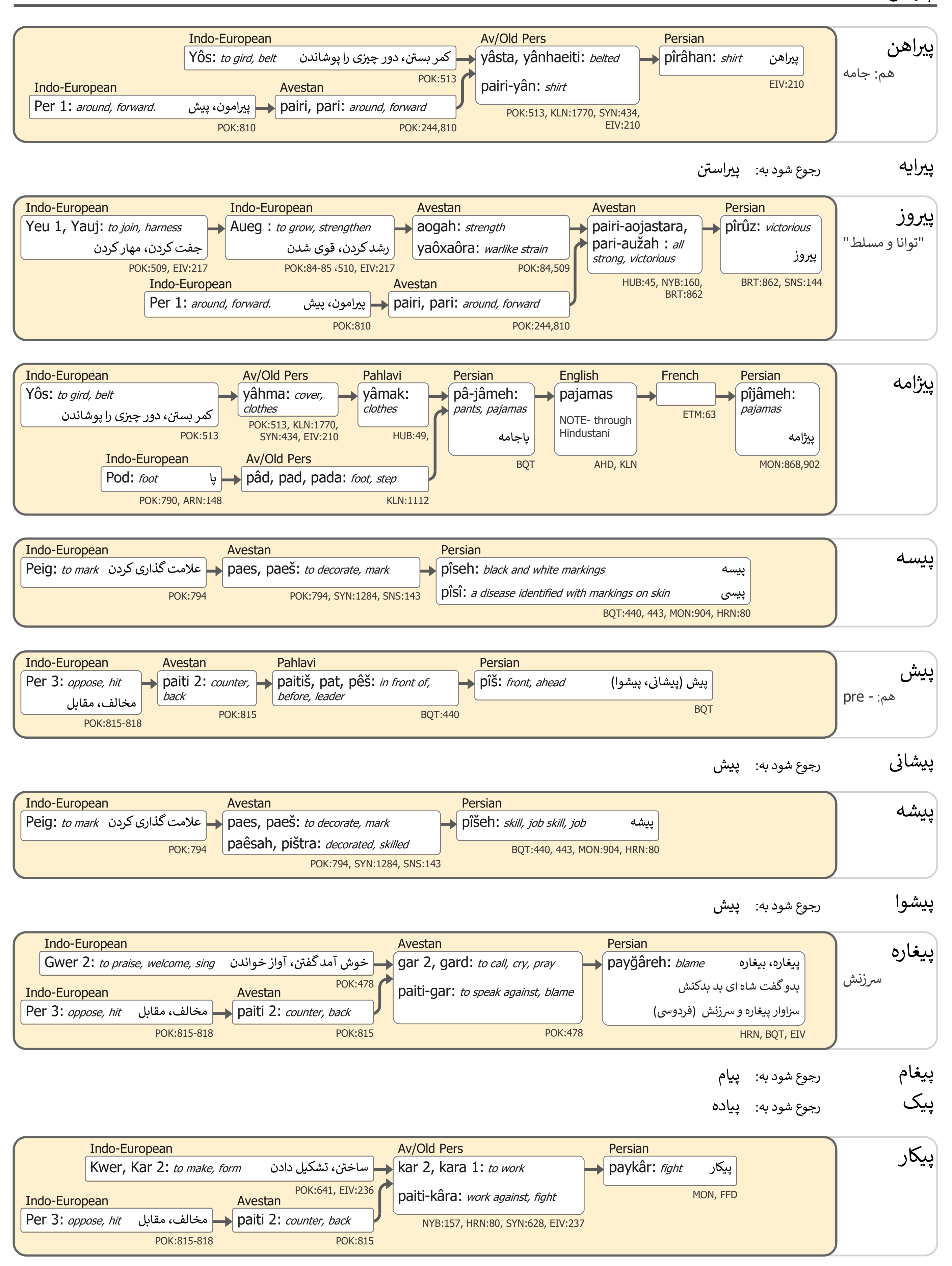

پگاه
Indo-European
Upo: to, from below بسوی، از پایین
POK:1106, KLN:1105
Av/Old Pers
upa, upâ: to, toward
POK:1106, KLN:1105
Avestan
upa-gâh: to time, morning
HRN:41,65,71,72,73
Persian
pegâh: early morning پگاه
BQT
پَل
پاشنه
Indo-European
Pod: foot پا
POK:790, ARN:148
Sogdian
pd: foot
SOD:270,273
Persian
pal: heel پَل
همیشه کفش و پلش را کفیده بینم من
بجای کفش و پلش دل کفیده بایستی (معروفی)
SOD:270, FRS:173, SLW:98
پُل
هم: ford
Indo-European
Per 2: to lead or fly across. پرواز یا عبور کردن
POK:817
Avestan
peretu: bridge
POK:817, KLN:1220
Pahlavi
puhl: bridge
SNS:137
Persian
pol: bridge پُل
BQT:414
پلپل
رجوع شود به: فلفل
پلنگ
رجوع شود به: پارد
پلو
Sanskrit
Pulâka: ball of rice گوله برنج (پلو)
KLN:1185
Persian
polo: cooked rice پلو
KLN:1185, HJB:710, MON:810
پنام
دهان بند
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Avestan
paiti-dâma: protection for
BQT:169,418,
Pahlavi
pa-dâm, panum: a cloth mouthpiece worn to protect the holy fire
Persian
panâm: a protective mouthpiece
پنام
MON:813
پناه
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Indo-European
Nâ: to help کمک کردن
POK:754
Av/Old Pers
pa-nâh: protecting help, shelter
HRN:72
Persian
panâh: shelter پناه
BQT
پنج
Indo-European
Penkwe: five پنج
POK:808
Avestan
panca: five
pancâsas: fifty
POK:808
Persian
panj: five پنج
panjâh: fifty پنجاه
BQT:419, MON
پند
هم: path
Indo-European
Pent: to go, pass رفتن، گذر کردن
POK:808
Av/Old Pers
pant, panta, path, pathi, pathâ: way, path, advice
POK:808, KNT:195
Persian
pand: advice پند
BQT:422
پندار
رجوع شود به: داشتن
پنداشتن
رجوع شود به: داشتن
پنکه
Indo-European
Peg: breast پستان
POK:792
Sanskrit
pakša: breast, wing
AHD
Hindustani
pankâ: a curtain used to fan a room
AHD, KLN:1272
Persian
pankeh: fan پنکه
MON:824
پَنگان
رجوع شود به: فنجان
پنهان
رجوع شود به: نهادن



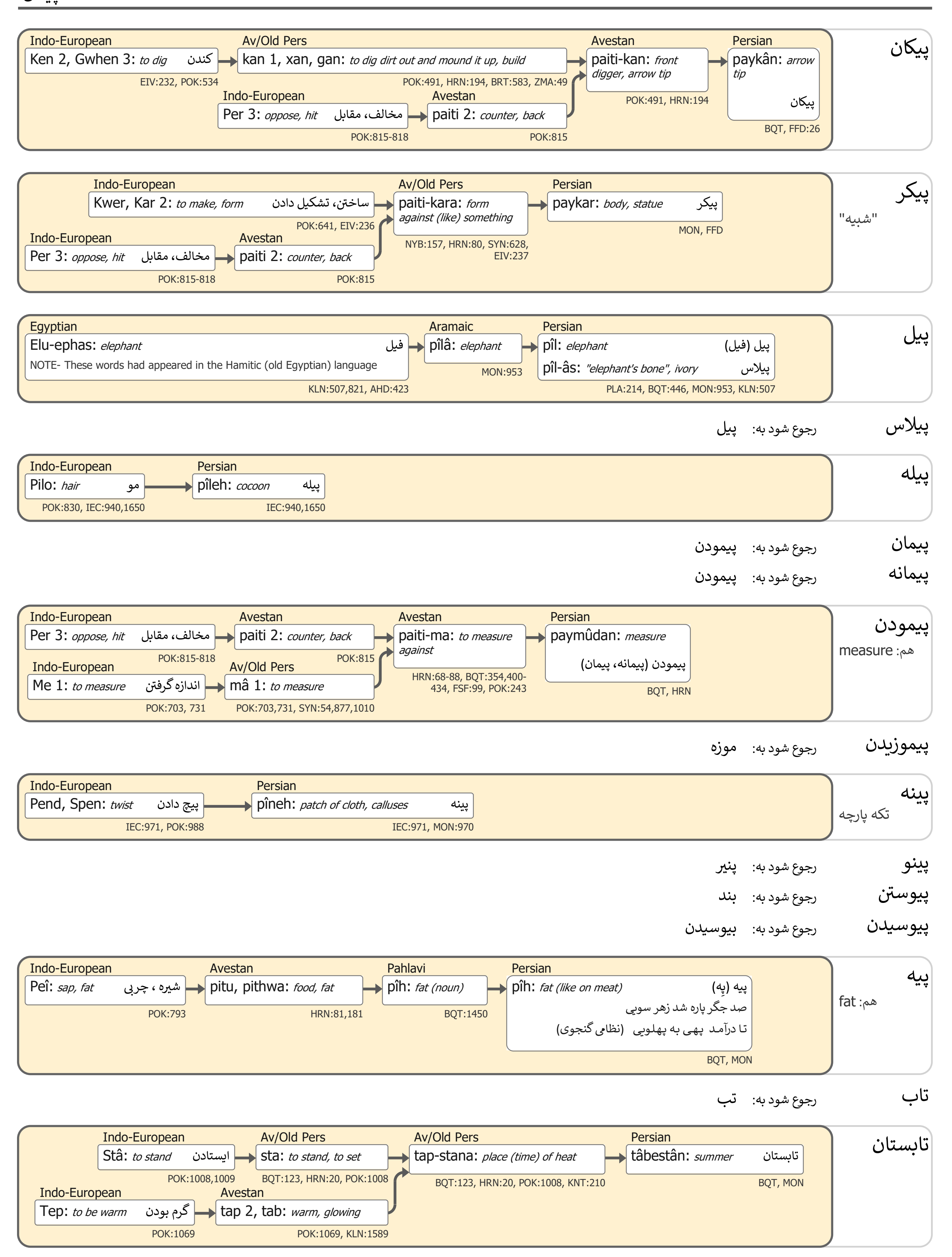
پِه
رجوع شود به: پیه



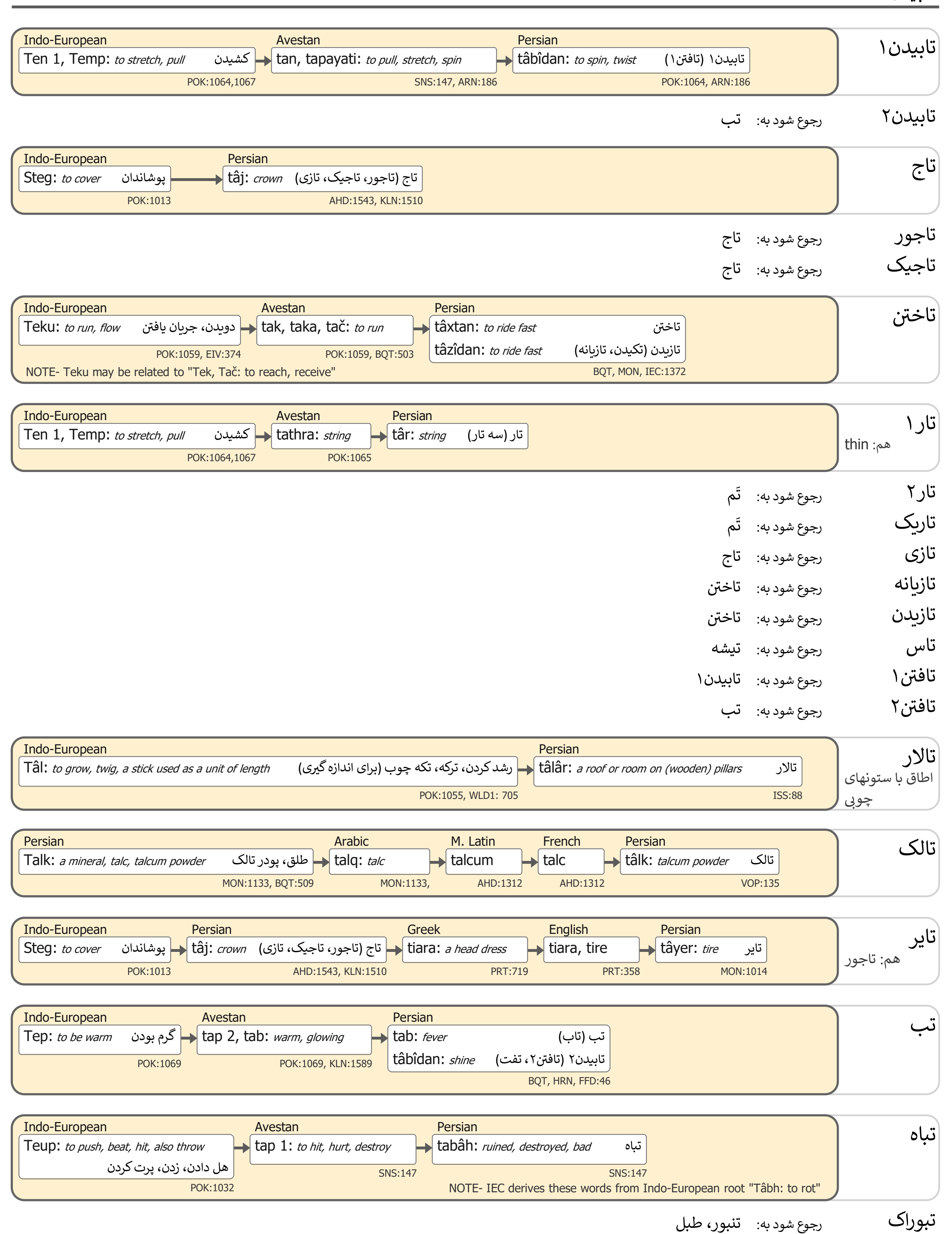
پهلبُد رجوع شود به: پارت
پهلو۱
Indo-European
Perk 2: rib, chest دنده، سینه
POK:820
Avestan
paresu, peresu: rib, side
POK:820
Pahlavi
pahlûg: side
SNS:114
Persian
pahlû: side پَهلو۲
AEF:415
پَهلُو۲ رجوع شود به: پارت
پهلوی رجوع شود به: پارت
پَهن
Indo-European
Pet 2: to spread پخش شدن
POK:824
Avestan
pathana, perethu: wide
POK:824
Persian
pahn: wide پَهن
BQT:433
پِی رجوع شود به: پا
پیاده
Indo-European
Pod: foot پا
POK:790, ARN:148
Av/Old Pers
pâd, pad, pada: foot, step
KLN:1112
Avestan
padika: walker
padâtaka: pedestrian
POK:790
Persian
pîyâdeh: on foot پیاده (پیک)
BQT:434, NYB:147
پیاله
Indo-European
Gwer 3: to swallow قورت دادن
POK:474
Avestan
gar 3: to swallow, devour
POK:474, KNT:199
Avestan
pati-gâra: a cup "for drinking"
KNT:199
Persian
pîâleh: cup پیاله
KNT:199
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
NOTE- MON lists "pîyâleh" as a cognate of Greek "piâle"
پیام
مق: گام
Indo-European
Gwa: to walk, step قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
POK:463, KLN:318
Avestan
paiti-gama: come forth (with a message)
POK:463
Persian
payâm: message پیام (پیغام)
HRN:11, BQT
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
پیر
Indo-European
Pel 2: pale, gray کمرنگ، خاکستری
POK:804, IEC:977
Avestan
pourušâ, parya: gray, old
POK:807
Persian
pîr: old, aged, spiritual leader پیر
BQT:436
پیراستن
"آراستن پیرامون"
هم: order
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Avestan
râd: right, correct, proper
pati-râd: to trim around
NOTE- EIV:196 derives this from the root "Reg 1: straight"
WLD:74, POK:56
Persian
pîrâstan: to trim (add or cut)
پیراستن (پیرایه)
BQT, AEF, FFD
Indo-European
Per 1: around, forward.
پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
پیرامون
Indo-European
Per 1: around, forward.
پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Persian
pîrâmûn: perimeter پیرامون
مثال فرم "پَر": پراکندن, پرتو, پرچین, پرداختن۱, پردیس, پرستار, پرستیدن, پرگار, پروار, پرواز
مثال فرم "فَر": فرا, فراز, فرامرز, فرجام, فردین, فرزانه, فرزین, فرستادن, فرشته, فرمان, فرهنگ, فروختن
HRN, BQT
Indo-European
Per 1: around, forward.
POK:810
Old Persian
paruva: early
pariy: around
para: later, beyond
parâ: along
KNT:195,196
Persian
?

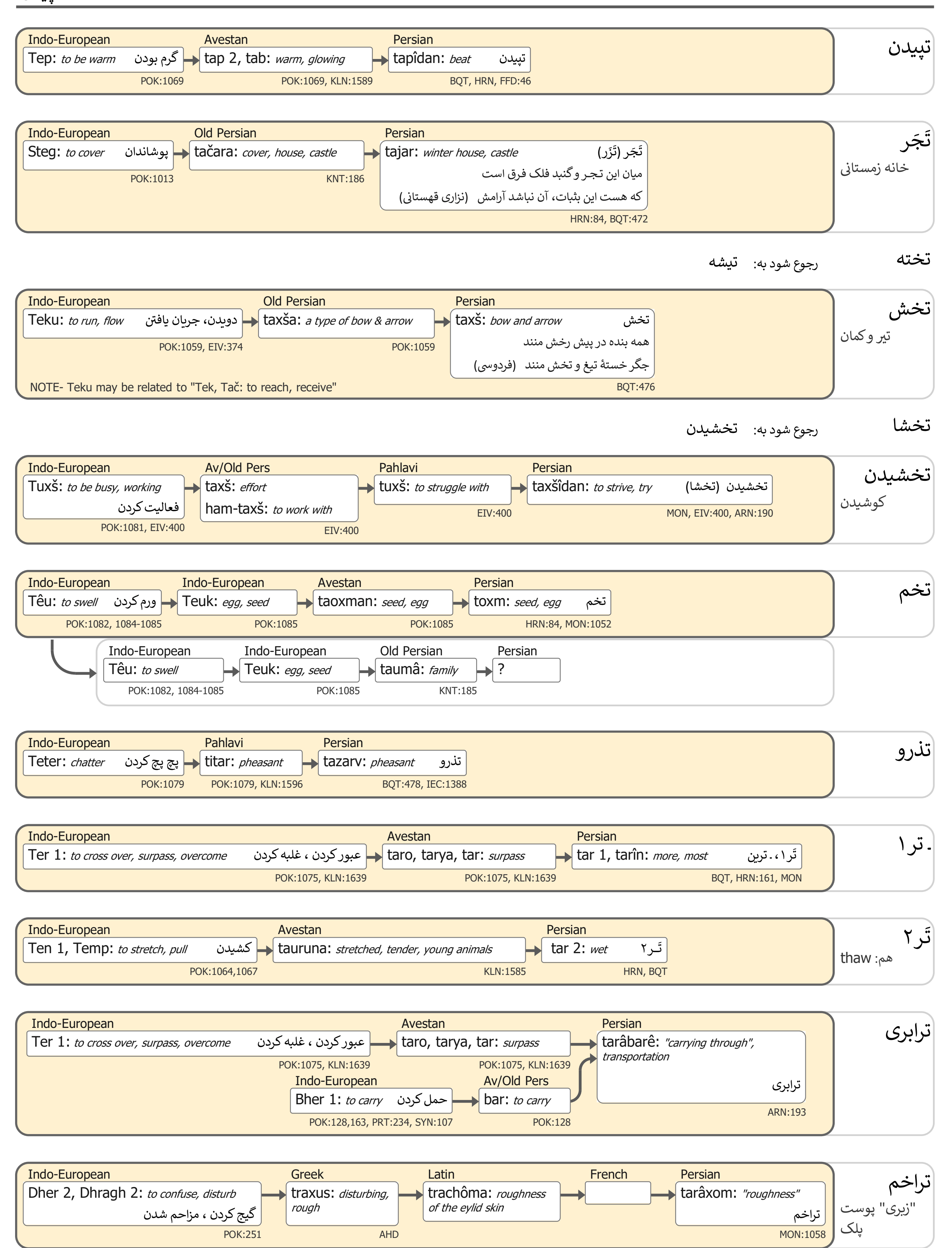


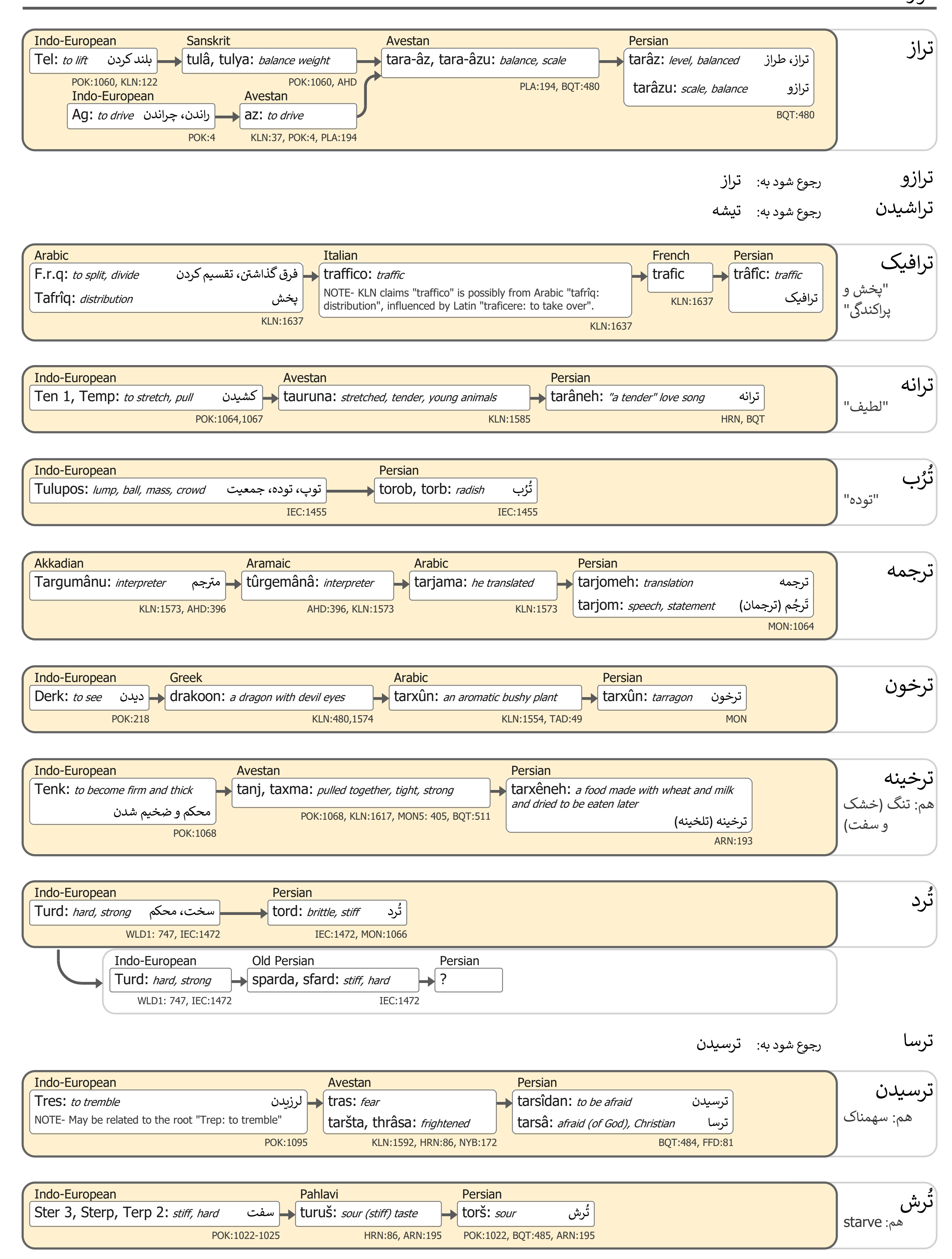
پیراهن
هم: جامه
Indo-European
Yôs: to gird, belt کمر بستن، دور چیزی را پوشاندن
POK:513
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Av/Old Pers
yâsta, yânhaeiti: belted
pairi-yân: shirt
POK:513, KLN:1770, SYN:434, EIV:210
Persian
pîrâhan: shirt پیراهن
EIV:210
پیرایه
رجوع شود به: پیراستن
پیروز
"توانا و مسلط"
Indo-European
Yeu 1, Yauj: to join, harness جفت کردن، مهار کردن
POK:509, EIV:217
Indo-European
Aueg : to grow, strengthen رشد کردن، قوی شدن
POK:84-85 ،510, EIV:217
Avestan
aogah: strength
yaôxaôra: warlike strain
POK:84,509
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
Avestan
pairi-aojastara, pari-aužah : all strong, victorious
HUB:45, NYB:160, BRT:862
Persian
pîrûz: victorious پیروز
BRT:862, SNS:144
پیژامه
Indo-European
Yôs: to gird, belt کمر بستن، دور چیزی را پوشاندن
POK:513
Av/Old Pers
yâhma: cover, clothes
POK:513, KLN:1770, SYN:434, EIV:210
Pahlavi
yâmak: clothes
HUB:49,
Indo-European
Pod: foot پا
POK:790, ARN:148
Av/Old Pers
pâd, pad, pada: foot, step
KLN:1112
Persian
pâ-jâmeh: pants, pajamas پاجامه
BQT
English
pajamas
NOTE- through Hindustani
AHD, KLN
French
ETM:63
Persian
pîjâmeh: pajamas پیژامه
MON:868,902
پیسه
Indo-European
Peig: to mark علامت گذاری کردن
POK:794
Avestan
paes, paeš: to decorate, mark
POK:794, SYN:1284, SNS:143
Persian
pîseh: black and white markings پیسه
pîsî: a disease identified with markings on skin پیسی
BQT:440, 443, MON:904, HRN:80
پیش
هم: - pre
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Pahlavi
paitiš, pat, pêš: in front of, before, leader
BQT:440
Persian
pîš: front, ahead پیش (پیشانی، پیشوا)
BQT
پیشانی
رجوع شود به: پیش
پیشه
Indo-European
Peig: to mark علامت گذاری کردن
POK:794
Avestan
paes, paeš: to decorate, mark
paêsah, pištra: decorated, skilled
POK:794, SYN:1284, SNS:143
Persian
pîšeh: skill, job skill, job پیشه
BQT:440, 443, MON:904, HRN:80
پیشوا
رجوع شود به: پیش
پیغاره
سرزنش
Indo-European
Gwer 2: to praise, welcome, sing خوش آمد گفتن، آواز خواندن
POK:478
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Avestan
gar 2, gard: to call, cry, pray
paiti-gar: to speak against, blame
POK:478
Persian
payğâreh: blame پیغاره، بیغاره
بدو گفت شاه ای بد بدکنش
سزاوار پیغاره و سرزنش (فردوسی)
HRN, BQT, EIV
پیغام
رجوع شود به: پیام
پیک
رجوع شود به: پیاده
پیکار
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Av/Old Pers
kar 2, kara 1: to work
paiti-kâra: work against, fight
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Persian
paykâr: fight پیکار
MON, FFD

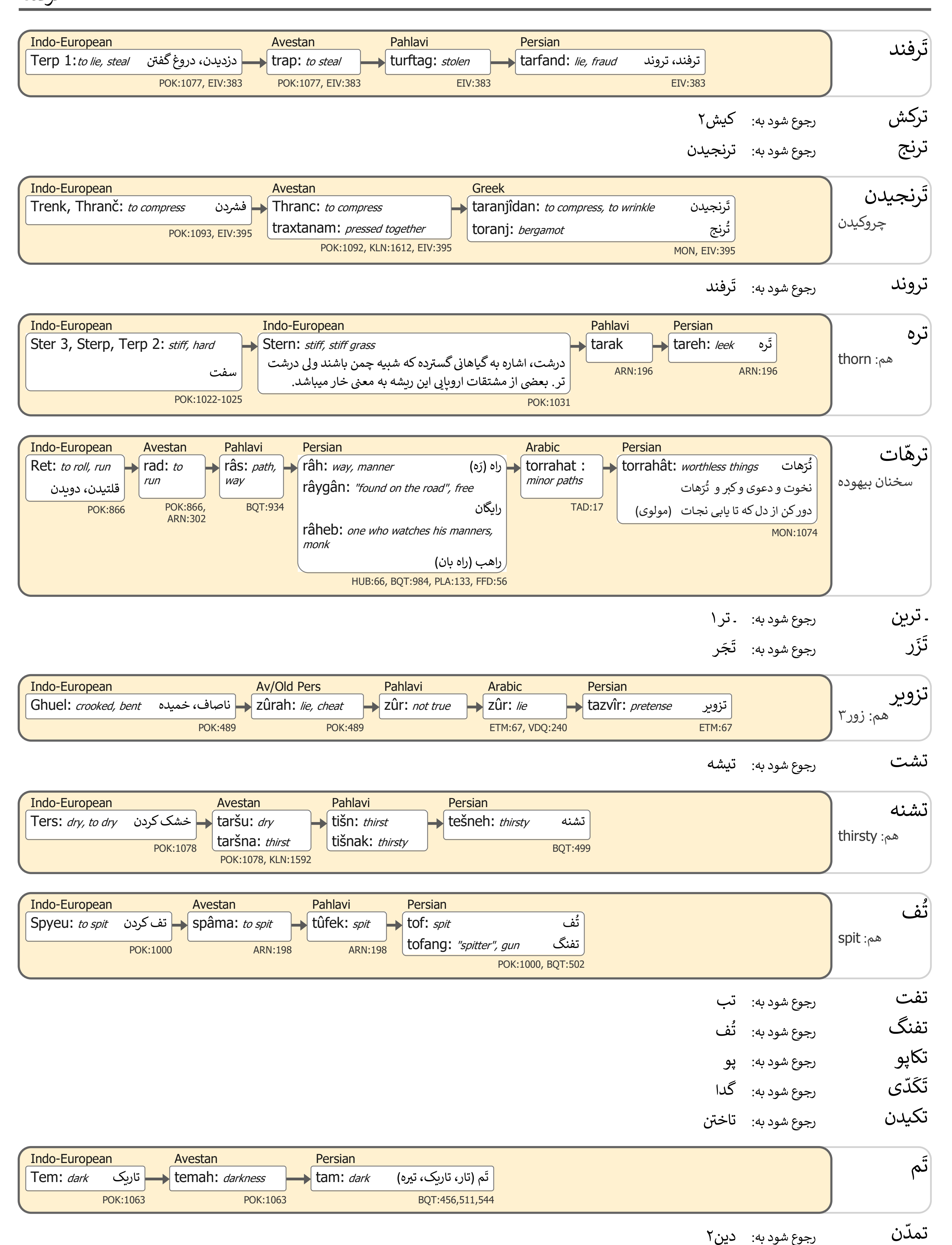


پیکان
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Avestan
paiti-kan: front digger, arrow tip
POK:491, HRN:194
Persian
paykân: arrow tip
پیکان
BQT, FFD:26
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
پیکر
"شبیه"
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Av/Old Pers
paiti-kara: form against (like) something
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Persian
paykar: body, statue پیکر
MON, FFD
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
پیل
Egyptian
Elu-ephas: elephant فیل
NOTE- These words had appeared in the Hamitic (old Egyptian) language
KLN:507,821, AHD:423
Aramaic
pîlâ: elephant
MON:953
Persian
pîl: elephant پیل (فیل)
pîl-âs: "elephant's bone", ivory پیلاس
PLA:214, BQT:446, MON:953, KLN:507
پیلاس
رجوع شود به: پیل
پیله
Indo-European
Pilo: hair مو
POK:830, IEC:940,1650
Persian
pîleh: cocoon پیله
IEC:940,1650
پیمان
رجوع شود به: پیمودن
پیمانه
رجوع شود به: پیمودن
پیمودن
هم: measure
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Avestan
paiti-ma: to measure against
HRN:68-88, BQT:354,400-434, FSF:99, POK:243
Persian
paymûdan: measure
پیمودن (پیمانه، پیمان)
BQT, HRN
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Av/Old Pers
mâ 1: to measure
POK:703,731, SYN:54,877,1010
پیموزیدن
رجوع شود به: موزه
پینه
تکه پارچه
Indo-European
Pend, Spen: twist پیچ دادن
IEC:971, POK:988
Persian
pîneh: patch of cloth, calluses پینه
IEC:971, MON:970
پینو
رجوع شود به: پنیر
پیوستن
رجوع شود به: بند
پیوسیدن
رجوع شود به: بیوسیدن
پیه
هم: fat
Indo-European
Peî: sap, fat شیره ، چربی
POK:793
Avestan
pitu, pithwa: food, fat
HRN:81,181
Pahlavi
pîh: fat (noun)
BQT:1450
Persian
pîh: fat (like on meat) پیه (په)
صد جگر پاره شد زهر سویی
تا درآمد پهی به پهلویی (نظامی گنجوی)
BQT, MON
تاب
رجوع شود به: تب
تابستان
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Av/Old Pers
tap-stana: place (time) of heat
BQT:123, HRN:20, POK:1008, KNT:210
Persian
tâbestân: summer تابستان
BQT, MON
Indo-European
Tep: to be warm گرم بودن
POK:1069
Avestan
tap 2, tab: warm, glowing
POK:1069, KLN:1589

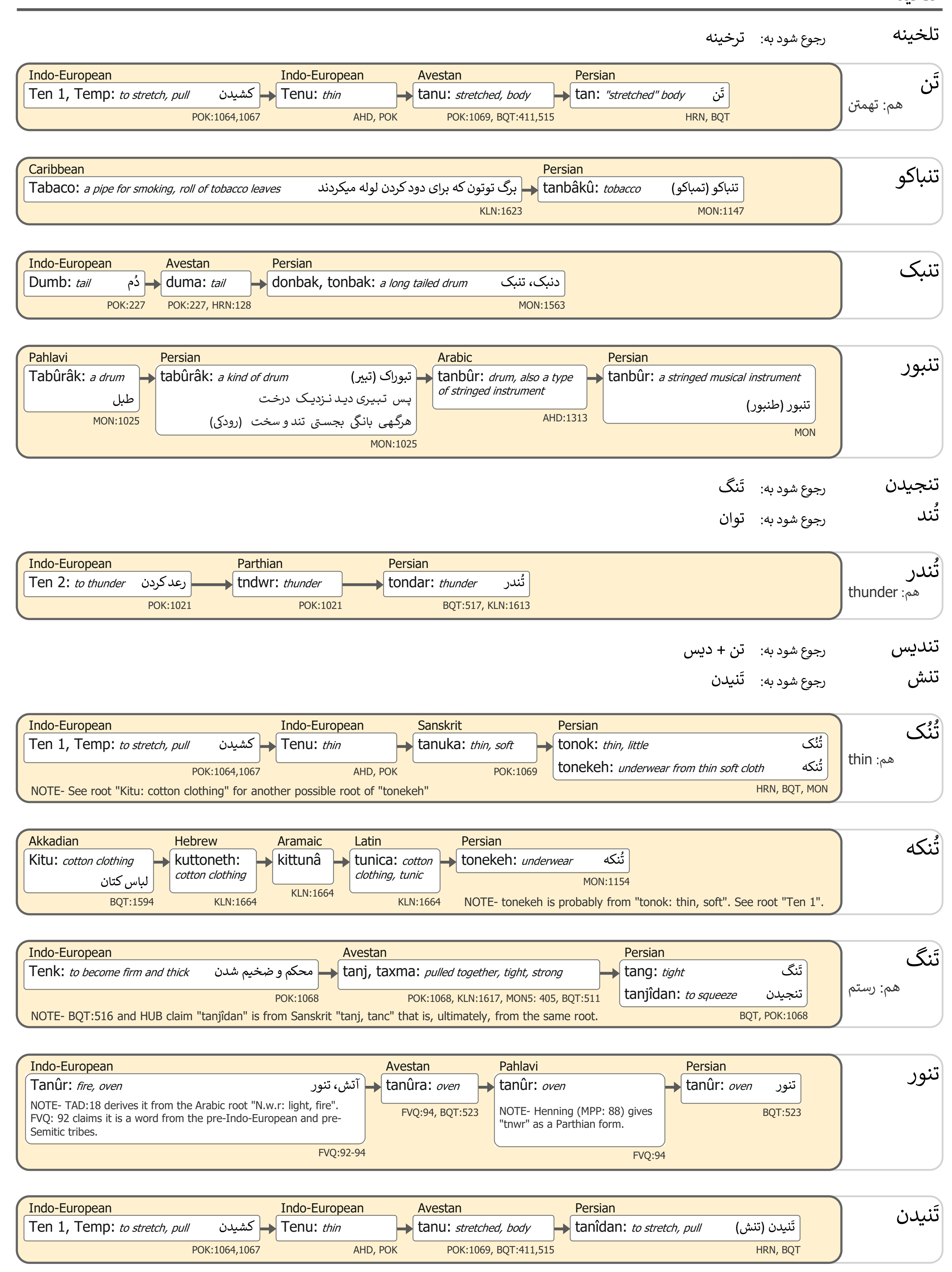

تابیدن۱
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
tan, tapayati: to pull, stretch, spin
SNS:147, ARN:186
Persian
tâbîdan: to spin, twist تابیدن۱ (تافتن۱)
POK:1064, ARN:186
تابیدن۲ رجوع شود به: تب
تاج
Indo-European
Steg: to cover پوشاندن
POK:1013
Persian
tâj: crown تاج (تاجور، تاجیک، تازی)
AHD:1543, KLN:1510
تاجور رجوع شود به: تاج
تاجیک رجوع شود به: تاج
تاختن
Indo-European
Teku: to run, flow دویدن، جریان یافتن
POK:1059, EIV:374
Avestan
tak, taka, tač: to run
POK:1059, BQT:503
Persian
tâxtan: to ride fast تاختن
tâzîdan: to ride fast تازیدن (تکیدن، تازیانه)
BQT, MON, IEC:1372
NOTE- Teku may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"
تار۱
هم: thin
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
tathra: string
POK:1065
Persian
târ: string تار (سه تار)
تار۲ رجوع شود به: تَم
تاریک رجوع شود به: تَم
تازی رجوع شود به: تاج
تازیانه رجوع شود به: تاختن
تازیدن رجوع شود به: تاختن
تاس رجوع شود به: تیشه
تافتن۱ رجوع شود به: تابیدن۱
تافتن۲ رجوع شود به: تب
تالار
اطاق با ستونهای چوبی
Indo-European
Tâl: to grow, twig, a stick used as a unit of length رشد کردن، ترکه، تکه چوب (برای اندازه گیری)
POK:1055, WLD1: 705
Persian
tâlâr: a roof or room on (wooden) pillars تالار
ISS:88
تالک
Persian
Talk: a mineral, talc, talcum powder طلق، پودر تالک
MON:1133, BQT:509
Arabic
talq: talc
MON:1133,
M. Latin
talcum
AHD:1312
French
talc
AHD:1312
Persian
tâlk: talcum powder تالک
VOP:135
تایر
هم: تاجور
Indo-European
Steg: to cover پوشاندن
POK:1013
Persian
tâj: crown تاج (تاجور، تاجیک، تازی)
AHD:1543, KLN:1510
Greek
tiara: a head dress
PRT:719
English
tiara, tire
PRT:358
Persian
tâyer: tire تایر
MON:1014
تب
Indo-European
Tep: to be warm گرم بودن
POK:1069
Avestan
tap 2, tab: warm, glowing
POK:1069, KLN:1589
Persian
tab: fever تب (تاب)
tâbîdan: shine تابیدن۲ (تافتن۲، تفت)
BQT, HRN, FFD:46
تباه
Indo-European
Teup: to push, beat, hit, also throw
هل دادن، زدن، پرت کردن
POK:1032
Avestan
tap 1: to hit, hurt, destroy
SNS:147
Persian
tabâh: ruined, destroyed, bad تباه
SNS:147
NOTE- IEC derives these words from Indo-European root "Tâbh: to rot"
تبوراک رجوع شود به: تنبور، طبل
تبیر رجوع شود به: تنبور، طبل


تپیدن
Indo-European
Tep: to be warm گرم بودن
POK:1069
Avestan
tap 2, tab: warm, glowing
POK:1069, KLN:1589
Persian
tapîdan: beat تپیدن
BQT, HRN, FFD:46
تَجَر
خانه زمستانی
Indo-European
Steg: to cover پوشاندن
POK:1013
Old Persian
tačara: cover, house, castle
KNT:186
Persian
tajar: winter house, castle تَجَر (تَزَر)
میان این تجر و گنبد فلک فرق است
که هست این بثبات، آن نباشد آرامش (نزاری قهستانی)
HRN:84, BQT:472
تخته
رجوع شود به: تیشه
تخش
تیر و کمان
Indo-European
Teku: to run, flow دویدن، جریان یافتن
POK:1059, EIV:374
Old Persian
taxša: a type of bow & arrow
POK:1059
Persian
taxš: bow and arrow تخش
همه بنده در پیش رخش منند
جگر خستهٔ تیغ و تخش منند (فردوسی)
BQT:476
NOTE- Teku may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"
تخشا
رجوع شود به: تخشیدن
تخشیدن
کوشیدن
Indo-European
Tuxš: to be busy, working
فعالیت کردن
POK:1081, EIV:400
Av/Old Pers
taxš: effort
ham-taxš: to work with
EIV:400
Pahlavi
tuxš: to struggle with
EIV:400
Persian
taxšîdan: to strive, try تخشیدن (تخشا)
MON, EIV:400, ARN:190
تخم
Indo-European
Têu: to swell ورم کردن
POK:1082, 1084-1085
Indo-European
Teuk: egg, seed
POK:1085
Avestan
taoxman: seed, egg
POK:1085
Persian
toxm: seed, egg تخم
HRN:84, MON:1052
Indo-European
Têu: to swell
POK:1082, 1084-1085
Indo-European
Teuk: egg, seed
POK:1085
Old Persian
taumâ: family
KNT:185
Persian
?
تذرو
Indo-European
Teter: chatter پچ پچ کردن
POK:1079
Pahlavi
titar: pheasant
POK:1079, KLN:1596
Persian
tazarv: pheasant تذرو
BQT:478, IEC:1388
تر ۱.
Indo-European
Ter 1: to cross over, surpass, overcome عبور کردن ، غلبه کردن
POK:1075, KLN:1639
Avestan
taro, tarya, tar: surpass
POK:1075, KLN:1639
Persian
tar 1, tarîn: more, most تَر۱، ترین
BQT, HRN:161, MON
تَر ۲
هم: thaw
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
tauruna: stretched, tender, young animals
KLN:1585
Persian
tar 2: wet تَر۲
HRN, BQT
ترابری
Indo-European
Ter 1: to cross over, surpass, overcome عبور کردن ، غلبه کردن
POK:1075, KLN:1639
Avestan
taro, tarya, tar: surpass
POK:1075, KLN:1639
Persian
tarâbarê: "carrying through", transportation
ترابری
ARN:193
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
تراخم
"زبری" پوست پلک
Indo-European
Dher 2, Dhragh 2: to confuse, disturb
گیج کردن ، مزاحم شدن
POK:251
Greek
traxus: disturbing, rough
AHD
Latin
trachôma: roughness of the eylid skin
French
Persian
tarâxom: "roughness"
تراخم
MON:1058

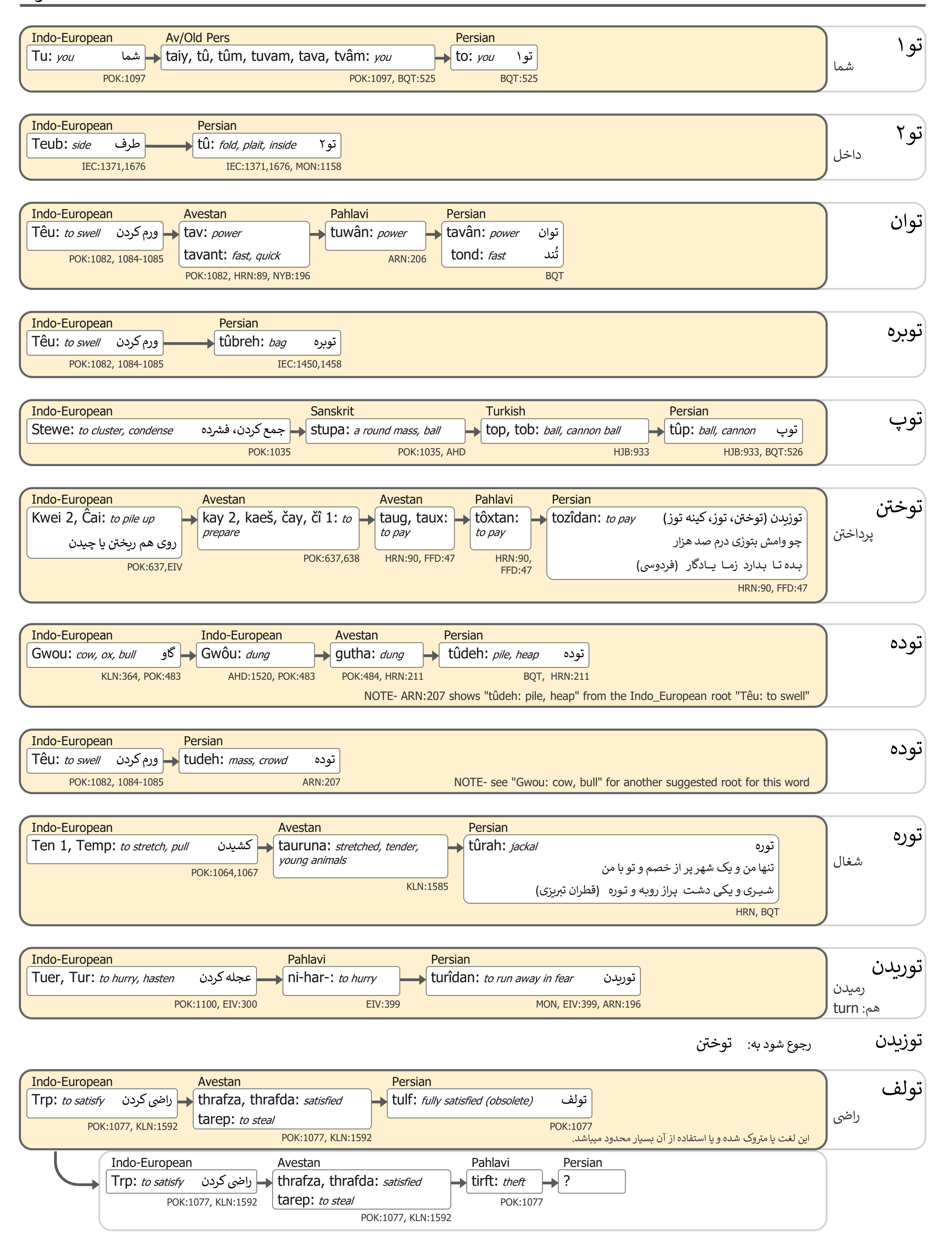

تراز
Indo-European
Tel: to lift بلند کردن
POK:1060, KLN:122
Sanskrit
tulâ, tulya: balance weight
POK:1060, AHD
Avestan
tara-âz, tara-âzu: balance, scale
PLA:194, BQT:480
Persian
tarâz: level, balanced تراز، طراز
tarâzu: scale, balance ترازو
BQT:480
Indo-European
Ag: to drive راندن، چراندن
POK:4
Avestan
az: to drive
KLN:37, POK:4, PLA:194
ترازو رجوع شود به: تراز
تراشیدن رجوع شود به: تیشه
ترافیک
"پخش و پراکندگی"
Arabic
F.r.q: to split, divide فرق گذاشتن، تقسیم کردن
Tafrîq: distribution پخش
KLN:1637
Italian
traffico: traffic
NOTE- KLN claims "traffico" is possibly from Arabic "tafrîq: distribution", influenced by Latin "traficere: to take over".
KLN:1637
French
trafic
KLN:1637
Persian
trâfîc: traffic ترافیک
ترانه
"لطیف"
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
tauruna: stretched, tender, young animals
KLN:1585
Persian
tarâneh: "a tender" love song ترانه
HRN, BQT
تُرُب
"توده"
Indo-European
Tulupos: lump, ball, mass, crowd توپ، توده، جمعیت
IEC:1455
Persian
torob, torb: radish تُرُب
IEC:1455
ترجمه
Akkadian
Targumânu: interpreter مترجم
KLN:1573, AHD:396
Aramaic
tûrgemânâ: interpreter
AHD:396, KLN:1573
Arabic
tarjama: he translated
KLN:1573
Persian
tarjomeh: translation ترجمه
tarjom: speech, statement تَرجُم (ترجمان)
MON:1064
ترخون
Indo-European
Derk: to see دیدن
POK:218
Greek
drakoon: a dragon with devil eyes
KLN:480,1574
Arabic
tarxûn: an aromatic bushy plant
KLN:1554, TAD:49
Persian
tarxûn: tarragon ترخون
MON
ترخینه
هم: تنگ (خشک) و سفت
Indo-European
Tenk: to become firm and thick
محکم و ضخیم شدن
POK:1068
Avestan
tanj, taxma: pulled together, tight, strong
POK:1068, KLN:1617, MON5: 405, BQT:511
Persian
tarxêneh: a food made with wheat and milk and dried to be eaten later
ترخینه (تلخینه)
ARN:193
تُرد
Indo-European
Turd: hard, strong سخت، محکم
WLD1: 747, IEC:1472
Persian
tord: brittle, stiff تُرد
IEC:1472, MON:1066
Indo-European
Turd: hard, strong
WLD1: 747, IEC:1472
Old Persian
sparda, sfard: stiff, hard
IEC:1472
Persian
?
ترسا رجوع شود به: ترسیدن
ترسیدن
هم: سهمناک
Indo-European
Tres: to tremble لرزیدن
NOTE- May be related to the root "Trep: to tremble"
POK:1095
Avestan
tras: fear
taršta, thrâsa: frightened
KLN:1592, HRN:86, NYB:172
Persian
tarsîdan: to be afraid ترسیدن
tarsâ: afraid (of God), Christian ترسا
BQT:484, FFD:81
تُرش
هم: starve
Indo-European
Ster 3, Sterp, Terp 2: stiff, hard سفت
POK:1022-1025
Pahlavi
turuš: sour (stiff) taste
HRN:86, ARN:195
Persian
torš: sour تُرش
POK:1022, BQT:485, ARN:195



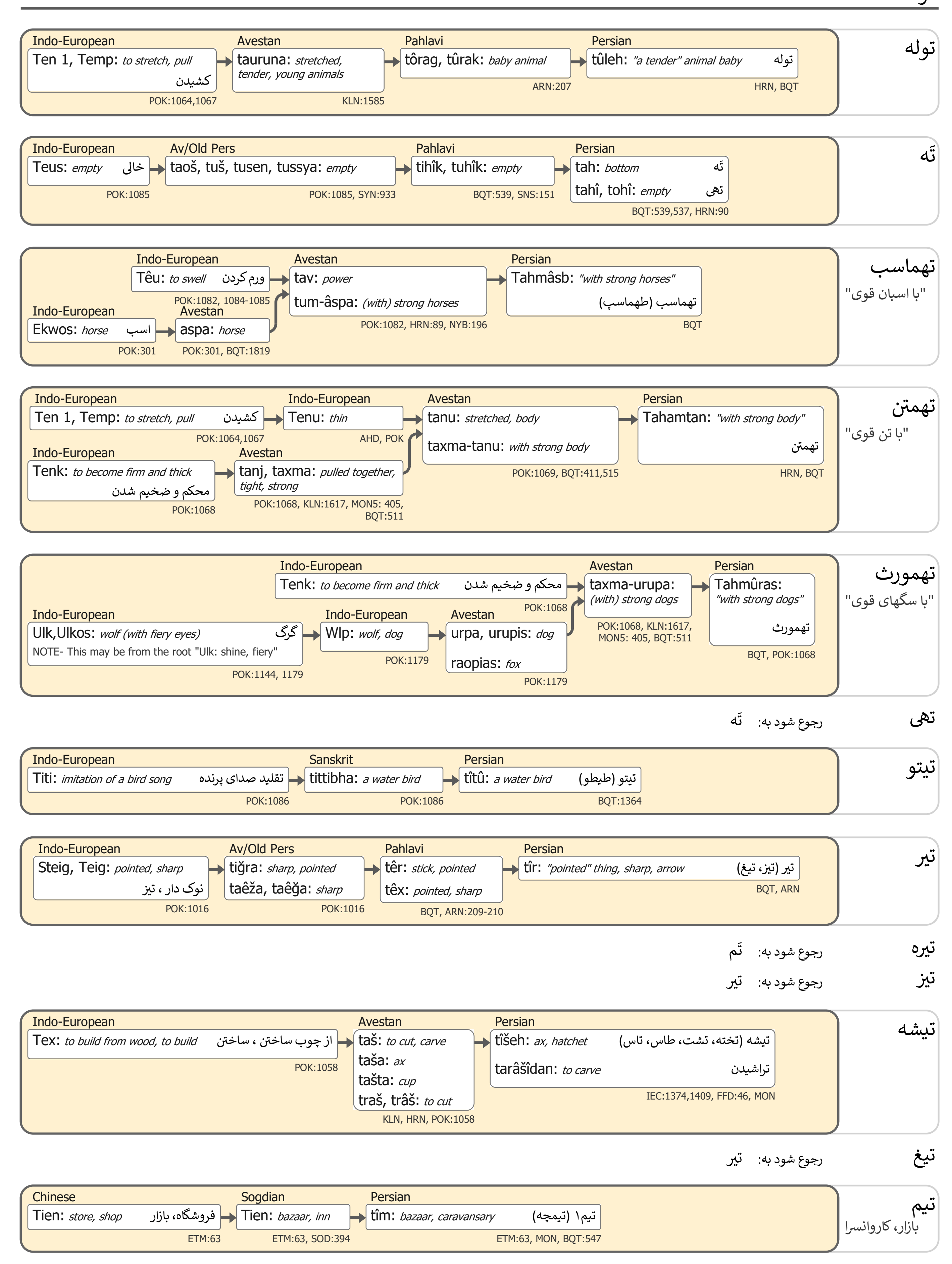
تَرفند
Indo-European
Terp 1: to lie, steal دزدیدن، دروغ گفتن
POK:1077, EIV:383
Avestan
trap: to steal
POK:1077, EIV:383
Pahlavi
turftag: stolen
EIV:383
Persian
tarfand: lie, fraud ترفند، تروند
EIV:383
ترکش رجوع شود به: کیش۲
ترنج رجوع شود به: ترنجیدن
تَرنجیدن
چروکیدن
Indo-European
Trenk, Thranč: to compress فشردن
POK:1093, EIV:395
Avestan
Thranc: to compress
traxtanam: pressed together
POK:1092, KLN:1612, EIV:395
Greek
taranjîdan: to compress, to wrinkle تَرنجیدن
toranj: bergamot تُرنج
MON, EIV:395
تروند رجوع شود به: تَرفند
تره
هم: thorn
Indo-European
Ster 3, Sterp, Terp 2: stiff, hard
سفت
POK:1022-1025
Indo-European
Stern: stiff, stiff grass
درشت، اشاره به گیاهانی گسترده که شبیه چمن باشند ولی درشت تر. بعضی از مشتقات اروپایی این ریشه به معنی خار میباشد.
POK:1031
Pahlavi
tarak
ARN:196
Persian
tareh: leek تَره
ARN:196
ترهّات
سخنان بیهوده
Indo-European
Ret: to roll, run
قلتیدن، دویدن
POK:866
Avestan
rad: to run
POK:866, ARN:302
Pahlavi
râs: path, way
BQT:934
Persian
râh: way, manner راه (رَه)
râygân: "found on the road", free
رایگان
râheb: one who watches his manners, monk
راهب (راه بان)
HUB:66, BQT:984, PLA:133, FFD:56
Arabic
torrahat : minor paths
TAD:17
Persian
torrahât: worthless things تُرّهات
نخوت و دعوی و کبر و تُرّهات
دور کن از دل که تا یابی نجات (مولوی)
MON:1074
. ترین رجوع شود به: . تر۱
تَزَر رجوع شود به: تَجَر
تزویر
هم: زور۳
Indo-European
Ghuel: crooked, bent ناصاف، خمیده
POK:489
Av/Old Pers
zûrah: lie, cheat
POK:489
Pahlavi
zûr: not true
Arabic
zûr: lie
ETM:67, VDQ:240
Persian
tazvîr: pretense تزویر
ETM:67
تشت رجوع شود به: تیشه
تشنه
هم: thirsty
Indo-European
Ters: dry, to dry خشک کردن
POK:1078
Avestan
taršu: dry
taršna: thirst
POK:1078, KLN:1592
Pahlavi
tišn: thirst
tišnak: thirsty
Persian
tešneh: thirsty تشنه
BQT:499
تُف
هم: spit
Indo-European
Spyeu: to spit تف کردن
POK:1000
Avestan
spâma: to spit
ARN:198
Pahlavi
tûfek: spit
ARN:198
Persian
tof: spit تُف
tofang: "spitter", gun تفنگ
POK:1000, BQT:502
تفت رجوع شود به: تب
تفنگ رجوع شود به: تُف
تکاپو رجوع شود به: پو
تَکَدّی رجوع شود به: گدا
تکیدن رجوع شود به: تاختن
تم
Indo-European
Tem: dark تاریک
POK:1063
Avestan
temah: darkness
POK:1063
Persian
tam: dark تَم (تار، تاریک، تیره)
BQT:456,511,544
تمدّن رجوع شود به: دین۲

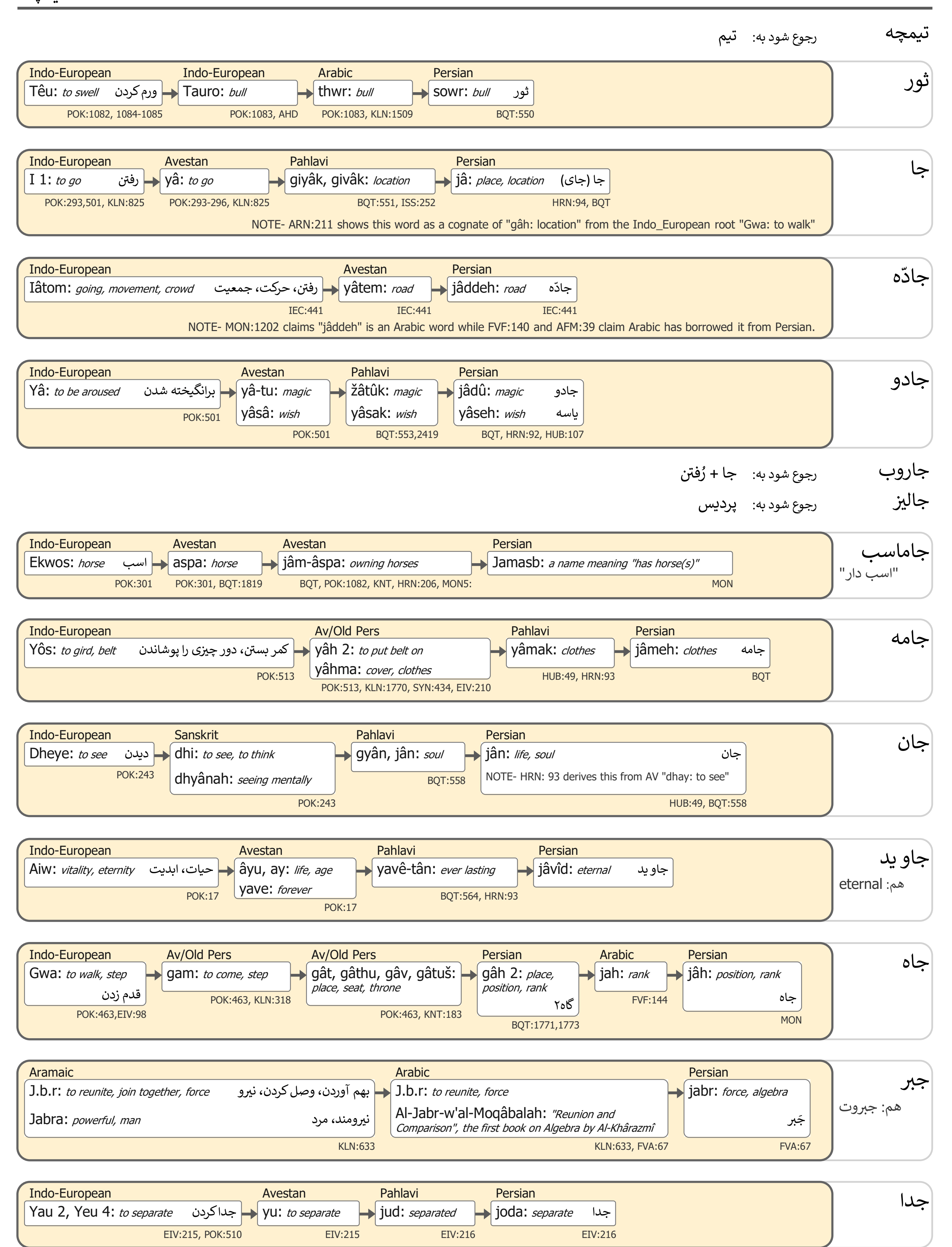


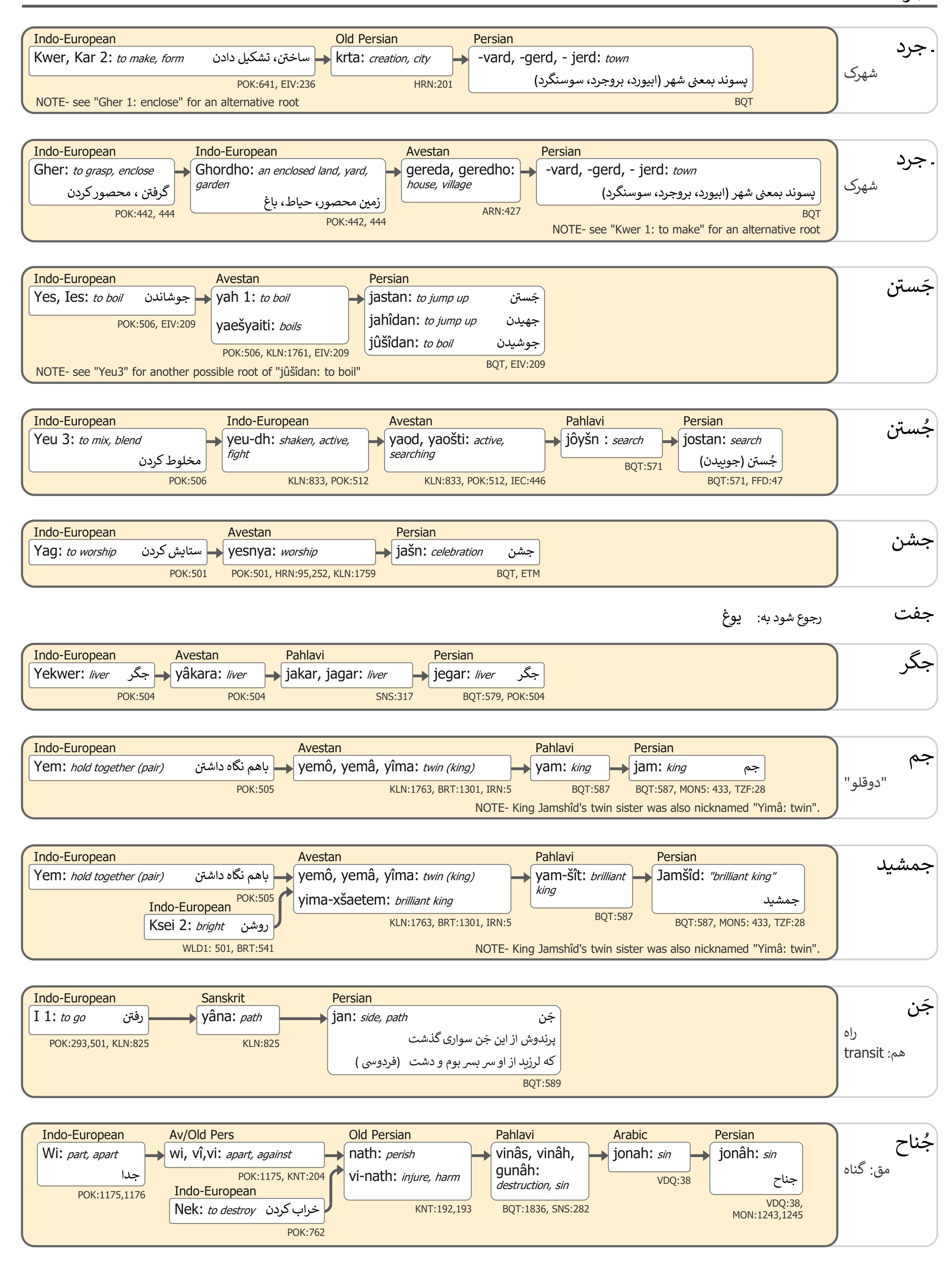
تلخینه
رجوع شود به: ترخینه
تَن
هم: تهمتن
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Indo-European
Tenu: thin
AHD, POK
Avestan
tanu: stretched, body
POK:1069, BQT:411,515
Persian
tan: "stretched" body تَن
HRN, BQT
تنباکو
Caribbean
Tabaco: a pipe for smoking, roll of tobacco leaves برگ توتون که برای دود کردن لوله میکردند
KLN:1623
Persian
tanbâkû: tobacco تنباکو (تمباکو)
MON:1147
تنبک
Indo-European
Dumb: tail دُم
POK:227
Avestan
duma: tail
POK:227, HRN:128
Persian
donbak, tonbak: a long tailed drum دنبک، تنبک
MON:1563
تنبور
Pahlavi
Tabûrâk: a drum طبل
MON:1025
Persian
tabûrâk: a kind of drum تبوراک (تبیر)
پس تبیری دید نزدیک درخت
هرگهی بانگی بجستی تند و سخت (رودکی)
MON:1025
Arabic
tanbûr: drum, also a type of stringed instrument
AHD:1313
Persian
tanbûr: a stringed musical instrument
تنبور (طنبور)
MON
تنجیدن
رجوع شود به: تَنگ
تُند
رجوع شود به: توان
تُندر
هم: thunder
Indo-European
Ten 2: to thunder رعد کردن
POK:1021
Parthian
tndwr: thunder
POK:1021
Persian
tondar: thunder تُندر
BQT:517, KLN:1613
تندیس
رجوع شود به: تن + دیس
تنش
رجوع شود به: تَنیدن
تُنُک
هم: thin
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Indo-European
Tenu: thin
AHD, POK
Sanskrit
tanuka: thin, soft
POK:1069
Persian
tonok: thin, little تُنُک
tonekeh: underwear from thin soft cloth تُنکه
HRN, BQT, MON
NOTE- See root "Kitu: cotton clothing" for another possible root of "tonekeh"
تُنکه
Akkadian
Kitu: cotton clothing لباس کتان
BQT:1594
Hebrew
kuttoneth: cotton clothing
KLN:1664
Aramaic
kittunâ
KLN:1664
Latin
tunica: cotton clothing, tunic
KLN:1664
Persian
tonekeh: underwear تُنکه
MON:1154
NOTE- tonekeh is probably from "tonok: thin, soft". See root "Ten 1".
تَنگ
هم: رستم
Indo-European
Tenk: to become firm and thick محکم و ضخیم شدن
POK:1068
Avestan
tanj, taxma: pulled together, tight, strong
POK:1068, KLN:1617, MON5: 405, BQT:511
Persian
tang: tight تَنگ
tanjîdan: to squeeze تنجیدن
BQT, POK:1068
NOTE- BQT:516 and HUB claim "tanjîdan" is from Sanskrit "tanj, tanc" that is, ultimately, from the same root.
تنور
Indo-European
Tanûr: fire, oven آتش، تنور
NOTE- TAD:18 derives it from the Arabic root "N.w.r: light, fire". FVQ: 92 claims it is a word from the pre-Indo-European and pre-Semitic tribes.
FVQ:92-94
Avestan
tanûra: oven
FVQ:94, BQT:523
Pahlavi
tanûr: oven
NOTE- Henning (MPP: 88) gives "tnwr" as a Parthian form.
FVQ:94
Persian
tanûr: oven تنور
BQT:523
تَنیدن
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Indo-European
Tenu: thin
AHD, POK
Avestan
tanu: stretched, body
POK:1069, BQT:411,515
Persian
tanîdan: to stretch, pull تَنیدن (تنش)
HRN, BQT



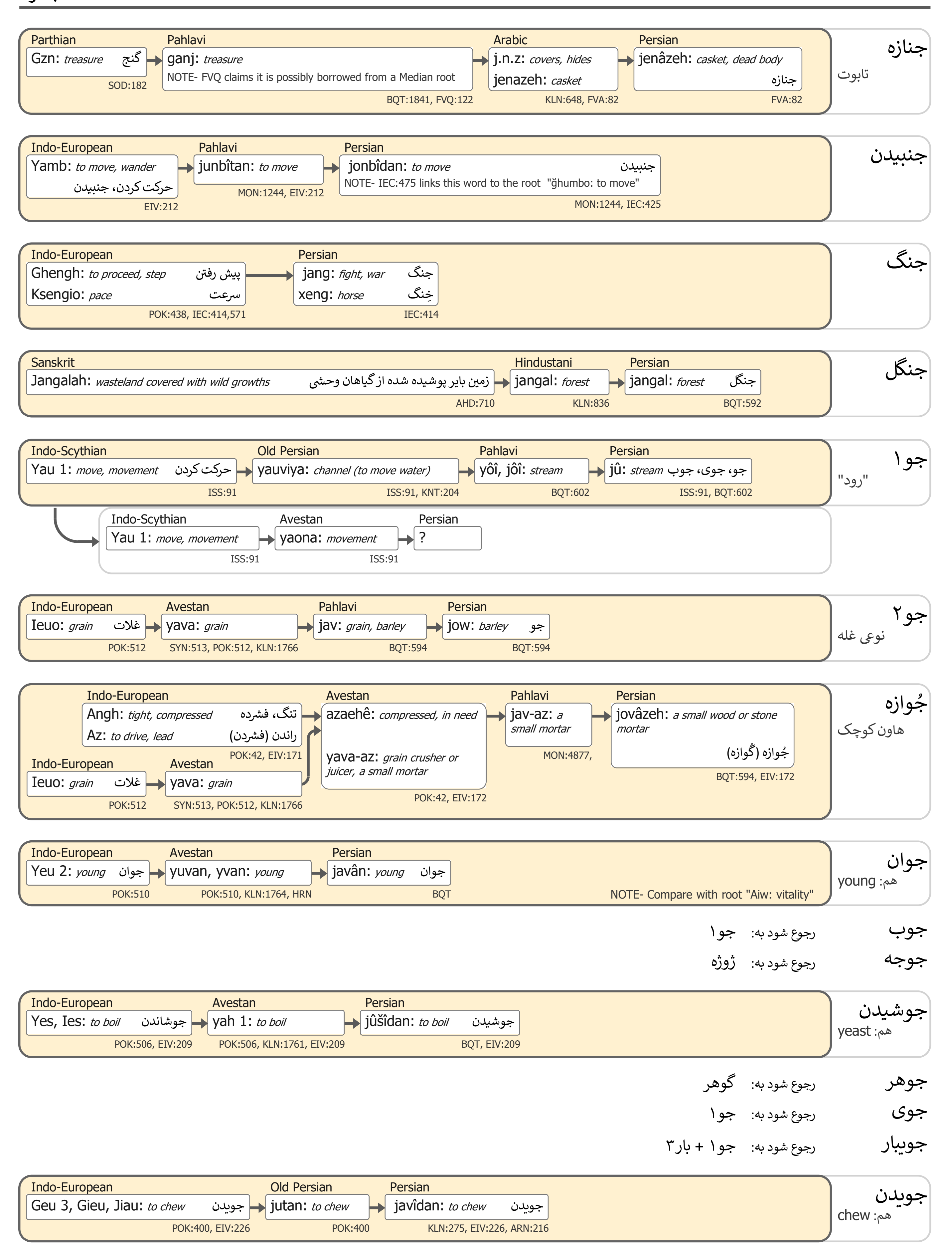
تو۱
شما
Indo-European
Tu: you شما
POK:1097
Av/Old Pers
taiy, tû, tûm, tuvam, tava, tvâm: you
POK:1097, BQT:525
Persian
to: you تو۱
BQT:525
تو۲
داخل
Indo-European
Teub: side طرف
IEC:1371,1676
Persian
tû: fold, plait, inside تو۲
IEC:1371,1676, MON:1158
توان
Indo-European
Têu: to swell ورم کردن
POK:1082, 1084-1085
Avestan
tav: power
tavant: fast, quick
POK:1082, HRN:89, NYB:196
Pahlavi
tuwân: power
ARN:206
Persian
tavân: power توان
tond: fast تُند
BQT
توبره
Indo-European
Têu: to swell ورم کردن
POK:1082, 1084-1085
Persian
tûbreh: bag توبره
IEC:1450,1458
توپ
Indo-European
Stewe: to cluster, condense جمع کردن، فشرده
POK:1035
Sanskrit
stupa: a round mass, ball
POK:1035, AHD
Turkish
top, tob: ball, cannon ball
HJB:933
Persian
tûp: ball, cannon توپ
HJB:933, BQT:526
توختن
پرداختن
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up
روی هم ریختن یا چیدن
POK:637,EIV
Avestan
kay 2, kaeš, čay, či 1: to prepare
POK:637,638
Avestan
taug, taux: to pay
HRN:90, FFD:47
Pahlavi
tôxtan: to pay
HRN:90, FFD:47
Persian
tozîdan: to pay توزیدن (توختن، توز، کینه توز)
چو وامش بتوزی درم صد هزار
بده تا بدارد زما یادگار (فردوسی)
HRN:90, FFD:47
توده
Indo-European
Gwou: cow, ox, bull گاو
KLN:364, POK:483
Indo-European
Gwôu: dung
AHD:1520, POK:483
Avestan
gutha: dung
POK:484, HRN:211
Persian
tûdeh: pile, heap توده
BQT, HRN:211
NOTE- ARN:207 shows "tûdeh: pile, heap" from the Indo_European root "Têu: to swell"
توده
Indo-European
Têu: to swell ورم کردن
POK:1082, 1084-1085
Persian
tudeh: mass, crowd توده
ARN:207
NOTE- see "Gwou: cow, bull" for another suggested root for this word
توره
شغال
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
tauruna: stretched, tender, young animals
KLN:1585
Persian
tûrah: jackal توره
تنها من و یک شهر پر از خصم و تو با من
شیری و یکی دشت پراز روبه و توره (قطران تبریزی)
HRN, BQT
توریدن
رمیدن
هم: turn
Indo-European
Tuer, Tur: to hurry, hasten عجله کردن
POK:1100, EIV:300
Pahlavi
ni-har-: to hurry
EIV:399
Persian
turîdan: to run away in fear توریدن
MON, EIV:399, ARN:196
توزیدن
رجوع شود به: توختن
تولف
راضی
Indo-European
Trp: to satisfy راضی کردن
POK:1077, KLN:1592
Avestan
thrafza, thrafda: satisfied
tarep: to steal
POK:1077, KLN:1592
Persian
tulf: fully satisfied (obsolete) تولف
POK:1077
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
Indo-European
Trp: to satisfy راضی کردن
POK:1077, KLN:1592
Avestan
thrafza, thrafda: satisfied
tarep: to steal
POK:1077, KLN:1592
Pahlavi
tirft: theft
POK:1077
Persian
?


توله
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull
کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
tauruna: stretched, tender, young animals
KLN:1585
Pahlavi
tôrag, tûrak: baby animal
ARN:207
Persian
tûleh: "a tender" animal baby
توله
HRN, BQT
تَه
Indo-European
Teus: empty
خالی
POK:1085
Av/Old Pers
taoš, tuš, tusen, tussya: empty
POK:1085, SYN:933
Pahlavi
tihîk, tuhîk: empty
BQT:539, SNS:151
Persian
tah: bottom
تَه
tahî, tohî: empty
تهی
BQT:539,537, HRN:90
تهماسب
"با اسبان قوی"
Indo-European
Têu: to swell
ورم کردن
POK:1082, 1084-1085
Indo-European
Ekwos: horse
اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
Avestan
tav: power
tum-âspa: (with) strong horses
POK:1082, HRN:89, NYB:196
Persian
Tahmâsb: "with strong horses"
تهماسب (طهماسپ)
BQT
تهمتن
"با تن قوی"
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull
کشیدن
POK:1064,1067
Indo-European
Tenu: thin
AHD, POK
Indo-European
Tenk: to become firm and thick
محکم و ضخیم شدن
POK:1068
Avestan
tanj, taxma: pulled together, tight, strong
POK:1068, KLN:1617, MON5: 405, BQT:511
Avestan
tanu: stretched, body
taxma-tanu: with strong body
POK:1069, BQT:411,515
Persian
Tahamtan: "with strong body"
تهمتن
HRN, BQT
تهمورث
"با سگهای قوی"
Indo-European
Tenk: to become firm and thick
محکم و ضخیم شدن
POK:1068
Indo-European
Ulk,Ulkos: wolf (with fiery eyes)
گرگ
NOTE- This may be from the root "Ulk: shine, fiery"
POK:1144, 1179
Indo-European
Wlp: wolf, dog
POK:1179
Avestan
urpa, urupis: dog
raopias: fox
POK:1179
Avestan
taxma-urupa: (with) strong dogs
POK:1068, KLN:1617, MON5: 405, BQT:511
Persian
Tahmûras: "with strong dogs"
تهمورث
BQT, POK:1068
تهی
رجوع شود به: تَه
تیتو
Indo-European
Titi: imitation of a bird song
تقلید صدای پرنده
POK:1086
Sanskrit
tittibha: a water bird
POK:1086
Persian
tîtû: a water bird
تیتو (طیطو)
BQT:1364
تیر
Indo-European
Steig, Teig: pointed, sharp
نوک دار ، تیز
POK:1016
Av/Old Pers
tiğra: sharp, pointed
taêža, taêğa: sharp
POK:1016
Pahlavi
têr: stick, pointed
têx: pointed, sharp
BQT, ARN:209-210
Persian
tîr: "pointed" thing, sharp, arrow
تیر (تیز، تیغ)
BQT, ARN
تیره
رجوع شود به: تَم
تیز
رجوع شود به: تیر
تیشه
Indo-European
Tex: to build from wood, to build
از چوب ساختن ، ساختن
POK:1058
Avestan
taš: to cut, carve
taša: ax
tašta: cup
traš, trâš: to cut
KLN, HRN, POK:1058
Persian
tîšeh: ax, hatchet
تیشه (تخته، تشت، طاس، تاس)
tarâšîdan: to carve
تراشیدن
IEC:1374,1409, FFD:46, MON
تیغ
رجوع شود به: تیر
تیم
بازار، کاروانسرا
Chinese
Tien: store, shop
فروشگاه، بازار
ETM:63
Sogdian
Tien: bazaar, inn
ETM:63, SOD:394
Persian
tîm: bazaar, caravansary
تیم۱ (تیمچه)
ETM:63, MON, BQT:547


تیمچه
رجوع شود به: تیم
ثور
Indo-European
Têu: to swell ورم کردن
POK:1082, 1084-1085
Indo-European
Tauro: bull
POK:1083, AHD
Arabic
thwr: bull
POK:1083, KLN:1509
Persian
sowr: bull ثور
BQT:550
جا
Indo-European
I 1: to go رفتن
POK:293,501, KLN:825
Avestan
yâ: to go
POK:293-296, KLN:825
Pahlavi
giyâk, givâk: location
BQT:551, ISS:252
Persian
jâ: place, location جا (جای)
HRN:94, BQT
NOTE- ARN:211 shows this word as a cognate of "gâh: location" from the Indo_European root "Gwa: to walk"
جادّه
Indo-European
Iâtom: going, movement, crowd رفتن، حرکت، جمعیت
IEC:441
Avestan
yâtem: road
IEC:441
Persian
jâddeh: road جادّه
IEC:441
NOTE- MON:1202 claims "jâddeh" is an Arabic word while FVF:140 and AFM:39 claim Arabic has borrowed it from Persian.
جادو
Indo-European
Yâ: to be aroused برانگیخته شدن
POK:501
Avestan
yâ-tu: magic
yâsâ: wish
POK:501
Pahlavi
žâtûk: magic
yâsak: wish
BQT:553,2419
Persian
jâdû: magic جادو
yâseh: wish یاسه
BQT, HRN:92, HUB:107
جاروب
رجوع شود به: جا + رُفتن
جالیز
رجوع شود به: پردیس
جاماسب
"اسب دار"
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
Avestan
jâm-âspa: owning horses
BQT, POK:1082, KNT, HRN:206, MON5:
Persian
Jamasb: a name meaning "has horse(s)"
MON
جامه
Indo-European
Yôs: to gird, belt کمر بستن، دور چیزی را پوشاندن
POK:513
Av/Old Pers
yâh 2: to put belt on
yâhma: cover, clothes
POK:513, KLN:1770, SYN:434, EIV:210
Pahlavi
yâmak: clothes
HUB:49, HRN:93
Persian
jâmeh: clothes جامه
BQT
جان
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Sanskrit
dhi: to see, to think
dhyânah: seeing mentally
POK:243
Pahlavi
gyân, jân: soul
BQT:558
Persian
jân: life, soul جان
NOTE- HRN: 93 derives this from AV "dhay: to see"
HUB:49, BQT:558
جاوید
هم: eternal
Indo-European
Aiw: vitality, eternity حیات، ابدیت
POK:17
Avestan
âyu, ay: life, age
yave: forever
POK:17
Pahlavi
yavê-tân: ever lasting
BQT:564, HRN:93
Persian
jâvîd: eternal جاوید
جاه
Indo-European
Gwa: to walk, step
قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
POK:463, KLN:318
Av/Old Pers
gât, gâthu, gâv, gâtuš:
place, seat, throne
POK:463, KNT:183
Persian
gâh 2: place, position, rank
گاه۲
BQT:1771,1773
Arabic
jah: rank
FVF:144
Persian
jâh: position, rank
جاه
MON
جبر
هم: جبروت
Aramaic
J.b.r: to reunite, join together, force بهم آوردن، وصل کردن، نیرو
Jabra: powerful, man نیرومند، مرد
KLN:633
Arabic
J.b.r: to reunite, force
Al-Jabr-w'al-Moqâbalah: "Reunion and Comparison", the first book on Algebra by Al-Khârazmî
KLN:633, FVA:67
Persian
jabr: force, algebra
جَبر
FVA:67
جدا
Indo-European
Yau 2, Yeu 4: to separate جدا کردن
EIV:215, POK:510
Avestan
yu: to separate
EIV:215
Pahlavi
jud: separated
EIV:216
Persian
joda: separate جدا
EIV:216



جرد .
شهرک
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Old Persian
krta: creation, city
HRN:201
Persian
-vard, -gerd, - jerd: town
پسوند بمعنی شهر (ابیورد، بروجرد، سوسنگرد)
BQT
NOTE- see "Gher 1: enclose" for an alternative root
جرد .
شهرک
Indo-European
Gher: to grasp, enclose
گرفتن ، محصور کردن
POK:442, 444
Indo-European
Ghordho: an enclosed land, yard, garden
زمین محصور، حیاط، باغ
POK:442, 444
Avestan
gereda, geredho: house, village
ARN:427
Persian
-vard, -gerd, - jerd: town
پسوند بمعنی شهر (ابیورد، بروجرد، سوسنگرد)
BQT
NOTE- see "Kwer 1: to make" for an alternative root
جَستن
Indo-European
Yes, Ies: to boil جوشاندن
POK:506, EIV:209
Avestan
yah 1: to boil
yaešyaiti: boils
POK:506, KLN:1761, EIV:209
Persian
jastan: to jump up جَستن
jahîdan: to jump up جهیدن
jûšîdan: to boil جوشیدن
BQT, EIV:209
NOTE- see "Yeu3" for another possible root of "jûšîdan: to boil"
جُستن
Indo-European
Yeu 3: to mix, blend
مخلوط کردن
POK:506
Indo-European
yeu-dh: shaken, active, fight
KLN:833, POK:512
Avestan
yaod, yaošti: active, searching
KLN:833, POK:512, IEC:446
Pahlavi
jôyšn : search
BQT:571
Persian
jostan: search
جُستن (جوییدن)
BQT:571, FFD:47
جشن
Indo-European
Yag: to worship ستایش کردن
POK:501
Avestan
yesnya: worship
POK:501, HRN:95,252, KLN:1759
Persian
jašn: celebration جشن
BQT, ETM
جفت
رجوع شود به: یوغ
جگر
Indo-European
Yekwer: liver جگر
POK:504
Avestan
yâkara: liver
POK:504
Pahlavi
jakar, jagar: liver
SNS:317
Persian
jegar: liver جگر
BQT:579, POK:504
جم
"دوقلو"
Indo-European
Yem: hold together (pair) باهم نگاه داشتن
POK:505
Avestan
yemô, yemâ, yîma: twin (king)
KLN:1763, BRT:1301, IRN:5
Pahlavi
yam: king
BQT:587
Persian
jam: king جم
BQT:587, MON5: 433, TZF:28
NOTE- King Jamshîd's twin sister was also nicknamed "Yimâ: twin".
جمشید
Indo-European
Yem: hold together (pair) باهم نگاه داشتن
POK:505
Indo-European
Ksei 2: bright روشن
WLD1: 501, BRT:541
Avestan
yemô, yemâ, yîma: twin (king)
yima-xšaetem: brilliant king
KLN:1763, BRT:1301, IRN:5
Pahlavi
yam-šît: brilliant king
BQT:587
Persian
Jamšîd: "brilliant king"
جمشید
BQT:587, MON5: 433, TZF:28
NOTE- King Jamshîd's twin sister was also nicknamed "Yimâ: twin".
جَن
راه
هم: transit
Indo-European
I 1: to go رفتن
POK:293,501, KLN:825
Sanskrit
yâna: path
KLN:825
Persian
jan: side, path جَن
پرندوش از این جَن سواری گذشت
که لرزید از او سر بسر بوم و دشت (فردوسی)
BQT:589
جُناح
مق: گناه
Indo-European
Wi: part, apart
جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî,vi: apart, against
POK:1175, KNT:204
Indo-European
Nek: to destroy خراب کردن
POK:762
Old Persian
nath: perish
vi-nath: injure, harm
KNT:192,193
Pahlavi
vinâs, vinâh, gunâh: destruction, sin
BQT:1836, SNS:282
Arabic
jonah: sin
VDQ:38
Persian
jonâh: sin
جناح
VDQ:38, MON:1243,1245



جنازه
تابوت
Parthian
Gzn: treasure گنج
SOD:182
Pahlavi
ganj: treasure
NOTE- FVQ claims it is possibly borrowed from a Median root
BQT:1841, FVQ:122
Arabic
j.n.z: covers, hides
jenazeh: casket
KLN:648, FVA:82
Persian
jenâzeh: casket, dead body
جنازه
FVA:82
جنبیدن
Indo-European
Yamb: to move, wander
حرکت کردن، جنبیدن
EIV:212
Pahlavi
junbîtan: to move
MON:1244, EIV:212
Persian
jonbîdan: to move جنبیدن
NOTE- IEC:475 links this word to the root "ğhumbo: to move"
MON:1244, IEC:425
جنگ
Indo-European
Ghengh: to proceed, step پیش رفتن
Ksengio: pace سرعت
POK:438, IEC:414,571
Persian
jang: fight, war جنگ
xeng: horse خِنگ
IEC:414
جنگل
Sanskrit
Jangalah: wasteland covered with wild growths زمین بایر پوشیده شده از گیاهان وحشی
AHD:710
Hindustani
jangal: forest
KLN:836
Persian
jangal: forest جنگل
BQT:592
جو ۱
"رود"
Indo-Scythian
Yau 1: move, movement حرکت کردن
ISS:91
Old Persian
yauviya: channel (to move water)
ISS:91, KNT:204
Pahlavi
yôî, jôî: stream
BQT:602
Persian
jû: stream جو، جوی، جوب
ISS:91, BQT:602
Indo-Scythian
Yau 1: move, movement
ISS:91
Avestan
yaona: movement
ISS:91
Persian
?
جو ۲
نوعی غله
Indo-European
Ieuo: grain غلات
POK:512
Avestan
yava: grain
SYN:513, POK:512, KLN:1766
Pahlavi
jav: grain, barley
BQT:594
Persian
jow: barley جو
BQT:594
جُوازه
هاون کوچک
Indo-European
Angh: tight, compressed تنگ، فشرده
Az: to drive, lead راندن (فشردن)
POK:42, EIV:171
Indo-European
Ieuo: grain غلات
POK:512
Avestan
yava: grain
SYN:513, POK:512, KLN:1766
Avestan
azaehê: compressed, in need
yava-az: grain crusher or juicer, a small mortar
POK:42, EIV:172
Pahlavi
jav-az: a small mortar
MON:4877,
Persian
jovâzeh: a small wood or stone mortar
جُوازه (گُوازه)
BQT:594, EIV:172
جوان
هم: young
Indo-European
Yeu 2: young جوان
POK:510
Avestan
yuvan, yvan: young
POK:510, KLN:1764, HRN
Persian
javân: young جوان
BQT
NOTE- Compare with root "Aiw: vitality"
جوب رجوع شود به: جو۱
جوجه رجوع شود به: ژوژه
جوشیدن
هم: yeast
Indo-European
Yes, Ies: to boil جوشاندن
POK:506, EIV:209
Avestan
yah 1: to boil
POK:506, KLN:1761, EIV:209
Persian
jûšîdan: to boil جوشیدن
BQT, EIV:209
جوهر رجوع شود به: گوهر
جوی رجوع شود به: جو۱
جویبار رجوع شود به: جو۱ + بار۳
جویدن
هم: chew
Indo-European
Geu 3, Gieu, Jiau: to chew جویدن
POK:400, EIV:226
Old Persian
jutan: to chew
POK:400
Persian
javîdan: to chew جویدن
KLN:275, EIV:226, ARN:216

جوییدن — رجوع شود به: جُستن

جهان — رجوع شود به: گیتی

جهیدن — رجوع شود به: جَستن

جیوه — رجوع شود به: زیستن

چابک
هم: trepid

Indo-European: Trep: *to tremble, be restless* لرزیدن، بیقرار بودن (POK:1094) → Old Iranian: thrapu: *restless, quick* (BQT:1083) → Old Persian: čapu-ka: *restless, quick* (BQT:1083) → Pahlavi: čâpûk: *swift*; sapûk: *light, swift* (BQT:607, 1083) → Persian: čâbok: *swift* چابک (سبُک) (BQT:607, 1083)

NOTE- May be related to the root "Tres: to tremble"

چاپیدن

Indo-European: Ĉap 1: *to seize, strike* چنگ زدن، گرفتن (EIV:33) → Persian: čâpîdan: *to plunder* چاپیدن (EIV:33)

چادر

Indo-European: Sked,Ŝâd: *to cover* پوشاندن (POK:919, EIV:341) → Pahlavi: čâdur: *sheet, veil*; a-sâyag: *shelter* (EIV:341) → Persian: čâdor: *veil* چادر; čatr: *umbrella* چتر; آسایش ؟ (BQT, EIV:341)

Indo-European: Sked,Ŝâd: *to cover* (POK:919, EIV:341) → Avestan: sâdayantî: *an article of clothing* (POK:919) → Persian: ?

چاره
مق: وچر

Indo-European: Kwer, Kar 2: *to make, form* ساختن، تشکیل دادن (POK:641, EIV:236) → Avestan: čâra: *to mediate* (POK:641, BQT:1813) → Persian: čâreh: *choice, solution* چاره (BQT, HRN)

چاشت — رجوع شود به: چشیدن

چاشنی — رجوع شود به: چشیدن

چاقو

Indo-European: Keku: *club* گرز، چکش (WLD1: 381, POK:543, IEC:1390) → Avestan: kakuš, čakuš: *ax* (POK:543) → Pahlavi: cakôč: *ax* (BQT:613) → Persian: čakkoš: *hammer* چکش; čâqû: *knife* چاقو (POK:543, SYN:597, BRT:575, MON:1268, IEC:1390)

NOTE- IEC links "čakkoš" to "čowgân". See root "Ĉop: wood"

Indo-European: Keku: *club* (WLD1: 381, POK:543, IEC:1390) → Old Persian: queke: *club, staff* (POK:543) → Persian: ?

چاک

Indo-European: Ĉak, Ĉag: *to strike, hit* ضربه زدن، دریدن (EIV:31) → Persian: čâk: *rupture, crack* چاک (EIV:31)

چال — رجوع شود به: چلیدن

چالاک — رجوع شود به: چلیدن

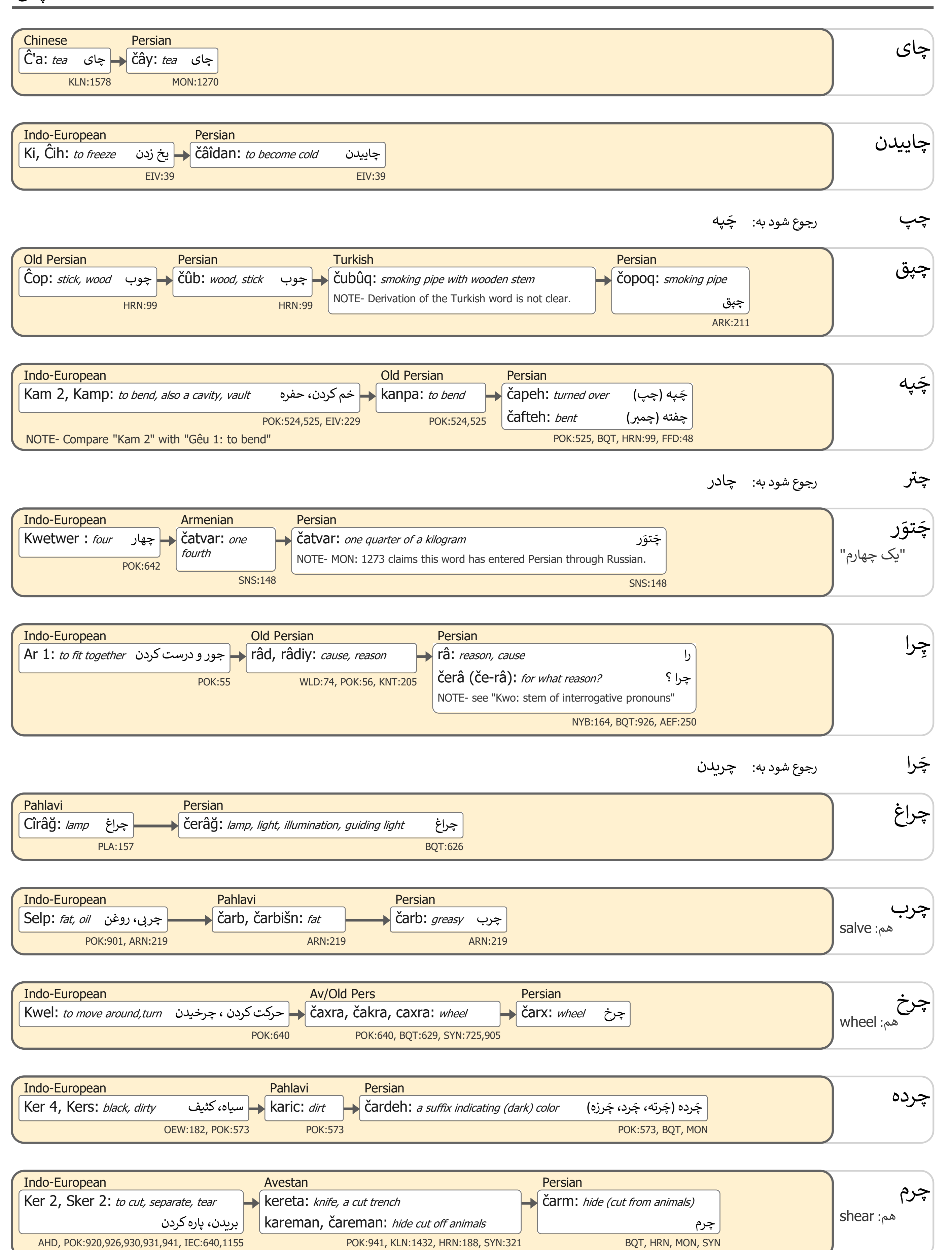
چالش — رجوع شود به: چلیدن

چانه
هم: chin

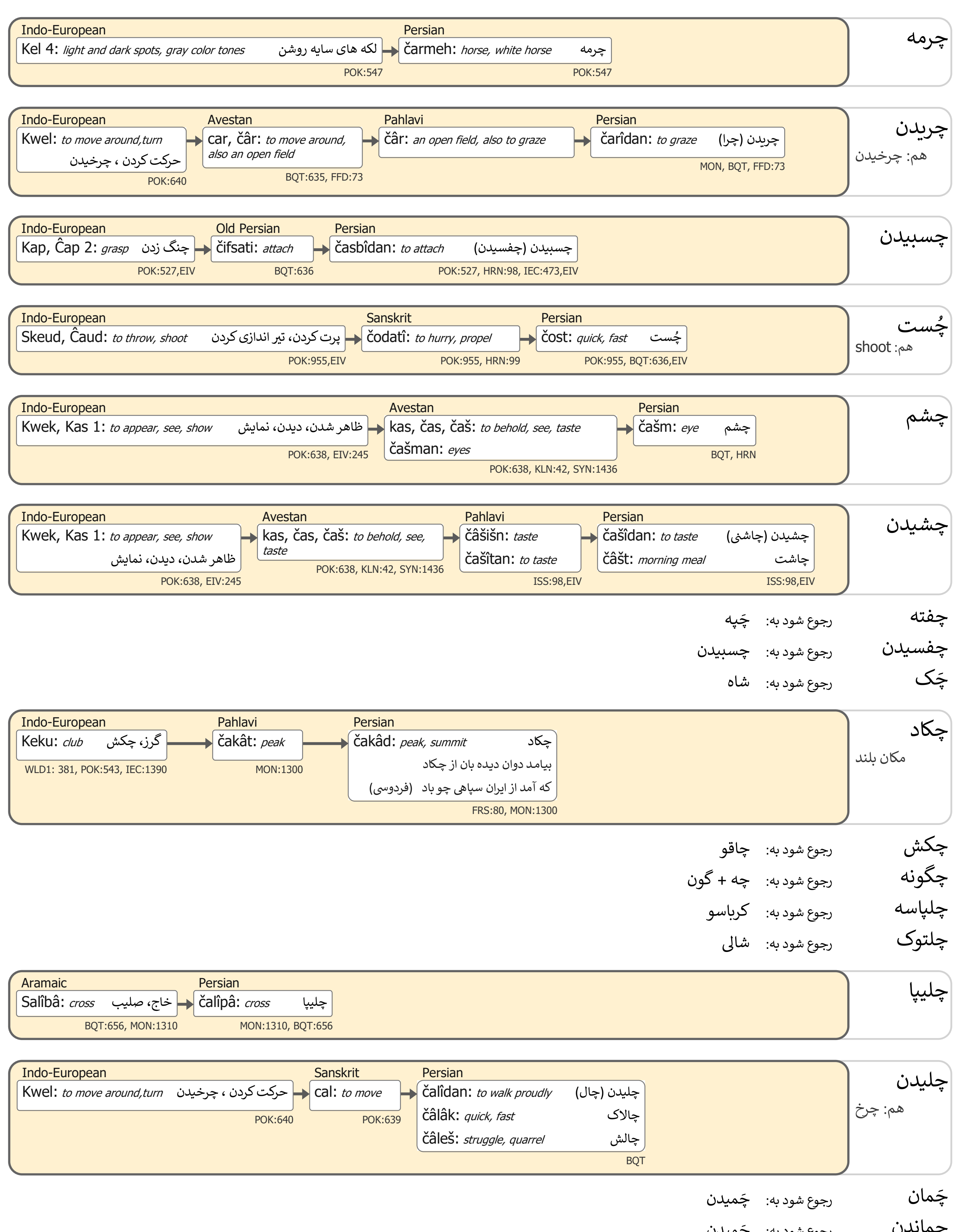
Indo-European: Genu 2: *chin, jaw bone* چانه، استخوان فک (POK:381) → Avestan: zânu, zanva: *chin* (POK:381, SYN:221) → Persian: zanax: *chin* زنخ (زنخدان); čâneh: *chin* چانه (SYN:221, BQT:1036, HRN:148, ARN:218)

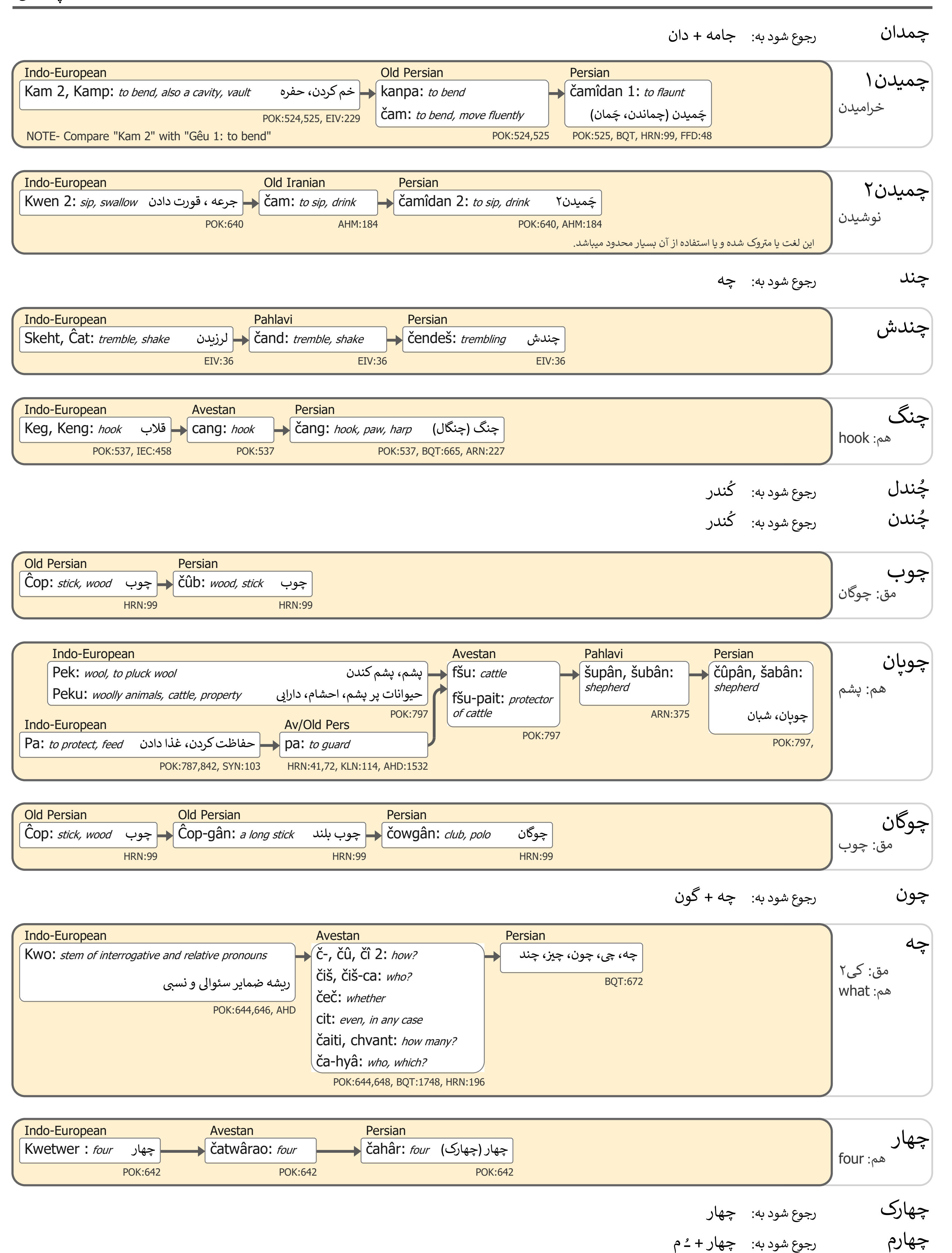
چاه

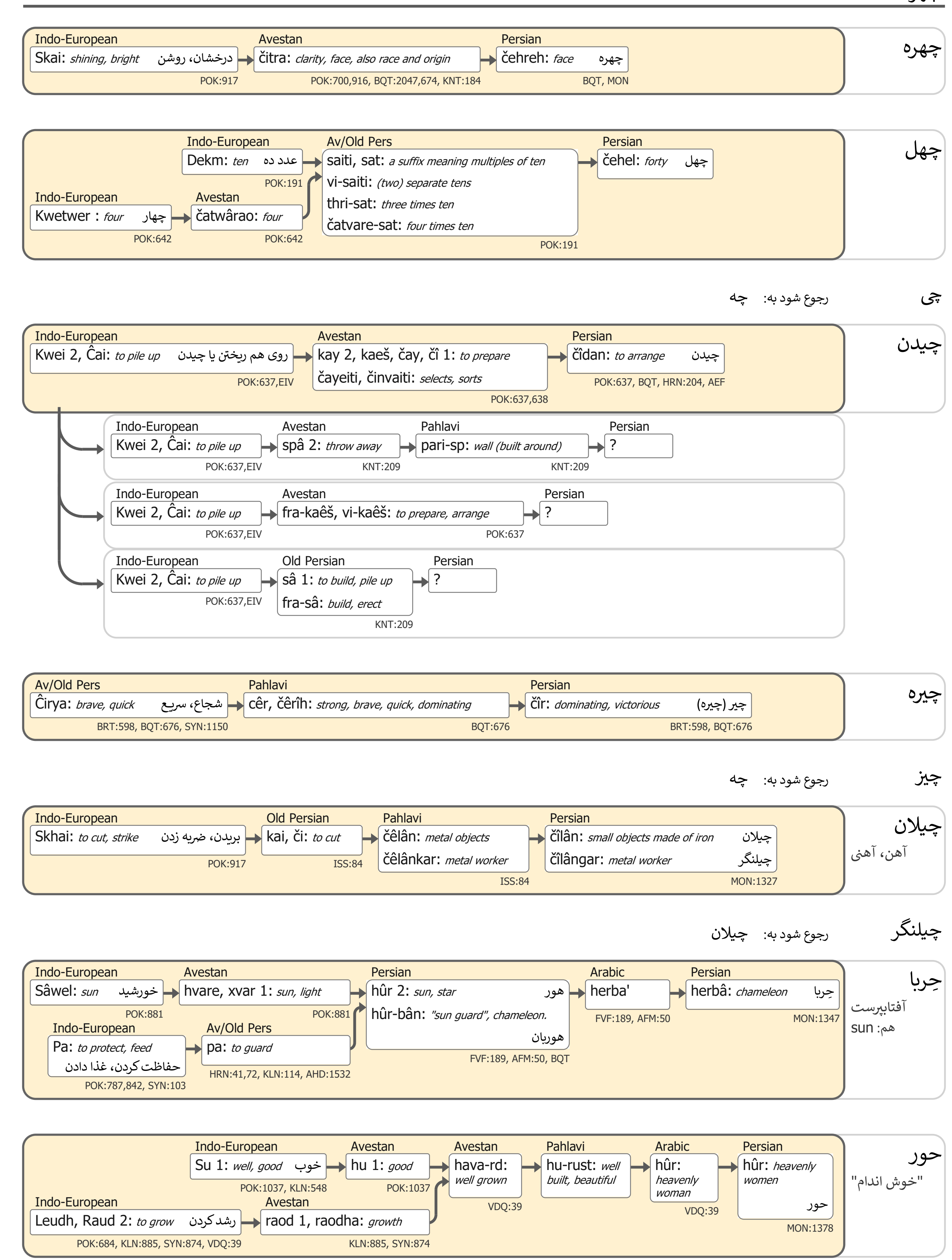
Indo-European: Ken 2, Gwhen 3: *to dig* کندن (EIV:232, POK:534) → Av/Old Pers: kan 1, xan, gan: *to dig dirt out and mound it up, build*; čât: *well* (POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49) → Pahlavi: kantan, xandan: *to dig*; xânîg: *spring, water pond*; čâh: *well* (HRN:194, BQT:1707, SNS:8,155) → Persian: xânî: *spring, water pond* خانی; čâh: *water well* چاه (BQT, SYN:46, MON:1395)

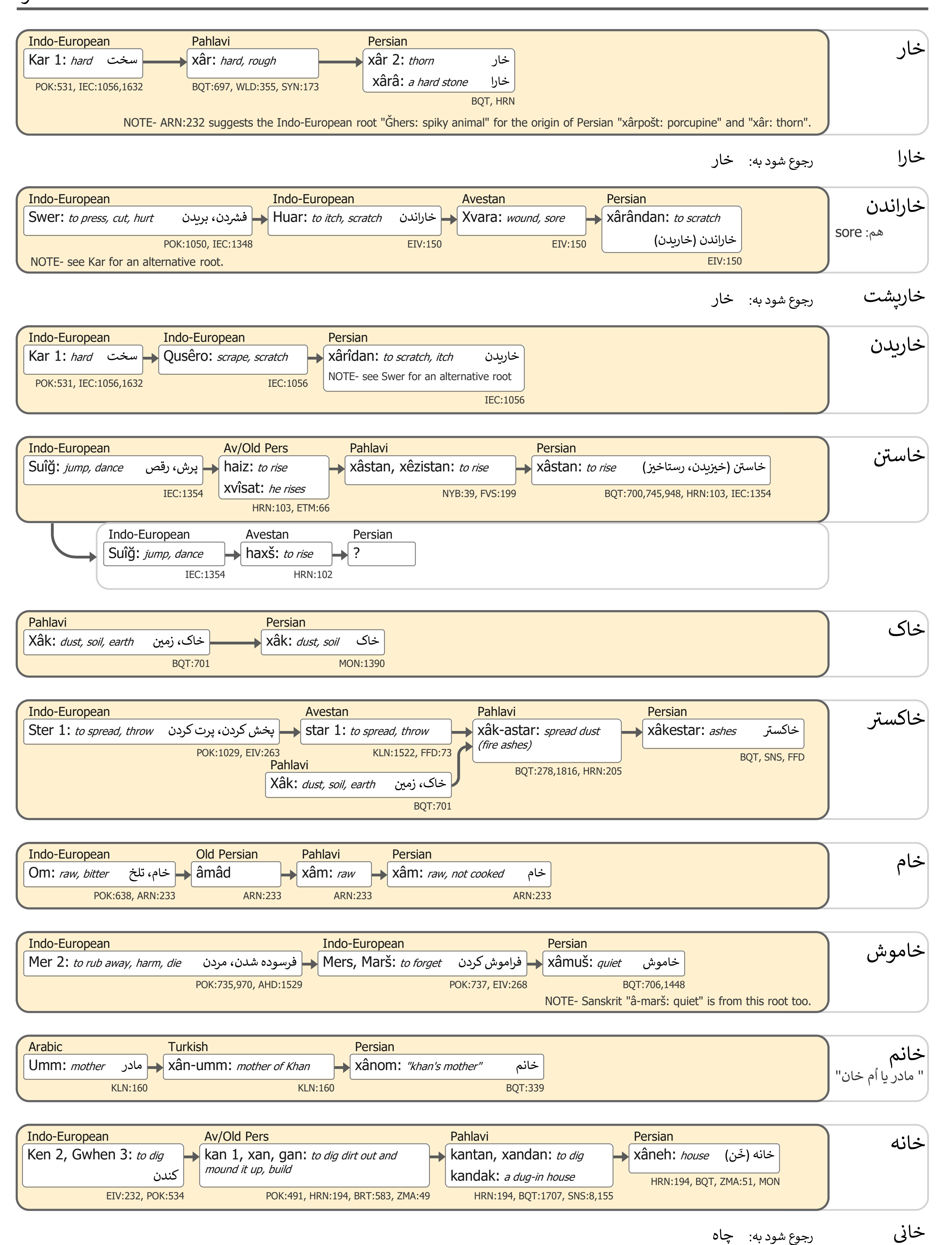


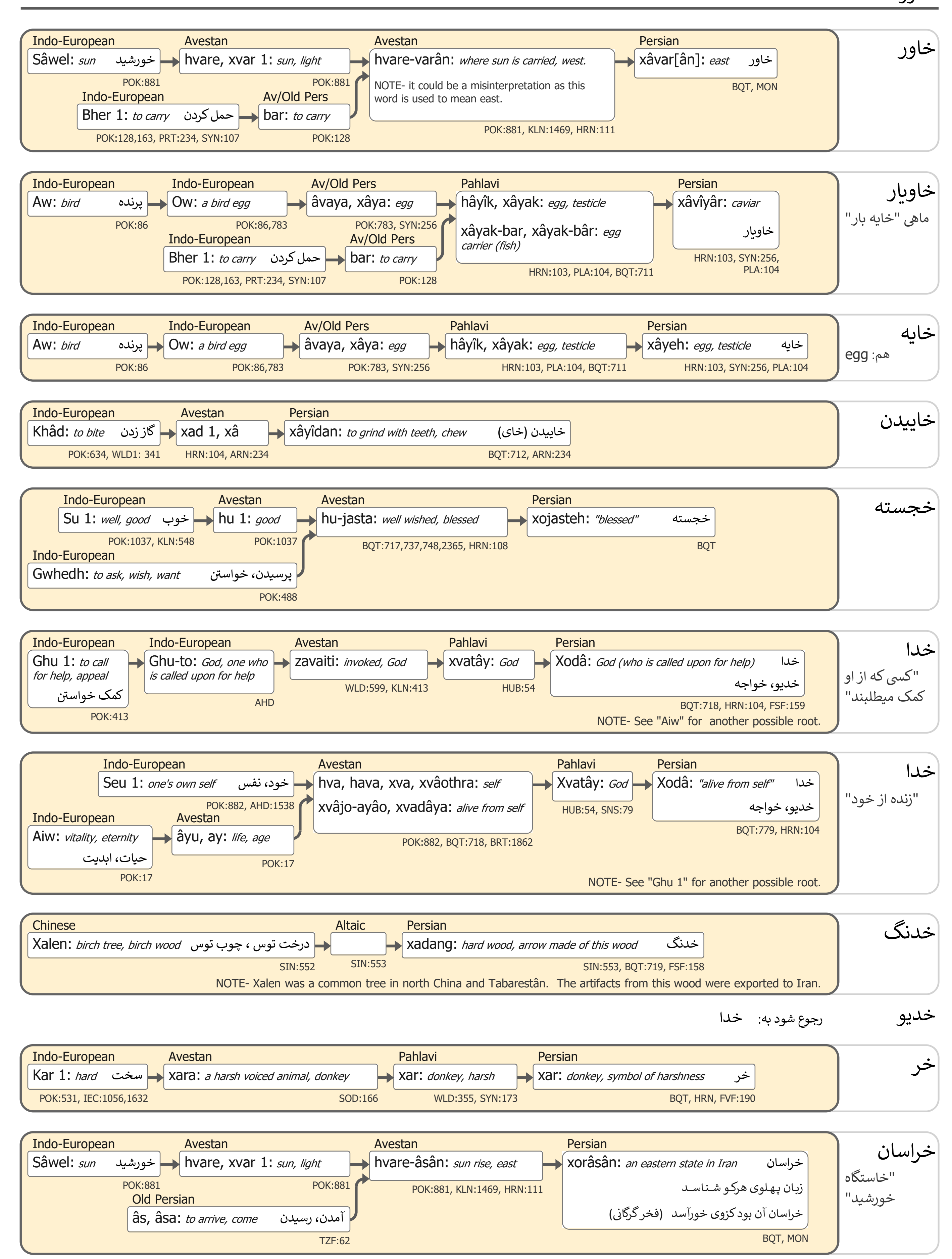
چای
Chinese
Ĉ'a: tea چای
KLN:1578
Persian
čây: tea چای
MON:1270
چاییدن
Indo-European
Ki, Ĉih: to freeze یخ زدن
EIV:39
Persian
čâîdan: to become cold چاییدن
EIV:39
چپ رجوع شود به: چَپه
چپق
Old Persian
Ĉop: stick, wood چوب
HRN:99
Persian
čûb: wood, stick چوب
HRN:99
Turkish
čubûq: smoking pipe with wooden stem
NOTE- Derivation of the Turkish word is not clear.
Persian
čopoq: smoking pipe
چپق
ARK:211
چَپه
Indo-European
Kam 2, Kamp: to bend, also a cavity, vault خم کردن، حفره
POK:524,525, EIV:229
Old Persian
kanpa: to bend
POK:524,525
Persian
čapeh: turned over چَپه (چپ)
čafteh: bent چفته (چمبر)
POK:525, BQT, HRN:99, FFD:48
NOTE- Compare "Kam 2" with "Gêu 1: to bend"
چتر رجوع شود به: چادر
چَتوَر
"یک چهارم"
Indo-European
Kwetwer : four چهار
POK:642
Armenian
čatvar: one fourth
SNS:148
Persian
čatvar: one quarter of a kilogram چَتوَر
NOTE- MON: 1273 claims this word has entered Persian through Russian.
SNS:148
چِرا
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Old Persian
râd, râdiy: cause, reason
WLD:74, POK:56, KNT:205
Persian
râ: reason, cause را
čerâ (če-râ): for what reason? چرا ؟
NOTE- see "Kwo: stem of interrogative pronouns"
NYB:164, BQT:926, AEF:250
چَرا رجوع شود به: چریدن
چراغ
Pahlavi
Cîrâğ: lamp چراغ
PLA:157
Persian
čerâğ: lamp, light, illumination, guiding light چراغ
BQT:626
چرب
هم: salve
Indo-European
Selp: fat, oil چربی، روغن
POK:901, ARN:219
Pahlavi
čarb, čarbišn: fat
ARN:219
Persian
čarb: greasy چرب
ARN:219
چرخ
هم: wheel
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Av/Old Pers
čaxra, čakra, caxra: wheel
POK:640, BQT:629, SYN:725,905
Persian
čarx: wheel چرخ
چرده
Indo-European
Ker 4, Kers: black, dirty سیاه، کثیف
OEW:182, POK:573
Pahlavi
karic: dirt
POK:573
Persian
čardeh: a suffix indicating (dark) color چَرده (چَرته، چَرد، چَرزه)
POK:573, BQT, MON
چرم
هم: shear
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear
بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Avestan
kereta: knife, a cut trench
kareman, čareman: hide cut off animals
POK:941, KLN:1432, HRN:188, SYN:321
Persian
čarm: hide (cut from animals)
چرم
BQT, HRN, MON, SYN

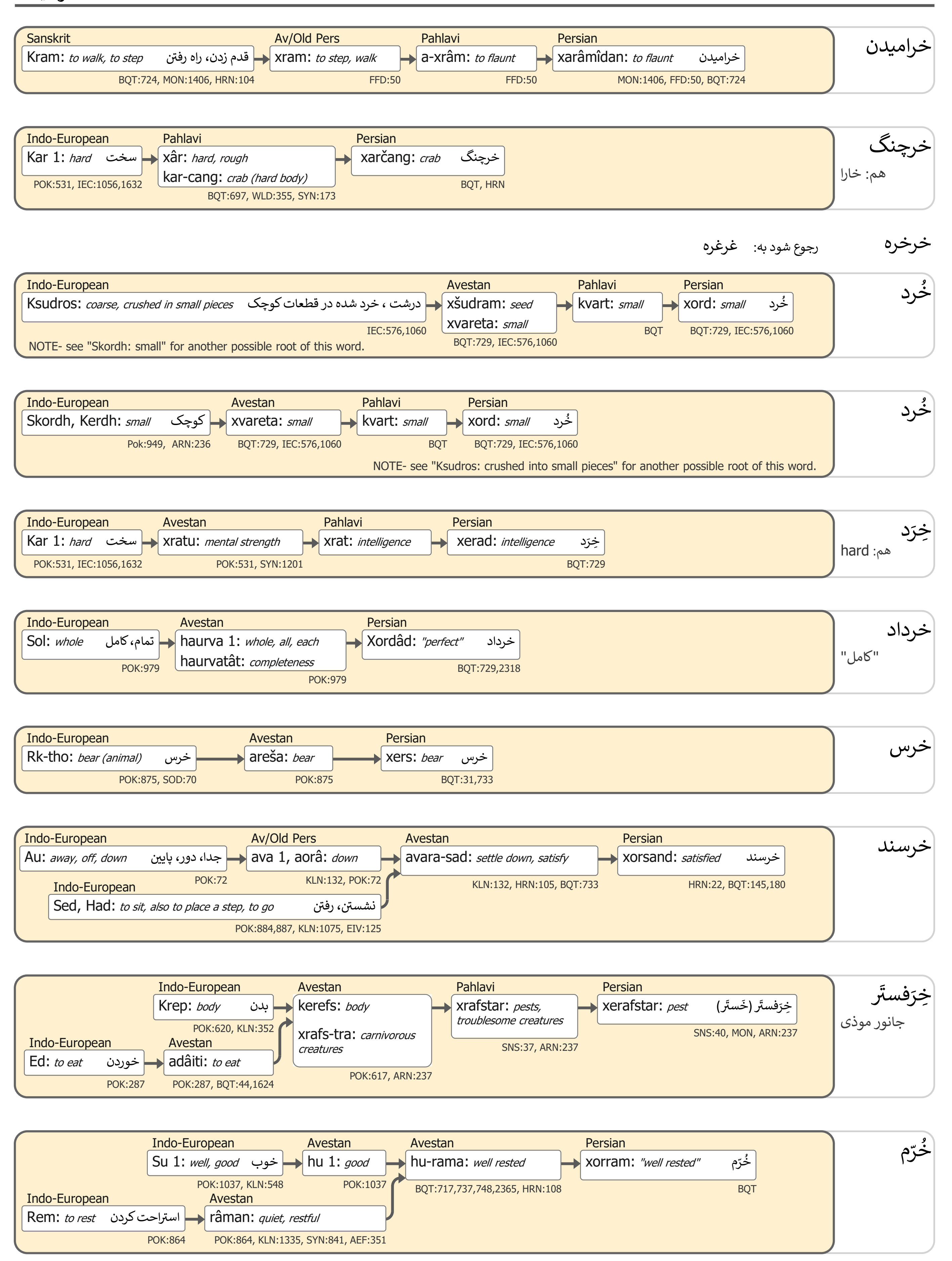

چرمه
Indo-European
Kel 4: light and dark spots, gray color tones لکه های سایه روشن
POK:547
Persian
čarmeh: horse, white horse چرمه
POK:547
چریدن
هم: چرخیدن
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Avestan
car, čâr: to move around, also an open field
BQT:635, FFD:73
Pahlavi
čâr: an open field, also to graze
Persian
čarîdan: to graze چریدن (چرا)
MON, BQT, FFD:73
چسبیدن
Indo-European
Kap, Ĉap 2: grasp چنگ زدن
POK:527,EIV
Old Persian
čifsati: attach
BQT:636
Persian
časbîdan: to attach چسبیدن (چفسیدن)
POK:527, HRN:98, IEC:473,EIV
چُست
هم: shoot
Indo-European
Skeud, Ĉaud: to throw, shoot پرت کردن، تیر اندازی کردن
POK:955,EIV
Sanskrit
čodatî: to hurry, propel
POK:955, HRN:99
Persian
čost: quick, fast چُست
POK:955, BQT:636,EIV
چشم
Indo-European
Kwek, Kas 1: to appear, see, show ظاهر شدن، دیدن، نمایش
POK:638, EIV:245
Avestan
kas, čas, čaš: to behold, see, taste
čašman: eyes
POK:638, KLN:42, SYN:1436
Persian
čašm: eye چشم
BQT, HRN
چشیدن
Indo-European
Kwek, Kas 1: to appear, see, show ظاهر شدن، دیدن، نمایش
POK:638, EIV:245
Avestan
kas, čas, čaš: to behold, see, taste
POK:638, KLN:42, SYN:1436
Pahlavi
čâšišn: taste
čašîtan: to taste
ISS:98,EIV
Persian
čašîdan: to taste چشیدن (چاشنی)
čâšt: morning meal چاشت
ISS:98,EIV
چفته رجوع شود به: چَپه
چفسیدن رجوع شود به: چسبیدن
چَک رجوع شود به: شاه
چکاد
مکان بلند
Indo-European
Keku: club گرز، چکش
WLD1: 381, POK:543, IEC:1390
Pahlavi
čakât: peak
MON:1300
Persian
čakâd: peak, summit چکاد
بیامد دوان دیده بان از چکاد
که آمد از ایران سپاهی چو باد (فردوسی)
FRS:80, MON:1300
چکش رجوع شود به: چاقو
چگونه رجوع شود به: چه + گون
چلپاسه رجوع شود به: کرباسو
چلتوک رجوع شود به: شالی
چلیپا
Aramaic
Salîbâ: cross خاج، صلیب
BQT:656, MON:1310
Persian
čalîpâ: cross چلیپا
MON:1310, BQT:656
چلیدن
هم: چرخ
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Sanskrit
cal: to move
POK:639
Persian
čalîdan: to walk proudly چلیدن (چال)
čâlâk: quick, fast چالاک
čâleš: struggle, quarrel چالش
BQT
چَمان رجوع شود به: چَمیدن
چماندن رجوع شود به: چَمیدن
چمبر رجوع شود به: چَپه

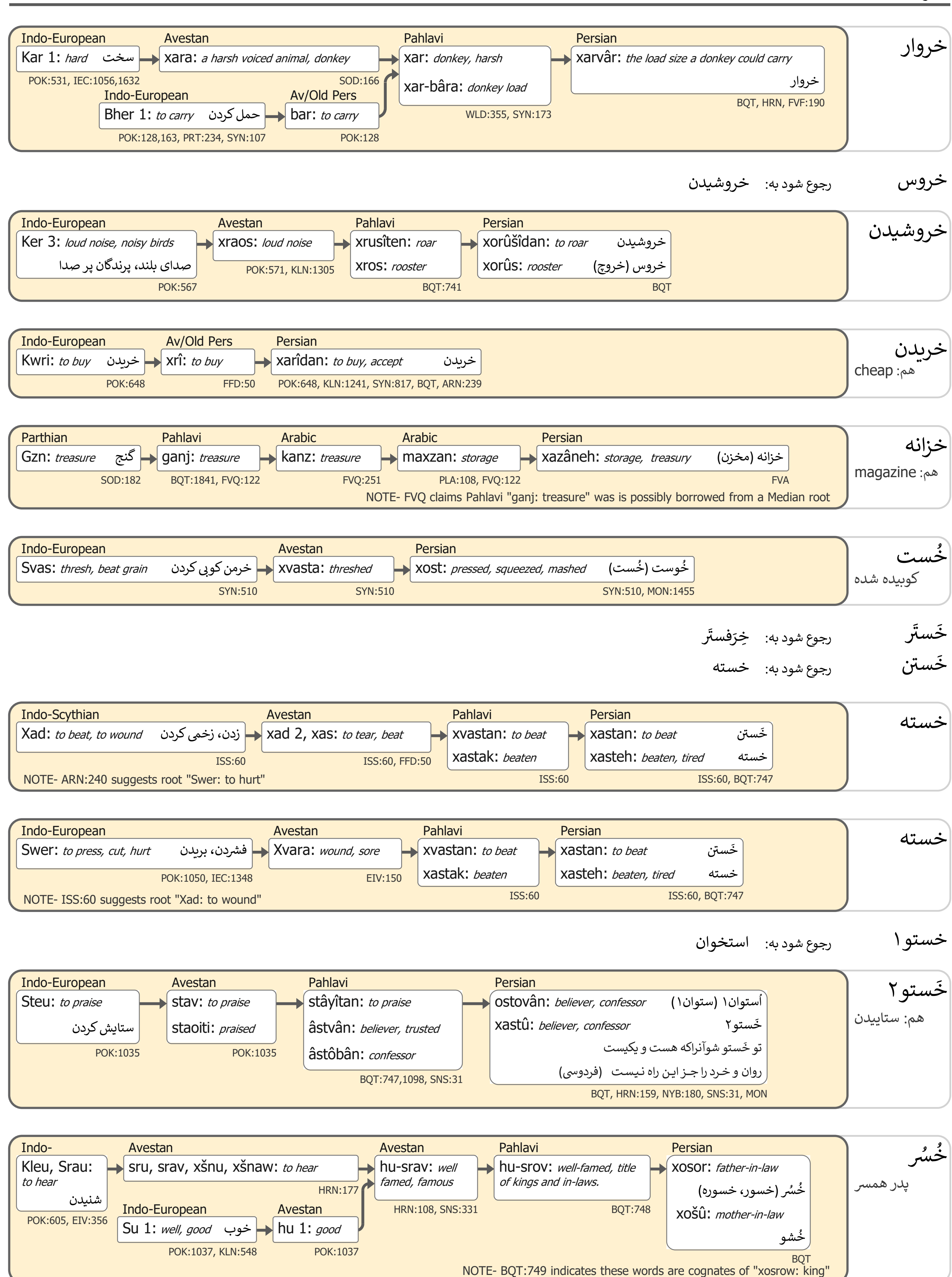

چمدان
رجوع شود به: جامه + دان
چمیدن۱
خرامیدن
Indo-European
Kam 2, Kamp: to bend, also a cavity, vault خم کردن، حفره
POK:524,525, EIV:229
Old Persian
kanpa: to bend
čam: to bend, move fluently
POK:524,525
Persian
čamîdan 1: to flaunt
چَمیدن (چماندن، چَمان)
POK:525, BQT, HRN:99, FFD:48
NOTE- Compare "Kam 2" with "Gêu 1: to bend"
چمیدن۲
نوشیدن
Indo-European
Kwen 2: sip, swallow جرعه ، قورت دادن
POK:640
Old Iranian
čam: to sip, drink
AHM:184
Persian
čamîdan 2: to sip, drink چَمیدن۲
POK:640, AHM:184
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
چند
رجوع شود به: چه
چندش
Indo-European
Skeht, Ĉat: tremble, shake لرزیدن
EIV:36
Pahlavi
čand: tremble, shake
EIV:36
Persian
čendeš: trembling چندش
EIV:36
چنگ
هم: hook
Indo-European
Keg, Keng: hook قلاب
POK:537, IEC:458
Avestan
cang: hook
POK:537
Persian
čang: hook, paw, harp چنگ (چنگال)
POK:537, BQT:665, ARN:227
چُندل
رجوع شود به: کُندر
چُندن
رجوع شود به: کُندر
چوب
مق: چوگان
Old Persian
Ĉop: stick, wood چوب
HRN:99
Persian
čûb: wood, stick چوب
HRN:99
چوپان
هم: پشم
Indo-European
Pek: wool, to pluck wool پشم، پشم کندن
Peku: woolly animals, cattle, property حیوانات پر پشم، احشام، دارایی
POK:797
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
Avestan
fšu: cattle
fšu-pait: protector of cattle
POK:797
Pahlavi
šupân, šubân: shepherd
ARN:375
Persian
čûpân, šabân: shepherd
چوپان، شبان
POK:797,
چوگان
مق: چوب
Old Persian
Ĉop: stick, wood چوب
HRN:99
Old Persian
Ĉop-gân: a long stick چوب بلند
HRN:99
Persian
čowgân: club, polo چوگان
HRN:99
چون
رجوع شود به: چه + گون
چه
مق: کی۲
هم: what
Indo-European
Kwo: stem of interrogative and relative pronouns
ریشه ضمایر سئوالی و نسبی
POK:644,646, AHD
Avestan
č-, čû, čî 2: how?
čiš, čiš-ca: who?
čeč: whether
cit: even, in any case
čaiti, chvant: how many?
ča-hyâ: who, which?
POK:644,648, BQT:1748, HRN:196
Persian
چه، چی، چون، چیز، چند
BQT:672
چهار
هم: four
Indo-European
Kwetwer : four چهار
POK:642
Avestan
čatwârao: four
POK:642
Persian
čahâr: four چهار (چهارک)
POK:642
چهارک
رجوع شود به: چهار
چهارم
رجوع شود به: چهار + ـُ م


چهره
Indo-European
Skai: shining, bright درخشان، روشن
POK:917
Avestan
čitra: clarity, face, also race and origin
POK:700,916, BQT:2047,674, KNT:184
Persian
čehreh: face چهره
BQT, MON
چهل
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Av/Old Pers
saiti, sat: a suffix meaning multiples of ten
vi-saiti: (two) separate tens
thri-sat: three times ten
čatvare-sat: four times ten
POK:191
Persian
čehel: forty چهل
Indo-European
Kwetwer : four چهار
POK:642
Avestan
čatwârao: four
POK:642
چی
رجوع شود به: چه
چیدن
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up روی هم ریختن یا چیدن
POK:637,EIV
Avestan
kay 2, kaeš, čay, čĩ 1: to prepare
čayeiti, činvaiti: selects, sorts
POK:637,638
Persian
čĩdan: to arrange چیدن
POK:637, BQT, HRN:204, AEF
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up
POK:637,EIV
Avestan
spâ 2: throw away
KNT:209
Pahlavi
pari-sp: wall (built around)
KNT:209
Persian
?
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up
POK:637,EIV
Avestan
fra-kaêš, vi-kaêš: to prepare, arrange
POK:637
Persian
?
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up
POK:637,EIV
Old Persian
sâ 1: to build, pile up
fra-sâ: build, erect
KNT:209
Persian
?
چیره
Av/Old Pers
Ĉirya: brave, quick شجاع، سریع
BRT:598, BQT:676, SYN:1150
Pahlavi
cêr, čêrîh: strong, brave, quick, dominating
BQT:676
Persian
čĩr: dominating, victorious چیر (چیره)
BRT:598, BQT:676
چیز
رجوع شود به: چه
چیلان
آهن، آهنی
Indo-European
Skhai: to cut, strike بریدن، ضربه زدن
POK:917
Old Persian
kai, či: to cut
ISS:84
Pahlavi
čêlân: metal objects
čêlânkar: metal worker
ISS:84
Persian
čĩlân: small objects made of iron چیلان
čĩlângar: metal worker چیلنگر
MON:1327
چیلنگر
رجوع شود به: چیلان
حِربا
آفتابپرست
هم: sun
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvare, xvar 1: sun, light
POK:881
Persian
hûr 2: sun, star هور
hûr-bân: "sun guard", chameleon.
هوربان
FVF:189, AFM:50, BQT
Arabic
herba'
FVF:189, AFM:50
Persian
herbâ: chameleon حِربا
MON:1347
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
حور
"خوش اندام"
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hava-rd:
well grown
VDQ:39
Pahlavi
hu-rust: well built, beautiful
Arabic
hûr:
heavenly woman
VDQ:39
Persian
hûr: heavenly women
حور
MON:1378
Indo-European
Leudh, Raud 2: to grow رشد کردن
POK:684, KLN:885, SYN:874, VDQ:39
Avestan
raod 1, raodha: growth
KLN:885, SYN:874

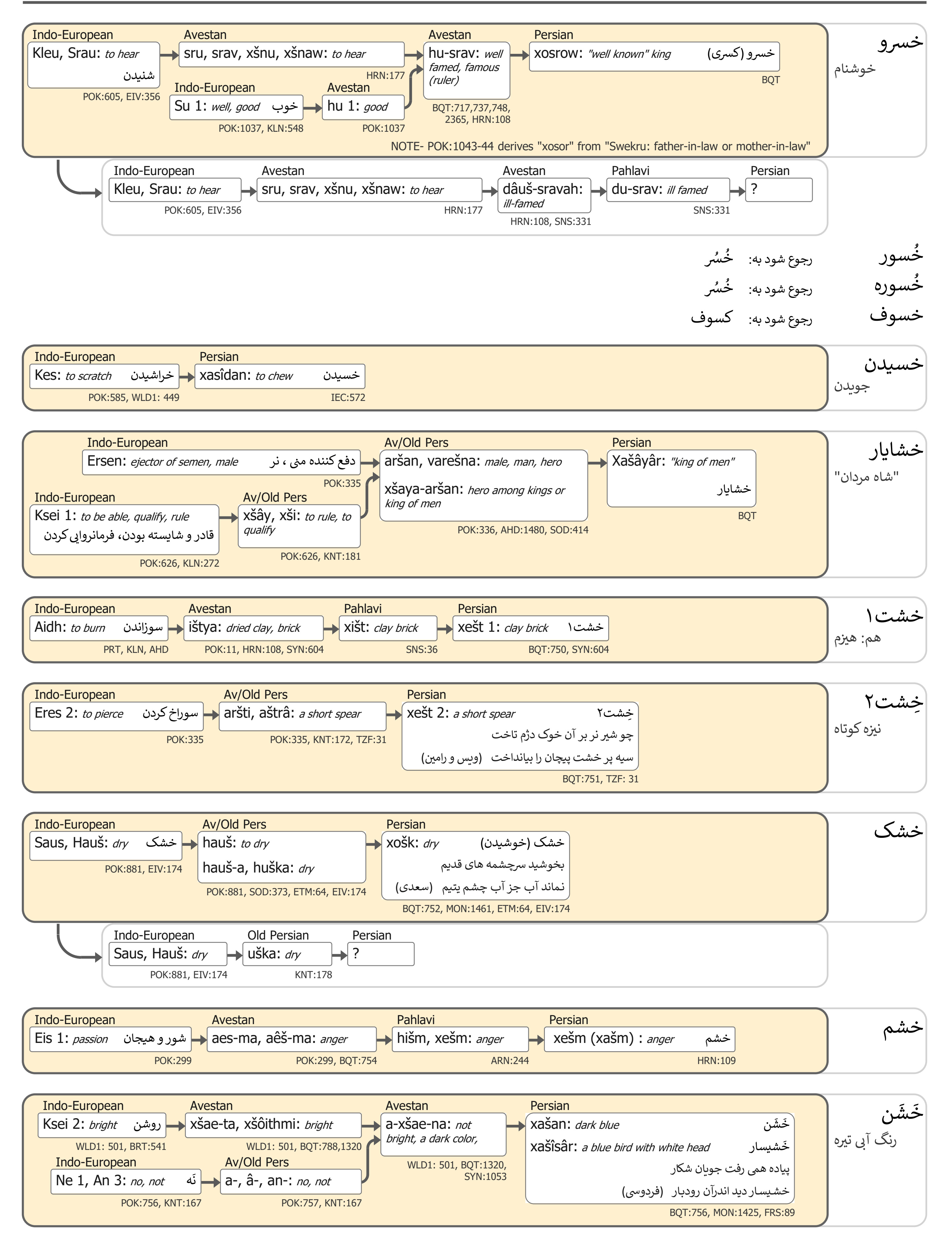

خار
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Pahlavi
xâr: hard, rough
BQT:697, WLD:355, SYN:173
Persian
xâr 2: thorn خار
xârâ: a hard stone خارا
BQT, HRN
NOTE- ARN:232 suggests the Indo-European root "Ğhers: spiky animal" for the origin of Persian "xârpošt: porcupine" and "xâr: thorn".
خارا
رجوع شود به: خار
خاراندن
هم: sore
Indo-European
Swer: to press, cut, hurt فشردن، بریدن
POK:1050, IEC:1348
Indo-European
Huar: to itch, scratch خاراندن
EIV:150
Avestan
Xvara: wound, sore
EIV:150
Persian
xârândan: to scratch
خاراندن (خاریدن)
EIV:150
NOTE- see Kar for an alternative root.
خارپشت
رجوع شود به: خار
خاریدن
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Indo-European
Qusêro: scrape, scratch
IEC:1056
Persian
xârîdan: to scratch, itch خاریدن
NOTE- see Swer for an alternative root
IEC:1056
خاستن
Indo-European
Suîğ: jump, dance پرش، رقص
IEC:1354
Av/Old Pers
haiz: to rise
xvîsat: he rises
HRN:103, ETM:66
Pahlavi
xâstan, xêzistan: to rise
NYB:39, FVS:199
Persian
xâstan: to rise خاستن (خیزیدن، رستاخیز)
BQT:700,745,948, HRN:103, IEC:1354
Indo-European
Suîğ: jump, dance
IEC:1354
Avestan
haxš: to rise
HRN:102
Persian
?
خاک
Pahlavi
Xâk: dust, soil, earth خاک، زمین
BQT:701
Persian
xâk: dust, soil خاک
MON:1390
خاکستر
Indo-European
Ster 1: to spread, throw پخش کردن، پرت کردن
POK:1029, EIV:263
Avestan
star 1: to spread, throw
KLN:1522, FFD:73
Pahlavi
xâk-astar: spread dust (fire ashes)
BQT:278,1816, HRN:205
Persian
xâkestar: ashes خاکستر
BQT, SNS, FFD
Pahlavi
Xâk: dust, soil, earth خاک، زمین
BQT:701
خام
Indo-European
Om: raw, bitter خام، تلخ
POK:638, ARN:233
Old Persian
âmâd
ARN:233
Pahlavi
xâm: raw
ARN:233
Persian
xâm: raw, not cooked خام
ARN:233
خاموش
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Indo-European
Mers, Marš: to forget فراموش کردن
POK:737, EIV:268
Persian
xâmuš: quiet خاموش
BQT:706,1448
NOTE- Sanskrit "â-marš: quiet" is from this root too.
خانم
" مادر یا اُم خان"
Arabic
Umm: mother مادر
KLN:160
Turkish
xân-umm: mother of Khan
KLN:160
Persian
xânom: "khan's mother" خانم
BQT:339
خانه
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig
کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Pahlavi
kantan, xandan: to dig
kandak: a dug-in house
HRN:194, BQT:1707, SNS:8,155
Persian
xâneh: house خانه (خَن)
HRN:194, BQT, ZMA:51, MON
خانی
رجوع شود به: چاه

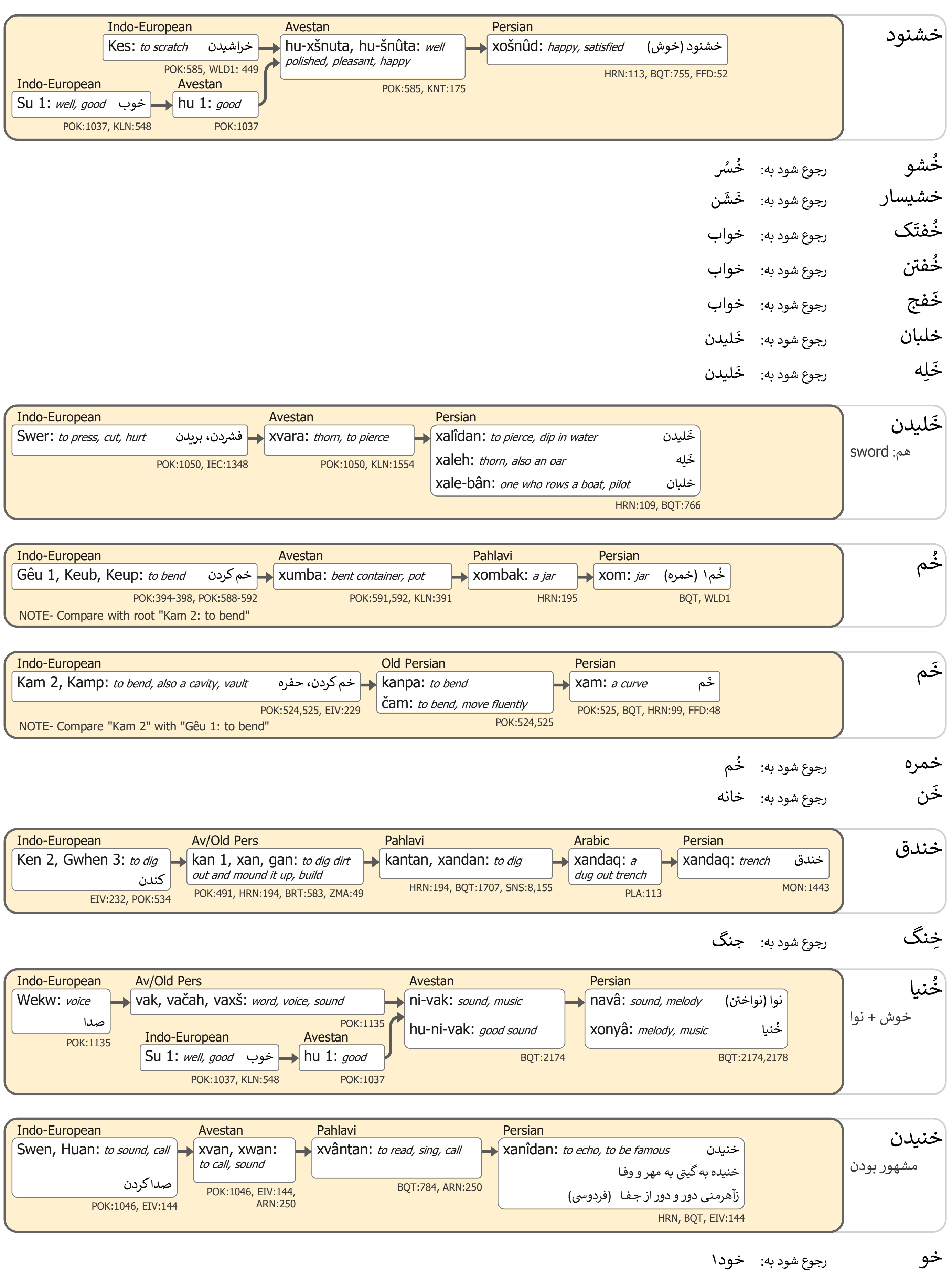

خاور
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvare, xvar 1: sun, light
POK:881
Avestan
hvare-varân: where sun is carried, west.
NOTE- it could be a misinterpretation as this word is used to mean east.
POK:881, KLN:1469, HRN:111
Persian
xâvar[ân]: east خاور
BQT, MON
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
خاویار
ماهی "خایه بار"
Indo-European
Aw: bird پرنده
POK:86
Indo-European
Ow: a bird egg
POK:86,783
Av/Old Pers
âvaya, xâya: egg
POK:783, SYN:256
Pahlavi
hâyîk, xâyak: egg, testicle
xâyak-bar, xâyak-bâr: egg carrier (fish)
HRN:103, PLA:104, BQT:711
Persian
xâvîyâr: caviar
خاویار
HRN:103, SYN:256, PLA:104
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
خایه
هم: egg
Indo-European
Aw: bird پرنده
POK:86
Indo-European
Ow: a bird egg
POK:86,783
Av/Old Pers
âvaya, xâya: egg
POK:783, SYN:256
Pahlavi
hâyîk, xâyak: egg, testicle
HRN:103, PLA:104, BQT:711
Persian
xâyeh: egg, testicle خایه
HRN:103, SYN:256, PLA:104
خاییدن
Indo-European
Khâd: to bite گاز زدن
POK:634, WLD1: 341
Avestan
xad 1, xâ
HRN:104, ARN:234
Persian
xâyîdan: to grind with teeth, chew خاییدن (خای)
BQT:712, ARN:234
خجسته
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hu-jasta: well wished, blessed
BQT:717,737,748,2365, HRN:108
Persian
xojasteh: "blessed" خجسته
BQT
Indo-European
Gwhedh: to ask, wish, want پرسیدن، خواستن
POK:488
خدا
"کسی که از او کمک میطلبند"
Indo-European
Ghu 1: to call for help, appeal
کمک خواستن
POK:413
Indo-European
Ghu-to: God, one who is called upon for help
AHD
Avestan
zavaiti: invoked, God
WLD:599, KLN:413
Pahlavi
xvatây: God
HUB:54
Persian
Xodâ: God (who is called upon for help) خدا
خدیو، خواجه
BQT:718, HRN:104, FSF:159
NOTE- See "Aiw" for another possible root.
خدا
"زنده از خود"
Indo-European
Seu 1: one's own self خود، نفس
POK:882, AHD:1538
Avestan
hva, hava, xva, xvâothra: self
xvâjo-ayâo, xvadâya: alive from self
POK:882, BQT:718, BRT:1862
Pahlavi
Xvatây: God
HUB:54, SNS:79
Persian
Xodâ: "alive from self" خدا
خدیو، خواجه
BQT:779, HRN:104
Indo-European
Aiw: vitality, eternity
حیات، ابدیت
POK:17
Avestan
âyu, ay: life, age
POK:17
NOTE- See "Ghu 1" for another possible root.
خدنگ
Chinese
Xalen: birch tree, birch wood درخت توس ، چوب توس
SIN:552
Altaic
SIN:553
Persian
xadang: hard wood, arrow made of this wood خدنگ
SIN:553, BQT:719, FSF:158
NOTE- Xalen was a common tree in north China and Tabarestân. The artifacts from this wood were exported to Iran.
خدیو
رجوع شود به: خدا
خر
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Avestan
xara: a harsh voiced animal, donkey
SOD:166
Pahlavi
xar: donkey, harsh
WLD:355, SYN:173
Persian
xar: donkey, symbol of harshness خر
BQT, HRN, FVF:190
خراسان
"خاستگاه خورشید"
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvare, xvar 1: sun, light
POK:881
Avestan
hvare-âsân: sun rise, east
POK:881, KLN:1469, HRN:111
Persian
xorâsân: an eastern state in Iran خراسان
زبان پهلوی هرکو شناسد
خراسان آن بود کزوی خورآسد (فخر گرگانی)
BQT, MON
Old Persian
âs, âsa: to arrive, come آمدن، رسیدن
TZF:62


خرامیدن
Sanskrit
Kram: to walk, to step قدم زدن، راه رفتن
BQT:724, MON:1406, HRN:104
Av/Old Pers
xram: to step, walk
FFD:50
Pahlavi
a-xrâm: to flaunt
FFD:50
Persian
xarâmîdan: to flaunt خرامیدن
MON:1406, FFD:50, BQT:724
خرچنگ
هم: خارا
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Pahlavi
xâr: hard, rough
kar-cang: crab (hard body)
BQT:697, WLD:355, SYN:173
Persian
xarčang: crab خرچنگ
BQT, HRN
خرخره
رجوع شود به: غرغره
خُرد
Indo-European
Ksudros: coarse, crushed in small pieces درشت ، خرد شده در قطعات کوچک
IEC:576,1060
NOTE- see "Skordh: small" for another possible root of this word.
Avestan
xšudram: seed
xvareta: small
BQT:729, IEC:576,1060
Pahlavi
kvart: small
BQT
Persian
xord: small خُرد
BQT:729, IEC:576,1060
خُرد
Indo-European
Skordh, Kerdh: small کوچک
Pok:949, ARN:236
Avestan
xvareta: small
BQT:729, IEC:576,1060
Pahlavi
kvart: small
BQT
Persian
xord: small خُرد
BQT:729, IEC:576,1060
NOTE- see "Ksudros: crushed into small pieces" for another possible root of this word.
خِرَد
هم: hard
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Avestan
xratu: mental strength
POK:531, SYN:1201
Pahlavi
xrat: intelligence
Persian
xerad: intelligence خِرَد
BQT:729
خرداد
"کامل"
Indo-European
Sol: whole تمام، کامل
POK:979
Avestan
haurva 1: whole, all, each
haurvatât: completeness
POK:979
Persian
Xordâd: "perfect" خرداد
BQT:729,2318
خرس
Indo-European
Rk-tho: bear (animal) خرس
POK:875, SOD:70
Avestan
areša: bear
POK:875
Persian
xers: bear خرس
BQT:31,733
خرسند
Indo-European
Au: away, off, down جدا، دور، پایین
POK:72
Av/Old Pers
ava 1, aorâ: down
KLN:132, POK:72
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go نشستن، رفتن
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Avestan
avara-sad: settle down, satisfy
KLN:132, HRN:105, BQT:733
Persian
xorsand: satisfied خرسند
HRN:22, BQT:145,180
خِرَفستَر
جانور موذی
Indo-European
Krep: body بدن
POK:620, KLN:352
Indo-European
Ed: to eat خوردن
POK:287
Avestan
adâiti: to eat
POK:287, BQT:44,1624
Avestan
kerefs: body
xrafs-tra: carnivorous creatures
POK:617, ARN:237
Pahlavi
xrafstar: pests, troublesome creatures
SNS:37, ARN:237
Persian
xerafstar: pest خِرَفستَر (خَستَر)
SNS:40, MON, ARN:237
خُرّم
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Indo-European
Rem: to rest استراحت کردن
POK:864
Avestan
râman: quiet, restful
POK:864, KLN:1335, SYN:841, AEF:351
Avestan
hu-rama: well rested
BQT:717,737,748,2365, HRN:108
Persian
xorram: "well rested" خُرّم
BQT

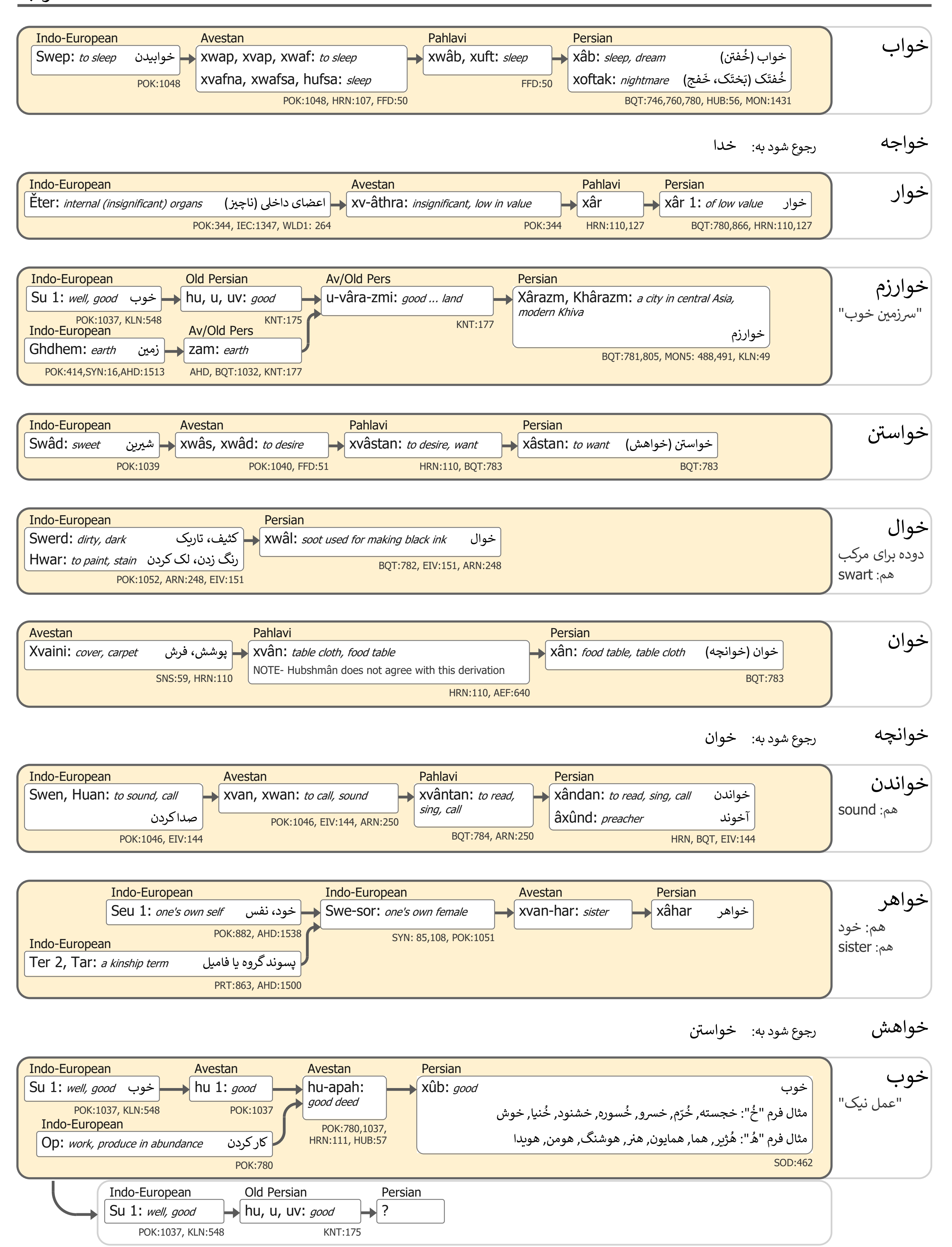


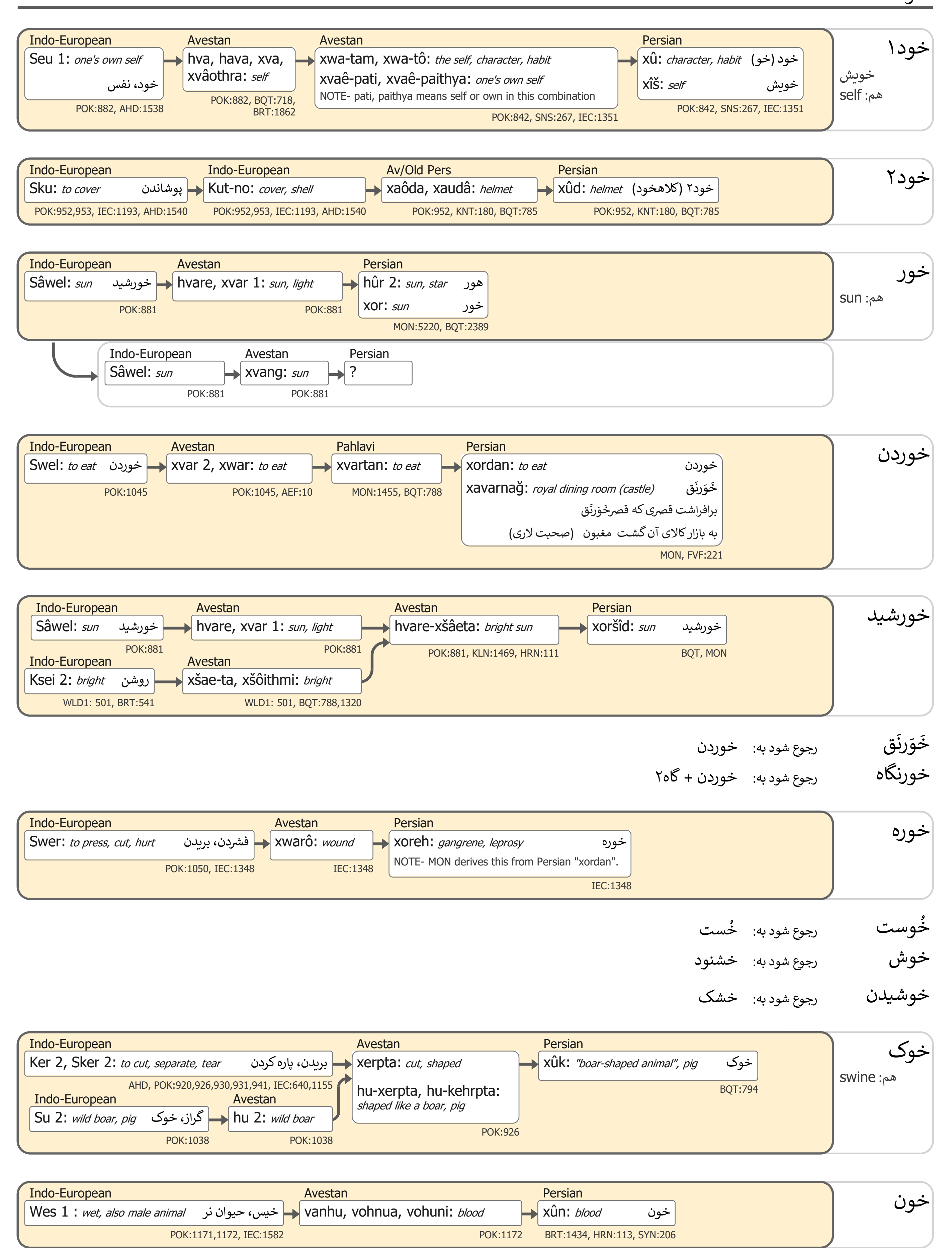
خروار
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Avestan
xara: a harsh voiced animal, donkey
SOD:166
Pahlavi
xar: donkey, harsh
xar-bâra: donkey load
WLD:355, SYN:173
Persian
xarvâr: the load size a donkey could carry
خروار
BQT, HRN, FVF:190
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
خروس
رجوع شود به: خروشیدن
خروشیدن
Indo-European
Ker 3: loud noise, noisy birds
صدای بلند، پرندگان پر صدا
POK:567
Avestan
xraos: loud noise
POK:571, KLN:1305
Pahlavi
xrusîten: roar
xros: rooster
BQT:741
Persian
xorûšîdan: to roar خروشیدن
xorûs: rooster خروس (خروچ)
BQT
خریدن
هم: cheap
Indo-European
Kwri: to buy خریدن
POK:648
Av/Old Pers
xrî: to buy
FFD:50
Persian
xarîdan: to buy, accept خریدن
POK:648, KLN:1241, SYN:817, BQT, ARN:239
خزانه
هم: magazine
Parthian
Gzn: treasure گنج
SOD:182
Pahlavi
ganj: treasure
BQT:1841, FVQ:122
Arabic
kanz: treasure
FVQ:251
Arabic
maxzan: storage
PLA:108, FVQ:122
Persian
xazâneh: storage, treasury خزانه (مخزن)
FVA
NOTE- FVQ claims Pahlavi "ganj: treasure" was is possibly borrowed from a Median root
خُست
کوبیده شده
Indo-European
Svas: thresh, beat grain خرمن کوبی کردن
SYN:510
Avestan
xvasta: threshed
SYN:510
Persian
xost: pressed, squeezed, mashed خوست (خُست)
SYN:510, MON:1455
خَستر
رجوع شود به: خِرَفستر
خَستن
رجوع شود به: خسته
خسته
Indo-Scythian
Xad: to beat, to wound زدن، زخمی کردن
ISS:60
Avestan
xad 2, xas: to tear, beat
ISS:60, FFD:50
Pahlavi
xvastan: to beat
xastak: beaten
ISS:60
Persian
xastan: to beat خَستن
xasteh: beaten, tired خسته
ISS:60, BQT:747
NOTE- ARN:240 suggests root "Swer: to hurt"
خسته
Indo-European
Swer: to press, cut, hurt فشردن، بریدن
POK:1050, IEC:1348
Avestan
Xvara: wound, sore
EIV:150
Pahlavi
xvastan: to beat
xastak: beaten
ISS:60
Persian
xastan: to beat خَستن
xasteh: beaten, tired خسته
ISS:60, BQT:747
NOTE- ISS:60 suggests root "Xad: to wound"
خستو۱
رجوع شود به: استخوان
خَستو۲
هم: ستاییدن
Indo-European
Steu: to praise
ستایش کردن
POK:1035
Avestan
stav: to praise
staoiti: praised
POK:1035
Pahlavi
stâyîtan: to praise
âstvân: believer, trusted
âstôbân: confessor
BQT:747,1098, SNS:31
Persian
ostovân: believer, confessor أستوان۱ (ستوان۱)
xastû: believer, confessor خَستو۲
تو خَستو شوآنراکه هست و یکیست
روان و خرد را جـز این راه نیست (فردوسی)
BQT, HRN:159, NYB:180, SNS:31, MON
خُسُر
پدر همسر
Indo-
Kleu, Srau: to hear
شنیدن
POK:605, EIV:356
Avestan
sru, srav, xšnu, xšnaw: to hear
HRN:177
Avestan
hu-srav: well famed, famous
HRN:108, SNS:331
Pahlavi
hu-srov: well-famed, title of kings and in-laws.
BQT:748
Persian
xosor: father-in-law
خُسُر (خسور، خسوره)
xošû: mother-in-law
خُشو
BQT
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
NOTE- BQT:749 indicates these words are cognates of "xosrow: king"

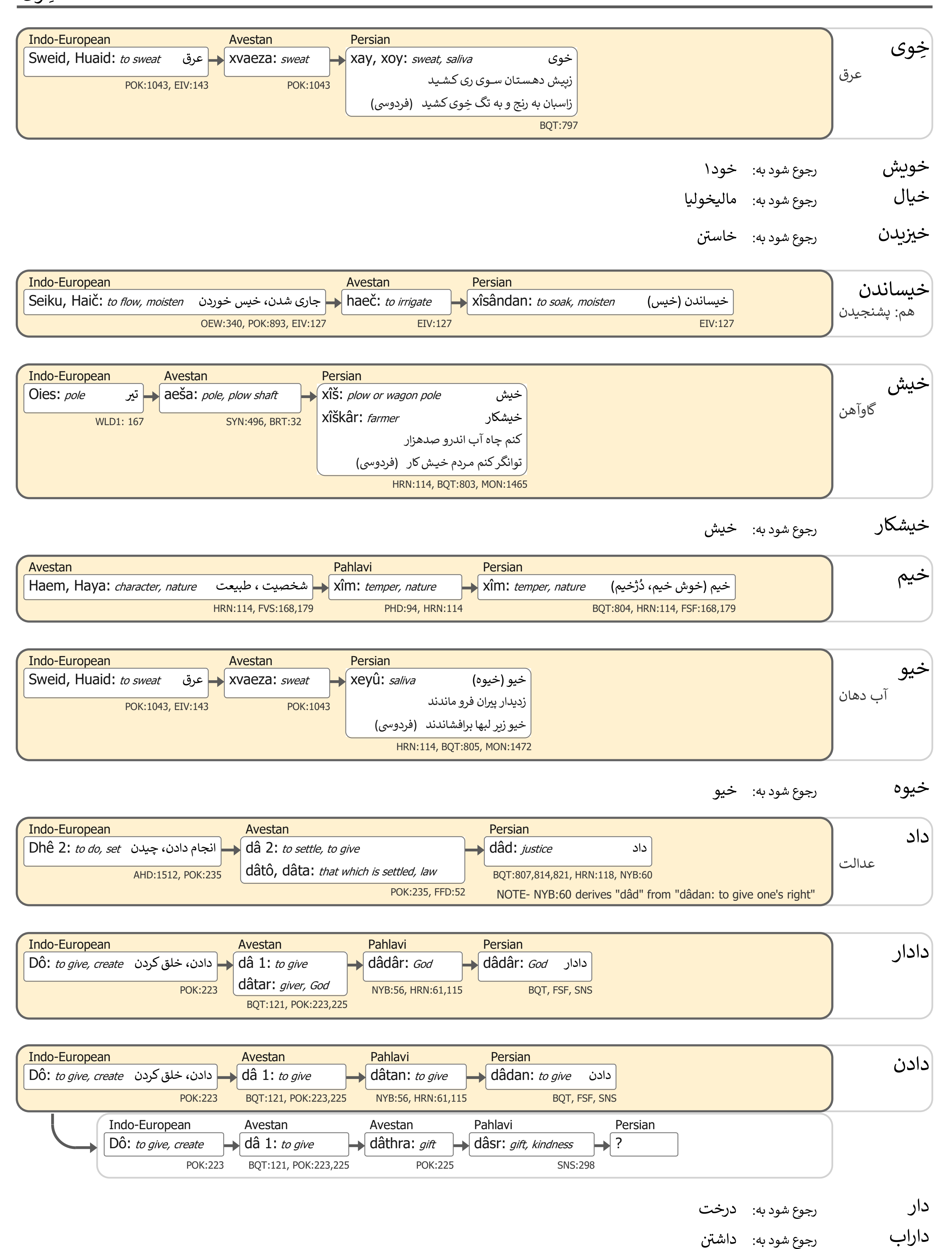

خسرو
خوشنام
Indo-European
Kleu, Srau: to hear
شنیدن
POK:605, EIV:356
Avestan
sru, srav, xšnu, xšnaw: to hear
HRN:177
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hu-srav: well famed, famous (ruler)
BQT:717,737,748, 2365, HRN:108
Persian
xosrow: "well known" king
خسرو (کسری)
BQT
NOTE- POK:1043-44 derives "xosor" from "Swekru: father-in-law or mother-in-law"
Indo-European
Kleu, Srau: to hear
POK:605, EIV:356
Avestan
sru, srav, xšnu, xšnaw: to hear
HRN:177
Avestan
dâuš-sravah: ill-famed
HRN:108, SNS:331
Pahlavi
du-srav: ill famed
SNS:331
Persian
?
خُسور
رجوع شود به: خُسُر
خُسوره
رجوع شود به: خُسُر
خسوف
رجوع شود به: کسوف
خسیدن
جویدن
Indo-European
Kes: to scratch خراشیدن
POK:585, WLD1: 449
Persian
xasîdan: to chew خسیدن
IEC:572
خشایار
"شاه مردان"
Indo-European
Ersen: ejector of semen, male دفع کننده منی ، نر
POK:335
Indo-European
Ksei 1: to be able, qualify, rule
قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن
POK:626, KLN:272
Av/Old Pers
xšây, xši: to rule, to qualify
POK:626, KNT:181
Av/Old Pers
aršan, varešna: male, man, hero
xšaya-aršan: hero among kings or king of men
POK:336, AHD:1480, SOD:414
Persian
Xašâyâr: "king of men"
خشایار
BQT
خشت۱
هم: هیزم
Indo-European
Aidh: to burn سوزاندن
PRT, KLN, AHD
Avestan
ištya: dried clay, brick
POK:11, HRN:108, SYN:604
Pahlavi
xišt: clay brick
SNS:36
Persian
xešt 1: clay brick خشت۱
BQT:750, SYN:604
خِشت۲
نیزه کوتاه
Indo-European
Eres 2: to pierce سوراخ کردن
POK:335
Av/Old Pers
aršti, aštrâ: a short spear
POK:335, KNT:172, TZF:31
Persian
xešt 2: a short spear خِشت۲
چو شیر نر بر آن خوک دژم تاخت
سیه پر خشت پیچان را بیانداخت (ویس و رامین)
BQT:751, TZF: 31
خشک
Indo-European
Saus, Hauš: dry خشک
POK:881, EIV:174
Av/Old Pers
hauš: to dry
hauš-a, huška: dry
POK:881, SOD:373, ETM:64, EIV:174
Persian
xošk: dry خشک (خوشیدن)
بخوشید سرچشمه های قدیم
نماند آب جز آب چشم یتیم (سعدی)
BQT:752, MON:1461, ETM:64, EIV:174
Indo-European
Saus, Hauš: dry
POK:881, EIV:174
Old Persian
uška: dry
KNT:178
Persian
?
خشم
Indo-European
Eis 1: passion شور و هیجان
POK:299
Avestan
aes-ma, aêš-ma: anger
POK:299, BQT:754
Pahlavi
hišm, xešm: anger
ARN:244
Persian
xešm (xašm) : anger خشم
HRN:109
خَشَن
رنگ آبی تیره
Indo-European
Ksei 2: bright روشن
WLD1: 501, BRT:541
Avestan
xšae-ta, xšôithmi: bright
WLD1: 501, BQT:788,1320
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Avestan
a-xšae-na: not bright, a dark color,
WLD1: 501, BQT:1320, SYN:1053
Persian
xašan: dark blue خَشَن
xašîsâr: a blue bird with white head خَشیسار
پیاده همی رفت جویان شکار
خشیسار دید اندرآن رودبار (فردوسی)
BQT:756, MON:1425, FRS:89



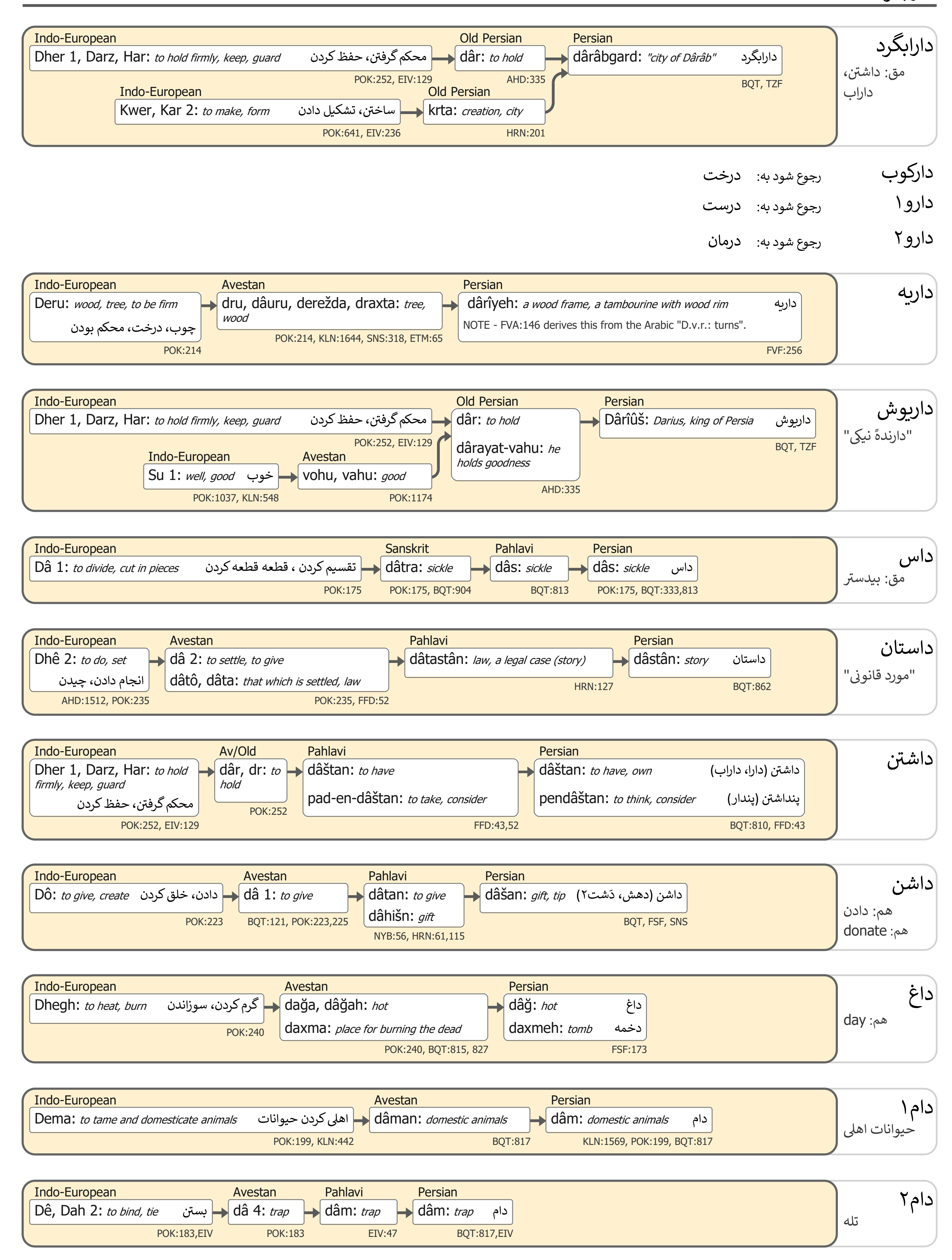
خشنود
Indo-European
Kes: to scratch خراشیدن
POK:585, WLD1: 449
Avestan
hu-xšnuta, hu-šnûta: well polished, pleasant, happy
POK:585, KNT:175
Persian
xošnûd: happy, satisfied خشنود (خوش)
HRN:113, BQT:755, FFD:52
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
خُشو رجوع شود به: خُسُر
خشیسار رجوع شود به: خَشَن
خُفتَک رجوع شود به: خواب
خُفتن رجوع شود به: خواب
خَفج رجوع شود به: خواب
خلبان رجوع شود به: خَلیدن
خَلِه رجوع شود به: خَلیدن
خَلیدن
هم: sword
Indo-European
Swer: to press, cut, hurt فشردن، بریدن
POK:1050, IEC:1348
Avestan
xvara: thorn, to pierce
POK:1050, KLN:1554
Persian
xalîdan: to pierce, dip in water خَلیدن
xaleh: thorn, also an oar خَلِه
xale-bân: one who rows a boat, pilot خلبان
HRN:109, BQT:766
خُم
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
NOTE- Compare with root "Kam 2: to bend"
Avestan
xumba: bent container, pot
POK:591,592, KLN:391
Pahlavi
xombak: a jar
HRN:195
Persian
xom: jar خُم۱ (خمره)
BQT, WLD1
خَم
Indo-European
Kam 2, Kamp: to bend, also a cavity, vault خم کردن، حفره
POK:524,525, EIV:229
NOTE- Compare "Kam 2" with "Gêu 1: to bend"
Old Persian
kanpa: to bend
čam: to bend, move fluently
POK:524,525
Persian
xam: a curve خَم
POK:525, BQT, HRN:99, FFD:48
خمره رجوع شود به: خُم
خَن رجوع شود به: خانه
خندق
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Pahlavi
kantan, xandan: to dig
HRN:194, BQT:1707, SNS:8,155
Arabic
xandaq: a dug out trench
PLA:113
Persian
xandaq: trench خندق
MON:1443
خِنگ رجوع شود به: جنگ
خُنیا
خوش + نوا
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
ni-vak: sound, music
hu-ni-vak: good sound
BQT:2174
Persian
navâ: sound, melody نوا (نواختن)
xonyâ: melody, music خُنیا
BQT:2174,2178
خنیدن
مشهور بودن
Indo-European
Swen, Huan: to sound, call صدا کردن
POK:1046, EIV:144
Avestan
xvan, xwan: to call, sound
POK:1046, EIV:144, ARN:250
Pahlavi
xvântan: to read, sing, call
BQT:784, ARN:250
Persian
xanîdan: to echo, to be famous خنیدن
خنیده به گیتی به مهر و وفا
زآهرمنی دور و دور از جفا (فردوسی)
HRN, BQT, EIV:144
خو رجوع شود به: خود۱


خواب
Indo-European
Swep: to sleep خوابیدن
POK:1048
Avestan
xwap, xvap, xwaf: to sleep
xvafna, xwafsa, hufsa: sleep
POK:1048, HRN:107, FFD:50
Pahlavi
xwâb, xuft: sleep
FFD:50
Persian
xâb: sleep, dream خواب (خُفتن)
xoftak: nightmare خُفتَک (بَختَک، خَفج)
BQT:746,760,780, HUB:56, MON:1431
خواجه
رجوع شود به: خدا
خوار
Indo-European
Ēter: internal (insignificant) organs اعضای داخلی (ناچیز)
POK:344, IEC:1347, WLD1: 264
Avestan
xv-âthra: insignificant, low in value
POK:344
Pahlavi
xâr
HRN:110,127
Persian
xâr 1: of low value خوار
BQT:780,866, HRN:110,127
خوارزم
"سرزمین خوب"
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Old Persian
hu, u, uv: good
KNT:175
Av/Old Pers
u-vâra-zmi: good ... land
KNT:177
Persian
Xârazm, Khârazm: a city in central Asia, modern Khiva
خوارزم
BQT:781,805, MON5: 488,491, KLN:49
Indo-European
Ghdhem: earth زمین
POK:414,SYN:16,AHD:1513
Av/Old Pers
zam: earth
AHD, BQT:1032, KNT:177
خواستن
Indo-European
Swâd: sweet شیرین
POK:1039
Avestan
xwâs, xwâd: to desire
POK:1040, FFD:51
Pahlavi
xvâstan: to desire, want
HRN:110, BQT:783
Persian
xâstan: to want خواستن (خواهش)
BQT:783
خوال
دوده برای مرکب
هم: swart
Indo-European
Swerd: dirty, dark کثیف، تاریک
Hwar: to paint, stain رنگ زدن، لک کردن
POK:1052, ARN:248, EIV:151
Persian
xwâl: soot used for making black ink خوال
BQT:782, EIV:151, ARN:248
خوان
Avestan
Xvaini: cover, carpet پوشش، فرش
SNS:59, HRN:110
Pahlavi
xvân: table cloth, food table
NOTE- Hubshmân does not agree with this derivation
HRN:110, AEF:640
Persian
xân: food table, table cloth خوان (خوانچه)
BQT:783
خوانچه
رجوع شود به: خوان
خواندن
هم: sound
Indo-European
Swen, Huan: to sound, call
صدا کردن
POK:1046, EIV:144
Avestan
xvan, xwan: to call, sound
POK:1046, EIV:144, ARN:250
Pahlavi
xvântan: to read, sing, call
BQT:784, ARN:250
Persian
xândan: to read, sing, call خواندن
âxûnd: preacher آخوند
HRN, BQT, EIV:144
خواهر
هم: خود
هم: sister
Indo-European
Seu 1: one's own self خود، نفس
POK:882, AHD:1538
Indo-European
Swe-sor: one's own female
SYN: 85,108, POK:1051
Avestan
xvan-har: sister
Persian
xâhar خواهر
Indo-European
Ter 2, Tar: a kinship term پسوند گروه یا فامیل
PRT:863, AHD:1500
خواهش
رجوع شود به: خواستن
خوب
"عمل نیک"
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hu-apah: good deed
POK:780,1037, HRN:111, HUB:57
Indo-European
Op: work, produce in abundance کار کردن
POK:780
Persian
xûb: good خوب
مثال فرم "خُ": خجسته, خُرّم, خسرو, خُسوره, خشنود, خُنیا, خوش
مثال فرم "هُ": هُژیر, هما, همایون, هنر, هوشنگ, هومن, هویدا
SOD:462
Indo-European
Su 1: well, good
POK:1037, KLN:548
Old Persian
hu, u, uv: good
KNT:175
Persian
?

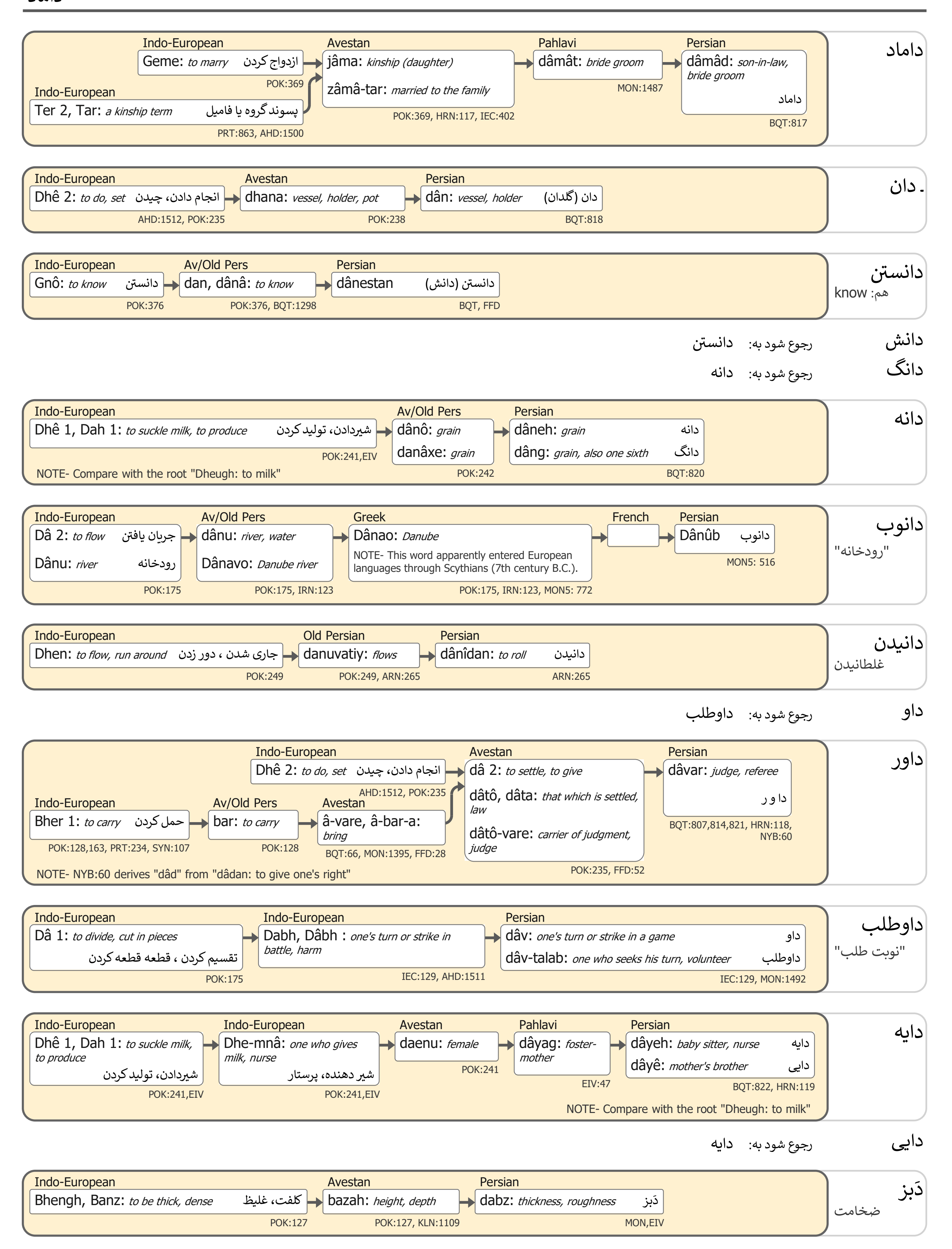

خود۱
خویش
هم: self
Indo-European
Seu 1: one's own self
خود، نفس
POK:882, AHD:1538
Avestan
hva, hava, xva, xvâothra: self
POK:882, BQT:718, BRT:1862
Avestan
xwa-tam, xwa-tô: the self, character, habit
xvaê-pati, xvaê-paithya: one's own self
NOTE- pati, paithya means self or own in this combination
POK:842, SNS:267, IEC:1351
Persian
xû: character, habit خود (خو)
xîš: self خویش
POK:842, SNS:267, IEC:1351
خود۲
Indo-European
Sku: to cover پوشاندن
POK:952,953, IEC:1193, AHD:1540
Indo-European
Kut-no: cover, shell
POK:952,953, IEC:1193, AHD:1540
Av/Old Pers
xaôda, xaudâ: helmet
POK:952, KNT:180, BQT:785
Persian
xûd: helmet خود۲ (کلاهخود)
POK:952, KNT:180, BQT:785
خور
هم: sun
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvare, xvar 1: sun, light
POK:881
Persian
hûr 2: sun, star هور
xor: sun خور
MON:5220, BQT:2389
Indo-European
Sâwel: sun
POK:881
Avestan
xvang: sun
POK:881
Persian
?
خوردن
Indo-European
Swel: to eat خوردن
POK:1045
Avestan
xvar 2, xwar: to eat
POK:1045, AEF:10
Pahlavi
xvartan: to eat
MON:1455, BQT:788
Persian
xordan: to eat خوردن
xavarnağ: royal dining room (castle) خَوَرنَق
برافراشت قصری که قصرخَوَرنَق
به بازار کالای آن گشت مغبون (صحبت لاری)
MON, FVF:221
خورشید
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvare, xvar 1: sun, light
POK:881
Avestan
hvare-xšâeta: bright sun
POK:881, KLN:1469, HRN:111
Persian
xoršîd: sun خورشید
BQT, MON
Indo-European
Ksei 2: bright روشن
WLD1: 501, BRT:541
Avestan
xšae-ta, xšôithmi: bright
WLD1: 501, BQT:788,1320
خَوَرنَق رجوع شود به: خوردن
خورنگاه رجوع شود به: خوردن + گاه۲
خوره
Indo-European
Swer: to press, cut, hurt فشردن، بریدن
POK:1050, IEC:1348
Avestan
xwarô: wound
IEC:1348
Persian
xoreh: gangrene, leprosy خوره
NOTE- MON derives this from Persian "xordan".
IEC:1348
خُوست رجوع شود به: خُست
خوش رجوع شود به: خشنود
خوشیدن رجوع شود به: خشک
خوک
هم: swine
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Indo-European
Su 2: wild boar, pig گراز، خوک
POK:1038
Avestan
hu 2: wild boar
POK:1038
Avestan
xerpta: cut, shaped
hu-xerpta, hu-kehrpta: shaped like a boar, pig
POK:926
Persian
xûk: "boar-shaped animal", pig خوک
BQT:794
خون
Indo-European
Wes 1 : wet, also male animal خیس، حیوان نر
POK:1171,1172, IEC:1582
Avestan
vanhu, vohnua, vohuni: blood
POK:1172
Persian
xûn: blood خون
BRT:1434, HRN:113, SYN:206



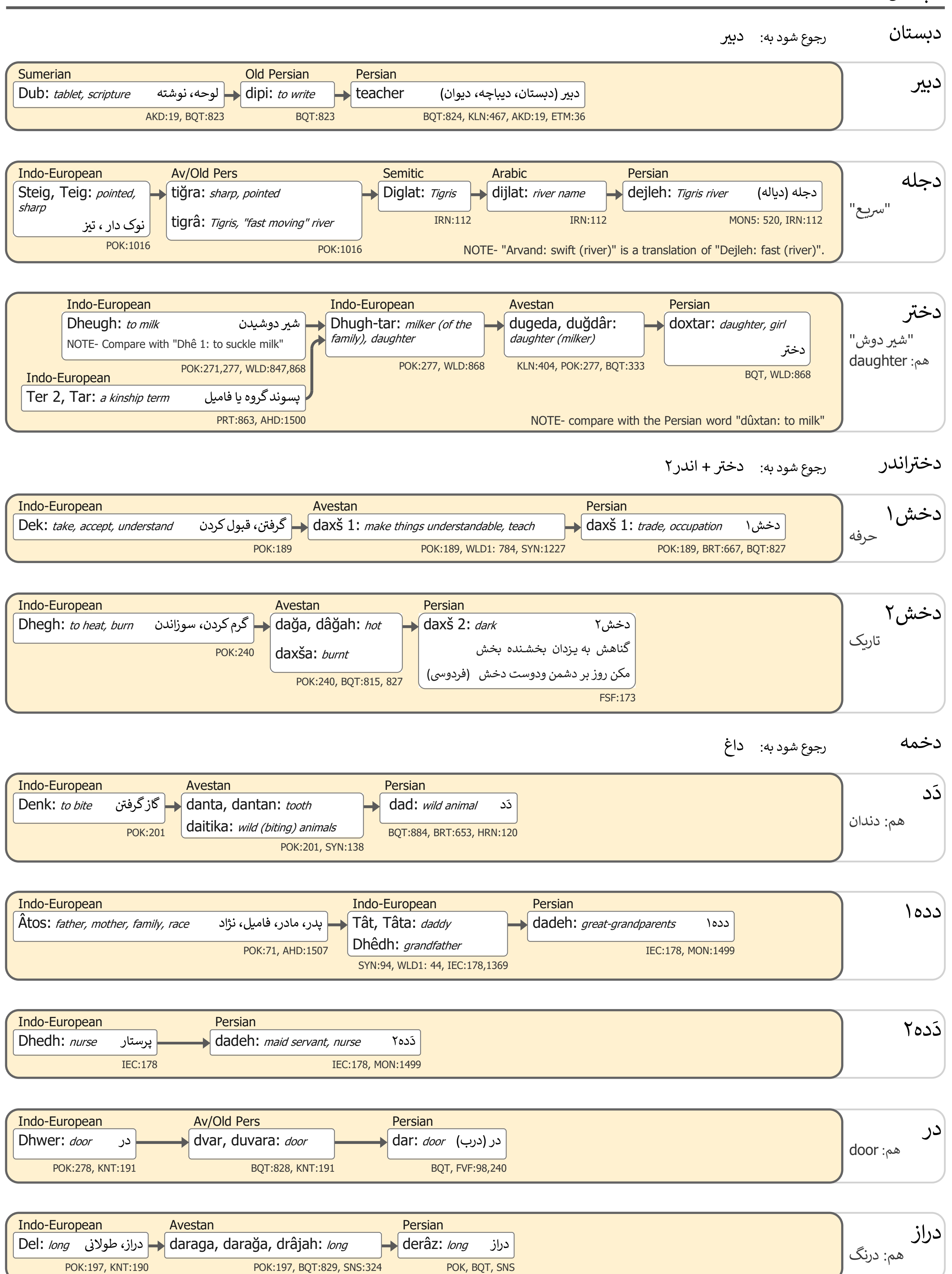
خِوی
عرق
Indo-European
Sweid, Huaid: to sweat عرق
POK:1043, EIV:143
Avestan
xvaeza: sweat
POK:1043
Persian
xay, xoy: sweat, saliva خوی
زپیش دهستان سوی ری کشید
زاسبان به رنج و به تگ خِوی کشید (فردوسی)
BQT:797
خویش رجوع شود به: خود۱
خیال رجوع شود به: مالیخولیا
خیزیدن رجوع شود به: خاستن
خیساندن
هم: پشنجیدن
Indo-European
Seiku, Haič: to flow, moisten جاری شدن، خیس خوردن
OEW:340, POK:893, EIV:127
Avestan
haeč: to irrigate
EIV:127
Persian
xîsândan: to soak, moisten خیساندن (خیس)
EIV:127
خیش
گاوآهن
Indo-European
Oies: pole تیر
WLD1: 167
Avestan
aeša: pole, plow shaft
SYN:496, BRT:32
Persian
xîš: plow or wagon pole خیش
xîškâr: farmer خیشکار
کنم چاه آب اندرو صدهزار
توانگر کنم مردم خیش کار (فردوسی)
HRN:114, BQT:803, MON:1465
خیشکار رجوع شود به: خیش
خیم
Avestan
Haem, Haya: character, nature شخصیت ، طبیعت
HRN:114, FVS:168,179
Pahlavi
xîm: temper, nature
PHD:94, HRN:114
Persian
xîm: temper, nature خیم (خوش خیم، دُژخیم)
BQT:804, HRN:114, FSF:168,179
خیو
آب دهان
Indo-European
Sweid, Huaid: to sweat عرق
POK:1043, EIV:143
Avestan
xvaeza: sweat
POK:1043
Persian
xeyû: saliva خیو (خیوه)
زدیدار پیران فرو ماندند
خیو زیر لبها برافشاندند (فردوسی)
HRN:114, BQT:805, MON:1472
خیوه رجوع شود به: خیو
داد
عدالت
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
dâ 2: to settle, to give
dâtô, dâta: that which is settled, law
POK:235, FFD:52
Persian
dâd: justice داد
BQT:807,814,821, HRN:118, NYB:60
NOTE- NYB:60 derives "dâd" from "dâdan: to give one's right"
دادار
Indo-European
Dô: to give, create دادن، خلق کردن
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
dâtar: giver, God
BQT:121, POK:223,225
Pahlavi
dâdâr: God
NYB:56, HRN:61,115
Persian
dâdâr: God دادار
BQT, FSF, SNS
دادن
Indo-European
Dô: to give, create دادن، خلق کردن
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
BQT:121, POK:223,225
Pahlavi
dâtan: to give
NYB:56, HRN:61,115
Persian
dâdan: to give دادن
BQT, FSF, SNS
Indo-European
Dô: to give, create
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
BQT:121, POK:223,225
Avestan
dâthra: gift
POK:225
Pahlavi
dâsr: gift, kindness
SNS:298
Persian
?
دار رجوع شود به: درخت
داراب رجوع شود به: داشتن

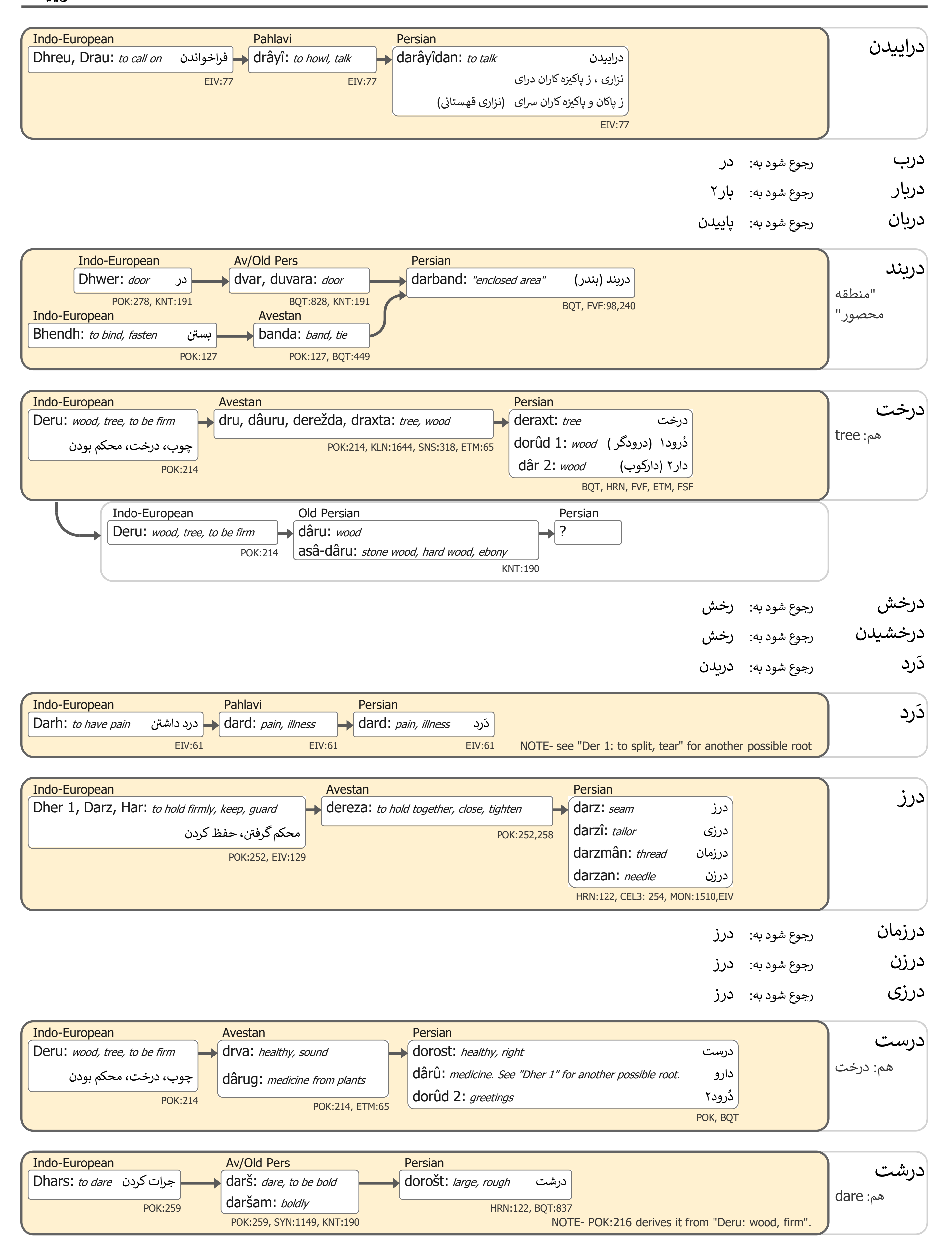


دارابگرد
مق: داشتن، داراب
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Old Persian
dâr: to hold
AHD:335
Persian
dârâbgard: "city of Dârâb" دارابگرد
BQT, TZF
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Old Persian
krta: creation, city
HRN:201
داركوب رجوع شود به: درخت
دارو۱ رجوع شود به: درست
دارو۲ رجوع شود به: درمان
داربه
Indo-European
Deru: wood, tree, to be firm چوب، درخت، محکم بودن
POK:214
Avestan
dru, dâuru, derežda, draxta: tree, wood
POK:214, KLN:1644, SNS:318, ETM:65
Persian
dârîyeh: a wood frame, a tambourine with wood rim داریه
NOTE - FVA:146 derives this from the Arabic "D.v.r.: turns".
FVF:256
داریوش
"دارندهٔ نیکی"
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Old Persian
dâr: to hold
dârayat-vahu: he holds goodness
AHD:335
Persian
Dârîûš: Darius, king of Persia داریوش
BQT, TZF
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
vohu, vahu: good
POK:1174
داس
مق: بیدستر
Indo-European
Dâ 1: to divide, cut in pieces تقسیم کردن ، قطعه قطعه کردن
POK:175
Sanskrit
dâtra: sickle
POK:175, BQT:904
Pahlavi
dâs: sickle
BQT:813
Persian
dâs: sickle داس
POK:175, BQT:333,813
داستان
"مورد قانونی"
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
dâ 2: to settle, to give
dâtô, dâta: that which is settled, law
POK:235, FFD:52
Pahlavi
dâtastân: law, a legal case (story)
HRN:127
Persian
dâstân: story داستان
BQT:862
داشتن
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Av/Old
dâr, dr: to hold
POK:252
Pahlavi
dâštan: to have
pad-en-dâštan: to take, consider
FFD:43,52
Persian
dâštan: to have, own داشتن (دارا، داراب)
pendâštan: to think, consider پنداشتن (پندار)
BQT:810, FFD:43
داشن
هم: دادن
هم: donate
Indo-European
Dô: to give, create دادن، خلق کردن
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
BQT:121, POK:223,225
Pahlavi
dâtan: to give
dâhišn: gift
NYB:56, HRN:61,115
Persian
dâšan: gift, tip داشن (دهش، دَشت۲)
BQT, FSF, SNS
داغ
هم: day
Indo-European
Dhegh: to heat, burn گرم کردن، سوزاندن
POK:240
Avestan
daǧa, dâǧah: hot
daxma: place for burning the dead
POK:240, BQT:815, 827
Persian
dâǧ: hot داغ
daxmeh: tomb دخمه
FSF:173
دام۱
حیوانات اهلی
Indo-European
Dema: to tame and domesticate animals اهلی کردن حیوانات
POK:199, KLN:442
Avestan
dâman: domestic animals
BQT:817
Persian
dâm: domestic animals دام
KLN:1569, POK:199, BQT:817
دام۲
تله
Indo-European
Dê, Dah 2: to bind, tie بستن
POK:183,EIV
Avestan
dâ 4: trap
POK:183
Pahlavi
dâm: trap
EIV:47
Persian
dâm: trap دام
BQT:817,EIV

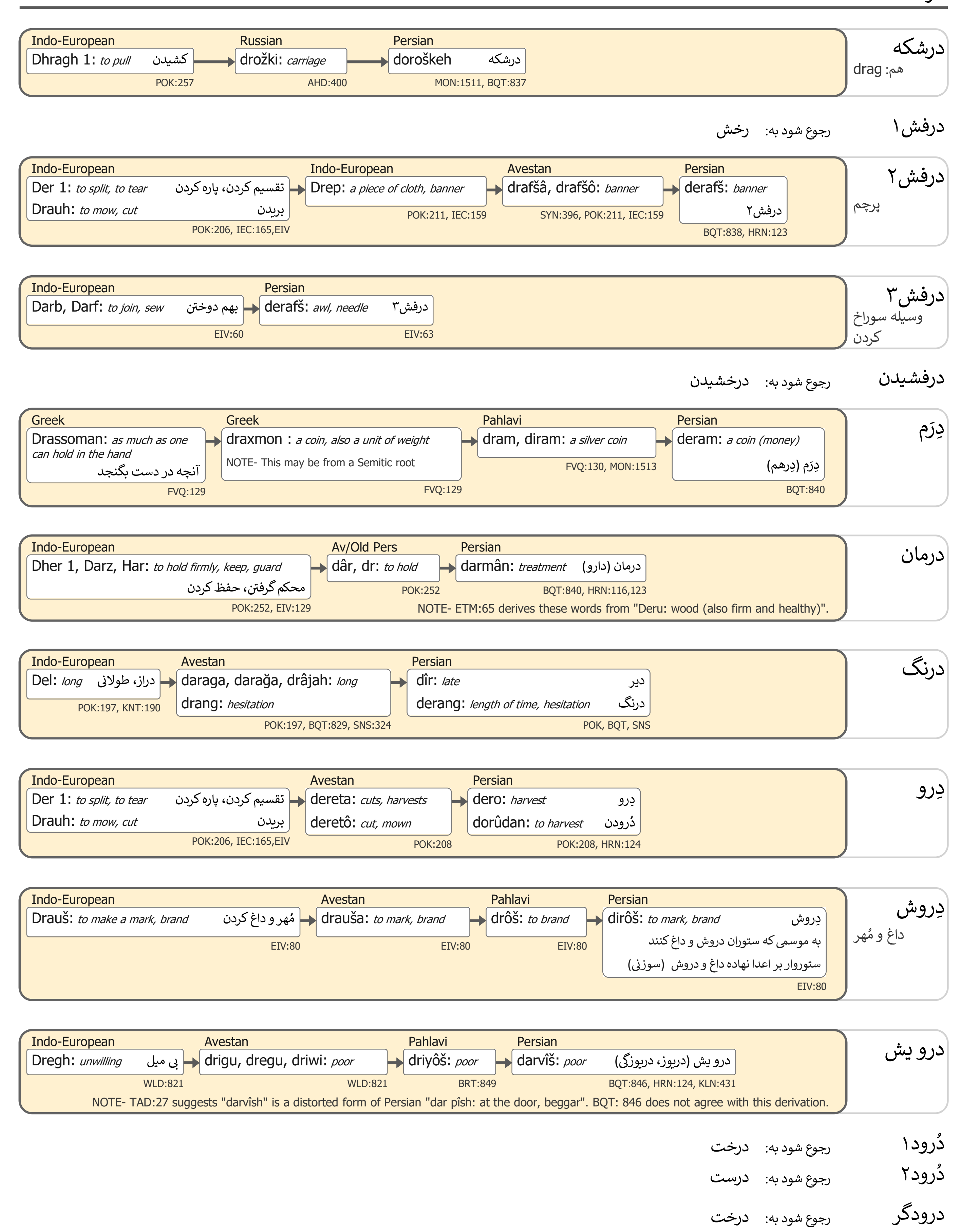


داماد
Indo-European
Geme: to marry ازدواج کردن
POK:369
Indo-European
Ter 2, Tar: a kinship term پسوند گروه یا فامیل
PRT:863, AHD:1500
Avestan
jâma: kinship (daughter)
zâmâ-tar: married to the family
POK:369, HRN:117, IEC:402
Pahlavi
dâmât: bride groom
MON:1487
Persian
dâmâd: son-in-law, bride groom
داماد
BQT:817
دان ـ
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
dhana: vessel, holder, pot
POK:238
Persian
dân: vessel, holder دان (گلدان)
BQT:818
دانستن
هم: know
Indo-European
Gnô: to know دانستن
POK:376
Av/Old Pers
dan, dânâ: to know
POK:376, BQT:1298
Persian
dânestan دانستن (دانش)
BQT, FFD
دانش
رجوع شود به: دانستن
دانگ
رجوع شود به: دانه
دانه
Indo-European
Dhê 1, Dah 1: to suckle milk, to produce شیردادن، تولید کردن
POK:241,EIV
Av/Old Pers
dânô: grain
danâxe: grain
POK:242
Persian
dâneh: grain دانه
dâng: grain, also one sixth دانگ
BQT:820
NOTE- Compare with the root "Dheugh: to milk"
دانوب
"رودخانه"
Indo-European
Dâ 2: to flow جریان یافتن
Dânu: river رودخانه
POK:175
Av/Old Pers
dânu: river, water
Dânavo: Danube river
POK:175, IRN:123
Greek
Dânao: Danube
NOTE- This word apparently entered European languages through Scythians (7th century B.C.).
POK:175, IRN:123, MON5: 772
French
Persian
Dânûb دانوب
MON5: 516
دانیدن
غلطانیدن
Indo-European
Dhen: to flow, run around جاری شدن ، دور زدن
POK:249
Old Persian
danuvatiy: flows
POK:249, ARN:265
Persian
dânîdan: to roll دانیدن
ARN:265
داو
رجوع شود به: داوطلب
داور
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Avestan
â-vare, â-bar-a: bring
BQT:66, MON:1395, FFD:28
Avestan
dâ 2: to settle, to give
dâtô, dâta: that which is settled, law
dâtô-vare: carrier of judgment, judge
POK:235, FFD:52
Persian
dâvar: judge, referee
داور
BQT:807,814,821, HRN:118, NYB:60
NOTE- NYB:60 derives "dâd" from "dâdan: to give one's right"
داوطلب
"نوبت طلب"
Indo-European
Dâ 1: to divide, cut in pieces
تقسیم کردن ، قطعه قطعه کردن
POK:175
Indo-European
Dabh, Dâbh : one's turn or strike in battle, harm
IEC:129, AHD:1511
Persian
dâv: one's turn or strike in a game داو
dâv-talab: one who seeks his turn, volunteer داوطلب
IEC:129, MON:1492
دایه
Indo-European
Dhê 1, Dah 1: to suckle milk, to produce
شیردادن، تولید کردن
POK:241,EIV
Indo-European
Dhe-mnâ: one who gives milk, nurse
شیر دهنده، پرستار
POK:241,EIV
Avestan
daenu: female
POK:241
Pahlavi
dâyag: foster-mother
EIV:47
Persian
dâyeh: baby sitter, nurse دایه
dâyê: mother's brother دایی
BQT:822, HRN:119
NOTE- Compare with the root "Dheugh: to milk"
دایی
رجوع شود به: دایه
دَبز
ضخامت
Indo-European
Bhengh, Banz: to be thick, dense کلفت، غلیظ
POK:127
Avestan
bazah: height, depth
POK:127, KLN:1109
Persian
dabz: thickness, roughness دَبز
MON,EIV

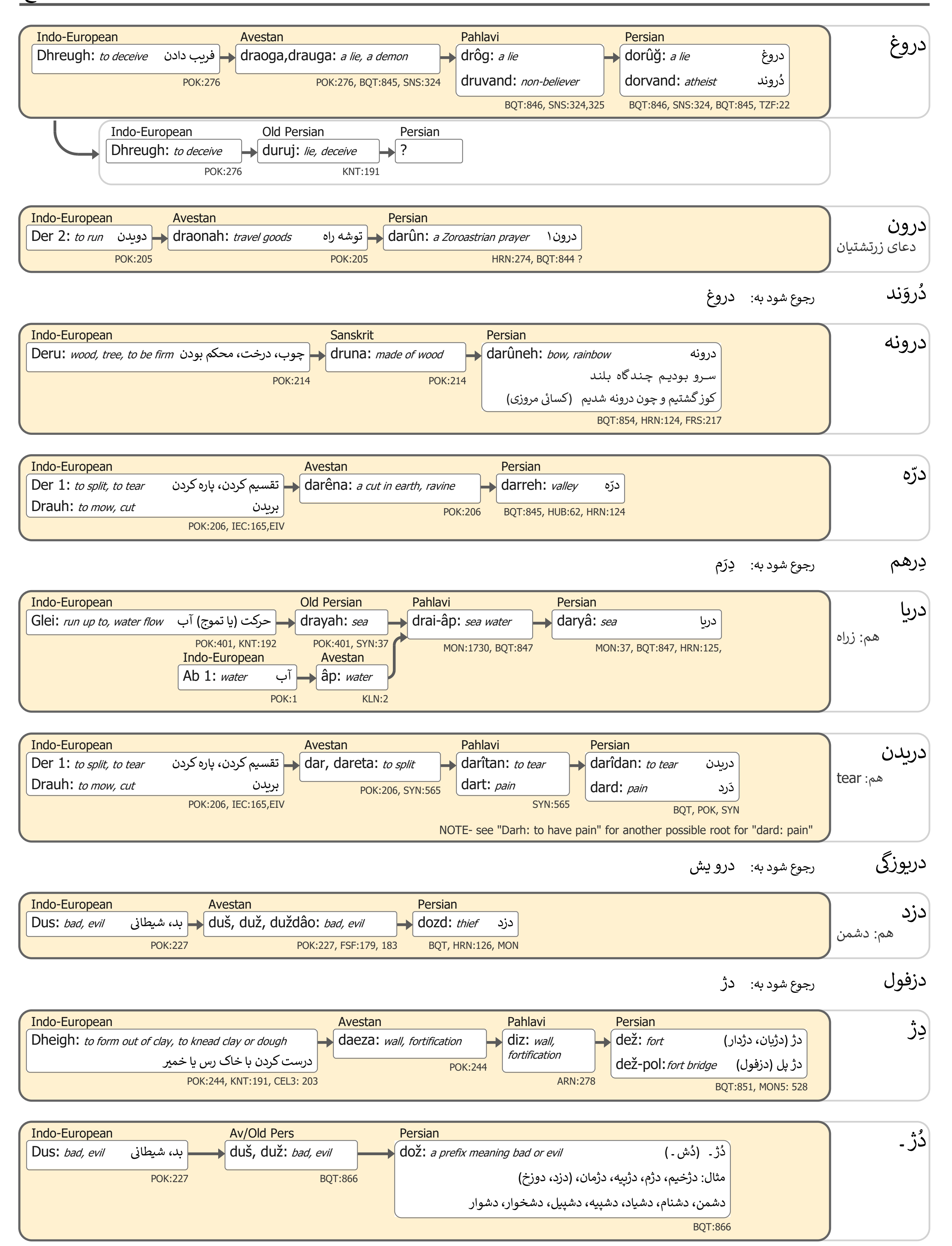

دبستان
رجوع شود به: دبیر
دبیر
Sumerian
Dub: tablet, scripture لوحه، نوشته
AKD:19, BQT:823
Old Persian
dipi: to write
BQT:823
Persian
teacher دبیر (دبستان، دیباچه، دیوان)
BQT:824, KLN:467, AKD:19, ETM:36
دجله
"سریع"
Indo-European
Steig, Teig: pointed, sharp
نوک دار ، تیز
POK:1016
Av/Old Pers
tiğra: sharp, pointed
tigrâ: Tigris, "fast moving" river
POK:1016
Semitic
Diglat: Tigris
IRN:112
Arabic
dijlat: river name
IRN:112
Persian
dejleh: Tigris river دجله (دیاله)
MON5: 520, IRN:112
NOTE- "Arvand: swift (river)" is a translation of "Dejleh: fast (river)".
دختر
"شیر دوش"
هم: daughter
Indo-European
Dheugh: to milk شیر دوشیدن
NOTE- Compare with "Dhê 1: to suckle milk"
POK:271,277, WLD:847,868
Indo-European
Ter 2, Tar: a kinship term پسوند گروه یا فامیل
PRT:863, AHD:1500
Indo-European
Dhugh-tar: milker (of the family), daughter
POK:277, WLD:868
Avestan
dugeda, duğdâr: daughter (milker)
KLN:404, POK:277, BQT:333
Persian
doxtar: daughter, girl
دختر
BQT, WLD:868
NOTE- compare with the Persian word "dûxtan: to milk"
دختراندر
رجوع شود به: دختر + اندر۲
دخش۱
حرفه
Indo-European
Dek: take, accept, understand گرفتن، قبول کردن
POK:189
Avestan
daxš 1: make things understandable, teach
POK:189, WLD1: 784, SYN:1227
Persian
daxš 1: trade, occupation دخش۱
POK:189, BRT:667, BQT:827
دخش۲
تاریک
Indo-European
Dhegh: to heat, burn گرم کردن، سوزاندن
POK:240
Avestan
dağa, dâğah: hot
daxša: burnt
POK:240, BQT:815, 827
Persian
daxš 2: dark دخش۲
گناهش به یزدان بخشنده بخش
مکن روز بر دشمن ودوست دخش (فردوسی)
FSF:173
دخمه
رجوع شود به: داغ
دَد
هم: دندان
Indo-European
Denk: to bite گاز گرفتن
POK:201
Avestan
danta, dantan: tooth
daitika: wild (biting) animals
POK:201, SYN:138
Persian
dad: wild animal دَد
BQT:884, BRT:653, HRN:120
دده۱
Indo-European
Âtos: father, mother, family, race پدر، مادر، فامیل، نژاد
POK:71, AHD:1507
Indo-European
Tât, Tâta: daddy
Dhêdh: grandfather
SYN:94, WLD1: 44, IEC:178,1369
Persian
dadeh: great-grandparents دده۱
IEC:178, MON:1499
دَده۲
Indo-European
Dhedh: nurse پرستار
IEC:178
Persian
dadeh: maid servant, nurse دَده۲
IEC:178, MON:1499
در
هم: door
Indo-European
Dhwer: door در
POK:278, KNT:191
Av/Old Pers
dvar, duvara: door
BQT:828, KNT:191
Persian
dar: door در (درب)
BQT, FVF:98,240
دراز
هم: درنگ
Indo-European
Del: long دراز، طولانی
POK:197, KNT:190
Avestan
daraga, darağa, drâjah: long
POK:197, BQT:829, SNS:324
Persian
derâz: long دراز
POK, BQT, SNS



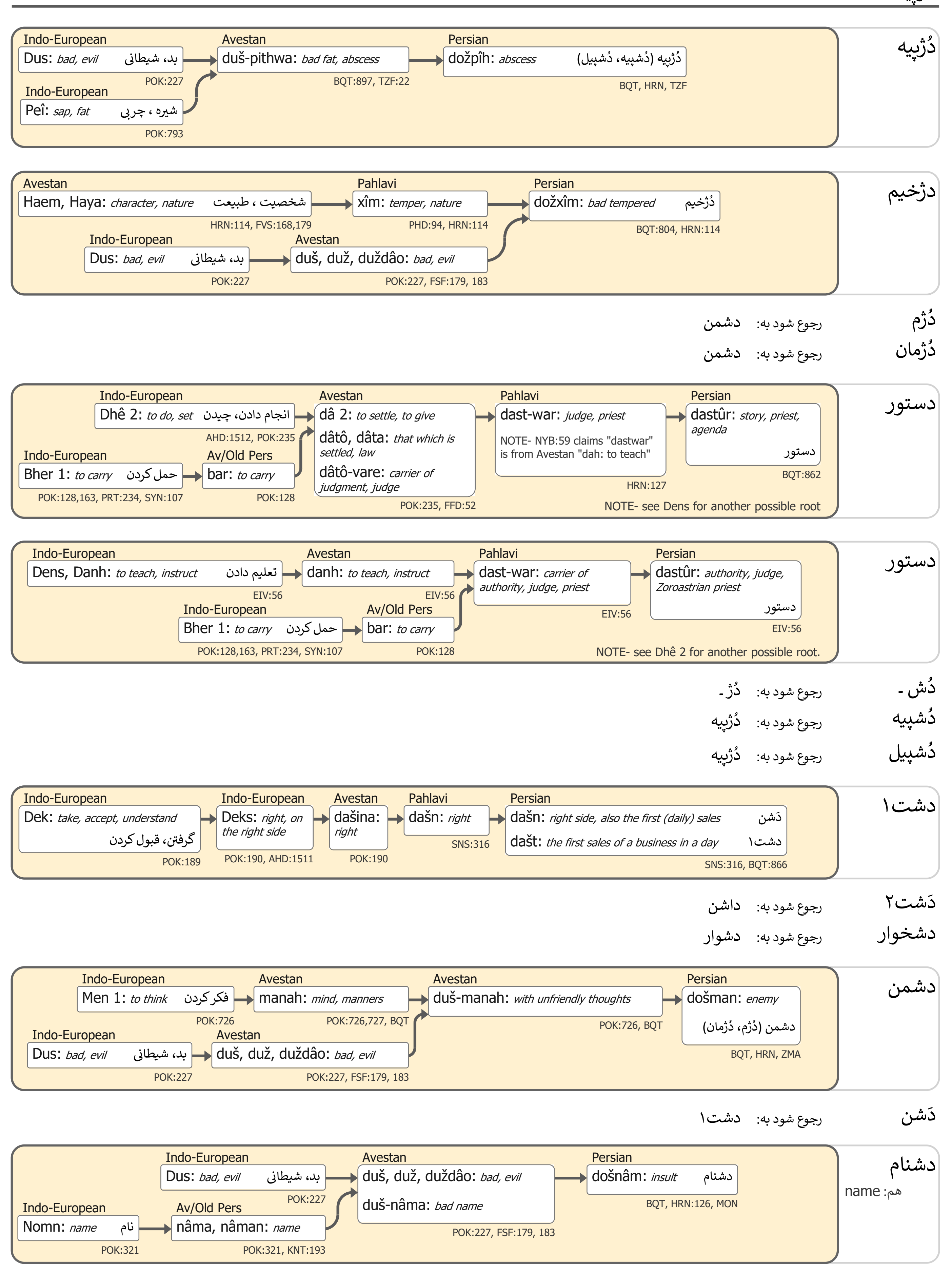
دراییدن
Indo-European
Dhreu, Drau: to call on فراخواندن
EIV:77
Pahlavi
drâyî: to howl, talk
EIV:77
Persian
darâyîdan: to talk دراییدن
نزاری ، ز پاکیزه کاران درای
ز پاکان و پاکیزه کاران سرای (نزاری قهستانی)
EIV:77
درب رجوع شود به: در
دربار رجوع شود به: بار۲
دربان رجوع شود به: پاییدن
دربند
"منطقه محصور"
Indo-European
Dhwer: door در
POK:278, KNT:191
Av/Old Pers
dvar, duvara: door
BQT:828, KNT:191
Persian
darband: "enclosed area" دربند (بندر)
BQT, FVF:98,240
Indo-European
Bhendh: to bind, fasten بستن
POK:127
Avestan
banda: band, tie
POK:127, BQT:449
درخت
هم: tree
Indo-European
Deru: wood, tree, to be firm
چوب، درخت، محکم بودن
POK:214
Avestan
dru, dâuru, derežda, draxta: tree, wood
POK:214, KLN:1644, SNS:318, ETM:65
Persian
deraxt: tree درخت
dorûd 1: wood دُرود۱ (درودگر)
dâr 2: wood دار۲ (دارکوب)
BQT, HRN, FVF, ETM, FSF
Indo-European
Deru: wood, tree, to be firm
POK:214
Old Persian
dâru: wood
asâ-dâru: stone wood, hard wood, ebony
KNT:190
Persian
?
درخش رجوع شود به: رخش
درخشیدن رجوع شود به: رخش
دَرد رجوع شود به: دریدن
دَرد
Indo-European
Darh: to have pain درد داشتن
EIV:61
Pahlavi
dard: pain, illness
EIV:61
Persian
dard: pain, illness دَرد
EIV:61
NOTE- see "Der 1: to split, tear" for another possible root
درز
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard
محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Avestan
dereza: to hold together, close, tighten
POK:252,258
Persian
darz: seam درز
darzî: tailor درزی
darzmân: thread درزمان
darzan: needle درزن
HRN:122, CEL3: 254, MON:1510,EIV
درزمان رجوع شود به: درز
درزن رجوع شود به: درز
درزی رجوع شود به: درز
درست
هم: درخت
Indo-European
Deru: wood, tree, to be firm
چوب، درخت، محکم بودن
POK:214
Avestan
drva: healthy, sound
dârug: medicine from plants
POK:214, ETM:65
Persian
dorost: healthy, right درست
dârû: medicine. See "Dher 1" for another possible root. دارو
dorûd 2: greetings دُرود۲
POK, BQT
درشت
هم: dare
Indo-European
Dhars: to dare جرات کردن
POK:259
Av/Old Pers
darš: dare, to be bold
daršam: boldly
POK:259, SYN:1149, KNT:190
Persian
dorošt: large, rough درشت
HRN:122, BQT:837
NOTE- POK:216 derives it from "Deru: wood, firm".



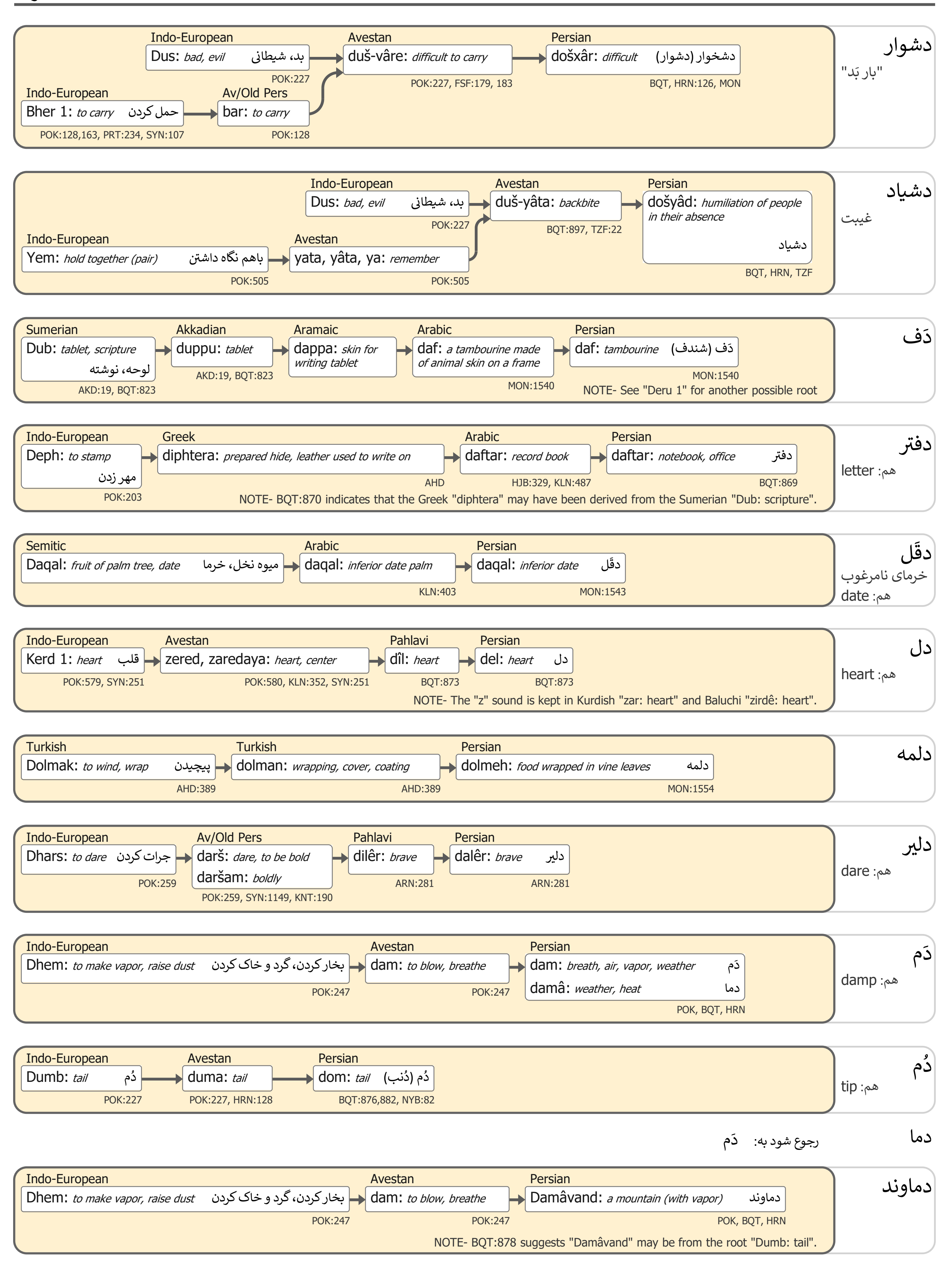
درشکه
هم: drag
Indo-European
Dhragh 1: to pull کشیدن
POK:257
Russian
drožki: carriage
AHD:400
Persian
doroškeh درشکه
MON:1511, BQT:837
درفش۱
رجوع شود به: رخش
درفش۲
پرچم
Indo-European
Der 1: to split, to tear تقسیم کردن، پاره کردن
Drauh: to mow, cut بریدن
POK:206, IEC:165,EIV
Indo-European
Drep: a piece of cloth, banner
POK:211, IEC:159
Avestan
drafšâ, drafšô: banner
SYN:396, POK:211, IEC:159
Persian
derafš: banner
درفش۲
BQT:838, HRN:123
درفش۳
وسیله سوراخ کردن
Indo-European
Darb, Darf: to join, sew بهم دوختن
EIV:60
Persian
derafš: awl, needle درفش۳
EIV:63
درفشیدن
رجوع شود به: درخشیدن
دِرَم
Greek
Drassoman: as much as one can hold in the hand
آنچه در دست بگنجد
FVQ:129
Greek
draxmon : a coin, also a unit of weight
NOTE- This may be from a Semitic root
FVQ:129
Pahlavi
dram, diram: a silver coin
FVQ:130, MON:1513
Persian
deram: a coin (money)
دِرَم (درهم)
BQT:840
درمان
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard
محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Av/Old Pers
dâr, dr: to hold
POK:252
Persian
darmân: treatment درمان (دارو)
BQT:840, HRN:116,123
NOTE- ETM:65 derives these words from "Deru: wood (also firm and healthy)".
درنگ
Indo-European
Del: long دراز، طولانی
POK:197, KNT:190
Avestan
daraga, darağa, drâjah: long
drang: hesitation
POK:197, BQT:829, SNS:324
Persian
dîr: late دیر
derang: length of time, hesitation درنگ
POK, BQT, SNS
دِرو
Indo-European
Der 1: to split, to tear تقسیم کردن، پاره کردن
Drauh: to mow, cut بریدن
POK:206, IEC:165,EIV
Avestan
dereta: cuts, harvests
deretô: cut, mown
POK:208
Persian
dero: harvest دِرو
dorûdan: to harvest دُرودن
POK:208, HRN:124
دِروش
داغ و مُهر
Indo-European
Drauš: to make a mark, brand مُهر و داغ کردن
EIV:80
Avestan
drauša: to mark, brand
EIV:80
Pahlavi
drôš: to brand
EIV:80
Persian
dirôš: to mark, brand دِروش
به موسمی که ستوران دروش و داغ کنند
ستوروار بر اعدا نهاده داغ و دروش (سوزنی)
EIV:80
درو یش
Indo-European
Dregh: unwilling بی میل
WLD:821
Avestan
drigu, dregu, driwi: poor
WLD:821
Pahlavi
driyôš: poor
BRT:849
Persian
darvîš: poor درو یش (دریوز، دریوزگی)
BQT:846, HRN:124, KLN:431
NOTE- TAD:27 suggests "darvîsh" is a distorted form of Persian "dar pîsh: at the door, beggar". BQT: 846 does not agree with this derivation.
دُرود۱
رجوع شود به: درخت
دُرود۲
رجوع شود به: درست
درودگر
رجوع شود به: درخت
دُرودن
رجوع شود به: دِرو

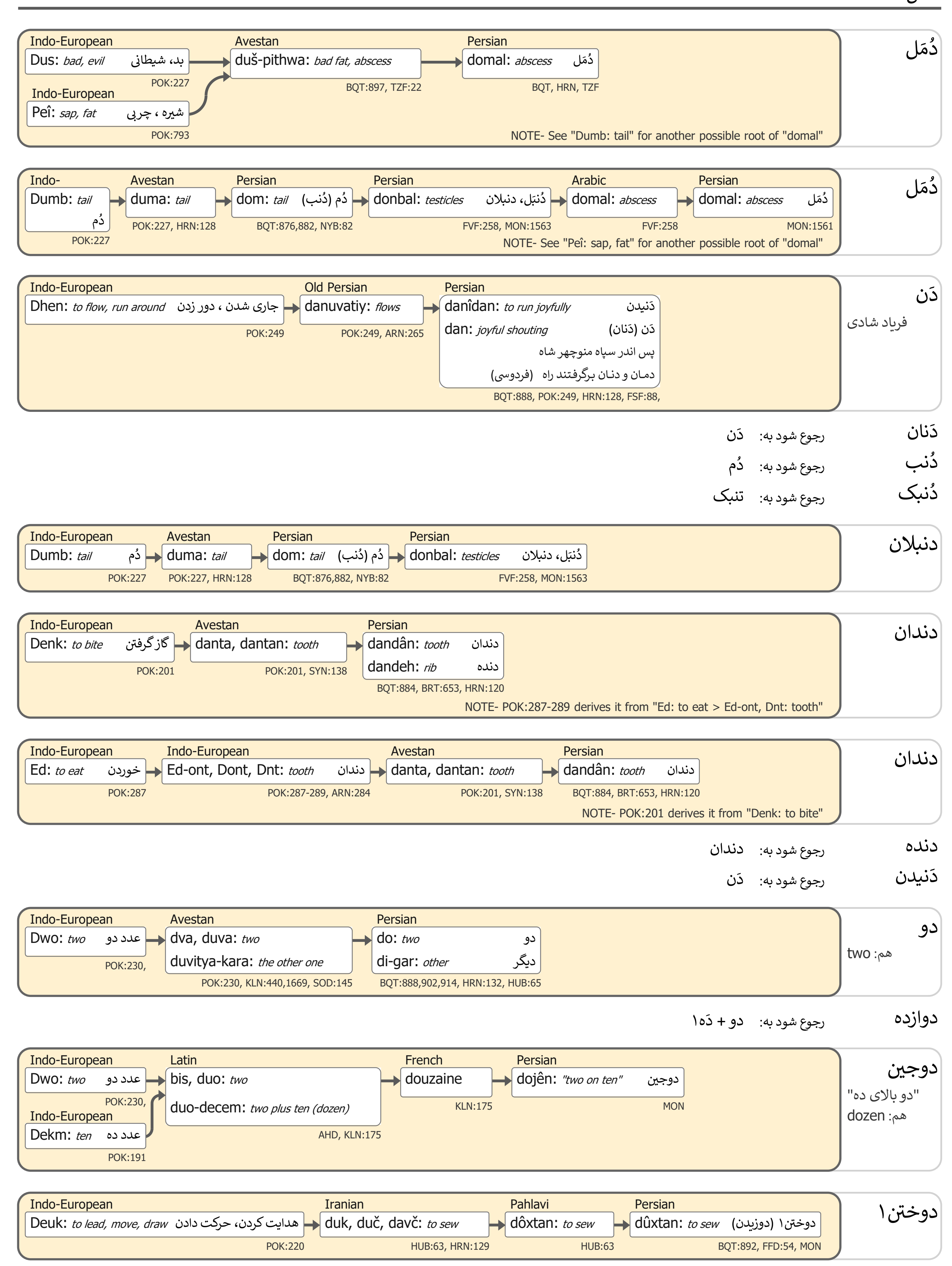


دروغ
Indo-European
Dhreugh: to deceive فریب دادن
POK:276
Avestan
draoga,drauga: a lie, a demon
POK:276, BQT:845, SNS:324
Pahlavi
drôg: a lie
druvand: non-believer
BQT:846, SNS:324,325
Persian
dorûğ: a lie دروغ
dorvand: atheist دُروند
BQT:846, SNS:324, BQT:845, TZF:22
Indo-European
Dhreugh: to deceive
POK:276
Old Persian
duruj: lie, deceive
KNT:191
Persian
?
درون
دعای زرتشتیان
Indo-European
Der 2: to run دویدن
POK:205
Avestan
draonah: travel goods توشه راه
POK:205
Persian
darûn: a Zoroastrian prayer درون۱
HRN:274, BQT:844 ?
دُروَند
رجوع شود به: دروغ
درونه
Indo-European
Deru: wood, tree, to be firm چوب، درخت، محکم بودن
POK:214
Sanskrit
druna: made of wood
POK:214
Persian
darûneh: bow, rainbow درونه
سرو بودیم چندگاه بلند
کوژگشتیم و چون درونه شدیم (کسائی مروزی)
BQT:854, HRN:124, FRS:217
درّه
Indo-European
Der 1: to split, to tear تقسیم کردن، پاره کردن
Drauh: to mow, cut بریدن
POK:206, IEC:165,EIV
Avestan
darêna: a cut in earth, ravine
POK:206
Persian
darreh: valley درّه
BQT:845, HUB:62, HRN:124
دِرهم
رجوع شود به: دِرَم
دریا
هم: زراه
Indo-European
Glei: run up to, water flow حرکت (یا تموج) آب
POK:401, KNT:192
Old Persian
drayah: sea
POK:401, SYN:37
Pahlavi
drai-âp: sea water
MON:1730, BQT:847
Persian
daryâ: sea دریا
MON:37, BQT:847, HRN:125,
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
دریدن
هم: tear
Indo-European
Der 1: to split, to tear تقسیم کردن، پاره کردن
Drauh: to mow, cut بریدن
POK:206, IEC:165,EIV
Avestan
dar, dareta: to split
POK:206, SYN:565
Pahlavi
darîtan: to tear
dart: pain
SYN:565
Persian
darîdan: to tear دریدن
dard: pain دَرد
BQT, POK, SYN
NOTE- see "Darh: to have pain" for another possible root for "dard: pain"
دریوزگی
رجوع شود به: درو یش
دزد
هم: دشمن
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Avestan
duš, duž, duždâo: bad, evil
POK:227, FSF:179, 183
Persian
dozd: thief دزد
BQT, HRN:126, MON
دزفول
رجوع شود به: دژ
دِژ
Indo-European
Dheigh: to form out of clay, to knead clay or dough
درست کردن با خاک رس یا خمیر
POK:244, KNT:191, CEL3: 203
Avestan
daeza: wall, fortification
POK:244
Pahlavi
diz: wall, fortification
ARN:278
Persian
dež: fort دژ (دژبان، دژدار)
dež-pol: fort bridge دژ پل (دزفول)
BQT:851, MON5: 528
دُژ-
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Av/Old Pers
duš, duž: bad, evil
BQT:866
Persian
dož: a prefix meaning bad or evil دُژ- (دُش-)
مثال: دژخیم، دژم، دژپیه، دژمان، (دزد، دوزخ)
دشمن، دشنام، دشیاد، دشپیه، دشپیل، دشخوار، دشوار
BQT:866

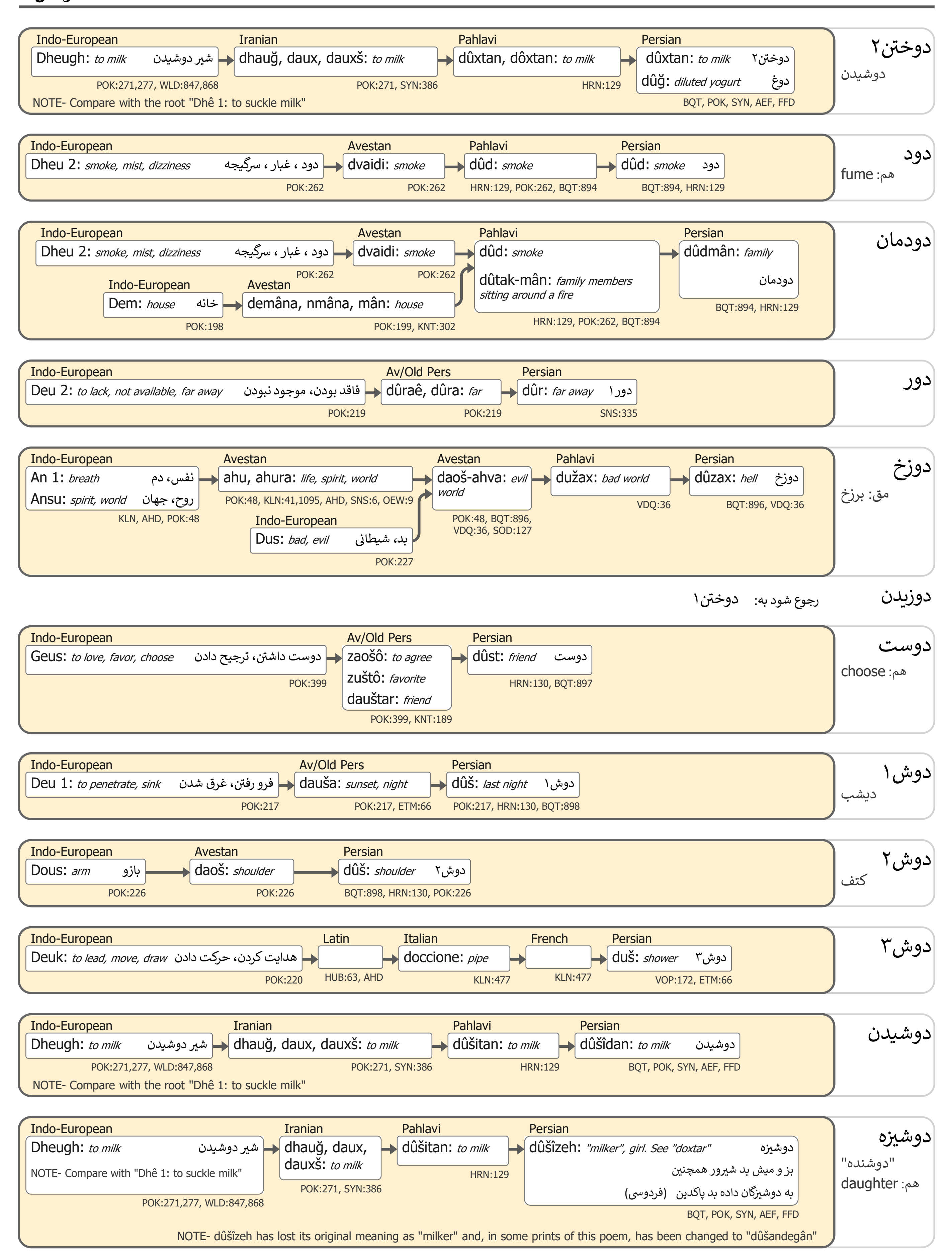


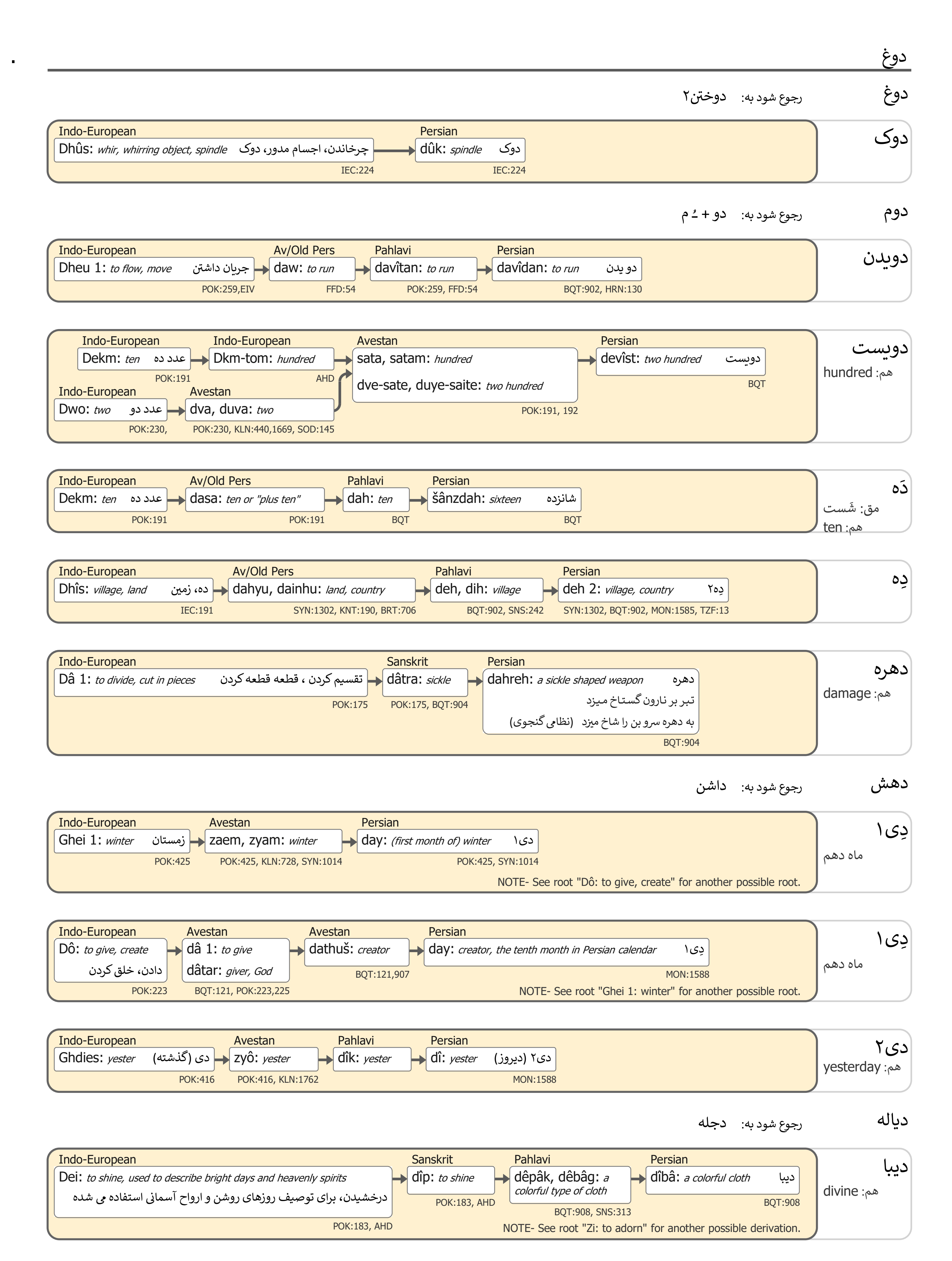
دُژپیه
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Indo-European
Peî: sap, fat شیره ، چربی
POK:793
Avestan
duš-pithwa: bad fat, abscess
BQT:897, TZF:22
Persian
dožpîh: abscess دُژپیه (دُشپیه، دُشپیل)
BQT, HRN, TZF
دژخیم
Avestan
Haem, Haya: character, nature شخصیت ، طبیعت
HRN:114, FVS:168,179
Pahlavi
xîm: temper, nature
PHD:94, HRN:114
Persian
dožxîm: bad tempered دُژخیم
BQT:804, HRN:114
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Avestan
duš, duž, duždâo: bad, evil
POK:227, FSF:179, 183
دُژم رجوع شود به: دشمن
دُژمان رجوع شود به: دشمن
دستور
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Avestan
dâ 2: to settle, to give
dâtô, dâta: that which is settled, law
dâtô-vare: carrier of judgment, judge
POK:235, FFD:52
Pahlavi
dast-war: judge, priest
NOTE- NYB:59 claims "dastwar" is from Avestan "dah: to teach"
HRN:127
Persian
dastûr: story, priest, agenda
دستور
BQT:862
NOTE- see Dens for another possible root
دستور
Indo-European
Dens, Danh: to teach, instruct تعلیم دادن
EIV:56
Avestan
danh: to teach, instruct
EIV:56
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Pahlavi
dast-war: carrier of authority, judge, priest
EIV:56
Persian
dastûr: authority, judge, Zoroastrian priest
دستور
EIV:56
NOTE- see Dhê 2 for another possible root.
دُش - رجوع شود به: دُژ -
دُشپیه رجوع شود به: دُژپیه
دُشپیل رجوع شود به: دُژپیه
دشت۱
Indo-European
Dek: take, accept, understand
گرفتن، قبول کردن
POK:189
Indo-European
Deks: right, on the right side
POK:190, AHD:1511
Avestan
dašina: right
POK:190
Pahlavi
dašn: right
SNS:316
Persian
dašn: right side, also the first (daily) sales دَشن
dašt: the first sales of a business in a day دشت۱
SNS:316, BQT:866
دَشت۲ رجوع شود به: داشن
دشخوار رجوع شود به: دشوار
دشمن
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Avestan
duš, duž, duždâo: bad, evil
POK:227, FSF:179, 183
Avestan
duš-manah: with unfriendly thoughts
POK:726, BQT
Persian
došman: enemy
دشمن (دُژم، دُژمان)
BQT, HRN, ZMA
دَشن رجوع شود به: دشت۱
دشنام
هم: name
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Indo-European
Nomn: name نام
POK:321
Av/Old Pers
nâma, nâman: name
POK:321, KNT:193
Avestan
duš, duž, duždâo: bad, evil
duš-nâma: bad name
POK:227, FSF:179, 183
Persian
došnâm: insult دشنام
BQT, HRN:126, MON

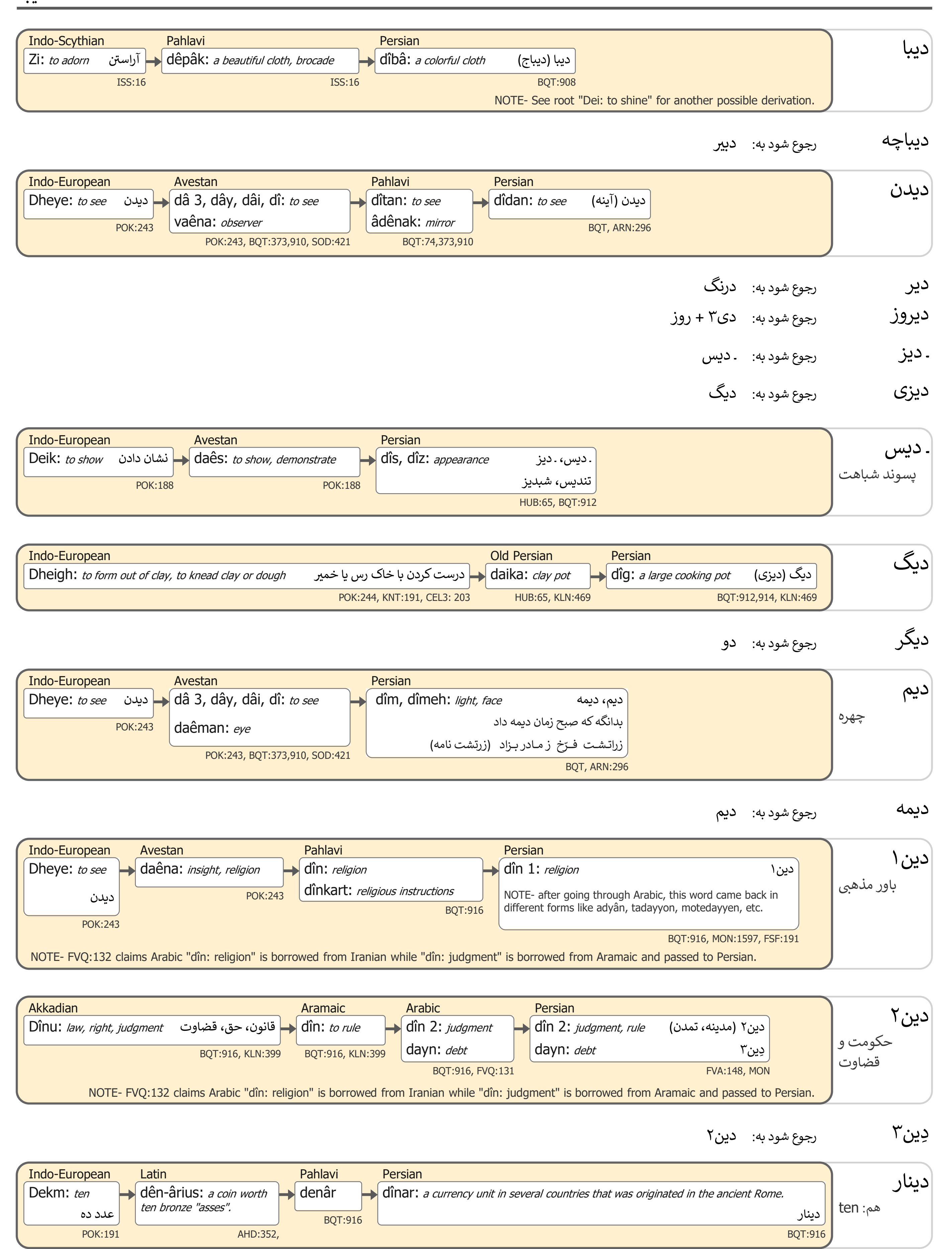

دشوار
"بار بَد"
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Avestan
duš-vâre: difficult to carry
POK:227, FSF:179, 183
Persian
došxâr: difficult دشخوار (دشوار)
BQT, HRN:126, MON
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
دشیاد
غیبت
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Avestan
duš-yâta: backbite
BQT:897, TZF:22
Persian
došyâd: humiliation of people in their absence
دشیاد
BQT, HRN, TZF
Indo-European
Yem: hold together (pair) باهم نگاه داشتن
POK:505
Avestan
yata, yâta, ya: remember
POK:505
دَف
Sumerian
Dub: tablet, scripture
لوحه، نوشته
AKD:19, BQT:823
Akkadian
duppu: tablet
AKD:19, BQT:823
Aramaic
dappa: skin for writing tablet
Arabic
daf: a tambourine made of animal skin on a frame
MON:1540
Persian
daf: tambourine دَف (شندف)
MON:1540
NOTE- See "Deru 1" for another possible root
دفتر
هم: letter
Indo-European
Deph: to stamp
مهر زدن
POK:203
Greek
diphtera: prepared hide, leather used to write on
AHD
Arabic
daftar: record book
HJB:329, KLN:487
Persian
daftar: notebook, office دفتر
BQT:869
NOTE- BQT:870 indicates that the Greek "diphtera" may have been derived from the Sumerian "Dub: scripture".
دقَل
خرمای نامرغوب
هم: date
Semitic
Daqal: fruit of palm tree, date میوه نخل، خرما
Arabic
daqal: inferior date palm
KLN:403
Persian
daqal: inferior date دقَل
MON:1543
دل
هم: heart
Indo-European
Kerd 1: heart قلب
POK:579, SYN:251
Avestan
zered, zaredaya: heart, center
POK:580, KLN:352, SYN:251
Pahlavi
dîl: heart
BQT:873
Persian
del: heart دل
BQT:873
NOTE- The "z" sound is kept in Kurdish "zar: heart" and Baluchi "zirdê: heart".
دلمه
Turkish
Dolmak: to wind, wrap پیچیدن
AHD:389
Turkish
dolman: wrapping, cover, coating
AHD:389
Persian
dolmeh: food wrapped in vine leaves دلمه
MON:1554
دلیر
هم: dare
Indo-European
Dhars: to dare جرات کردن
POK:259
Av/Old Pers
darš: dare, to be bold
daršam: boldly
POK:259, SYN:1149, KNT:190
Pahlavi
dilêr: brave
ARN:281
Persian
dalêr: brave دلیر
ARN:281
دَم
هم: damp
Indo-European
Dhem: to make vapor, raise dust بخار کردن، گرد و خاک کردن
POK:247
Avestan
dam: to blow, breathe
POK:247
Persian
dam: breath, air, vapor, weather دَم
damâ: weather, heat دما
POK, BQT, HRN
دُم
هم: tip
Indo-European
Dumb: tail دُم
POK:227
Avestan
duma: tail
POK:227, HRN:128
Persian
dom: tail دُم (دُنب)
BQT:876,882, NYB:82
دما
رجوع شود به: دَم
دماوند
Indo-European
Dhem: to make vapor, raise dust بخار کردن، گرد و خاک کردن
POK:247
Avestan
dam: to blow, breathe
POK:247
Persian
Damâvand: a mountain (with vapor) دماوند
POK, BQT, HRN
NOTE- BQT:878 suggests "Damâvand" may be from the root "Dumb: tail".



دُمَل
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Indo-European
Peî: sap, fat شیره ، چربی
POK:793
Avestan
duš-pithwa: bad fat, abscess
BQT:897, TZF:22
Persian
domal: abscess دُمَل
BQT, HRN, TZF
NOTE- See "Dumb: tail" for another possible root of "domal"
دُمَل
Indo-
Dumb: tail دُم
POK:227
Avestan
duma: tail
POK:227, HRN:128
Persian
dom: tail دُم (دُنب)
BQT:876,882, NYB:82
Persian
donbal: testicles دُنبَل، دنبلان
FVF:258, MON:1563
Arabic
domal: abscess
FVF:258
Persian
domal: abscess دُمَل
MON:1561
NOTE- See "Peî: sap, fat" for another possible root of "domal"
دَن
فریاد شادی
Indo-European
Dhen: to flow, run around جاری شدن ، دور زدن
POK:249
Old Persian
danuvatiy: flows
POK:249, ARN:265
Persian
danîdan: to run joyfully دَنیدن
dan: joyful shouting دَن (دَنان)
پس اندر سپاه منوچهر شاه
دمان و دنان برگرفتند راه (فردوسی)
BQT:888, POK:249, HRN:128, FSF:88,
دَنان رجوع شود به: دَن
دُنب رجوع شود به: دُم
دُنبک رجوع شود به: تنبک
دنبلان
Indo-European
Dumb: tail دُم
POK:227
Avestan
duma: tail
POK:227, HRN:128
Persian
dom: tail دُم (دُنب)
BQT:876,882, NYB:82
Persian
donbal: testicles دُنبَل، دنبلان
FVF:258, MON:1563
دندان
Indo-European
Denk: to bite گاز گرفتن
POK:201
Avestan
danta, dantan: tooth
POK:201, SYN:138
Persian
dandân: tooth دندان
dandeh: rib دنده
BQT:884, BRT:653, HRN:120
NOTE- POK:287-289 derives it from "Ed: to eat > Ed-ont, Dnt: tooth"
دندان
Indo-European
Ed: to eat خوردن
POK:287
Indo-European
Ed-ont, Dont, Dnt: tooth دندان
POK:287-289, ARN:284
Avestan
danta, dantan: tooth
POK:201, SYN:138
Persian
dandân: tooth دندان
BQT:884, BRT:653, HRN:120
NOTE- POK:201 derives it from "Denk: to bite"
دنده رجوع شود به: دندان
دَنیدن رجوع شود به: دَن
دو
هم: two
Indo-European
Dwo: two عدد دو
POK:230,
Avestan
dva, duva: two
duvitya-kara: the other one
POK:230, KLN:440,1669, SOD:145
Persian
do: two دو
di-gar: other دیگر
BQT:888,902,914, HRN:132, HUB:65
دوازده رجوع شود به: دو + دَه۱
دوجین
"دو بالای ده"
هم: dozen
Indo-European
Dwo: two عدد دو
POK:230,
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Latin
bis, duo: two
duo-decem: two plus ten (dozen)
AHD, KLN:175
French
douzaine
KLN:175
Persian
dojên: "two on ten" دوجین
MON
دوختن۱
Indo-European
Deuk: to lead, move, draw هدایت کردن، حرکت دادن
POK:220
Iranian
duk, duč, davč: to sew
HUB:63, HRN:129
Pahlavi
dôxtan: to sew
HUB:63
Persian
dûxtan: to sew دوختن۱ (دوزیدن)
BQT:892, FFD:54, MON


دوختن۲
دوشیدن
Indo-European
Dheugh: to milk شیر دوشیدن
POK:271,277, WLD:847,868
Iranian
dhauğ, daux, dauxš: to milk
POK:271, SYN:386
Pahlavi
dûxtan, dôxtan: to milk
HRN:129
Persian
dûxtan: to milk دوختن۲
dûğ: diluted yogurt دوغ
BQT, POK, SYN, AEF, FFD
NOTE- Compare with the root "Dhê 1: to suckle milk"
دود
هم: fume
Indo-European
Dheu 2: smoke, mist, dizziness دود ، غبار ، سرگیجه
POK:262
Avestan
dvaidi: smoke
POK:262
Pahlavi
dûd: smoke
HRN:129, POK:262, BQT:894
Persian
dûd: smoke دود
BQT:894, HRN:129
دودمان
Indo-European
Dheu 2: smoke, mist, dizziness دود ، غبار ، سرگیجه
POK:262
Avestan
dvaidi: smoke
POK:262
Indo-European
Dem: house خانه
POK:198
Avestan
demâna, nmâna, mân: house
POK:199, KNT:302
Pahlavi
dûd: smoke
dûtak-mân: family members sitting around a fire
HRN:129, POK:262, BQT:894
Persian
dûdmân: family
دودمان
BQT:894, HRN:129
دور
Indo-European
Deu 2: to lack, not available, far away فاقد بودن، موجود نبودن
POK:219
Av/Old Pers
dûraê, dûra: far
POK:219
Persian
dûr: far away دور۱
SNS:335
دوزخ
مق: برزخ
Indo-European
An 1: breath نفس، دم
Ansu: spirit, world روح، جهان
KLN, AHD, POK:48
Avestan
ahu, ahura: life, spirit, world
POK:48, KLN:41,1095, AHD, SNS:6, OEW:9
Indo-European
Dus: bad, evil بد، شیطانی
POK:227
Avestan
daoš-ahva: evil world
POK:48, BQT:896, VDQ:36, SOD:127
Pahlavi
dužax: bad world
VDQ:36
Persian
dûzax: hell دوزخ
BQT:896, VDQ:36
دوزیدن
رجوع شود به: دوختن۱
دوست
هم: choose
Indo-European
Geus: to love, favor, choose دوست داشتن، ترجیح دادن
POK:399
Av/Old Pers
zaošô: to agree
zuštô: favorite
dauštar: friend
POK:399, KNT:189
Persian
dûst: friend دوست
HRN:130, BQT:897
دوش۱
دیشب
Indo-European
Deu 1: to penetrate, sink فرو رفتن، غرق شدن
POK:217
Av/Old Pers
dauša: sunset, night
POK:217, ETM:66
Persian
dûš: last night دوش۱
POK:217, HRN:130, BQT:898
دوش۲
کتف
Indo-European
Dous: arm بازو
POK:226
Avestan
daoš: shoulder
POK:226
Persian
dûš: shoulder دوش۲
BQT:898, HRN:130, POK:226
دوش۳
Indo-European
Deuk: to lead, move, draw هدایت کردن، حرکت دادن
POK:220
Latin
HUB:63, AHD
Italian
doccione: pipe
KLN:477
French
KLN:477
Persian
duš: shower دوش۳
VOP:172, ETM:66
دوشیدن
Indo-European
Dheugh: to milk شیر دوشیدن
POK:271,277, WLD:847,868
Iranian
dhauğ, daux, dauxš: to milk
POK:271, SYN:386
Pahlavi
dûšitan: to milk
HRN:129
Persian
dûšîdan: to milk دوشیدن
BQT, POK, SYN, AEF, FFD
NOTE- Compare with the root "Dhê 1: to suckle milk"
دوشیزه
"دوشنده"
هم: daughter
Indo-European
Dheugh: to milk شیر دوشیدن
NOTE- Compare with "Dhê 1: to suckle milk"
POK:271,277, WLD:847,868
Iranian
dhauğ, daux, dauxš: to milk
POK:271, SYN:386
Pahlavi
dûšitan: to milk
HRN:129
Persian
dûšîzeh: "milker", girl. See "doxtar" دوشیزه
بز و میش بد شیرور همچنین
به دوشیزگان داده بد پاکدین (فردوسی)
BQT, POK, SYN, AEF, FFD
NOTE- dûšîzeh has lost its original meaning as "milker" and, in some prints of this poem, has been changed to "dûšandegân"


دوغ
دوغ
رجوع شود به: دوختن۲
دوک
Indo-European
Dhûs: whir, whirring object, spindle چرخاندن، اجسام مدور، دوک
IEC:224
Persian
dûk: spindle دوک
IEC:224
دوم
رجوع شود به: دو + ـُ م
دویدن
Indo-European
Dheu 1: to flow, move جریان داشتن
POK:259,EIV
Av/Old Pers
daw: to run
FFD:54
Pahlavi
davîtan: to run
POK:259, FFD:54
Persian
davîdan: to run دو یدن
BQT:902, HRN:130
دویست
هم: hundred
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Indo-European
Dkm-tom: hundred
AHD
Indo-European
Dwo: two عدد دو
POK:230,
Avestan
dva, duva: two
POK:230, KLN:440,1669, SOD:145
Avestan
sata, satam: hundred
dve-sate, duye-saite: two hundred
POK:191, 192
Persian
devîst: two hundred دویست
BQT
دَه
مق: شَست
هم: ten
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Av/Old Pers
dasa: ten or "plus ten"
POK:191
Pahlavi
dah: ten
BQT
Persian
šânzdah: sixteen شانزده
BQT
دِه
Indo-European
Dhîs: village, land ده، زمین
IEC:191
Av/Old Pers
dahyu, dainhu: land, country
SYN:1302, KNT:190, BRT:706
Pahlavi
deh, dih: village
BQT:902, SNS:242
Persian
deh 2: village, country دِه۲
SYN:1302, BQT:902, MON:1585, TZF:13
دهره
هم: damage
Indo-European
Dâ 1: to divide, cut in pieces تقسیم کردن ، قطعه قطعه کردن
POK:175
Sanskrit
dâtra: sickle
POK:175, BQT:904
Persian
dahreh: a sickle shaped weapon دهره
تبر بر نارون گستاخ میزد
به دهره سرو بن را شاخ میزد (نظامی گنجوی)
BQT:904
دهش
رجوع شود به: داشن
دِی۱
ماه دهم
Indo-European
Ghei 1: winter زمستان
POK:425
Avestan
zaem, zyam: winter
POK:425, KLN:728, SYN:1014
Persian
day: (first month of) winter دی۱
POK:425, SYN:1014
NOTE- See root "Dô: to give, create" for another possible root.
دِی۱
ماه دهم
Indo-European
Dô: to give, create
دادن، خلق کردن
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
dâtar: giver, God
BQT:121, POK:223,225
Avestan
dathuš: creator
BQT:121,907
Persian
day: creator, the tenth month in Persian calendar دِی۱
MON:1588
NOTE- See root "Ghei 1: winter" for another possible root.
دی۲
هم: yesterday
Indo-European
Ghdies: yester دی (گذشته)
POK:416
Avestan
zyô: yester
POK:416, KLN:1762
Pahlavi
dîk: yester
Persian
dî: yester دی۲ (دیروز)
MON:1588
دیاله
رجوع شود به: دجله
دیبا
هم: divine
Indo-European
Dei: to shine, used to describe bright days and heavenly spirits
درخشیدن، برای توصیف روزهای روشن و ارواح آسمانی استفاده می شده
POK:183, AHD
Sanskrit
dîp: to shine
POK:183, AHD
Pahlavi
dêpâk, dêbâg: a colorful type of cloth
BQT:908, SNS:313
Persian
dîbâ: a colorful cloth دیبا
BQT:908
NOTE- See root "Zi: to adorn" for another possible derivation.
90



دیبا
Indo-Scythian
Zi: to adorn آراستن
ISS:16
Pahlavi
dêpâk: a beautiful cloth, brocade
ISS:16
Persian
dîbâ: a colorful cloth دیبا (دیباج)
BQT:908
NOTE- See root "Dei: to shine" for another possible derivation.

دیباچه رجوع شود به: دبیر

دیدن
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Avestan
dâ 3, dây, dâi, dî: to see
vaêna: observer
POK:243, BQT:373,910, SOD:421
Pahlavi
dîtan: to see
âdênak: mirror
BQT:74,373,910
Persian
dîdan: to see دیدن (آینه)
BQT, ARN:296

دیر رجوع شود به: درنگ
دیروز رجوع شود به: دی۳ + روز
- دیز رجوع شود به: - دیس
دیزی رجوع شود به: دیگ

- دیس
پسوند شباهت
Indo-European
Deik: to show نشان دادن
POK:188
Avestan
daês: to show, demonstrate
POK:188
Persian
dîs, dîz: appearance - دیس، - دیز
تندیس، شبدیز
HUB:65, BQT:912

دیگ
Indo-European
Dheigh: to form out of clay, to knead clay or dough درست کردن با خاک رس یا خمیر
POK:244, KNT:191, CEL3: 203
Old Persian
daika: clay pot
HUB:65, KLN:469
Persian
dîg: a large cooking pot دیگ (دیزی)
BQT:912,914, KLN:469

دیگر رجوع شود به: دو

دیم
چهره
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Avestan
dâ 3, dây, dâi, dî: to see
daêman: eye
POK:243, BQT:373,910, SOD:421
Persian
dîm, dîmeh: light, face دیم، دیمه
بدانگه که صبح زمان دیمه داد
زراتشت فرخ ز مادر بزاد (زرتشت نامه)
BQT, ARN:296

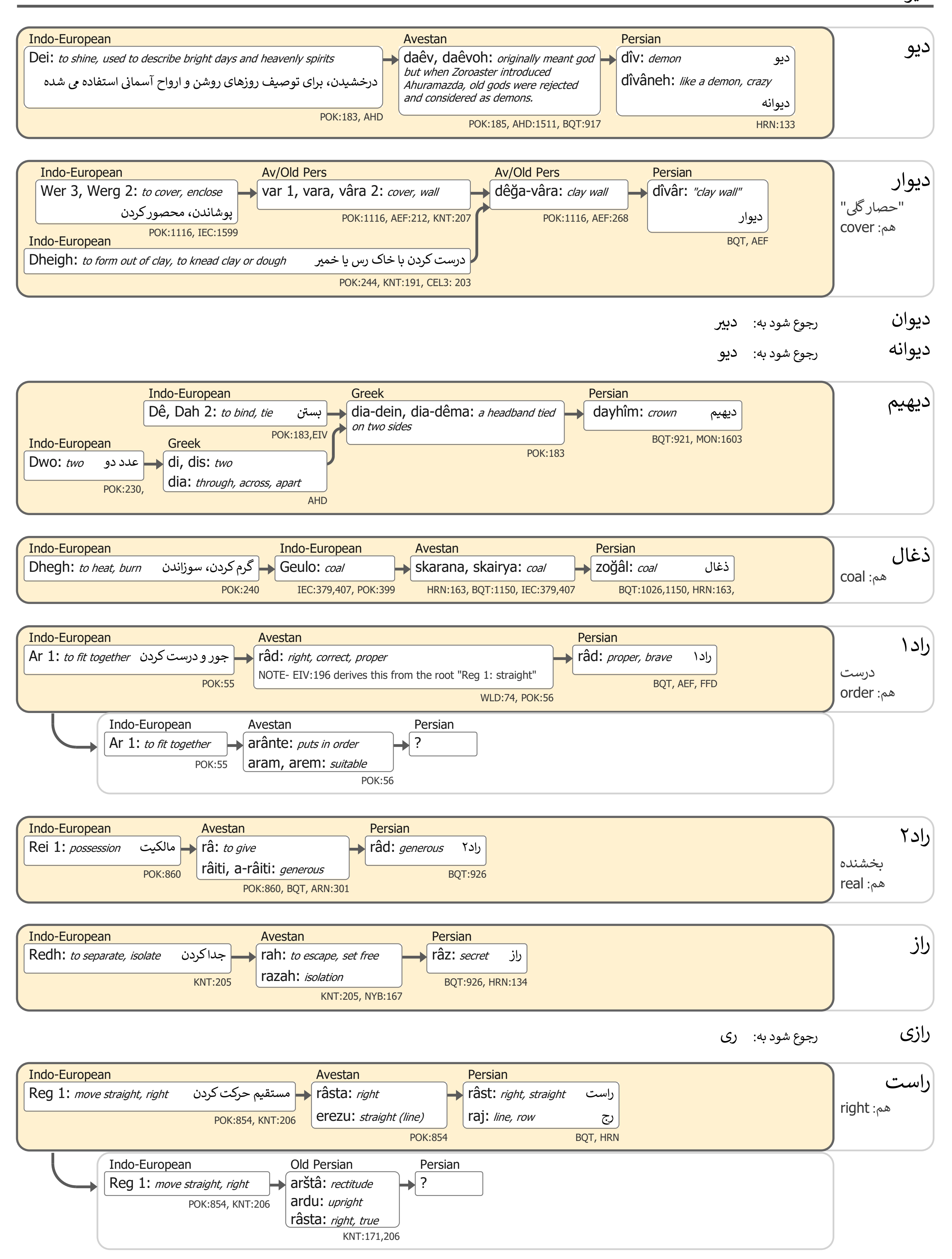
دیمه رجوع شود به: دیم

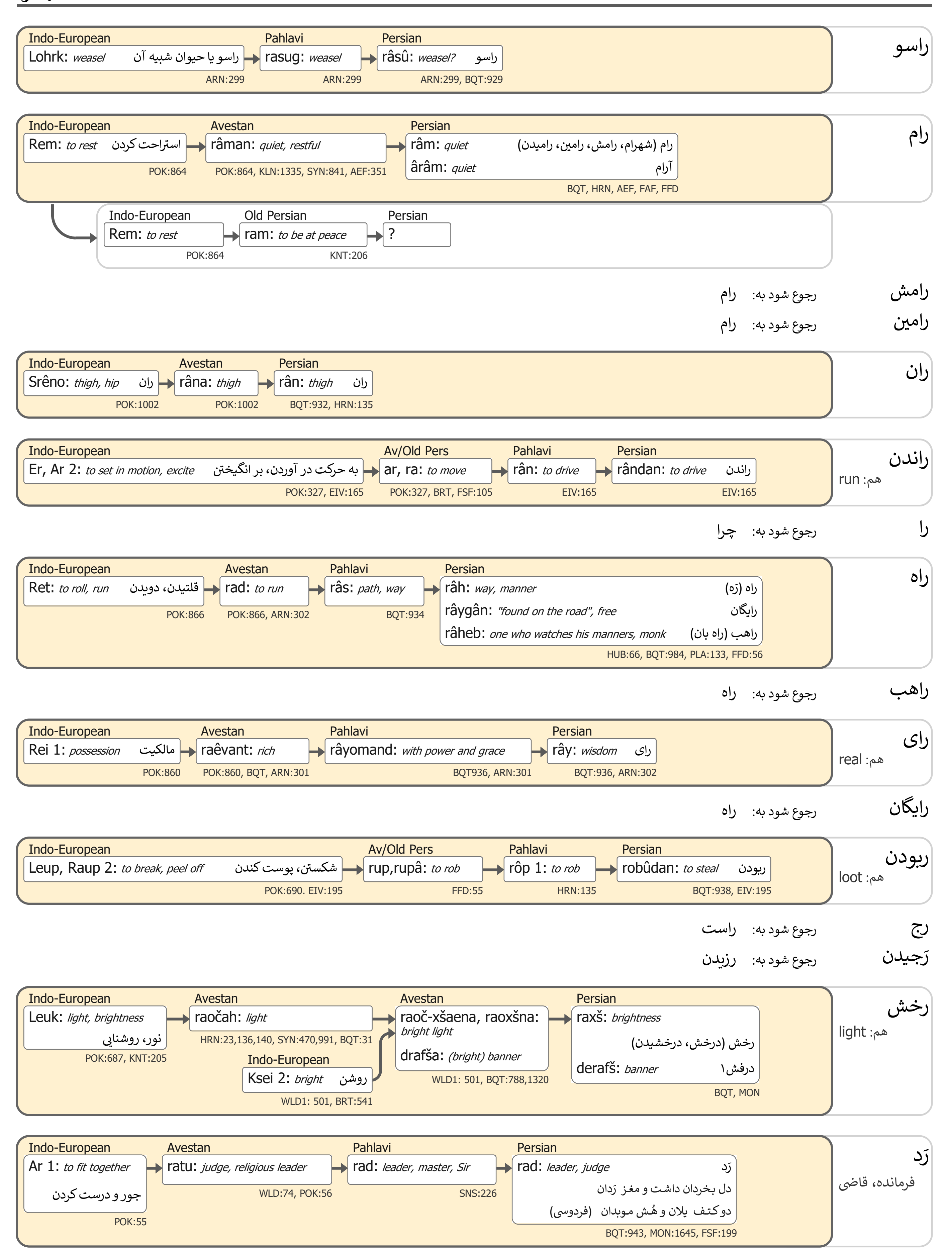
دین۱
باور مذهبی
Indo-European
Dheye: to see
دیدن
POK:243
Avestan
daêna: insight, religion
POK:243
Pahlavi
dîn: religion
dînkart: religious instructions
BQT:916
Persian
dîn 1: religion دین۱
NOTE- after going through Arabic, this word came back in different forms like adyân, tadayyon, motedayyen, etc.
BQT:916, MON:1597, FSF:191
NOTE- FVQ:132 claims Arabic "dîn: religion" is borrowed from Iranian while "dîn: judgment" is borrowed from Aramaic and passed to Persian.

دین۲
حکومت و قضاوت
Akkadian
Dînu: law, right, judgment قانون، حق، قضاوت
BQT:916, KLN:399
Aramaic
dîn: to rule
BQT:916, KLN:399
Arabic
dîn 2: judgment
dayn: debt
BQT:916, FVQ:131
Persian
dîn 2: judgment, rule دین۲ (مدینه، تمدن)
dayn: debt دِین۳
FVA:148, MON
NOTE- FVQ:132 claims Arabic "dîn: religion" is borrowed from Iranian while "dîn: judgment" is borrowed from Aramaic and passed to Persian.

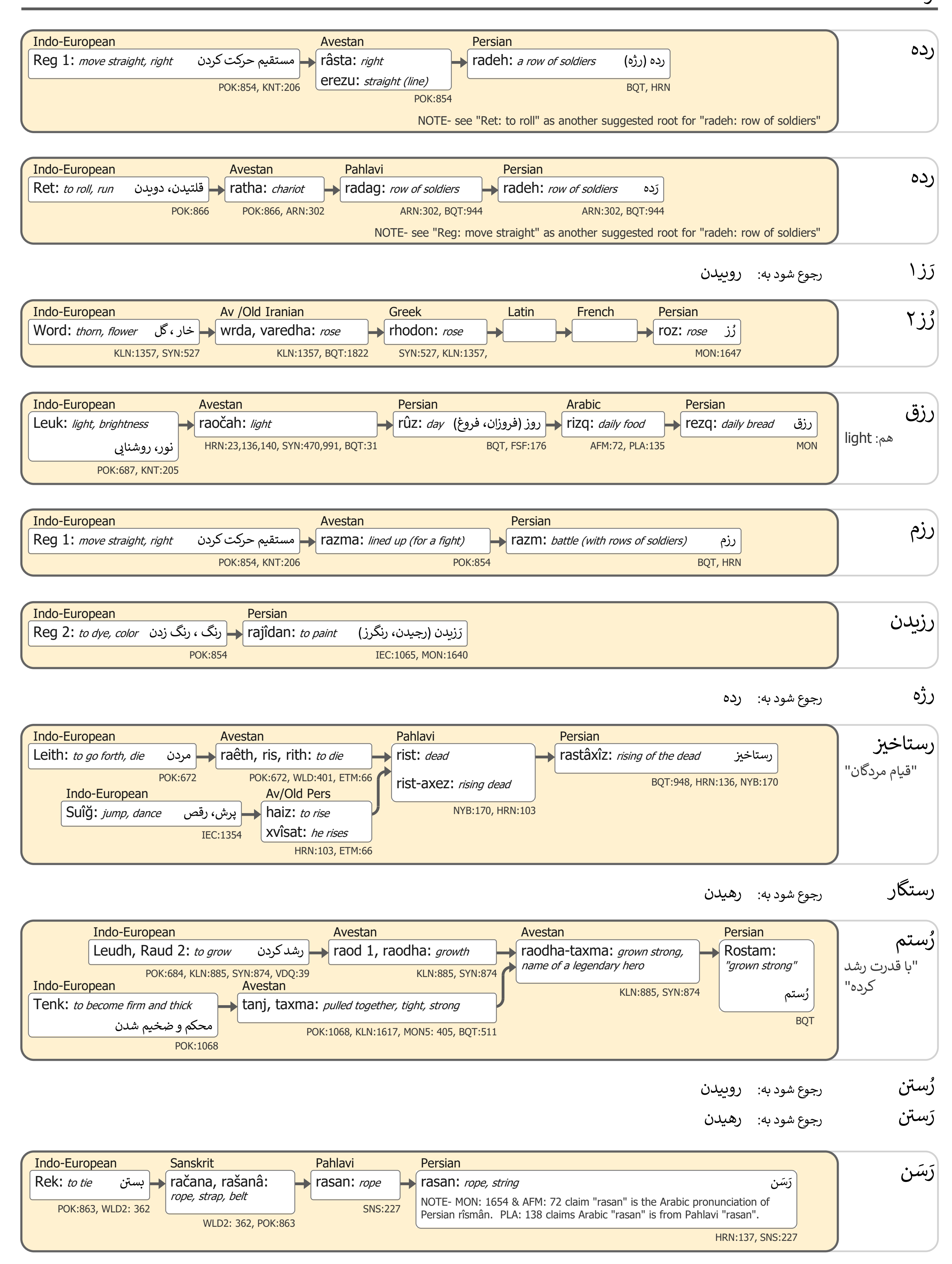
دِین۳ رجوع شود به: دین۲

دینار
هم: ten
Indo-European
Dekm: ten
عدد ده
POK:191
Latin
dên-ârius: a coin worth ten bronze "asses".
AHD:352,
Pahlavi
denâr
BQT:916
Persian
dînar: a currency unit in several countries that was originated in the ancient Rome.
دینار
BQT:916

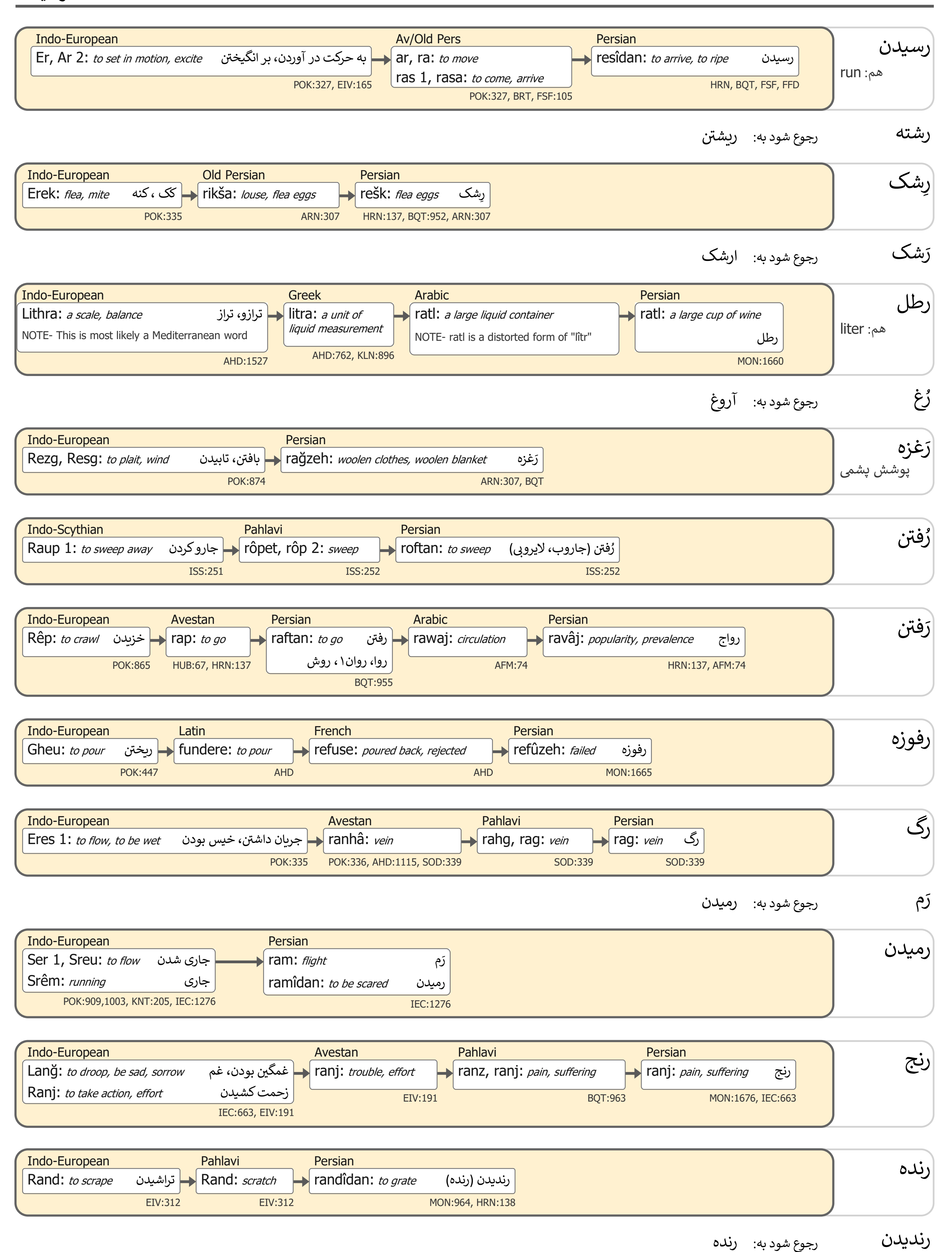

دیو
Indo-European
Dei: to shine, used to describe bright days and heavenly spirits
درخشیدن، برای توصیف روزهای روشن و ارواح آسمانی استفاده می شده
POK:183, AHD
Avestan
daêv, daêvoh: originally meant god but when Zoroaster introduced Ahuramazda, old gods were rejected and considered as demons.
POK:185, AHD:1511, BQT:917
Persian
dîv: demon دیو
dîvâneh: like a demon, crazy
دیوانه
HRN:133
دیوار
"حصار گِلی"
هم: cover
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose
پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Av/Old Pers
var 1, vara, vâra 2: cover, wall
POK:1116, AEF:212, KNT:207
Av/Old Pers
dêğa-vâra: clay wall
POK:1116, AEF:268
Persian
dîvâr: "clay wall"
دیوار
BQT, AEF
Indo-European
Dheigh: to form out of clay, to knead clay or dough
درست کردن با خاک رس یا خمیر
POK:244, KNT:191, CEL3: 203
دیوان رجوع شود به: دبیر
دیوانه رجوع شود به: دیو
دیهیم
Indo-European
Dê, Dah 2: to bind, tie بستن
POK:183,EIV
Greek
dia-dein, dia-dêma: a headband tied on two sides
POK:183
Persian
dayhîm: crown دیهیم
BQT:921, MON:1603
Indo-European
Dwo: two عدد دو
POK:230,
Greek
di, dis: two
dia: through, across, apart
AHD
ذغال
هم: coal
Indo-European
Dhegh: to heat, burn گرم کردن، سوزاندن
POK:240
Indo-European
Geulo: coal
IEC:379,407, POK:399
Avestan
skarana, skairya: coal
HRN:163, BQT:1150, IEC:379,407
Persian
zoğâl: coal ذغال
BQT:1026,1150, HRN:163,
راد۱
درست
هم: order
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Avestan
râd: right, correct, proper
NOTE- EIV:196 derives this from the root "Reg 1: straight"
WLD:74, POK:56
Persian
râd: proper, brave راد۱
BQT, AEF, FFD
Indo-European
Ar 1: to fit together
POK:55
Avestan
arânte: puts in order
aram, arem: suitable
POK:56
Persian
?
راد۲
بخشنده
هم: real
Indo-European
Rei 1: possession مالکیت
POK:860
Avestan
râ: to give
râiti, a-râiti: generous
POK:860, BQT, ARN:301
Persian
râd: generous راد۲
BQT:926
راز
Indo-European
Redh: to separate, isolate جدا کردن
KNT:205
Avestan
rah: to escape, set free
razah: isolation
KNT:205, NYB:167
Persian
râz: secret راز
BQT:926, HRN:134
رازی رجوع شود به: ری
راست
هم: right
Indo-European
Reg 1: move straight, right مستقیم حرکت کردن
POK:854, KNT:206
Avestan
râsta: right
erezu: straight (line)
POK:854
Persian
râst: right, straight راست
raj: line, row رج
BQT, HRN
Indo-European
Reg 1: move straight, right
POK:854, KNT:206
Old Persian
arštâ: rectitude
ardu: upright
râsta: right, true
KNT:171,206
Persian
?

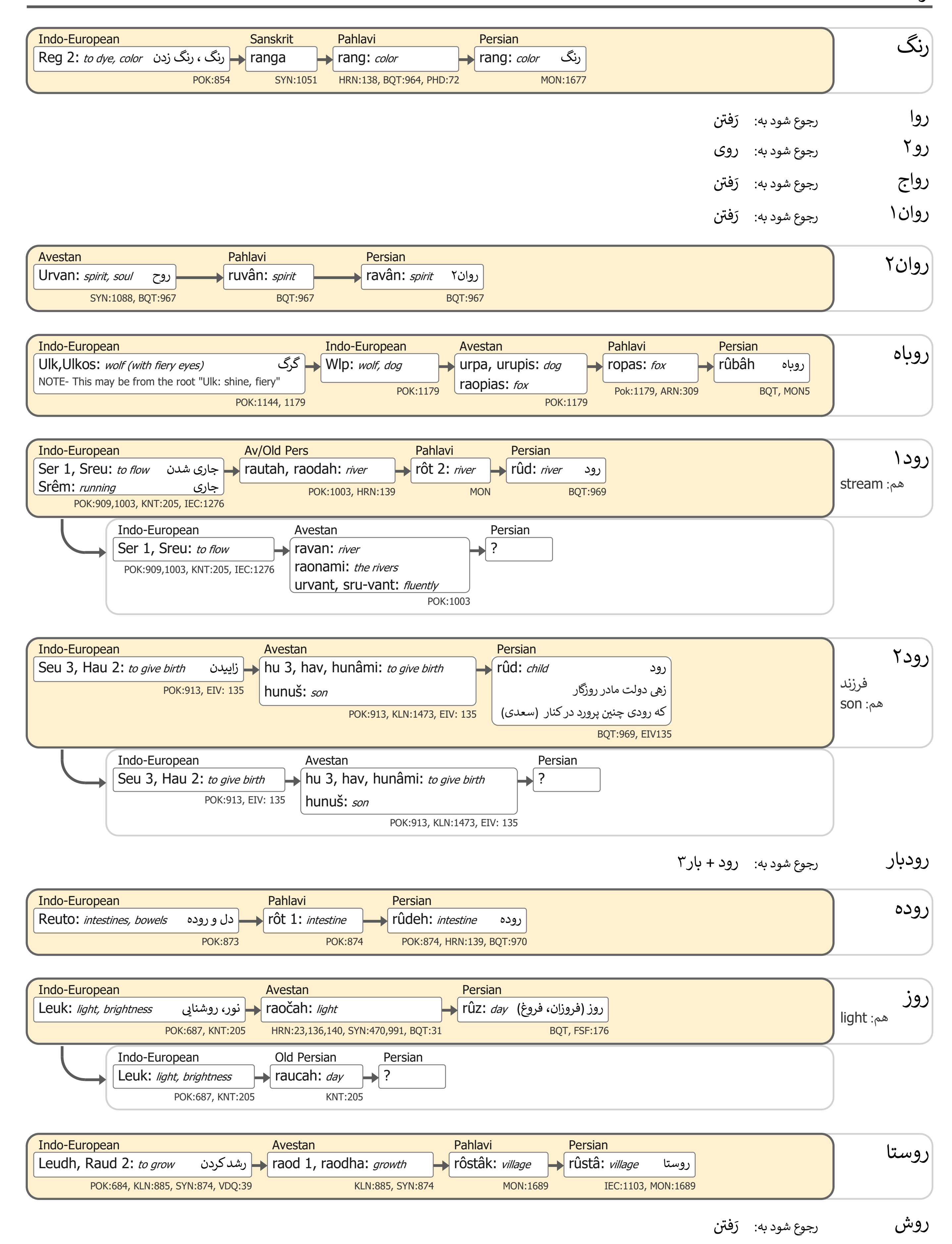


راسو
Indo-European
Lohrk: weasel راسو یا حیوان شبیه آن
ARN:299
Pahlavi
rasug: weasel
ARN:299
Persian
râsû: weasel? راسو
ARN:299, BQT:929
رام
Indo-European
Rem: to rest استراحت کردن
POK:864
Avestan
râman: quiet, restful
POK:864, KLN:1335, SYN:841, AEF:351
Persian
râm: quiet رام (شهرام، رامش، رامین، رامیدن)
ârâm: quiet آرام
BQT, HRN, AEF, FAF, FFD
Indo-European
Rem: to rest
POK:864
Old Persian
ram: to be at peace
KNT:206
Persian
?
رامش رجوع شود به: رام
رامین رجوع شود به: رام
ران
Indo-European
Srêno: thigh, hip ران
POK:1002
Avestan
râna: thigh
POK:1002
Persian
rân: thigh ران
BQT:932, HRN:135
راندن
هم: run
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Av/Old Pers
ar, ra: to move
POK:327, BRT, FSF:105
Pahlavi
rân: to drive
EIV:165
Persian
rândan: to drive راندن
EIV:165
را رجوع شود به: چرا
راه
Indo-European
Ret: to roll, run قلتیدن، دویدن
POK:866
Avestan
rad: to run
POK:866, ARN:302
Pahlavi
râs: path, way
BQT:934
Persian
râh: way, manner راه (رَه)
râygân: "found on the road", free رایگان
râheb: one who watches his manners, monk راهب (راه بان)
HUB:66, BQT:984, PLA:133, FFD:56
راهب رجوع شود به: راه
رای
هم: real
Indo-European
Rei 1: possession مالکیت
POK:860
Avestan
raêvant: rich
POK:860, BQT, ARN:301
Pahlavi
râyomand: with power and grace
BQT936, ARN:301
Persian
rây: wisdom رای
BQT:936, ARN:302
رایگان رجوع شود به: راه
ربودن
هم: loot
Indo-European
Leup, Raup 2: to break, peel off شکستن، پوست کندن
POK:690. EIV:195
Av/Old Pers
rup,rupâ: to rob
FFD:55
Pahlavi
rôp 1: to rob
HRN:135
Persian
robûdan: to steal ربودن
BQT:938, EIV:195
رج رجوع شود به: راست
رَجیدن رجوع شود به: رزیدن
رخش
هم: light
Indo-European
Leuk: light, brightness
نور، روشنایی
POK:687, KNT:205
Avestan
raočah: light
HRN:23,136,140, SYN:470,991, BQT:31
Indo-European
Ksei 2: bright روشن
WLD1: 501, BRT:541
Avestan
raoč-xšaena, raoxšna:
bright light
drafša: (bright) banner
WLD1: 501, BQT:788,1320
Persian
raxš: brightness
رخش (درخش، درخشیدن)
derafš: banner درفش۱
BQT, MON
رَد
فرمانده، قاضی
Indo-European
Ar 1: to fit together
جور و درست کردن
POK:55
Avestan
ratu: judge, religious leader
WLD:74, POK:56
Pahlavi
rad: leader, master, Sir
SNS:226
Persian
rad: leader, judge رَد
دل بخردان داشت و مغز رَدان
دو کتف یلان و هُش موبدان (فردوسی)
BQT:943, MON:1645, FSF:199

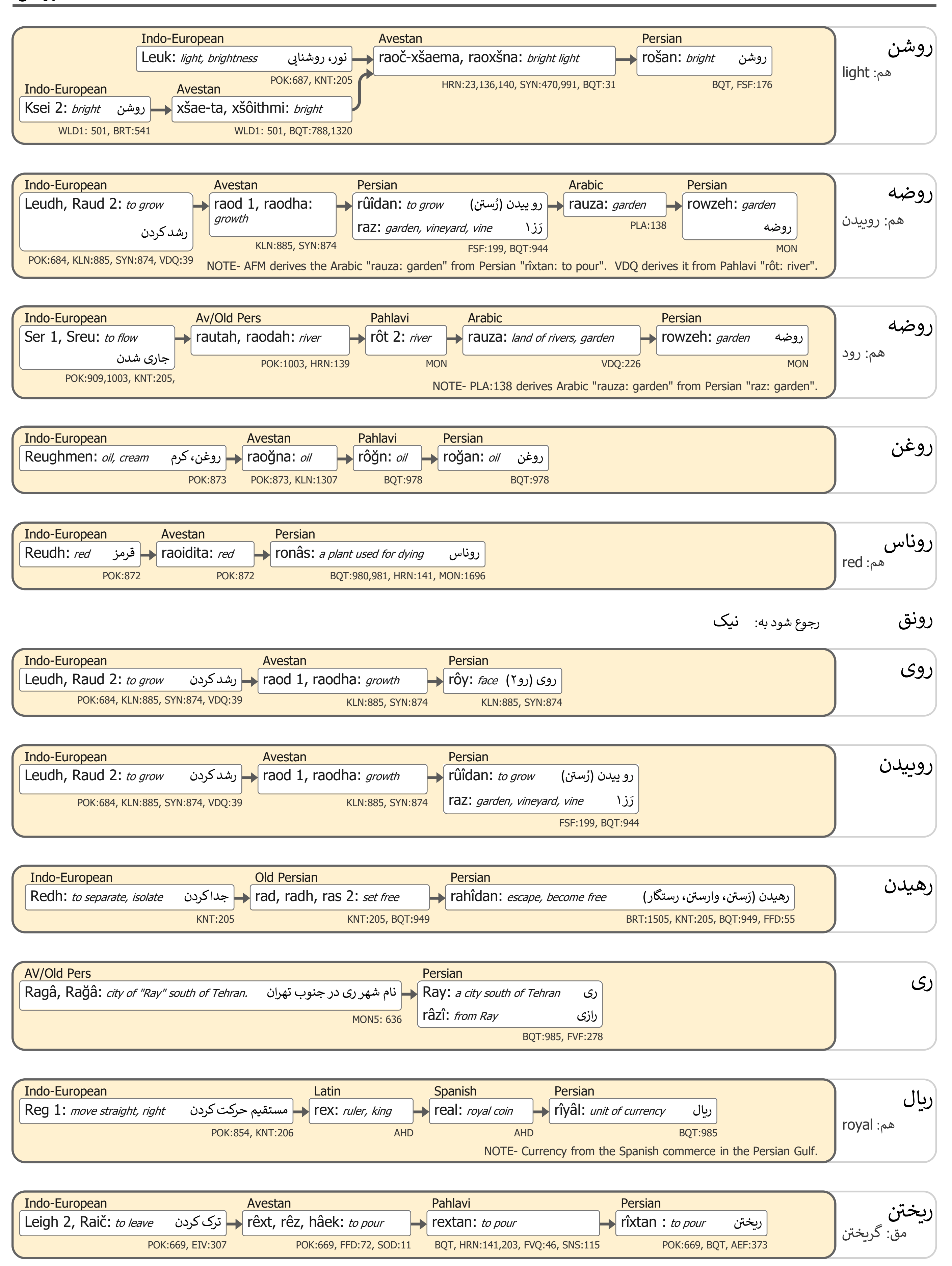


رده
Indo-European
Reg 1: move straight, right مستقیم حرکت کردن
POK:854, KNT:206
Avestan
râsta: right
erezu: straight (line)
POK:854
Persian
radeh: a row of soldiers رده (رژه)
BQT, HRN
NOTE- see "Ret: to roll" as another suggested root for "radeh: row of soldiers"
رده
Indo-European
Ret: to roll, run غلتیدن، دویدن
POK:866
Avestan
ratha: chariot
POK:866, ARN:302
Pahlavi
radag: row of soldiers
ARN:302, BQT:944
Persian
radeh: row of soldiers رَده
ARN:302, BQT:944
NOTE- see "Reg: move straight" as another suggested root for "radeh: row of soldiers"
رَز ۱
رجوع شود به: روییدن
رُز ۲
Indo-European
Word: thorn, flower خار ، گل
KLN:1357, SYN:527
Av /Old Iranian
wrda, varedha: rose
KLN:1357, BQT:1822
Greek
rhodon: rose
SYN:527, KLN:1357,
Latin
French
Persian
roz: rose رُز
MON:1647
رزق
هم: light
Indo-European
Leuk: light, brightness
نور، روشنایی
POK:687, KNT:205
Avestan
raočah: light
HRN:23,136,140, SYN:470,991, BQT:31
Persian
rûz: day روز (فروزان، فروغ)
BQT, FSF:176
Arabic
rizq: daily food
AFM:72, PLA:135
Persian
rezq: daily bread رزق
MON
رزم
Indo-European
Reg 1: move straight, right مستقیم حرکت کردن
POK:854, KNT:206
Avestan
razma: lined up (for a fight)
POK:854
Persian
razm: battle (with rows of soldiers) رزم
BQT, HRN
رزیدن
Indo-European
Reg 2: to dye, color رنگ ، رنگ زدن
POK:854
Persian
rajîdan: to paint رَزیدن (رجیدن، رنگرز)
IEC:1065, MON:1640
رژه
رجوع شود به: رده
رستاخیز
"قیام مردگان"
Indo-European
Leith: to go forth, die مردن
POK:672
Avestan
raêth, ris, rith: to die
POK:672, WLD:401, ETM:66
Pahlavi
rist: dead
rist-axez: rising dead
NYB:170, HRN:103
Persian
rastâxîz: rising of the dead رستاخیز
BQT:948, HRN:136, NYB:170
Indo-European
Suîğ: jump, dance پرش، رقص
IEC:1354
Av/Old Pers
haiz: to rise
xvîsat: he rises
HRN:103, ETM:66
رستگار
رجوع شود به: رهیدن
رُستم
"با قدرت رشد کرده"
Indo-European
Leudh, Raud 2: to grow رشد کردن
POK:684, KLN:885, SYN:874, VDQ:39
Avestan
raod 1, raodha: growth
KLN:885, SYN:874
Avestan
raodha-taxma: grown strong, name of a legendary hero
KLN:885, SYN:874
Persian
Rostam: "grown strong"
رُستم
BQT
Indo-European
Tenk: to become firm and thick
محکم و ضخیم شدن
POK:1068
Avestan
tanj, taxma: pulled together, tight, strong
POK:1068, KLN:1617, MON5: 405, BQT:511
رُستن
رجوع شود به: روییدن
رَستن
رجوع شود به: رهیدن
رَسَن
Indo-European
Rek: to tie بستن
POK:863, WLD2: 362
Sanskrit
račana, rašanâ: rope, strap, belt
WLD2: 362, POK:863
Pahlavi
rasan: rope
SNS:227
Persian
rasan: rope, string رَسَن
NOTE- MON: 1654 & AFM: 72 claim "rasan" is the Arabic pronunciation of Persian rîsmân. PLA: 138 claims Arabic "rasan" is from Pahlavi "rasan".
HRN:137, SNS:227

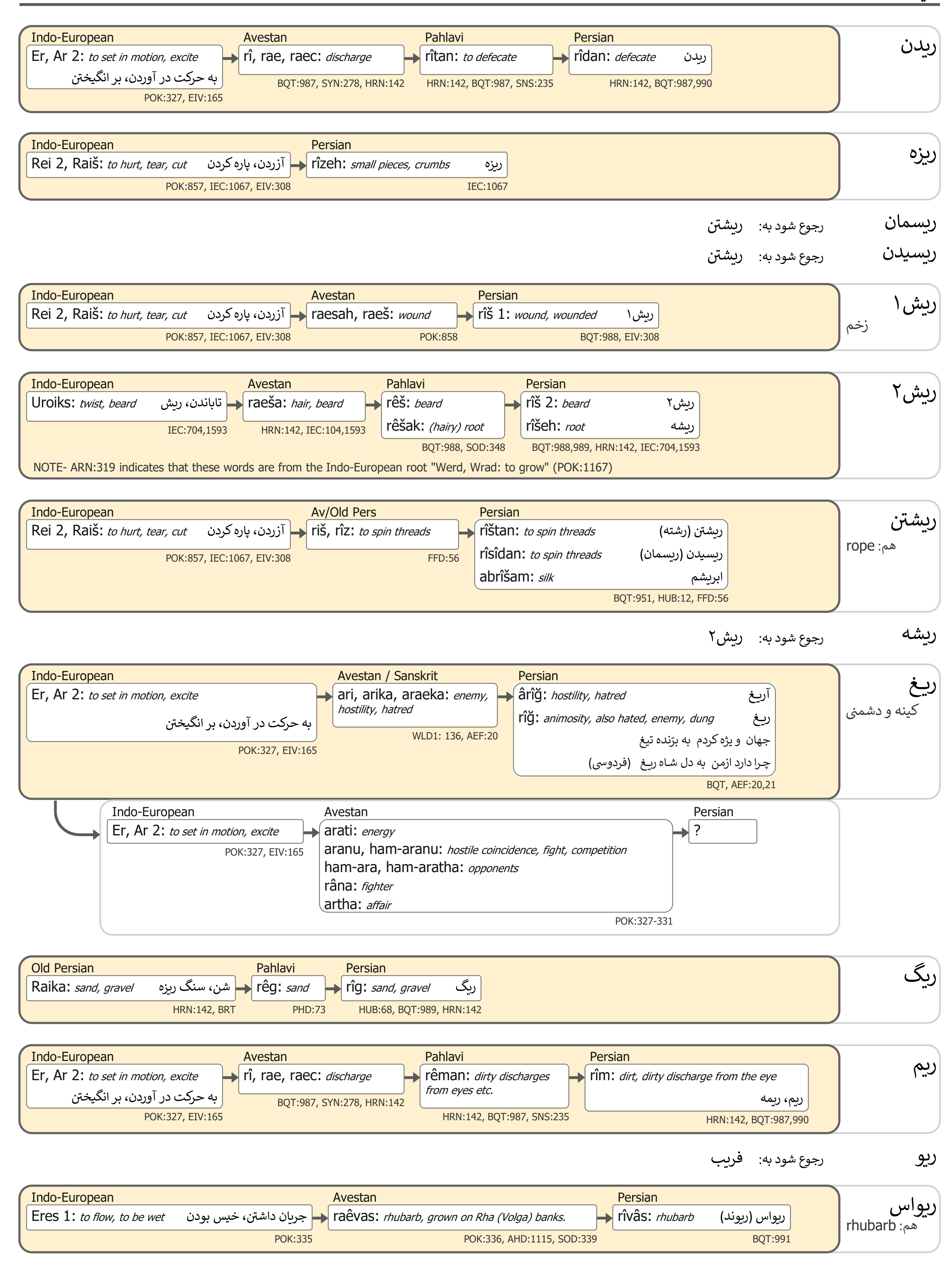

رسیدن
هم: run
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Av/Old Pers
ar, ra: to move
ras 1, rasa: to come, arrive
POK:327, BRT, FSF:105
Persian
resîdan: to arrive, to ripe رسیدن
HRN, BQT, FSF, FFD
رشته
رجوع شود به: ریشتن
رِشک
Indo-European
Erek: flea, mite کک ، کنه
POK:335
Old Persian
rikša: louse, flea eggs
ARN:307
Persian
rešk: flea eggs رِشک
HRN:137, BQT:952, ARN:307
رَشک
رجوع شود به: ارشک
رطل
هم: liter
Indo-European
Lithra: a scale, balance ترازو، تراز
NOTE- This is most likely a Mediterranean word
AHD:1527
Greek
litra: a unit of liquid measurement
AHD:762, KLN:896
Arabic
ratl: a large liquid container
NOTE- ratl is a distorted form of "lîtr"
Persian
ratl: a large cup of wine رطل
MON:1660
رُغ
رجوع شود به: آروغ
رَغزه
پوشش پشمی
Indo-European
Rezg, Resg: to plait, wind بافتن، تابیدن
POK:874
Persian
rağzeh: woolen clothes, woolen blanket رَغزه
ARN:307, BQT
رُفتن
Indo-Scythian
Raup 1: to sweep away جارو کردن
ISS:251
Pahlavi
rôpet, rôp 2: sweep
ISS:252
Persian
roftan: to sweep رُفتن (جاروب، لایروبی)
ISS:252
رَفتن
Indo-European
Rêp: to crawl خزیدن
POK:865
Avestan
rap: to go
HUB:67, HRN:137
Persian
raftan: to go رفتن
روا، روان۱، روش
BQT:955
Arabic
rawaj: circulation
AFM:74
Persian
ravâj: popularity, prevalence رواج
HRN:137, AFM:74
رفوزه
Indo-European
Gheu: to pour ریختن
POK:447
Latin
fundere: to pour
AHD
French
refuse: poured back, rejected
AHD
Persian
refûzeh: failed رفوزه
MON:1665
رگ
Indo-European
Eres 1: to flow, to be wet جریان داشتن، خیس بودن
POK:335
Avestan
ranhâ: vein
POK:336, AHD:1115, SOD:339
Pahlavi
rahg, rag: vein
SOD:339
Persian
rag: vein رگ
SOD:339
رَم
رجوع شود به: رمیدن
رمیدن
Indo-European
Ser 1, Sreu: to flow جاری شدن
Srêm: running جاری
POK:909,1003, KNT:205, IEC:1276
Persian
ram: flight رَم
ramîdan: to be scared رمیدن
IEC:1276
رنج
Indo-European
Lanğ: to droop, be sad, sorrow غمگین بودن، غم
Ranj: to take action, effort زحمت کشیدن
IEC:663, EIV:191
Avestan
ranj: trouble, effort
EIV:191
Pahlavi
ranz, ranj: pain, suffering
BQT:963
Persian
ranj: pain, suffering رنج
MON:1676, IEC:663
رنده
Indo-European
Rand: to scrape تراشیدن
EIV:312
Pahlavi
Rand: scratch
EIV:312
Persian
randîdan: to grate رندیدن (رنده)
MON:964, HRN:138
رندیدن
رجوع شود به: رنده

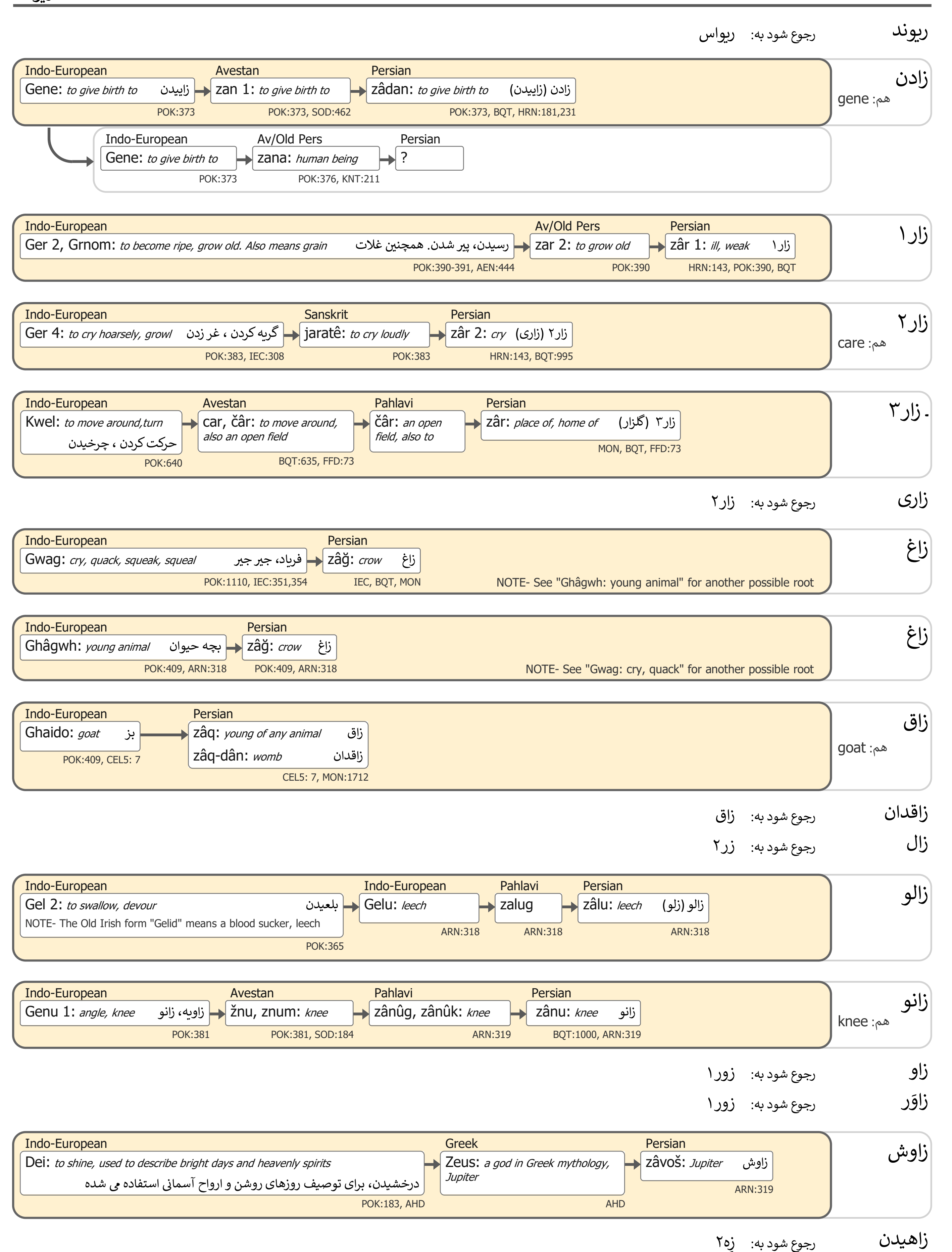


رنگ
Indo-European
Reg 2: to dye, color رنگ ، رنگ زدن
POK:854
Sanskrit
ranga
SYN:1051
Pahlavi
rang: color
HRN:138, BQT:964, PHD:72
Persian
rang: color رنگ
MON:1677
روا رجوع شود به: رَفتن
رو۲ رجوع شود به: روی
رواج رجوع شود به: رَفتن
روان۱ رجوع شود به: رَفتن
روان۲
Avestan
Urvan: spirit, soul روح
SYN:1088, BQT:967
Pahlavi
ruvân: spirit
BQT:967
Persian
ravân: spirit روان۲
BQT:967
روباه
Indo-European
Ulk,Ulkos: wolf (with fiery eyes) گرگ
NOTE- This may be from the root "Ulk: shine, fiery"
POK:1144, 1179
Indo-European
Wlp: wolf, dog
POK:1179
Avestan
urpa, urupis: dog
raopias: fox
POK:1179
Pahlavi
ropas: fox
Pok:1179, ARN:309
Persian
rûbâh روباه
BQT, MON5
رود۱
هم: stream
Indo-European
Ser 1, Sreu: to flow جاری شدن
Srêm: running جاری
POK:909,1003, KNT:205, IEC:1276
Av/Old Pers
rautah, raodah: river
POK:1003, HRN:139
Pahlavi
rôt 2: river
MON
Persian
rûd: river رود
BQT:969
Indo-European
Ser 1, Sreu: to flow
POK:909,1003, KNT:205, IEC:1276
Avestan
ravan: river
raonami: the rivers
urvant, sru-vant: fluently
POK:1003
Persian
?
رود۲
فرزند
هم: son
Indo-European
Seu 3, Hau 2: to give birth زاییدن
POK:913, EIV: 135
Avestan
hu 3, hav, hunâmi: to give birth
hunuš: son
POK:913, KLN:1473, EIV: 135
Persian
rûd: child رود
زهی دولت مادر روزگار
که رودی چنین پرورد در کنار (سعدی)
BQT:969, EIV135
Indo-European
Seu 3, Hau 2: to give birth
POK:913, EIV: 135
Avestan
hu 3, hav, hunâmi: to give birth
hunuš: son
POK:913, KLN:1473, EIV: 135
Persian
?
رودبار رجوع شود به: رود + بار۳
روده
Indo-European
Reuto: intestines, bowels دل و روده
POK:873
Pahlavi
rôt 1: intestine
POK:874
Persian
rûdeh: intestine روده
POK:874, HRN:139, BQT:970
روز
هم: light
Indo-European
Leuk: light, brightness نور، روشنایی
POK:687, KNT:205
Avestan
raočah: light
HRN:23,136,140, SYN:470,991, BQT:31
Persian
rûz: day (فروغ ،فروزان) روز
BQT, FSF:176
Indo-European
Leuk: light, brightness
POK:687, KNT:205
Old Persian
raucah: day
KNT:205
Persian
?
روستا
Indo-European
Leudh, Raud 2: to grow رشد کردن
POK:684, KLN:885, SYN:874, VDQ:39
Avestan
raod 1, raodha: growth
KLN:885, SYN:874
Pahlavi
rôstâk: village
MON:1689
Persian
rûstâ: village روستا
IEC:1103, MON:1689
روش رجوع شود به: رَفتن

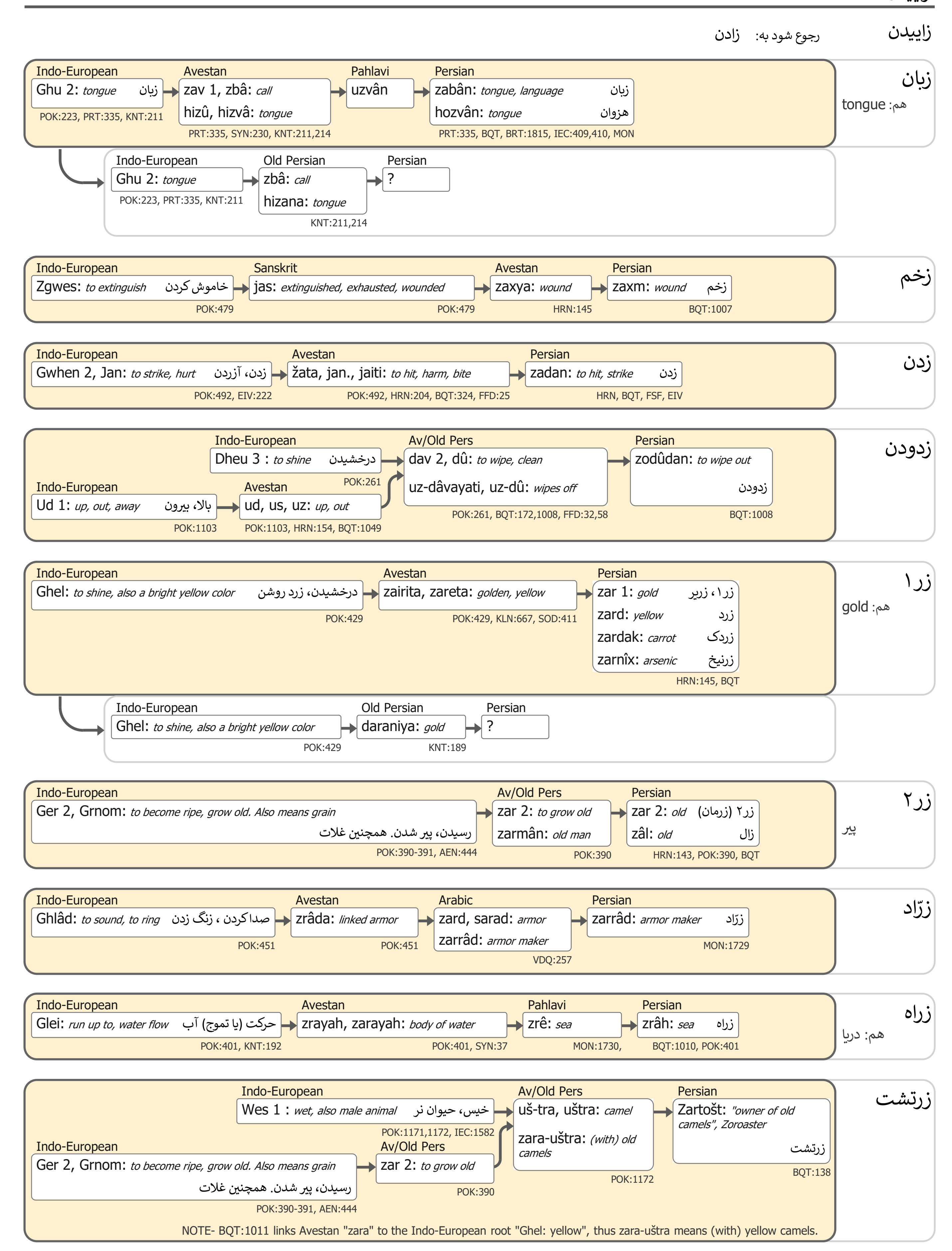


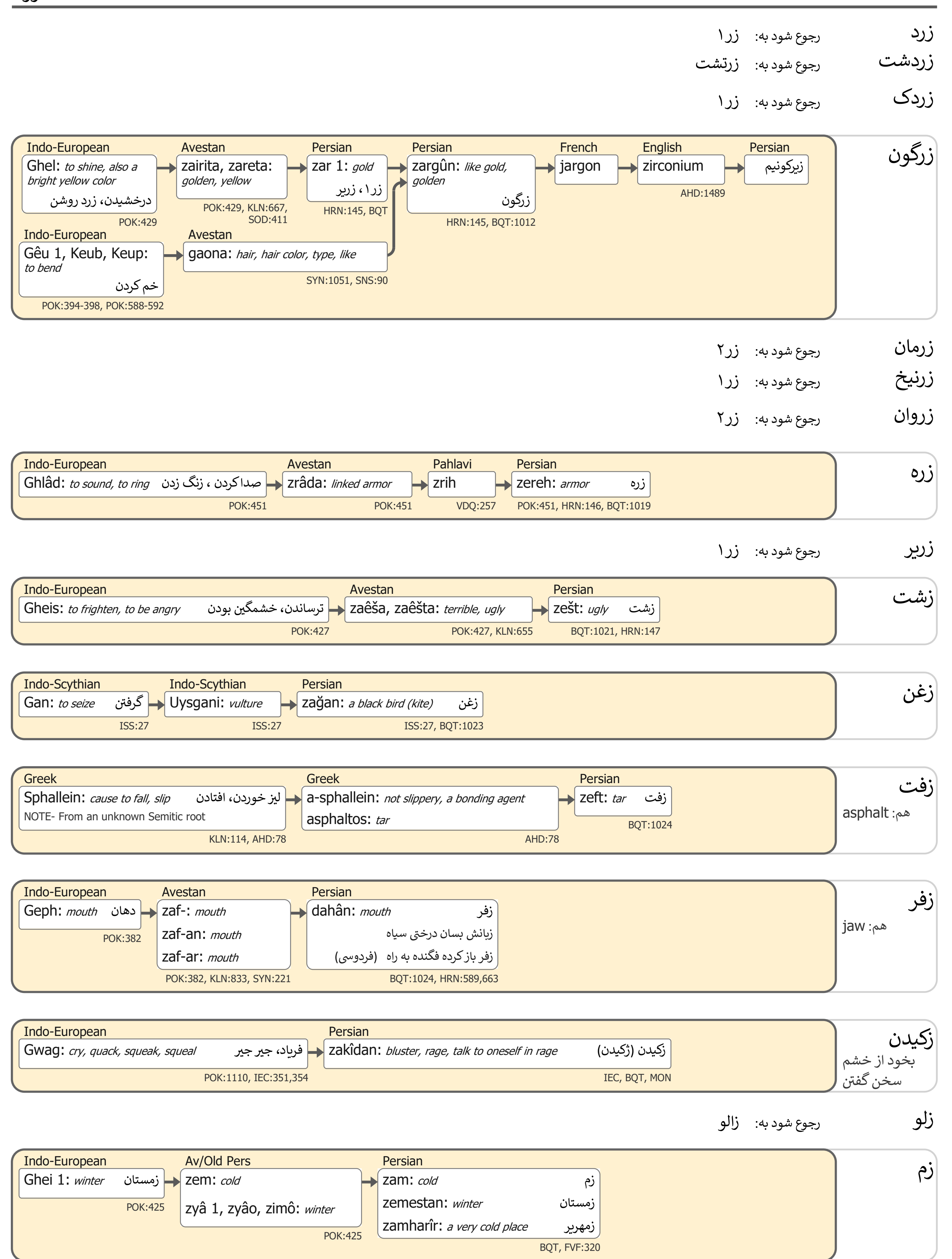
روشن
هم: light
Indo-European
Leuk: light, brightness نور، روشنایی
POK:687, KNT:205
Avestan
raoč-xšaema, raoxšna: bright light
HRN:23,136,140, SYN:470,991, BQT:31
Persian
rošan: bright روشن
BQT, FSF:176
Indo-European
Ksei 2: bright روشن
WLD1: 501, BRT:541
Avestan
xšae-ta, xšôithmi: bright
WLD1: 501, BQT:788,1320
روضه
هم: روییدن
Indo-European
Leudh, Raud 2: to grow رشد کردن
POK:684, KLN:885, SYN:874, VDQ:39
Avestan
raod 1, raodha: growth
KLN:885, SYN:874
Persian
rûîdan: to grow روییدن (رُستن)
raz: garden, vineyard, vine رَز ا
FSF:199, BQT:944
Arabic
rauza: garden
PLA:138
Persian
rowzeh: garden روضه
MON
NOTE- AFM derives the Arabic "rauza: garden" from Persian "rîxtan: to pour". VDQ derives it from Pahlavi "rôt: river".
روضه
هم: رود
Indo-European
Ser 1, Sreu: to flow جاری شدن
POK:909,1003, KNT:205,
Av/Old Pers
rautah, raodah: river
POK:1003, HRN:139
Pahlavi
rôt 2: river
MON
Arabic
rauza: land of rivers, garden
VDQ:226
Persian
rowzeh: garden روضه
MON
NOTE- PLA:138 derives Arabic "rauza: garden" from Persian "raz: garden".
روغن
Indo-European
Reughmen: oil, cream روغن، کرم
POK:873
Avestan
raoğna: oil
POK:873, KLN:1307
Pahlavi
rôğn: oil
BQT:978
Persian
roğan: oil روغن
BQT:978
روناس
هم: red
Indo-European
Reudh: red قرمز
POK:872
Avestan
raoidita: red
POK:872
Persian
ronâs: a plant used for dying روناس
BQT:980,981, HRN:141, MON:1696
رونق
رجوع شود به: نیک
روی
Indo-European
Leudh, Raud 2: to grow رشد کردن
POK:684, KLN:885, SYN:874, VDQ:39
Avestan
raod 1, raodha: growth
KLN:885, SYN:874
Persian
rôy: face روی (رو۲)
KLN:885, SYN:874
روییدن
Indo-European
Leudh, Raud 2: to grow رشد کردن
POK:684, KLN:885, SYN:874, VDQ:39
Avestan
raod 1, raodha: growth
KLN:885, SYN:874
Persian
rûîdan: to grow روییدن (رُستن)
raz: garden, vineyard, vine رَز ا
FSF:199, BQT:944
رهیدن
Indo-European
Redh: to separate, isolate جدا کردن
KNT:205
Old Persian
rad, radh, ras 2: set free
KNT:205, BQT:949
Persian
rahîdan: escape, become free رهیدن (رَستن، وارستن، رستگار)
BRT:1505, KNT:205, BQT:949, FFD:55
ری
AV/Old Pers
Ragâ, Rağâ: city of "Ray" south of Tehran. نام شهر ری در جنوب تهران
MON5: 636
Persian
Ray: a city south of Tehran ری
râzî: from Ray رازی
BQT:985, FVF:278
ریال
هم: royal
Indo-European
Reg 1: move straight, right مستقیم حرکت کردن
POK:854, KNT:206
Latin
rex: ruler, king
AHD
Spanish
real: royal coin
AHD
Persian
rîyâl: unit of currency ریال
BQT:985
NOTE- Currency from the Spanish commerce in the Persian Gulf.
ریختن
مق: گریختن
Indo-European
Leigh 2, Raič: to leave ترک کردن
POK:669, EIV:307
Avestan
rêxt, rêz, hâek: to pour
POK:669, FFD:72, SOD:11
Pahlavi
rextan: to pour
BQT, HRN:141,203, FVQ:46, SNS:115
Persian
rîxtan : to pour ریختن
POK:669, BQT, AEF:373


ریدن
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite
به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Avestan
rî, rae, raec: discharge
BQT:987, SYN:278, HRN:142
Pahlavi
rîtan: to defecate
HRN:142, BQT:987, SNS:235
Persian
rîdan: defecate ریدن
HRN:142, BQT:987,990
ریزه
Indo-European
Rei 2, Raiš: to hurt, tear, cut آزردن، پاره کردن
POK:857, IEC:1067, EIV:308
Persian
rîzeh: small pieces, crumbs ریزه
IEC:1067
ریسمان رجوع شود به: ریشتن
ریسیدن رجوع شود به: ریشتن
ریش۱
زخم
Indo-European
Rei 2, Raiš: to hurt, tear, cut آزردن، پاره کردن
POK:857, IEC:1067, EIV:308
Avestan
raesah, raeš: wound
POK:858
Persian
riš 1: wound, wounded ریش۱
BQT:988, EIV:308
ریش۲
Indo-European
Uroiks: twist, beard تاباندن، ریش
IEC:704,1593
Avestan
raeša: hair, beard
HRN:142, IEC:104,1593
Pahlavi
rêš: beard
rêšak: (hairy) root
BQT:988, SOD:348
Persian
rîš 2: beard ریش۲
rîšeh: root ریشه
BQT:988,989, HRN:142, IEC:704,1593
NOTE- ARN:319 indicates that these words are from the Indo-European root "Werd, Wrad: to grow" (POK:1167)
ریشتن
هم: rope
Indo-European
Rei 2, Raiš: to hurt, tear, cut آزردن، پاره کردن
POK:857, IEC:1067, EIV:308
Av/Old Pers
riš, rîz: to spin threads
FFD:56
Persian
rîštan: to spin threads ریشتن (رشته)
rîsîdan: to spin threads ریسیدن (ریسمان)
abrîšam: silk ابریشم
BQT:951, HUB:12, FFD:56
ریشه رجوع شود به: ریش۲
ریغ
کینه و دشمنی
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite
به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Avestan / Sanskrit
ari, arika, araeka: enemy, hostility, hatred
WLD1: 136, AEF:20
Persian
ârîğ: hostility, hatred آریغ
rîğ: animosity, also hated, enemy, dung ریغ
جهان و یژه کردم به برنده تیغ
چرا دارد ازمن به دل شاه ریغ (فردوسی)
BQT, AEF:20,21
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite
POK:327, EIV:165
Avestan
arati: energy
aranu, ham-aranu: hostile coincidence, fight, competition
ham-ara, ham-aratha: opponents
râna: fighter
artha: affair
POK:327-331
Persian
?
ریگ
Old Persian
Raika: sand, gravel شن، سنگ ریزه
HRN:142, BRT
Pahlavi
rêg: sand
PHD:73
Persian
rîg: sand, gravel ریگ
HUB:68, BQT:989, HRN:142
ریم
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite
به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Avestan
rî, rae, raec: discharge
BQT:987, SYN:278, HRN:142
Pahlavi
rêman: dirty discharges from eyes etc.
HRN:142, BQT:987, SNS:235
Persian
rîm: dirt, dirty discharge from the eye
ریم، ریمه
HRN:142, BQT:987,990
ریو رجوع شود به: فریب
ریواس
هم: rhubarb
Indo-European
Eres 1: to flow, to be wet جریان داشتن، خیس بودن
POK:335
Avestan
raêvas: rhubarb, grown on Rha (Volga) banks.
POK:336, AHD:1115, SOD:339
Persian
rîvâs: rhubarb ریواس (ریوند)
BQT:991

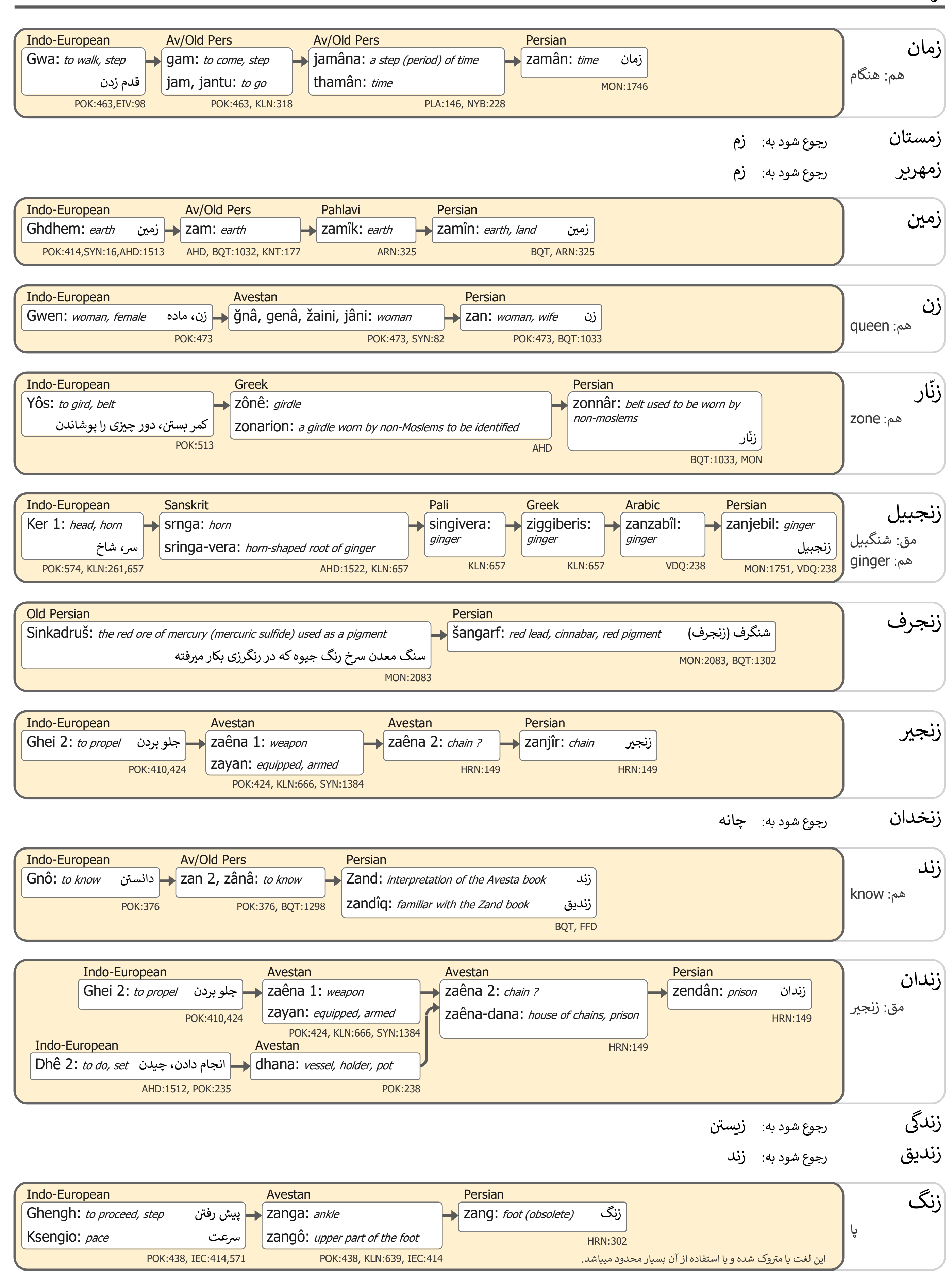

ریوند
رجوع شود به: ریواس
زادن
هم: gene
Indo-European
Gene: to give birth to زاییدن
POK:373
Avestan
zan 1: to give birth to
POK:373, SOD:462
Persian
zâdan: to give birth to زادن (زاییدن)
POK:373, BQT, HRN:181,231
Indo-European
Gene: to give birth to
POK:373
Av/Old Pers
zana: human being
POK:376, KNT:211
Persian
?
زار۱
Indo-European
Ger 2, Grnom: to become ripe, grow old. Also means grain رسیدن، پیر شدن. همچنین غلات
POK:390-391, AEN:444
Av/Old Pers
zar 2: to grow old
POK:390
Persian
zâr 1: ill, weak زار۱
HRN:143, POK:390, BQT
زار۲
هم: care
Indo-European
Ger 4: to cry hoarsely, growl گریه کردن ، غر زدن
POK:383, IEC:308
Sanskrit
jaratê: to cry loudly
POK:383
Persian
zâr 2: cry زار۲ (زاری)
HRN:143, BQT:995
-زار۳
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Avestan
car, čâr: to move around, also an open field
BQT:635, FFD:73
Pahlavi
čâr: an open field, also to
Persian
zâr: place of, home of زار۳ (گلزار)
MON, BQT, FFD:73
زاری
رجوع شود به: زار۲
زاغ
Indo-European
Gwag: cry, quack, squeak, squeal فریاد، جیر جیر
POK:1110, IEC:351,354
Persian
zâğ: crow زاغ
IEC, BQT, MON
NOTE- See "Ghâgwh: young animal" for another possible root
زاغ
Indo-European
Ghâgwh: young animal بچه حیوان
POK:409, ARN:318
Persian
zâğ: crow زاغ
POK:409, ARN:318
NOTE- See "Gwag: cry, quack" for another possible root
زاق
هم: goat
Indo-European
Ghaido: goat بز
POK:409, CEL5: 7
Persian
zâq: young of any animal زاق
zâq-dân: womb زاقدان
CEL5: 7, MON:1712
زاقدان
رجوع شود به: زاق
زال
رجوع شود به: زر۲
زالو
Indo-European
Gel 2: to swallow, devour بلعیدن
NOTE- The Old Irish form "Gelid" means a blood sucker, leech
POK:365
Indo-European
Gelu: leech
ARN:318
Pahlavi
zalug
ARN:318
Persian
zâlu: leech زالو (زلو)
ARN:318
زانو
هم: knee
Indo-European
Genu 1: angle, knee زاویه، زانو
POK:381
Avestan
žnu, znum: knee
POK:381, SOD:184
Pahlavi
zânûg, zânûk: knee
ARN:319
Persian
zânu: knee زانو
BQT:1000, ARN:319
زاو
رجوع شود به: زور۱
زاوَر
رجوع شود به: زور۱
زاوش
Indo-European
Dei: to shine, used to describe bright days and heavenly spirits
درخشیدن، برای توصیف روزهای روشن و ارواح آسمانی استفاده می شده
POK:183, AHD
Greek
Zeus: a god in Greek mythology, Jupiter
AHD
Persian
zâvoš: Jupiter زاوش
ARN:319
زاهیدن
رجوع شود به: زِه۲

زاییدن — رجوع شود به: زادن

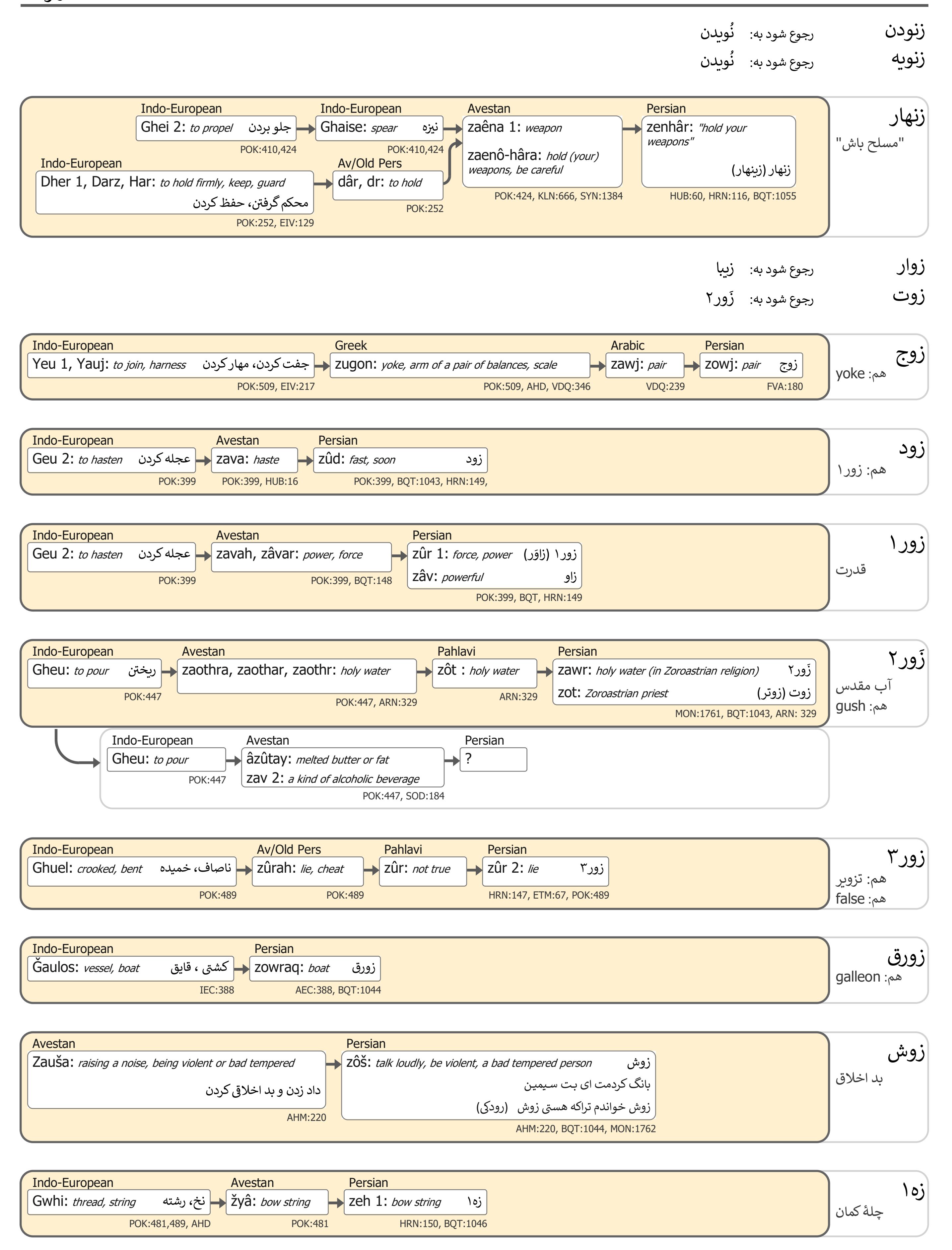




زرد رجوع شود به: زر۱
زردشت رجوع شود به: زرتشت
زردک رجوع شود به: زر۱
زرگون
Indo-European
Ghel: to shine, also a bright yellow color
درخشیدن، زرد روشن
POK:429
Avestan
zairita, zareta: golden, yellow
POK:429, KLN:667, SOD:411
Persian
zar 1: gold
زر۱، زریر
HRN:145, BQT
Persian
zargûn: like gold, golden
زرگون
HRN:145, BQT:1012
French
jargon
English
zirconium
AHD:1489
Persian
زیرکونیم
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend
خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
gaona: hair, hair color, type, like
SYN:1051, SNS:90
زرمان رجوع شود به: زر۲
زرنیخ رجوع شود به: زر۱
زروان رجوع شود به: زر۲
زره
Indo-European
Ghlâd: to sound, to ring صدا کردن ، زنگ زدن
POK:451
Avestan
zrâda: linked armor
POK:451
Pahlavi
zrih
VDQ:257
Persian
zereh: armor زره
POK:451, HRN:146, BQT:1019
زریر رجوع شود به: زر۱
زشت
Indo-European
Gheis: to frighten, to be angry ترساندن، خشمگین بودن
POK:427
Avestan
zaêša, zaêšta: terrible, ugly
POK:427, KLN:655
Persian
zešt: ugly زشت
BQT:1021, HRN:147
زغن
Indo-Scythian
Gan: to seize گرفتن
ISS:27
Indo-Scythian
Uysgani: vulture
ISS:27
Persian
zağan: a black bird (kite) زغن
ISS:27, BQT:1023
زفت
هم: asphalt
Greek
Sphallein: cause to fall, slip لیز خوردن، افتادن
NOTE- From an unknown Semitic root
KLN:114, AHD:78
Greek
a-sphallein: not slippery, a bonding agent
asphaltos: tar
AHD:78
Persian
zeft: tar زفت
BQT:1024
زفر
هم: jaw
Indo-European
Geph: mouth دهان
POK:382
Avestan
zaf-: mouth
zaf-an: mouth
zaf-ar: mouth
POK:382, KLN:833, SYN:221
Persian
dahân: mouth زفر
زبانش بسان درختی سیاه
زفر باز کرده فگنده به راه (فردوسی)
BQT:1024, HRN:589,663
زکیدن
بخود از خشم سخن گفتن
Indo-European
Gwag: cry, quack, squeak, squeal فریاد، جیر جیر
POK:1110, IEC:351,354
Persian
zakîdan: bluster, rage, talk to oneself in rage زکیدن (ژکیدن)
IEC, BQT, MON
زلو رجوع شود به: زالو
زم
Indo-European
Ghei 1: winter زمستان
POK:425
Av/Old Pers
zem: cold
zyâ 1, zyâo, zimô: winter
POK:425
Persian
zam: cold زم
zemestan: winter زمستان
zamharîr: a very cold place زمهریر
BQT, FVF:320



زمان
هم: هنگام
Indo-European
Gwa: to walk, step
قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
jam, jantu: to go
POK:463, KLN:318
Av/Old Pers
jamâna: a step (period) of time
thamân: time
PLA:146, NYB:228
Persian
zamân: time زمان
MON:1746
زمستان
رجوع شود به: زم
زمهریر
رجوع شود به: زم
زمین
Indo-European
Ghdhem: earth زمین
POK:414,SYN:16,AHD:1513
Av/Old Pers
zam: earth
AHD, BQT:1032, KNT:177
Pahlavi
zamîk: earth
ARN:325
Persian
zamîn: earth, land زمین
BQT, ARN:325
زن
هم: queen
Indo-European
Gwen: woman, female زن، ماده
POK:473
Avestan
ğnâ, genâ, žaini, jâni: woman
POK:473, SYN:82
Persian
zan: woman, wife زن
POK:473, BQT:1033
زنّار
هم: zone
Indo-European
Yôs: to gird, belt
کمر بستن، دور چیزی را پوشاندن
POK:513
Greek
zônê: girdle
zonarion: a girdle worn by non-Moslems to be identified
AHD
Persian
zonnâr: belt used to be worn by non-moslems
زنّار
BQT:1033, MON
زنجبیل
مق: شنگبیل
هم: ginger
Indo-European
Ker 1: head, horn
سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Sanskrit
srnga: horn
sringa-vera: horn-shaped root of ginger
AHD:1522, KLN:657
Pali
singivera: ginger
KLN:657
Greek
ziggiberis: ginger
KLN:657
Arabic
zanzabîl: ginger
VDQ:238
Persian
zanjebil: ginger
زنجبیل
MON:1751, VDQ:238
زنجرف
Old Persian
Sinkadruš: the red ore of mercury (mercuric sulfide) used as a pigment
سنگ معدن سرخ رنگ جیوه که در رنگرزی بکار میرفته
MON:2083
Persian
šangarf: red lead, cinnabar, red pigment شنگرف (زنجرف)
MON:2083, BQT:1302
زنجیر
Indo-European
Ghei 2: to propel جلو بردن
POK:410,424
Avestan
zaêna 1: weapon
zayan: equipped, armed
POK:424, KLN:666, SYN:1384
Avestan
zaêna 2: chain ?
HRN:149
Persian
zanjîr: chain زنجیر
HRN:149
زنخدان
رجوع شود به: چانه
زند
هم: know
Indo-European
Gnô: to know دانستن
POK:376
Av/Old Pers
zan 2, zânâ: to know
POK:376, BQT:1298
Persian
Zand: interpretation of the Avesta book زند
zandîq: familiar with the Zand book زندیق
BQT, FFD
زندان
مق: زنجیر
Indo-European
Ghei 2: to propel جلو بردن
POK:410,424
Avestan
zaêna 1: weapon
zayan: equipped, armed
POK:424, KLN:666, SYN:1384
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
dhana: vessel, holder, pot
POK:238
Avestan
zaêna 2: chain ?
zaêna-dana: house of chains, prison
HRN:149
Persian
zendân: prison زندان
HRN:149
زندگی
رجوع شود به: زیستن
زندیق
رجوع شود به: زند
زنگ
پا
Indo-European
Ghengh: to proceed, step پیش رفتن
Ksengio: pace سرعت
POK:438, IEC:414,571
Avestan
zanga: ankle
zangô: upper part of the foot
POK:438, KLN:639, IEC:414
Persian
zang: foot (obsolete) زنگ
HRN:302
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.



زنودن
رجوع شود به: نُویدن
زنویه
رجوع شود به: نُویدن
Indo-European
Ghei 2: to propel جلو بردن
POK:410,424
Indo-European
Ghaise: spear نیزه
POK:410,424
Avestan
zaêna 1: weapon
zaenô-hâra: hold (your) weapons, be careful
POK:424, KLN:666, SYN:1384
Persian
zenhâr: "hold your weapons"
زنهار (زینهار)
HUB:60, HRN:116, BQT:1055
Indo-European
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard
محکم گرفتن، حفظ کردن
POK:252, EIV:129
Av/Old Pers
dâr, dr: to hold
POK:252
زنهار
"مسلح باش"
زوار
رجوع شود به: زیبا
زوت
رجوع شود به: زَور۲
Indo-European
Yeu 1, Yauj: to join, harness جفت کردن، مهار کردن
POK:509, EIV:217
Greek
zugon: yoke, arm of a pair of balances, scale
POK:509, AHD, VDQ:346
Arabic
zawj: pair
VDQ:239
Persian
zowj: pair زوج
FVA:180
زوج
هم: yoke
Indo-European
Geu 2: to hasten عجله کردن
POK:399
Avestan
zava: haste
POK:399, HUB:16
Persian
zûd: fast, soon زود
POK:399, BQT:1043, HRN:149,
زود
هم: زور۱
Indo-European
Geu 2: to hasten عجله کردن
POK:399
Avestan
zavah, zâvar: power, force
POK:399, BQT:148
Persian
zûr 1: force, power زور۱ (زاوَر)
zâv: powerful زاو
POK:399, BQT, HRN:149
زور۱
قدرت
Indo-European
Gheu: to pour ریختن
POK:447
Avestan
zaothra, zaothar, zaothr: holy water
POK:447, ARN:329
Pahlavi
zôt : holy water
ARN:329
Persian
zawr: holy water (in Zoroastrian religion) زَور۲
zot: Zoroastrian priest زوت (زوتر)
MON:1761, BQT:1043, ARN: 329
زَور۲
آب مقدس
هم: gush
Indo-European
Gheu: to pour
POK:447
Avestan
âzûtay: melted butter or fat
zav 2: a kind of alcoholic beverage
POK:447, SOD:184
Persian
?
Indo-European
Ghuel: crooked, bent ناصاف، خمیده
POK:489
Av/Old Pers
zûrah: lie, cheat
POK:489
Pahlavi
zûr: not true
Persian
zûr 2: lie زور۳
HRN:147, ETM:67, POK:489
زور۳
هم: تزویر
هم: false
Indo-European
Ğaulos: vessel, boat کشتی ، قایق
IEC:388
Persian
zowraq: boat زورق
AEC:388, BQT:1044
زورق
هم: galleon
Avestan
Zauša: raising a noise, being violent or bad tempered
داد زدن و بد اخلاقی کردن
AHM:220
Persian
zôš: talk loudly, be violent, a bad tempered person زوش
بانگ کردمت ای بت سیمین
زوش خواندم تراکه هستی زوش (رودکی)
AHM:220, BQT:1044, MON:1762
زوش
بد اخلاق
Indo-European
Gwhi: thread, string نخ، رشته
POK:481,489, AHD
Avestan
žyâ: bow string
POK:481
Persian
zeh 1: bow string زه۱
HRN:150, BQT:1046
زه۱
چلهٔ کمان



زِه۲ — زاییدن

- Indo-European: Ôus: *mouth, lip* دهان، لب (POK:784)
- Indo-European: Ud 1: *up, out, away* بالا، بیرون (POK:1103)
- Avestan: âh: *mouth*; aošta, aoštra: *lip*; uz-ah, zâ 2: *push out of opening, give birth* (POK:785, SYN:228, KLN:1091, BQT:1049)
- Persian: zeh 2: *to give birth* زِه۲ (زاهیدن، زهیدن) (MON, IRN)

زِه۳ — صمغ

- Indo-European: Gwhen 2, Jan: *to strike, hurt* زدن، آزردن (POK:492, EIV:222)
- Av/Old Pers: jatara: *resin (obtained by striking a tree trunk)*; NOTE- Derivation of "jatara: resin" is not certain (AHD:1520, AEF:335)
- Persian: žad, žeh, zeh: *resin* ژَد، ژه، زِه۳; ang-žeh: *sweet resin* انگژه (انغوزه) (MON, BQT)

زهاب — چشمه

- Indo-European: Ud 1: *up, out, away* بالا، بیرون (POK:1103)
- Indo-European: Ôus: *mouth, lip* دهان، لب (POK:784) → Avestan: âh: *mouth* (POK:785, SYN:228, KLN:1091, BQT:1049)
- Indo-European: Ab 1: *water* آب (POK:1) → Avestan: âp: *water* (KLN:2)
- Avestan: ud, us, uz: *up, out*; uz-ah-âp: *where water comes out, spring* (POK:1103, HRN:154, BQT:1049)
- Persian: zahâb: *river, spring* زهاب (MON, IRN)

زهدان — کیسه رحِم

- Indo-European: Ôus: *mouth, lip* دهان، لب (POK:784)
- Indo-European: Ud 1: *up, out, away* بالا، بیرون (POK:1103)
- Indo-European: Dhê 2: *to do, set* انجا دادن، چیدن (AHD:1512, POK:235) → Avestan: dhana: *vessel, holder, pot* (POK:238)
- Avestan: âh: *mouth*; aošta, aoštra: *lip*; uz-ah, zâ 2: *push out of opening, give birth*; zâ-dhana: *child holder, womb* (POK:785, SYN:228, KLN:1091, BQT:1049)
- Persian: zehdân: *womb* زهدان (MON, IRN)

زهر

- Indo-European: Gwhen 2, Jan: *to strike, hurt* زدن، آزردن (POK:492, EIV:222)
- Av/Old Pers: jathra: *poison* (AHD:1520, AEF:335)
- Persian: zahr: *poison* زهر (BQT:1047)

زَهره

- Indo-European: Ghel: *to shine, also a bright yellow color* درخشیدن، زرد روشن (POK:429)
- Av/Old Pers: zahr, zara: *bile* (POK:429)
- Persian: zahreh: *bile, courage* زَهره

زهیدن

رجوع شود به: زِه۲

زیان

- Indo-European: Gweie: *to over power, defeat* چیره شدن، شکست دادن (POK:469)
- Avestan: zinât: *to injure*; zyâ 2, zyâni: *injury* (POK:469, SOD:470)
- Persian: zîyân: *loss, damage* زیان (BQT:1050)

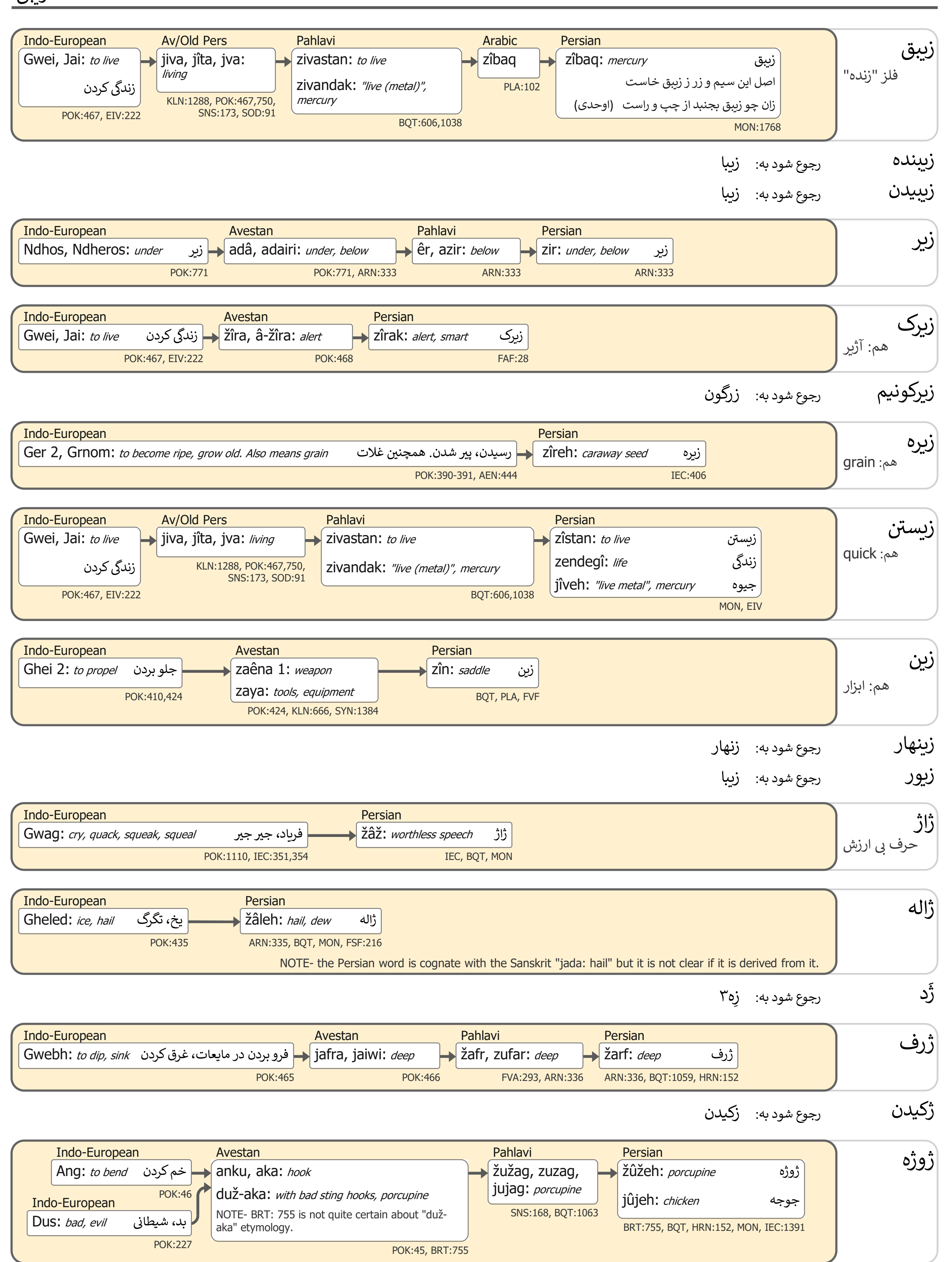
- Indo-European: Gweie: *to over power, defeat* (POK:469)
- Avestan: žayâi: *to defeat*; žya: *defeated, diluted* (POK:469)
- Persian: ?

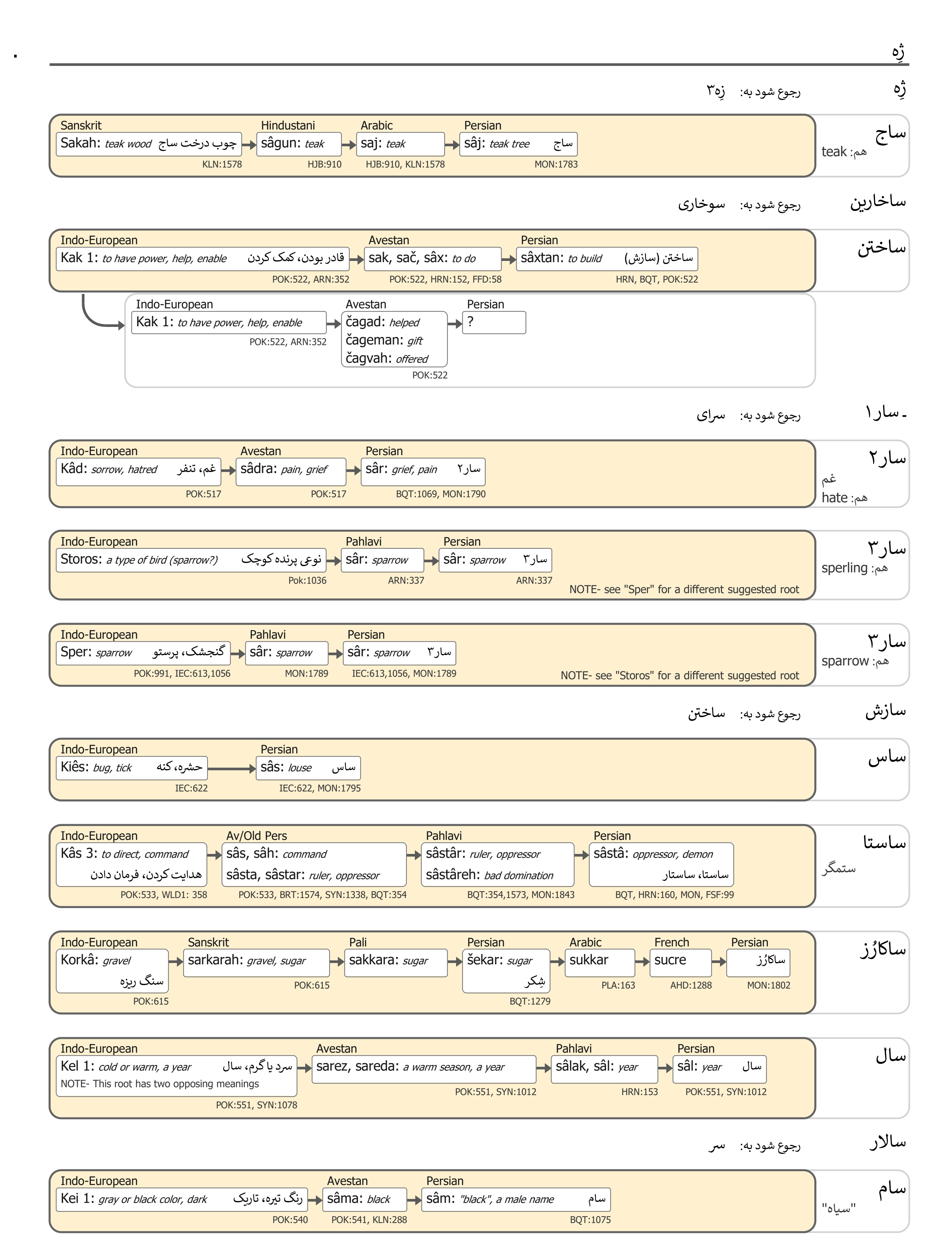
زیب

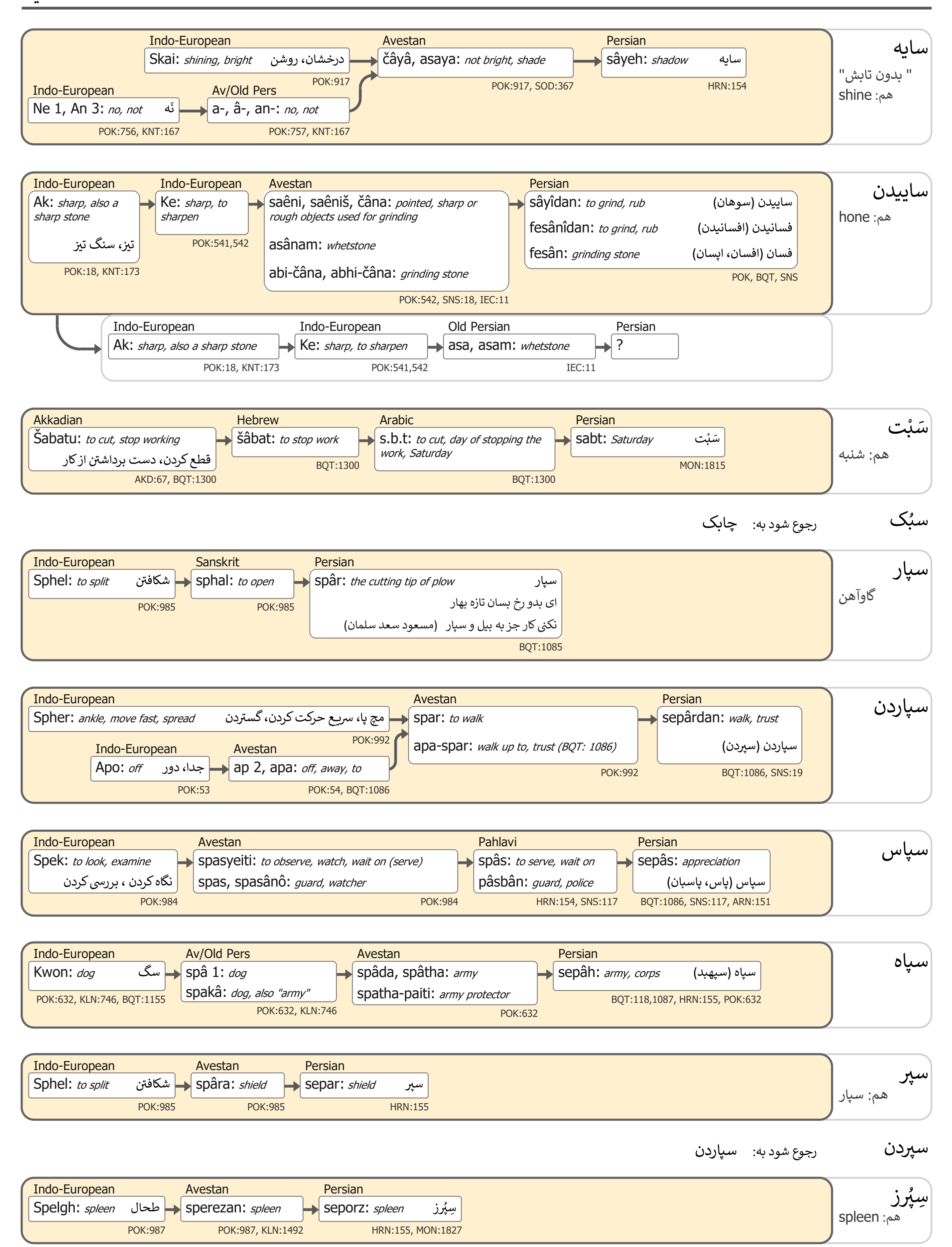
رجوع شود به: زیبا

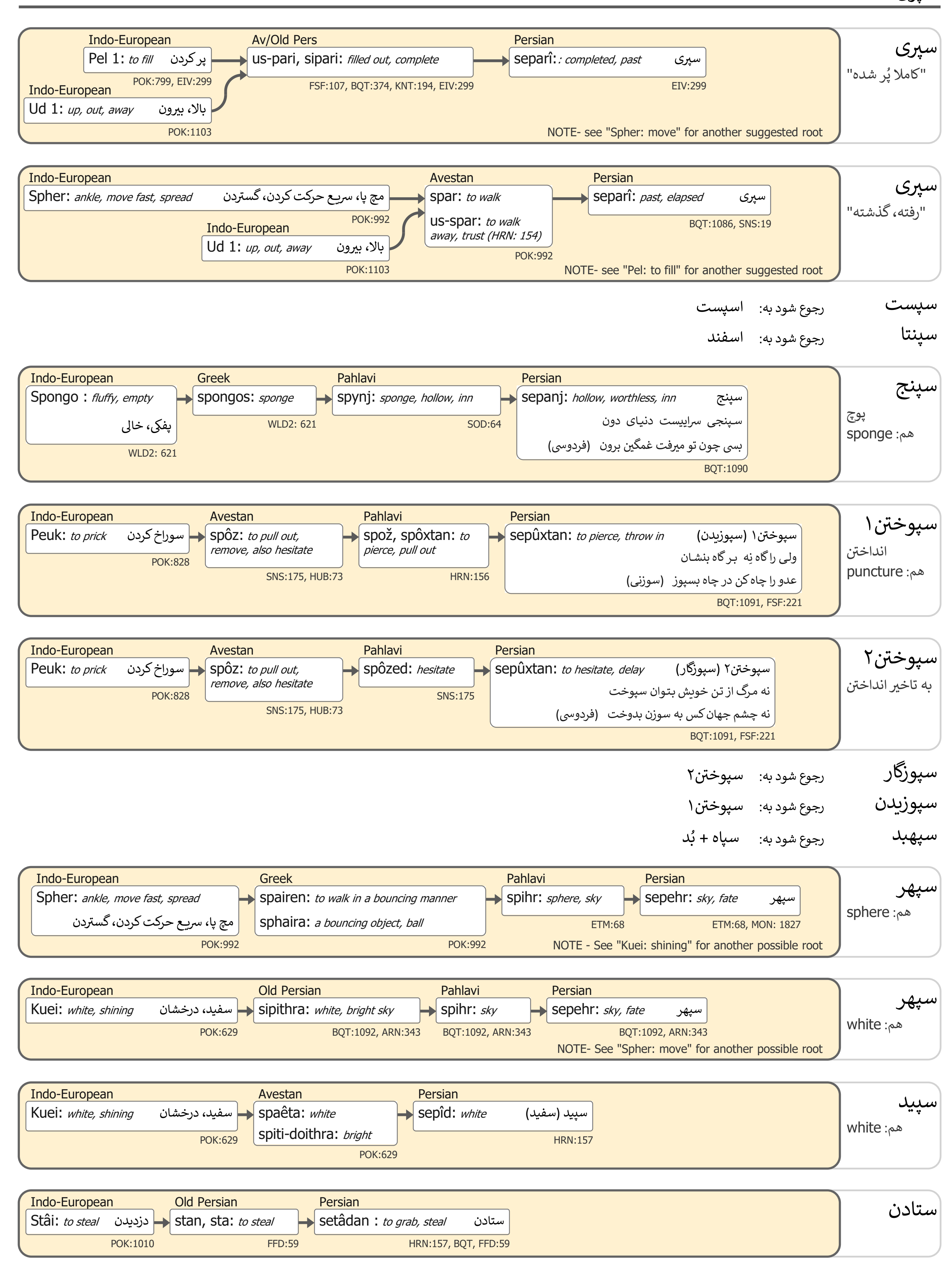
زیبا

- Indo-Scythian: Zi: *to adorn* آراستن (ISS:16)
- Persian: zîb: *beauty* زیب (زیبیدن، زیبنده، زیبا); zîvar: *ornament* زیور (زوار) (ISS:16, EIV:462)

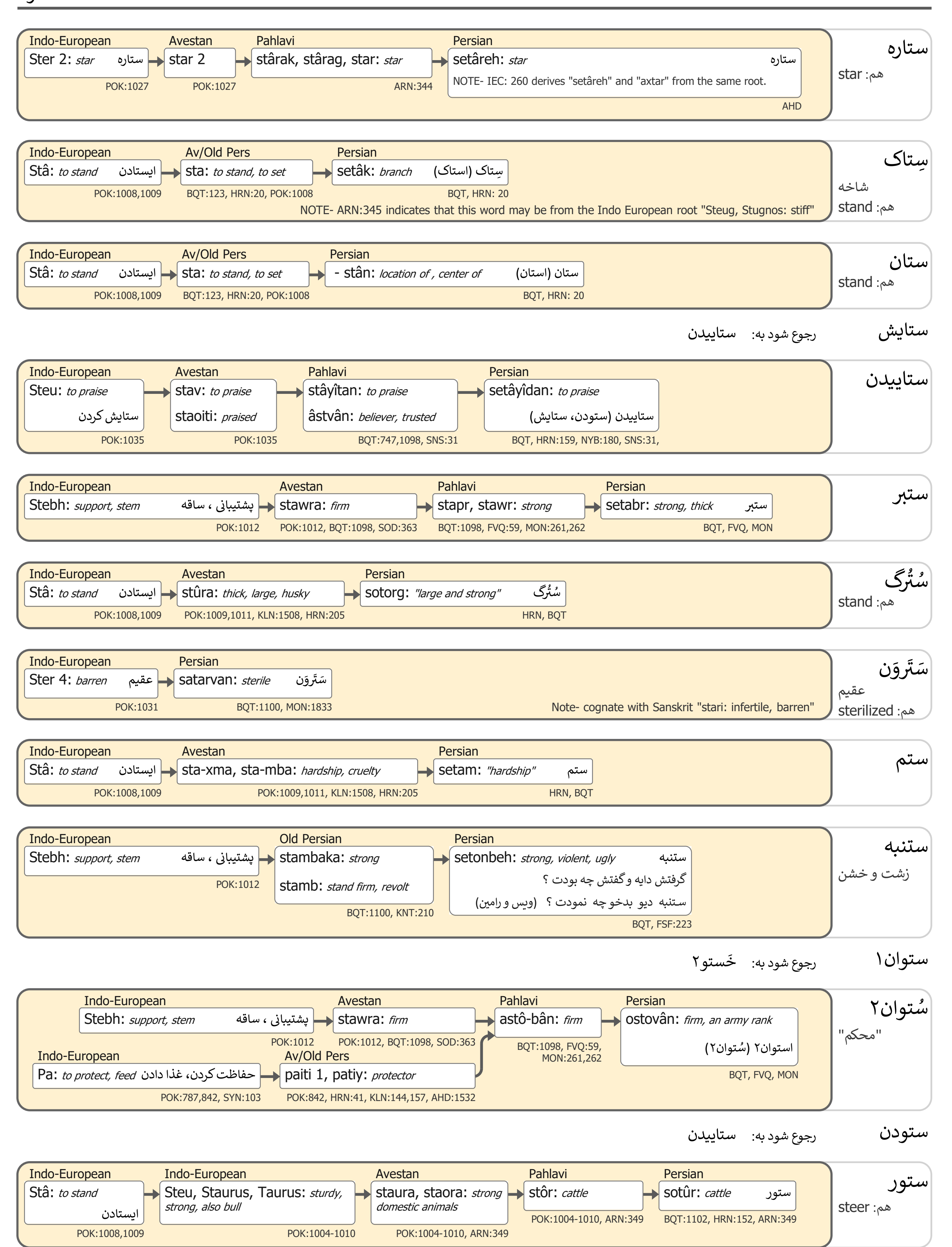

زیبق
فلز "زنده"
Indo-European
Gwei, Jai: to live
زندگی کردن
POK:467, EIV:222
Av/Old Pers
jiva, jîta, jva: living
KLN:1288, POK:467,750, SNS:173, SOD:91
Pahlavi
zivastan: to live
zivandak: "live (metal)", mercury
BQT:606,1038
Arabic
zîbaq
PLA:102
Persian
zîbaq: mercury
زیبق
اصل این سیم و زر ز زیبق خاست
زان چو زیبق بجنبد از چپ و راست (اوحدی)
MON:1768
زیبنده
رجوع شود به: زیبا
زیبیدن
رجوع شود به: زیبا
زیر
Indo-European
Ndhos, Ndheros: under
زیر
POK:771
Avestan
adâ, adairi: under, below
POK:771, ARN:333
Pahlavi
êr, azir: below
ARN:333
Persian
zir: under, below
زیر
ARN:333
زیرک
هم: آژیر
Indo-European
Gwei, Jai: to live
زندگی کردن
POK:467, EIV:222
Avestan
žîra, â-žîra: alert
POK:468
Persian
zîrak: alert, smart
زیرک
FAF:28
زیرکونیم
رجوع شود به: زرگون
زیره
هم: grain
Indo-European
Ger 2, Grnom: to become ripe, grow old. Also means grain
رسیدن، پیر شدن. همچنین غلات
POK:390-391, AEN:444
Persian
zîreh: caraway seed
زیره
IEC:406
زیستن
هم: quick
Indo-European
Gwei, Jai: to live
زندگی کردن
POK:467, EIV:222
Av/Old Pers
jiva, jîta, jva: living
KLN:1288, POK:467,750, SNS:173, SOD:91
Pahlavi
zivastan: to live
zivandak: "live (metal)", mercury
BQT:606,1038
Persian
zîstan: to live
زیستن
zendegî: life
زندگی
jîveh: "live metal", mercury
جیوه
MON, EIV
زین
هم: ابزار
Indo-European
Ghei 2: to propel
جلو بردن
POK:410,424
Avestan
zaêna 1: weapon
zaya: tools, equipment
POK:424, KLN:666, SYN:1384
Persian
zîn: saddle
زین
BQT, PLA, FVF
زینهار
رجوع شود به: زنهار
زیور
رجوع شود به: زیبا
ژاژ
حرف بی ارزش
Indo-European
Gwag: cry, quack, squeak, squeal
فریاد، جیر جیر
POK:1110, IEC:351,354
Persian
žâž: worthless speech
ژاژ
IEC, BQT, MON
ژاله
Indo-European
Gheled: ice, hail
یخ، تگرگ
POK:435
Persian
žâleh: hail, dew
ژاله
ARN:335, BQT, MON, FSF:216
NOTE- the Persian word is cognate with the Sanskrit "jada: hail" but it is not clear if it is derived from it.
ژَد
رجوع شود به: زِه۳
ژرف
Indo-European
Gwebh: to dip, sink
فرو بردن در مایعات، غرق کردن
POK:465
Avestan
jafra, jaiwi: deep
POK:466
Pahlavi
žafr, zufar: deep
FVA:293, ARN:336
Persian
žarf: deep
ژرف
ARN:336, BQT:1059, HRN:152
ژکیدن
رجوع شود به: زکیدن
ژوژه
Indo-European
Ang: to bend
خم کردن
POK:46
Indo-European
Dus: bad, evil
بد، شیطانی
POK:227
Avestan
anku, aka: hook
duž-aka: with bad sting hooks, porcupine
NOTE- BRT: 755 is not quite certain about "duž-aka" etymology.
POK:45, BRT:755
Pahlavi
žužag, zuzag, jujag: porcupine
SNS:168, BQT:1063
Persian
žûžeh: porcupine
ژوژه
jûjeh: chicken
جوجه
BRT:755, BQT, HRN:152, MON, IEC:1391

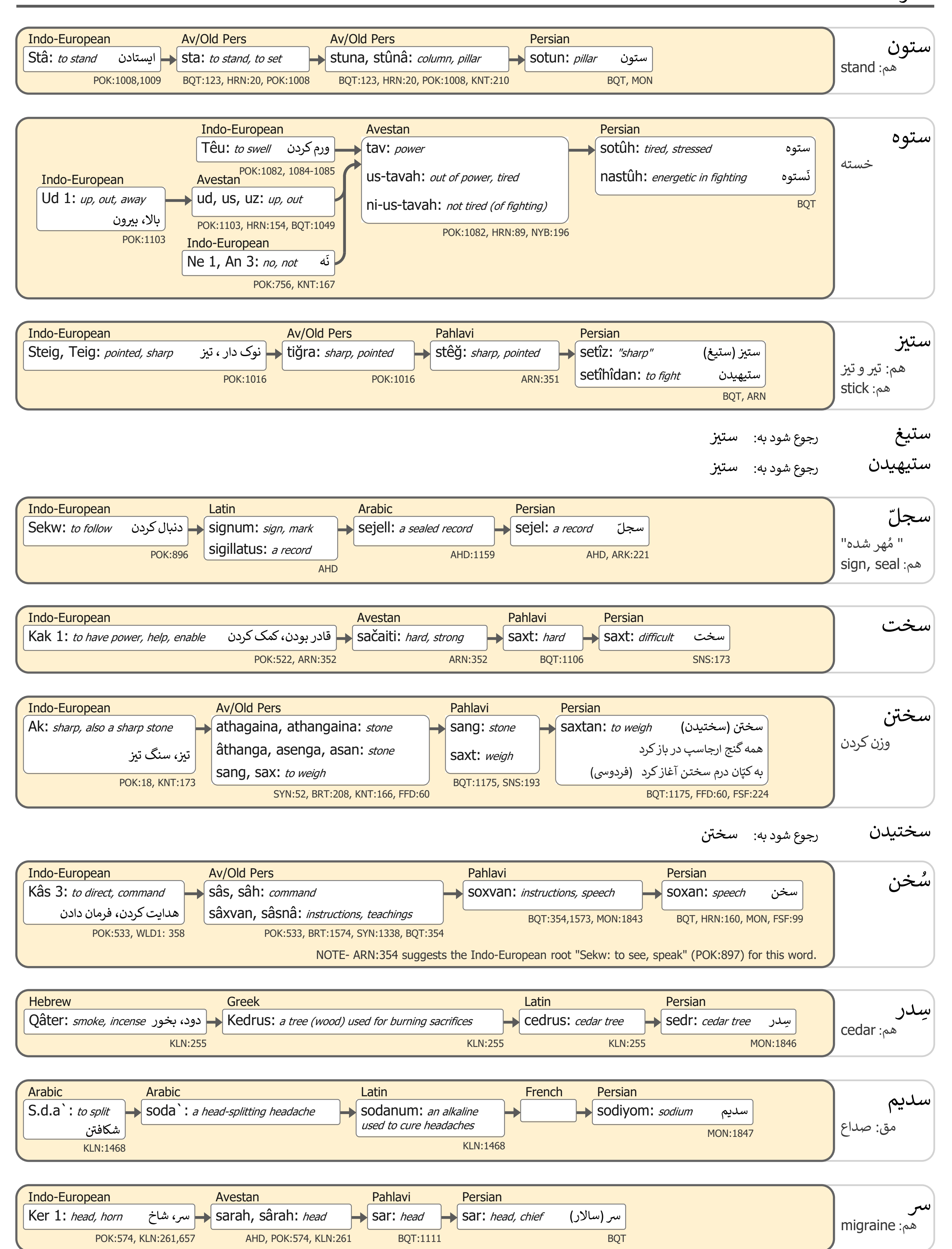

ژِه
ژِه
رجوع شود به: زه۳
ساج
هم: teak
Sanskrit
Sakah: teak wood چوب درخت ساج
KLN:1578
Hindustani
sâgun: teak
HJB:910
Arabic
saj: teak
HJB:910, KLN:1578
Persian
sâj: teak tree ساج
MON:1783
ساخارین
رجوع شود به: سوخاری
ساختن
Indo-European
Kak 1: to have power, help, enable قادر بودن، کمک کردن
POK:522, ARN:352
Avestan
sak, sač, sâx: to do
POK:522, HRN:152, FFD:58
Persian
sâxtan: to build ساختن (سازش)
HRN, BQT, POK:522
Indo-European
Kak 1: to have power, help, enable
POK:522, ARN:352
Avestan
čagad: helped
čageman: gift
čagvah: offered
POK:522
Persian
?
سار۱ ـ
رجوع شود به: سرای
سار۲
غم
هم: hate
Indo-European
Kâd: sorrow, hatred غم، تنفر
POK:517
Avestan
sâdra: pain, grief
POK:517
Persian
sâr: grief, pain سار۲
BQT:1069, MON:1790
سار۳
هم: sperling
Indo-European
Storos: a type of bird (sparrow?) نوعی پرنده کوچک
Pok:1036
Pahlavi
sâr: sparrow
ARN:337
Persian
sâr: sparrow سار۳
ARN:337
NOTE- see "Sper" for a different suggested root
سار۳
هم: sparrow
Indo-European
Sper: sparrow گنجشک، پرستو
POK:991, IEC:613,1056
Pahlavi
sâr: sparrow
MON:1789
Persian
sâr: sparrow سار۳
IEC:613,1056, MON:1789
NOTE- see "Storos" for a different suggested root
سازش
رجوع شود به: ساختن
ساس
Indo-European
Kiês: bug, tick حشره، کنه
IEC:622
Persian
sâs: louse ساس
IEC:622, MON:1795
ساستا
ستمگر
Indo-European
Kâs 3: to direct, command
هدایت کردن، فرمان دادن
POK:533, WLD1: 358
Av/Old Pers
sâs, sâh: command
sâsta, sâstar: ruler, oppressor
POK:533, BRT:1574, SYN:1338, BQT:354
Pahlavi
sâstâr: ruler, oppressor
sâstâreh: bad domination
BQT:354,1573, MON:1843
Persian
sâstâ: oppressor, demon
ساستا، ساستار
BQT, HRN:160, MON, FSF:99
ساکارُز
Indo-European
Korkâ: gravel
سنگ ریزه
POK:615
Sanskrit
sarkarah: gravel, sugar
POK:615
Pali
sakkara: sugar
Persian
šekar: sugar
شِکر
BQT:1279
Arabic
sukkar
PLA:163
French
sucre
AHD:1288
Persian
ساکارُز
MON:1802
سال
Indo-European
Kel 1: cold or warm, a year سرد یا گرم، سال
NOTE- This root has two opposing meanings
POK:551, SYN:1078
Avestan
sarez, sareda: a warm season, a year
POK:551, SYN:1012
Pahlavi
sâlak, sâl: year
HRN:153
Persian
sâl: year سال
POK:551, SYN:1012
سالار
رجوع شود به: سر
سام
"سیاه"
Indo-European
Kei 1: gray or black color, dark رنگ تیره، تاریک
POK:540
Avestan
sâma: black
POK:541, KLN:288
Persian
sâm: "black", a male name سام
BQT:1075

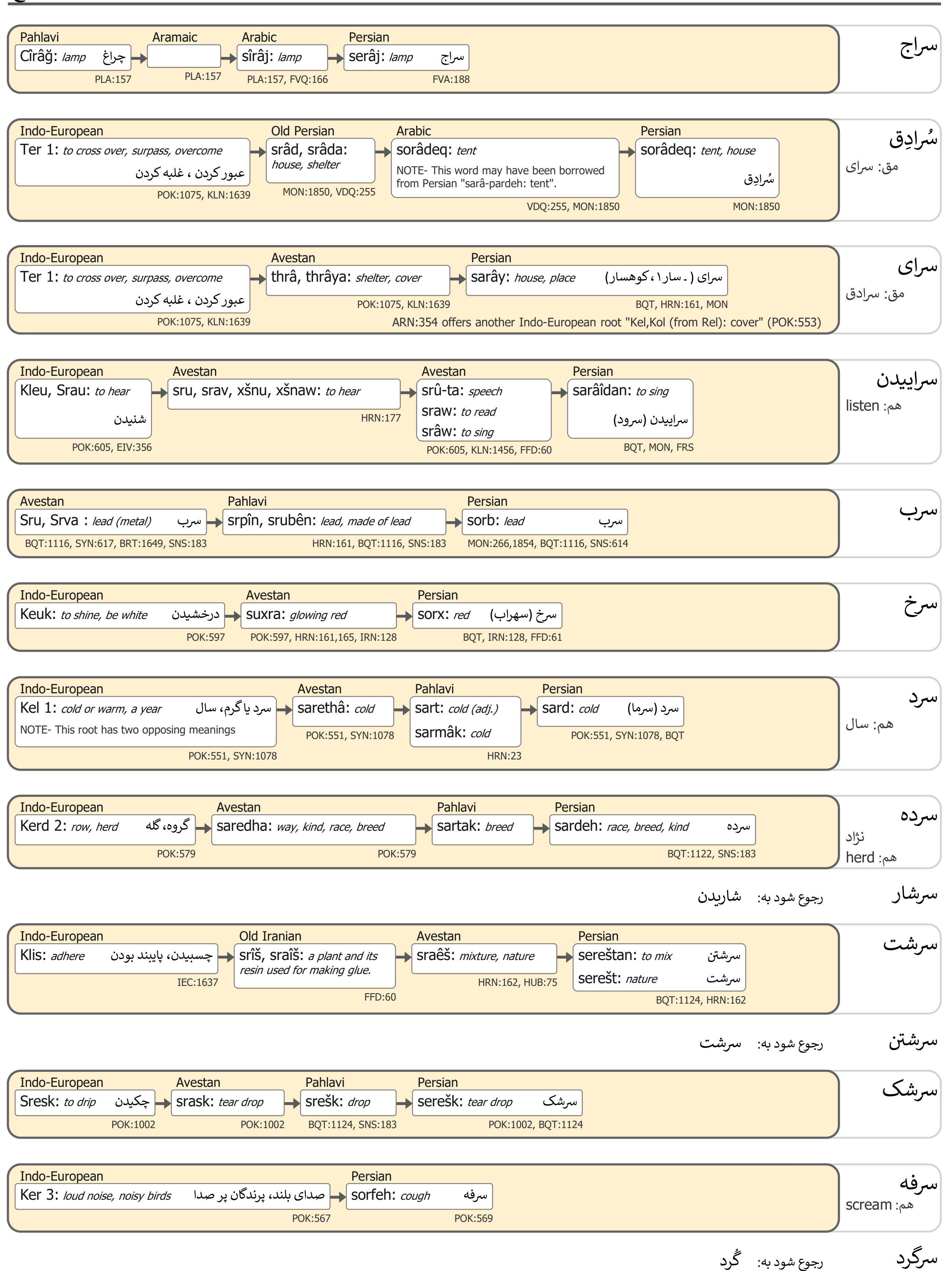

Indo-European
Skai: shining, bright درخشان، روشن
POK:917
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Avestan
čâyâ, asaya: not bright, shade
POK:917, SOD:367
Persian
sâyeh: shadow سایه
HRN:154
سایه
" بدون تابش"
هم: shine
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone
تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Indo-European
Ke: sharp, to sharpen
POK:541,542
Avestan
saêni, saêniš, čâna: pointed, sharp or rough objects used for grinding
asânam: whetstone
abi-čâna, abhi-čâna: grinding stone
POK:542, SNS:18, IEC:11
Persian
sâyîdan: to grind, rub ساییدن (سوهان)
fesânîdan: to grind, rub فسانیدن (افسانیدن)
fesân: grinding stone فسان (افسان، اپسان)
POK, BQT, SNS
ساییدن
هم: hone
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone
POK:18, KNT:173
Indo-European
Ke: sharp, to sharpen
POK:541,542
Old Persian
asa, asam: whetstone
IEC:11
Persian
?
Akkadian
Šabatu: to cut, stop working
قطع کردن، دست برداشتن از کار
AKD:67, BQT:1300
Hebrew
šâbat: to stop work
BQT:1300
Arabic
s.b.t: to cut, day of stopping the work, Saturday
BQT:1300
Persian
sabt: Saturday سَبْت
MON:1815
سَبْت
هم: شنبه
سُبُک
رجوع شود به: چابک
Indo-European
Sphel: to split شکافتن
POK:985
Sanskrit
sphal: to open
POK:985
Persian
spâr: the cutting tip of plow سپار
ای بدو رخ بسان تازه بهار
نکنی کار جز به بیل و سپار (مسعود سعد سلمان)
BQT:1085
سپار
گاوآهن
Indo-European
Spher: ankle, move fast, spread مچ پا، سریع حرکت کردن، گستردن
POK:992
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Avestan
spar: to walk
apa-spar: walk up to, trust (BQT: 1086)
POK:992
Persian
sepârdan: walk, trust
سپاردن (سپردن)
BQT:1086, SNS:19
سپاردن
Indo-European
Spek: to look, examine
نگاه کردن ، بررسی کردن
POK:984
Avestan
spasyeiti: to observe, watch, wait on (serve)
spas, spasânô: guard, watcher
POK:984
Pahlavi
spâs: to serve, wait on
pâsbân: guard, police
HRN:154, SNS:117
Persian
sepâs: appreciation
سپاس (پاس، پاسبان)
BQT:1086, SNS:117, ARN:151
سپاس
Indo-European
Kwon: dog سگ
POK:632, KLN:746, BQT:1155
Av/Old Pers
spâ 1: dog
spakâ: dog, also "army"
POK:632, KLN:746
Avestan
spâda, spâtha: army
spatha-paiti: army protector
POK:632
Persian
sepâh: army, corps سپاه (سپهبد)
BQT:118,1087, HRN:155, POK:632
سپاه
Indo-European
Sphel: to split شکافتن
POK:985
Avestan
spâra: shield
POK:985
Persian
separ: shield سپر
HRN:155
سپر
هم: سپار
سپردن
رجوع شود به: سپاردن
Indo-European
Spelgh: spleen طحال
POK:987
Avestan
sperezan: spleen
POK:987, KLN:1492
Persian
seporz: spleen سِپُرز
HRN:155, MON:1827
سِپُرز
هم: spleen



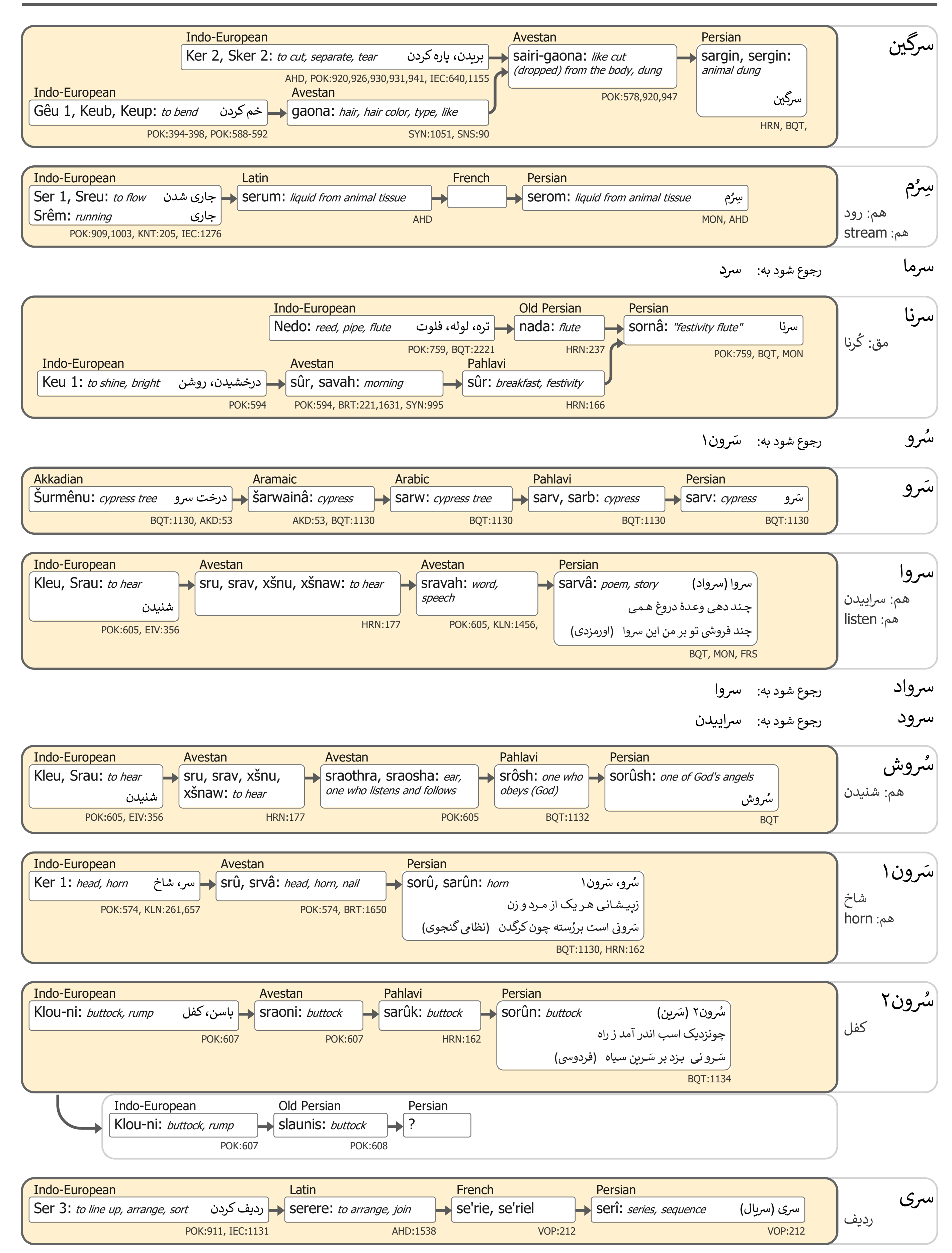
سپری
"کاملا پُر شده"
Indo-European
Pel 1: to fill پر کردن
POK:799, EIV:299
Indo-European
Ud 1: up, out, away بالا، بیرون
POK:1103
Av/Old Pers
us-pari, sipari: filled out, complete
FSF:107, BQT:374, KNT:194, EIV:299
Persian
separî:: completed, past سپری
EIV:299
NOTE- see "Spher: move" for another suggested root
سپری
"رفته، گذشته"
Indo-European
Spher: ankle, move fast, spread مچ پا، سریع حرکت کردن، گستردن
POK:992
Indo-European
Ud 1: up, out, away بالا، بیرون
POK:1103
Avestan
spar: to walk
us-spar: to walk away, trust (HRN: 154)
POK:992
Persian
separî: past, elapsed سپری
BQT:1086, SNS:19
NOTE- see "Pel: to fill" for another suggested root
سپست رجوع شود به: اسپست
سپنتا رجوع شود به: اسفند
سپنج
پوچ
هم: sponge
Indo-European
Spongo : fluffy, empty
پفکی، خالی
WLD2: 621
Greek
spongos: sponge
WLD2: 621
Pahlavi
spynj: sponge, hollow, inn
SOD:64
Persian
sepanj: hollow, worthless, inn سپنج
سپنجی سراییست دنیای دون
بسی چون تو میرفت غمگین برون (فردوسی)
BQT:1090
سپوختن۱
انداختن
هم: puncture
Indo-European
Peuk: to prick سوراخ کردن
POK:828
Avestan
spôz: to pull out, remove, also hesitate
SNS:175, HUB:73
Pahlavi
spož, spôxtan: to pierce, pull out
HRN:156
Persian
sepûxtan: to pierce, throw in سپوختن۱ (سپوزیدن)
ولی راگاه نِه بر گاه بنشان
عدو را چاه کن در چاه بسپوز (سوزنی)
BQT:1091, FSF:221
سپوختن۲
به تاخیر انداختن
Indo-European
Peuk: to prick سوراخ کردن
POK:828
Avestan
spôz: to pull out, remove, also hesitate
SNS:175, HUB:73
Pahlavi
spôzed: hesitate
SNS:175
Persian
sepûxtan: to hesitate, delay سپوختن۲ (سپوزگار)
نه مرگ از تن خویش بتوان سپوخت
نه چشم جهان کس به سوزن بدوخت (فردوسی)
BQT:1091, FSF:221
سپوزگار رجوع شود به: سپوختن۲
سپوزیدن رجوع شود به: سپوختن۱
سپهبد رجوع شود به: سپاه + بُد
سپهر
هم: sphere
Indo-European
Spher: ankle, move fast, spread
مچ پا، سریع حرکت کردن، گستردن
POK:992
Greek
spairen: to walk in a bouncing manner
sphaira: a bouncing object, ball
POK:992
Pahlavi
spihr: sphere, sky
ETM:68
Persian
sepehr: sky, fate سپهر
ETM:68, MON: 1827
NOTE - See "Kuei: shining" for another possible root
سپهر
هم: white
Indo-European
Kuei: white, shining سفید، درخشان
POK:629
Old Persian
sipithra: white, bright sky
BQT:1092, ARN:343
Pahlavi
spihr: sky
BQT:1092, ARN:343
Persian
sepehr: sky, fate سپهر
BQT:1092, ARN:343
NOTE- See "Spher: move" for another possible root
سپید
هم: white
Indo-European
Kuei: white, shining سفید، درخشان
POK:629
Avestan
spaêta: white
spiti-doithra: bright
POK:629
Persian
sepîd: white سپید (سفید)
HRN:157
ستادن
Indo-European
Stâi: to steal دزدیدن
POK:1010
Old Persian
stan, sta: to steal
FFD:59
Persian
setâdan : to grab, steal ستادن
HRN:157, BQT, FFD:59


ستاره
هم: star
Indo-European
Ster 2: star ستاره
POK:1027
Avestan
star 2
POK:1027
Pahlavi
stârak, stârag, star: star
ARN:344
Persian
setâreh: star ستاره
NOTE- IEC: 260 derives "setâreh" and "axtar" from the same root.
AHD
سِتاک
شاخه
هم: stand
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Persian
setâk: branch سِتاک (استاک)
BQT, HRN: 20
NOTE- ARN:345 indicates that this word may be from the Indo European root "Steug, Stugnos: stiff"
ستان
هم: stand
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Persian
- stân: location of , center of ستان (استان)
BQT, HRN: 20
ستایش
رجوع شود به: ستاییدن
ستاییدن
Indo-European
Steu: to praise
ستایش کردن
POK:1035
Avestan
stav: to praise
staoiti: praised
POK:1035
Pahlavi
stâyîtan: to praise
âstvân: believer, trusted
BQT:747,1098, SNS:31
Persian
setâyîdan: to praise
ستاییدن (ستودن، ستایش)
BQT, HRN:159, NYB:180, SNS:31,
ستبر
Indo-European
Stebh: support, stem پشتیبانی ، ساقه
POK:1012
Avestan
stawra: firm
POK:1012, BQT:1098, SOD:363
Pahlavi
stapr, stawr: strong
BQT:1098, FVQ:59, MON:261,262
Persian
setabr: strong, thick ستبر
BQT, FVQ, MON
سُتُرگ
هم: stand
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Avestan
stûra: thick, large, husky
POK:1009,1011, KLN:1508, HRN:205
Persian
sotorg: "large and strong" سُتُرگ
HRN, BQT
سَتَروَن
عقیم
هم: sterilized
Indo-European
Ster 4: barren عقیم
POK:1031
Persian
satarvan: sterile سَتَروَن
BQT:1100, MON:1833
Note- cognate with Sanskrit "stari: infertile, barren"
ستم
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Avestan
sta-xma, sta-mba: hardship, cruelty
POK:1009,1011, KLN:1508, HRN:205
Persian
setam: "hardship" ستم
HRN, BQT
ستنبه
زشت و خشن
Indo-European
Stebh: support, stem پشتیبانی ، ساقه
POK:1012
Old Persian
stambaka: strong
stamb: stand firm, revolt
BQT:1100, KNT:210
Persian
setonbeh: strong, violent, ugly ستنبه
گرفتش دایه و گفتش چه بودت ؟
ستنبه دیو بدخو چه نمودت ؟ (ویس و رامین)
BQT, FSF:223
ستوان۱
رجوع شود به: خَستو۲
سُتوان۲
"محکم"
Indo-European
Stebh: support, stem پشتیبانی ، ساقه
POK:1012
Avestan
stawra: firm
POK:1012, BQT:1098, SOD:363
Pahlavi
astô-bân: firm
BQT:1098, FVQ:59, MON:261,262
Persian
ostovân: firm, an army rank
استوان۲ (سُتوان۲)
BQT, FVQ, MON
Indo-European
Pa: to protect, feed حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
paiti 1, patiy: protector
POK:842, HRN:41, KLN:144,157, AHD:1532
ستودن
رجوع شود به: ستاییدن
ستور
هم: steer
Indo-European
Stâ: to stand
ایستادن
POK:1008,1009
Indo-European
Steu, Staurus, Taurus: sturdy, strong, also bull
POK:1004-1010
Avestan
staura, staora: strong domestic animals
POK:1004-1010, ARN:349
Pahlavi
stôr: cattle
POK:1004-1010, ARN:349
Persian
sotûr: cattle ستور
BQT:1102, HRN:152, ARN:349

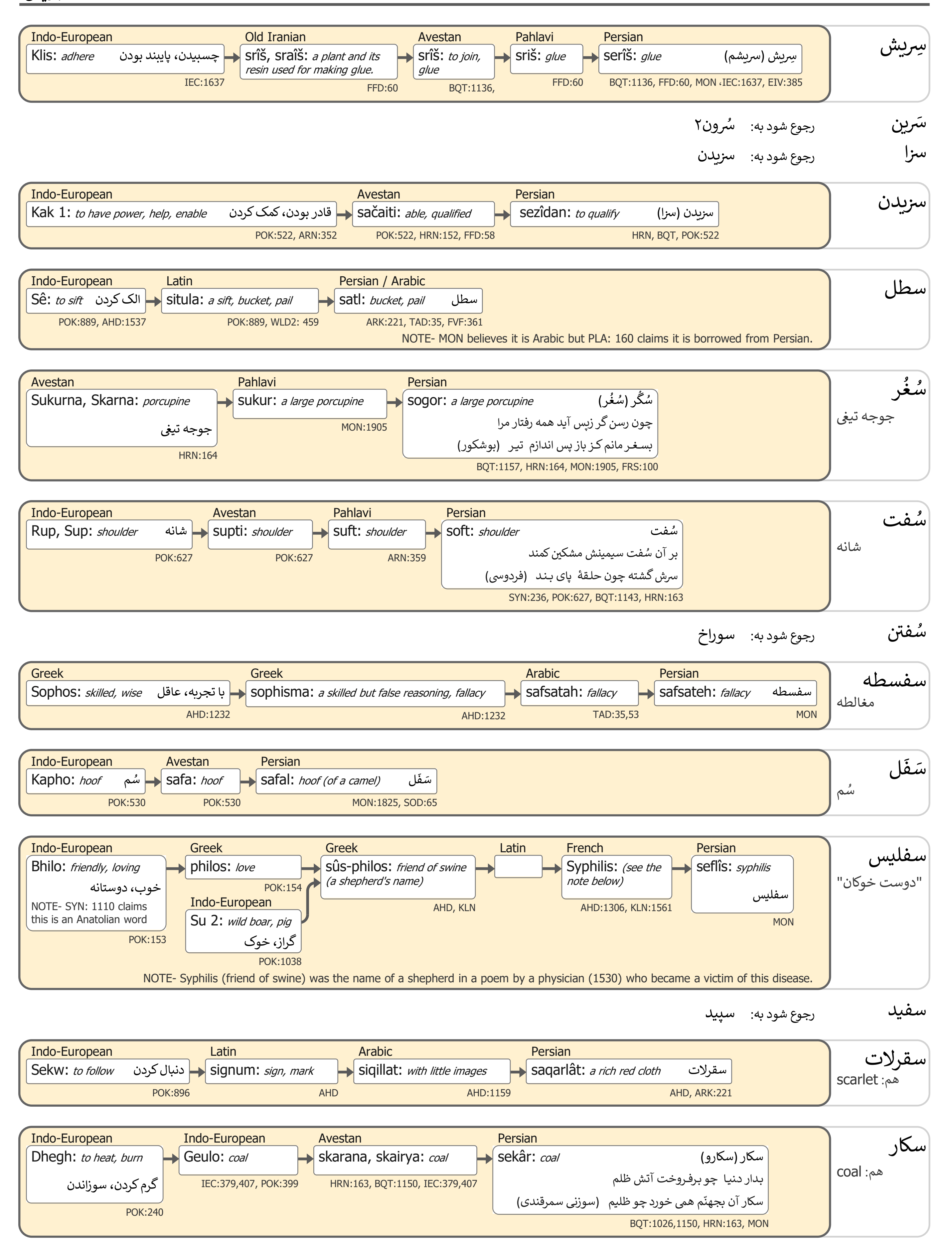

ستون
هم: stand
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Av/Old Pers
stuna, stûnâ: column, pillar
BQT:123, HRN:20, POK:1008, KNT:210
Persian
sotun: pillar ستون
BQT, MON
ستوه
خسته
Indo-European
Ud 1: up, out, away
بالا، بیرون
POK:1103
Indo-European
Têu: to swell ورم کردن
POK:1082, 1084-1085
Avestan
ud, us, uz: up, out
POK:1103, HRN:154, BQT:1049
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Avestan
tav: power
us-tavah: out of power, tired
ni-us-tavah: not tired (of fighting)
POK:1082, HRN:89, NYB:196
Persian
sotûh: tired, stressed ستوه
nastûh: energetic in fighting نَستوه
BQT
ستیز
هم: تیر و تیز
هم: stick
Indo-European
Steig, Teig: pointed, sharp نوک دار ، تیز
POK:1016
Av/Old Pers
tiğra: sharp, pointed
POK:1016
Pahlavi
stêğ: sharp, pointed
ARN:351
Persian
setîz: "sharp" ستیز (ستیغ)
setîhîdan: to fight ستیهیدن
BQT, ARN
ستیغ رجوع شود به: ستیز
ستیهیدن رجوع شود به: ستیز
سجّل
" مُهر شده"
هم: sign, seal
Indo-European
Sekw: to follow دنبال کردن
POK:896
Latin
signum: sign, mark
sigillatus: a record
AHD
Arabic
sejell: a sealed record
AHD:1159
Persian
sejel: a record سجّل
AHD, ARK:221
سخت
Indo-European
Kak 1: to have power, help, enable قادر بودن، کمک کردن
POK:522, ARN:352
Avestan
sačaiti: hard, strong
ARN:352
Pahlavi
saxt: hard
BQT:1106
Persian
saxt: difficult سخت
SNS:173
سختن
وزن کردن
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone
تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Av/Old Pers
athagaina, athangaina: stone
âthanga, asenga, asan: stone
sang, sax: to weigh
SYN:52, BRT:208, KNT:166, FFD:60
Pahlavi
sang: stone
saxt: weigh
BQT:1175, SNS:193
Persian
saxtan: to weigh سختن (سختیدن)
همه گنج ارجاسپ در باز کرد
به کپّان درم سختن آغاز کرد (فردوسی)
BQT:1175, FFD:60, FSF:224
سختیدن رجوع شود به: سختن
سُخن
Indo-European
Kâs 3: to direct, command
هدایت کردن، فرمان دادن
POK:533, WLD1: 358
Av/Old Pers
sâs, sâh: command
sâxvan, sâsnâ: instructions, teachings
POK:533, BRT:1574, SYN:1338, BQT:354
Pahlavi
soxvan: instructions, speech
BQT:354,1573, MON:1843
Persian
soxan: speech سخن
BQT, HRN:160, MON, FSF:99
NOTE- ARN:354 suggests the Indo-European root "Sekw: to see, speak" (POK:897) for this word.
سِدر
هم: cedar
Hebrew
Qâter: smoke, incense دود، بخور
KLN:255
Greek
Kedrus: a tree (wood) used for burning sacrifices
KLN:255
Latin
cedrus: cedar tree
KLN:255
Persian
sedr: cedar tree سِدر
MON:1846
سدیم
مق: صداع
Arabic
S.d.a`: to split
شکافتن
KLN:1468
Arabic
soda`: a head-splitting headache
Latin
sodanum: an alkaline used to cure headaches
KLN:1468
French
Persian
sodiyom: sodium سدیم
MON:1847
سر
هم: migraine
Indo-European
Ker 1: head, horn سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Avestan
sarah, sârah: head
AHD, POK:574, KLN:261
Pahlavi
sar: head
BQT:1111
Persian
sar: head, chief سر (سالار)
BQT



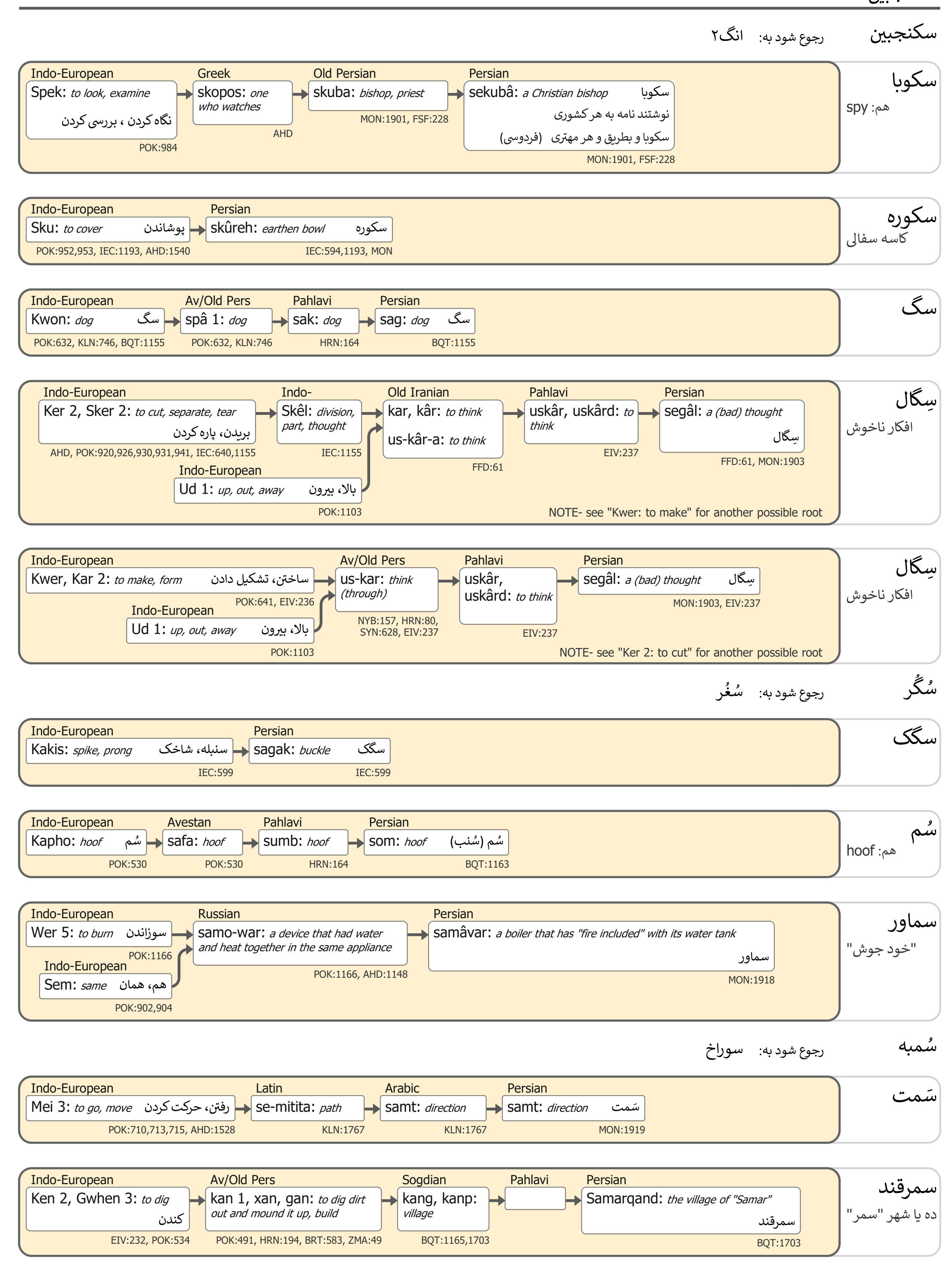
سراج
Pahlavi
Cîrâğ: lamp چراغ
PLA:157
Aramaic
PLA:157
Arabic
sîrâj: lamp
PLA:157, FVQ:166
Persian
serâj: lamp سراج
FVA:188
سُرادِق
مق: سرای
Indo-European
Ter 1: to cross over, surpass, overcome
عبور کردن ، غلبه کردن
POK:1075, KLN:1639
Old Persian
srâd, srâda:
house, shelter
MON:1850, VDQ:255
Arabic
sorâdeq: tent
NOTE- This word may have been borrowed from Persian "sarâ-pardeh: tent".
VDQ:255, MON:1850
Persian
sorâdeq: tent, house
سُرادِق
MON:1850
سرای
مق: سرادق
Indo-European
Ter 1: to cross over, surpass, overcome
عبور کردن ، غلبه کردن
POK:1075, KLN:1639
Avestan
thrâ, thrâya: shelter, cover
POK:1075, KLN:1639
Persian
sarây: house, place سرای (ـ سار ا ، کوهسار)
BQT, HRN:161, MON
ARN:354 offers another Indo-European root "Kel,Kol (from Rel): cover" (POK:553)
سراییدن
هم: listen
Indo-European
Kleu, Srau: to hear
شنیدن
POK:605, EIV:356
Avestan
sru, srav, xšnu, xšnaw: to hear
HRN:177
Avestan
srû-ta: speech
sraw: to read
srâw: to sing
POK:605, KLN:1456, FFD:60
Persian
sarâîdan: to sing
سراییدن (سرود)
BQT, MON, FRS
سرب
Avestan
Sru, Srva : lead (metal) سرب
BQT:1116, SYN:617, BRT:1649, SNS:183
Pahlavi
srpîn, srubên: lead, made of lead
HRN:161, BQT:1116, SNS:183
Persian
sorb: lead سرب
MON:266,1854, BQT:1116, SNS:614
سرخ
Indo-European
Keuk: to shine, be white درخشیدن
POK:597
Avestan
suxra: glowing red
POK:597, HRN:161,165, IRN:128
Persian
sorx: red سرخ (سهراب)
BQT, IRN:128, FFD:61
سرد
هم: سال
Indo-European
Kel 1: cold or warm, a year سرد یا گرم، سال
NOTE- This root has two opposing meanings
POK:551, SYN:1078
Avestan
sarethâ: cold
POK:551, SYN:1078
Pahlavi
sart: cold (adj.)
sarmâk: cold
HRN:23
Persian
sard: cold سرد (سرما)
POK:551, SYN:1078, BQT
سرده
نژاد
هم: herd
Indo-European
Kerd 2: row, herd گروه، گله
POK:579
Avestan
saredha: way, kind, race, breed
POK:579
Pahlavi
sartak: breed
Persian
sardeh: race, breed, kind سرده
BQT:1122, SNS:183
سرشار
رجوع شود به: شاریدن
سرشت
Indo-European
Klis: adhere چسبیدن، پایبند بودن
IEC:1637
Old Iranian
srîš, sraîš: a plant and its resin used for making glue.
FFD:60
Avestan
sraêš: mixture, nature
HRN:162, HUB:75
Persian
sereštan: to mix سرشتن
serešt: nature سرشت
BQT:1124, HRN:162
سرشتن
رجوع شود به: سرشت
سرشک
Indo-European
Sresk: to drip چکیدن
POK:1002
Avestan
srask: tear drop
POK:1002
Pahlavi
srešk: drop
BQT:1124, SNS:183
Persian
serešk: tear drop سرشک
POK:1002, BQT:1124
سرفه
هم: scream
Indo-European
Ker 3: loud noise, noisy birds صدای بلند، پرندگان پر صدا
POK:567
Persian
sorfeh: cough سرفه
POK:569
سرگرد
رجوع شود به: گُرد

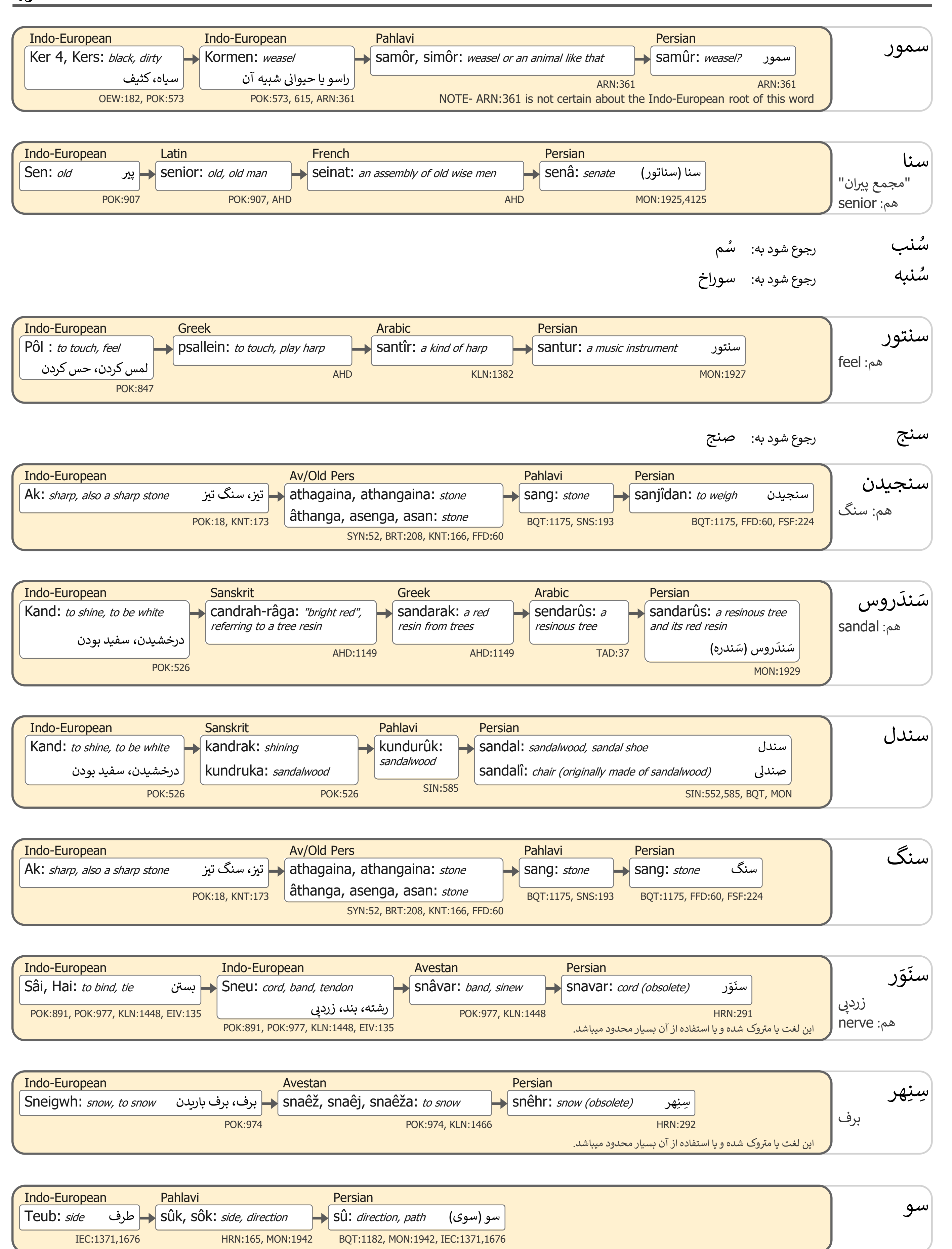


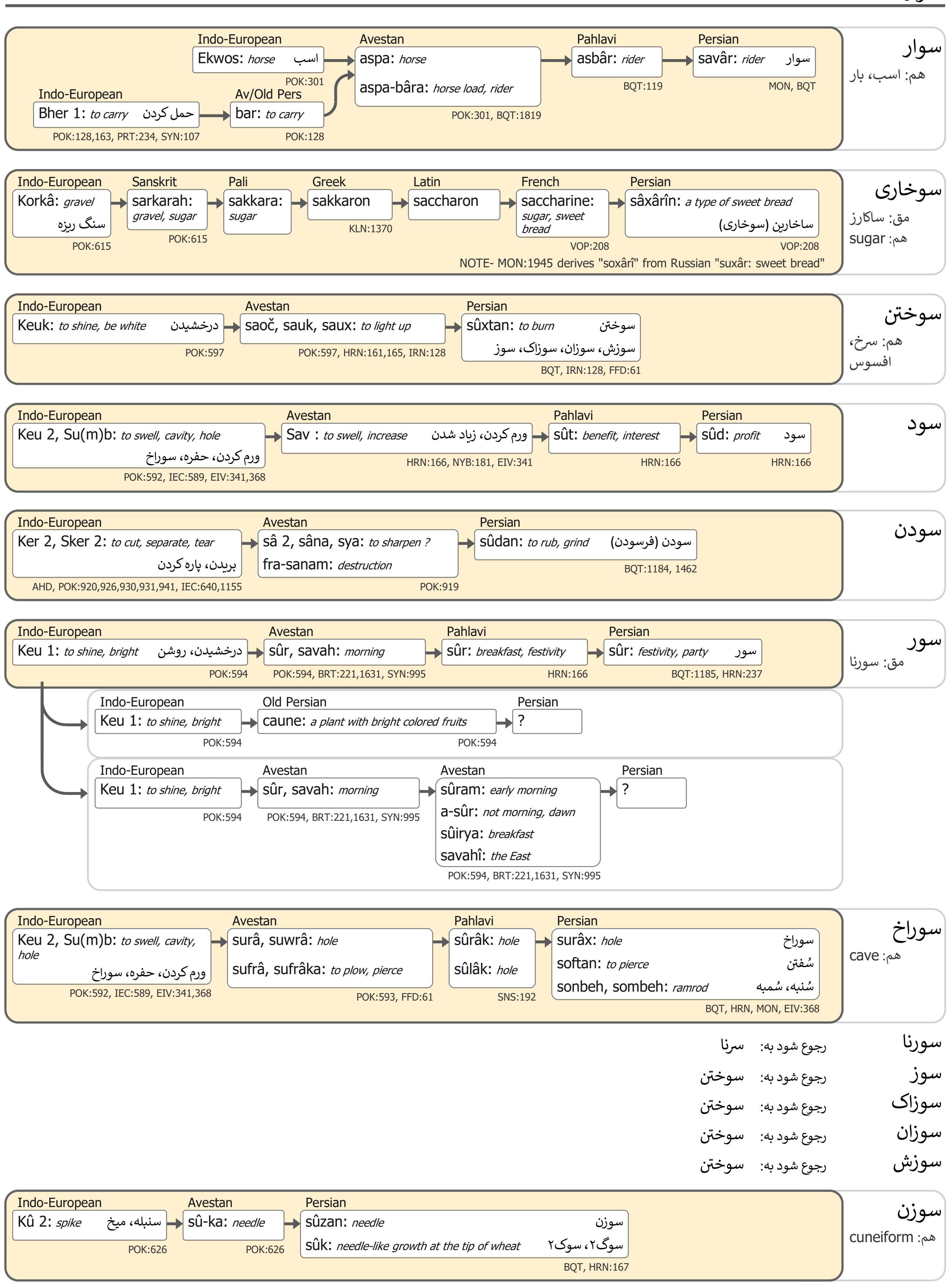
سرگین
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Avestan
sairi-gaona: like cut (dropped) from the body, dung
POK:578,920,947
Persian
sargin, sergin: animal dung سرگین
HRN, BQT,
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
gaona: hair, hair color, type, like
SYN:1051, SNS:90
سِرُم
هم: رود
هم: stream
Indo-European
Ser 1, Sreu: to flow جاری شدن
Srêm: running جاری
POK:909,1003, KNT:205, IEC:1276
Latin
serum: liquid from animal tissue
AHD
French
Persian
serom: liquid from animal tissue سِرُم
MON, AHD
سرما
رجوع شود به: سرد
سرنا
مق: کُرنا
Indo-European
Nedo: reed, pipe, flute تره، لوله، فلوت
POK:759, BQT:2221
Old Persian
nada: flute
HRN:237
Persian
sornâ: "festivity flute" سرنا
POK:759, BQT, MON
Indo-European
Keu 1: to shine, bright درخشیدن، روشن
POK:594
Avestan
sûr, savah: morning
POK:594, BRT:221,1631, SYN:995
Pahlavi
sûr: breakfast, festivity
HRN:166
سُرو
رجوع شود به: سَرون۱
سَرو
Akkadian
Šurmênu: cypress tree درخت سرو
BQT:1130, AKD:53
Aramaic
šarwainâ: cypress
AKD:53, BQT:1130
Arabic
sarw: cypress tree
BQT:1130
Pahlavi
sarv, sarb: cypress
BQT:1130
Persian
sarv: cypress سَرو
BQT:1130
سروا
هم: سراییدن
هم: listen
Indo-European
Kleu, Srau: to hear شنیدن
POK:605, EIV:356
Avestan
sru, srav, xšnu, xšnaw: to hear
HRN:177
Avestan
sravah: word, speech
POK:605, KLN:1456,
Persian
sarvâ: poem, story سروا (سرواد)
چند دهی وعدهٔ دروغ همی
چند فروشی تو بر من این سروا (اورمزدی)
BQT, MON, FRS
سرواد
رجوع شود به: سروا
سرود
رجوع شود به: سراییدن
سُروش
هم: شنیدن
Indo-European
Kleu, Srau: to hear شنیدن
POK:605, EIV:356
Avestan
sru, srav, xšnu, xšnaw: to hear
HRN:177
Avestan
sraothra, sraosha: ear, one who listens and follows
POK:605
Pahlavi
srôsh: one who obeys (God)
BQT:1132
Persian
sorûsh: one of God's angels سُروش
BQT
سَرون۱
شاخ
هم: horn
Indo-European
Ker 1: head, horn سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Avestan
srû, srvâ: head, horn, nail
POK:574, BRT:1650
Persian
sorû, sarûn: horn سُرو، سَرون۱
زیپشانی هر یک از مرد و زن
سَرونی است برزُسته چون کرگدن (نظامی گنجوی)
BQT:1130, HRN:162
سُرون۲
کفل
Indo-European
Klou-ni: buttock, rump باسن، کفل
POK:607
Avestan
sraoni: buttock
POK:607
Pahlavi
sarûk: buttock
HRN:162
Persian
sorûn: buttock سُرون۲ (سَرین)
چونزدیک اسب اندر آمد ز راه
سَرونی بزد بر سَرین سیاه (فردوسی)
BQT:1134
Indo-European
Klou-nis: buttock, rump
POK:607
Old Persian
slaunis: buttock
POK:608
Persian
?
سری
ردیف
Indo-European
Ser 3: to line up, arrange, sort ردیف کردن
POK:911, IEC:1131
Latin
serere: to arrange, join
AHD:1538
French
se'rie, se'riel
VOP:212
Persian
serî: series, sequence سری (سریال)
VOP:212


سِریش
Indo-European
Klis: adhere چسبیدن، پایبند بودن
IEC:1637
Old Iranian
srîš, sraîš: a plant and its resin used for making glue.
FFD:60
Avestan
srîš: to join, glue
BQT:1136,
Pahlavi
sriš: glue
FFD:60
Persian
serîš: glue سِریش (سریشم)
BQT:1136, FFD:60, MON ،IEC:1637, EIV:385
سَرین
رجوع شود به: سُرون۲
سزا
رجوع شود به: سزیدن
سزیدن
Indo-European
Kak 1: to have power, help, enable قادر بودن، کمک کردن
POK:522, ARN:352
Avestan
sačaiti: able, qualified
POK:522, HRN:152, FFD:58
Persian
sezîdan: to qualify سزیدن (سزا)
HRN, BQT, POK:522
سطل
Indo-European
Sê: to sift الک کردن
POK:889, AHD:1537
Latin
situla: a sift, bucket, pail
POK:889, WLD2: 459
Persian / Arabic
satl: bucket, pail سطل
ARK:221, TAD:35, FVF:361
NOTE- MON believes it is Arabic but PLA: 160 claims it is borrowed from Persian.
سُغُر
جوجه تیغی
Avestan
Sukurna, Skarna: porcupine
جوجه تیغی
HRN:164
Pahlavi
sukur: a large porcupine
MON:1905
Persian
sogor: a large porcupine سُگر (سُغُر)
چون رسن گر زپس آید همه رفتار مرا
بسغرمانم کز باز پس اندازم تیر (بوشکور)
BQT:1157, HRN:164, MON:1905, FRS:100
سُفت
شانه
Indo-European
Rup, Sup: shoulder شانه
POK:627
Avestan
supti: shoulder
POK:627
Pahlavi
suft: shoulder
ARN:359
Persian
soft: shoulder سُفت
بر آن سُفت سیمینش مشکین کمند
سرش گشته چون حلقهٔ پای بند (فردوسی)
SYN:236, POK:627, BQT:1143, HRN:163
سُفتن
رجوع شود به: سوراخ
سفسطه
مغالطه
Greek
Sophos: skilled, wise با تجربه، عاقل
AHD:1232
Greek
sophisma: a skilled but false reasoning, fallacy
AHD:1232
Arabic
safsatah: fallacy
TAD:35,53
Persian
safsateh: fallacy سفسطه
MON
سَفَل
سُم
Indo-European
Kapho: hoof سُم
POK:530
Avestan
safa: hoof
POK:530
Persian
safal: hoof (of a camel) سَفَل
MON:1825, SOD:65
سفلیس
"دوست خوکان"
Indo-European
Bhilo: friendly, loving
خوب، دوستانه
NOTE- SYN: 1110 claims this is an Anatolian word
POK:153
Greek
philos: love
POK:154
Indo-European
Su 2: wild boar, pig
گراز، خوک
POK:1038
Greek
sûs-philos: friend of swine (a shepherd's name)
AHD, KLN
Latin
French
Syphilis: (see the note below)
AHD:1306, KLN:1561
Persian
seflîs: syphilis
سفلیس
MON
NOTE- Syphilis (friend of swine) was the name of a shepherd in a poem by a physician (1530) who became a victim of this disease.
سفید
رجوع شود به: سپید
سقرلات
هم: scarlet
Indo-European
Sekw: to follow دنبال کردن
POK:896
Latin
signum: sign, mark
AHD
Arabic
siqillat: with little images
AHD:1159
Persian
saqarlât: a rich red cloth سقرلات
AHD, ARK:221
سکار
هم: coal
Indo-European
Dhegh: to heat, burn
گرم کردن، سوزاندن
POK:240
Indo-European
Geulo: coal
IEC:379,407, POK:399
Avestan
skarana, skairya: coal
HRN:163, BQT:1150, IEC:379,407
Persian
sekâr: coal سکار (سکارو)
بدار دنیا چو برفروخت آتش ظلم
سکار آن بجهنّم همی خورد چو ظلیم (سوزنی سمرقندی)
BQT:1026,1150, HRN:163, MON

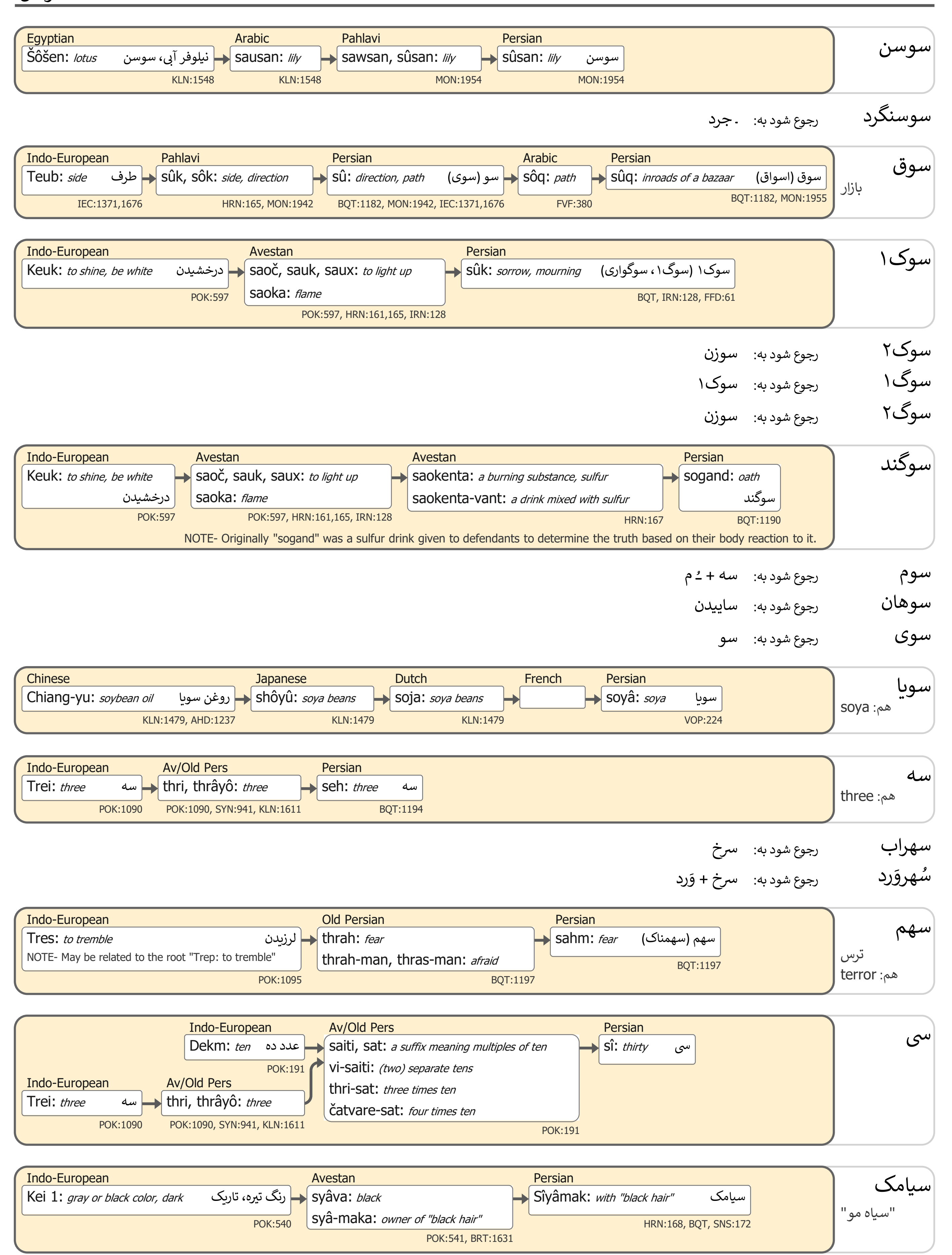
سکنجبین رجوع شود به: انگ۲

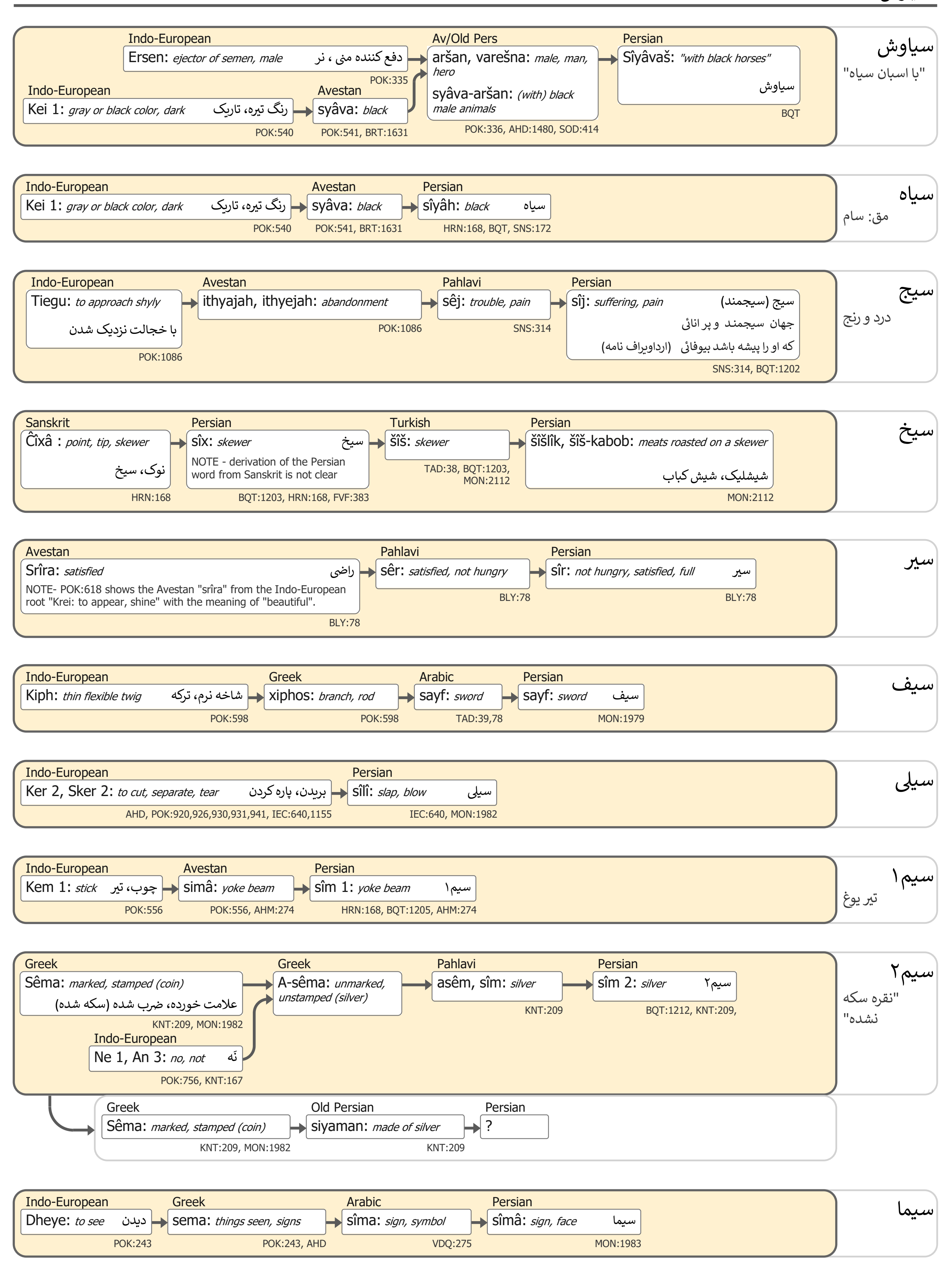


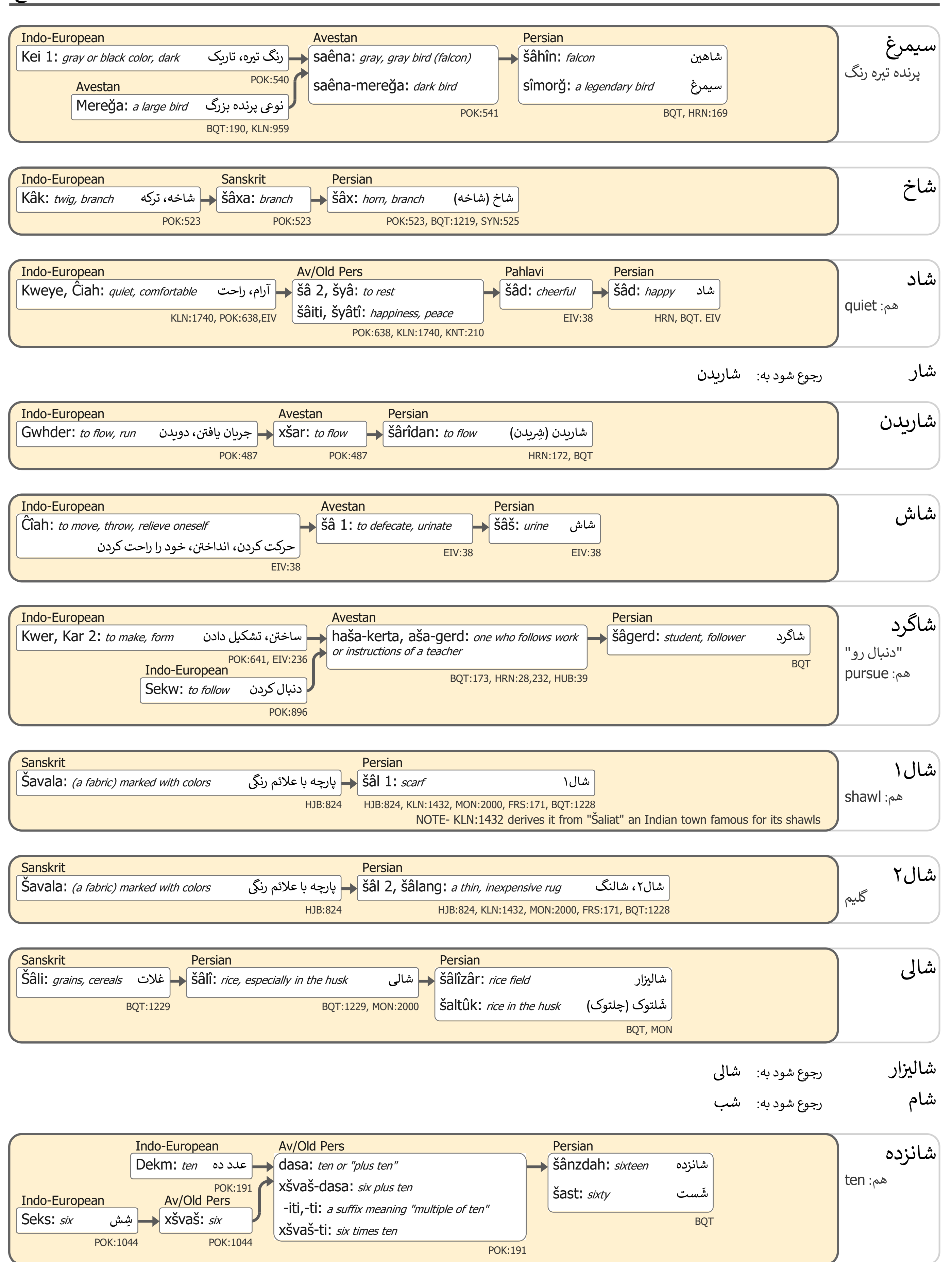

سمور
Indo-European
Ker 4, Kers: black, dirty
سیاه، کثیف
OEW:182, POK:573
Indo-European
Kormen: weasel
راسو یا حیوانی شبیه آن
POK:573, 615, ARN:361
Pahlavi
samôr, simôr: weasel or an animal like that
ARN:361
Persian
samûr: weasel? سمور
ARN:361
NOTE- ARN:361 is not certain about the Indo-European root of this word
سنا
"مجمع پیران"
هم: senior
Indo-European
Sen: old پیر
POK:907
Latin
senior: old, old man
POK:907, AHD
French
seinat: an assembly of old wise men
AHD
Persian
senâ: senate سنا (سناتور)
MON:1925,4125
سُنب رجوع شود به: سُم
سُنبه رجوع شود به: سوراخ
سنتور
هم: feel
Indo-European
Pôl : to touch, feel
لمس کردن، حس کردن
POK:847
Greek
psallein: to touch, play harp
AHD
Arabic
santîr: a kind of harp
KLN:1382
Persian
santur: a music instrument سنتور
MON:1927
سنج رجوع شود به: صنج
سنجیدن
هم: سنگ
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Av/Old Pers
athagaina, athangaina: stone
âthanga, asenga, asan: stone
SYN:52, BRT:208, KNT:166, FFD:60
Pahlavi
sang: stone
BQT:1175, SNS:193
Persian
sanjîdan: to weigh سنجیدن
BQT:1175, FFD:60, FSF:224
سَندَروس
هم: sandal
Indo-European
Kand: to shine, to be white
درخشیدن، سفید بودن
POK:526
Sanskrit
candrah-râga: "bright red", referring to a tree resin
AHD:1149
Greek
sandarak: a red resin from trees
AHD:1149
Arabic
sendarûs: a resinous tree
TAD:37
Persian
sandarûs: a resinous tree and its red resin
سَندَروس (سَندره)
MON:1929
سندل
Indo-European
Kand: to shine, to be white
درخشیدن، سفید بودن
POK:526
Sanskrit
kandrak: shining
kundruka: sandalwood
POK:526
Pahlavi
kundurûk: sandalwood
SIN:585
Persian
sandal: sandalwood, sandal shoe سندل
sandalî: chair (originally made of sandalwood) صندلی
SIN:552,585, BQT, MON
سنگ
Indo-European
Ak: sharp, also a sharp stone تیز، سنگ تیز
POK:18, KNT:173
Av/Old Pers
athagaina, athangaina: stone
âthanga, asenga, asan: stone
SYN:52, BRT:208, KNT:166, FFD:60
Pahlavi
sang: stone
BQT:1175, SNS:193
Persian
sang: stone سنگ
BQT:1175, FFD:60, FSF:224
سنَوَر
زردپی
هم: nerve
Indo-European
Sâi, Hai: to bind, tie بستن
POK:891, POK:977, KLN:1448, EIV:135
Indo-European
Sneu: cord, band, tendon
رشته، بند، زردپی
POK:891, POK:977, KLN:1448, EIV:135
Avestan
snâvar: band, sinew
POK:977, KLN:1448
Persian
snavar: cord (obsolete) سنَوَر
HRN:291
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
سِنِهر
برف
Indo-European
Sneigwh: snow, to snow برف، برف باریدن
POK:974
Avestan
snaêž, snaêj, snaêža: to snow
POK:974, KLN:1466
Persian
snêhr: snow (obsolete) سِنِهر
HRN:292
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
سو
Indo-European
Teub: side طرف
IEC:1371,1676
Pahlavi
sûk, sôk: side, direction
HRN:165, MON:1942
Persian
sû: direction, path سو (سوی)
BQT:1182, MON:1942, IEC:1371,1676



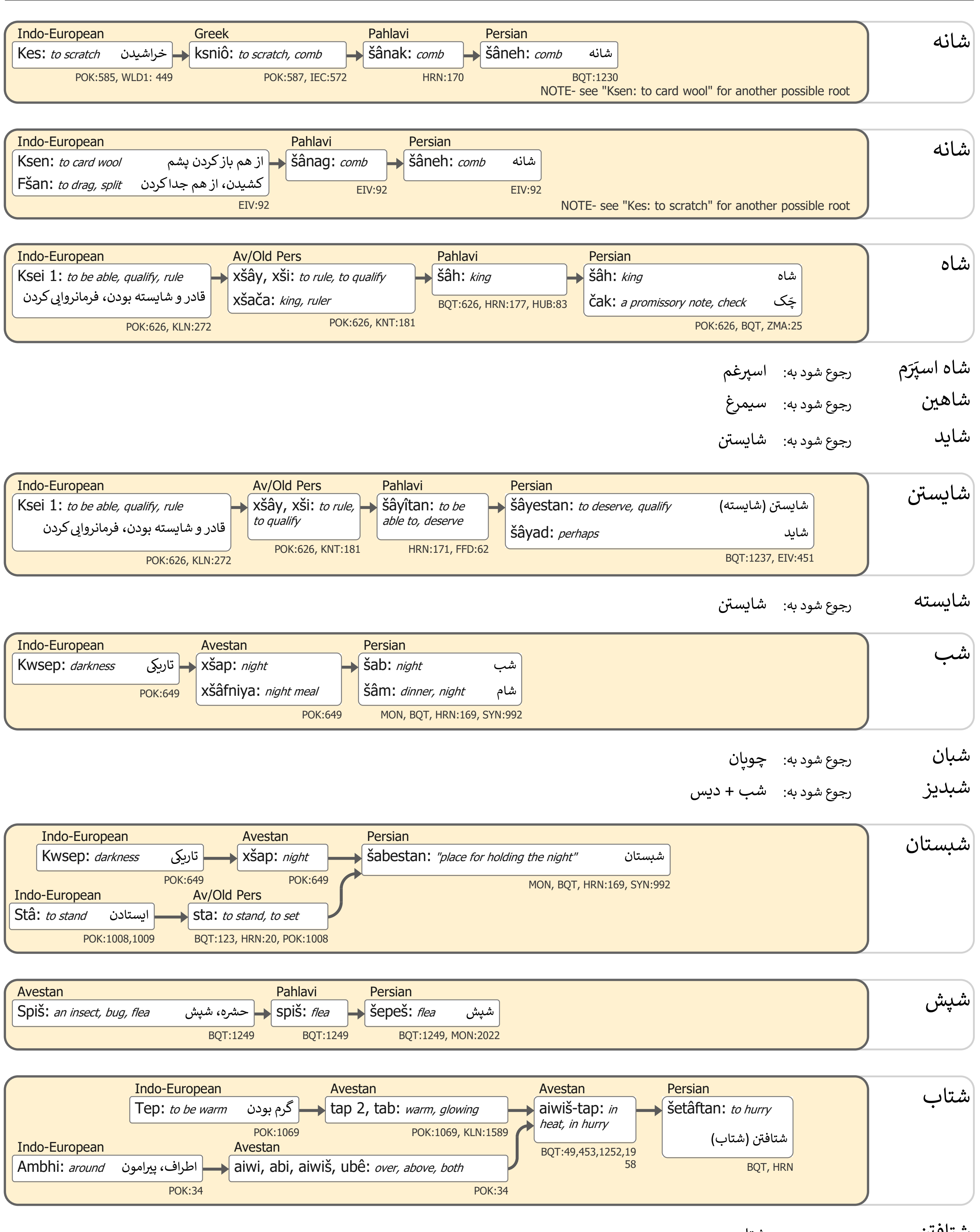
سوار
هم: اسب، بار
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Avestan
aspa: horse
aspa-bâra: horse load, rider
POK:301, BQT:1819
Pahlavi
asbâr: rider
BQT:119
Persian
savâr: rider سوار
MON, BQT
سوخاری
مق: ساکارز
هم: sugar
Indo-European
Korkâ: gravel
سنگ ریزه
POK:615
Sanskrit
sarkarah: gravel, sugar
POK:615
Pali
sakkara: sugar
Greek
sakkaron
KLN:1370
Latin
saccharon
French
saccharine: sugar, sweet bread
VOP:208
Persian
sâxârîn: a type of sweet bread
ساخارین (سوخاری)
VOP:208
NOTE- MON:1945 derives "soxârî" from Russian "suxâr: sweet bread"
سوختن
هم: سرخ، افسوس
Indo-European
Keuk: to shine, be white درخشیدن
POK:597
Avestan
saoč, sauk, saux: to light up
POK:597, HRN:161,165, IRN:128
Persian
sûxtan: to burn سوختن
سوزش، سوزان، سوزاک، سوز
BQT, IRN:128, FFD:61
سود
Indo-European
Keu 2, Su(m)b: to swell, cavity, hole
ورم کردن، حفره، سوراخ
POK:592, IEC:589, EIV:341,368
Avestan
Sav : to swell, increase ورم کردن، زیاد شدن
HRN:166, NYB:181, EIV:341
Pahlavi
sût: benefit, interest
HRN:166
Persian
sûd: profit سود
HRN:166
سودن
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear
بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Avestan
sâ 2, sâna, sya: to sharpen ?
fra-sanam: destruction
POK:919
Persian
sûdan: to rub, grind سودن (فرسودن)
BQT:1184, 1462
سور
مق: سورنا
Indo-European
Keu 1: to shine, bright درخشیدن، روشن
POK:594
Avestan
sûr, savah: morning
POK:594, BRT:221,1631, SYN:995
Pahlavi
sûr: breakfast, festivity
HRN:166
Persian
sûr: festivity, party سور
BQT:1185, HRN:237
Indo-European
Keu 1: to shine, bright
POK:594
Old Persian
caune: a plant with bright colored fruits
POK:594
Persian
?
Indo-European
Keu 1: to shine, bright
POK:594
Avestan
sûr, savah: morning
POK:594, BRT:221,1631, SYN:995
Avestan
sûram: early morning
a-sûr: not morning, dawn
sûirya: breakfast
savahî: the East
POK:594, BRT:221,1631, SYN:995
Persian
?
سوراخ
هم: cave
Indo-European
Keu 2, Su(m)b: to swell, cavity, hole
ورم کردن، حفره، سوراخ
POK:592, IEC:589, EIV:341,368
Avestan
surâ, suwrâ: hole
sufrâ, sufrâka: to plow, pierce
POK:593, FFD:61
Pahlavi
sûrâk: hole
sûlâk: hole
SNS:192
Persian
surâx: hole سوراخ
softan: to pierce سُفتن
sonbeh, sombeh: ramrod سُنبه، سُمبه
BQT, HRN, MON, EIV:368
سورنا رجوع شود به: سرنا
سوز رجوع شود به: سوختن
سوزاک رجوع شود به: سوختن
سوزان رجوع شود به: سوختن
سوزش رجوع شود به: سوختن
سوزن
هم: cuneiform
Indo-European
Kû 2: spike سنبله، میخ
POK:626
Avestan
sû-ka: needle
POK:626
Persian
sûzan: needle سوزن
sûk: needle-like growth at the tip of wheat سوگ۲، سوک۲
BQT, HRN:167


سوسن
Egyptian
Šôšen: lotus نیلوفر آبی، سوسن
KLN:1548
Arabic
sausan: lily
KLN:1548
Pahlavi
sawsan, sûsan: lily
MON:1954
Persian
sûsan: lily سوسن
MON:1954
سوسنگرد رجوع شود به: ـ جرد
سوق
بازار
Indo-European
Teub: side طرف
IEC:1371,1676
Pahlavi
sûk, sôk: side, direction
HRN:165, MON:1942
Persian
sû: direction, path سو (سوی)
BQT:1182, MON:1942, IEC:1371,1676
Arabic
sôq: path
FVF:380
Persian
sûq: inroads of a bazaar سوق (اسواق)
BQT:1182, MON:1955
سوک۱
Indo-European
Keuk: to shine, be white درخشیدن
POK:597
Avestan
saoč, sauk, saux: to light up
saoka: flame
POK:597, HRN:161,165, IRN:128
Persian
sûk: sorrow, mourning سوک۱ (سوگ۱، سوگواری)
BQT, IRN:128, FFD:61
سوک۲ رجوع شود به: سوزن
سوگ۱ رجوع شود به: سوک۱
سوگ۲ رجوع شود به: سوزن
سوگند
Indo-European
Keuk: to shine, be white
درخشیدن
POK:597
Avestan
saoč, sauk, saux: to light up
saoka: flame
POK:597, HRN:161,165, IRN:128
Avestan
saokenta: a burning substance, sulfur
saokenta-vant: a drink mixed with sulfur
HRN:167
Persian
sogand: oath
سوگند
BQT:1190
NOTE- Originally "sogand" was a sulfur drink given to defendants to determine the truth based on their body reaction to it.
سوم رجوع شود به: سه + ـُ م
سوهان رجوع شود به: ساییدن
سوی رجوع شود به: سو
سویا
هم: soya
Chinese
Chiang-yu: soybean oil روغن سویا
KLN:1479, AHD:1237
Japanese
shôyû: soya beans
KLN:1479
Dutch
soja: soya beans
KLN:1479
French
Persian
soyâ: soya سویا
VOP:224
سه
هم: three
Indo-European
Trei: three سه
POK:1090
Av/Old Pers
thri, thrâyô: three
POK:1090, SYN:941, KLN:1611
Persian
seh: three سه
BQT:1194
سهراب رجوع شود به: سرخ
سُهرَورد رجوع شود به: سرخ + وَرد
سهم
ترس
هم: terror
Indo-European
Tres: to tremble لرزیدن
NOTE- May be related to the root "Trep: to tremble"
POK:1095
Old Persian
thrah: fear
thrah-man, thras-man: afraid
BQT:1197
Persian
sahm: fear سهم (سهمناک)
BQT:1197
سی
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Indo-European
Trei: three سه
POK:1090
Av/Old Pers
thri, thrâyô: three
POK:1090, SYN:941, KLN:1611
Av/Old Pers
saiti, sat: a suffix meaning multiples of ten
vi-saiti: (two) separate tens
thri-sat: three times ten
čatvare-sat: four times ten
POK:191
Persian
sî: thirty سی
سیامک
"سیاه مو"
Indo-European
Kei 1: gray or black color, dark رنگ تیره، تاریک
POK:540
Avestan
syâva: black
syâ-maka: owner of "black hair"
POK:541, BRT:1631
Persian
Sîyâmak: with "black hair" سیامک
HRN:168, BQT, SNS:172


سیاوش
"با اسبان سیاه"
Indo-European
Ersen: ejector of semen, male دفع کننده منی ، نر
POK:335
Indo-European
Kei 1: gray or black color, dark رنگ تیره، تاریک
POK:540
Avestan
syâva: black
POK:541, BRT:1631
Av/Old Pers
aršan, varešna: male, man, hero
syâva-aršan: (with) black male animals
POK:336, AHD:1480, SOD:414
Persian
Sîyâvaš: "with black horses" سیاوش
BQT
سیاه
مق: سام
Indo-European
Kei 1: gray or black color, dark رنگ تیره، تاریک
POK:540
Avestan
syâva: black
POK:541, BRT:1631
Persian
sîyâh: black سیاه
HRN:168, BQT, SNS:172
سیج
درد و رنج
Indo-European
Tiegu: to approach shyly با خجالت نزدیک شدن
POK:1086
Avestan
ithyajah, ithyejah: abandonment
POK:1086
Pahlavi
sêj: trouble, pain
SNS:314
Persian
sîj: suffering, pain سیج (سیجمند)
جهان سیجمند و پر انائی
که او را پیشه باشد بیوفائی (ارداویراف نامه)
SNS:314, BQT:1202
سیخ
Sanskrit
Cîxâ : point, tip, skewer نوک، سیخ
HRN:168
Persian
sîx: skewer سیخ
NOTE - derivation of the Persian word from Sanskrit is not clear
BQT:1203, HRN:168, FVF:383
Turkish
šîš: skewer
TAD:38, BQT:1203, MON:2112
Persian
šîšlîk, šîš-kabob: meats roasted on a skewer شیشلیک، شیش کباب
MON:2112
سیر
Avestan
Srîra: satisfied راضی
NOTE- POK:618 shows the Avestan "srîra" from the Indo-European root "Krei: to appear, shine" with the meaning of "beautiful".
BLY:78
Pahlavi
sêr: satisfied, not hungry
BLY:78
Persian
sîr: not hungry, satisfied, full سیر
BLY:78
سیف
Indo-European
Kiph: thin flexible twig شاخه نرم، ترکه
POK:598
Greek
xiphos: branch, rod
POK:598
Arabic
sayf: sword
TAD:39,78
Persian
sayf: sword سیف
MON:1979
سیلی
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Persian
sîlî: slap, blow سیلی
IEC:640, MON:1982
سیم۱
تیر یوغ
Indo-European
Kem 1: stick چوب، تیر
POK:556
Avestan
simâ: yoke beam
POK:556, AHM:274
Persian
sîm 1: yoke beam سیم۱
HRN:168, BQT:1205, AHM:274
سیم۲
"نقره سکه نشده"
Greek
Sêma: marked, stamped (coin) علامت خورده، ضرب شده (سکه شده)
KNT:209, MON:1982
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Greek
A-sêma: unmarked, unstamped (silver)
Pahlavi
asêm, sîm: silver
KNT:209
Persian
sîm 2: silver سیم۲
BQT:1212, KNT:209,
Greek
Sêma: marked, stamped (coin)
KNT:209, MON:1982
Old Persian
siyaman: made of silver
KNT:209
Persian
?
سیما
Indo-European
Dheye: to see دیدن
POK:243
Greek
sema: things seen, signs
POK:243, AHD
Arabic
sîma: sign, symbol
VDQ:275
Persian
sîmâ: sign, face سیما
MON:1983



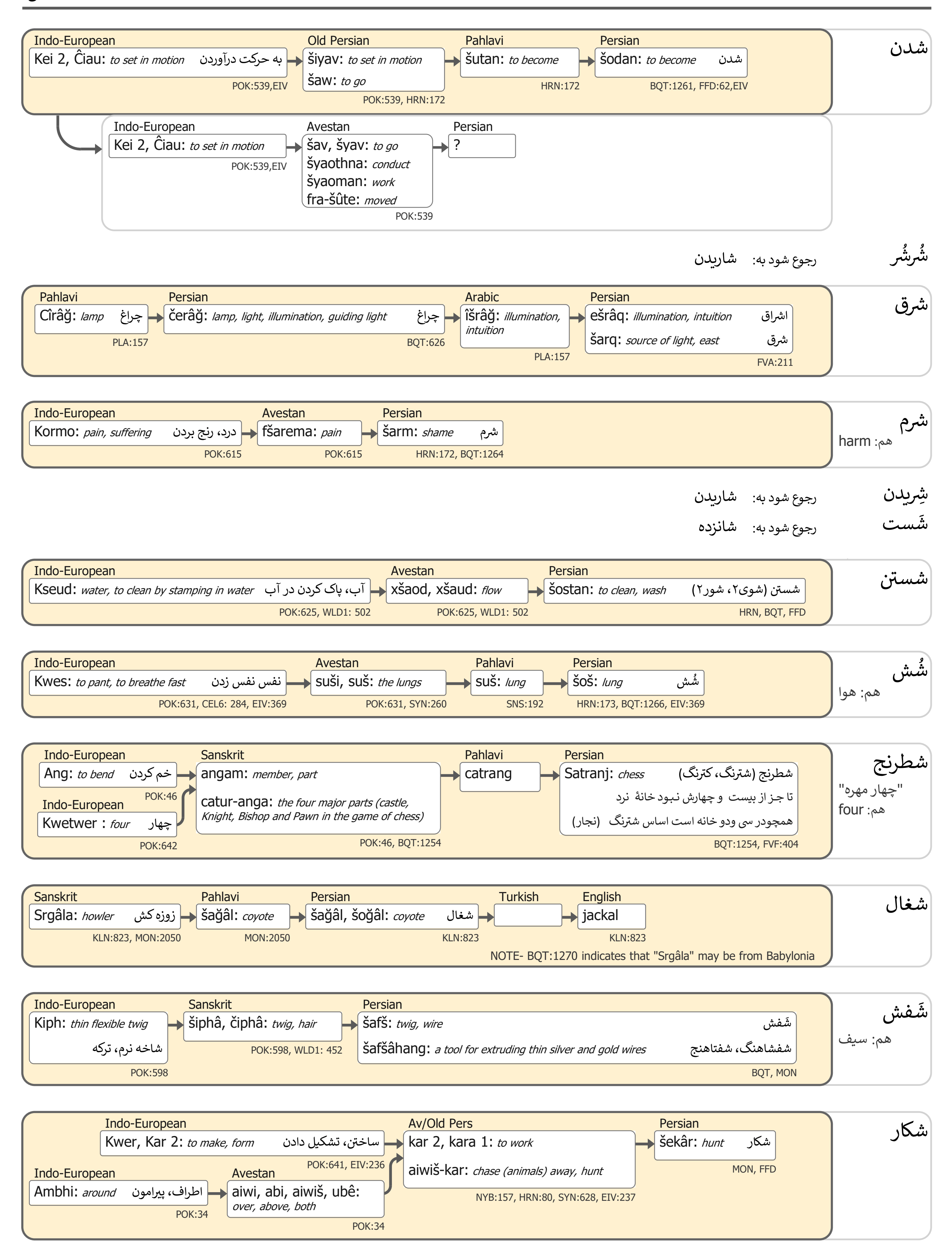
سیمرغ
پرنده تیره رنگ
Indo-European
Kei 1: gray or black color, dark رنگ تیره، تاریک
POK:540
Avestan
Mereğa: a large bird نوعی پرنده بزرگ
BQT:190, KLN:959
Avestan
saêna: gray, gray bird (falcon)
saêna-mereğa: dark bird
POK:541
Persian
šâhîn: falcon شاهین
sîmorğ: a legendary bird سیمرغ
BQT, HRN:169
شاخ
Indo-European
Kâk: twig, branch شاخه، ترکه
POK:523
Sanskrit
šâxa: branch
POK:523
Persian
šâx: horn, branch شاخ (شاخه)
POK:523, BQT:1219, SYN:525
شاد
هم: quiet
Indo-European
Kweye, Ĉiah: quiet, comfortable آرام، راحت
KLN:1740, POK:638,EIV
Av/Old Pers
šâ 2, šyâ: to rest
šâiti, šyâtî: happiness, peace
POK:638, KLN:1740, KNT:210
Pahlavi
šâd: cheerful
EIV:38
Persian
šâd: happy شاد
HRN, BQT. EIV
شار
رجوع شود به: شاریدن
شاریدن
Indo-European
Gwhder: to flow, run جریان یافتن، دویدن
POK:487
Avestan
xšar: to flow
POK:487
Persian
šârîdan: to flow شاریدن (شِریدن)
HRN:172, BQT
شاش
Indo-European
Ĉîah: to move, throw, relieve oneself
حرکت کردن، انداختن، خود را راحت کردن
EIV:38
Avestan
šâ 1: to defecate, urinate
EIV:38
Persian
šâš: urine شاش
EIV:38
شاگرد
"دنبال رو"
هم: pursue
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Sekw: to follow دنبال کردن
POK:896
Avestan
haša-kerta, aša-gerd: one who follows work or instructions of a teacher
BQT:173, HRN:28,232, HUB:39
Persian
šâgerd: student, follower شاگرد
BQT
شال۱
هم: shawl
Sanskrit
Šavala: (a fabric) marked with colors پارچه با علائم رنگی
HJB:824
Persian
šâl 1: scarf شال۱
HJB:824, KLN:1432, MON:2000, FRS:171, BQT:1228
NOTE- KLN:1432 derives it from "Šaliat" an Indian town famous for its shawls
شال۲
گلیم
Sanskrit
Šavala: (a fabric) marked with colors پارچه با علائم رنگی
HJB:824
Persian
šâl 2, šâlang: a thin, inexpensive rug شال۲، شالنگ
HJB:824, KLN:1432, MON:2000, FRS:171, BQT:1228
شالی
Sanskrit
Šâli: grains, cereals غلات
BQT:1229
Persian
šâlî: rice, especially in the husk شالی
BQT:1229, MON:2000
Persian
šâlîzâr: rice field شالیزار
šaltûk: rice in the husk شَلتوک (چلتوک)
BQT, MON
شالیزار
رجوع شود به: شالی
شام
رجوع شود به: شب
شانزده
هم: ten
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Indo-European
Seks: six شِش
POK:1044
Av/Old Pers
xšvaš: six
POK:1044
Av/Old Pers
dasa: ten or "plus ten"
xšvaš-dasa: six plus ten
-iti,-ti: a suffix meaning "multiple of ten"
xšvaš-ti: six times ten
POK:191
Persian
šânzdah: sixteen شانزده
šast: sixty شَست
BQT

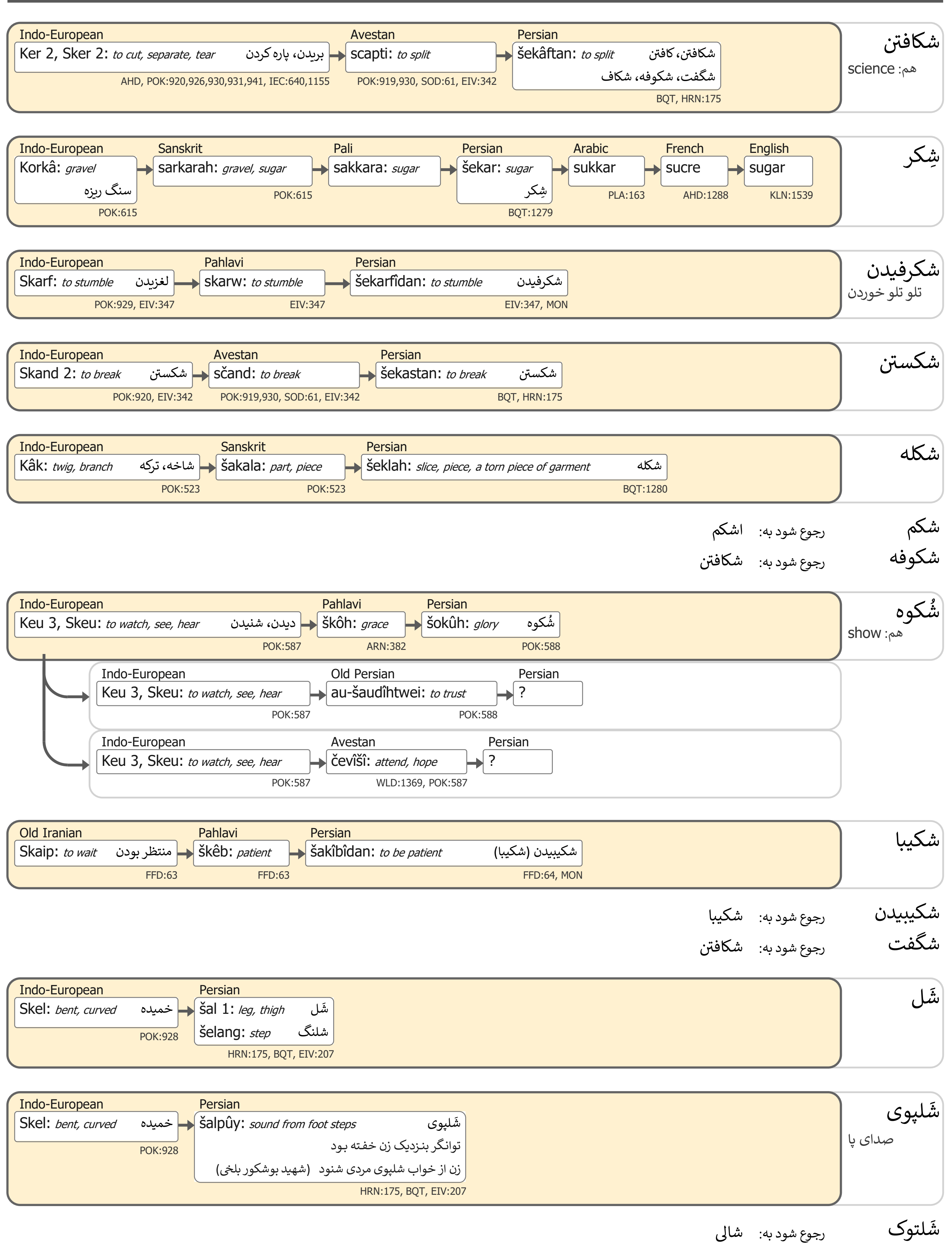


شتافتن رجوع شود به: شتاب

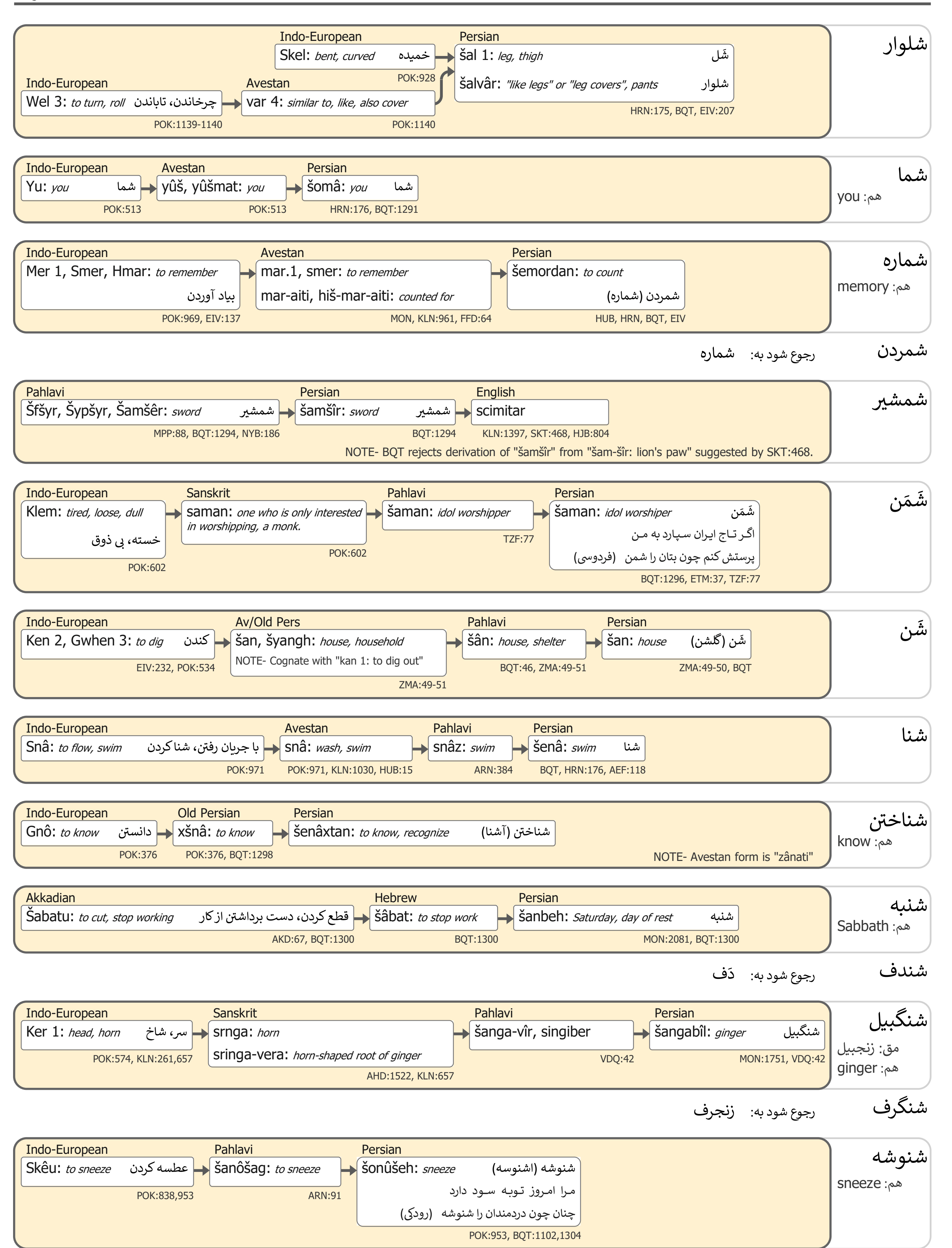
شتر رجوع شود به: اشتر

شترنگ رجوع شود به: شطرنج

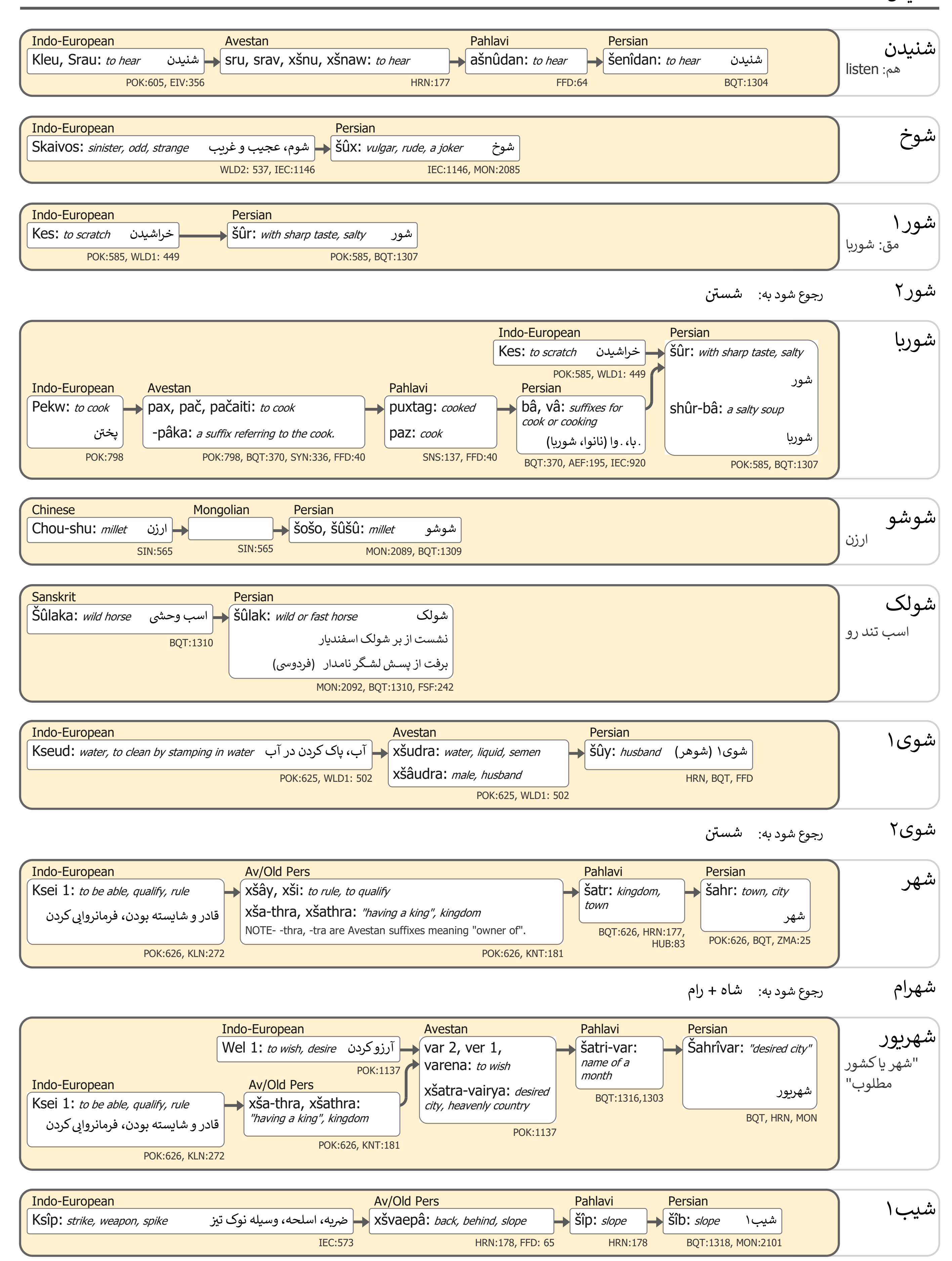

شدن
Indo-European
Kei 2, Ĉiau: to set in motion به حرکت درآوردن
POK:539,EIV
Old Persian
šiyav: to set in motion
šaw: to go
POK:539, HRN:172
Pahlavi
šutan: to become
HRN:172
Persian
šodan: to become شدن
BQT:1261, FFD:62,EIV
Indo-European
Kei 2, Ĉiau: to set in motion
POK:539,EIV
Avestan
šav, šyav: to go
šyaothna: conduct
šyaoman: work
fra-šûte: moved
POK:539
Persian
?
شُرشُر
رجوع شود به: شاریدن
شرق
Pahlavi
Cîrâğ: lamp چراغ
PLA:157
Persian
čerâğ: lamp, light, illumination, guiding light چراغ
BQT:626
Arabic
îšrâğ: illumination, intuition
PLA:157
Persian
ešrâq: illumination, intuition اشراق
šarq: source of light, east شرق
FVA:211
شرم
هم: harm
Indo-European
Kormo: pain, suffering درد، رنج بردن
POK:615
Avestan
fšarema: pain
POK:615
Persian
šarm: shame شرم
HRN:172, BQT:1264
شِریدن
رجوع شود به: شاریدن
شَست
رجوع شود به: شانزده
شستن
Indo-European
Kseud: water, to clean by stamping in water آب، پاک کردن در آب
POK:625, WLD1: 502
Avestan
xšaod, xšaud: flow
POK:625, WLD1: 502
Persian
šostan: to clean, wash شستن (شوی۲، شور۲)
HRN, BQT, FFD
شُش
هم: هوا
Indo-European
Kwes: to pant, to breathe fast نفس نفس زدن
POK:631, CEL6: 284, EIV:369
Avestan
suši, suš: the lungs
POK:631, SYN:260
Pahlavi
suš: lung
SNS:192
Persian
šoš: lung شُش
HRN:173, BQT:1266, EIV:369
شطرنج
"چهار مهره"
هم: four
Indo-European
Ang: to bend خم کردن
POK:46
Indo-European
Kwetwer : four چهار
POK:642
Sanskrit
angam: member, part
catur-anga: the four major parts (castle, Knight, Bishop and Pawn in the game of chess)
POK:46, BQT:1254
Pahlavi
catrang
Persian
Satranj: chess شطرنج (شترنگ، کترنگ)
تا جز از بیست و چهارش نبود خانهٔ نرد
همچودر سی ودو خانه است اساس شترنگ (نجار)
BQT:1254, FVF:404
شغال
Sanskrit
Srgâla: howler زوزه کش
KLN:823, MON:2050
Pahlavi
šağâl: coyote
MON:2050
Persian
šağâl, šoğâl: coyote شغال
KLN:823
Turkish
English
jackal
KLN:823
NOTE- BQT:1270 indicates that "Srgâla" may be from Babylonia
شَفش
هم: سیف
Indo-European
Kiph: thin flexible twig
شاخه نرم، ترکه
POK:598
Sanskrit
šiphâ, čiphâ: twig, hair
POK:598, WLD1: 452
Persian
šafš: twig, wire شَفش
šafšâhang: a tool for extruding thin silver and gold wires شفشاهنگ، شفتاهنج
BQT, MON
شکار
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Ambhi: around اطراف، پیرامون
POK:34
Avestan
aiwi, abi, aiwiš, ubê: over, above, both
POK:34
Av/Old Pers
kar 2, kara 1: to work
aiwiš-kar: chase (animals) away, hunt
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Persian
šekâr: hunt شکار
MON, FFD

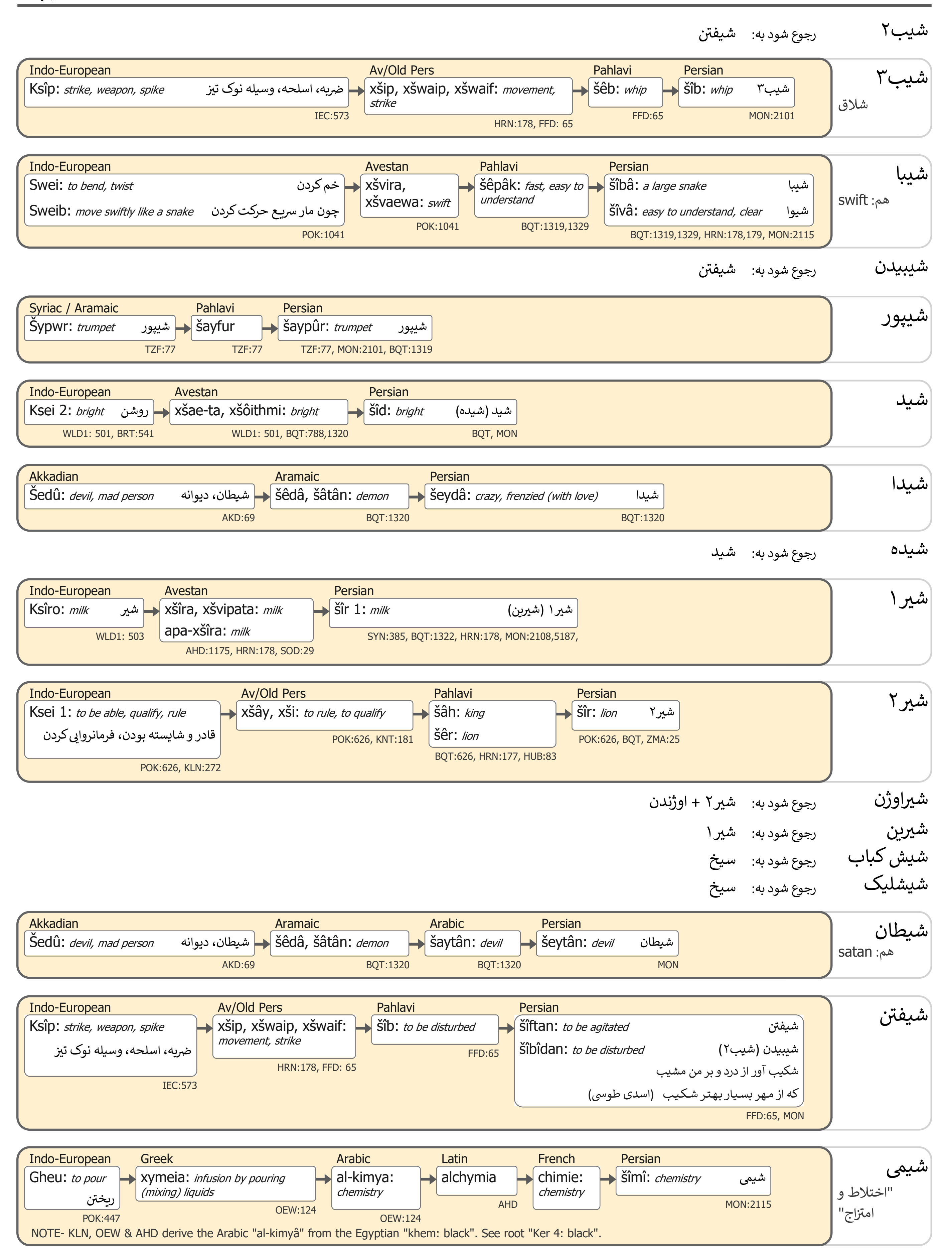


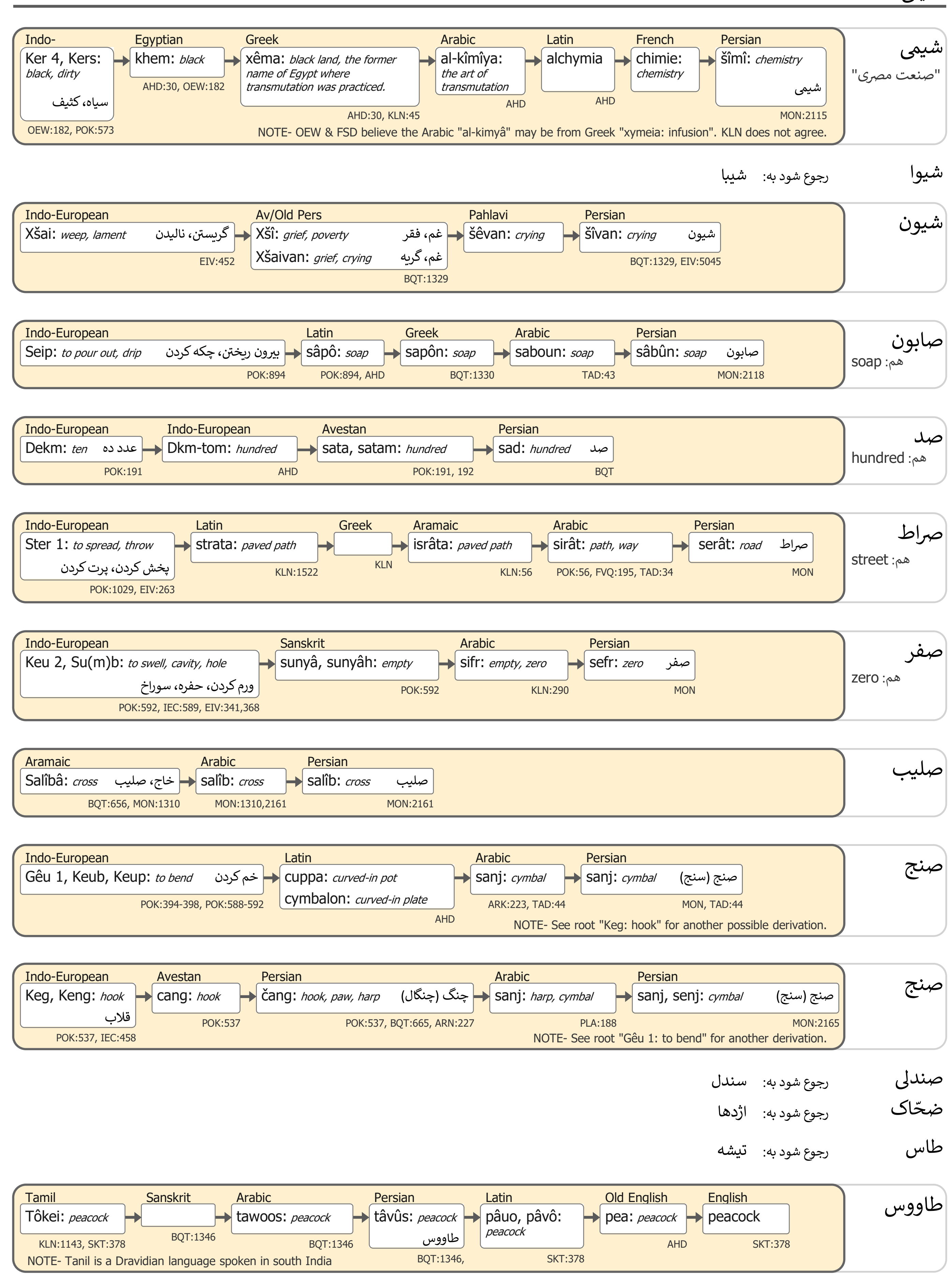
شکافتن
هم: science
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Avestan
scapti: to split
POK:919,930, SOD:61, EIV:342
Persian
šekâftan: to split شکافتن، کافتن
شگفت، شکوفه، شکاف
BQT, HRN:175
شِکر
Indo-European
Korkâ: gravel سنگ ریزه
POK:615
Sanskrit
sarkarah: gravel, sugar
POK:615
Pali
sakkara: sugar
Persian
šekar: sugar شِکر
BQT:1279
Arabic
sukkar
PLA:163
French
sucre
AHD:1288
English
sugar
KLN:1539
شکرفیدن
تلو تلو خوردن
Indo-European
Skarf: to stumble لغزیدن
POK:929, EIV:347
Pahlavi
skarw: to stumble
EIV:347
Persian
šekarfîdan: to stumble شکرفیدن
EIV:347, MON
شکستن
Indo-European
Skand 2: to break شکستن
POK:920, EIV:342
Avestan
sčand: to break
POK:919,930, SOD:61, EIV:342
Persian
šekastan: to break شکستن
BQT, HRN:175
شکله
Indo-European
Kâk: twig, branch شاخه، ترکه
POK:523
Sanskrit
šakala: part, piece
POK:523
Persian
šeklah: slice, piece, a torn piece of garment شکله
BQT:1280
شکم رجوع شود به: اشکم
شکوفه رجوع شود به: شکافتن
شُکوه
هم: show
Indo-European
Keu 3, Skeu: to watch, see, hear دیدن، شنیدن
POK:587
Pahlavi
škôh: grace
ARN:382
Persian
šokûh: glory شُکوه
POK:588
Indo-European
Keu 3, Skeu: to watch, see, hear
POK:587
Old Persian
au-šaudîhtwei: to trust
POK:588
Persian
?
Indo-European
Keu 3, Skeu: to watch, see, hear
POK:587
Avestan
čevîšî: attend, hope
WLD:1369, POK:587
Persian
?
شکیبا
Old Iranian
Skaip: to wait منتظر بودن
FFD:63
Pahlavi
škêb: patient
FFD:63
Persian
šakîbîdan: to be patient شکیبیدن (شکیبا)
FFD:64, MON
شکیبیدن رجوع شود به: شکیبا
شگفت رجوع شود به: شکافتن
شَل
Indo-European
Skel: bent, curved خمیده
POK:928
Persian
šal 1: leg, thigh شَل
šelang: step شلنگ
HRN:175, BQT, EIV:207
شَلپوی
صدای پا
Indo-European
Skel: bent, curved خمیده
POK:928
Persian
šalpûy: sound from foot steps شَلپوی
توانگر بنزدیک زن خفته بود
زن از خواب شلپوی مردی شنود (شهید بوشکور بلخی)
HRN:175, BQT, EIV:207
شَلتوک رجوع شود به: شالی
شلنگ رجوع شود به: شَل

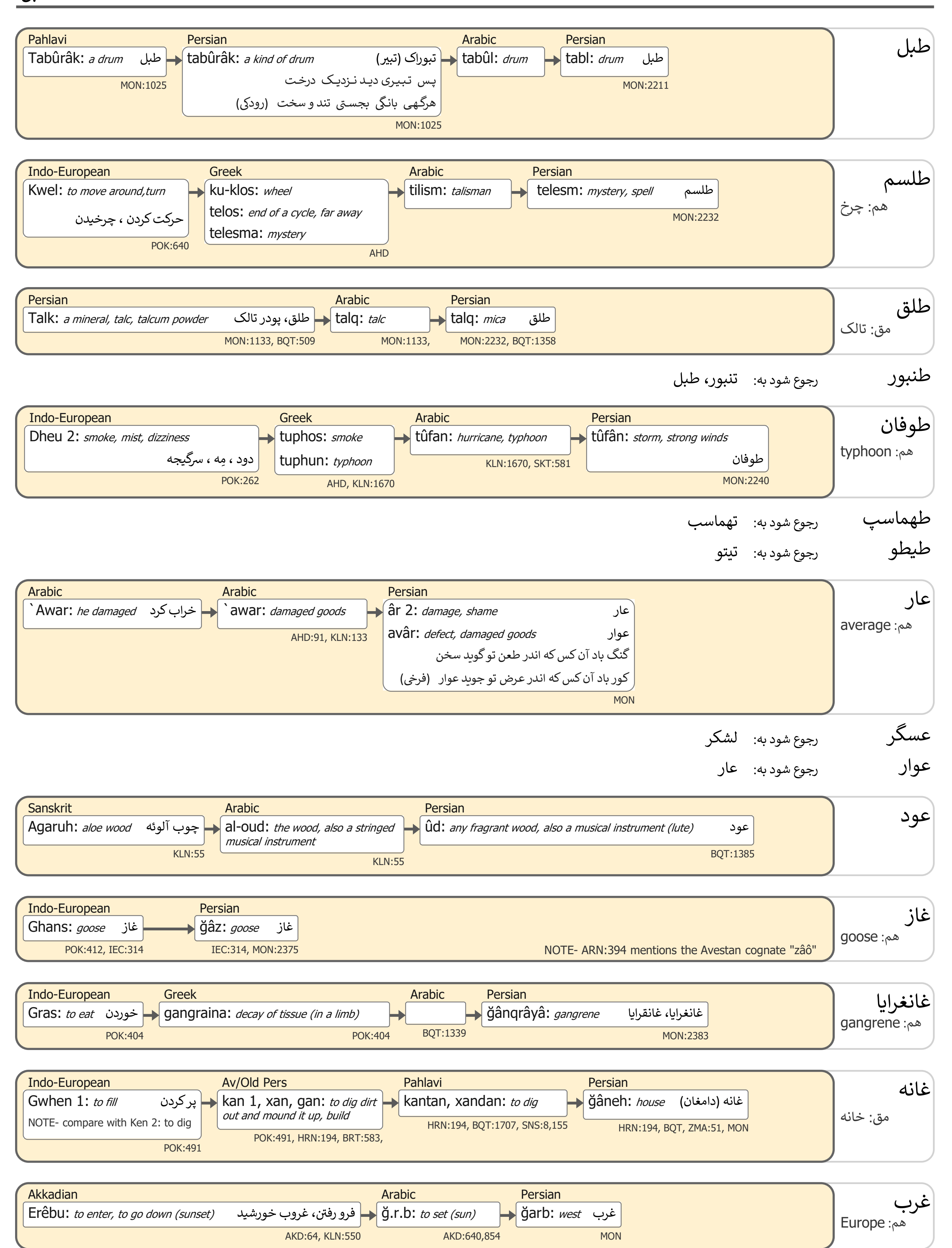


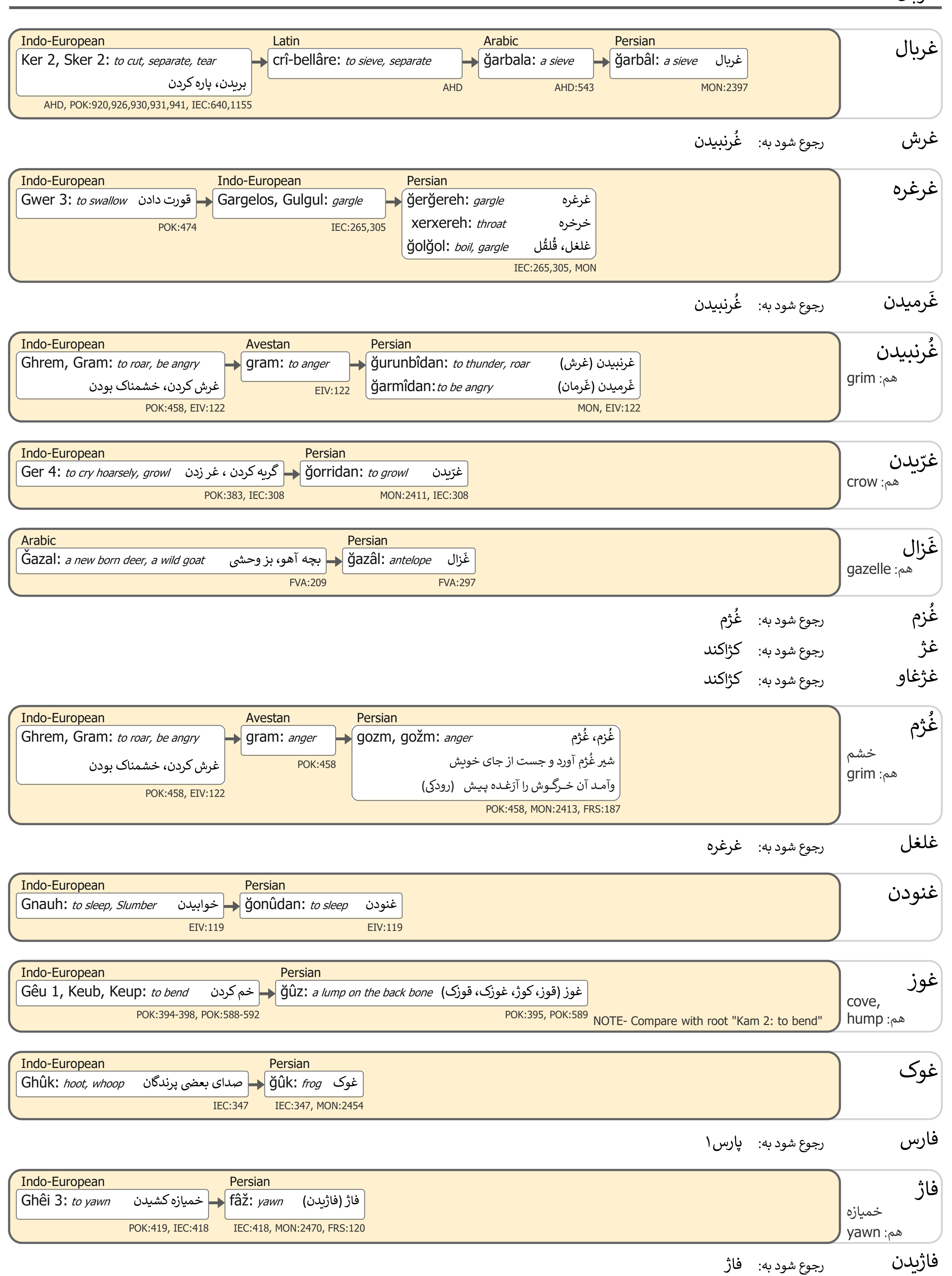
شلوار
Indo-European
Skel: bent, curved خمیده
POK:928
Persian
šal 1: leg, thigh شَل
šalvâr: "like legs" or "leg covers", pants شلوار
HRN:175, BQT, EIV:207
Indo-European
Wel 3: to turn, roll چرخاندن، تاباندن
POK:1139-1140
Avestan
var 4: similar to, like, also cover
POK:1140
شما
هم: you
Indo-European
Yu: you شما
POK:513
Avestan
yûš, yûšmat: you
POK:513
Persian
šomâ: you شما
HRN:176, BQT:1291
شماره
هم: memory
Indo-European
Mer 1, Smer, Hmar: to remember
بیاد آوردن
POK:969, EIV:137
Avestan
mar.1, smer: to remember
mar-aiti, hiš-mar-aiti: counted for
MON, KLN:961, FFD:64
Persian
šemordan: to count
شمردن (شماره)
HUB, HRN, BQT, EIV
شمردن
رجوع شود به: شماره
شمشیر
Pahlavi
Šfšyr, Šypšyr, Šamšêr: sword شمشیر
MPP:88, BQT:1294, NYB:186
Persian
šamšîr: sword شمشیر
BQT:1294
English
scimitar
KLN:1397, SKT:468, HJB:804
NOTE- BQT rejects derivation of "šamšîr" from "šam-šîr: lion's paw" suggested by SKT:468.
شَمَن
Indo-European
Klem: tired, loose, dull
خسته، بی ذوق
POK:602
Sanskrit
saman: one who is only interested in worshipping, a monk.
POK:602
Pahlavi
šaman: idol worshipper
TZF:77
Persian
šaman: idol worshiper شَمَن
اگر تاج ایران سپارد به من
پرستش کنم چون بتان را شمن (فردوسی)
BQT:1296, ETM:37, TZF:77
شَن
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
šan, šyangh: house, household
NOTE- Cognate with "kan 1: to dig out"
ZMA:49-51
Pahlavi
šân: house, shelter
BQT:46, ZMA:49-51
Persian
šan: house شَن (گلشن)
ZMA:49-50, BQT
شنا
Indo-European
Snâ: to flow, swim با جریان رفتن، شنا کردن
POK:971
Avestan
snâ: wash, swim
POK:971, KLN:1030, HUB:15
Pahlavi
snâz: swim
ARN:384
Persian
šenâ: swim شنا
BQT, HRN:176, AEF:118
شناختن
هم: know
Indo-European
Gnô: to know دانستن
POK:376
Old Persian
xšnâ: to know
POK:376, BQT:1298
Persian
šenâxtan: to know, recognize شناختن (آشنا)
NOTE- Avestan form is "zânati"
شنبه
هم: Sabbath
Akkadian
Šabatu: to cut, stop working قطع کردن، دست برداشتن از کار
AKD:67, BQT:1300
Hebrew
šâbat: to stop work
BQT:1300
Persian
šanbeh: Saturday, day of rest شنبه
MON:2081, BQT:1300
شندف
رجوع شود به: دَف
شنگبیل
مق: زنجبیل
هم: ginger
Indo-European
Ker 1: head, horn سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Sanskrit
srnga: horn
sringa-vera: horn-shaped root of ginger
AHD:1522, KLN:657
Pahlavi
šanga-vîr, singiber
VDQ:42
Persian
šangabîl: ginger شنگبیل
MON:1751, VDQ:42
شنگرف
رجوع شود به: زنجرف
شنوشه
هم: sneeze
Indo-European
Skêu: to sneeze عطسه کردن
POK:838,953
Pahlavi
šanôšag: to sneeze
ARN:91
Persian
šonûšeh: sneeze شنوشه (اشنوسه)
مرا امروز توبه سود دارد
چنان چون دردمندان را شنوشه (رودکی)
POK:953, BQT:1102,1304

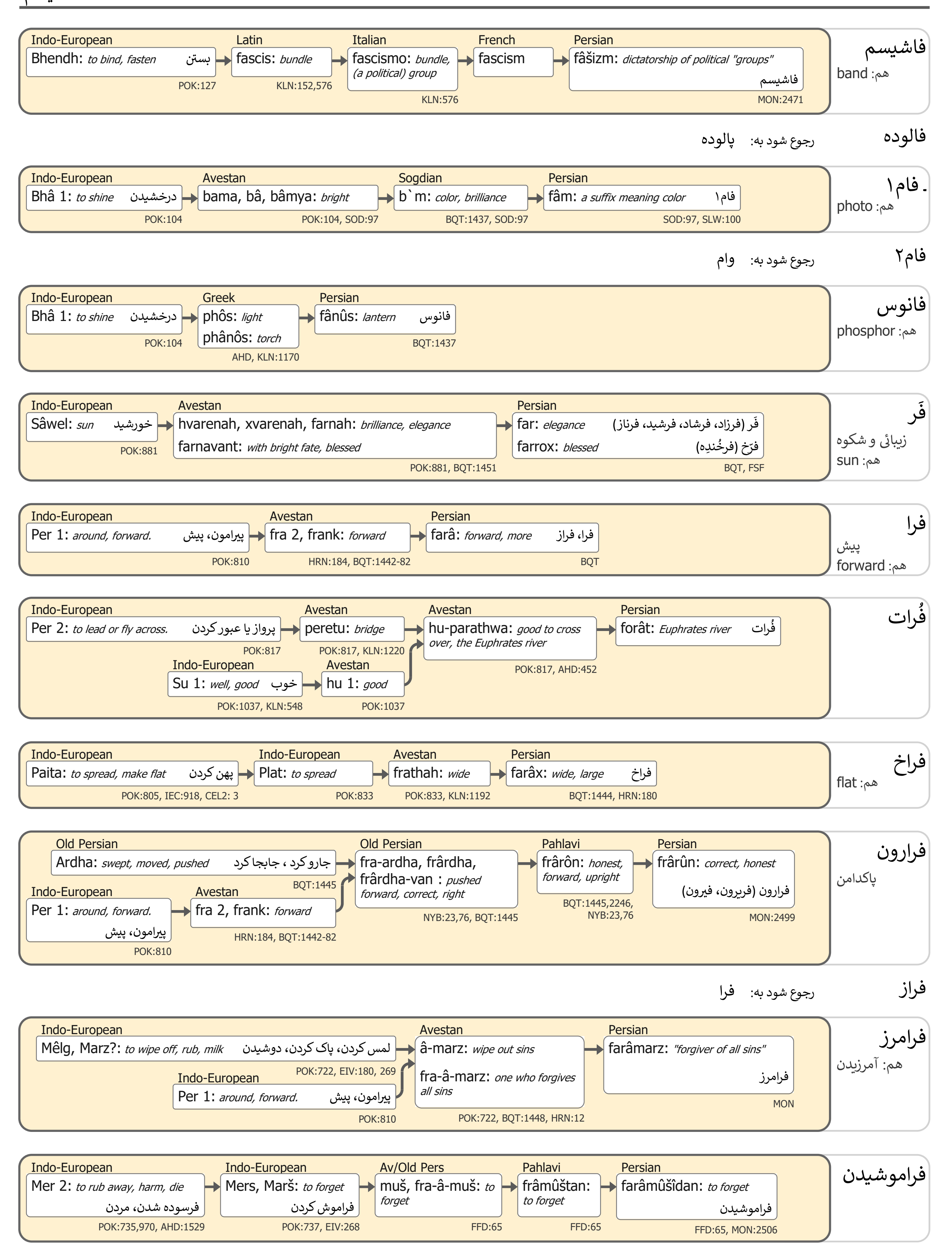

شنیدن
listen :هم
Indo-European
Kleu, Srau: to hear شنیدن
POK:605, EIV:356
Avestan
sru, srav, xšnu, xšnaw: to hear
HRN:177
Pahlavi
ašnûdan: to hear
FFD:64
Persian
šenîdan: to hear شنیدن
BQT:1304
شوخ
Indo-European
Skaivos: sinister, odd, strange شوم، عجیب و غریب
WLD2: 537, IEC:1146
Persian
šûx: vulgar, rude, a joker شوخ
IEC:1146, MON:2085
شور۱
مق: شوربا
Indo-European
Kes: to scratch خراشیدن
POK:585, WLD1: 449
Persian
šûr: with sharp taste, salty شور
POK:585, BQT:1307
شور۲
رجوع شود به: شستن
شوربا
Indo-European
Kes: to scratch خراشیدن
POK:585, WLD1: 449
Persian
šûr: with sharp taste, salty
شور
shûr-bâ: a salty soup
شوربا
POK:585, BQT:1307
Indo-European
Pekw: to cook
پختن
POK:798
Avestan
pax, pač, pačaiti: to cook
-pâka: a suffix referring to the cook.
POK:798, BQT:370, SYN:336, FFD:40
Pahlavi
puxtag: cooked
paz: cook
SNS:137, FFD:40
Persian
bâ, vâ: suffixes for cook or cooking
.با، وا (نانوا، شوربا)
BQT:370, AEF:195, IEC:920
شوشو
ارزن
Chinese
Chou-shu: millet ارزن
SIN:565
Mongolian
SIN:565
Persian
šošo, šûšû: millet شوشو
MON:2089, BQT:1309
شولک
اسب تند رو
Sanskrit
Šûlaka: wild horse اسب وحشی
BQT:1310
Persian
šûlak: wild or fast horse شولک
نشست از بر شولک اسفندیار
برفت از پسش لشگر نامدار (فردوسی)
MON:2092, BQT:1310, FSF:242
شوی۱
Indo-European
Kseud: water, to clean by stamping in water آب، پاک کردن در آب
POK:625, WLD1: 502
Avestan
xšudra: water, liquid, semen
xšâudra: male, husband
POK:625, WLD1: 502
Persian
šûy: husband شوی۱ (شوهر)
HRN, BQT, FFD
شوی۲
رجوع شود به: شستن
شهر
Indo-European
Ksei 1: to be able, qualify, rule
قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن
POK:626, KLN:272
Av/Old Pers
xšây, xši: to rule, to qualify
xša-thra, xšathra: "having a king", kingdom
NOTE- -thra, -tra are Avestan suffixes meaning "owner of".
POK:626, KNT:181
Pahlavi
šatr: kingdom, town
BQT:626, HRN:177, HUB:83
Persian
šahr: town, city
شهر
POK:626, BQT, ZMA:25
شهرام
رجوع شود به: شاه + رام
شهریور
"شهر یا کشور مطلوب"
Indo-European
Wel 1: to wish, desire آرزو کردن
POK:1137
Indo-European
Ksei 1: to be able, qualify, rule
قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن
POK:626, KLN:272
Av/Old Pers
xša-thra, xšathra:
"having a king", kingdom
POK:626, KNT:181
Avestan
var 2, ver 1,
varena: to wish
xšatra-vairya: desired city, heavenly country
POK:1137
Pahlavi
šatri-var: name of a month
BQT:1316,1303
Persian
Šahrîvar: "desired city"
شهریور
BQT, HRN, MON
شیب۱
Indo-European
Ksîp: strike, weapon, spike ضربه، اسلحه، وسیله نوک تیز
IEC:573
Av/Old Pers
xšvaepâ: back, behind, slope
HRN:178, FFD: 65
Pahlavi
šîp: slope
HRN:178
Persian
šîb: slope شیب۱
BQT:1318, MON:2101

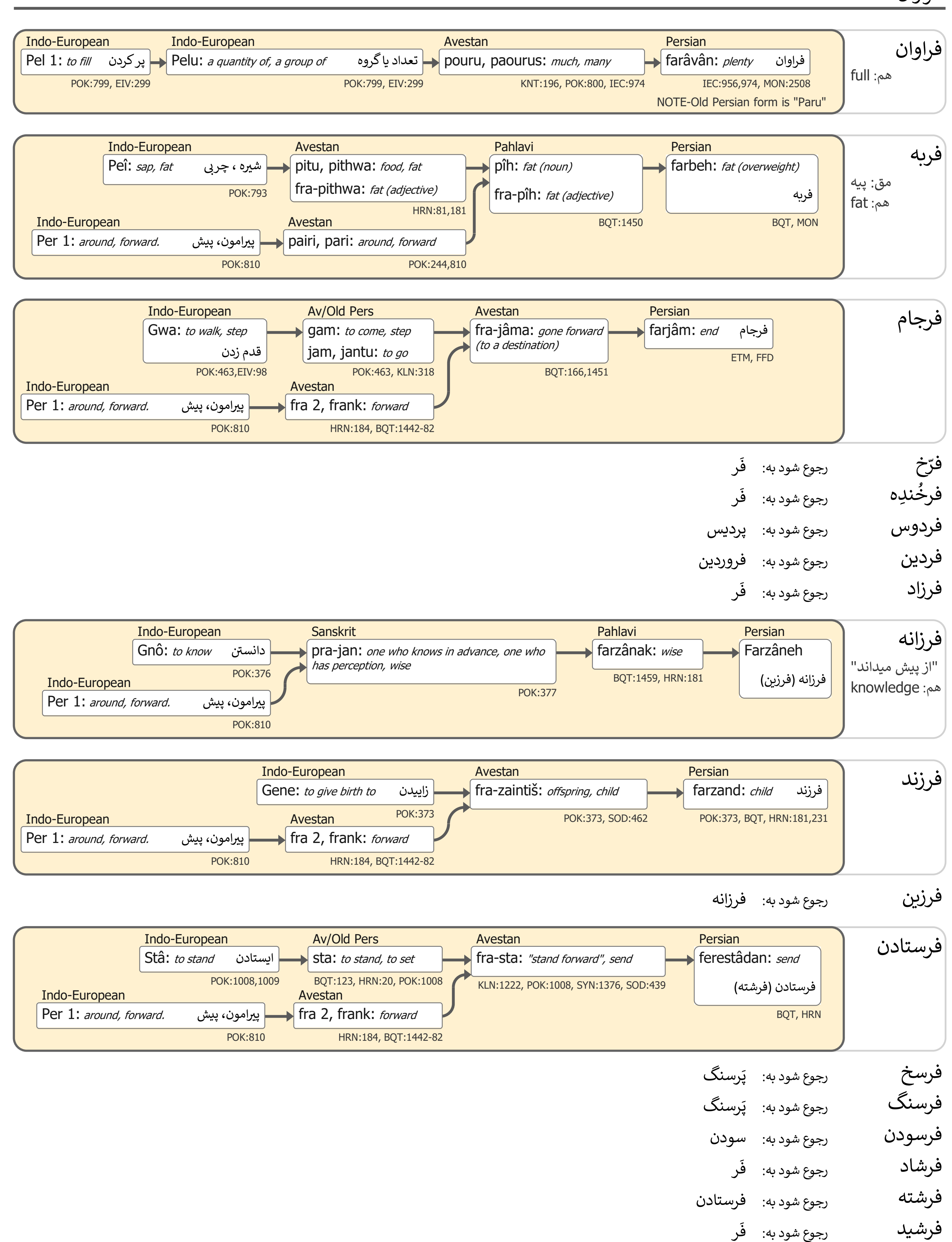

شیب۲
رجوع شود به: شیفتن
شیب۳
شلاق
Indo-European
Ksîp: strike, weapon, spike ضربه، اسلحه، وسیله نوک تیز
IEC:573
Av/Old Pers
xšip, xšwaip, xšwaif: movement, strike
HRN:178, FFD: 65
Pahlavi
šêb: whip
FFD:65
Persian
šîb: whip شیب۳
MON:2101
شیبا
هم: swift
Indo-European
Swei: to bend, twist خم کردن
Sweib: move swiftly like a snake چون مار سریع حرکت کردن
POK:1041
Avestan
xšvira, xšvaewa: swift
POK:1041
Pahlavi
šêpâk: fast, easy to understand
BQT:1319,1329
Persian
šîbâ: a large snake شیبا
šîvâ: easy to understand, clear شیوا
BQT:1319,1329, HRN:178,179, MON:2115
شیبیدن
رجوع شود به: شیفتن
شیپور
Syriac / Aramaic
Šypwr: trumpet شیپور
TZF:77
Pahlavi
šayfur
TZF:77
Persian
šaypûr: trumpet شیپور
TZF:77, MON:2101, BQT:1319
شید
Indo-European
Ksei 2: bright روشن
WLD1: 501, BRT:541
Avestan
xšae-ta, xšôithmi: bright
WLD1: 501, BQT:788,1320
Persian
šîd: bright شید (شیده)
BQT, MON
شیدا
Akkadian
Šedû: devil, mad person شیطان، دیوانه
AKD:69
Aramaic
šêdâ, šâtân: demon
BQT:1320
Persian
šeydâ: crazy, frenzied (with love) شیدا
BQT:1320
شیده
رجوع شود به: شید
شیر۱
Indo-European
Ksîro: milk شیر
WLD1: 503
Avestan
xšîra, xšvipata: milk
apa-xšîra: milk
AHD:1175, HRN:178, SOD:29
Persian
šîr 1: milk شیر۱ (شیرین)
SYN:385, BQT:1322, HRN:178, MON:2108,5187,
شیر۲
Indo-European
Ksei 1: to be able, qualify, rule
قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن
POK:626, KLN:272
Av/Old Pers
xšây, xši: to rule, to qualify
POK:626, KNT:181
Pahlavi
šâh: king
šêr: lion
BQT:626, HRN:177, HUB:83
Persian
šîr: lion شیر۲
POK:626, BQT, ZMA:25
شیراوژن
رجوع شود به: شیر۲ + اوژندن
شیرین
رجوع شود به: شیر۱
شیش کباب
رجوع شود به: سیخ
شیشلیک
رجوع شود به: سیخ
شیطان
هم: satan
Akkadian
Šedû: devil, mad person شیطان، دیوانه
AKD:69
Aramaic
šêdâ, šâtân: demon
BQT:1320
Arabic
šaytân: devil
BQT:1320
Persian
šeytân: devil شیطان
MON
شیفتن
Indo-European
Ksîp: strike, weapon, spike
ضربه، اسلحه، وسیله نوک تیز
IEC:573
Av/Old Pers
xšip, xšwaip, xšwaif: movement, strike
HRN:178, FFD: 65
Pahlavi
šîb: to be disturbed
FFD:65
Persian
šîftan: to be agitated شیفتن
šîbîdan: to be disturbed شیبیدن (شیب۲)
شکیب آور از درد و بر من مشیب
که از مهر بسیار بهتر شکیب (اسدی طوسی)
FFD:65, MON
شیمی
"اختلاط و امتزاج"
Indo-European
Gheu: to pour ریختن
POK:447
Greek
xymeia: infusion by pouring (mixing) liquids
OEW:124
Arabic
al-kimya: chemistry
OEW:124
Latin
alchymia
AHD
French
chimie: chemistry
Persian
šîmî: chemistry شیمی
MON:2115
NOTE- KLN, OEW & AHD derive the Arabic "al-kimyâ" from the Egyptian "khem: black". See root "Ker 4: black".

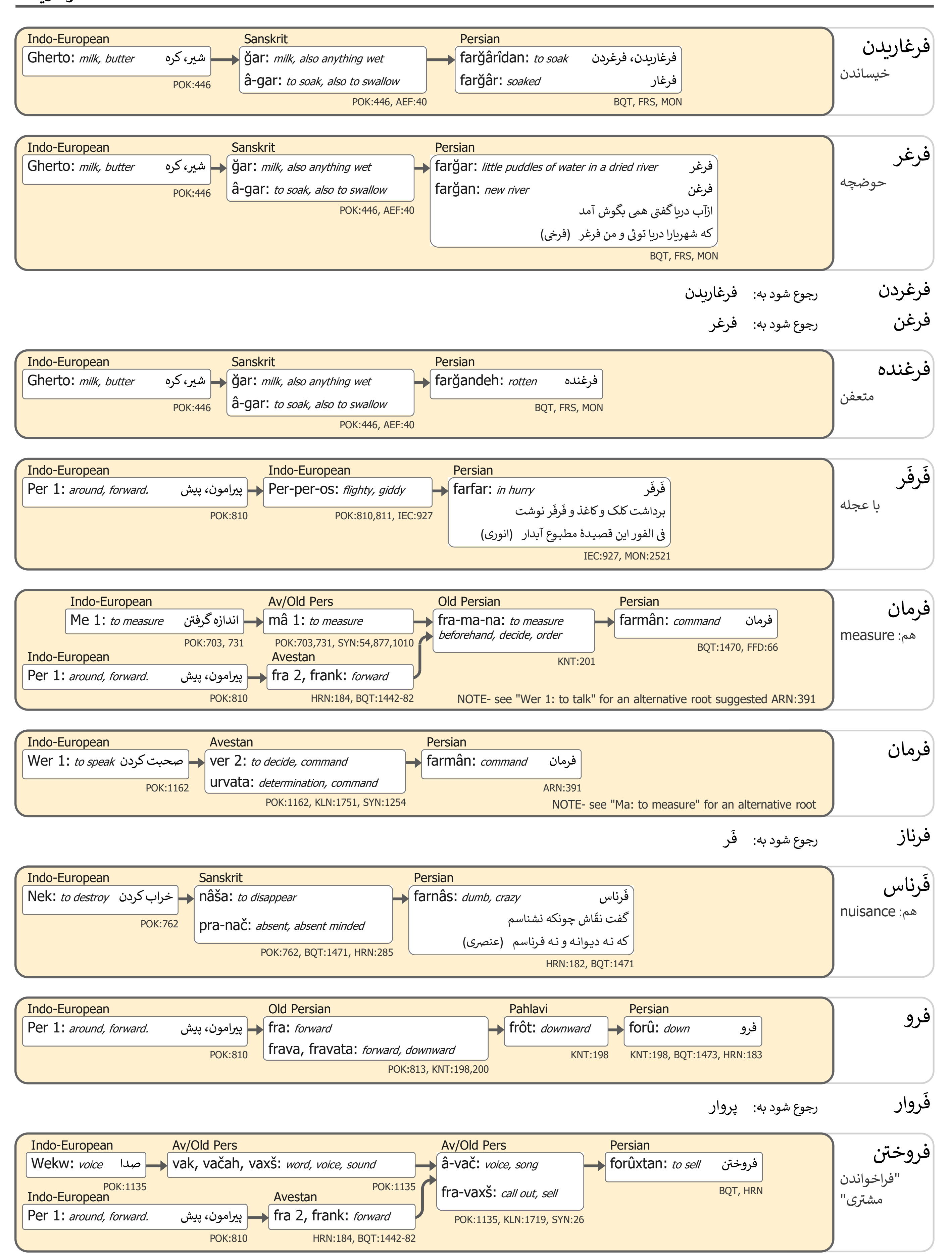

شیمی
"صنعت مصری"
Indo-
Ker 4, Kers: black, dirty
سیاه، کثیف
OEW:182, POK:573
Egyptian
khem: black
AHD:30, OEW:182
Greek
xêma: black land, the former name of Egypt where transmutation was practiced.
AHD:30, KLN:45
Arabic
al-kîmîya: the art of transmutation
AHD
Latin
alchymia
AHD
French
chimie: chemistry
Persian
šîmî: chemistry
شیمی
MON:2115
NOTE- OEW & FSD believe the Arabic "al-kimyâ" may be from Greek "xymeia: infusion". KLN does not agree.
شیوا
رجوع شود به: شیبا
شیون
Indo-European
Xšai: weep, lament
گریستن، نالیدن
EIV:452
Av/Old Pers
Xšî: grief, poverty
غم، فقر
Xšaivan: grief, crying
غم، گریه
BQT:1329
Pahlavi
šêvan: crying
Persian
šîvan: crying
شیون
BQT:1329, EIV:5045
صابون
هم: soap
Indo-European
Seip: to pour out, drip
بیرون ریختن، چکه کردن
POK:894
Latin
sâpô: soap
POK:894, AHD
Greek
sapôn: soap
BQT:1330
Arabic
saboun: soap
TAD:43
Persian
sâbûn: soap
صابون
MON:2118
صد
هم: hundred
Indo-European
Dekm: ten
ده عدد
POK:191
Indo-European
Dkm-tom: hundred
AHD
Avestan
sata, satam: hundred
POK:191, 192
Persian
sad: hundred
صد
BQT
صراط
هم: street
Indo-European
Ster 1: to spread, throw
پخش کردن، پرت کردن
POK:1029, EIV:263
Latin
strata: paved path
KLN:1522
Greek
KLN
Aramaic
isrâta: paved path
KLN:56
Arabic
sirât: path, way
POK:56, FVQ:195, TAD:34
Persian
serât: road
صراط
MON
صفر
هم: zero
Indo-European
Keu 2, Su(m)b: to swell, cavity, hole
ورم کردن، حفره، سوراخ
POK:592, IEC:589, EIV:341,368
Sanskrit
sunyâ, sunyâh: empty
POK:592
Arabic
sifr: empty, zero
KLN:290
Persian
sefr: zero
صفر
MON
صلیب
Aramaic
Salîbâ: cross
خاج، صلیب
BQT:656, MON:1310
Arabic
salîb: cross
MON:1310,2161
Persian
salîb: cross
صلیب
MON:2161
صنج
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend
خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Latin
cuppa: curved-in pot
cymbalon: curved-in plate
AHD
Arabic
sanj: cymbal
ARK:223, TAD:44
Persian
sanj: cymbal
صنج (سنج)
MON, TAD:44
NOTE- See root "Keg: hook" for another possible derivation.
صنج
Indo-European
Keg, Keng: hook
قلاب
POK:537, IEC:458
Avestan
cang: hook
POK:537
Persian
čang: hook, paw, harp
چنگ (چنگال)
POK:537, BQT:665, ARN:227
Arabic
sanj: harp, cymbal
PLA:188
Persian
sanj, senj: cymbal
صنج (سنج)
MON:2165
NOTE- See root "Gêu 1: to bend" for another derivation.
صندلی
رجوع شود به: سندل
ضحّاک
رجوع شود به: اژدها
طاس
رجوع شود به: تیشه
طاووس
Tamil
Tôkei: peacock
KLN:1143, SKT:378
Sanskrit
BQT:1346
Arabic
tawoos: peacock
BQT:1346
Persian
tâvûs: peacock
طاووس
BQT:1346,
Latin
pâuo, pâvô: peacock
SKT:378
Old English
pea: peacock
AHD
English
peacock
SKT:378
NOTE- Tanil is a Dravidian language spoken in south India


طبل
Pahlavi
Tabûrâk: a drum طبل
MON:1025
Persian
tabûrâk: a kind of drum تبوراک (تبیر)
پس تبیری دید نزدیک درخت
هرگهی بانگی بجستی تند و سخت (رودکی)
MON:1025
Arabic
tabûl: drum
Persian
tabl: drum طبل
MON:2211
طلسم
هم: چرخ
Indo-European
Kwel: to move around,turn
حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Greek
ku-klos: wheel
telos: end of a cycle, far away
telesma: mystery
AHD
Arabic
tilism: talisman
Persian
telesm: mystery, spell طلسم
MON:2232
طلق
مق: تالک
Persian
Talk: a mineral, talc, talcum powder طلق، پودر تالک
MON:1133, BQT:509
Arabic
talq: talc
MON:1133,
Persian
talq: mica طلق
MON:2232, BQT:1358
طنبور
رجوع شود به: تنبور، طبل
طوفان
هم: typhoon
Indo-European
Dheu 2: smoke, mist, dizziness
دود ، مه ، سرگیجه
POK:262
Greek
tuphos: smoke
tuphun: typhoon
AHD, KLN:1670
Arabic
tûfan: hurricane, typhoon
KLN:1670, SKT:581
Persian
tûfân: storm, strong winds
طوفان
MON:2240
طهماسب
رجوع شود به: تهماسب
طیطو
رجوع شود به: تیتو
عار
هم: average
Arabic
`Awar: he damaged خراب کرد
Arabic
`awar: damaged goods
AHD:91, KLN:133
Persian
âr 2: damage, shame عار
avâr: defect, damaged goods عوار
گنگ باد آن کس که اندر طعن تو گوید سخن
کور باد آن کس که اندر عرض تو جوید عوار (فرخی)
MON
عسگر
رجوع شود به: لشکر
عوار
رجوع شود به: عار
عود
Sanskrit
Agaruh: aloe wood چوب آلوئه
KLN:55
Arabic
al-oud: the wood, also a stringed musical instrument
KLN:55
Persian
ûd: any fragrant wood, also a musical instrument (lute) عود
BQT:1385
غاز
هم: goose
Indo-European
Ghans: goose غاز
POK:412, IEC:314
Persian
ğâz: goose غاز
IEC:314, MON:2375
NOTE- ARN:394 mentions the Avestan cognate "zâô"
غانغرایا
هم: gangrene
Indo-European
Gras: to eat خوردن
POK:404
Greek
gangraina: decay of tissue (in a limb)
POK:404
Arabic
BQT:1339
Persian
ğânqrâyâ: gangrene غانغرایا، غانقرایا
MON:2383
غانه
مق: خانه
Indo-European
Gwhen 1: to fill پر کردن
NOTE- compare with Ken 2: to dig
POK:491
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583,
Pahlavi
kantan, xandan: to dig
HRN:194, BQT:1707, SNS:8,155
Persian
ğâneh: house غانه (دامغان)
HRN:194, BQT, ZMA:51, MON
غرب
هم: Europe
Akkadian
Erêbu: to enter, to go down (sunset) فرو رفتن، غروب خورشید
AKD:64, KLN:550
Arabic
ğ.r.b: to set (sun)
AKD:640,854
Persian
ğarb: west غرب
MON

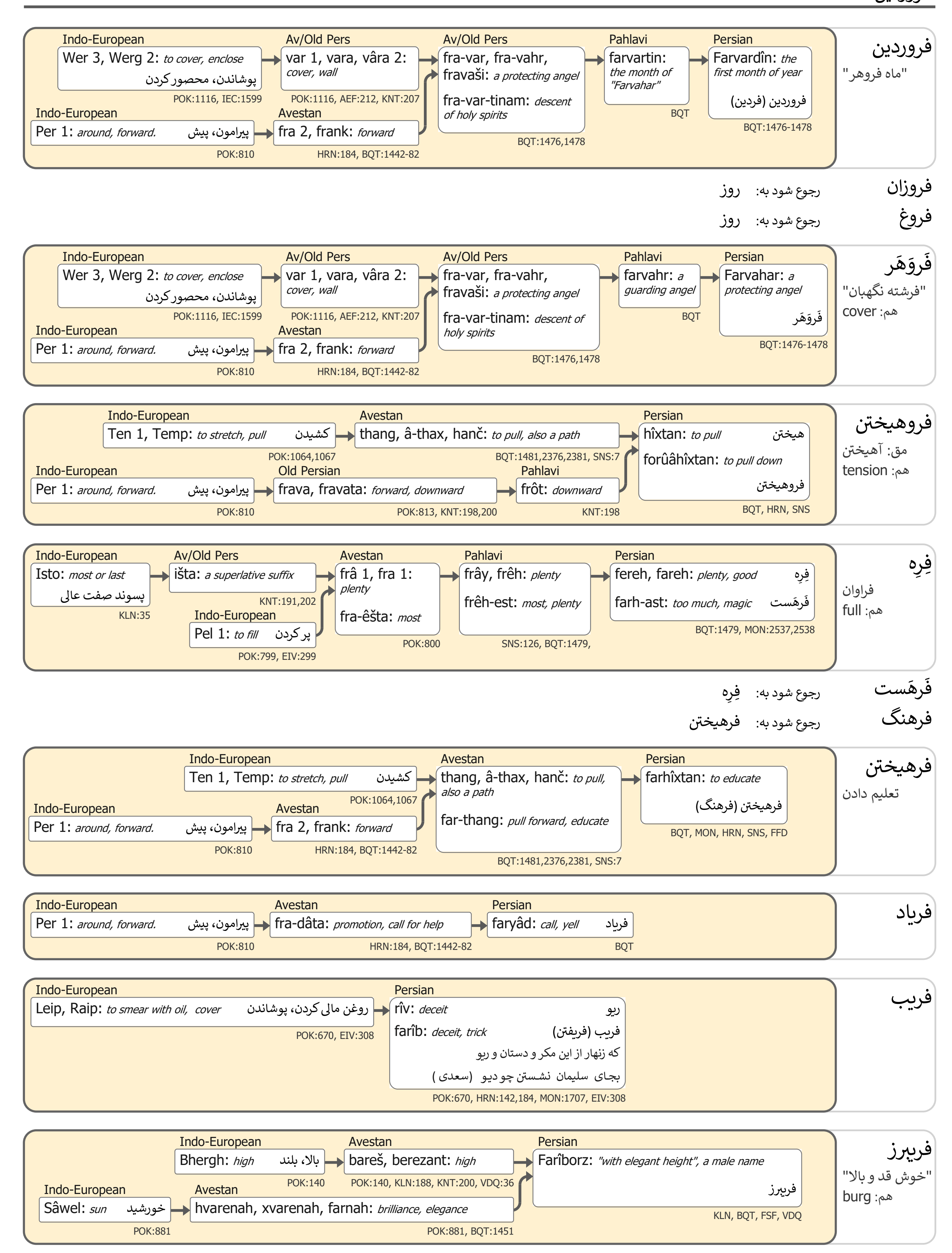

غربال
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear
بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Latin
crî-bellâre: to sieve, separate
AHD
Arabic
ğarbala: a sieve
AHD:543
Persian
ğarbâl: a sieve غربال
MON:2397
غرش
رجوع شود به: غُرنبیدن
غرغره
Indo-European
Gwer 3: to swallow قورت دادن
POK:474
Indo-European
Gargelos, Gulgul: gargle
IEC:265,305
Persian
ğerğereh: gargle غرغره
xerxereh: throat خرخره
ğolğol: boil, gargle غلغل، قُلقُل
IEC:265,305, MON
غَرمیدن
رجوع شود به: غُرنبیدن
غُرنبیدن
هم: grim
Indo-European
Ghrem, Gram: to roar, be angry
غرش کردن، خشمناک بودن
POK:458, EIV:122
Avestan
gram: to anger
EIV:122
Persian
ğurunbîdan: to thunder, roar غرنبیدن (غرش)
ğarmîdan: to be angry غَرمیدن (غَرمان)
MON, EIV:122
غرّیدن
هم: crow
Indo-European
Ger 4: to cry hoarsely, growl گریه کردن ، غر زدن
POK:383, IEC:308
Persian
ğorridan: to growl غرّیدن
MON:2411, IEC:308
غَزال
هم: gazelle
Arabic
Ğazal: a new born deer, a wild goat بچه آهو، بز وحشی
FVA:209
Persian
ğazâl: antelope غَزال
FVA:297
غُزم
رجوع شود به: غُژم
غژ
رجوع شود به: کژاکند
غژغاو
رجوع شود به: کژاکند
غُژم
خشم
هم: grim
Indo-European
Ghrem, Gram: to roar, be angry
غرش کردن، خشمناک بودن
POK:458, EIV:122
Avestan
gram: anger
POK:458
Persian
gozm, gožm: anger غُزم، غُژم
شیر غُژم آورد و جست از جای خویش
وآمد آن خرگوش را آزغده پیش (رودکی)
POK:458, MON:2413, FRS:187
غلغل
رجوع شود به: غرغره
غنودن
Indo-European
Gnauh: to sleep, Slumber خوابیدن
EIV:119
Persian
ğonûdan: to sleep غنودن
EIV:119
غوز
cove,
هم: hump
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Persian
ğûz: a lump on the back bone غوز (قوز، کوژ، غوزک، قوزک)
POK:395, POK:589
NOTE- Compare with root "Kam 2: to bend"
غوک
Indo-European
Ghûk: hoot, whoop صدای بعضی پرندگان
IEC:347
Persian
ğûk: frog غوک
IEC:347, MON:2454
فارس
رجوع شود به: پارس۱
فاژ
خمیازه
هم: yawn
Indo-European
Ghêi 3: to yawn خمیازه کشیدن
POK:419, IEC:418
Persian
fâž: yawn فاژ (فاژیدن)
IEC:418, MON:2470, FRS:120
فاژیدن
رجوع شود به: فاژ


فاشیسم
هم: band
Indo-European
Bhendh: to bind, fasten بستن
POK:127
Latin
fascis: bundle
KLN:152,576
Italian
fascismo: bundle, (a political) group
KLN:576
French
fascism
Persian
fâšizm: dictatorship of political "groups" فاشیسم
MON:2471
فالوده
رجوع شود به: پالوده
فام۱
هم: photo
Indo-European
Bhâ 1: to shine درخشیدن
POK:104
Avestan
bama, bâ, bâmya: bright
POK:104, SOD:97
Sogdian
b`m: color, brilliance
BQT:1437, SOD:97
Persian
fâm: a suffix meaning color فام۱
SOD:97, SLW:100
فام۲
رجوع شود به: وام
فانوس
هم: phosphor
Indo-European
Bhâ 1: to shine درخشیدن
POK:104
Greek
phôs: light
phânôs: torch
AHD, KLN:1170
Persian
fânûs: lantern فانوس
BQT:1437
فَر
زیبائی و شکوه
هم: sun
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvarenah, xvarenah, farnah: brilliance, elegance
farnavant: with bright fate, blessed
POK:881, BQT:1451
Persian
far: elegance فَر (فرزاد، فرشاد، فرشید، فرناز)
farrox: blessed فرّخ (فرخُنده)
BQT, FSF
فرا
پیش
هم: forward
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
Persian
farâ: forward, more فرا، فراز
BQT
فُرات
Indo-European
Per 2: to lead or fly across. پرواز یا عبور کردن
POK:817
Avestan
peretu: bridge
POK:817, KLN:1220
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hu-parathwa: good to cross over, the Euphrates river
POK:817, AHD:452
Persian
forât: Euphrates river فُرات
فراخ
هم: flat
Indo-European
Paita: to spread, make flat پهن کردن
POK:805, IEC:918, CEL2: 3
Indo-European
Plat: to spread
POK:833
Avestan
frathah: wide
POK:833, KLN:1192
Persian
farâx: wide, large فراخ
BQT:1444, HRN:180
فرارون
پاکدامن
Old Persian
Ardha: swept, moved, pushed جاروکرد ، جابجا کرد
BQT:1445
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
Old Persian
fra-ardha, frârdha, frârdha-van : pushed forward, correct, right
NYB:23,76, BQT:1445
Pahlavi
frârôn: honest, forward, upright
BQT:1445,2246, NYB:23,76
Persian
frârûn: correct, honest فرارون (فریرون، فیرون)
MON:2499
فراز
رجوع شود به: فرا
فرامرز
هم: آمرزیدن
Indo-European
Mêlg, Marz?: to wipe off, rub, milk لمس کردن، پاک کردن، دوشیدن
POK:722, EIV:180, 269
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
â-marz: wipe out sins
fra-â-marz: one who forgives all sins
POK:722, BQT:1448, HRN:12
Persian
farâmarz: "forgiver of all sins" فرامرز
MON
فراموشیدن
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Indo-European
Mers, Marš: to forget فراموش کردن
POK:737, EIV:268
Av/Old Pers
muš, fra-â-muš: to forget
FFD:65
Pahlavi
frâmûštan: to forget
FFD:65
Persian
farâmûšîdan: to forget فراموشیدن
FFD:65, MON:2506

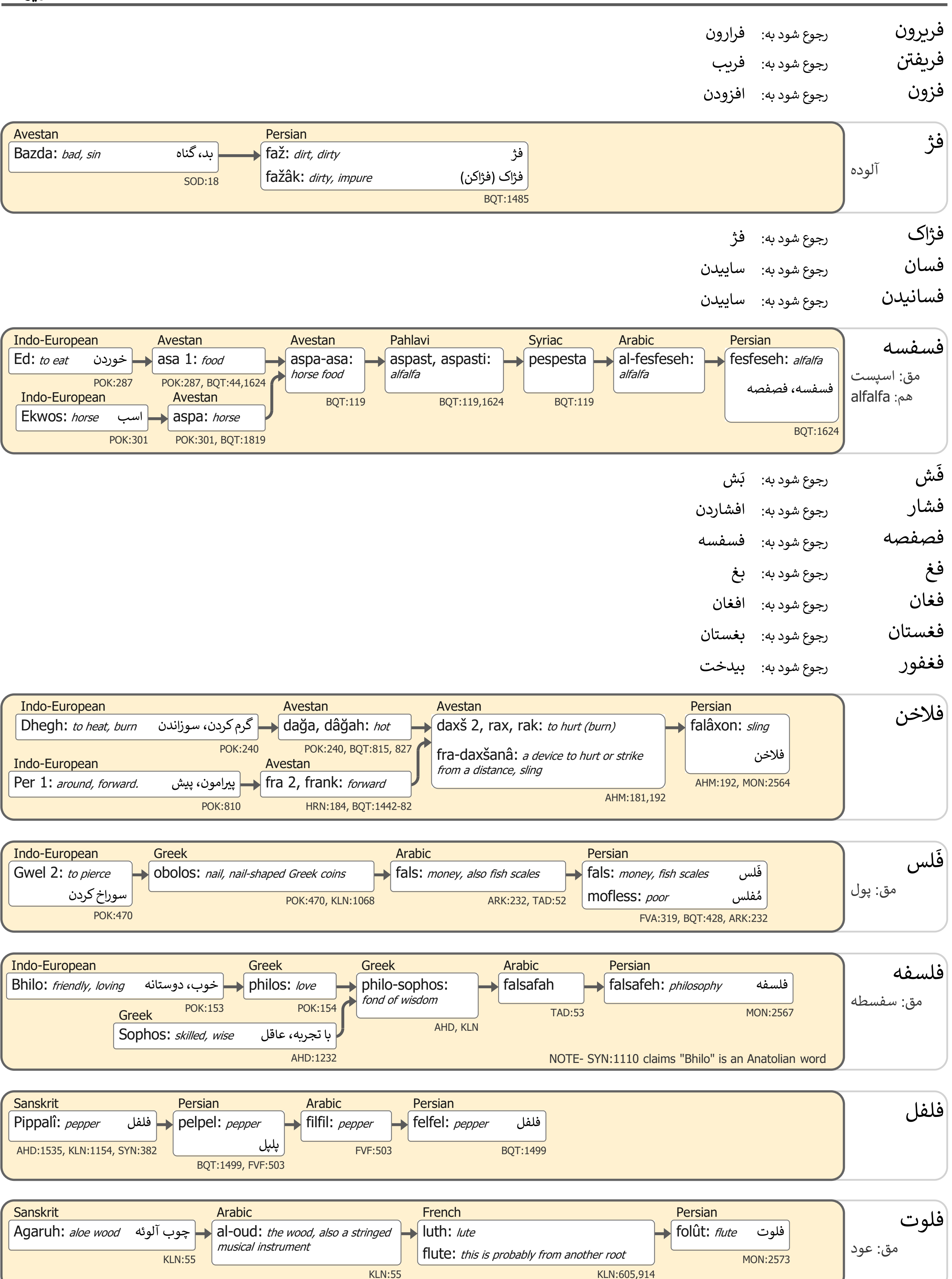

فراوان
هم: full
Indo-European
Pel 1: to fill پر کردن
POK:799, EIV:299
Indo-European
Pelu: a quantity of, a group of تعداد یا گروه
POK:799, EIV:299
Avestan
pouru, paourus: much, many
KNT:196, POK:800, IEC:974
Persian
farâvân: plenty فراوان
IEC:956,974, MON:2508
NOTE-Old Persian form is "Paru"
فربه
مق: پیه
هم: fat
Indo-European
Peî: sap, fat شیره ، چربی
POK:793
Avestan
pitu, pithwa: food, fat
fra-pithwa: fat (adjective)
HRN:81,181
Pahlavi
pîh: fat (noun)
fra-pîh: fat (adjective)
BQT:1450
Persian
farbeh: fat (overweight)
فربه
BQT, MON
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
pairi, pari: around, forward
POK:244,810
فرجام
Indo-European
Gwa: to walk, step
قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
jam, jantu: to go
POK:463, KLN:318
Avestan
fra-jâma: gone forward
(to a destination)
BQT:166,1451
Persian
farjâm: end فرجام
ETM, FFD
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
فرّخ رجوع شود به: فَر
فرخُندِه رجوع شود به: فَر
فردوس رجوع شود به: پردیس
فردین رجوع شود به: فروردین
فرزاد رجوع شود به: فَر
فرزانه
"از پیش میداند"
هم: knowledge
Indo-European
Gnô: to know دانستن
POK:376
Sanskrit
pra-jan: one who knows in advance, one who
has perception, wise
POK:377
Pahlavi
farzânak: wise
BQT:1459, HRN:181
Persian
Farzâneh
فرزانه (فرزین)
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
فرزند
Indo-European
Gene: to give birth to زاییدن
POK:373
Avestan
fra-zaintiš: offspring, child
POK:373, SOD:462
Persian
farzand: child فرزند
POK:373, BQT, HRN:181,231
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
فرزین رجوع شود به: فرزانه
فرستادن
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Av/Old Pers
sta: to stand, to set
BQT:123, HRN:20, POK:1008
Avestan
fra-sta: "stand forward", send
KLN:1222, POK:1008, SYN:1376, SOD:439
Persian
ferestâdan: send
فرستادن (فرشته)
BQT, HRN
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
فرسخ رجوع شود به: پَرسنگ
فرسنگ رجوع شود به: پَرسنگ
فرسودن رجوع شود به: سودن
فرشاد رجوع شود به: فَر
فرشته رجوع شود به: فرستادن
فرشید رجوع شود به: فَر
فرغار رجوع شود به: فرغاریدن



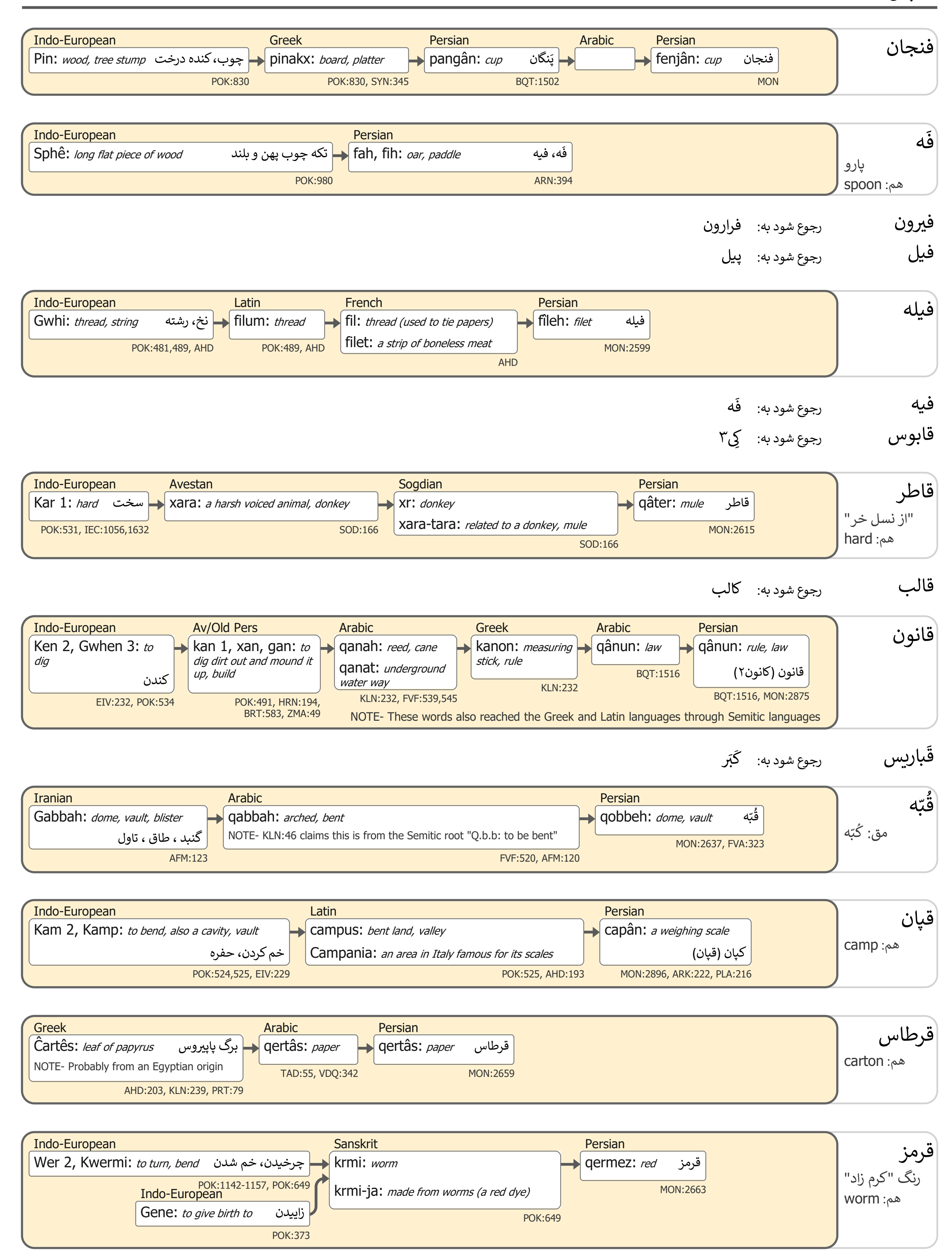
فرغاریدن
خیساندن
Indo-European
Gherto: milk, butter شیر، کره
POK:446
Sanskrit
ğar: milk, also anything wet
â-gar: to soak, also to swallow
POK:446, AEF:40
Persian
farğârîdan: to soak فرغاریدن، فرغردن
farğâr: soaked فرغار
BQT, FRS, MON
فرغر
حوضچه
Indo-European
Gherto: milk, butter شیر، کره
POK:446
Sanskrit
ğar: milk, also anything wet
â-gar: to soak, also to swallow
POK:446, AEF:40
Persian
farğar: little puddles of water in a dried river فرغر
farğan: new river فرغن
ازآب دریا گفتی همی بگوش آمد
که شهریارا دریا توئی و من فرغر (فرخی)
BQT, FRS, MON
فرغردن رجوع شود به: فرغاریدن
فرغن رجوع شود به: فرغر
فرغنده
متعفن
Indo-European
Gherto: milk, butter شیر، کره
POK:446
Sanskrit
ğar: milk, also anything wet
â-gar: to soak, also to swallow
POK:446, AEF:40
Persian
farğandeh: rotten فرغنده
BQT, FRS, MON
فَرفَر
با عجله
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Indo-European
Per-per-os: flighty, giddy
POK:810,811, IEC:927
Persian
farfar: in hurry فَرفَر
برداشت کلک و کاغذ و فرفَر نوشت
فی الفور این قصیدهٔ مطبوع آبدار (انوری)
IEC:927, MON:2521
فرمان
هم: measure
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Av/Old Pers
mâ 1: to measure
POK:703,731, SYN:54,877,1010
Old Persian
fra-ma-na: to measure
beforehand, decide, order
KNT:201
Persian
farmân: command فرمان
BQT:1470, FFD:66
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
NOTE- see "Wer 1: to talk" for an alternative root suggested ARN:391
فرمان
Indo-European
Wer 1: to speak صحبت کردن
POK:1162
Avestan
ver 2: to decide, command
urvata: determination, command
POK:1162, KLN:1751, SYN:1254
Persian
farmân: command فرمان
ARN:391
NOTE- see "Ma: to measure" for an alternative root
فرناز رجوع شود به: فَر
فَرناس
هم: nuisance
Indo-European
Nek: to destroy خراب کردن
POK:762
Sanskrit
nâša: to disappear
pra-nač: absent, absent minded
POK:762, BQT:1471, HRN:285
Persian
farnâs: dumb, crazy فَرناس
گفت نقاش چونکه نشناسم
که نه دیوانه و نه فرناسم (عنصری)
HRN:182, BQT:1471
فرو
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Old Persian
fra: forward
frava, fravata: forward, downward
POK:813, KNT:198,200
Pahlavi
frôt: downward
KNT:198
Persian
forû: down فرو
KNT:198, BQT:1473, HRN:183
فَروار رجوع شود به: پروار
فروختن
"فراخواندن
مشتری"
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Av/Old Pers
â-vač: voice, song
fra-vaxš: call out, sell
POK:1135, KLN:1719, SYN:26
Persian
forûxtan: to sell فروختن
BQT, HRN
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82

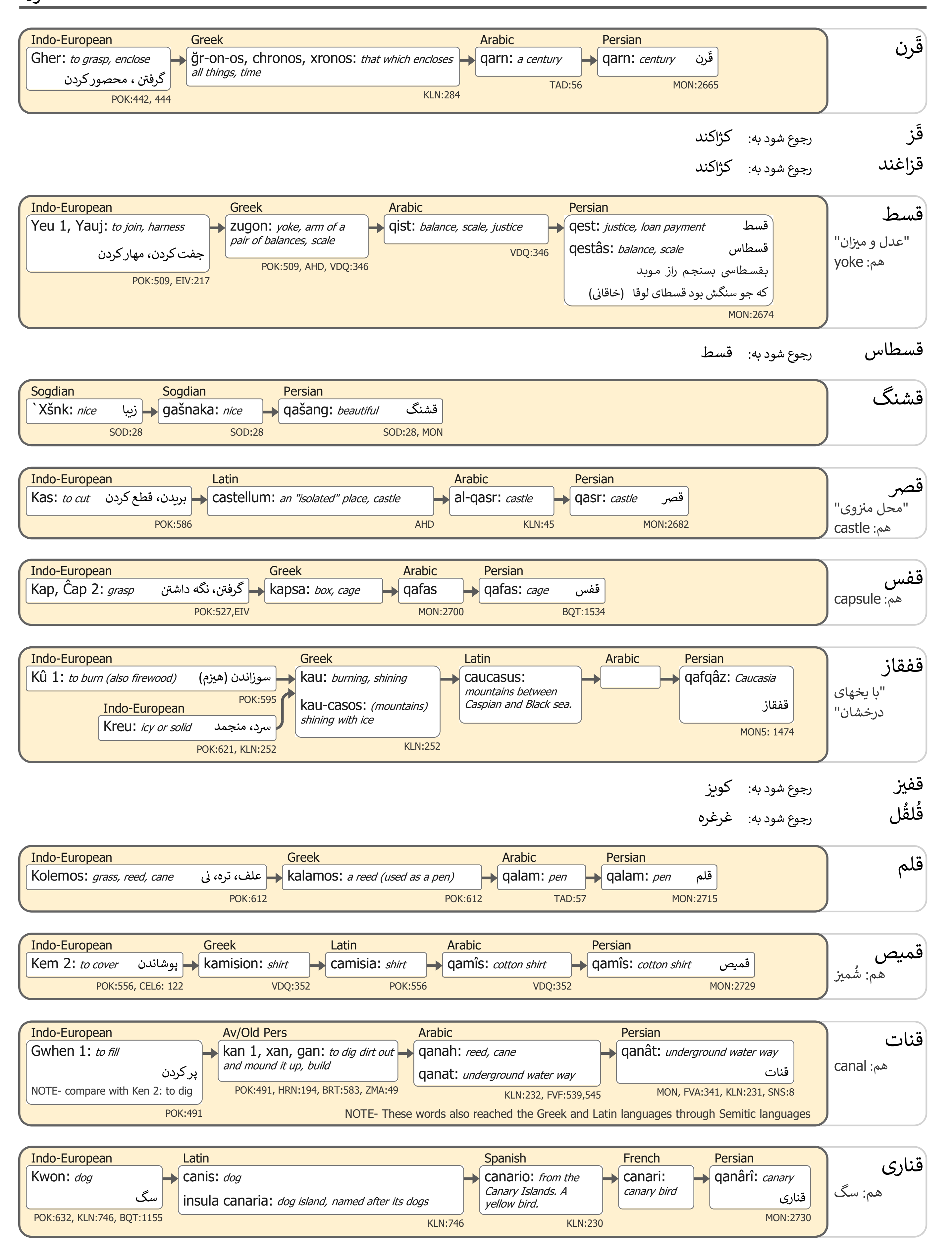


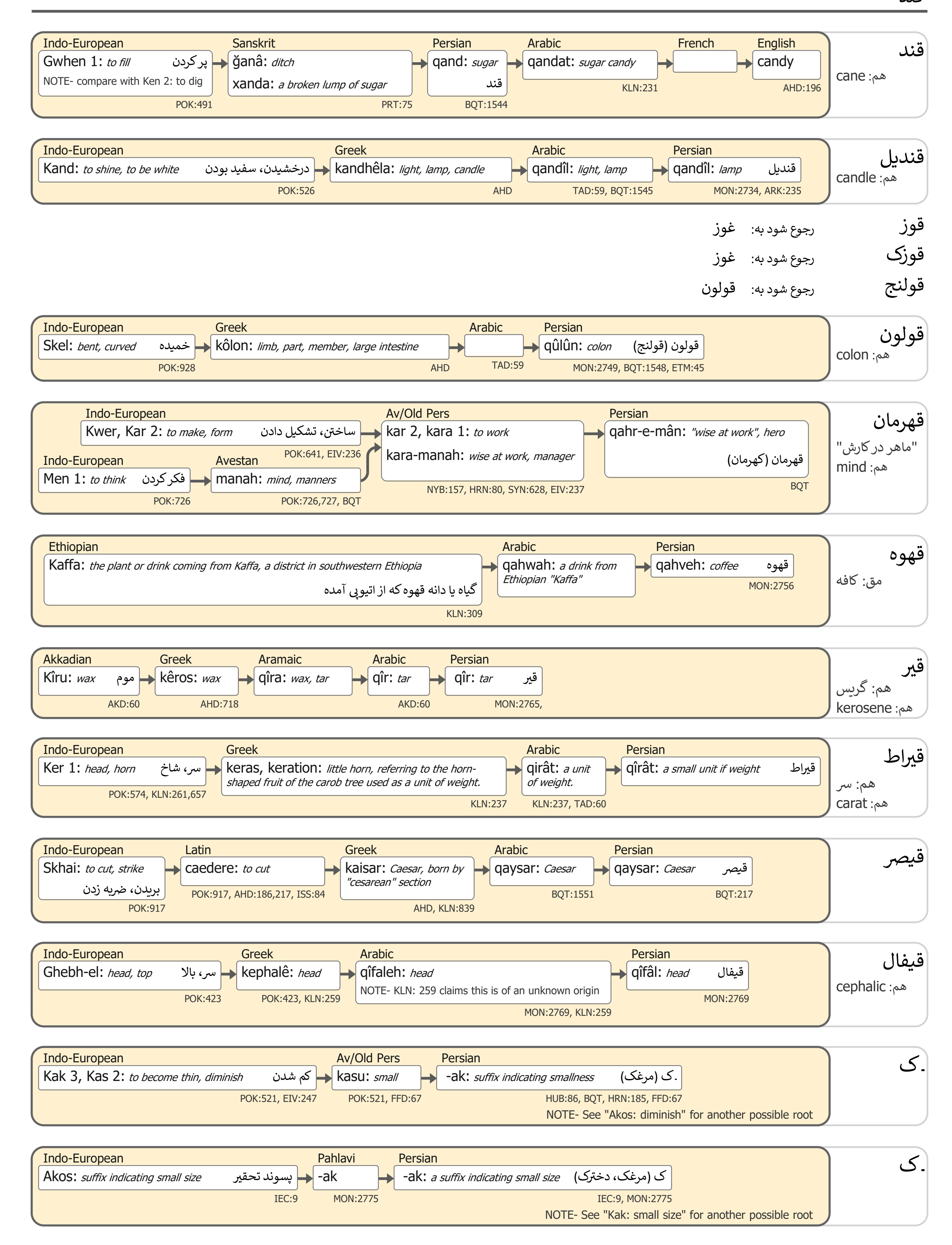
فروردین
"ماه فروهر"
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose
پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Av/Old Pers
var 1, vara, vâra 2: cover, wall
POK:1116, AEF:212, KNT:207
Av/Old Pers
fra-var, fra-vahr, fravaši: a protecting angel
fra-var-tinam: descent of holy spirits
BQT:1476,1478
Pahlavi
farvartin: the month of "Farvahar"
BQT
Persian
Farvardîn: the first month of year
فروردین (فردین)
BQT:1476-1478
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
فروزان
رجوع شود به: روز
فروغ
رجوع شود به: روز
فَروَهَر
"فرشته نگهبان"
هم: cover
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose
پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Av/Old Pers
var 1, vara, vâra 2: cover, wall
POK:1116, AEF:212, KNT:207
Av/Old Pers
fra-var, fra-vahr, fravaši: a protecting angel
fra-var-tinam: descent of holy spirits
BQT:1476,1478
Pahlavi
farvahr: a guarding angel
BQT
Persian
Farvahar: a protecting angel
فَروَهَر
BQT:1476-1478
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
فروهیختن
مق: آهیختن
هم: tension
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
thang, â-thax, hanč: to pull, also a path
BQT:1481,2376,2381, SNS:7
Persian
hîxtan: to pull هیختن
forûâhîxtan: to pull down
فروهیختن
BQT, HRN, SNS
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Old Persian
frava, fravata: forward, downward
POK:813, KNT:198,200
Pahlavi
frôt: downward
KNT:198
فِرِه
فراوان
هم: full
Indo-European
Isto: most or last
پسوند صفت عالی
KLN:35
Av/Old Pers
išta: a superlative suffix
KNT:191,202
Indo-European
Pel 1: to fill پر کردن
POK:799, EIV:299
Avestan
frâ 1, fra 1: plenty
fra-êšta: most
POK:800
Pahlavi
frây, frêh: plenty
frêh-est: most, plenty
SNS:126, BQT:1479,
Persian
fereh, fareh: plenty, good فِرِه
farh-ast: too much, magic فَرهَست
BQT:1479, MON:2537,2538
فَرهَست
رجوع شود به: فِرِه
فرهنگ
رجوع شود به: فرهیختن
فرهیختن
تعلیم دادن
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
thang, â-thax, hanč: to pull, also a path
far-thang: pull forward, educate
BQT:1481,2376,2381, SNS:7
Persian
farhîxtan: to educate
فرهیختن (فرهنگ)
BQT, MON, HRN, SNS, FFD
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
فریاد
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra-dâta: promotion, call for help
HRN:184, BQT:1442-82
Persian
faryâd: call, yell فریاد
BQT
فریب
Indo-European
Leip, Raip: to smear with oil, cover روغن مالی کردن، پوشاندن
POK:670, EIV:308
Persian
rîv: deceit ریو
farîb: deceit, trick فریب (فریفتن)
که زنهار از این مکر و دستان و ریو
بجای سلیمان نشستن چو دیو (سعدی)
POK:670, HRN:142,184, MON:1707, EIV:308
فریبرز
"خوش قد و بالا"
هم: burg
Indo-European
Bhergh: high بالا، بلند
POK:140
Avestan
bareš, berezant: high
POK:140, KLN:188, KNT:200, VDQ:36
Persian
Farîborz: "with elegant height", a male name
فریبرز
KLN, BQT, FSF, VDQ
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvarenah, xvarenah, farnah: brilliance, elegance
POK:881, BQT:1451

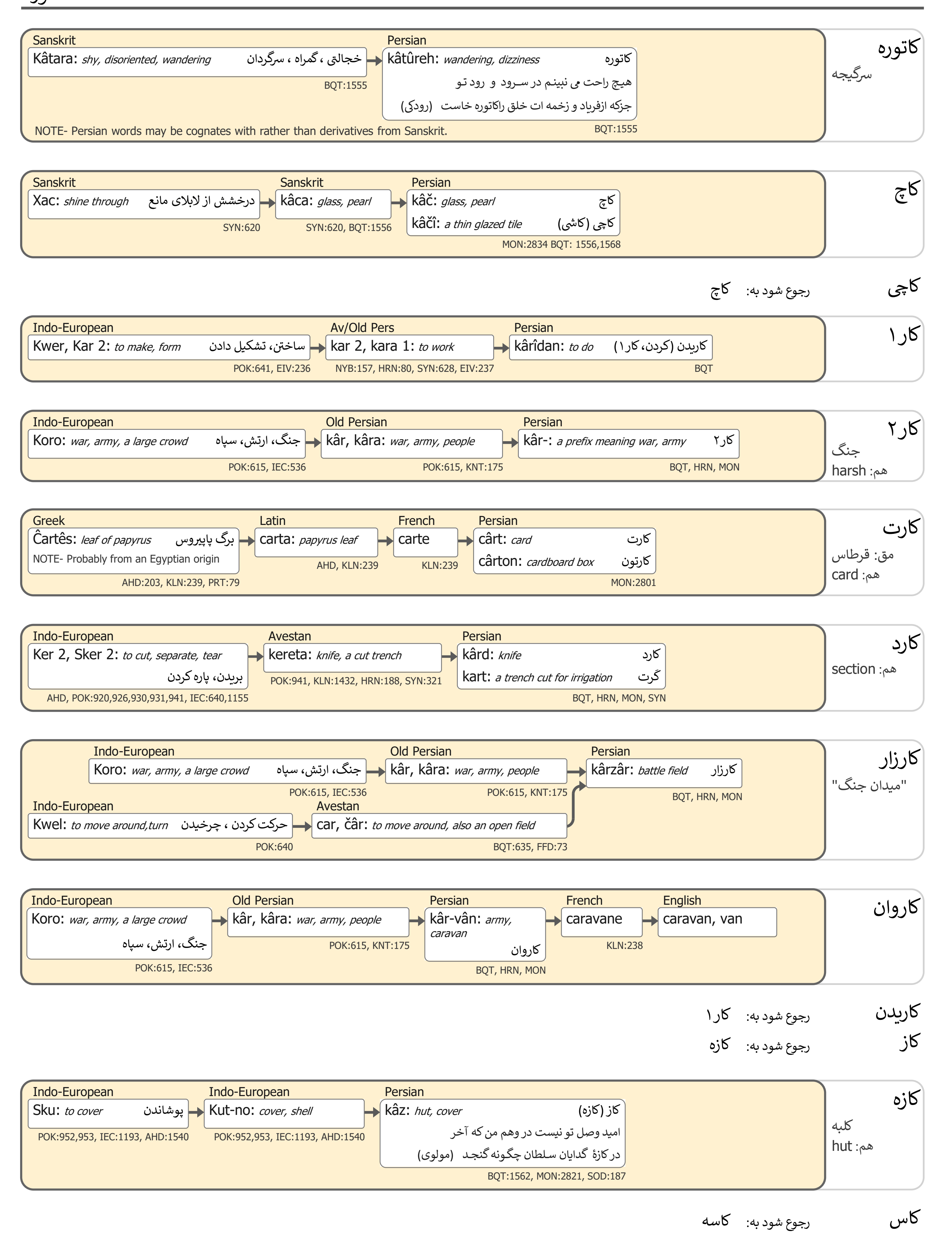


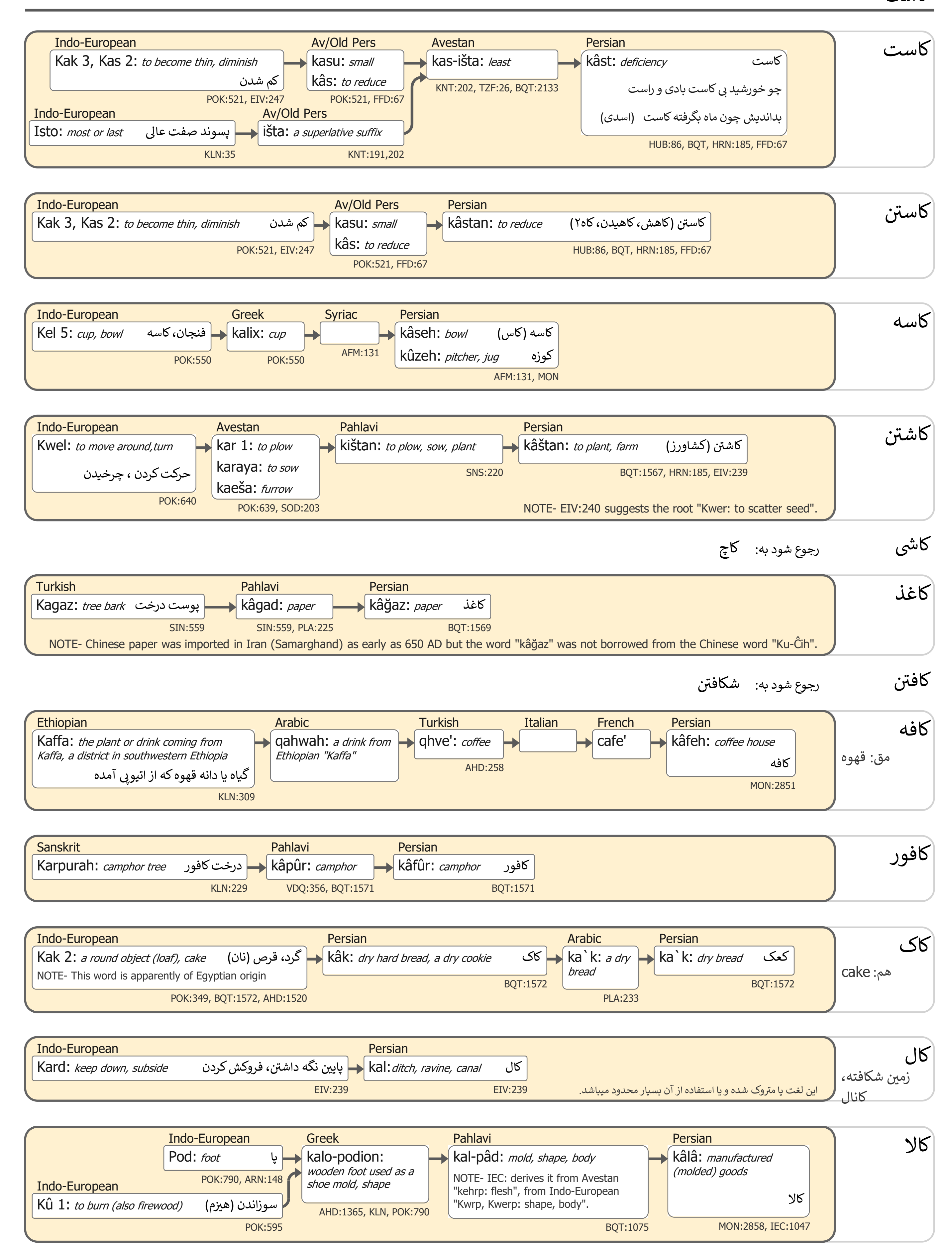
فریرون رجوع شود به: فرارون
فریفتن رجوع شود به: فریب
فزون رجوع شود به: افزودن
فژ
آلوده
Avestan
Bazda: bad, sin بد، گناه
SOD:18
Persian
fažं: dirt, dirty فژ
fažâk: dirty, impure فژاک (فژاکن)
BQT:1485
فژاک رجوع شود به: فژ
فسان رجوع شود به: ساییدن
فسانیدن رجوع شود به: ساییدن
فسفسه
مق: اسپست
هم: alfalfa
Indo-European
Ed: to eat خوردن
POK:287
Avestan
asa 1: food
POK:287, BQT:44,1624
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
Avestan
aspa-asa: horse food
BQT:119
Pahlavi
aspast, aspasti: alfalfa
BQT:119,1624
Syriac
pespesta
BQT:119
Arabic
al-fesfeseh: alfalfa
Persian
fesfeseh: alfalfa
فسفسه، فصفصه
BQT:1624
فَش رجوع شود به: بَش
فشار رجوع شود به: افشاردن
فصفصه رجوع شود به: فسفسه
فغ رجوع شود به: بغ
فغان رجوع شود به: افغان
فغستان رجوع شود به: بغستان
فغفور رجوع شود به: بیدخت
فلاخن
Indo-European
Dhegh: to heat, burn گرم کردن، سوزاندن
POK:240
Avestan
daǧa, dâǧah: hot
POK:240, BQT:815, 827
Indo-European
Per 1: around, forward. پیرامون، پیش
POK:810
Avestan
fra 2, frank: forward
HRN:184, BQT:1442-82
Avestan
daxš 2, rax, rak: to hurt (burn)
fra-daxšanâ: a device to hurt or strike from a distance, sling
AHM:181,192
Persian
falâxon: sling
فلاخن
AHM:192, MON:2564
فَلس
مق: پول
Indo-European
Gwel 2: to pierce
سوراخ کردن
POK:470
Greek
obolos: nail, nail-shaped Greek coins
POK:470, KLN:1068
Arabic
fals: money, also fish scales
ARK:232, TAD:52
Persian
fals: money, fish scales فَلس
mofless: poor مُفلس
FVA:319, BQT:428, ARK:232
فلسفه
مق: سفسطه
Indo-European
Bhilo: friendly, loving خوب، دوستانه
POK:153
Greek
philos: love
POK:154
Greek
Sophos: skilled, wise با تجربه، عاقل
AHD:1232
Greek
philo-sophos: fond of wisdom
AHD, KLN
Arabic
falsafah
TAD:53
Persian
falsafeh: philosophy فلسفه
MON:2567
NOTE- SYN:1110 claims "Bhilo" is an Anatolian word
فلفل
Sanskrit
Pippalî: pepper فلفل
AHD:1535, KLN:1154, SYN:382
Persian
pelpel: pepper
پلپل
BQT:1499, FVF:503
Arabic
filfil: pepper
FVF:503
Persian
felfel: pepper فلفل
BQT:1499
فلوت
مق: عود
Sanskrit
Agaruh: aloe wood چوب آلوئه
KLN:55
Arabic
al-oud: the wood, also a stringed musical instrument
KLN:55
French
luth: lute
flute: this is probably from another root
KLN:605,914
Persian
folût: flute فلوت
MON:2573


فنجان
Indo-European
Pin: wood, tree stump چوب، کنده درخت
POK:830
Greek
pinakx: board, platter
POK:830, SYN:345
Persian
pangân: cup پَنگان
BQT:1502
Arabic
Persian
fenjân: cup فنجان
MON
فَه
پارو
هم: spoon
Indo-European
Sphê: long flat piece of wood تکه چوب پهن و بلند
POK:980
Persian
fah, fih: oar, paddle فَه، فیه
ARN:394
فیرون رجوع شود به: فرارون
فیل رجوع شود به: پیل
فیله
Indo-European
Gwhi: thread, string نخ، رشته
POK:481,489, AHD
Latin
filum: thread
POK:489, AHD
French
fil: thread (used to tie papers)
filet: a strip of boneless meat
AHD
Persian
fileh: filet فیله
MON:2599
فیه رجوع شود به: فَه
قابوس رجوع شود به: کِی۳
قاطر
"از نسل خر"
هم: hard
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Avestan
xara: a harsh voiced animal, donkey
SOD:166
Sogdian
xr: donkey
xara-tara: related to a donkey, mule
SOD:166
Persian
qâter: mule قاطر
MON:2615
قالب رجوع شود به: کالب
قانون
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Arabic
qanah: reed, cane
qanat: underground water way
KLN:232, FVF:539,545
Greek
kanon: measuring stick, rule
KLN:232
Arabic
qânun: law
BQT:1516
Persian
qânun: rule, law
قانون (کانون۲)
BQT:1516, MON:2875
NOTE- These words also reached the Greek and Latin languages through Semitic languages
قباریس رجوع شود به: کَبَر
قُبّه
مق: کُبّه
Iranian
Gabbah: dome, vault, blister
گنبد ، طاق ، تاول
AFM:123
Arabic
qabbah: arched, bent
NOTE- KLN:46 claims this is from the Semitic root "Q.b.b: to be bent"
FVF:520, AFM:120
Persian
qobbeh: dome, vault قُبّه
MON:2637, FVA:323
قپان
هم: camp
Indo-European
Kam 2, Kamp: to bend, also a cavity, vault
خم کردن، حفره
POK:524,525, EIV:229
Latin
campus: bent land, valley
Campania: an area in Italy famous for its scales
POK:525, AHD:193
Persian
capân: a weighing scale
کپان (قپان)
MON:2896, ARK:222, PLA:216
قرطاس
هم: carton
Greek
Ĉartês: leaf of papyrus برگ پاپیروس
NOTE- Probably from an Egyptian origin
AHD:203, KLN:239, PRT:79
Arabic
qertâs: paper
TAD:55, VDQ:342
Persian
qertâs: paper قرطاس
MON:2659
قرمز
رنگ "کرم زاد"
هم: worm
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Indo-European
Gene: to give birth to زاییدن
POK:373
Sanskrit
krmi: worm
krmi-ja: made from worms (a red dye)
POK:649
Persian
qermez: red قرمز
MON:2663

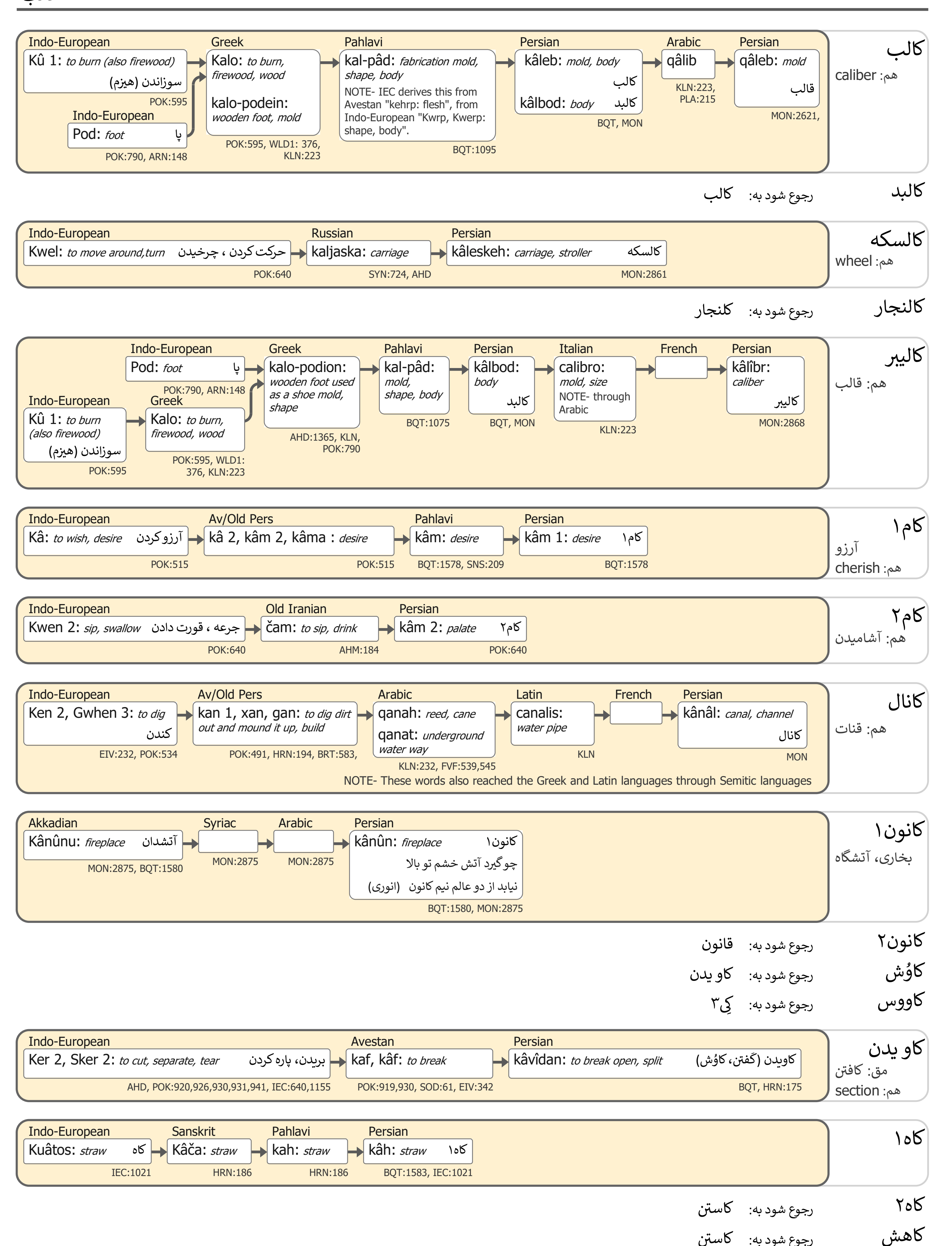

قَرن
Indo-European
Gher: to grasp, enclose
گرفتن ، محصور کردن
POK:442, 444
Greek
ğr-on-os, chronos, xronos: that which encloses all things, time
KLN:284
Arabic
qarn: a century
TAD:56
Persian
qarn: century قَرن
MON:2665
قَز رجوع شود به: کژاکند
قزاغند رجوع شود به: کژاکند
قسط
"عدل و میزان"
هم: yoke
Indo-European
Yeu 1, Yauj: to join, harness
جفت کردن، مهار کردن
POK:509, EIV:217
Greek
zugon: yoke, arm of a pair of balances, scale
POK:509, AHD, VDQ:346
Arabic
qist: balance, scale, justice
VDQ:346
Persian
qest: justice, loan payment قسط
qestâs: balance, scale قسطاس
بقسطاسی بسنجم راز موبد
که جو سنگش بود قسطای لوقا (خاقانی)
MON:2674
قسطاس رجوع شود به: قسط
قشنگ
Sogdian
`Xšnk: nice زیبا
SOD:28
Sogdian
gašnaka: nice
SOD:28
Persian
qašang: beautiful قشنگ
SOD:28, MON
قصر
"محل منزوی"
هم: castle
Indo-European
Kas: to cut بریدن، قطع کردن
POK:586
Latin
castellum: an "isolated" place, castle
AHD
Arabic
al-qasr: castle
KLN:45
Persian
qasr: castle قصر
MON:2682
قفس
هم: capsule
Indo-European
Kap, Ĉap 2: grasp گرفتن، نگه داشتن
POK:527,EIV
Greek
kapsa: box, cage
Arabic
qafas
MON:2700
Persian
qafas: cage قفس
BQT:1534
قفقاز
"با یخهای درخشان"
Indo-European
Kû 1: to burn (also firewood) سوزاندن (هیزم)
POK:595
Indo-European
Kreu: icy or solid سرد، منجمد
POK:621, KLN:252
Greek
kau: burning, shining
kau-casos: (mountains) shining with ice
KLN:252
Latin
caucasus: mountains between Caspian and Black sea.
Arabic
Persian
qafqâz: Caucasia
قفقاز
MON5: 1474
قفیز رجوع شود به: کویز
قُلقُل رجوع شود به: غرغره
قلم
Indo-European
Kolemos: grass, reed, cane علف، تره، نی
POK:612
Greek
kalamos: a reed (used as a pen)
POK:612
Arabic
qalam: pen
TAD:57
Persian
qalam: pen قلم
MON:2715
قمیص
هم: شُمیز
Indo-European
Kem 2: to cover پوشاندن
POK:556, CEL6: 122
Greek
kamision: shirt
VDQ:352
Latin
camisia: shirt
POK:556
Arabic
qamîs: cotton shirt
VDQ:352
Persian
qamîs: cotton shirt قمیص
MON:2729
قنات
هم: canal
Indo-European
Gwhen 1: to fill
پر کردن
NOTE- compare with Ken 2: to dig
POK:491
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583, ZMA:49
Arabic
qanah: reed, cane
qanat: underground water way
KLN:232, FVF:539,545
Persian
qanât: underground water way
قنات
MON, FVA:341, KLN:231, SNS:8
NOTE- These words also reached the Greek and Latin languages through Semitic languages
قناری
هم: سگ
Indo-European
Kwon: dog
سگ
POK:632, KLN:746, BQT:1155
Latin
canis: dog
insula canaria: dog island, named after its dogs
KLN:746
Spanish
canario: from the Canary Islands. A yellow bird.
KLN:230
French
canari: canary bird
Persian
qanârî: canary
قناری
MON:2730


قند
Indo-European
Gwhen 1: to fill پر کردن
NOTE- compare with Ken 2: to dig
POK:491
Sanskrit
ğanâ: ditch
xanda: a broken lump of sugar
PRT:75
Persian
qand: sugar قند
BQT:1544
Arabic
qandat: sugar candy
KLN:231
French
English
candy
AHD:196
هم: cane
قندیل
Indo-European
Kand: to shine, to be white درخشیدن، سفید بودن
POK:526
Greek
kandhêla: light, lamp, candle
AHD
Arabic
qandîl: light, lamp
TAD:59, BQT:1545
Persian
qandîl: lamp قندیل
MON:2734, ARK:235
هم: candle
قوز رجوع شود به: غوز
قوزک رجوع شود به: غوز
قولنج رجوع شود به: قولون
قولون
Indo-European
Skel: bent, curved خمیده
POK:928
Greek
kôlon: limb, part, member, large intestine
AHD
Arabic
TAD:59
Persian
qûlûn: colon قولون (قولنج)
MON:2749, BQT:1548, ETM:45
هم: colon
قهرمان
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
Av/Old Pers
kar 2, kara 1: to work
kara-manah: wise at work, manager
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Persian
qahr-e-mân: "wise at work", hero
قهرمان (کهرمان)
BQT
"ماهر در کارش"
هم: mind
قهوه
Ethiopian
Kaffa: the plant or drink coming from Kaffa, a district in southwestern Ethiopia
گیاه یا دانه قهوه که از اتیوپی آمده
KLN:309
Arabic
qahwah: a drink from Ethiopian "Kaffa"
Persian
qahveh: coffee قهوه
MON:2756
مق: کافه
قیر
Akkadian
Kîru: wax موم
AKD:60
Greek
kêros: wax
AHD:718
Aramaic
qîra: wax, tar
Arabic
qîr: tar
AKD:60
Persian
qîr: tar قیر
MON:2765,
هم: گریس
هم: kerosene
قیراط
Indo-European
Ker 1: head, horn سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Greek
keras, keration: little horn, referring to the horn-shaped fruit of the carob tree used as a unit of weight.
KLN:237
Arabic
qirât: a unit of weight.
KLN:237, TAD:60
Persian
qîrât: a small unit if weight قیراط
هم: سر
هم: carat
قیصر
Indo-European
Skhai: to cut, strike
بریدن، ضربه زدن
POK:917
Latin
caedere: to cut
POK:917, AHD:186,217, ISS:84
Greek
kaisar: Caesar, born by "cesarean" section
AHD, KLN:839
Arabic
qaysar: Caesar
BQT:1551
Persian
qaysar: Caesar قیصر
BQT:217
قیفال
Indo-European
Ghebh-el: head, top سر، بالا
POK:423
Greek
kephalê: head
POK:423, KLN:259
Arabic
qîfaleh: head
NOTE- KLN: 259 claims this is of an unknown origin
MON:2769, KLN:259
Persian
qîfâl: head قیفال
MON:2769
هم: cephalic
ک.
Indo-European
Kak 3, Kas 2: to become thin, diminish کم شدن
POK:521, EIV:247
Av/Old Pers
kasu: small
POK:521, FFD:67
Persian
-ak: suffix indicating smallness ک. (مرغک)
HUB:86, BQT, HRN:185, FFD:67
NOTE- See "Akos: diminish" for another possible root
ک.
Indo-European
Akos: suffix indicating small size پسوند تحقیر
IEC:9
Pahlavi
-ak
MON:2775
Persian
-ak: a suffix indicating small size ک (مرغک، دخترک)
IEC:9, MON:2775
NOTE- See "Kak: small size" for another possible root

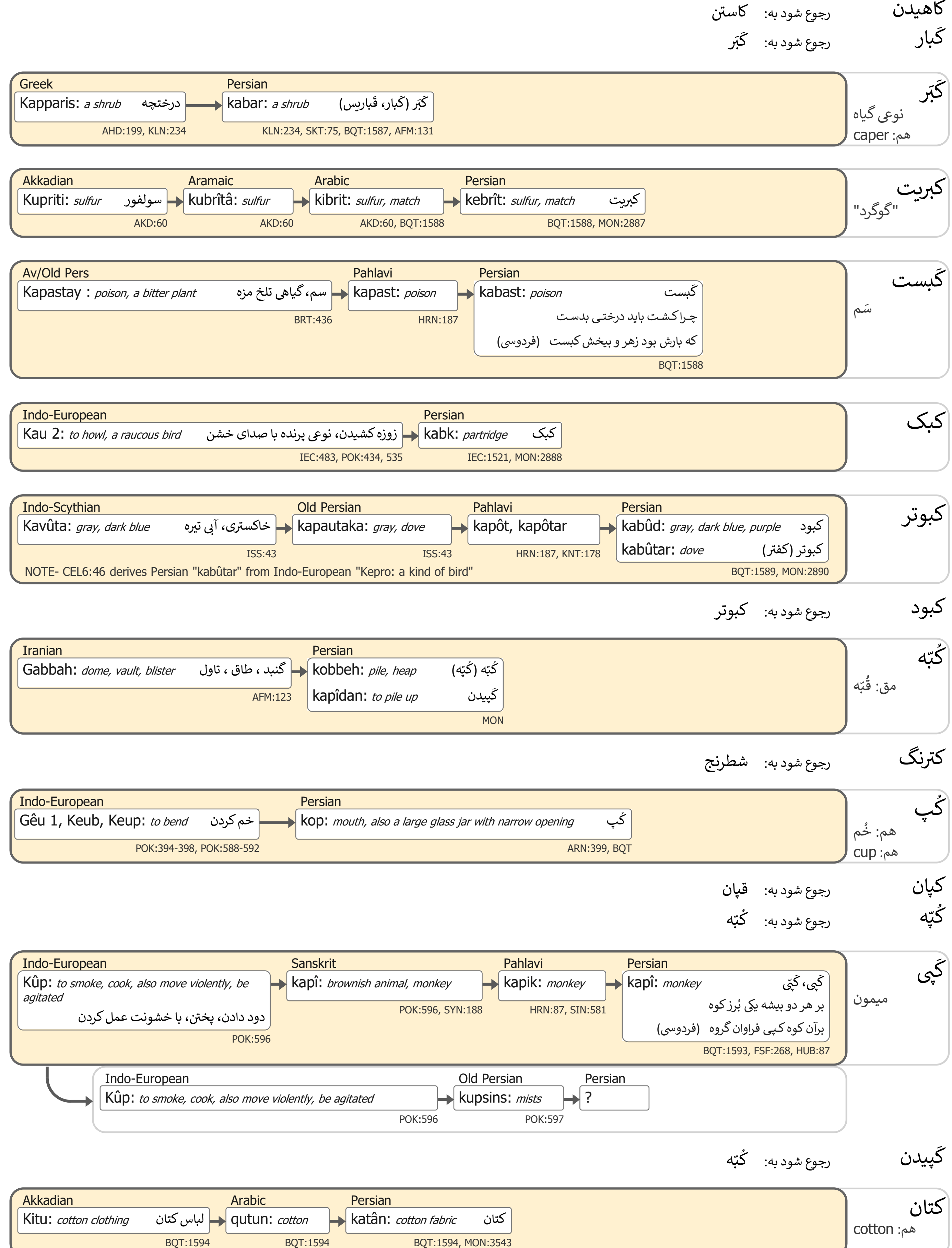

کاتوره
سرگیجه
Sanskrit
Kâtara: shy, disoriented, wandering خجالتی ، گمراه ، سرگردان
BQT:1555
Persian
kâtûreh: wandering, dizziness کاتوره
هیچ راحت می نبینم در سـرود و رود تو
جزکه ازفریاد و زخمه ات خلق راکاتوره خاست (رودکی)
BQT:1555
NOTE- Persian words may be cognates with rather than derivatives from Sanskrit.
کاچ
Sanskrit
Xac: shine through درخشش از لابلای مانع
SYN:620
Sanskrit
kâca: glass, pearl
SYN:620, BQT:1556
Persian
kâč: glass, pearl کاچ
kâčî: a thin glazed tile کاچی (کاشی)
MON:2834 BQT: 1556,1568
کاچی
رجوع شود به: کاچ
کار۱
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Av/Old Pers
kar 2, kara 1: to work
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Persian
kârîdan: to do کاریدن (کردن، کار۱)
BQT
کار۲
جنگ
هم: harsh
Indo-European
Koro: war, army, a large crowd جنگ، ارتش، سپاه
POK:615, IEC:536
Old Persian
kâr, kâra: war, army, people
POK:615, KNT:175
Persian
kâr-: a prefix meaning war, army کار۲
BQT, HRN, MON
کارت
مق: قرطاس
هم: card
Greek
Ĉartês: leaf of papyrus برگ پاپیروس
NOTE- Probably from an Egyptian origin
AHD:203, KLN:239, PRT:79
Latin
carta: papyrus leaf
AHD, KLN:239
French
carte
KLN:239
Persian
cârt: card کارت
cârton: cardboard box کارتون
MON:2801
کارد
هم: section
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear
بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Avestan
kereta: knife, a cut trench
POK:941, KLN:1432, HRN:188, SYN:321
Persian
kârd: knife کارد
kart: a trench cut for irrigation کرت
BQT, HRN, MON, SYN
کارزار
"میدان جنگ"
Indo-European
Koro: war, army, a large crowd جنگ، ارتش، سپاه
POK:615, IEC:536
Old Persian
kâr, kâra: war, army, people
POK:615, KNT:175
Persian
kârzâr: battle field کارزار
BQT, HRN, MON
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Avestan
car, čăr: to move around, also an open field
BQT:635, FFD:73
کاروان
Indo-European
Koro: war, army, a large crowd
جنگ، ارتش، سپاه
POK:615, IEC:536
Old Persian
kâr, kâra: war, army, people
POK:615, KNT:175
Persian
kâr-vân: army, caravan
کاروان
BQT, HRN, MON
French
caravane
KLN:238
English
caravan, van
کاریدن
رجوع شود به: کار۱
کاز
رجوع شود به: کازه
کازه
کلبه
هم: hut
Indo-European
Sku: to cover پوشاندن
POK:952,953, IEC:1193, AHD:1540
Indo-European
Kut-no: cover, shell
POK:952,953, IEC:1193, AHD:1540
Persian
kâz: hut, cover کاز (کازه)
امید وصل تو نیست در وهم من که آخر
در کازهٔ گدایان سلطان چگونه گنجد (مولوی)
BQT:1562, MON:2821, SOD:187
کاس
رجوع شود به: کاسه

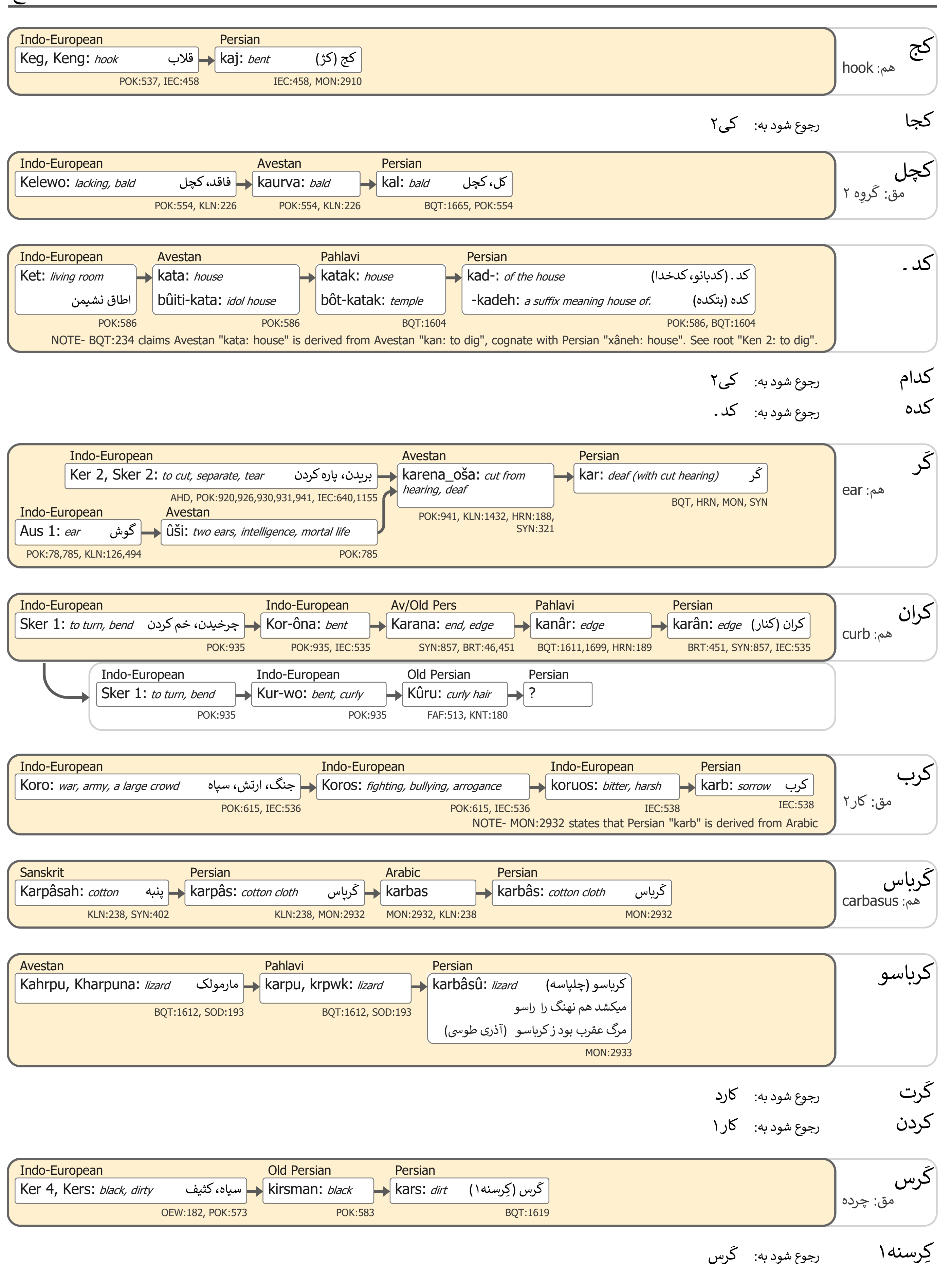


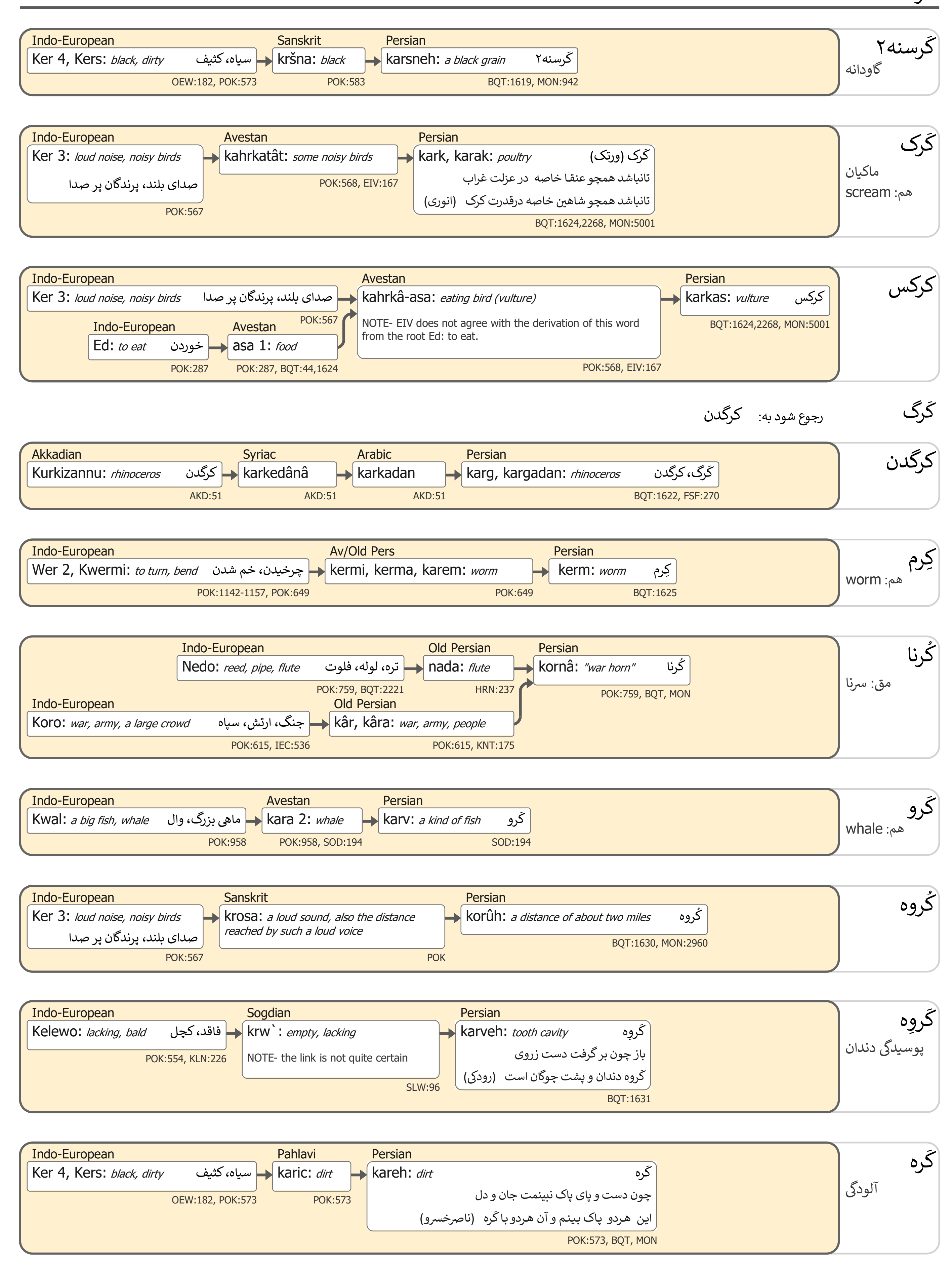
کاست
Indo-European
Kak 3, Kas 2: to become thin, diminish
کم شدن
POK:521, EIV:247
Av/Old Pers
kasu: small
kâs: to reduce
POK:521, FFD:67
Avestan
kas-išta: least
KNT:202, TZF:26, BQT:2133
Persian
kâst: deficiency
کاست
چو خورشید بی کاست بادی و راست
بداندیش چون ماه بگرفته کاست (اسدی)
HUB:86, BQT, HRN:185, FFD:67
Indo-European
Isto: most or last
پسوند صفت عالی
KLN:35
Av/Old Pers
išta: a superlative suffix
KNT:191,202
کاستن
Indo-European
Kak 3, Kas 2: to become thin, diminish
کم شدن
POK:521, EIV:247
Av/Old Pers
kasu: small
kâs: to reduce
POK:521, FFD:67
Persian
kâstan: to reduce
کاستن (کاهش، کاهیدن، کاه)
HUB:86, BQT, HRN:185, FFD:67
کاسه
Indo-European
Kel 5: cup, bowl
فنجان، کاسه
POK:550
Greek
kalix: cup
POK:550
Syriac
AFM:131
Persian
kâseh: bowl
کاسه (کاس)
kûzeh: pitcher, jug
کوزه
AFM:131, MON
کاشتن
Indo-European
Kwel: to move around,turn
حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Avestan
kar 1: to plow
karaya: to sow
kaeša: furrow
POK:639, SOD:203
Pahlavi
kištan: to plow, sow, plant
SNS:220
Persian
kâštan: to plant, farm
کاشتن (کشاورز)
BQT:1567, HRN:185, EIV:239
NOTE- EIV:240 suggests the root "Kwer: to scatter seed".
کاشی
رجوع شود به: کاچ
کاغذ
Turkish
Kagaz: tree bark
پوست درخت
SIN:559
Pahlavi
kâgad: paper
SIN:559, PLA:225
Persian
kâğaz: paper
کاغذ
BQT:1569
NOTE- Chinese paper was imported in Iran (Samarghand) as early as 650 AD but the word "kâğaz" was not borrowed from the Chinese word "Ku-Ĉih".
کافتن
رجوع شود به: شکافتن
کافه
مق: قهوه
Ethiopian
Kaffa: the plant or drink coming from Kaffa, a district in southwestern Ethiopia
گیاه یا دانه قهوه که از اتیوپی آمده
KLN:309
Arabic
qahwah: a drink from Ethiopian "Kaffa"
Turkish
qhve': coffee
AHD:258
Italian
French
cafe'
Persian
kâfeh: coffee house
کافه
MON:2851
کافور
Sanskrit
Karpurah: camphor tree
درخت کافور
KLN:229
Pahlavi
kâpûr: camphor
VDQ:356, BQT:1571
Persian
kâfûr: camphor
کافور
BQT:1571
کاک
هم: cake
Indo-European
Kak 2: a round object (loaf), cake
گرد، قرص (نان)
NOTE- This word is apparently of Egyptian origin
POK:349, BQT:1572, AHD:1520
Persian
kâk: dry hard bread, a dry cookie
کاک
BQT:1572
Arabic
ka`k: a dry bread
PLA:233
Persian
ka`k: dry bread
کعک
BQT:1572
کال
زمین شکافته، کانال
Indo-European
Kard: keep down, subside
پایین نگه داشتن، فروکش کردن
EIV:239
Persian
kal: ditch, ravine, canal
کال
EIV:239
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
کالا
Indo-European
Pod: foot
پا
POK:790, ARN:148
Indo-European
Kû 1: to burn (also firewood)
سوزاندن (هیزم)
POK:595
Greek
kalo-podion:
wooden foot used as a shoe mold, shape
AHD:1365, KLN, POK:790
Pahlavi
kal-pâd: mold, shape, body
NOTE- IEC: derives it from Avestan "kehrp: flesh", from Indo-European "Kwrp, Kwerp: shape, body".
BQT:1075
Persian
kâlâ: manufactured (molded) goods
کالا
MON:2858, IEC:1047



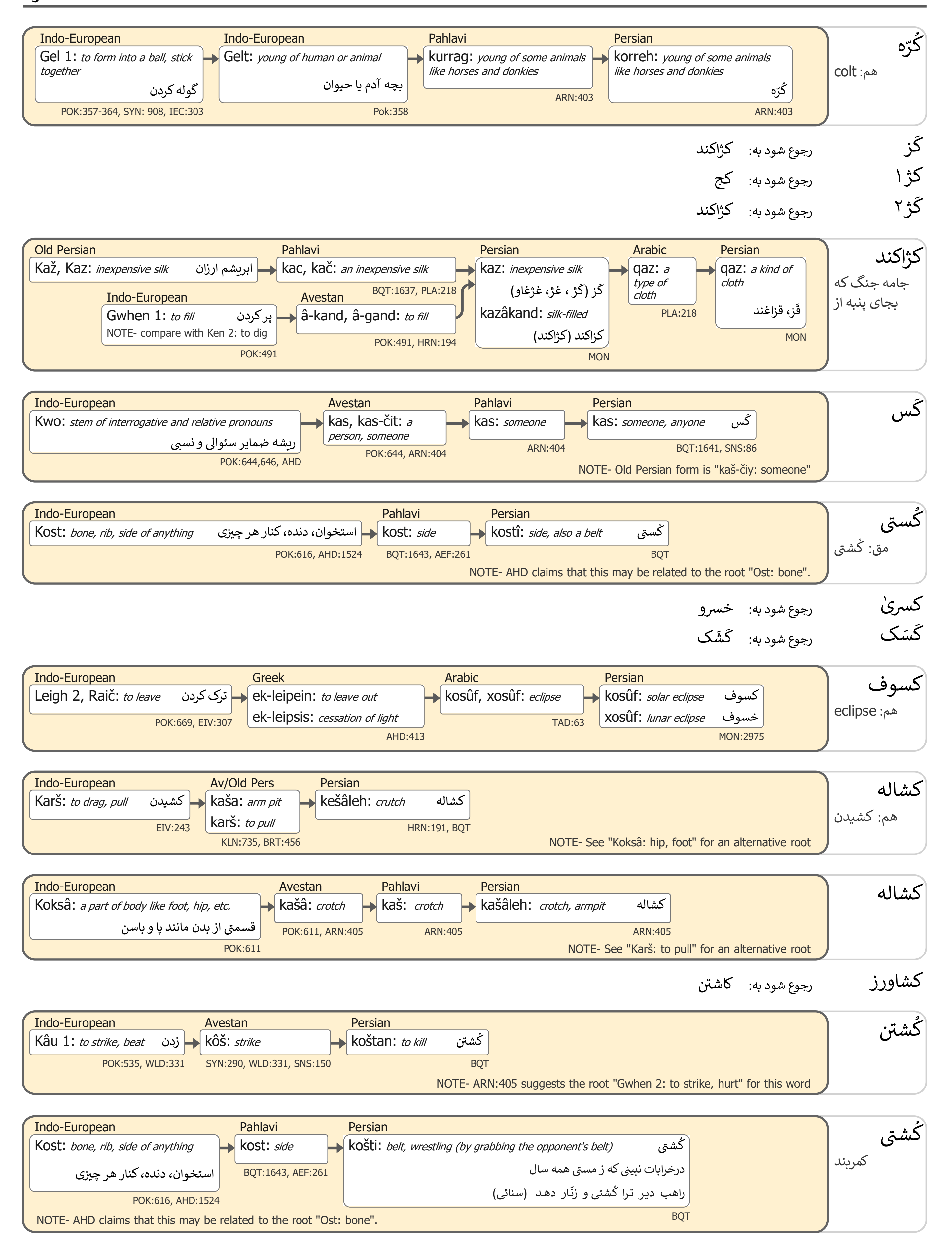
کالب
هم: caliber
Indo-European
Kû 1: to burn (also firewood)
سوزاندن (هیزم)
POK:595
Indo-European
Pod: foot پا
POK:790, ARN:148
Greek
Kalo: to burn, firewood, wood
kalo-podein: wooden foot, mold
POK:595, WLD1: 376, KLN:223
Pahlavi
kal-pâd: fabrication mold, shape, body
NOTE- IEC derives this from Avestan "kehrp: flesh", from Indo-European "Kwrp, Kwerp: shape, body".
BQT:1095
Persian
kâleb: mold, body کالب
kâlbod: body کالبد
BQT, MON
Arabic
qâlib
KLN:223, PLA:215
Persian
qâleb: mold قالب
MON:2621,
کالبد
رجوع شود به: کالب
کالسکه
هم: wheel
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Russian
kaljaska: carriage
SYN:724, AHD
Persian
kâleskeh: carriage, stroller کالسکه
MON:2861
کالنجار
رجوع شود به: کلنجار
کالیبر
هم: قالب
Indo-European
Pod: foot پا
POK:790, ARN:148
Indo-European
Kû 1: to burn (also firewood) سوزاندن (هیزم)
POK:595
Greek
Kalo: to burn, firewood, wood
POK:595, WLD1: 376, KLN:223
Greek
kalo-podion: wooden foot used as a shoe mold, shape
AHD:1365, KLN, POK:790
Pahlavi
kal-pâd: mold, shape, body
BQT:1075
Persian
kâlbod: body کالبد
BQT, MON
Italian
calibro: mold, size
NOTE- through Arabic
KLN:223
French
Persian
kâlîbr: caliber کالیبر
MON:2868
کام۱
آرزو
هم: cherish
Indo-European
Kâ: to wish, desire آرزو کردن
POK:515
Av/Old Pers
kâ 2, kâm 2, kâma : desire
POK:515
Pahlavi
kâm: desire
BQT:1578, SNS:209
Persian
kâm 1: desire کام۱
BQT:1578
کام۲
هم: آشامیدن
Indo-European
Kwen 2: sip, swallow جرعه ، قورت دادن
POK:640
Old Iranian
čam: to sip, drink
AHM:184
Persian
kâm 2: palate کام۲
POK:640
کانال
هم: قنات
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583,
Arabic
qanah: reed, cane
qanat: underground water way
KLN:232, FVF:539,545
Latin
canalis: water pipe
KLN
French
Persian
kânâl: canal, channel کانال
MON
NOTE- These words also reached the Greek and Latin languages through Semitic languages
کانون۱
بخاری، آتشگاه
Akkadian
Kânûnu: fireplace آتشدان
MON:2875, BQT:1580
Syriac
MON:2875
Arabic
MON:2875
Persian
kânûn: fireplace کانون۱
چوگیرد آتش خشم تو بالا
نیابد از دو عالم نیم کانون (انوری)
BQT:1580, MON:2875
کانون۲
رجوع شود به: قانون
کاوُش
رجوع شود به: کاو یدن
کاووس
رجوع شود به: کِی۳
کاو یدن
مق: کافتن
هم: section
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Avestan
kaf, kâf: to break
POK:919,930, SOD:61, EIV:342
Persian
kâvîdan: to break open, split کاویدن (گفتن، کاوُش)
BQT, HRN:175
کاه۱
Indo-European
Kuâtos: straw کاه
IEC:1021
Sanskrit
Kâča: straw
HRN:186
Pahlavi
kah: straw
HRN:186
Persian
kâh: straw کاه۱
BQT:1583, IEC:1021
کاه۲
رجوع شود به: کاستن
کاهش
رجوع شود به: کاستن


کاهیدن رجوع شود به: کاستن
گَبار رجوع شود به: کَبَر
کَبَر
نوعی گیاه
هم: caper
Greek
Kapparis: a shrub درختچه
AHD:199, KLN:234
Persian
kabar: a shrub کَبَر (کَبار، قَباریس)
KLN:234, SKT:75, BQT:1587, AFM:131
کبریت
"گوگرد"
Akkadian
Kupriti: sulfur سولفور
AKD:60
Aramaic
kubrîtâ: sulfur
AKD:60
Arabic
kibrit: sulfur, match
AKD:60, BQT:1588
Persian
kebrît: sulfur, match کبریت
BQT:1588, MON:2887
کَبست
سَم
Av/Old Pers
Kapastay : poison, a bitter plant سم، گیاهی تلخ مزه
BRT:436
Pahlavi
kapast: poison
HRN:187
Persian
kabast: poison کَبست
چراکشت باید درختی بدست
که بارش بود زهر و بیخش کبست (فردوسی)
BQT:1588
کبک
Indo-European
Kau 2: to howl, a raucous bird زوزه کشیدن، نوعی پرنده با صدای خشن
IEC:483, POK:434, 535
Persian
kabk: partridge کبک
IEC:1521, MON:2888
کبوتر
Indo-Scythian
Kavûta: gray, dark blue خاکستری، آبی تیره
ISS:43
Old Persian
kapautaka: gray, dove
ISS:43
Pahlavi
kapôt, kapôtar
HRN:187, KNT:178
Persian
kabûd: gray, dark blue, purple کبود
kabûtar: dove کبوتر (کفتر)
BQT:1589, MON:2890
NOTE- CEL6:46 derives Persian "kabûtar" from Indo-European "Kepro: a kind of bird"
کبود رجوع شود به: کبوتر
کُبّه
مق: قُبّه
Iranian
Gabbah: dome, vault, blister گنبد ، طاق ، تاول
AFM:123
Persian
kobbeh: pile, heap کُبّه (کُپّه)
kapîdan: to pile up کَپیدن
MON
کترنگ رجوع شود به: شطرنج
کُپ
هم: خُم
هم: cup
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Persian
kop: mouth, also a large glass jar with narrow opening کُپ
ARN:399, BQT
کپان رجوع شود به: قپان
کُپّه رجوع شود به: کُبّه
کَپی
میمون
Indo-European
Kûp: to smoke, cook, also move violently, be agitated
دود دادن، پختن، با خشونت عمل کردن
POK:596
Sanskrit
kapî: brownish animal, monkey
POK:596, SYN:188
Pahlavi
kapik: monkey
HRN:87, SIN:581
Persian
kapî: monkey کَپی، کَپّی
بر هر دو بیشه یکی بُرز کوه
برآن کوه کپی فراوان گروه (فردوسی)
BQT:1593, FSF:268, HUB:87
Indo-European
Kûp: to smoke, cook, also move violently, be agitated
POK:596
Old Persian
kupsins: mists
POK:597
Persian
?
کَپیدن رجوع شود به: کُبّه
کتان
هم: cotton
Akkadian
Kitu: cotton clothing لباس کتان
BQT:1594
Arabic
qutun: cotton
BQT:1594
Persian
katân: cotton fabric کتان
BQT:1594, MON:3543

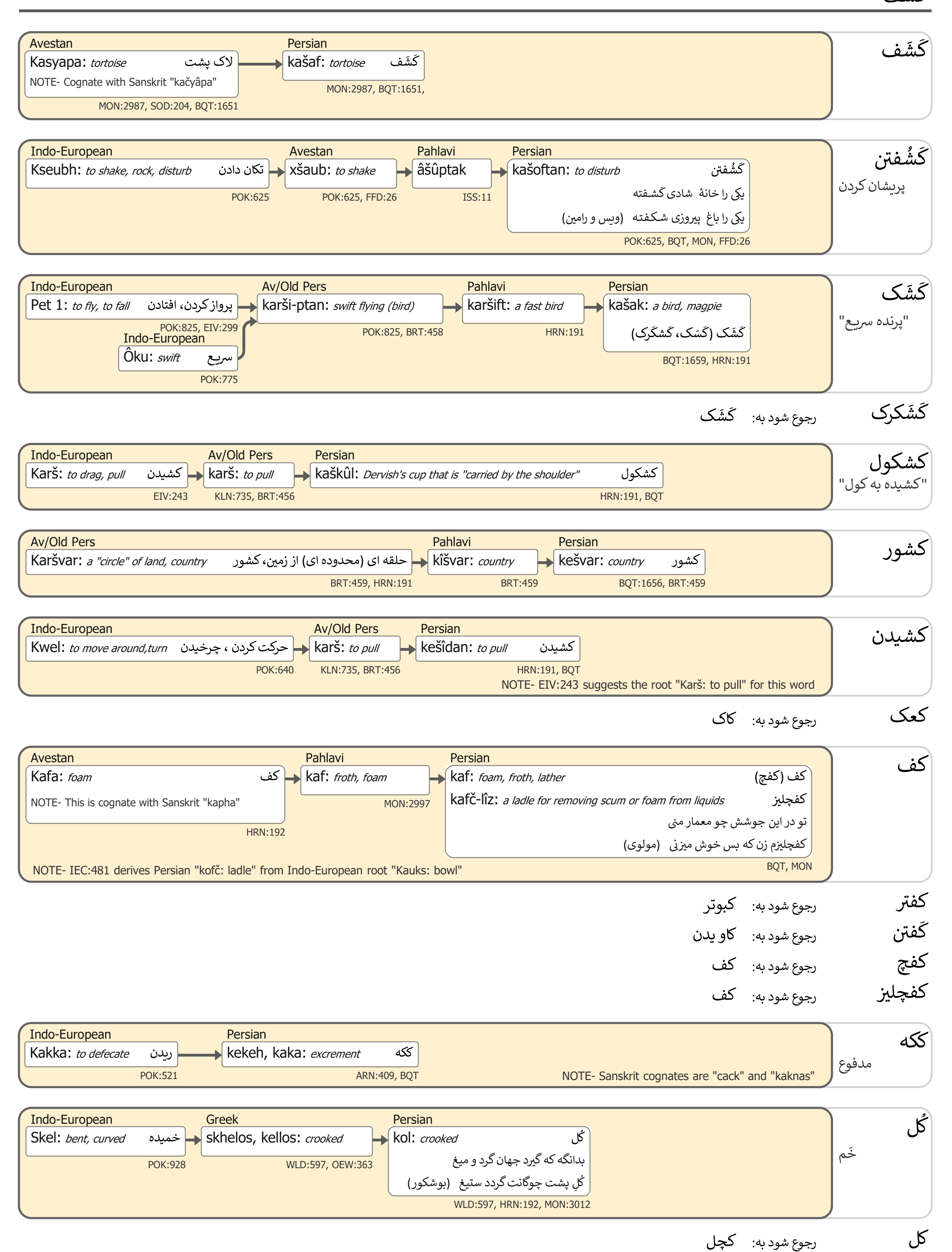

کج
هم: hook
Indo-European
Keg, Keng: hook قلاب
POK:537, IEC:458
Persian
kaj: bent کج (کژ)
IEC:458, MON:2910
کجا
رجوع شود به: کی۲
کچل
مق: گروه ۲
Indo-European
Kelewo: lacking, bald فاقد، کچل
POK:554, KLN:226
Avestan
kaurva: bald
POK:554, KLN:226
Persian
kal: bald کل، کچل
BQT:1665, POK:554
کد .
Indo-European
Ket: living room
اطاق نشیمن
POK:586
Avestan
kata: house
bûiti-kata: idol house
POK:586
Pahlavi
katak: house
bôt-katak: temple
BQT:1604
Persian
kad-: of the house کد . (کدبانو، کدخدا)
-kadeh: a suffix meaning house of. کده (بتکده)
POK:586, BQT:1604
NOTE- BQT:234 claims Avestan "kata: house" is derived from Avestan "kan: to dig", cognate with Persian "xâneh: house". See root "Ken 2: to dig".
کدام
رجوع شود به: کی۲
کده
رجوع شود به: کد .
کَر
هم: ear
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Avestan
ûši: two ears, intelligence, mortal life
POK:785
Avestan
karena_oša: cut from hearing, deaf
POK:941, KLN:1432, HRN:188, SYN:321
Persian
kar: deaf (with cut hearing) کَر
BQT, HRN, MON, SYN
کران
هم: curb
Indo-European
Sker 1: to turn, bend چرخیدن، خم کردن
POK:935
Indo-European
Kor-ôna: bent
POK:935, IEC:535
Av/Old Pers
Karana: end, edge
SYN:857, BRT:46,451
Pahlavi
kanâr: edge
BQT:1611,1699, HRN:189
Persian
karân: edge کران (کنار)
BRT:451, SYN:857, IEC:535
Indo-European
Sker 1: to turn, bend
POK:935
Indo-European
Kur-wo: bent, curly
POK:935
Old Persian
Kûru: curly hair
FAF:513, KNT:180
Persian
?
کرب
مق: کار۲
Indo-European
Koro: war, army, a large crowd جنگ، ارتش، سپاه
POK:615, IEC:536
Indo-European
Koros: fighting, bullying, arrogance
POK:615, IEC:536
Indo-European
koruos: bitter, harsh
IEC:538
Persian
karb: sorrow کرب
IEC:538
NOTE- MON:2932 states that Persian "karb" is derived from Arabic
کَرباس
هم: carbasus
Sanskrit
Karpâsah: cotton پنبه
KLN:238, SYN:402
Persian
karpâs: cotton cloth کرپاس
KLN:238, MON:2932
Arabic
karbas
MON:2932, KLN:238
Persian
karbâs: cotton cloth کرباس
MON:2932
کرباسو
Avestan
Kahrpu, Kharpuna: lizard مارمولک
BQT:1612, SOD:193
Pahlavi
karpu, krpwk: lizard
BQT:1612, SOD:193
Persian
karbâsû: lizard کرباسو (چلپاسه)
میکشد هم نهنگ را راسو
مرگ عقرب بود ز کرباسو (آذری طوسی)
MON:2933
کرت
رجوع شود به: کارد
کردن
رجوع شود به: کار۱
کرس
مق: چرده
Indo-European
Ker 4, Kers: black, dirty سیاه، کثیف
OEW:182, POK:573
Old Persian
kirsman: black
POK:583
Persian
kars: dirt کرس (کِرسنه۱)
BQT:1619
کِرسنه۱
رجوع شود به: کرس

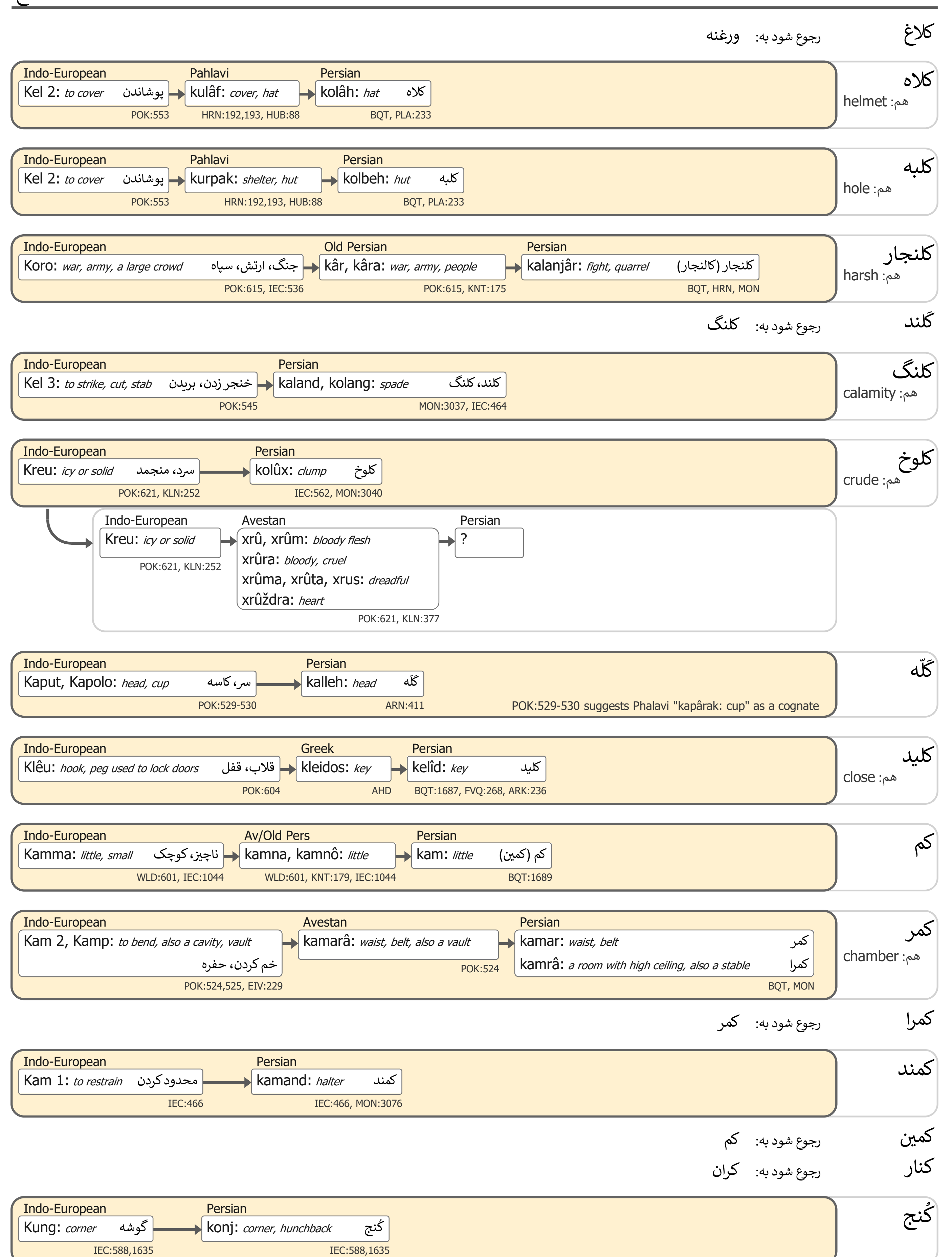


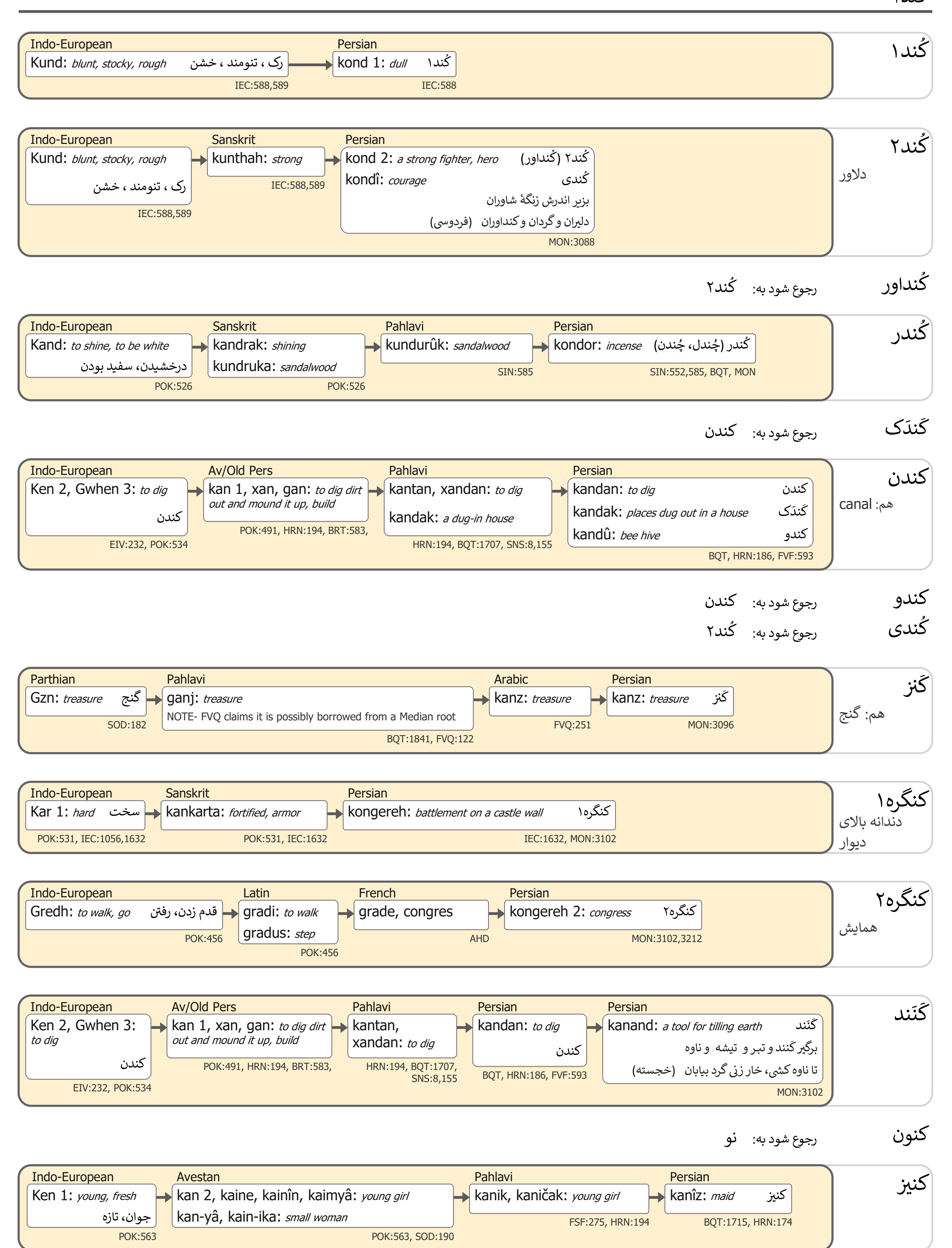
گرسنه۲
گاودانه
Indo-European
Ker 4, Kers: black, dirty سیاه، کثیف
OEW:182, POK:573
Sanskrit
kršna: black
POK:583
Persian
karsneh: a black grain گرسنه۲
BQT:1619, MON:942
کَرک
ماکیان
هم: scream
Indo-European
Ker 3: loud noise, noisy birds صدای بلند، پرندگان پر صدا
POK:567
Avestan
kahrkatât: some noisy birds
POK:568, EIV:167
Persian
kark, karak: poultry کرک (ورتک)
تاباشد همچو عنقا خاصه در عزلت غراب
تاباشد همچو شاهین خاصه درقدرت کرک (انوری)
BQT:1624,2268, MON:5001
کرکس
Indo-European
Ker 3: loud noise, noisy birds صدای بلند، پرندگان پر صدا
POK:567
Indo-European
Ed: to eat خوردن
POK:287
Avestan
asa 1: food
POK:287, BQT:44,1624
Avestan
kahrkâ-asa: eating bird (vulture)
NOTE- EIV does not agree with the derivation of this word from the root Ed: to eat.
POK:568, EIV:167
Persian
karkas: vulture کرکس
BQT:1624,2268, MON:5001
کَرگ
رجوع شود به: کرگدن
کَرگدن
Akkadian
Kurkizannu: rhinoceros کرگدن
AKD:51
Syriac
karkedânâ
AKD:51
Arabic
karkadan
AKD:51
Persian
karg, kargadan: rhinoceros کَرگ، کرگدن
BQT:1622, FSF:270
کِرم
هم: worm
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Av/Old Pers
kermi, kerma, karem: worm
POK:649
Persian
kerm: worm کِرم
BQT:1625
کُرنا
مق: سرنا
Indo-European
Nedo: reed, pipe, flute تره، لوله، فلوت
POK:759, BQT:2221
Old Persian
nada: flute
HRN:237
Persian
kornâ: "war horn" کُرنا
POK:759, BQT, MON
Indo-European
Koro: war, army, a large crowd جنگ، ارتش، سپاه
POK:615, IEC:536
Old Persian
kâr, kâra: war, army, people
POK:615, KNT:175
کَرو
هم: whale
Indo-European
Kwal: a big fish, whale ماهی بزرگ، وال
POK:958
Avestan
kara 2: whale
POK:958, SOD:194
Persian
karv: a kind of fish کَرو
SOD:194
کُروه
Indo-European
Ker 3: loud noise, noisy birds صدای بلند، پرندگان پر صدا
POK:567
Sanskrit
krosa: a loud sound, also the distance reached by such a loud voice
POK
Persian
korûh: a distance of about two miles کُروه
BQT:1630, MON:2960
کَروِه
پوسیدگی دندان
Indo-European
Kelewo: lacking, bald فاقد، کچل
POK:554, KLN:226
Sogdian
krw`: empty, lacking
NOTE- the link is not quite certain
SLW:96
Persian
karveh: tooth cavity کَروِه
باز چون بر گرفت دست زروی
گروه دندان و پشت چوگان است (رودکی)
BQT:1631
کَره
آلودگی
Indo-European
Ker 4, Kers: black, dirty سیاه، کثیف
OEW:182, POK:573
Pahlavi
karic: dirt
POK:573
Persian
kareh: dirt کَره
چون دست و پای پاک نبینمت جان و دل
این هردو پاک بینم و آن هردو با کَره (ناصرخسرو)
POK:573, BQT, MON

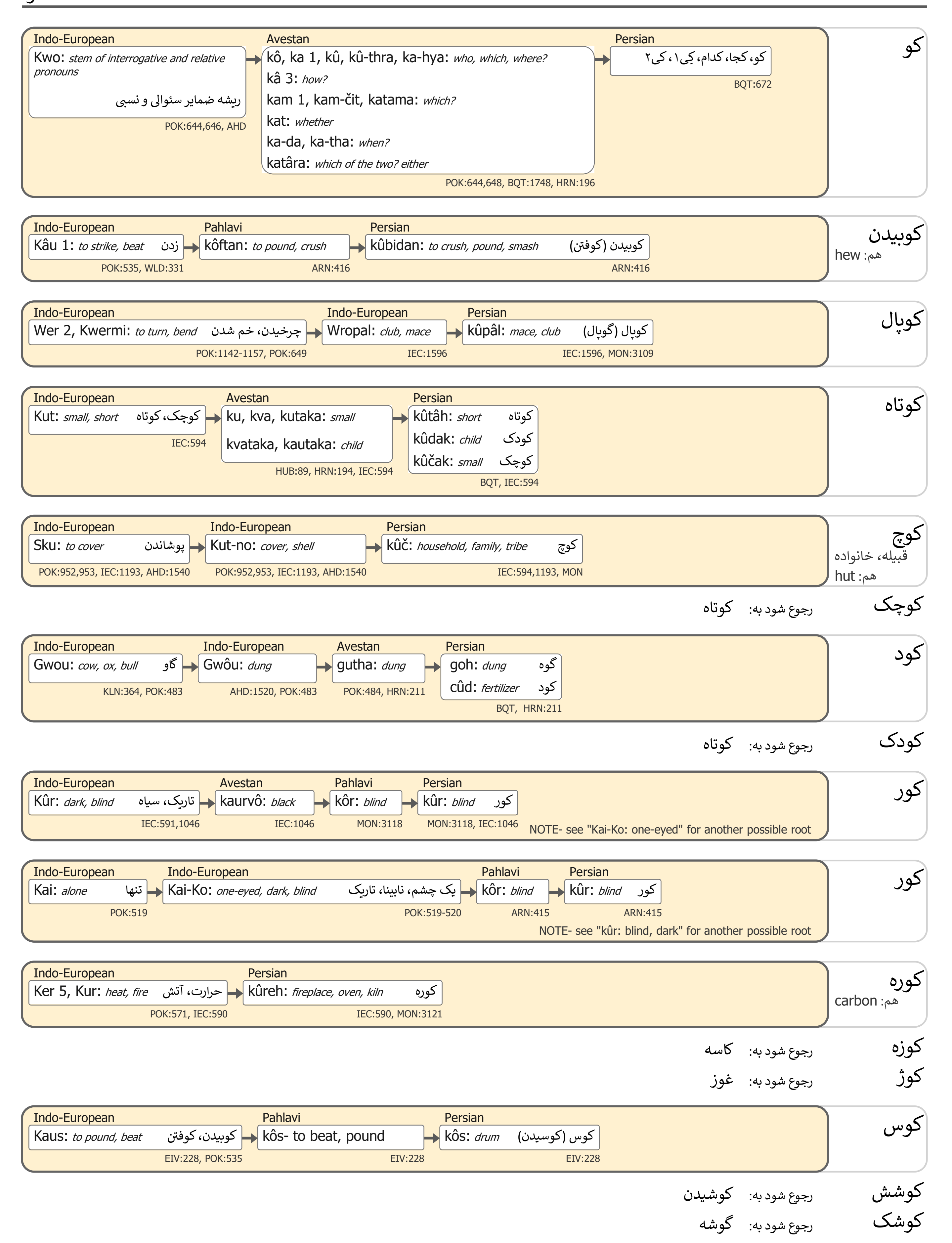


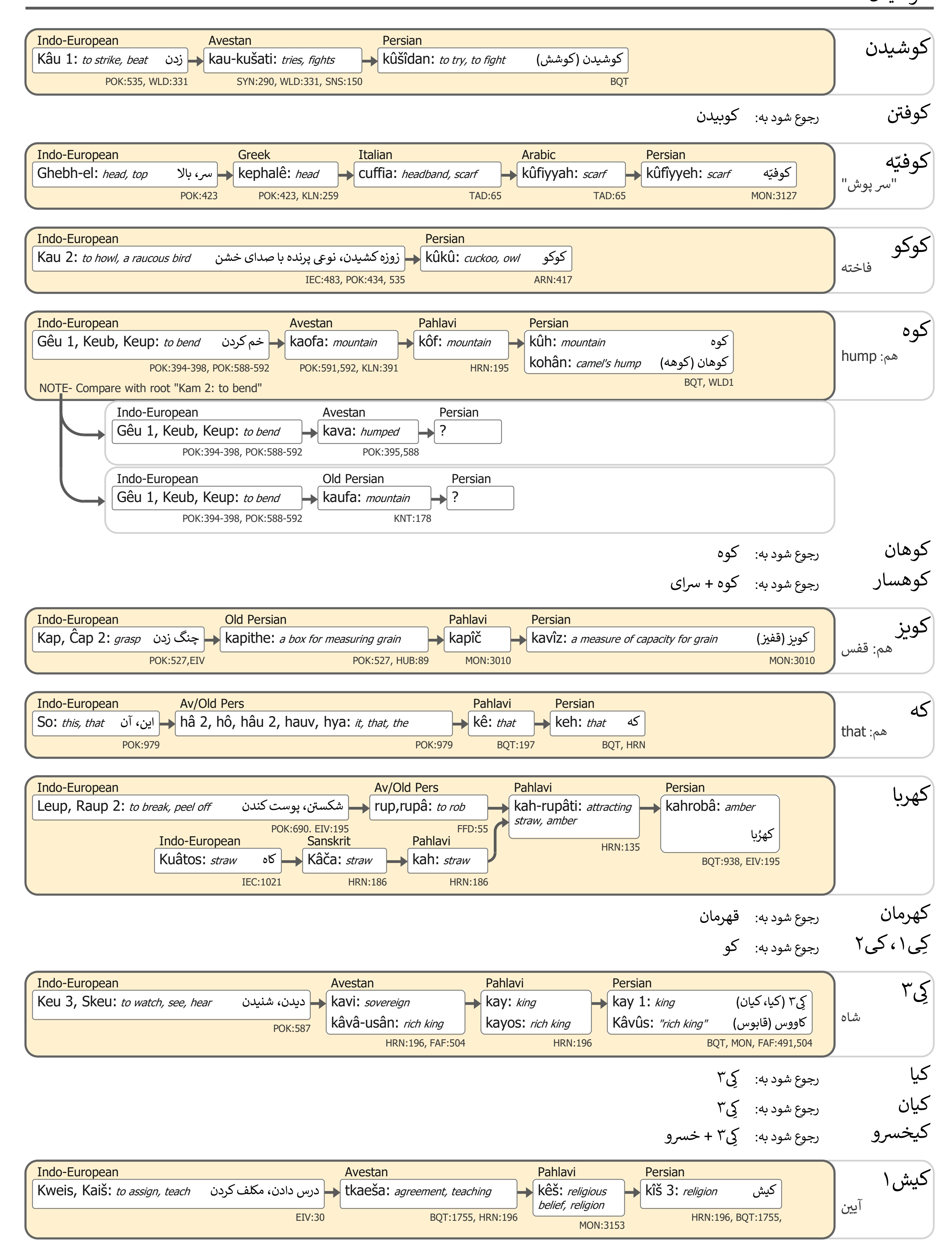
کُرّه
هم: colt
Indo-European
Gel 1: to form into a ball, stick together
گوله کردن
POK:357-364, SYN: 908, IEC:303
Indo-European
Gelt: young of human or animal
بچه آدم یا حیوان
Pok:358
Pahlavi
kurrag: young of some animals like horses and donkies
ARN:403
Persian
korreh: young of some animals like horses and donkies
کُرّه
ARN:403
کَژ
رجوع شود به: کژاکند
کژ ۱
رجوع شود به: کج
کژ ۲
رجوع شود به: کژاکند
کژاکند
جامه جنگ که بجای پنبه از
Old Persian
Kaž, Kaz: inexpensive silk
ابریشم ارزان
Pahlavi
kac, kač: an inexpensive silk
BQT:1637, PLA:218
Indo-European
Gwhen 1: to fill
پر کردن
NOTE- compare with Ken 2: to dig
POK:491
Avestan
â-kand, â-gand: to fill
POK:491, HRN:194
Persian
kaz: inexpensive silk
کز (کژ ، غژ، غژغاو)
kazâkand: silk-filled
کزاکند (کژاکند)
MON
Arabic
qaz: a type of cloth
PLA:218
Persian
qaz: a kind of cloth
قَز، قزاغند
MON
کَس
Indo-European
Kwo: stem of interrogative and relative pronouns
ریشه ضمایر سئوالی و نسبی
POK:644,646, AHD
Avestan
kas, kas-čit: a person, someone
POK:644, ARN:404
Pahlavi
kas: someone
ARN:404
Persian
kas: someone, anyone
کَس
BQT:1641, SNS:86
NOTE- Old Persian form is "kaš-čiy: someone"
کُستی
مق: کُشتی
Indo-European
Kost: bone, rib, side of anything
استخوان، دنده، کنار هر چیزی
POK:616, AHD:1524
Pahlavi
kost: side
BQT:1643, AEF:261
Persian
kostî: side, also a belt
کُستی
BQT
NOTE- AHD claims that this may be related to the root "Ost: bone".
کسریٰ
رجوع شود به: خسرو
کَسَک
رجوع شود به: کَشَک
کسوف
هم: eclipse
Indo-European
Leigh 2, Raič: to leave
ترک کردن
POK:669, EIV:307
Greek
ek-leipein: to leave out
ek-leipsis: cessation of light
AHD:413
Arabic
kosûf, xosûf: eclipse
TAD:63
Persian
kosûf: solar eclipse
کسوف
xosûf: lunar eclipse
خسوف
MON:2975
کشاله
هم: کشیدن
Indo-European
Karš: to drag, pull
کشیدن
EIV:243
Av/Old Pers
kaša: arm pit
karš: to pull
KLN:735, BRT:456
Persian
kešâleh: crutch
کشاله
HRN:191, BQT
NOTE- See "Koksâ: hip, foot" for an alternative root
کشاله
Indo-European
Koksâ: a part of body like foot, hip, etc.
قسمتی از بدن مانند پا و باسن
POK:611
Avestan
kašâ: crotch
POK:611, ARN:405
Pahlavi
kaš: crotch
ARN:405
Persian
kašâleh: crotch, armpit
کشاله
ARN:405
NOTE- See "Karš: to pull" for an alternative root
کشاورز
رجوع شود به: کاشتن
کُشتن
Indo-European
Kâu 1: to strike, beat
زدن
POK:535, WLD:331
Avestan
kôš: strike
SYN:290, WLD:331, SNS:150
Persian
koštan: to kill
کُشتن
BQT
NOTE- ARN:405 suggests the root "Gwhen 2: to strike, hurt" for this word
کُشتی
کمربند
Indo-European
Kost: bone, rib, side of anything
استخوان، دنده، کنار هر چیزی
POK:616, AHD:1524
Pahlavi
kost: side
BQT:1643, AEF:261
Persian
košti: belt, wrestling (by grabbing the opponent's belt)
کُشتی
درخرابات نبینی که ز مستی همه سال
راهب دیر ترا کُشتی و زنّار دهد (سنائی)
BQT
NOTE- AHD claims that this may be related to the root "Ost: bone".

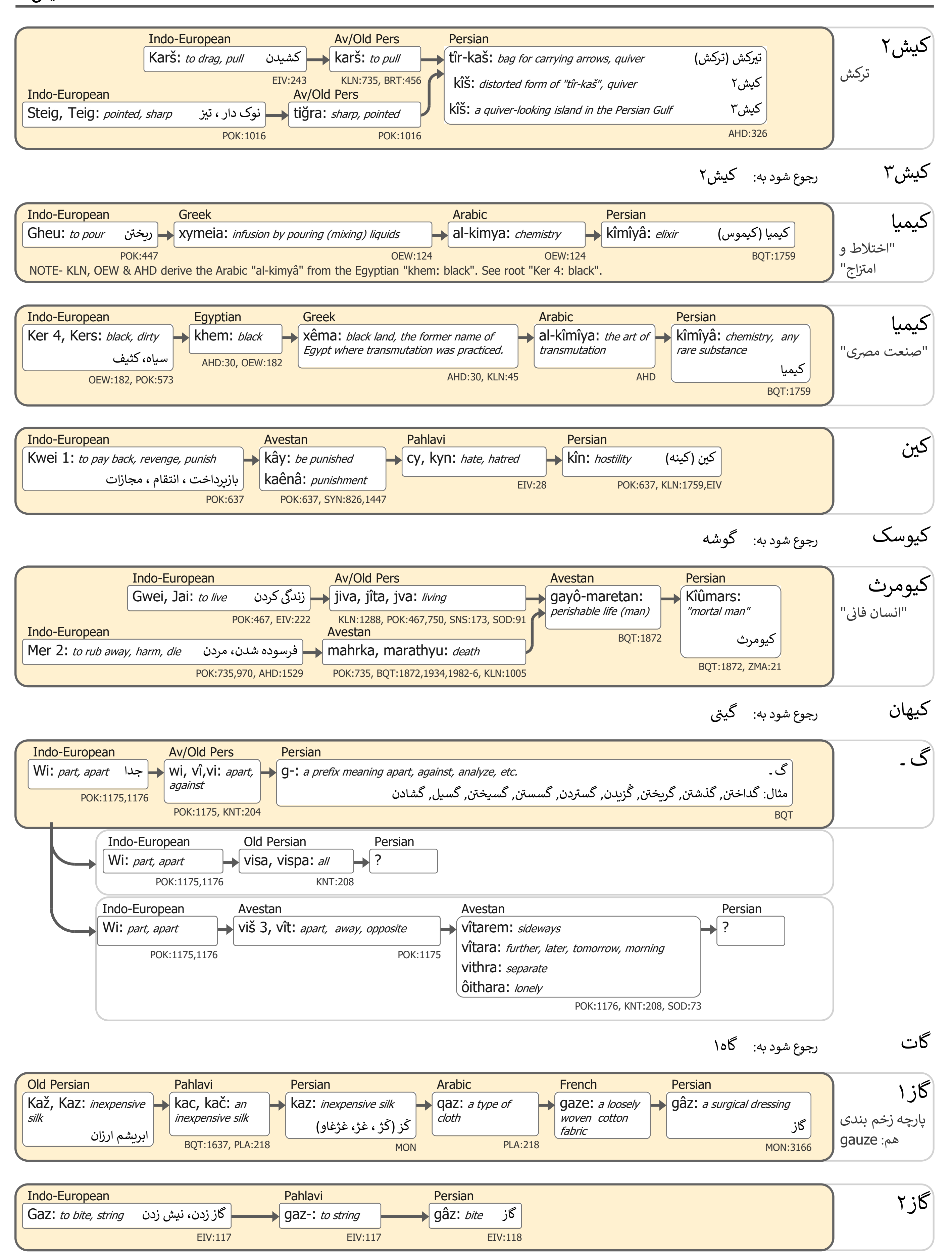

کَشَف
Avestan
Kasyapa: tortoise لاک پشت
NOTE- Cognate with Sanskrit "kačyâpa"
MON:2987, SOD:204, BQT:1651
Persian
kašaf: tortoise کَشَف
MON:2987, BQT:1651,
کَشُفتن
پریشان کردن
Indo-European
Kseubh: to shake, rock, disturb تکان دادن
POK:625
Avestan
xšaub: to shake
POK:625, FFD:26
Pahlavi
âšûptak
ISS:11
Persian
kašoftan: to disturb کَشُفتن
یکی را خانهٔ شادی کَشُفته
یکی را باغ پیروزی شکفته (ویس و رامین)
POK:625, BQT, MON, FFD:26
کَشَک
"پرنده سریع"
Indo-European
Pet 1: to fly, to fall پرواز کردن، افتادن
POK:825, EIV:299
Indo-European
Ôku: swift سریع
POK:775
Av/Old Pers
karši-ptan: swift flying (bird)
POK:825, BRT:458
Pahlavi
karšift: a fast bird
HRN:191
Persian
kašak: a bird, magpie
کَشَک (کَسَک، کَشکَرک)
BQT:1659, HRN:191
کَشَکرک
رجوع شود به: کَشَک
کشکول
"کشیده به کول"
Indo-European
Karš: to drag, pull کشیدن
EIV:243
Av/Old Pers
karš: to pull
KLN:735, BRT:456
Persian
kaškûl: Dervish's cup that is "carried by the shoulder" کشکول
HRN:191, BQT
کشور
Av/Old Pers
Karšvar: a "circle" of land, country حلقه ای (محدوده ای) از زمین، کشور
BRT:459, HRN:191
Pahlavi
kîšvar: country
BRT:459
Persian
kešvar: country کشور
BQT:1656, BRT:459
کشیدن
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Av/Old Pers
karš: to pull
KLN:735, BRT:456
Persian
kešîdan: to pull کشیدن
HRN:191, BQT
NOTE- EIV:243 suggests the root "Karš: to pull" for this word
کعک
رجوع شود به: کاک
کف
Avestan
Kafa: foam کف
NOTE- This is cognate with Sanskrit "kapha"
HRN:192
Pahlavi
kaf: froth, foam
MON:2997
Persian
kaf: foam, froth, lather کف (کفچ)
kafč-lîz: a ladle for removing scum or foam from liquids کفچلیز
تو در این جوشش چو معمار منی
کفچلیزم زن که بس خوش میزنی (مولوی)
BQT, MON
NOTE- IEC:481 derives Persian "kofč: ladle" from Indo-European root "Kauks: bowl"
کفتر
رجوع شود به: کبوتر
کَفتن
رجوع شود به: کاو یدن
کفچ
رجوع شود به: کف
کفچلیز
رجوع شود به: کف
کَکه
مدفوع
Indo-European
Kakka: to defecate ریدن
POK:521
Persian
kekeh, kaka: excrement کَکه
ARN:409, BQT
NOTE- Sanskrit cognates are "cack" and "kaknas"
کُل
خَم
Indo-European
Skel: bent, curved خمیده
POK:928
Greek
skhelos, kellos: crooked
WLD:597, OEW:363
Persian
kol: crooked کُل
بدانگه که گیرد جهان گرد و میغ
کُلِ پشت چوگانت گردد ستیغ (بوشکور)
WLD:597, HRN:192, MON:3012
کل
رجوع شود به: کچل


کلاغ
رجوع شود به: ورغنه
کلاه
هم: helmet
Indo-European
Kel 2: to cover پوشاندن
POK:553
Pahlavi
kulâf: cover, hat
HRN:192,193, HUB:88
Persian
kolâh: hat کلاه
BQT, PLA:233
کلبه
هم: hole
Indo-European
Kel 2: to cover پوشاندن
POK:553
Pahlavi
kurpak: shelter, hut
HRN:192,193, HUB:88
Persian
kolbeh: hut کلبه
BQT, PLA:233
کلنجار
هم: harsh
Indo-European
Koro: war, army, a large crowd جنگ، ارتش، سپاه
POK:615, IEC:536
Old Persian
kâr, kâra: war, army, people
POK:615, KNT:175
Persian
kalanjâr: fight, quarrel کلنجار (کالنجار)
BQT, HRN, MON
کلند
رجوع شود به: کلنگ
کلنگ
هم: calamity
Indo-European
Kel 3: to strike, cut, stab خنجر زدن، بریدن
POK:545
Persian
kaland, kolang: spade کلند، کلنگ
MON:3037, IEC:464
کلوخ
هم: crude
Indo-European
Kreu: icy or solid سرد، منجمد
POK:621, KLN:252
Persian
kolûx: clump کلوخ
IEC:562, MON:3040
Indo-European
Kreu: icy or solid
POK:621, KLN:252
Avestan
xrû, xrûm: bloody flesh
xrûra: bloody, cruel
xrûma, xrûta, xrus: dreadful
xrûždra: heart
POK:621, KLN:377
Persian
?
کلّه
Indo-European
Kaput, Kapolo: head, cup سر، کاسه
POK:529-530
Persian
kalleh: head کلّه
ARN:411
POK:529-530 suggests Phalavi "kapârak: cup" as a cognate
کلید
هم: close
Indo-European
Klêu: hook, peg used to lock doors قلاب، قفل
POK:604
Greek
kleidos: key
AHD
Persian
kelîd: key کلید
BQT:1687, FVQ:268, ARK:236
کم
Indo-European
Kamma: little, small ناچیز، کوچک
WLD:601, IEC:1044
Av/Old Pers
kamna, kamnô: little
WLD:601, KNT:179, IEC:1044
Persian
kam: little کم (کمین)
BQT:1689
کمر
هم: chamber
Indo-European
Kam 2, Kamp: to bend, also a cavity, vault
خم کردن، حفره
POK:524,525, EIV:229
Avestan
kamarâ: waist, belt, also a vault
POK:524
Persian
kamar: waist, belt کمر
kamrâ: a room with high ceiling, also a stable کمرا
BQT, MON
کمرا
رجوع شود به: کمر
کمند
Indo-European
Kam 1: to restrain محدود کردن
IEC:466
Persian
kamand: halter کمند
IEC:466, MON:3076
کمین
رجوع شود به: کم
کنار
رجوع شود به: کران
کُنج
Indo-European
Kung: corner گوشه
IEC:588,1635
Persian
konj: corner, hunchback کُنج
IEC:588,1635


کُند۱
Indo-European
Kund: blunt, stocky, rough رک ، تنومند ، خشن
IEC:588,589
Persian
kond 1: dull کُند۱
IEC:588
کُند۲
دلاور
Indo-European
Kund: blunt, stocky, rough
رک ، تنومند ، خشن
IEC:588,589
Sanskrit
kunthah: strong
IEC:588,589
Persian
kond 2: a strong fighter, hero کُند۲ (کُنداور)
kondî: courage کُندی
بزیر اندرش زنگهٔ شاوران
دلیران و گردان و کنداوران (فردوسی)
MON:3088
کُنداور رجوع شود به: کُند۲
کُندر
Indo-European
Kand: to shine, to be white
درخشیدن، سفید بودن
POK:526
Sanskrit
kandrak: shining
kundruka: sandalwood
POK:526
Pahlavi
kundurûk: sandalwood
SIN:585
Persian
kondor: incense کُندر (چُندل، چُندن)
SIN:552,585, BQT, MON
کَندَک رجوع شود به: کندن
کندن
هم: canal
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig
کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583,
Pahlavi
kantan, xandan: to dig
kandak: a dug-in house
HRN:194, BQT:1707, SNS:8,155
Persian
kandan: to dig کندن
kandak: places dug out in a house کَندَک
kandû: bee hive کندو
BQT, HRN:186, FVF:593
کندو رجوع شود به: کندن
کُندی رجوع شود به: کُند۲
کَنز
هم: گنج
Parthian
Gzn: treasure گنج
SOD:182
Pahlavi
ganj: treasure
NOTE- FVQ claims it is possibly borrowed from a Median root
BQT:1841, FVQ:122
Arabic
kanz: treasure
FVQ:251
Persian
kanz: treasure کَنز
MON:3096
کنگره۱
دندانه بالای دیوار
Indo-European
Kar 1: hard سخت
POK:531, IEC:1056,1632
Sanskrit
kankarta: fortified, armor
POK:531, IEC:1632
Persian
kongereh: battlement on a castle wall کنگره۱
IEC:1632, MON:3102
کنگره۲
همایش
Indo-European
Gredh: to walk, go قدم زدن، رفتن
POK:456
Latin
gradi: to walk
gradus: step
POK:456
French
grade, congres
AHD
Persian
kongereh 2: congress کنگره۲
MON:3102,3212
کَنَند
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig
کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
kan 1, xan, gan: to dig dirt out and mound it up, build
POK:491, HRN:194, BRT:583,
Pahlavi
kantan, xandan: to dig
HRN:194, BQT:1707, SNS:8,155
Persian
kandan: to dig
کندن
BQT, HRN:186, FVF:593
Persian
kanand: a tool for tilling earth کَنَند
برگیر کَنند و تبر و تیشه و ناوه
تا ناوه کشی، خار زنی گرد بیابان (خجسته)
MON:3102
کنون رجوع شود به: نو
کنیز
Indo-European
Ken 1: young, fresh
جوان، تازه
POK:563
Avestan
kan 2, kaine, kainîn, kaimyâ: young girl
kan-yâ, kain-ika: small woman
POK:563, SOD:190
Pahlavi
kanik, kaničak: young girl
FSF:275, HRN:194
Persian
kanîz: maid کنیز
BQT:1715, HRN:174


کو
Indo-European
Kwo: stem of interrogative and relative pronouns
ریشه ضمایر سئوالی و نسبی
POK:644,646, AHD
Avestan
kô, ka 1, kû, kû-thra, ka-hya: who, which, where?
kâ 3: how?
kam 1, kam-čit, katama: which?
kat: whether
ka-da, ka-tha: when?
katâra: which of the two? either
POK:644,648, BQT:1748, HRN:196
Persian
کو، کجا، کدام، کِی۱، کی۲
BQT:672
کوبیدن
هم: hew
Indo-European
Kâu 1: to strike, beat زدن
POK:535, WLD:331
Pahlavi
kôftan: to pound, crush
ARN:416
Persian
kûbidan: to crush, pound, smash کوبیدن (کوفتن)
ARN:416
کوپال
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Indo-European
Wropal: club, mace
IEC:1596
Persian
kûpâl: mace, club کوپال (گوپال)
IEC:1596, MON:3109
کوتاه
Indo-European
Kut: small, short کوچک، کوتاه
IEC:594
Avestan
ku, kva, kutaka: small
kvataka, kautaka: child
HUB:89, HRN:194, IEC:594
Persian
kûtâh: short کوتاه
kûdak: child کودک
kûčak: small کوچک
BQT, IEC:594
کوچ
قبیله، خانواده
هم: hut
Indo-European
Sku: to cover پوشاندن
POK:952,953, IEC:1193, AHD:1540
Indo-European
Kut-no: cover, shell
POK:952,953, IEC:1193, AHD:1540
Persian
kûč: household, family, tribe کوچ
IEC:594,1193, MON
کوچک رجوع شود به: کوتاه
کود
Indo-European
Gwou: cow, ox, bull گاو
KLN:364, POK:483
Indo-European
Gwôu: dung
AHD:1520, POK:483
Avestan
gutha: dung
POK:484, HRN:211
Persian
goh: dung گوه
cûd: fertilizer کود
BQT, HRN:211
کودک رجوع شود به: کوتاه
کور
Indo-European
Kûr: dark, blind تاریک، سیاه
IEC:591,1046
Avestan
kaurvô: black
IEC:1046
Pahlavi
kôr: blind
MON:3118
Persian
kûr: blind کور
MON:3118, IEC:1046
NOTE- see "Kai-Ko: one-eyed" for another possible root
کور
Indo-European
Kai: alone تنها
POK:519
Indo-European
Kai-Ko: one-eyed, dark, blind یک چشم، نابینا، تاریک
POK:519-520
Pahlavi
kôr: blind
ARN:415
Persian
kûr: blind کور
ARN:415
NOTE- see "kûr: blind, dark" for another possible root
کوره
هم: carbon
Indo-European
Ker 5, Kur: heat, fire حرارت، آتش
POK:571, IEC:590
Persian
kûreh: fireplace, oven, kiln کوره
IEC:590, MON:3121
کوزه رجوع شود به: کاسه
کوژ رجوع شود به: غوز
کوس
Indo-European
Kaus: to pound, beat کوبیدن، کوفتن
EIV:228, POK:535
Pahlavi
kôs- to beat, pound
EIV:228
Persian
kôs: drum کوس (کوسیدن)
EIV:228
کوشش رجوع شود به: کوشیدن
کوشک رجوع شود به: گوشه


کوشیدن
Indo-European
Kâu 1: to strike, beat زدن
POK:535, WLD:331
Avestan
kau-kušati: tries, fights
SYN:290, WLD:331, SNS:150
Persian
kûšîdan: to try, to fight کوشیدن (کوشش)
BQT
کوفتن
رجوع شود به: کوبیدن
کوفیّه
"سر پوش"
Indo-European
Ghebh-el: head, top سر، بالا
POK:423
Greek
kephalê: head
POK:423, KLN:259
Italian
cuffia: headband, scarf
TAD:65
Arabic
kûfiyyah: scarf
TAD:65
Persian
kûfîyyeh: scarf کوفیّه
MON:3127
کوکو
فاخته
Indo-European
Kau 2: to howl, a raucous bird زوزه کشیدن، نوعی پرنده با صدای خشن
IEC:483, POK:434, 535
Persian
kûkû: cuckoo, owl کوکو
ARN:417
کوه
هم: hump
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
kaofa: mountain
POK:591,592, KLN:391
Pahlavi
kôf: mountain
HRN:195
Persian
kûh: mountain کوه
kohân: camel's hump کوهان (کوه)
BQT, WLD1
NOTE- Compare with root "Kam 2: to bend"
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
kava: humped
POK:395,588
Persian
?
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend
POK:394-398, POK:588-592
Old Persian
kaufa: mountain
KNT:178
Persian
?
کوهان
رجوع شود به: کوه
کوهسار
رجوع شود به: کوه + سرای
کویز
هم: قفس
Indo-European
Kap, Ĉap 2: grasp چنگ زدن
POK:527,EIV
Old Persian
kapithe: a box for measuring grain
POK:527, HUB:89
Pahlavi
kapîč
MON:3010
Persian
kavîz: a measure of capacity for grain کویز (قفیز)
MON:3010
که
هم: that
Indo-European
So: this, that این، آن
POK:979
Av/Old Pers
hâ 2, hô, hâu 2, hauv, hya: it, that, the
POK:979
Pahlavi
kê: that
BQT:197
Persian
keh: that که
BQT, HRN
کهربا
Indo-European
Leup, Raup 2: to break, peel off شکستن، پوست کندن
POK:690. EIV:195
Av/Old Pers
rup,rupâ: to rob
FFD:55
Pahlavi
kah-rupâti: attracting straw, amber
HRN:135
Persian
kahrobâ: amber
کهرُبا
BQT:938, EIV:195
Indo-European
Kuâtos: straw کاه
IEC:1021
Sanskrit
Kâĉa: straw
HRN:186
Pahlavi
kah: straw
HRN:186
کهرمان
رجوع شود به: قهرمان
کِی۱، کی۲
رجوع شود به: کو
کِی۳
شاه
Indo-European
Keu 3, Skeu: to watch, see, hear دیدن، شنیدن
POK:587
Avestan
kavi: sovereign
kâvâ-usân: rich king
HRN:196, FAF:504
Pahlavi
kay: king
kayos: rich king
HRN:196
Persian
kay 1: king کِی۳ (کیا، کیان)
Kâvûs: "rich king" کاووس (قابوس)
BQT, MON, FAF:491,504
کیا
رجوع شود به: کِی۳
کیان
رجوع شود به: کِی۳
کیخسرو
رجوع شود به: کِی۳ + خسرو
کیش۱
آیین
Indo-European
Kweis, Kaiš: to assign, teach درس دادن، مکلف کردن
EIV:30
Avestan
tkaeša: agreement, teaching
BQT:1755, HRN:196
Pahlavi
kêš: religious belief, religion
MON:3153
Persian
kîš 3: religion کیش
HRN:196, BQT:1755,



کیش۲
ترکش
Indo-European
Karš: to drag, pull کشیدن
EIV:243
Av/Old Pers
karš: to pull
KLN:735, BRT:456
Indo-European
Steig, Teig: pointed, sharp نوک دار ، تیز
POK:1016
Av/Old Pers
tiğra: sharp, pointed
POK:1016
Persian
tîr-kaš: bag for carrying arrows, quiver تیرکش (ترکش)
kîš: distorted form of "tîr-kaš", quiver کیش۲
kîš: a quiver-looking island in the Persian Gulf کیش۳
AHD:326
کیش۳
رجوع شود به: کیش۲
کیمیا
"اختلاط و امتزاج"
Indo-European
Gheu: to pour ریختن
POK:447
Greek
xymeia: infusion by pouring (mixing) liquids
OEW:124
Arabic
al-kimya: chemistry
OEW:124
Persian
kîmîyâ: elixir کیمیا (کیموس)
BQT:1759
NOTE- KLN, OEW & AHD derive the Arabic "al-kimyâ" from the Egyptian "khem: black". See root "Ker 4: black".
کیمیا
"صنعت مصری"
Indo-European
Ker 4, Kers: black, dirty سیاه، کثیف
OEW:182, POK:573
Egyptian
khem: black
AHD:30, OEW:182
Greek
xêma: black land, the former name of Egypt where transmutation was practiced.
AHD:30, KLN:45
Arabic
al-kîmîyâ: the art of transmutation
AHD
Persian
kîmîyâ: chemistry, any rare substance کیمیا
BQT:1759
کین
Indo-European
Kwei 1: to pay back, revenge, punish بازپرداخت ، انتقام ، مجازات
POK:637
Avestan
kây: be punished
kaênâ: punishment
POK:637, SYN:826,1447
Pahlavi
cy, kyn: hate, hatred
EIV:28
Persian
kîn: hostility کین (کینه)
POK:637, KLN:1759,EIV
کیوسک
رجوع شود به: گوشه
کیومرث
"انسان فانی"
Indo-European
Gwei, Jai: to live زندگی کردن
POK:467, EIV:222
Av/Old Pers
jiva, jîta, jva: living
KLN:1288, POK:467,750, SNS:173, SOD:91
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Avestan
mahrka, marathyu: death
POK:735, BQT:1872,1934,1982-6, KLN:1005
Avestan
gayô-maretan: perishable life (man)
BQT:1872
Persian
Kîûmars: "mortal man" کیومرث
BQT:1872, ZMA:21
کیهان
رجوع شود به: گیتی
گ -
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî,vi: apart, against
POK:1175, KNT:204
Persian
g-: a prefix meaning apart, against, analyze, etc. گ -
مثال: گداختن, گذشتن, گریختن, گزیدن, گستردن, گسستن, گسیختن, گسیل, گشادن
BQT
Indo-European
Wi: part, apart
POK:1175,1176
Old Persian
visa, vispa: all
KNT:208
Persian
?
Indo-European
Wi: part, apart
POK:1175,1176
Avestan
viš 3, vît: apart, away, opposite
POK:1175
Avestan
vîtarem: sideways
vîtara: further, later, tomorrow, morning
vithra: separate
ôithara: lonely
POK:1176, KNT:208, SOD:73
Persian
?
گات
رجوع شود به: گاه۱
گاز۱
پارچه زخم بندی
هم: gauze
Old Persian
Kaž, Kaz: inexpensive silk ابریشم ارزان
Pahlavi
kac, kač: an inexpensive silk
BQT:1637, PLA:218
Persian
kaz: inexpensive silk گز (کژ ، غژ، غژغاو)
MON
Arabic
qaz: a type of cloth
PLA:218
French
gaze: a loosely woven cotton fabric
Persian
gâz: a surgical dressing گاز
MON:3166
گاز۲
Indo-European
Gaz: to bite, string گاز زدن، نیش زدن
EIV:117
Pahlavi
gaz-: to string
EIV:117
Persian
gâz: bite گاز
EIV:118

گام
هم: come

- Indo-European — Gwa: *to walk, step* قدم زدن (POK:463,EIV:98)
- → Av/Old Pers — gam: *to come, step* (POK:463, KLN:318)
- → Avestan — gâman: *step* (POK:463)
- → Persian — gâm: *step* گام (HRN:11, BQT)

گاو
هم: cow

- Indo-European — Gwou: *cow, ox, bull* گاو (KLN:364, POK:483)
- → Avestan — gâuš, gave, gâvô, gao: *cow, domestic animal* (KLN:364)
- → Persian — gâv: *cow* گاو (گوپان، گوساله، گوشت) (SYN:202, BQT:1856, HRN:210, MON)

گاه۱
"آواز"

- Indo-European — Gêi: *to sing, song* آواز خواندن، آواز (POK:355)
- → Avestan — gâ 1: *to sing*; gâtâ: *song, religious hymn* (POK:355, KLN:169)
- → Persian — gât: *Zoroastrian religious songs* گات; gâh: *music, tune* گاه۱ (سه گاه) (MON6: 1648, MON:3190, KLN:169)

گاه۲
مکان

- Indo-European — Gwa: *to walk, step* قدم زدن (POK:463,EIV:98)
- → Av/Old Pers — gam: *to come, step*; jam, jantu: *to go* (POK:463, KLN:318)
- Indo-European — Bher 1: *to carry* حمل کردن (POK:128,163, PRT:234, SYN:107)
- → Av/Old Pers — bar: *to carry* (POK:128)
- → Av/Old Pers — gât, gâthu, gâv, gâtuš: *place, seat, throne*; gâtu-bar: *(baby) carriage* (POK:463, KNT:183)
- → Persian — gâh 2: *place, position, rank* گاه۲; gahvâreh: *carriage* گهواره (BQT:1771,1773)

گاییدن

- Indo-European — Gweie: *to over power, defeat* چیره شدن، شکست دادن (POK:469)
- → Avestan — gâ 2: *to rape* (POK:470, HRN:197, FFD:70)
- → Pahlavi — gâtan: *to rape* (HRN:197)
- → Persian — gâdan: *to rape* گادن (گاییدن) (HRN:197, FFD:70)

گبر

- Aramaic — J.b.r: *to reunite, join together, force* بهم آوردن، وصل کردن، نیرو; Jabra: *powerful, man* نیرومند، مرد (KLN:633)
- → Persian — gabr: *man, referred to Zoroastrians* گبر (MON:3193)

NOTE- BQT: 1774 does not agree with this derivation.

گپ
رجوع شود به: گفتن

گچ
هم: gypsum

- Akkadian — Gassu: *mortar* گِل بنایی، ملات (HRN:199)
- → Avestan — vîčiča: *mortar, gypsum* (HRN:199)
- → Old Persian — gač: *chalk* (HRN:199)
- → Persian — gač: *chalk* گچ (SNS:310)

NOTE- MON and HUB:90 derive the Old Persian "gač" from Arabic "jass" which is, itself, derived from the same Akkadian root.

گدا

- Indo-European — Gwhedh: *to ask, wish, want* پرسیدن، خواستن (POK:488)
- → Av/Old Pers — ža 3, gad: *to wish, beg* (POK:488, WLD:673, SYN:1471,)
- → Persian — gedâ: *beggar* گدا (BQT, HRN:470)
- → Arabic — kada (FVF:565)
- → Persian — takaddî: *begging* تَکَدّی (FVF:565, FVA:349)

گداختن
هم: تاختن

- Indo-European — Teku: *to run, flow* دویدن، جریان یافتن (POK:1059, EIV:374)
- → Avestan — tak, taka, tač: *to run* (POK:1059, BQT:503)
- Indo-European — Wi: *part, apart* جدا (POK:1175,1176)
- → Av/Old Pers — wi, vî,vi: *apart, against* (POK:1175, KNT:204)
- → Avestan — vi-taxti: *to melt (run apart)* (POK:1059)
- → Persian — godâxtan: *to smelt* گداختن (NYB:217, BQT:1777)

NOTE- Compare with derivations from root "Dhogh: to heat"

NOTE- Teku may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"

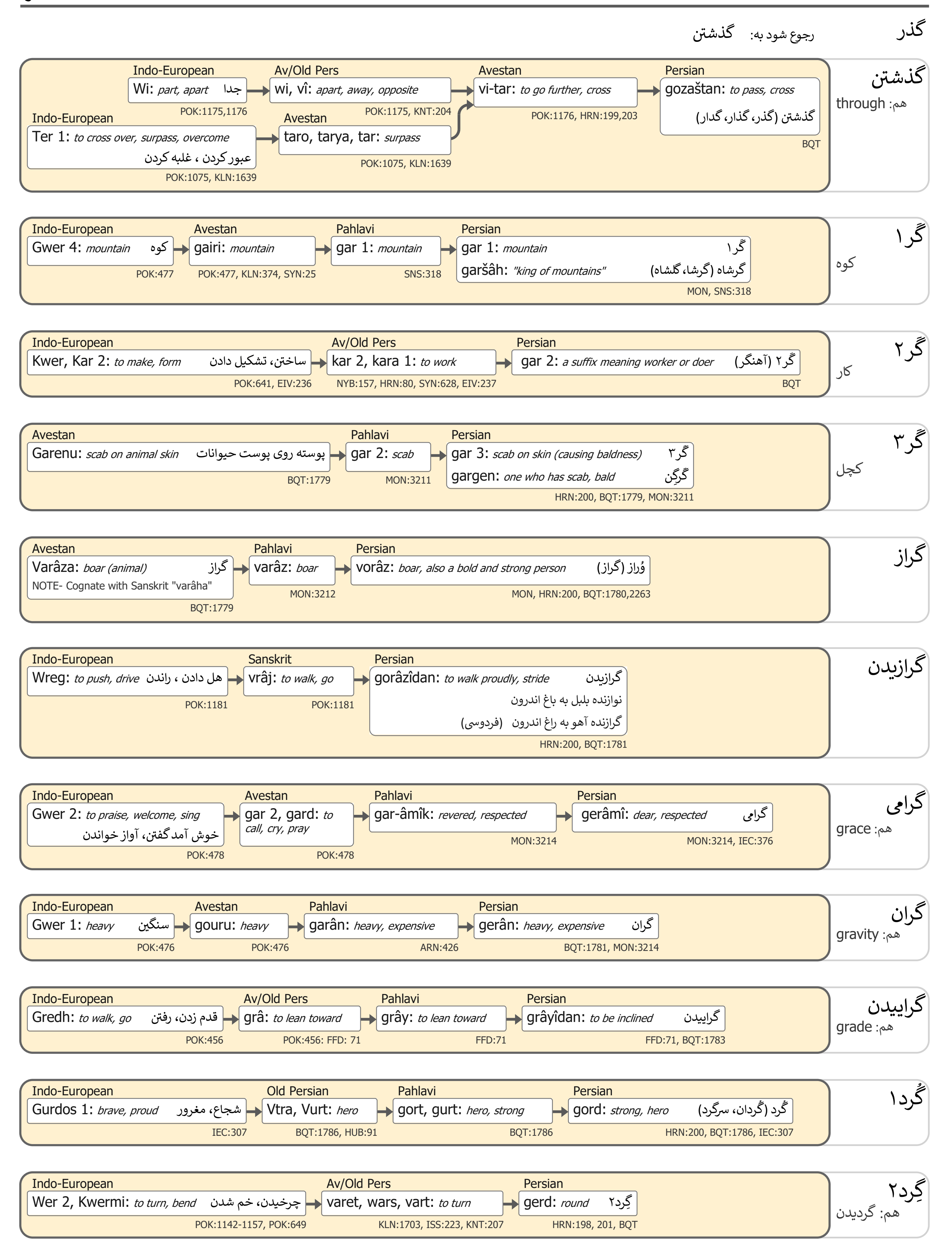
گدار
رجوع شود به: گذشتن

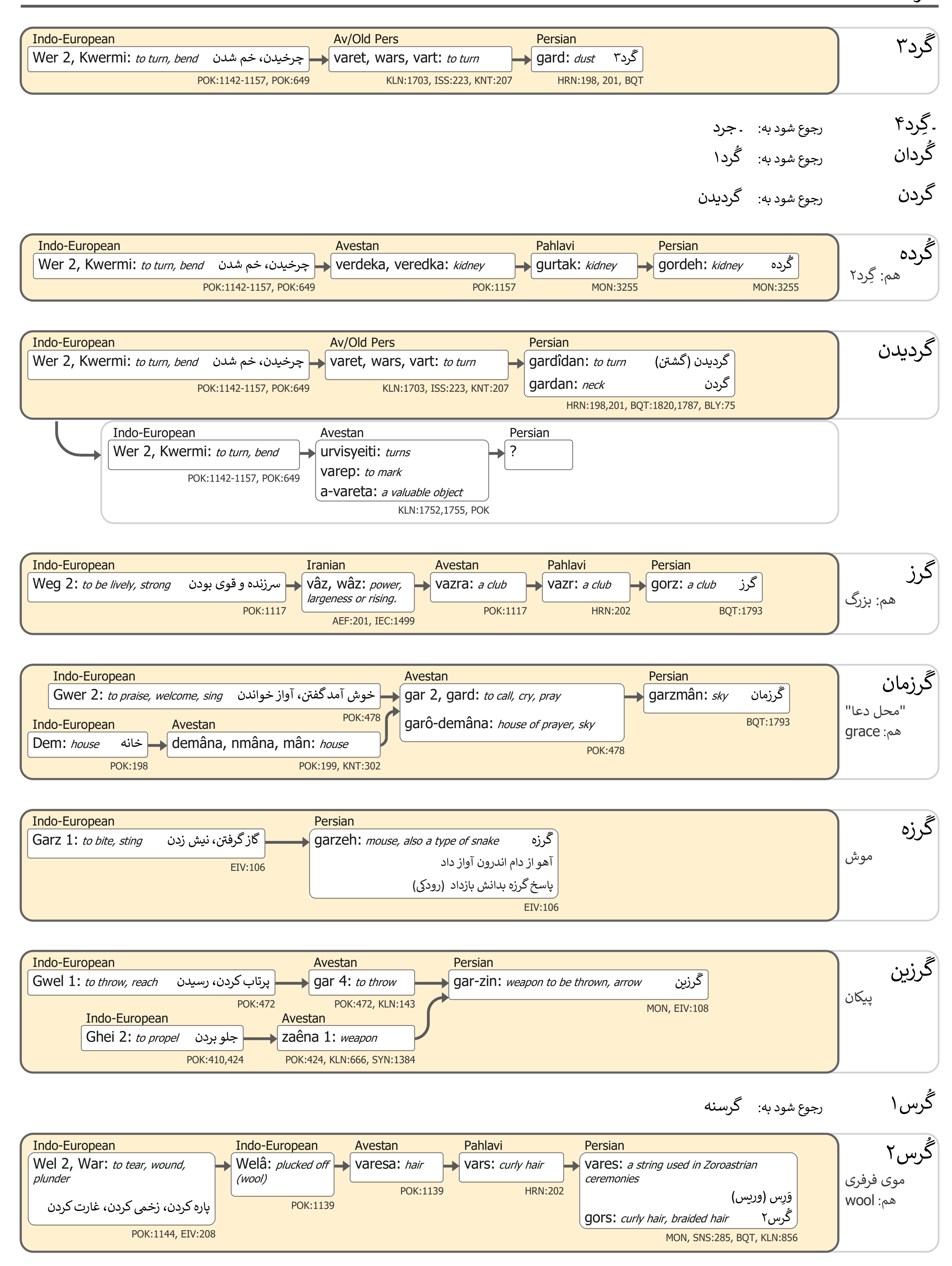
گدازیدن
هم: داغ

- Indo-European — Dhegh: *to heat, burn* گرم کردن، سوزاندن (POK:240)
- Indo-European — Wi: *part, apart* جدا (POK:1175,1176)
- → Av/Old Pers — wi, vî,vi: *apart, against* (POK:1175, KNT:204)
- → Avestan — dažaiti: *to burn*; vi-dâz: *to melt* (NYB:217, KLN:404)
- → Persian — godâzîdan: *to melt* گدازیدن (MON:3199, BQT:1777)

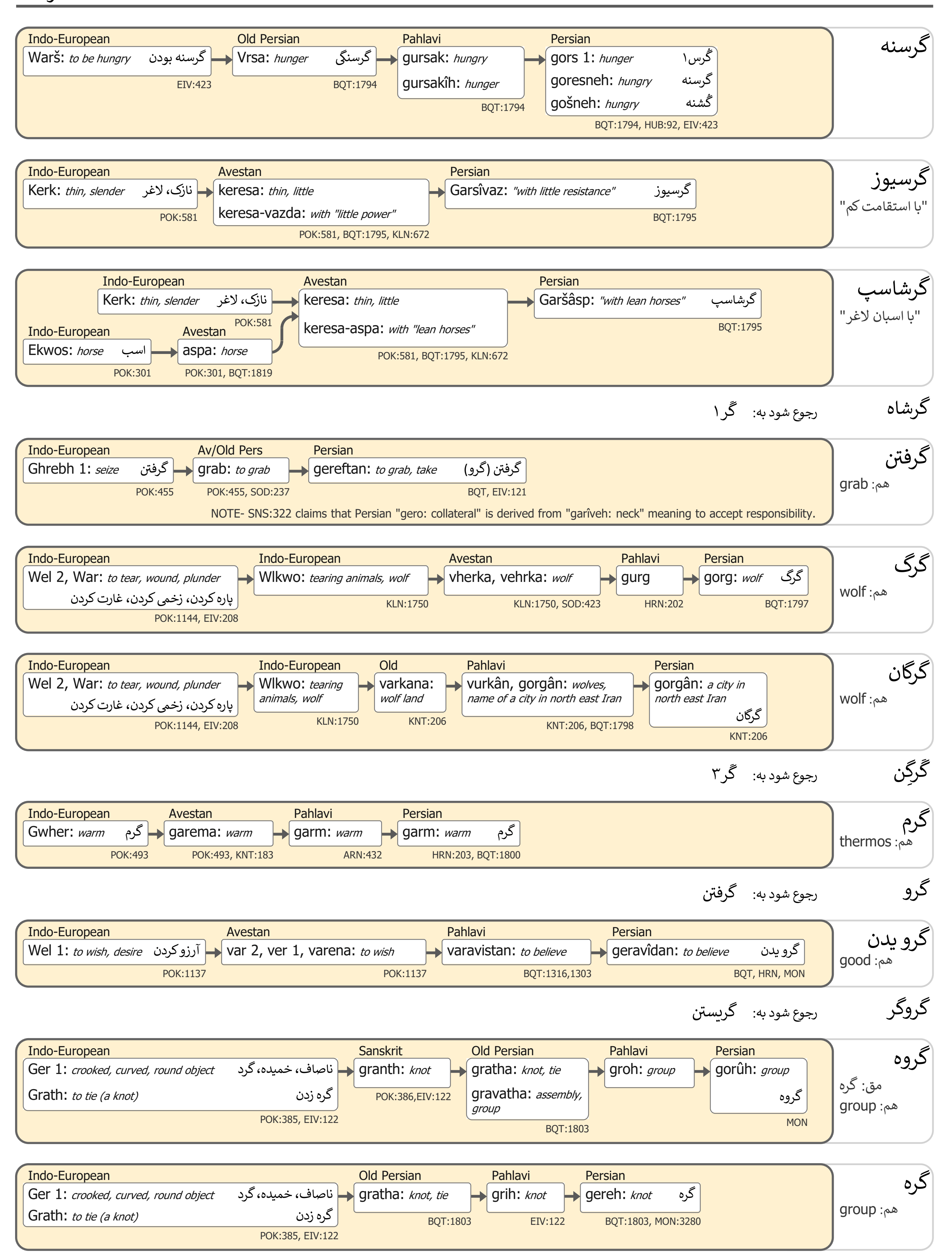
NOTE- Compare with derivations from root "Teku 1: to flow, run"

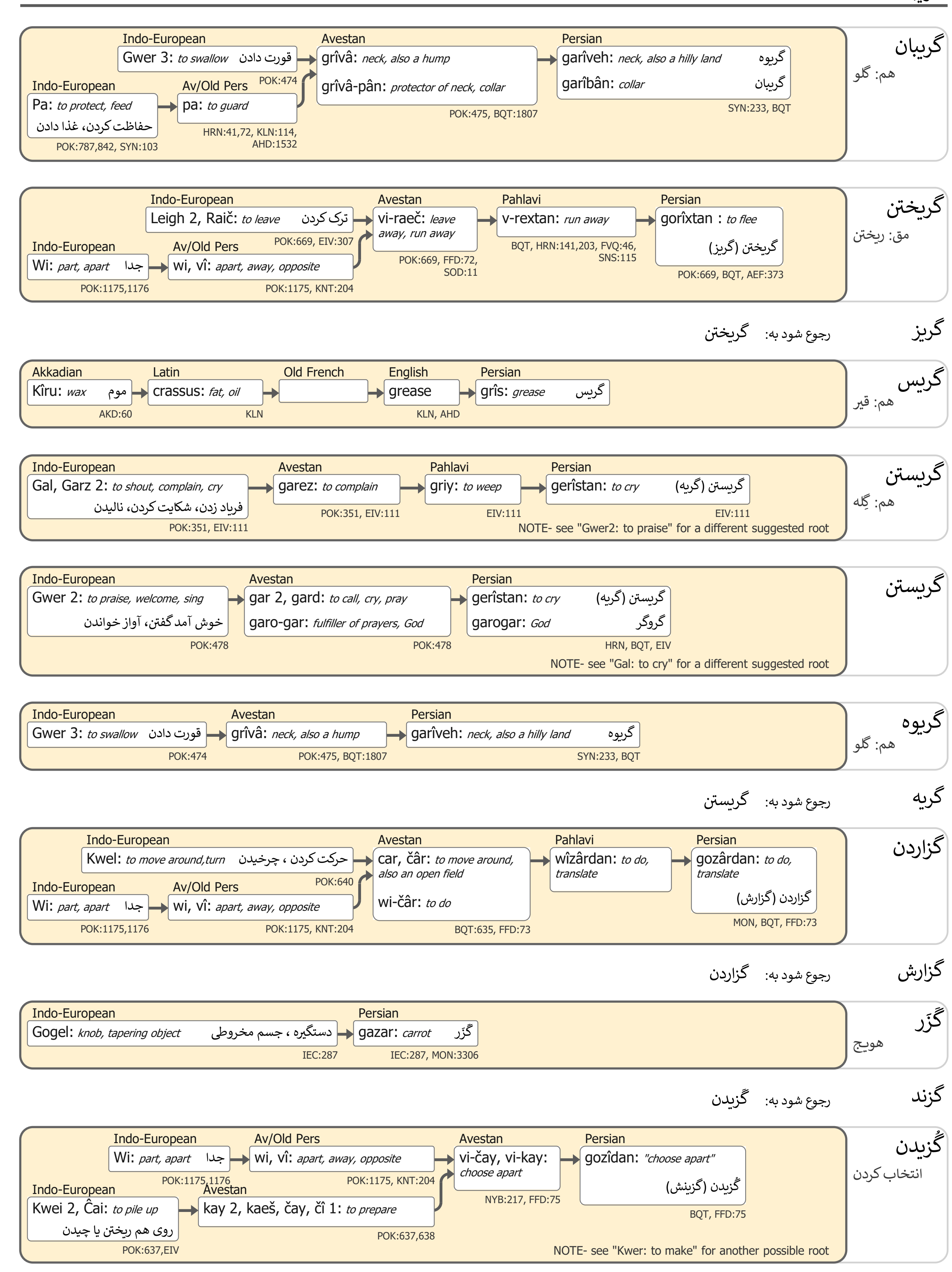
گذار
رجوع شود به: گذشتن


گذر
رجوع شود به: گذشتن
گذشتن
هم: through
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
vi-tar: to go further, cross
POK:1176, HRN:199,203
Persian
gozaštan: to pass, cross
گذشتن (گذر، گذار، گدار)
BQT
Indo-European
Ter 1: to cross over, surpass, overcome
عبور کردن ، غلبه کردن
POK:1075, KLN:1639
Avestan
taro, tarya, tar: surpass
POK:1075, KLN:1639
گر۱
کوه
Indo-European
Gwer 4: mountain کوه
POK:477
Avestan
gairi: mountain
POK:477, KLN:374, SYN:25
Pahlavi
gar 1: mountain
SNS:318
Persian
gar 1: mountain گر۱
garšâh: "king of mountains" گرشاه (گرشا، گلشاه)
MON, SNS:318
گر۲
کار
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Av/Old Pers
kar 2, kara 1: to work
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Persian
gar 2: a suffix meaning worker or doer گر۲ (آهنگر)
BQT
گر۳
کچل
Avestan
Garenu: scab on animal skin پوسته روی پوست حیوانات
BQT:1779
Pahlavi
gar 2: scab
MON:3211
Persian
gar 3: scab on skin (causing baldness) گر۳
gargen: one who has scab, bald گرگِن
HRN:200, BQT:1779, MON:3211
گراز
Avestan
Varâza: boar (animal) گراز
NOTE- Cognate with Sanskrit "varâha"
BQT:1779
Pahlavi
varâz: boar
MON:3212
Persian
vorâz: boar, also a bold and strong person وُراز (گراز)
MON, HRN:200, BQT:1780,2263
گرازیدن
Indo-European
Wreg: to push, drive هل دادن ، راندن
POK:1181
Sanskrit
vrâj: to walk, go
POK:1181
Persian
gorâzîdan: to walk proudly, stride گرازیدن
نوازنده بلبل به باغ اندرون
گرازنده آهو به راغ اندرون (فردوسی)
HRN:200, BQT:1781
گرامی
هم: grace
Indo-European
Gwer 2: to praise, welcome, sing
خوش آمد گفتن، آواز خواندن
POK:478
Avestan
gar 2, gard: to call, cry, pray
POK:478
Pahlavi
gar-âmîk: revered, respected
MON:3214
Persian
gerâmî: dear, respected گرامی
MON:3214, IEC:376
گران
هم: gravity
Indo-European
Gwer 1: heavy سنگین
POK:476
Avestan
gouru: heavy
POK:476
Pahlavi
garân: heavy, expensive
ARN:426
Persian
gerân: heavy, expensive گران
BQT:1781, MON:3214
گراییدن
هم: grade
Indo-European
Gredh: to walk, go قدم زدن، رفتن
POK:456
Av/Old Pers
grâ: to lean toward
POK:456: FFD: 71
Pahlavi
grây: to lean toward
FFD:71
Persian
grâyîdan: to be inclined گراییدن
FFD:71, BQT:1783
گُرد۱
Indo-European
Gurdos 1: brave, proud شجاع، مغرور
IEC:307
Old Persian
Vtra, Vurt: hero
BQT:1786, HUB:91
Pahlavi
gort, gurt: hero, strong
BQT:1786
Persian
gord: strong, hero گرد (گُردان، سرگرد)
HRN:200, BQT:1786, IEC:307
گِرد۲
هم: گردیدن
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Av/Old Pers
varet, wars, vart: to turn
KLN:1703, ISS:223, KNT:207
Persian
gerd: round گِرد۲
HRN:198, 201, BQT

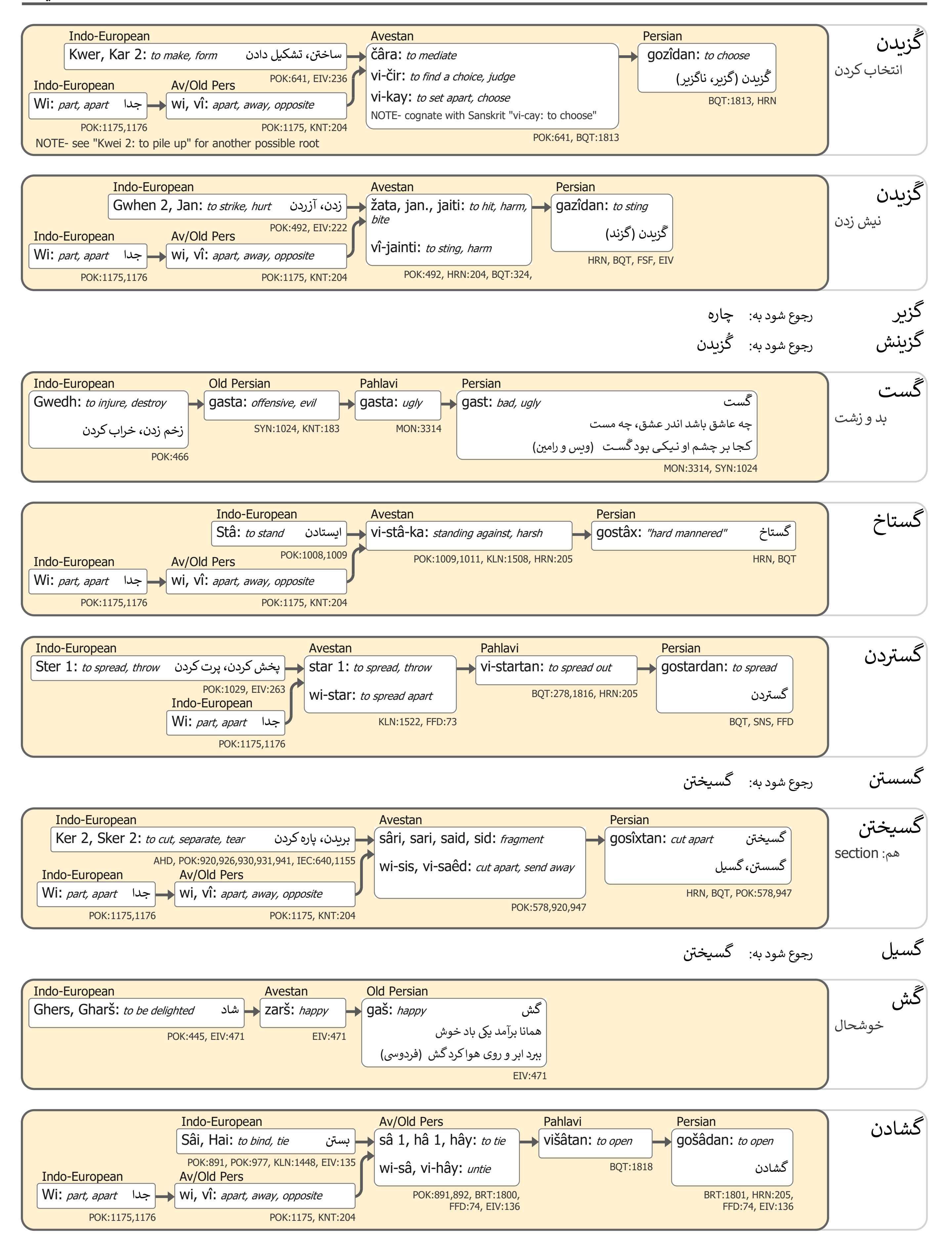


گرد۳
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Av/Old Pers
varet, wars, vart: to turn
KLN:1703, ISS:223, KNT:207
Persian
gard: dust گرد۳
HRN:198, 201, BQT
گِرد۴. رجوع شود به: جرد.
گُردان رجوع شود به: گُرد۱
گردن رجوع شود به: گردیدن
گُرده
هم: گِرد۲
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Avestan
verdeka, veredka: kidney
POK:1157
Pahlavi
gurtak: kidney
MON:3255
Persian
gordeh: kidney گرده
MON:3255
گردیدن
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Av/Old Pers
varet, wars, vart: to turn
KLN:1703, ISS:223, KNT:207
Persian
gardîdan: to turn گردیدن (گشتن)
gardan: neck گردن
HRN:198,201, BQT:1820,1787, BLY:75
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend
POK:1142-1157, POK:649
Avestan
urvisyeiti: turns
varep: to mark
a-vareta: a valuable object
KLN:1752,1755, POK
Persian
?
گرز
هم: بزرگ
Indo-European
Weg 2: to be lively, strong سرزنده و قوی بودن
POK:1117
Iranian
vâz, wâz: power, largeness or rising.
AEF:201, IEC:1499
Avestan
vazra: a club
POK:1117
Pahlavi
vazr: a club
HRN:202
Persian
gorz: a club گرز
BQT:1793
گرزمان
"محل دعا"
هم: grace
Indo-European
Gwer 2: to praise, welcome, sing خوش آمد گفتن، آواز خواندن
POK:478
Avestan
gar 2, gard: to call, cry, pray
garô-demâna: house of prayer, sky
POK:478
Persian
garzmân: sky گرزمان
BQT:1793
Indo-European
Dem: house خانه
POK:198
Avestan
demâna, nmâna, mân: house
POK:199, KNT:302
گرزه
موش
Indo-European
Garz 1: to bite, sting گاز گرفتن، نیش زدن
EIV:106
Persian
garzeh: mouse, also a type of snake گرزه
آهو از دام اندرون آواز داد
پاسخ گرزه بدانش بازداد (رودکی)
EIV:106
گرزین
پیکان
Indo-European
Gwel 1: to throw, reach پرتاب کردن، رسیدن
POK:472
Avestan
gar 4: to throw
POK:472, KLN:143
Persian
gar-zin: weapon to be thrown, arrow گرزین
MON, EIV:108
Indo-European
Ghei 2: to propel جلو بردن
POK:410,424
Avestan
zaêna 1: weapon
POK:424, KLN:666, SYN:1384
گُرس۱ رجوع شود به: گرسنه
گُرس۲
موی فرفری
هم: wool
Indo-European
Wel 2, War: to tear, wound, plunder
پاره کردن، زخمی کردن، غارت کردن
POK:1144, EIV:208
Indo-European
Welâ: plucked off (wool)
POK:1139
Avestan
varesa: hair
POK:1139
Pahlavi
vars: curly hair
HRN:202
Persian
vares: a string used in Zoroastrian ceremonies
وَرس (وریس)
gors: curly hair, braided hair گُرس۲
MON, SNS:285, BQT, KLN:856

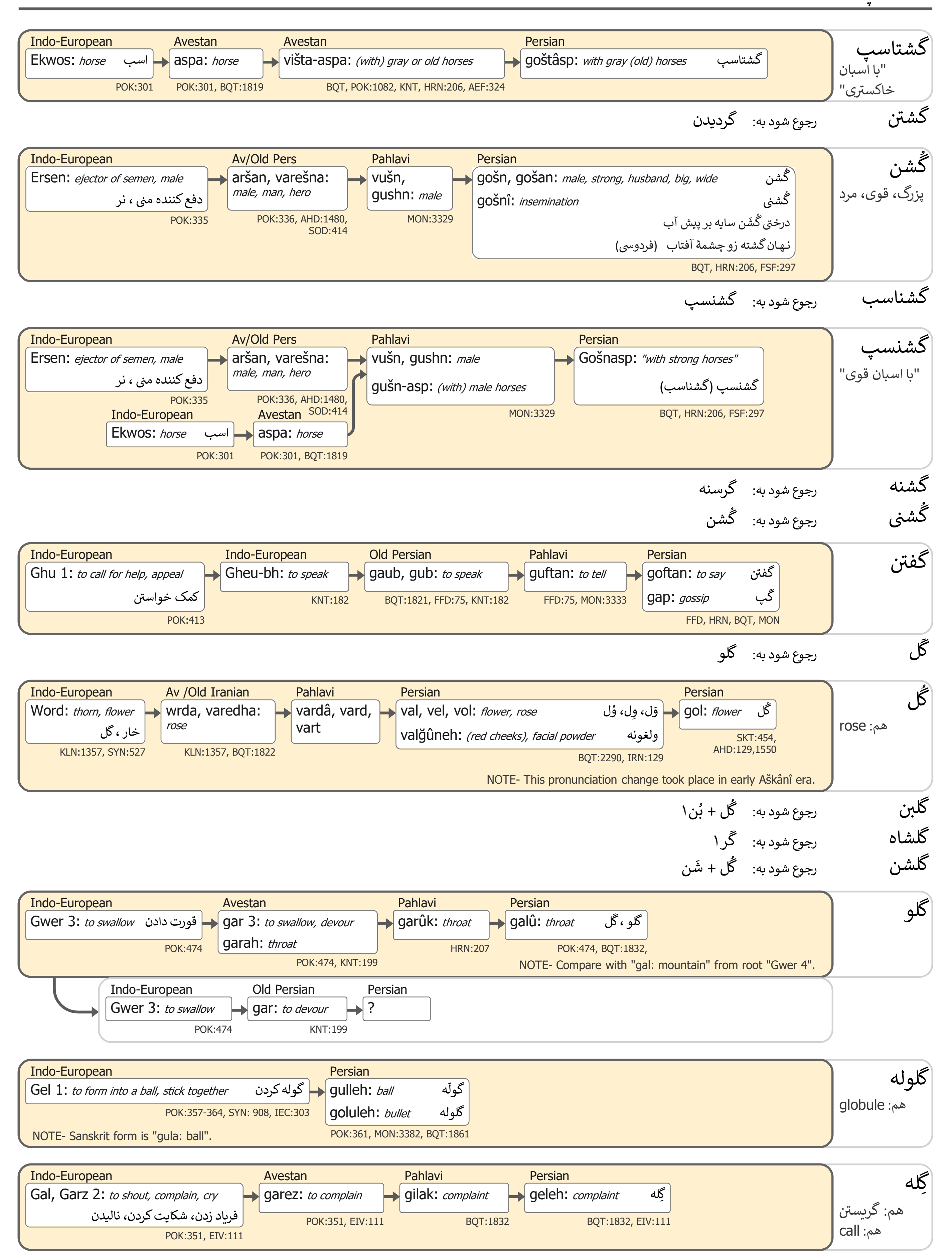

گرسنه
Indo-European
Warš: to be hungry گرسنه بودن
EIV:423
Old Persian
Vrsa: hunger گرسنگی
BQT:1794
Pahlavi
gursak: hungry
gursakîh: hunger
BQT:1794
Persian
gors 1: hunger گرس۱
goresneh: hungry گرسنه
gošneh: hungry گشنه
BQT:1794, HUB:92, EIV:423
گرسیوز
"با استقامت کم"
Indo-European
Kerk: thin, slender نازک، لاغر
POK:581
Avestan
keresa: thin, little
keresa-vazda: with "little power"
POK:581, BQT:1795, KLN:672
Persian
Garsîvaz: "with little resistance" گرسیوز
BQT:1795
گرشاسپ
"با اسبان لاغر"
Indo-European
Kerk: thin, slender نازک، لاغر
POK:581
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
Avestan
keresa: thin, little
keresa-aspa: with "lean horses"
POK:581, BQT:1795, KLN:672
Persian
Garšâsp: "with lean horses" گرشاسپ
BQT:1795
گرشاه
رجوع شود به: گر۱
گرفتن
هم: grab
Indo-European
Ghrebh 1: seize گرفتن
POK:455
Av/Old Pers
grab: to grab
POK:455, SOD:237
Persian
gereftan: to grab, take گرفتن (گرو)
BQT, EIV:121
NOTE- SNS:322 claims that Persian "gero: collateral" is derived from "garîveh: neck" meaning to accept responsibility.
گرگ
هم: wolf
Indo-European
Wel 2, War: to tear, wound, plunder
پاره کردن، زخمی کردن، غارت کردن
POK:1144, EIV:208
Indo-European
Wlkwo: tearing animals, wolf
KLN:1750
Avestan
vherka, vehrka: wolf
KLN:1750, SOD:423
Pahlavi
gurg
HRN:202
Persian
gorg: wolf گرگ
BQT:1797
گرگان
هم: wolf
Indo-European
Wel 2, War: to tear, wound, plunder
پاره کردن، زخمی کردن، غارت کردن
POK:1144, EIV:208
Indo-European
Wlkwo: tearing animals, wolf
KLN:1750
Old
varkana: wolf land
KNT:206
Pahlavi
vurkân, gorgân: wolves, name of a city in north east Iran
KNT:206, BQT:1798
Persian
gorgân: a city in north east Iran
گرگان
KNT:206
گرگِن
رجوع شود به: گر۳
گرم
هم: thermos
Indo-European
Gwher: warm گرم
POK:493
Avestan
garema: warm
POK:493, KNT:183
Pahlavi
garm: warm
ARN:432
Persian
garm: warm گرم
HRN:203, BQT:1800
گرو
رجوع شود به: گرفتن
گرو یدن
هم: good
Indo-European
Wel 1: to wish, desire آرزو کردن
POK:1137
Avestan
var 2, ver 1, varena: to wish
POK:1137
Pahlavi
varavistan: to believe
BQT:1316,1303
Persian
geravîdan: to believe گرو یدن
BQT, HRN, MON
گروگر
رجوع شود به: گریستن
گروه
مق: گره
هم: group
Indo-European
Ger 1: crooked, curved, round object ناصاف، خمیده، گرد
Grath: to tie (a knot) گره زدن
POK:385, EIV:122
Sanskrit
granth: knot
POK:386,EIV:122
Old Persian
gratha: knot, tie
gravatha: assembly, group
BQT:1803
Pahlavi
groh: group
Persian
gorûh: group
گروه
MON
گره
هم: group
Indo-European
Ger 1: crooked, curved, round object ناصاف، خمیده، گرد
Grath: to tie (a knot) گره زدن
POK:385, EIV:122
Old Persian
gratha: knot, tie
BQT:1803
Pahlavi
grih: knot
EIV:122
Persian
gereh: knot گره
BQT:1803, MON:3280



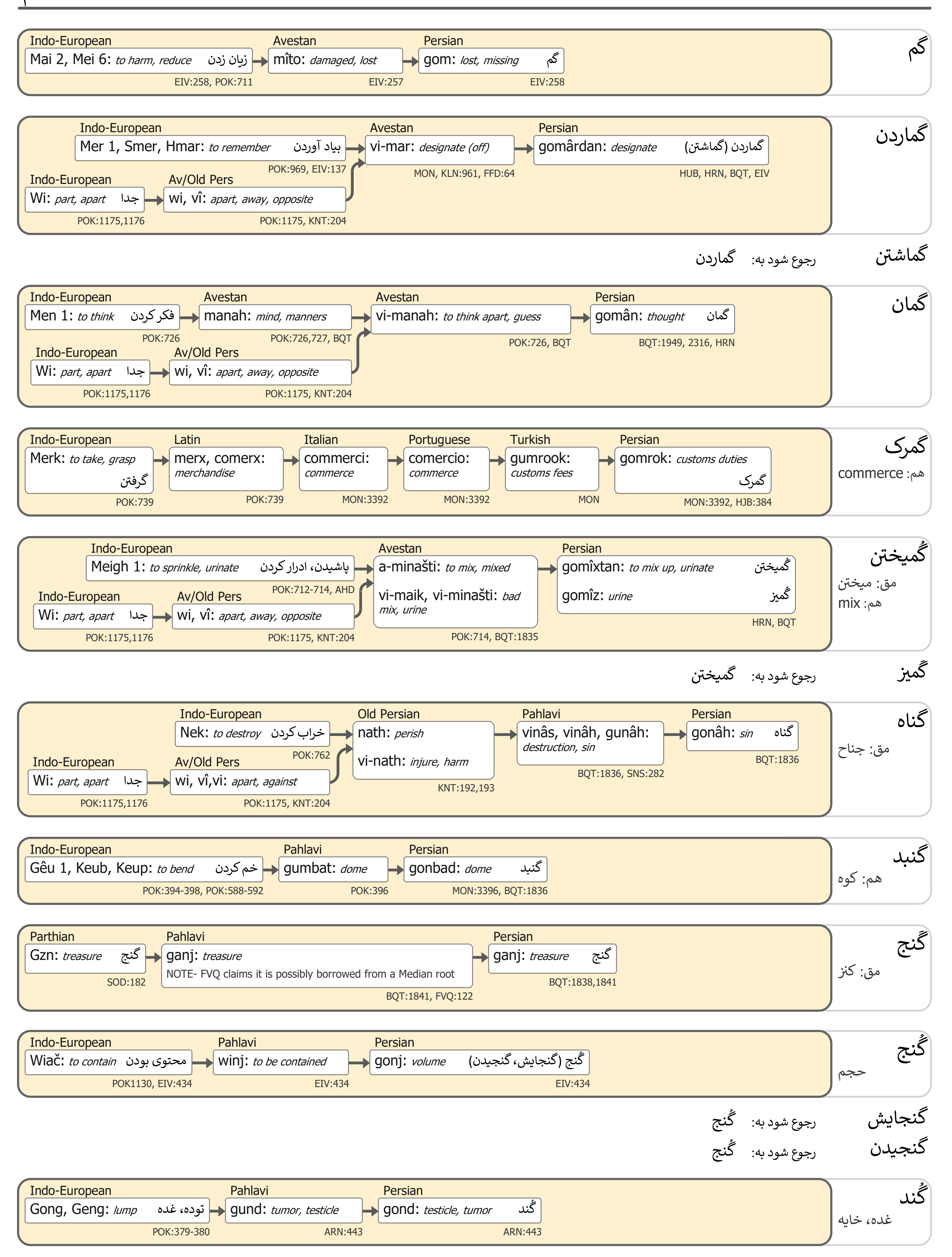
گریبان
هم: گلو
Indo-European
Gwer 3: to swallow قورت دادن
POK:474
Avestan
grîvâ: neck, also a hump
grîvâ-pân: protector of neck, collar
POK:475, BQT:1807
Persian
garîveh: neck, also a hilly land گریوه
garîbân: collar گریبان
SYN:233, BQT
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Av/Old Pers
pa: to guard
HRN:41,72, KLN:114, AHD:1532
گریختن
مق: ریختن
Indo-European
Leigh 2, Raič: to leave ترک کردن
POK:669, EIV:307
Avestan
vi-raeč: leave away, run away
POK:669, FFD:72, SOD:11
Pahlavi
v-rextan: run away
BQT, HRN:141,203, FVQ:46, SNS:115
Persian
gorîxtan : to flee
گریختن (گریز)
POK:669, BQT, AEF:373
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
گریز
رجوع شود به: گریختن
گریس
هم: قیر
Akkadian
Kîru: wax موم
AKD:60
Latin
crassus: fat, oil
KLN
Old French
English
grease
KLN, AHD
Persian
grîs: grease گریس
گریستن
هم: گِله
Indo-European
Gal, Garz 2: to shout, complain, cry
فریاد زدن، شکایت کردن، نالیدن
POK:351, EIV:111
Avestan
garez: to complain
POK:351, EIV:111
Pahlavi
griy: to weep
EIV:111
Persian
gerîstan: to cry گریستن (گریه)
EIV:111
NOTE- see "Gwer2: to praise" for a different suggested root
گریستن
Indo-European
Gwer 2: to praise, welcome, sing
خوش آمد گفتن، آواز خواندن
POK:478
Avestan
gar 2, gard: to call, cry, pray
garo-gar: fulfiller of prayers, God
POK:478
Persian
gerîstan: to cry گریستن (گریه)
garogar: God گروگر
HRN, BQT, EIV
NOTE- see "Gal: to cry" for a different suggested root
گریوه
هم: گلو
Indo-European
Gwer 3: to swallow قورت دادن
POK:474
Avestan
grîvâ: neck, also a hump
POK:475, BQT:1807
Persian
garîveh: neck, also a hilly land گریوه
SYN:233, BQT
گریه
رجوع شود به: گریستن
گزاردن
Indo-European
Kwel: to move around,turn حرکت کردن ، چرخیدن
POK:640
Avestan
car, čâr: to move around, also an open field
wi-čâr: to do
BQT:635, FFD:73
Pahlavi
wîzârdan: to do, translate
Persian
gozârdan: to do, translate
گزاردن (گزارش)
MON, BQT, FFD:73
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
گزارش
رجوع شود به: گزاردن
گزَر
هویج
Indo-European
Gogel: knob, tapering object دستگیره ، جسم مخروطی
IEC:287
Persian
gazar: carrot گزَر
IEC:287, MON:3306
گزند
رجوع شود به: گزیدن
گُزیدن
انتخاب کردن
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
vi-čay, vi-kay: choose apart
NYB:217, FFD:75
Persian
gozîdan: "choose apart"
گزیدن (گزینش)
BQT, FFD:75
Indo-European
Kwei 2, Ĉai: to pile up
روی هم ریختن یا چیدن
POK:637,EIV
Avestan
kay 2, kaeš, čay, čî 1: to prepare
POK:637,638
NOTE- see "Kwer: to make" for another possible root



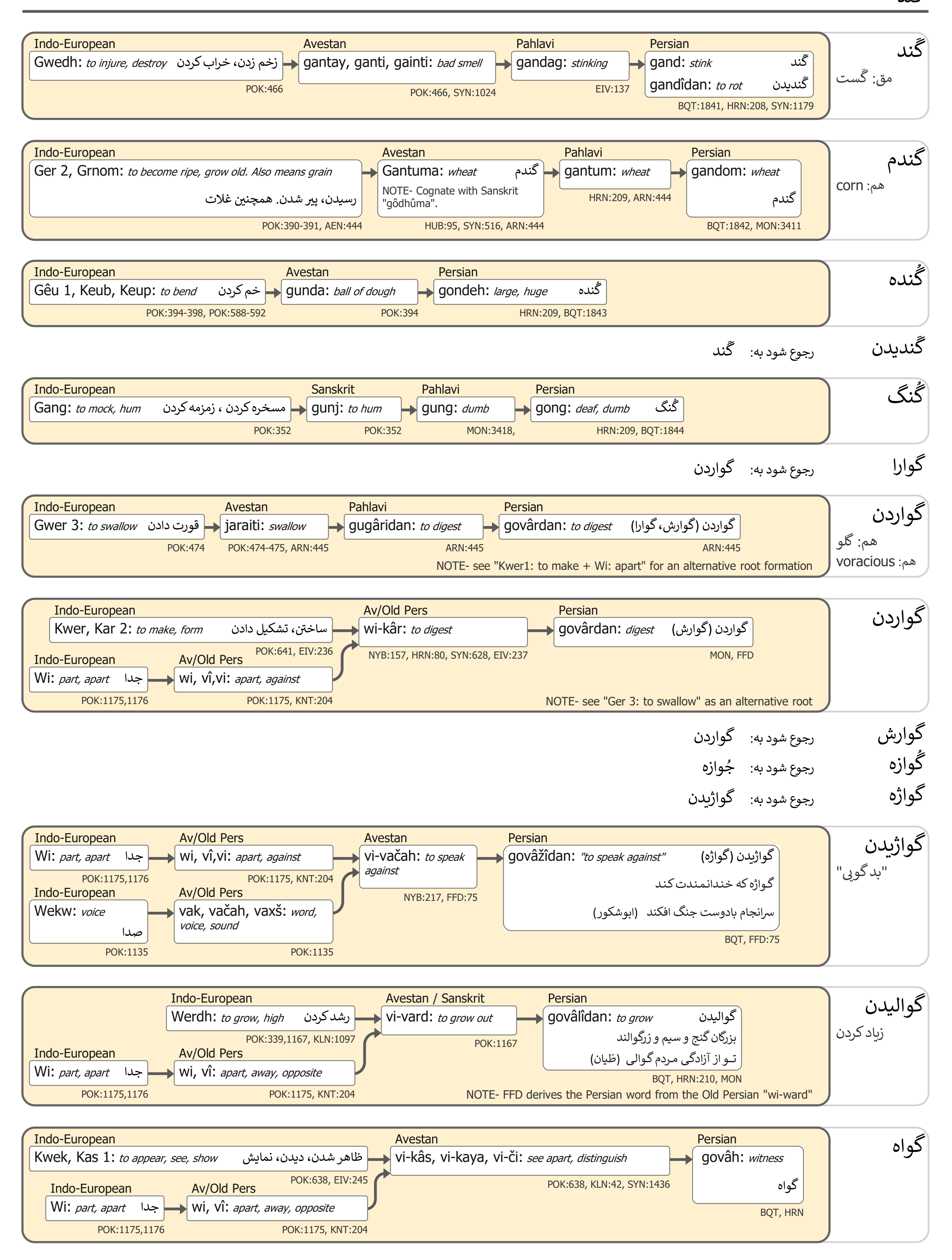
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
NOTE- see "Kwei 2: to pile up" for another possible root
Avestan
čâra: to mediate
vi-čir: to find a choice, judge
vi-kay: to set apart, choose
NOTE- cognate with Sanskrit "vi-cay: to choose"
POK:641, BQT:1813
Persian
gozîdan: to choose
گزیدن (گزیر، ناگزیر)
BQT:1813, HRN
گزیدن
انتخاب کردن
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt زدن، آزردن
POK:492, EIV:222
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
žata, jan., jaiti: to hit, harm, bite
vî-jainti: to sting, harm
POK:492, HRN:204, BQT:324,
Persian
gazîdan: to sting
گزیدن (گزند)
HRN, BQT, FSF, EIV
گزیدن
نیش زدن
گزیر رجوع شود به: چاره
گزینش رجوع شود به: گُزیدن
Indo-European
Gwedh: to injure, destroy
زخم زدن، خراب کردن
POK:466
Old Persian
gasta: offensive, evil
SYN:1024, KNT:183
Pahlavi
gasta: ugly
MON:3314
Persian
gast: bad, ugly گست
چه عاشق باشد اندر عشق، چه مست
کجا بر چشم او نیکی بود گست (ویس و رامین)
MON:3314, SYN:1024
گست
بد و زشت
Indo-European
Stâ: to stand ایستادن
POK:1008,1009
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
vi-stâ-ka: standing against, harsh
POK:1009,1011, KLN:1508, HRN:205
Persian
gostâx: "hard mannered" گستاخ
HRN, BQT
گستاخ
Indo-European
Ster 1: to spread, throw پخش کردن، پرت کردن
POK:1029, EIV:263
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Avestan
star 1: to spread, throw
wi-star: to spread apart
KLN:1522, FFD:73
Pahlavi
vi-startan: to spread out
BQT:278,1816, HRN:205
Persian
gostardan: to spread
گستردن
BQT, SNS, FFD
گستردن
گسستن رجوع شود به: گسیختن
Indo-European
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear بریدن، پاره کردن
AHD, POK:920,926,930,931,941, IEC:640,1155
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
sâri, sari, said, sid: fragment
wi-sis, vi-saêd: cut apart, send away
POK:578,920,947
Persian
gosîxtan: cut apart گسیختن
گسستن، گسیل
HRN, BQT, POK:578,947
گسیختن
هم: section
گسیل رجوع شود به: گسیختن
Indo-European
Ghers, Gharš: to be delighted شاد
POK:445, EIV:471
Avestan
zarš: happy
EIV:471
Old Persian
gaš: happy گش
همانا برآمد یکی باد خوش
ببرد ابر و روی هوا کرد گش (فردوسی)
EIV:471
گش
خوشحال
Indo-European
Sâi, Hai: to bind, tie بستن
POK:891, POK:977, KLN:1448, EIV:135
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Av/Old Pers
sâ 1, hâ 1, hây: to tie
wi-sâ, vi-hây: untie
POK:891,892, BRT:1800, FFD:74, EIV:136
Pahlavi
višâtan: to open
BQT:1818
Persian
gošâdan: to open
گشادن
BRT:1801, HRN:205, FFD:74, EIV:136
گشادن



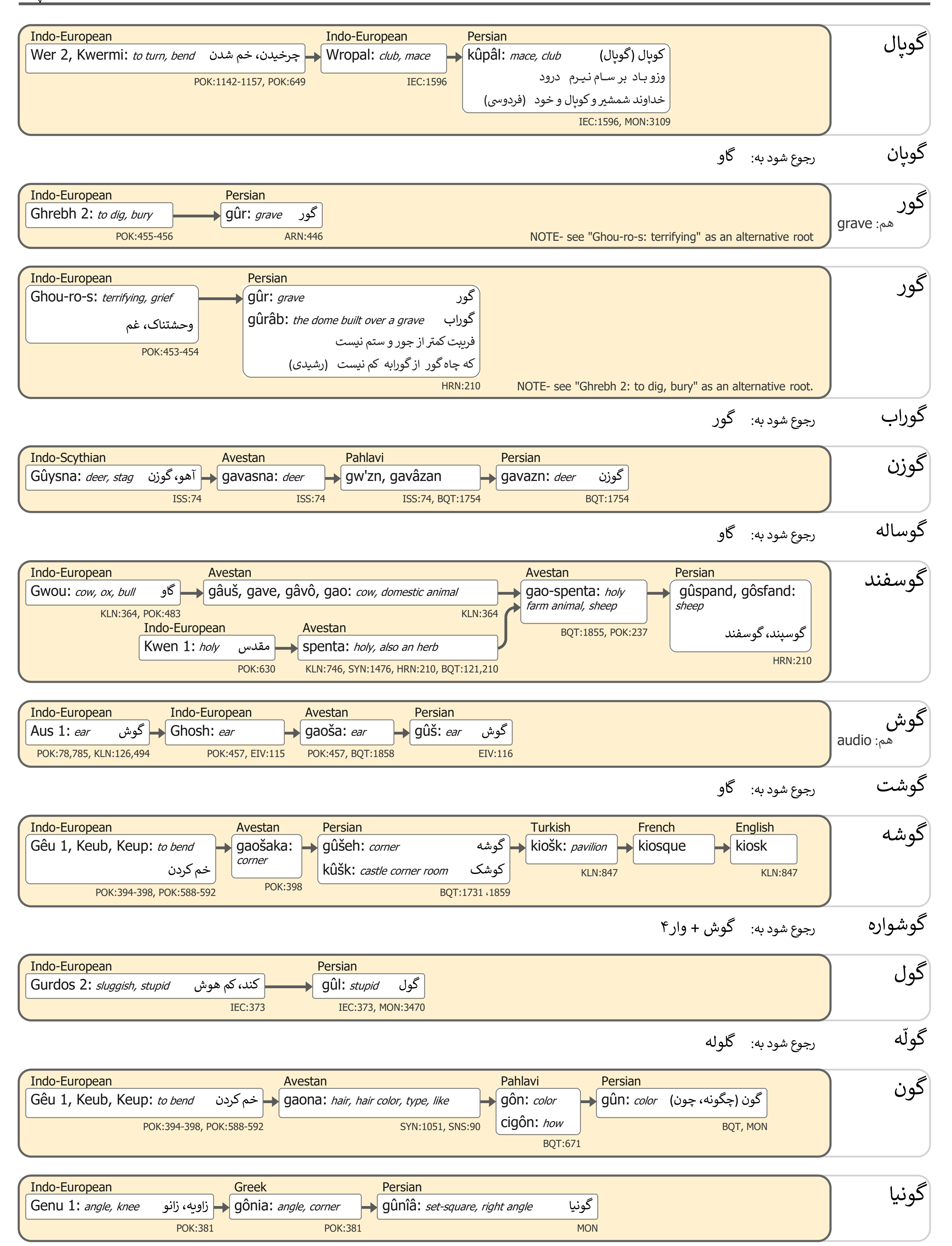
گشتاسپ
"با اسبان خاکستری"
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
Avestan
višta-aspa: (with) gray or old horses
BQT, POK:1082, KNT, HRN:206, AEF:324
Persian
goštâsp: with gray (old) horses گشتاسپ
گشتن
رجوع شود به: گردیدن
گُشن
پزرگ، قوی، مرد
Indo-European
Ersen: ejector of semen, male
دفع کننده منی ، نر
POK:335
Av/Old Pers
aršan, varešna:
male, man, hero
POK:336, AHD:1480, SOD:414
Pahlavi
vušn,
gushn: male
MON:3329
Persian
gošn, gošan: male, strong, husband, big, wide گُشن
gošnî: insemination گُشنی
درختی گُشن سایه بر پیش آب
نهان گشته زو چشمهٔ آفتاب (فردوسی)
BQT, HRN:206, FSF:297
گشناسب
رجوع شود به: گشنسپ
گشنسپ
"با اسبان قوی"
Indo-European
Ersen: ejector of semen, male
دفع کننده منی ، نر
POK:335
Av/Old Pers
aršan, varešna:
male, man, hero
POK:336, AHD:1480, SOD:414
Pahlavi
vušn, gushn: male
gušn-asp: (with) male horses
MON:3329
Persian
Gošnasp: "with strong horses"
گشنسپ (گشناسب)
BQT, HRN:206, FSF:297
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
گشنه
رجوع شود به: گرسنه
گُشنی
رجوع شود به: گُشن
گفتن
Indo-European
Ghu 1: to call for help, appeal
کمک خواستن
POK:413
Indo-European
Gheu-bh: to speak
KNT:182
Old Persian
gaub, gub: to speak
BQT:1821, FFD:75, KNT:182
Pahlavi
guftan: to tell
FFD:75, MON:3333
Persian
goftan: to say گفتن
gap: gossip گپ
FFD, HRN, BQT, MON
گل
رجوع شود به: گلو
گُل
هم: rose
Indo-European
Word: thorn, flower
خار ، گل
KLN:1357, SYN:527
Av /Old Iranian
wrda, varedha:
rose
KLN:1357, BQT:1822
Pahlavi
vardâ, vard,
vart
Persian
val, vel, vol: flower, rose وَل، وِل، وُل
valğûneh: (red cheeks), facial powder ولغونه
BQT:2290, IRN:129
Persian
gol: flower گل
SKT:454, AHD:129,1550
NOTE- This pronunciation change took place in early Aškânî era.
گلبن
رجوع شود به: گُل + بُن۱
گلشاه
رجوع شود به: گر۱
گلشن
رجوع شود به: گُل + شَن
گلو
Indo-European
Gwer 3: to swallow قورت دادن
POK:474
Avestan
gar 3: to swallow, devour
garah: throat
POK:474, KNT:199
Pahlavi
garûk: throat
HRN:207
Persian
galû: throat گلو ، گل
POK:474, BQT:1832,
NOTE- Compare with "gal: mountain" from root "Gwer 4".
Indo-European
Gwer 3: to swallow
POK:474
Old Persian
gar: to devour
KNT:199
Persian
?
گلوله
هم: globule
Indo-European
Gel 1: to form into a ball, stick together گلوله کردن
POK:357-364, SYN: 908, IEC:303
Persian
gulleh: ball گوله
goluleh: bullet گلوله
POK:361, MON:3382, BQT:1861
NOTE- Sanskrit form is "gula: ball".
گِله
هم: گریستن
هم: call
Indo-European
Gal, Garz 2: to shout, complain, cry
فریاد زدن، شکایت کردن، نالیدن
POK:351, EIV:111
Avestan
garez: to complain
POK:351, EIV:111
Pahlavi
gilak: complaint
BQT:1832
Persian
geleh: complaint گِله
BQT:1832, EIV:111

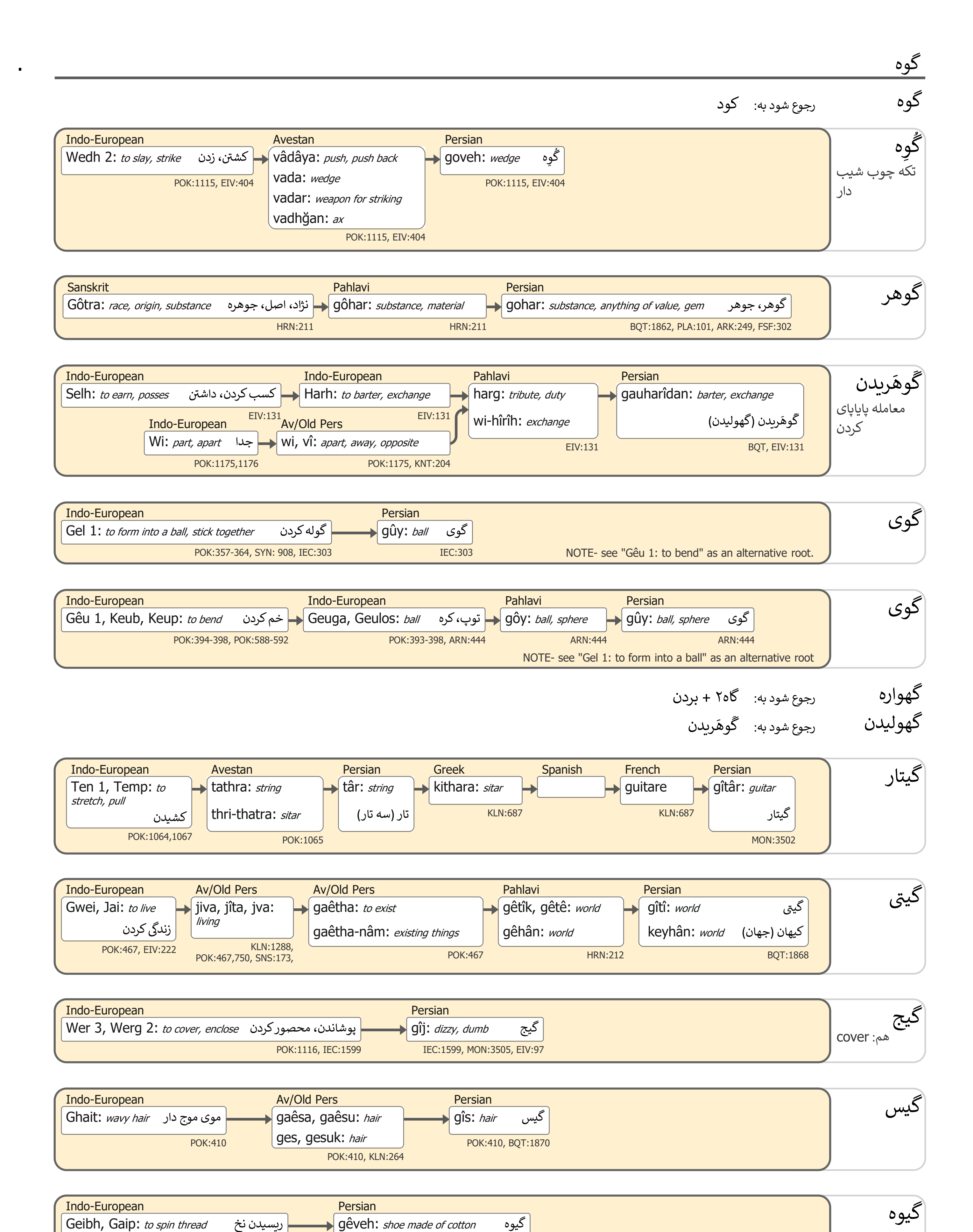


گم
Indo-European
Mai 2, Mei 6: to harm, reduce زیان زدن
EIV:258, POK:711
Avestan
mîto: damaged, lost
EIV:257
Persian
gom: lost, missing گم
EIV:258
گماردن
Indo-European
Mer 1, Smer, Hmar: to remember بیاد آوردن
POK:969, EIV:137
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
vi-mar: designate (off)
MON, KLN:961, FFD:64
Persian
gomârdan: designate گماردن (گماشتن)
HUB, HRN, BQT, EIV
گماشتن
رجوع شود به: گماردن
گمان
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
vi-manah: to think apart, guess
POK:726, BQT
Persian
gomân: thought گمان
BQT:1949, 2316, HRN
گمرک
هم: commerce
Indo-European
Merk: to take, grasp گرفتن
POK:739
Latin
merx, comerx: merchandise
POK:739
Italian
commerci: commerce
MON:3392
Portuguese
comercio: commerce
MON:3392
Turkish
gumrook: customs fees
MON
Persian
gomrok: customs duties گمرک
MON:3392, HJB:384
گمیختن
مق: میختن
هم: mix
Indo-European
Meigh 1: to sprinkle, urinate پاشیدن، ادرار کردن
POK:712-714, AHD
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
a-minašti: to mix, mixed
vi-maik, vi-minašti: bad mix, urine
POK:714, BQT:1835
Persian
gomîxtan: to mix up, urinate گمیختن
gomîz: urine گمیز
HRN, BQT
گمیز
رجوع شود به: گمیختن
گناه
مق: جناح
Indo-European
Nek: to destroy خراب کردن
POK:762
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî,vi: apart, against
POK:1175, KNT:204
Old Persian
nath: perish
vi-nath: injure, harm
KNT:192,193
Pahlavi
vinâs, vinâh, gunâh: destruction, sin
BQT:1836, SNS:282
Persian
gonâh: sin گناه
BQT:1836
گنبد
هم: کوه
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Pahlavi
gumbat: dome
POK:396
Persian
gonbad: dome گنبد
MON:3396, BQT:1836
گنج
مق: کنز
Parthian
Gzn: treasure گنج
SOD:182
Pahlavi
ganj: treasure
NOTE- FVQ claims it is possibly borrowed from a Median root
BQT:1841, FVQ:122
Persian
ganj: treasure گنج
BQT:1838,1841
گُنج
حجم
Indo-European
Wiač: to contain محتوی بودن
POK1130, EIV:434
Pahlavi
winj: to be contained
EIV:434
Persian
gonj: volume گُنج (گنجایش، گنجیدن)
EIV:434
گنجایش
رجوع شود به: گُنج
گنجیدن
رجوع شود به: گُنج
گند
غده، خایه
Indo-European
Gong, Geng: lump توده، غده
POK:379-380
Pahlavi
gund: tumor, testicle
ARN:443
Persian
gond: testicle, tumor گند
ARN:443

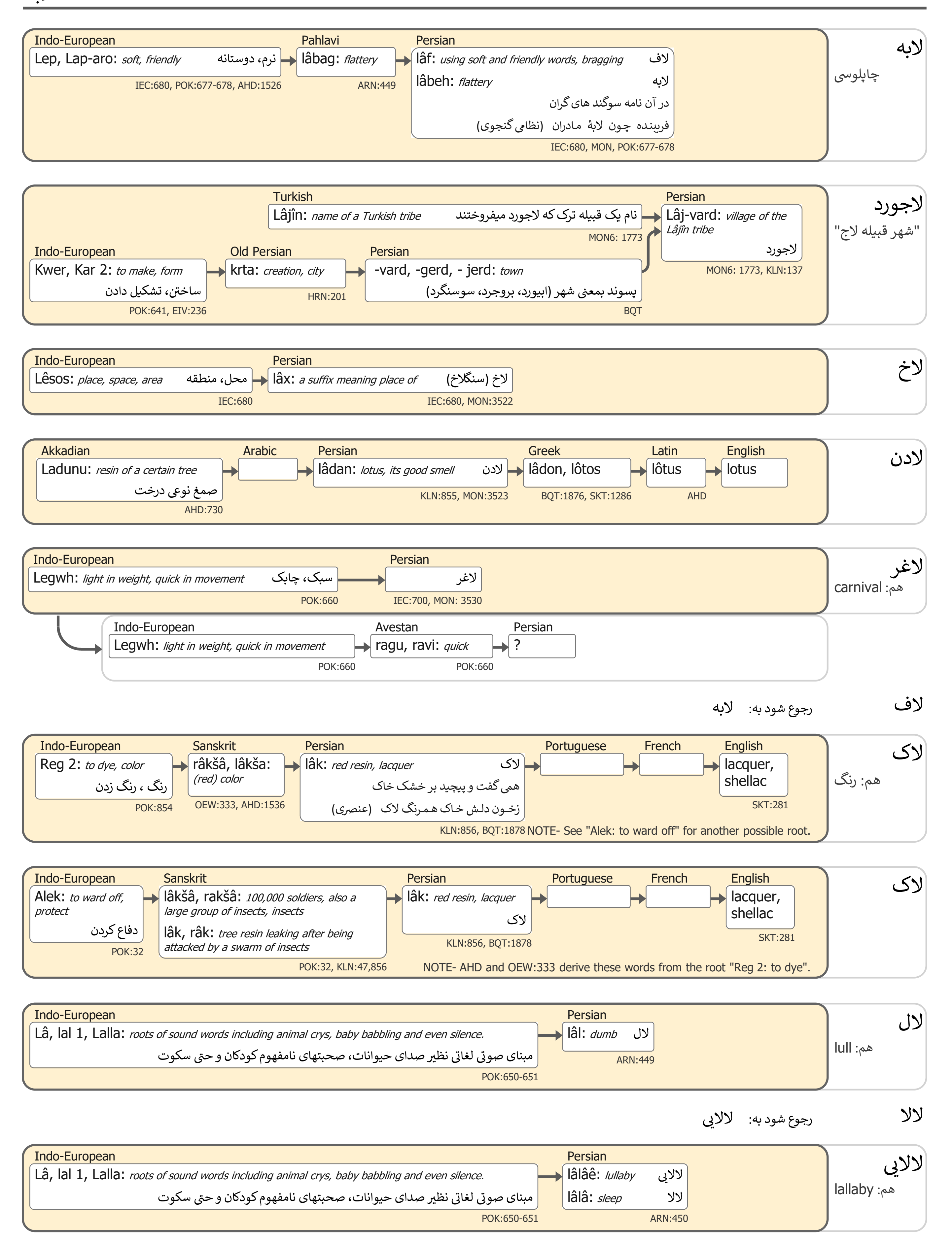


گند
مق: گست
Indo-European
Gwedh: to injure, destroy زخم زدن، خراب کردن
POK:466
Avestan
gantay, ganti, gainti: bad smell
POK:466, SYN:1024
Pahlavi
gandag: stinking
EIV:137
Persian
gand: stink گند
gandîdan: to rot گندیدن
BQT:1841, HRN:208, SYN:1179
گندم
هم: corn
Indo-European
Ger 2, Grnom: to become ripe, grow old. Also means grain
رسیدن، پیر شدن. همچنین غلات
POK:390-391, AEN:444
Avestan
Gantuma: wheat گندم
NOTE- Cognate with Sanskrit "gôdhûma".
HUB:95, SYN:516, ARN:444
Pahlavi
gantum: wheat
HRN:209, ARN:444
Persian
gandom: wheat
گندم
BQT:1842, MON:3411
گُنده
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
gunda: ball of dough
POK:394
Persian
gondeh: large, huge گنده
HRN:209, BQT:1843
گندیدن
رجوع شود به: گند
گُنگ
Indo-European
Gang: to mock, hum مسخره کردن ، زمزمه کردن
POK:352
Sanskrit
gunj: to hum
POK:352
Pahlavi
gung: dumb
MON:3418,
Persian
gong: deaf, dumb گنگ
HRN:209, BQT:1844
گوارا
رجوع شود به: گواردن
گواردن
هم: گلو
هم: voracious
Indo-European
Gwer 3: to swallow قورت دادن
POK:474
Avestan
jaraiti: swallow
POK:474-475, ARN:445
Pahlavi
gugâridan: to digest
ARN:445
Persian
govârdan: to digest گواردن (گوارش، گوارا)
ARN:445
NOTE- see "Kwer1: to make + Wi: apart" for an alternative root formation
گواردن
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî,vi: apart, against
POK:1175, KNT:204
Av/Old Pers
wi-kâr: to digest
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Persian
govârdan: digest گواردن (گوارش)
MON, FFD
NOTE- see "Ger 3: to swallow" as an alternative root
گوارش
رجوع شود به: گواردن
گُوازه
رجوع شود به: جُوازه
گواژه
رجوع شود به: گواژیدن
گواژیدن
"بد گویی"
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî,vi: apart, against
POK:1175, KNT:204
Indo-European
Wekw: voice
صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Avestan
vi-vačah: to speak against
NYB:217, FFD:75
Persian
govâžîdan: "to speak against" گواژیدن (گواژه)
گواژه که خندانمندت کند
سرانجام بادوست جنگ افکند (ابوشکور)
BQT, FFD:75
گوالیدن
زیاد کردن
Indo-European
Werdh: to grow, high رشد کردن
POK:339,1167, KLN:1097
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan / Sanskrit
vi-vard: to grow out
POK:1167
Persian
govâlîdan: to grow گوالیدن
بزرگان گنج و سیم و زرگوالند
تـو از آزادگی مردم گوالی (ظیان)
BQT, HRN:210, MON
NOTE- FFD derives the Persian word from the Old Persian "wi-ward"
گواه
Indo-European
Kwek, Kas 1: to appear, see, show ظاهر شدن، دیدن، نمایش
POK:638, EIV:245
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
vi-kâs, vi-kaya, vi-či: see apart, distinguish
POK:638, KLN:42, SYN:1436
Persian
govâh: witness
گواه
BQT, HRN


گوپال
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Indo-European
Wropal: club, mace
IEC:1596
Persian
kûpâl: mace, club کوپال (گوپال)
وزو باد بر سام نیرم درود
خداوند شمشیر و کوپال و خود (فردوسی)
IEC:1596, MON:3109
گوپان
رجوع شود به: گاو
گور
هم: grave
Indo-European
Ghrebh 2: to dig, bury
POK:455-456
Persian
gûr: grave گور
ARN:446
NOTE- see "Ghou-ro-s: terrifying" as an alternative root
گور
Indo-European
Ghou-ro-s: terrifying, grief
وحشتناک، غم
POK:453-454
Persian
gûr: grave گور
gûrâb: the dome built over a grave گوراب
فریبت کمتر از جور و ستم نیست
که چاه گور از گورابه کم نیست (رشیدی)
HRN:210
NOTE- see "Ghrebh 2: to dig, bury" as an alternative root.
گوراب
رجوع شود به: گور
گوزن
Indo-Scythian
Gûysna: deer, stag آهو، گوزن
ISS:74
Avestan
gavasna: deer
ISS:74
Pahlavi
gw'zn, gavâzan
ISS:74, BQT:1754
Persian
gavazn: deer گوزن
BQT:1754
گوساله
رجوع شود به: گاو
گوسفند
Indo-European
Gwou: cow, ox, bull گاو
KLN:364, POK:483
Avestan
gâuš, gave, gâvô, gao: cow, domestic animal
KLN:364
Indo-European
Kwen 1: holy مقدس
POK:630
Avestan
spenta: holy, also an herb
KLN:746, SYN:1476, HRN:210, BQT:121,210
Avestan
gao-spenta: holy farm animal, sheep
BQT:1855, POK:237
Persian
gûspand, gôsfand: sheep
گوسپند، گوسفند
HRN:210
گوش
هم: audio
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Indo-European
Ghosh: ear
POK:457, EIV:115
Avestan
gaoša: ear
POK:457, BQT:1858
Persian
gûš: ear گوش
EIV:116
گوشت
رجوع شود به: گاو
گوشه
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend
خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
gaošaka: corner
POK:398
Persian
gûšeh: corner گوشه
kûšk: castle corner room کوشک
BQT:1731 ،1859
Turkish
kiošk: pavilion
KLN:847
French
kiosque
English
kiosk
KLN:847
گوشواره
رجوع شود به: گوش + وار۴
گول
Indo-European
Gurdos 2: sluggish, stupid کند، کم هوش
IEC:373
Persian
gûl: stupid گول
IEC:373, MON:3470
گولّه
رجوع شود به: گلوله
گون
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
gaona: hair, hair color, type, like
SYN:1051, SNS:90
Pahlavi
gôn: color
cigôn: how
BQT:671
Persian
gûn: color گون (چگونه، چون)
BQT, MON
گونیا
Indo-European
Genu 1: angle, knee زاویه، زانو
POK:381
Greek
gônia: angle, corner
POK:381
Persian
gûnîâ: set-square, right angle گونیا
MON



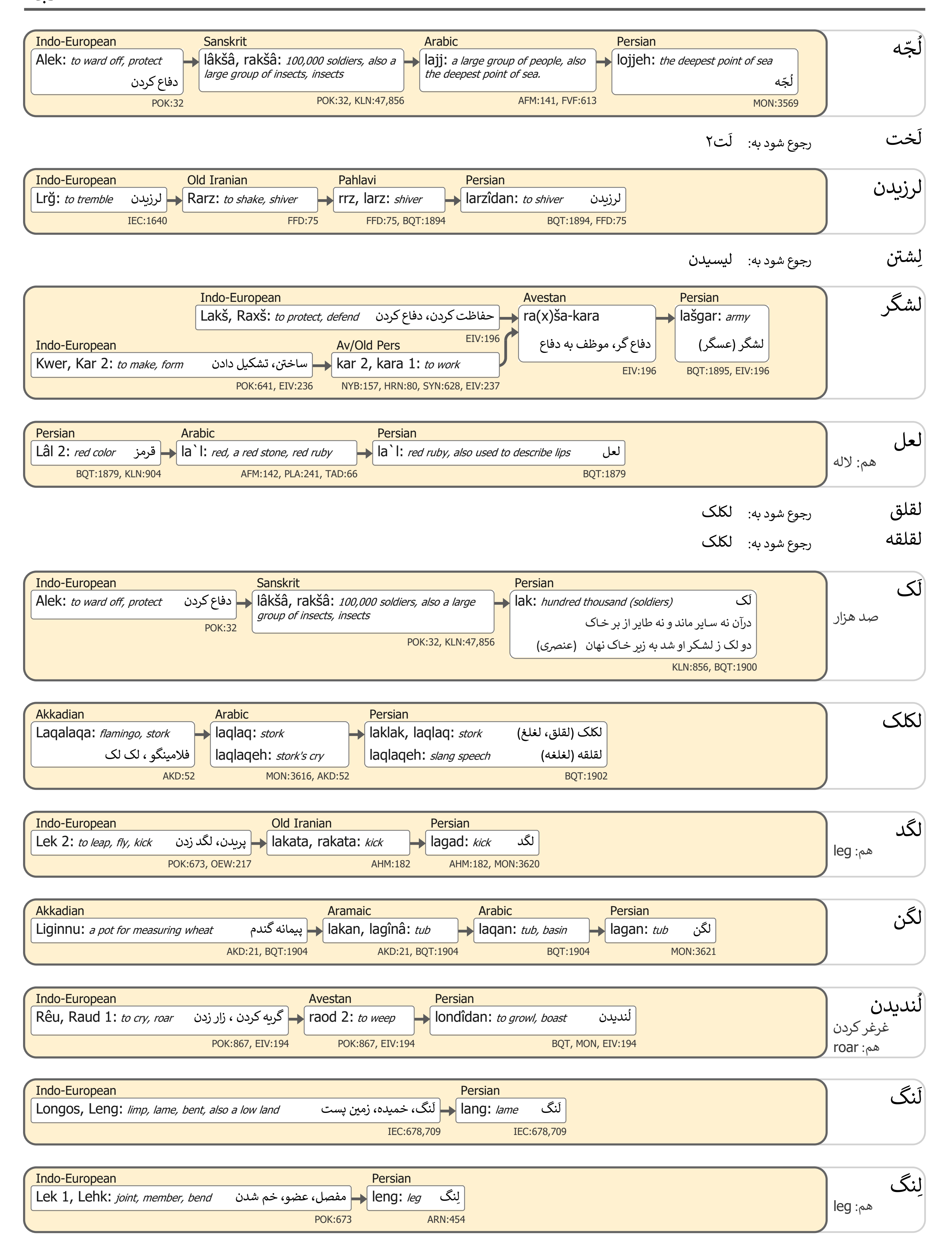
گوه رجوع شود به: کود
گُوِه
تکه چوب شیب دار
Indo-European
Wedh 2: to slay, strike کشتن، زدن
POK:1115, EIV:404
Avestan
vâdâya: push, push back
vada: wedge
vadar: weapon for striking
vadhğan: ax
POK:1115, EIV:404
Persian
goveh: wedge گُوِه
POK:1115, EIV:404
گوهر
Sanskrit
Gôtra: race, origin, substance نژاد، اصل، جوهره
HRN:211
Pahlavi
gôhar: substance, material
HRN:211
Persian
gohar: substance, anything of value, gem گوهر، جوهر
BQT:1862, PLA:101, ARK:249, FSF:302
گوهَریدن
معامله پایاپای کردن
Indo-European
Selh: to earn, posses کسب کردن، داشتن
EIV:131
Indo-European
Harh: to barter, exchange
EIV:131
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Pahlavi
harg: tribute, duty
wi-hîrîh: exchange
EIV:131
Persian
gauharîdan: barter, exchange
گوهَریدن (گهولیدن)
BQT, EIV:131
گوی
Indo-European
Gel 1: to form into a ball, stick together گوله کردن
POK:357-364, SYN: 908, IEC:303
Persian
gûy: ball گوی
IEC:303
NOTE- see "Gêu 1: to bend" as an alternative root.
گوی
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Indo-European
Geuga, Geulos: ball توپ، کره
POK:393-398, ARN:444
Pahlavi
gôy: ball, sphere
ARN:444
Persian
gûy: ball, sphere گوی
ARN:444
NOTE- see "Gel 1: to form into a ball" as an alternative root
گهواره رجوع شود به: ۲گاه + بردن
گهولیدن رجوع شود به: گوهَریدن
گیتار
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull
کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
tathra: string
thri-thatra: sitar
POK:1065
Persian
târ: string
تار (سه تار)
Greek
kithara: sitar
KLN:687
Spanish
French
guitare
KLN:687
Persian
gîtâr: guitar
گیتار
MON:3502
گیتی
Indo-European
Gwei, Jai: to live
زندگی کردن
POK:467, EIV:222
Av/Old Pers
jiva, jîta, jva: living
KLN:1288, POK:467,750, SNS:173,
Av/Old Pers
gaêtha: to exist
gaêtha-nâm: existing things
POK:467
Pahlavi
gêtîk, gêtê: world
gêhân: world
HRN:212
Persian
gîtî: world گیتی
keyhân: world کیهان (جهان)
BQT:1868
گیج
هم: cover
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Persian
gîj: dizzy, dumb گیج
IEC:1599, MON:3505, EIV:97
گیس
Indo-European
Ghait: wavy hair موی موج دار
POK:410
Av/Old Pers
gaêsa, gaêsu: hair
ges, gesuk: hair
POK:410, KLN:264
Persian
gîs: hair گیس
POK:410, BQT:1870
گیوه
Indo-European
Geibh, Gaip: to spin thread ریسیدن نخ
POK, EIV:96
Persian
gêveh: shoe made of cotton گیوه
EIV:96

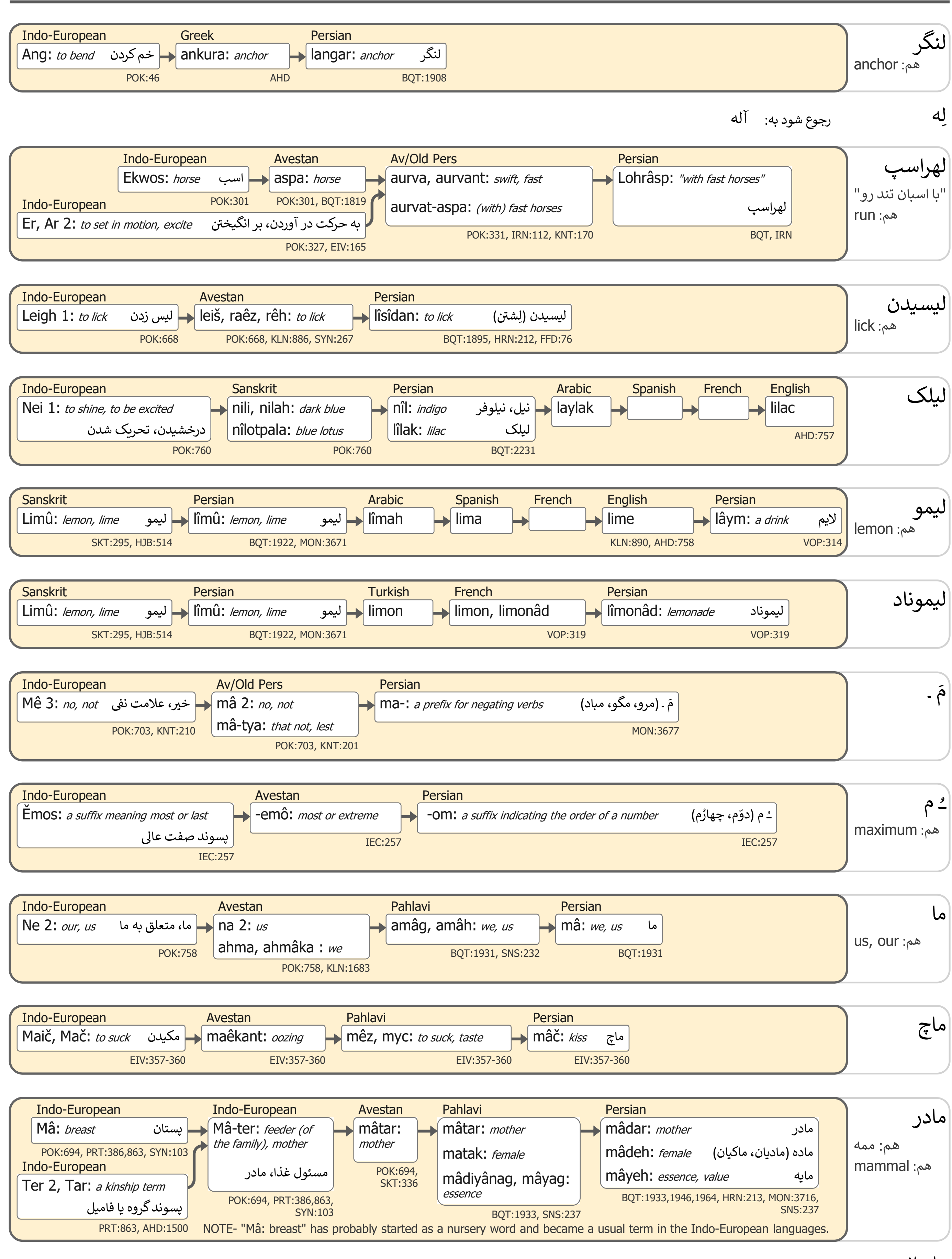


لابه
چاپلوسی
Indo-European
Lep, Lap-aro: soft, friendly نرم، دوستانه
IEC:680, POK:677-678, AHD:1526
Pahlavi
lâbag: flattery
ARN:449
Persian
lâf: using soft and friendly words, bragging لاف
lâbeh: flattery لابه
در آن نامه سوگند های گران
فریبنده چون لابهٔ مادران (نظامی گنجوی)
IEC:680, MON, POK:677-678
لاجورد
"شهر قبیله لاج"
Turkish
Lâjîn: name of a Turkish tribe نام یک قبیله ترک که لاجورد میفروختند
MON6: 1773
Persian
Lâj-vard: village of the Lâjîn tribe
لاجورد
MON6: 1773, KLN:137
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form
ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Old Persian
krta: creation, city
HRN:201
Persian
-vard, -gerd, - jerd: town
پسوند بمعنی شهر (ابیورد، بروجرد، سوسنگرد)
BQT
لاخ
Indo-European
Lêsos: place, space, area محل، منطقه
IEC:680
Persian
lâx: a suffix meaning place of لاخ (سنگلاخ)
IEC:680, MON:3522
لادن
Akkadian
Ladunu: resin of a certain tree
صمغ نوعی درخت
AHD:730
Arabic
Persian
lâdan: lotus, its good smell لادن
KLN:855, MON:3523
Greek
lâdon, lôtos
BQT:1876, SKT:1286
Latin
lôtus
AHD
English
lotus
لاغر
هم: carnival
Indo-European
Legwh: light in weight, quick in movement سبک، چابک
POK:660
Persian
لاغر
IEC:700, MON: 3530
Indo-European
Legwh: light in weight, quick in movement
POK:660
Avestan
ragu, ravi: quick
POK:660
Persian
?
لاف
رجوع شود به: لابه
لاک
هم: رنگ
Indo-European
Reg 2: to dye, color
رنگ ، رنگ زدن
POK:854
Sanskrit
râkšâ, lâkšâ: (red) color
OEW:333, AHD:1536
Persian
lâk: red resin, lacquer لاک
همی گفت و پیچید بر خشک خاک
زخون دلش خاک همرنگ لاک (عنصری)
KLN:856, BQT:1878
Portuguese
French
English
lacquer, shellac
SKT:281
NOTE- See "Alek: to ward off" for another possible root.
لاک
Indo-European
Alek: to ward off, protect
دفاع کردن
POK:32
Sanskrit
lâkšâ, rakšâ: 100,000 soldiers, also a large group of insects, insects
lâk, râk: tree resin leaking after being attacked by a swarm of insects
POK:32, KLN:47,856
Persian
lâk: red resin, lacquer
لاک
KLN:856, BQT:1878
Portuguese
French
English
lacquer, shellac
SKT:281
NOTE- AHD and OEW:333 derive these words from the root "Reg 2: to dye".
لال
هم: lull
Indo-European
Lâ, lal 1, Lalla: roots of sound words including animal crys, baby babbling and even silence.
مبنای صوتی لغاتی نظیر صدای حیوانات، صحبتهای نامفهوم کودکان و حتی سکوت
POK:650-651
Persian
lâl: dumb لال
ARN:449
لالا
رجوع شود به: لالایی
لالایی
هم: lallaby
Indo-European
Lâ, lal 1, Lalla: roots of sound words including animal crys, baby babbling and even silence.
مبنای صوتی لغاتی نظیر صدای حیوانات، صحبتهای نامفهوم کودکان و حتی سکوت
POK:650-651
Persian
lâlâê: lullaby لالایی
lâlâ: sleep لالا
ARN:450



لالس
هم: لاله
Persian
Lâl 2: red color قرمز
BQT:1879, KLN:904
Persian
lâlas: a red silk fabric لالس
گه در قدم باغ کشد فضل تو دیبا
گه بر سر کهسار نهد حکم تو لالس (بدر جاجرمی)
BQT
لالک
هم: لاله
Persian
Lâl 2: red color قرمز
BQT:1879, KLN:904
Persian
lâlak: red leather and shoes made from it لالک
دریغ از آن شرف و خوبی و فضایل او
که عاشق است برآن لاله روی لالک دوز (سوزنی)
BQT, MON
لاله
Persian
Lâl 2: red color قرمز
BQT:1879, KLN:904
Persian
lâleh: a red flower (tulip) لاله
âlâleh: a red flower آلاله
BQT, MON
لاله سار
Persian
Lâl 2: red color قرمز
BQT:1879, KLN:904
Persian
lâleh-sâr: a red-headed bird لاله سار
BQT
Indo-European
Ker 1: head, horn سر، شاخ
POK:574, KLN:261,657
Avestan
sarah, sârah: head
AHD, POK:574, KLN:261
Pahlavi
sar: head
BQT:1111
لای
هم: slime
Indo-European
Lêi: slime, sticky لجن ، چسبناک
POK:662, IEC:706
Persian
lây: mud, sediment لای (لایروبی)
IEC:706
Indo-Scythian
Raup 1: to sweep away جارو کردن
ISS:251
Pahlavi
rôpet, rôp 2: sweep
ISS:252
لایم رجوع شود به: لیمو
لاییدن
هم: نالیدن
lament
Indo-European
Lâiô: roar, bark, bellow غرش کردن، پارس کردن
IEC:659, POK:651
Persian
lâyîdan: to express sorrow لاییدن
ملامتم مکنید ار دراز میلایم
بود که کشف شود حال بنده پیش شما (مولوی)
IEC:659, MON:3549
لب
هم: lip
Indo-
Lêb: lip لب
POK:655
Iranian
lap: lip
BQT:1885
Pahlavi
lab: lip
MON:3551
Persian
lab: lip, also side or edge of anything لب
HRN:212, MON:3551
لَت۱
هم: تکه پارچه
leather
Indo-European
Letro: skim, strip, piece نوار ، قطعه
POK:681, IEC:681
Persian
latreh: fragment, piece (of cloth) لَت۱ (لَتره)
مرا اگر چه به بستر لت کتان انداخت
زروی صوف نظر بر نمیتوان انداخت (نظام قاری)
IEC:681, MON:3563
NOTE- See "Lak: to tear" for another possible root.
لَت۲
تکه پارچه
Indo-European
Lak: to tear پاره کردن
Lakt: rag, scrap تکه پارچه
POK:674, IEC:660,661
Persian
laxt: scrap, piece, rag لَت ۲ (لَخت)
همان تخت پیروزه ده لَخت بود
جهان روشن از فَرّ آن تخت بود (فردوسی)
IEC:661, MON:3563,3573
NOTE- See "Letro: piece" for another possible root.
لَتره رجوع شود به: لَت۱


لُجّه
Indo-European
Alek: to ward off, protect دفاع کردن
POK:32
Sanskrit
lâkšâ, rakšâ: 100,000 soldiers, also a large group of insects, insects
POK:32, KLN:47,856
Arabic
lajj: a large group of people, also the deepest point of sea.
AFM:141, FVF:613
Persian
lojjeh: the deepest point of sea لُجّه
MON:3569
لَخت
رجوع شود به: لَت۲
لرزیدن
Indo-European
Lrğ: to tremble لرزیدن
IEC:1640
Old Iranian
Rarz: to shake, shiver
FFD:75
Pahlavi
rrz, larz: shiver
FFD:75, BQT:1894
Persian
larzîdan: to shiver لرزیدن
BQT:1894, FFD:75
لِشتن
رجوع شود به: لیسیدن
لشگر
Indo-European
Lakš, Raxš: to protect, defend حفاظت کردن، دفاع کردن
EIV:196
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Av/Old Pers
kar 2, kara 1: to work
NYB:157, HRN:80, SYN:628, EIV:237
Avestan
ra(x)ša-kara
دفاع گر، موظف به دفاع
EIV:196
Persian
lašgar: army
لشگر (عسگر)
BQT:1895, EIV:196
لعل
هم: لاله
Persian
Lâl 2: red color قرمز
BQT:1879, KLN:904
Arabic
la`l: red, a red stone, red ruby
AFM:142, PLA:241, TAD:66
Persian
la`l: red ruby, also used to describe lips لعل
BQT:1879
لقلق
رجوع شود به: لکلک
لقلقه
رجوع شود به: لکلک
لَک
صد هزار
Indo-European
Alek: to ward off, protect دفاع کردن
POK:32
Sanskrit
lâkšâ, rakšâ: 100,000 soldiers, also a large group of insects, insects
POK:32, KLN:47,856
Persian
lak: hundred thousand (soldiers) لک
درآن نه سایر ماند و نه طایر از بر خاک
دو لک ز لشکر او شد به زیر خاک نهان (عنصری)
KLN:856, BQT:1900
لکلک
Akkadian
Laqalaqa: flamingo, stork
فلامینگو ، لک لک
AKD:52
Arabic
laqlaq: stork
laqlaqeh: stork's cry
MON:3616, AKD:52
Persian
laklak, laqlaq: stork لکلک (لقلق، لغلغ)
laqlaqeh: slang speech لقلقه (لغلغه)
BQT:1902
لگد
هم: leg
Indo-European
Lek 2: to leap, fly, kick پریدن، لگد زدن
POK:673, OEW:217
Old Iranian
lakata, rakata: kick
AHM:182
Persian
lagad: kick لگد
AHM:182, MON:3620
لگن
Akkadian
Liginnu: a pot for measuring wheat پیمانه گندم
AKD:21, BQT:1904
Aramaic
lakan, lagînâ: tub
AKD:21, BQT:1904
Arabic
laqan: tub, basin
BQT:1904
Persian
lagan: tub لگن
MON:3621
لُندیدن
غرغر کردن
هم: roar
Indo-European
Rêu, Raud 1: to cry, roar گریه کردن ، زار زدن
POK:867, EIV:194
Avestan
raod 2: to weep
POK:867, EIV:194
Persian
londîdan: to growl, boast لُندیدن
BQT, MON, EIV:194
لَنگ
Indo-European
Longos, Leng: limp, lame, bent, also a low land لَنگ، خمیده، زمین پست
IEC:678,709
Persian
lang: lame لَنگ
IEC:678,709
لِنگ
هم: leg
Indo-European
Lek 1, Lehk: joint, member, bend مفصل، عضو، خم شدن
POK:673
Persian
leng: leg لِنگ
ARN:454



لنگر
هم: anchor
Indo-European
Ang: to bend خم کردن
POK:46
Greek
ankura: anchor
AHD
Persian
langar: anchor لنگر
BQT:1908

لِه رجوع شود به: آله

لهراسپ
"با اسبان تند رو"
هم: run
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
Avestan
aspa: horse
POK:301, BQT:1819
Indo-European
Er, Ar 2: to set in motion, excite به حرکت در آوردن، بر انگیختن
POK:327, EIV:165
Av/Old Pers
aurva, aurvant: swift, fast
aurvat-aspa: (with) fast horses
POK:331, IRN:112, KNT:170
Persian
Lohrâsp: "with fast horses" لهراسپ
BQT, IRN

لیسیدن
هم: lick
Indo-European
Leigh 1: to lick لیس زدن
POK:668
Avestan
leiš, raêz, rêh: to lick
POK:668, KLN:886, SYN:267
Persian
lîsîdan: to lick لیسیدن (لِشتن)
BQT:1895, HRN:212, FFD:76

لیلک
Indo-European
Nei 1: to shine, to be excited درخشیدن، تحریک شدن
POK:760
Sanskrit
nili, nilah: dark blue
nîlotpala: blue lotus
POK:760
Persian
nîl: indigo نیل، نیلوفر
lîlak: lilac لیلک
BQT:2231
Arabic
laylak
Spanish
French
English
lilac
AHD:757

لیمو
هم: lemon
Sanskrit
Limû: lemon, lime لیمو
SKT:295, HJB:514
Persian
lîmû: lemon, lime لیمو
BQT:1922, MON:3671
Arabic
lîmah
Spanish
lima
French
English
lime
KLN:890, AHD:758
Persian
lâym: a drink لایم
VOP:314

لیموناد
Sanskrit
Limû: lemon, lime لیمو
SKT:295, HJB:514
Persian
lîmû: lemon, lime لیمو
BQT:1922, MON:3671
Turkish
limon
French
limon, limonâd
VOP:319
Persian
lîmonâd: lemonade لیموناد
VOP:319

مَ -
Indo-European
Mê 3: no, not خیر، علامت نفی
POK:703, KNT:210
Av/Old Pers
mâ 2: no, not
mâ-tya: that not, lest
POK:703, KNT:201
Persian
ma-: a prefix for negating verbs مَ - (مرو، مگو، مباد)
MON:3677

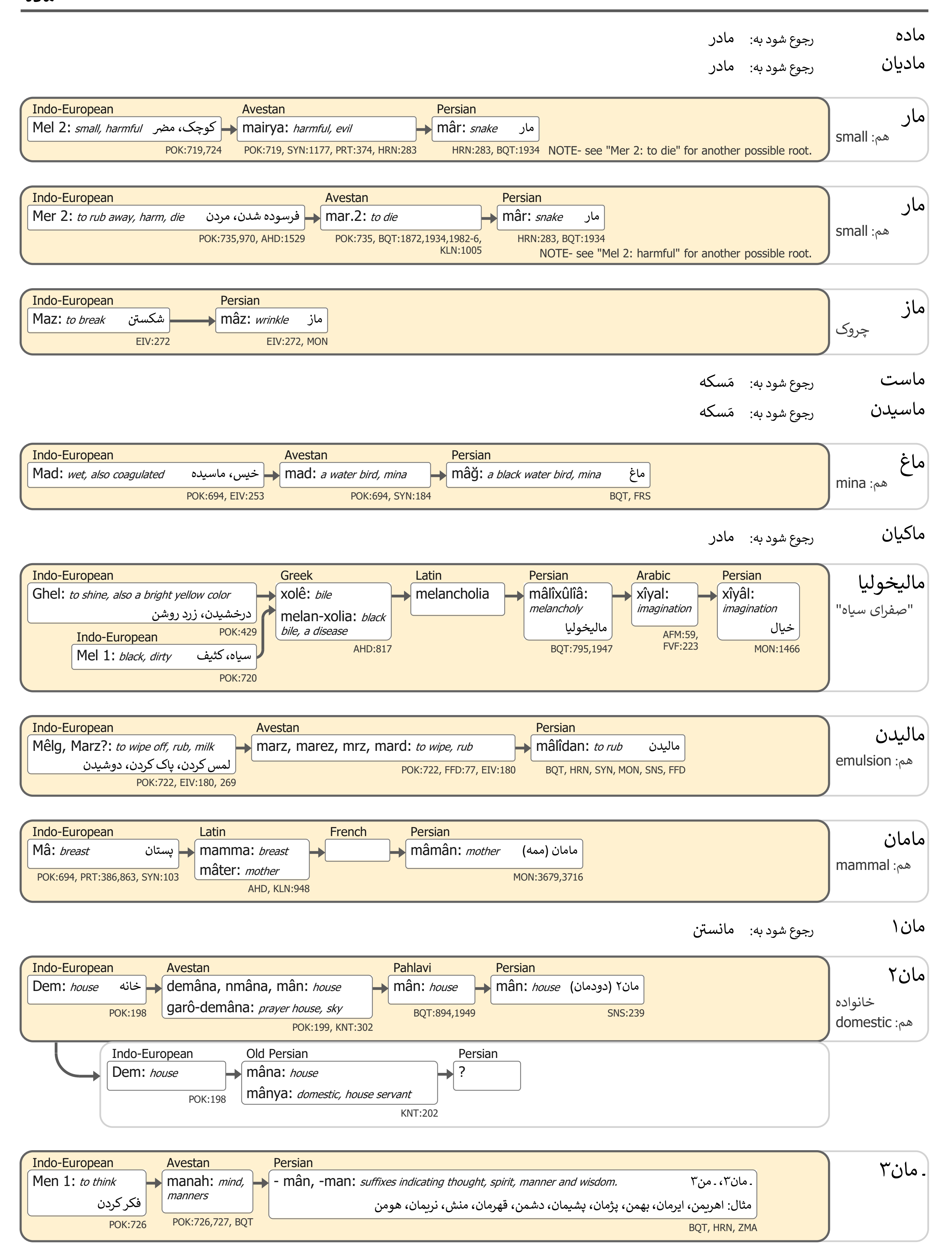
ـُ م
هم: maximum
Indo-European
Ěmos: a suffix meaning most or last
پسوند صفت عالی
IEC:257
Avestan
-emô: most or extreme
IEC:257
Persian
-om: a suffix indicating the order of a number ـُ م (دوّم، چهارُم)
IEC:257

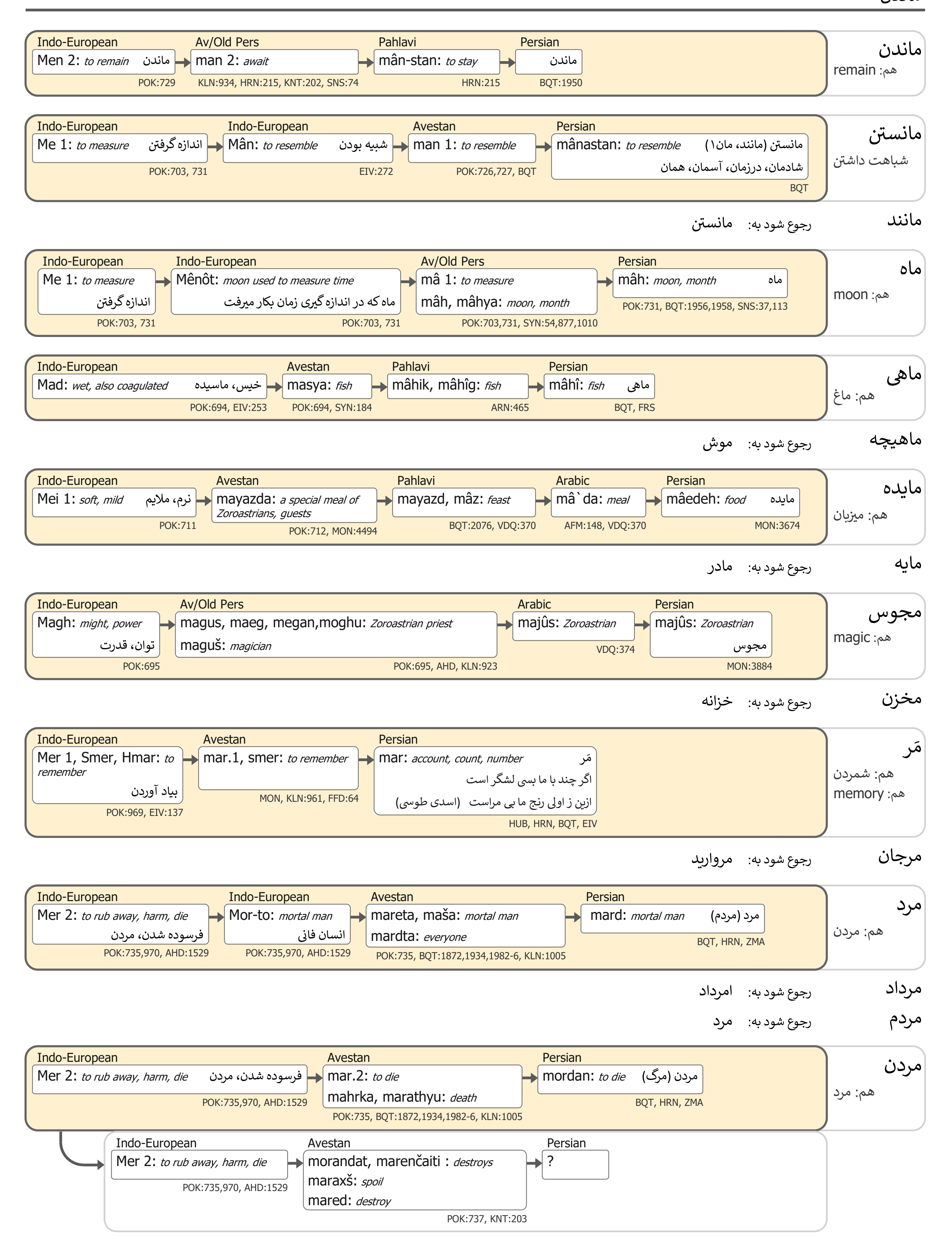
ما
هم: us, our
Indo-European
Ne 2: our, us ما، متعلق به ما
POK:758
Avestan
na 2: us
ahma, ahmâka : we
POK:758, KLN:1683
Pahlavi
amâg, amâh: we, us
BQT:1931, SNS:232
Persian
mâ: we, us ما
BQT:1931

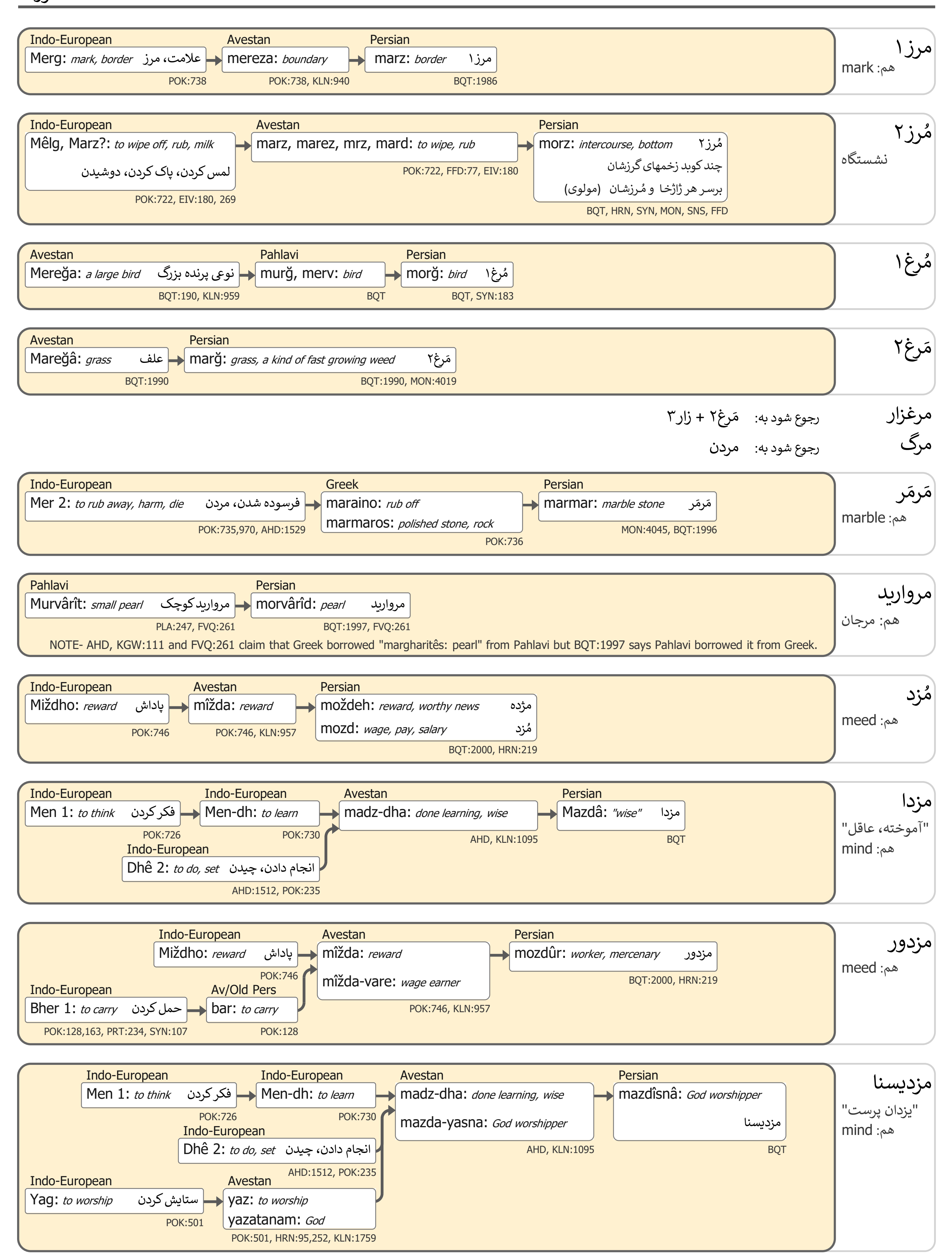
ماچ
Indo-European
Maič, Mač: to suck مکیدن
EIV:357-360
Avestan
maêkant: oozing
EIV:357-360
Pahlavi
mêz, myc: to suck, taste
EIV:357-360
Persian
mâč: kiss ماچ
EIV:357-360

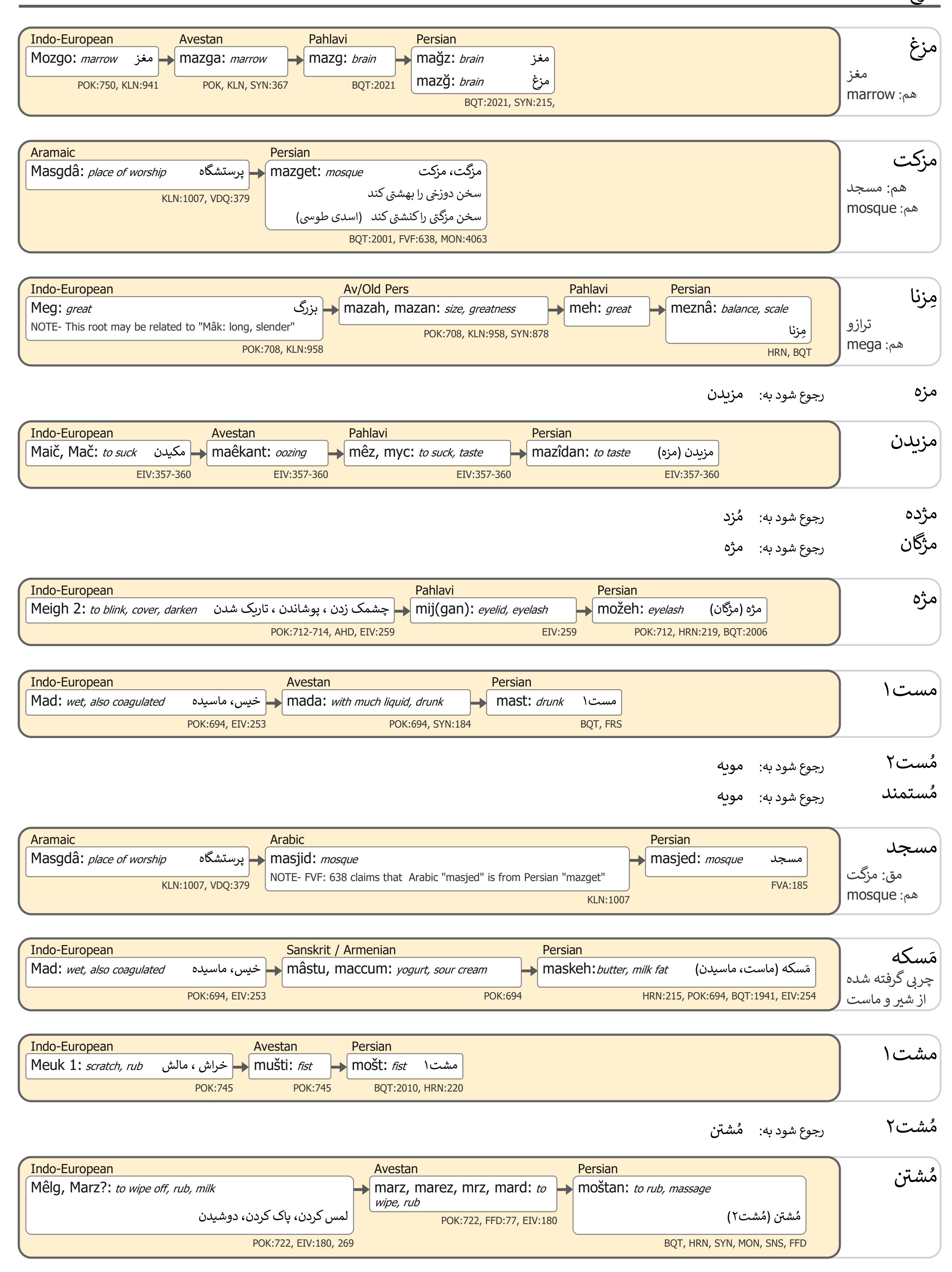
مادر
هم: ممه
هم: mammal
Indo-European
Mâ: breast پستان
POK:694, PRT:386,863, SYN:103
Indo-European
Ter 2, Tar: a kinship term
پسوند گروه یا فامیل
PRT:863, AHD:1500
Indo-European
Mâ-ter: feeder (of the family), mother
مسئول غذا، مادر
POK:694, PRT:386,863, SYN:103
Avestan
mâtar: mother
POK:694, SKT:336
Pahlavi
mâtar: mother
matak: female
mâdiyânag, mâyag: essence
BQT:1933, SNS:237
Persian
mâdar: mother مادر
mâdeh: female ماده (مادیان، ماکیان)
mâyeh: essence, value مایه
BQT:1933,1946,1964, HRN:213, MON:3716, SNS:237
NOTE- "Mâ: breast" has probably started as a nursery word and became a usual term in the Indo-European languages.

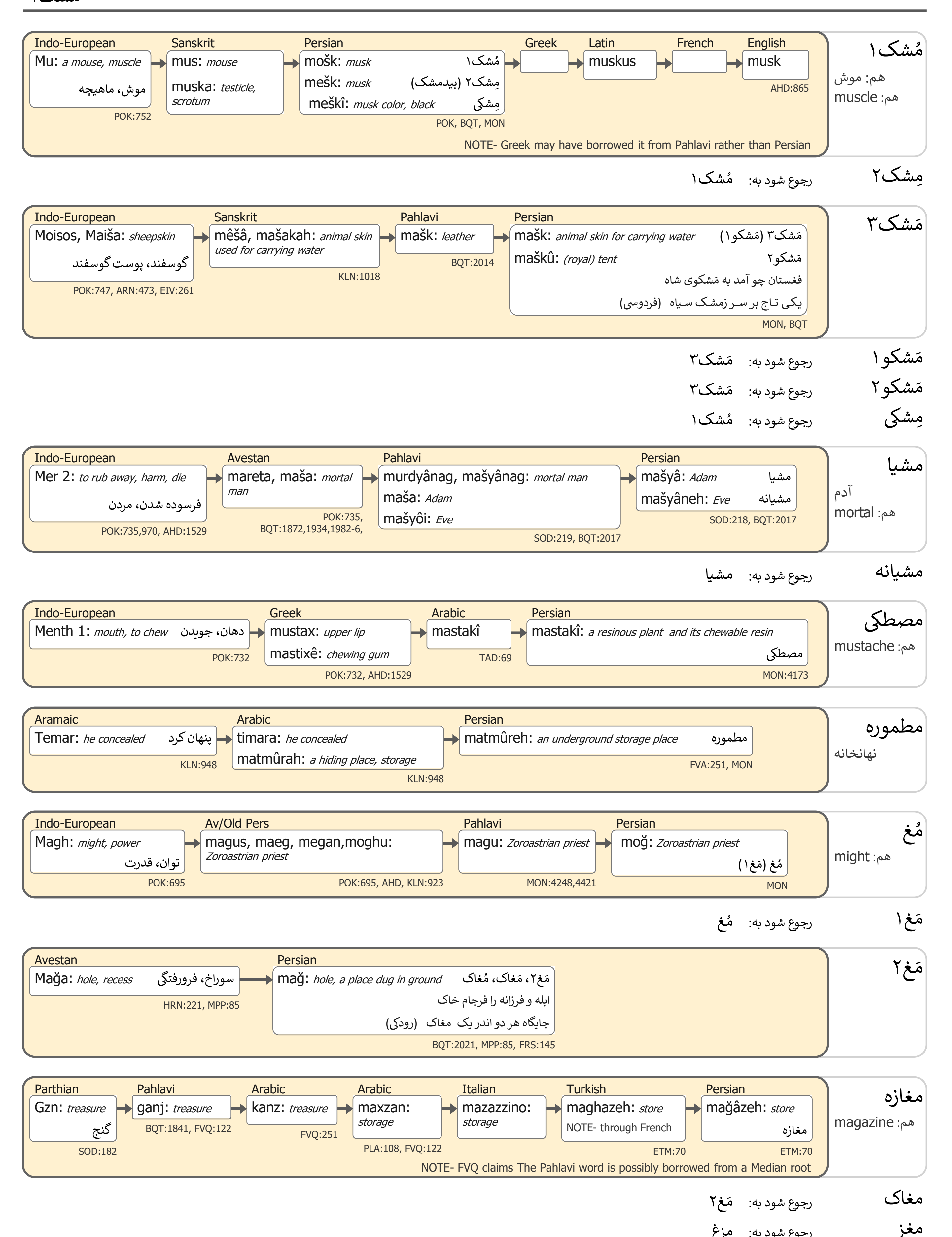
مادراندر رجوع شود به: مادر + اندر۲


ماده
رجوع شود به: مادر
مادیان
رجوع شود به: مادر
مار
هم: small
Indo-European
Mel 2: small, harmful کوچک، مضر
POK:719,724
Avestan
mairya: harmful, evil
POK:719, SYN:1177, PRT:374, HRN:283
Persian
mâr: snake مار
HRN:283, BQT:1934
NOTE- see "Mer 2: to die" for another possible root.
مار
هم: small
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Avestan
mar.2: to die
POK:735, BQT:1872,1934,1982-6, KLN:1005
Persian
mâr: snake مار
HRN:283, BQT:1934
NOTE- see "Mel 2: harmful" for another possible root.
ماز
چروک
Indo-European
Maz: to break شکستن
EIV:272
Persian
mâz: wrinkle ماز
EIV:272, MON
ماست
رجوع شود به: مَسکه
ماسیدن
رجوع شود به: مَسکه
ماغ
هم: mina
Indo-European
Mad: wet, also coagulated خیس، ماسیده
POK:694, EIV:253
Avestan
mad: a water bird, mina
POK:694, SYN:184
Persian
mâğ: a black water bird, mina ماغ
BQT, FRS
ماکیان
رجوع شود به: مادر
مالیخولیا
"صفرای سیاه"
Indo-European
Ghel: to shine, also a bright yellow color
درخشیدن، زرد روشن
POK:429
Indo-European
Mel 1: black, dirty سیاه، کثیف
POK:720
Greek
xolê: bile
melan-xolia: black bile, a disease
AHD:817
Latin
melancholia
Persian
mâlîxûlîâ: melancholy
مالیخولیا
BQT:795,1947
Arabic
xîyal: imagination
AFM:59, FVF:223
Persian
xîyâl: imagination
خیال
MON:1466
مالیدن
هم: emulsion
Indo-European
Mêlg, Marz?: to wipe off, rub, milk
لمس کردن، پاک کردن، دوشیدن
POK:722, EIV:180, 269
Avestan
marz, marez, mrz, mard: to wipe, rub
POK:722, FFD:77, EIV:180
Persian
mâlîdan: to rub مالیدن
BQT, HRN, SYN, MON, SNS, FFD
ماما‌ن
هم: mammal
Indo-European
Mâ: breast پستان
POK:694, PRT:386,863, SYN:103
Latin
mamma: breast
mâter: mother
AHD, KLN:948
French
Persian
mâmân: mother مامان (ممه)
MON:3679,3716
مان۱
رجوع شود به: مانستن
مان۲
خانواده
هم: domestic
Indo-European
Dem: house خانه
POK:198
Avestan
demâna, nmâna, mân: house
garô-demâna: prayer house, sky
POK:199, KNT:302
Pahlavi
mân: house
BQT:894,1949
Persian
mân: house مان۲ (دودمان)
SNS:239
Indo-European
Dem: house
POK:198
Old Persian
mâna: house
mânya: domestic, house servant
KNT:202
Persian
?
.مان۳
Indo-European
Men 1: to think
فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
Persian
- mân, -man: suffixes indicating thought, spirit, manner and wisdom. .مان۳، .من۳
مثال: اهریمن، ایرمان، بهمن، پژمان، پشیمان، دشمن، قهرمان، منش، نریمان، هومن
BQT, HRN, ZMA

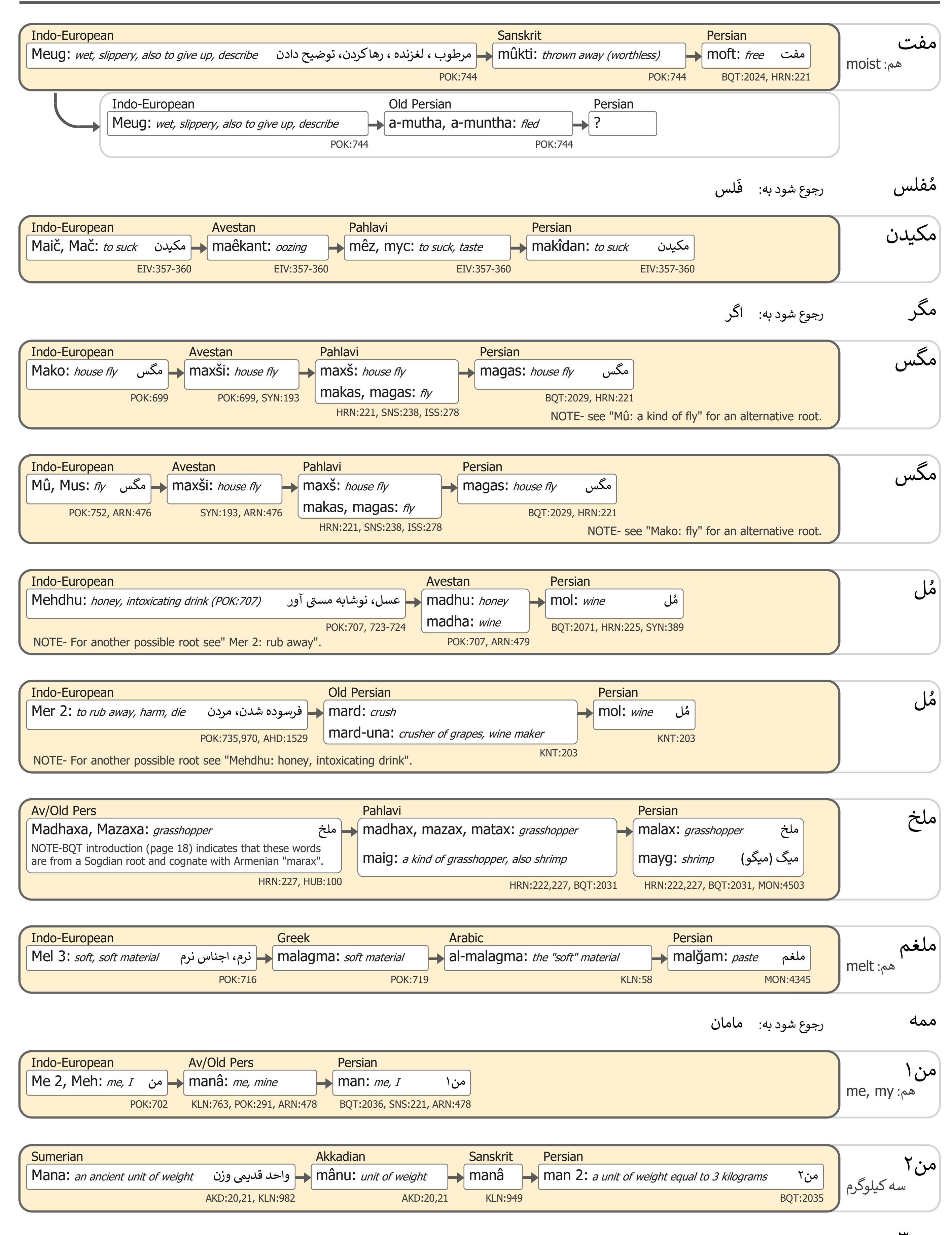

ماندن
هم: remain
Indo-European
Men 2: to remain ماندن
POK:729
Av/Old Pers
man 2: await
KLN:934, HRN:215, KNT:202, SNS:74
Pahlavi
mân-stan: to stay
HRN:215
Persian
ماندن
BQT:1950
مانستن
شباهت داشتن
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Indo-European
Mân: to resemble شبیه بودن
EIV:272
Avestan
man 1: to resemble
POK:726,727, BQT
Persian
mânastan: to resemble مانستن (مانند، مان۱)
شادمان، درزمان، آسمان، همان
BQT
مانند
رجوع شود به: مانستن
ماه
هم: moon
Indo-European
Me 1: to measure
اندازه گرفتن
POK:703, 731
Indo-European
Mênôt: moon used to measure time
ماه که در اندازه گیری زمان بکار میرفت
POK:703, 731
Av/Old Pers
mâ 1: to measure
mâh, mâhya: moon, month
POK:703,731, SYN:54,877,1010
Persian
mâh: moon, month ماه
POK:731, BQT:1956,1958, SNS:37,113
ماهی
هم: ماغ
Indo-European
Mad: wet, also coagulated خیس، ماسیده
POK:694, EIV:253
Avestan
masya: fish
POK:694, SYN:184
Pahlavi
mâhik, mâhîg: fish
ARN:465
Persian
mâhî: fish ماهی
BQT, FRS
ماهیچه
رجوع شود به: موش
مایده
هم: میزبان
Indo-European
Mei 1: soft, mild نرم، ملایم
POK:711
Avestan
mayazda: a special meal of Zoroastrians, guests
POK:712, MON:4494
Pahlavi
mayazd, mâz: feast
BQT:2076, VDQ:370
Arabic
mâ`da: meal
AFM:148, VDQ:370
Persian
mâedeh: food مایده
MON:3674
مایه
رجوع شود به: مادر
مجوس
هم: magic
Indo-European
Magh: might, power
توان، قدرت
POK:695
Av/Old Pers
magus, maeg, megan,moghu: Zoroastrian priest
maguš: magician
POK:695, AHD, KLN:923
Arabic
majûs: Zoroastrian
VDQ:374
Persian
majûs: Zoroastrian
مجوس
MON:3884
مخزن
رجوع شود به: خزانه
مَر
هم: شمردن
هم: memory
Indo-European
Mer 1, Smer, Hmar: to remember
بیاد آوردن
POK:969, EIV:137
Avestan
mar.1, smer: to remember
MON, KLN:961, FFD:64
Persian
mar: account, count, number مَر
اگر چند با ما بسی لشگر است
ازین ز اولی رنج ما بی مراست (اسدی طوسی)
HUB, HRN, BQT, EIV
مرجان
رجوع شود به: مروارید
مرد
هم: مردن
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die
فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Indo-European
Mor-to: mortal man
انسان فانی
POK:735,970, AHD:1529
Avestan
mareta, maša: mortal man
mardta: everyone
POK:735, BQT:1872,1934,1982-6, KLN:1005
Persian
mard: mortal man مرد (مردم)
BQT, HRN, ZMA
مرداد
رجوع شود به: امرداد
مردم
رجوع شود به: مرد
مردن
هم: مرد
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Avestan
mar.2: to die
mahrka, marathyu: death
POK:735, BQT:1872,1934,1982-6, KLN:1005
Persian
mordan: to die مردن (مرگ)
BQT, HRN, ZMA
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die
POK:735,970, AHD:1529
Avestan
morandat, marenčaiti : destroys
maraxš: spoil
mared: destroy
POK:737, KNT:203
Persian
?


مرز۱
هم: mark
Indo-European
Merg: mark, border علامت، مرز
POK:738
Avestan
mereza: boundary
POK:738, KLN:940
Persian
marz: border مرز۱
BQT:1986
مُرز۲
نشستگاه
Indo-European
Mêlg, Marz?: to wipe off, rub, milk
لمس کردن، پاک کردن، دوشیدن
POK:722, EIV:180, 269
Avestan
marz, marez, mrz, mard: to wipe, rub
POK:722, FFD:77, EIV:180
Persian
morz: intercourse, bottom مُرز۲
چند کوبد زخمهای گرزشان
برسر هر ژاژخا و مُرزشان (مولوی)
BQT, HRN, SYN, MON, SNS, FFD
مُرغ۱
Avestan
Mereğa: a large bird نوعی پرنده بزرگ
BQT:190, KLN:959
Pahlavi
murğ, merv: bird
BQT
Persian
morğ: bird مُرغ۱
BQT, SYN:183
مَرغ۲
Avestan
Mareğâ: grass علف
BQT:1990
Persian
marğ: grass, a kind of fast growing weed مَرغ۲
BQT:1990, MON:4019
مرغزار رجوع شود به: مَرغ۲ + زار۳
مرگ رجوع شود به: مردن
مَرمَر
هم: marble
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Greek
maraino: rub off
marmaros: polished stone, rock
POK:736
Persian
marmar: marble stone مَرمَر
MON:4045, BQT:1996
مروارید
هم: مرجان
Pahlavi
Murvârît: small pearl مروارید کوچک
PLA:247, FVQ:261
Persian
morvârîd: pearl مروارید
BQT:1997, FVQ:261
NOTE- AHD, KGW:111 and FVQ:261 claim that Greek borrowed "margharitês: pearl" from Pahlavi but BQT:1997 says Pahlavi borrowed it from Greek.
مُزد
هم: meed
Indo-European
Miždho: reward پاداش
POK:746
Avestan
mîžda: reward
POK:746, KLN:957
Persian
moždeh: reward, worthy news مژده
mozd: wage, pay, salary مُزد
BQT:2000, HRN:219
مزدا
"آموخته، عاقل"
هم: mind
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Indo-European
Men-dh: to learn
POK:730
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
madz-dha: done learning, wise
AHD, KLN:1095
Persian
Mazdâ: "wise" مزدا
BQT
مزدور
هم: meed
Indo-European
Miždho: reward پاداش
POK:746
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Avestan
mîžda: reward
mîžda-vare: wage earner
POK:746, KLN:957
Persian
mozdûr: worker, mercenary مزدور
BQT:2000, HRN:219
مزدیسنا
"یزدان پرست"
هم: mind
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Indo-European
Men-dh: to learn
POK:730
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Indo-European
Yag: to worship ستایش کردن
POK:501
Avestan
yaz: to worship
yazatanam: God
POK:501, HRN:95,252, KLN:1759
Avestan
madz-dha: done learning, wise
mazda-yasna: God worshipper
AHD, KLN:1095
Persian
mazdîsnâ: God worshipper
مزدیسنا
BQT

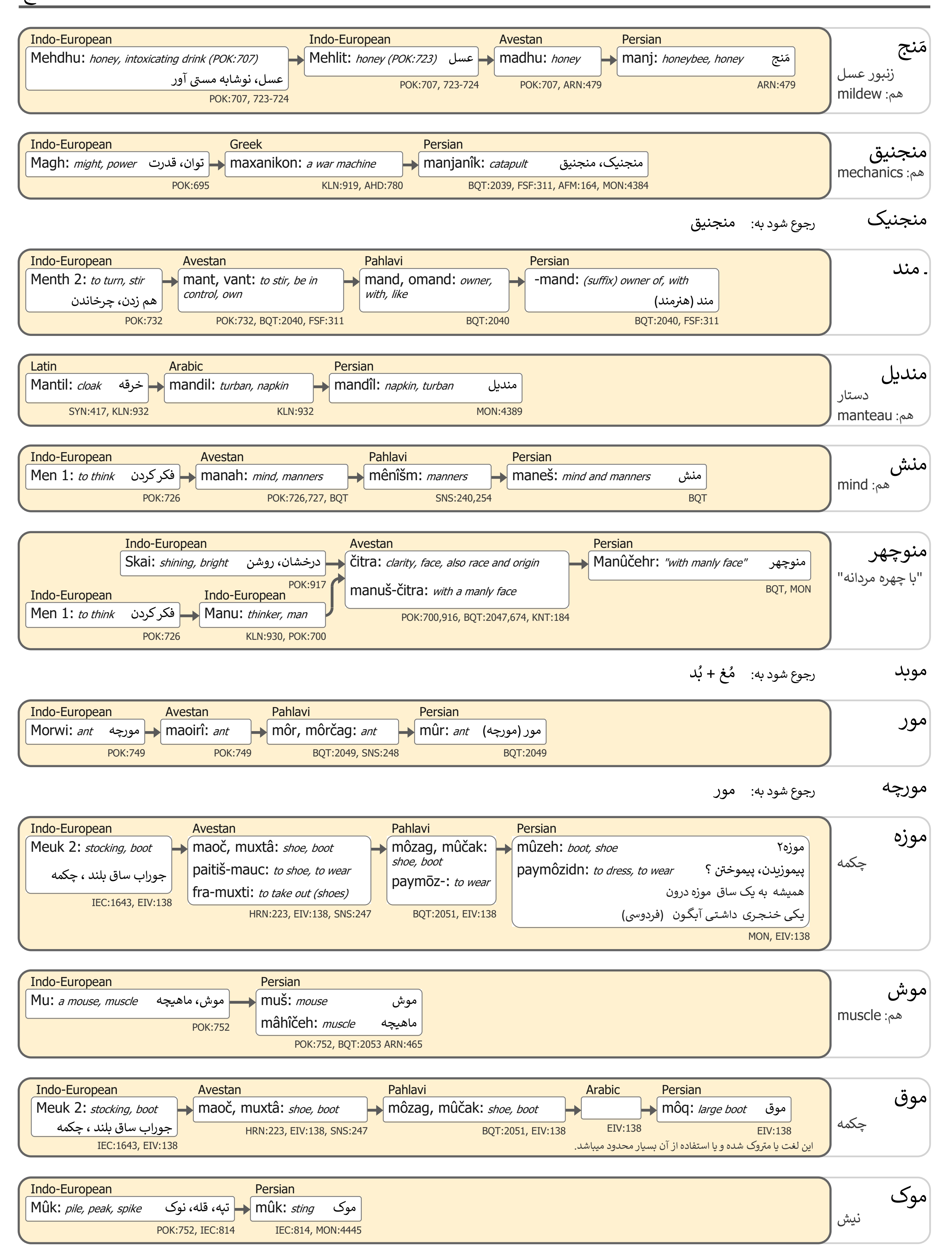

مزغ
مغز
هم: marrow
Indo-European
Mozgo: marrow مغز
POK:750, KLN:941
Avestan
mazga: marrow
POK, KLN, SYN:367
Pahlavi
mazg: brain
BQT:2021
Persian
mağz: brain مغز
mazğ: brain مزغ
BQT:2021, SYN:215,
مزگت
هم: مسجد
هم: mosque
Aramaic
Masgdâ: place of worship پرستشگاه
KLN:1007, VDQ:379
Persian
mazget: mosque مزگت، مزکت
سخن دوزخی را بهشتی کند
سخن مزگتی را کنشتی کند (اسدی طوسی)
BQT:2001, FVF:638, MON:4063
مِزنا
ترازو
هم: mega
Indo-European
Meg: great بزرگ
NOTE- This root may be related to "Mâk: long, slender"
POK:708, KLN:958
Av/Old Pers
mazah, mazan: size, greatness
POK:708, KLN:958, SYN:878
Pahlavi
meh: great
Persian
meznâ: balance, scale
مِزنا
HRN, BQT
مزه
رجوع شود به: مزیدن
مزیدن
Indo-European
Maič, Mač: to suck مکیدن
EIV:357-360
Avestan
maêkant: oozing
EIV:357-360
Pahlavi
mêz, myc: to suck, taste
EIV:357-360
Persian
mazîdan: to taste مزیدن (مزه)
EIV:357-360
مژده
رجوع شود به: مُزد
مژگان
رجوع شود به: مژه
مژه
Indo-European
Meigh 2: to blink, cover, darken چشمک زدن ، پوشاندن ، تاریک شدن
POK:712-714, AHD, EIV:259
Pahlavi
mij(gan): eyelid, eyelash
EIV:259
Persian
možeh: eyelash مژه (مژگان)
POK:712, HRN:219, BQT:2006
مست۱
Indo-European
Mad: wet, also coagulated خیس، ماسیده
POK:694, EIV:253
Avestan
mada: with much liquid, drunk
POK:694, SYN:184
Persian
mast: drunk مست۱
BQT, FRS
مُست۲
رجوع شود به: مویه
مُستمند
رجوع شود به: مویه
مسجد
مق: مزگت
هم: mosque
Aramaic
Masgdâ: place of worship پرستشگاه
KLN:1007, VDQ:379
Arabic
masjid: mosque
NOTE- FVF: 638 claims that Arabic "masjed" is from Persian "mazget"
KLN:1007
Persian
masjed: mosque مسجد
FVA:185
مَسکه
چربی گرفته شده
از شیر و ماست
Indo-European
Mad: wet, also coagulated خیس، ماسیده
POK:694, EIV:253
Sanskrit / Armenian
mâstu, maccum: yogurt, sour cream
POK:694
Persian
maskeh: butter, milk fat مَسکه (ماست، ماسیدن)
HRN:215, POK:694, BQT:1941, EIV:254
مشت۱
Indo-European
Meuk 1: scratch, rub خراش ، مالش
POK:745
Avestan
mušti: fist
POK:745
Persian
mošt: fist مشت۱
BQT:2010, HRN:220
مُشت۲
رجوع شود به: مُشتن
مُشتن
Indo-European
Mêlg, Marz?: to wipe off, rub, milk
لمس کردن، پاک کردن، دوشیدن
POK:722, EIV:180, 269
Avestan
marz, marez, mrz, mard: to wipe, rub
POK:722, FFD:77, EIV:180
Persian
moštan: to rub, massage
مُشتن (مُشت۲)
BQT, HRN, SYN, MON, SNS, FFD



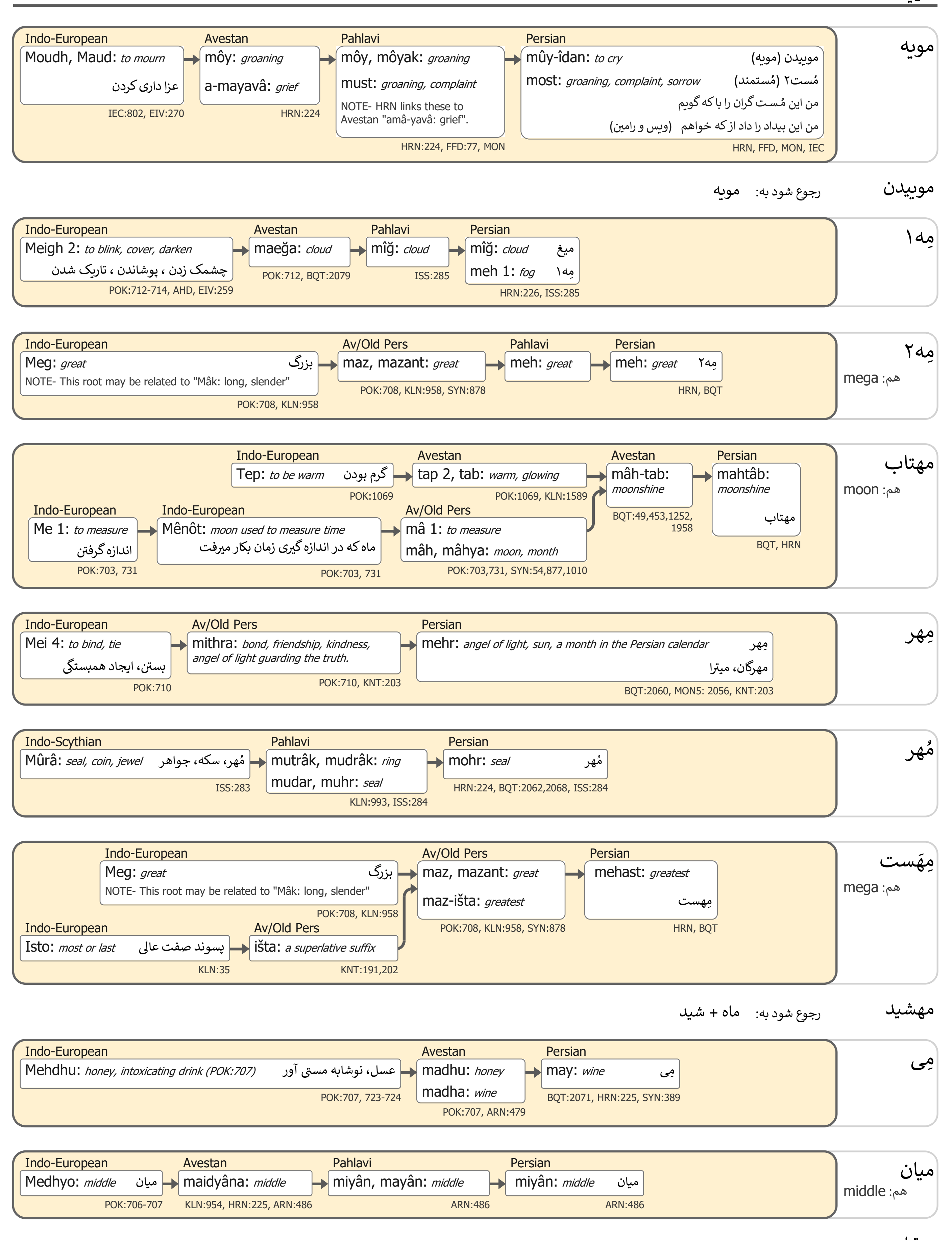
مُشک۱
هم: موش
muscle :هم
Indo-European
Mu: a mouse, muscle
موش، ماهیچه
POK:752
Sanskrit
mus: mouse
muska: testicle, scrotum
Persian
mošk: musk مُشک۱
mešk: musk مِشک۲ (بیدمشک)
meškî: musk color, black مِشکی
POK, BQT, MON
Greek
Latin
muskus
French
English
musk
AHD:865
NOTE- Greek may have borrowed it from Pahlavi rather than Persian
مِشک۲
رجوع شود به: مُشک۱
مَشک۳
Indo-European
Moisos, Maiša: sheepskin
گوسفند، پوست گوسفند
POK:747, ARN:473, EIV:261
Sanskrit
mêšâ, mašakah: animal skin used for carrying water
KLN:1018
Pahlavi
mašk: leather
BQT:2014
Persian
mašk: animal skin for carrying water مَشک۳ (مَشکو۱)
maškû: (royal) tent مَشکو۲
فغستان چو آمد به مَشکوی شاه
یکی تاج بر سر زمشک سیاه (فردوسی)
MON, BQT
مَشکو۱
رجوع شود به: مَشک۳
مَشکو۲
رجوع شود به: مَشک۳
مِشکی
رجوع شود به: مُشک۱
مشیا
آدم
mortal :هم
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die
فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Avestan
mareta, maša: mortal man
POK:735, BQT:1872,1934,1982-6,
Pahlavi
murdyânag, mašyânag: mortal man
maša: Adam
mašyôi: Eve
SOD:219, BQT:2017
Persian
mašyâ: Adam مشیا
mašyâneh: Eve مشیانه
SOD:218, BQT:2017
مشیانه
رجوع شود به: مشیا
مصطکی
mustache :هم
Indo-European
Menth 1: mouth, to chew دهان، جویدن
POK:732
Greek
mustax: upper lip
mastixê: chewing gum
POK:732, AHD:1529
Arabic
mastakî
TAD:69
Persian
mastakî: a resinous plant and its chewable resin
مصطکی
MON:4173
مطموره
نهانخانه
Aramaic
Temar: he concealed پنهان کرد
KLN:948
Arabic
timara: he concealed
matmûrah: a hiding place, storage
KLN:948
Persian
matmûreh: an underground storage place مطموره
FVA:251, MON
مُغ
might :هم
Indo-European
Magh: might, power
توان، قدرت
POK:695
Av/Old Pers
magus, maeg, megan,moghu: Zoroastrian priest
POK:695, AHD, KLN:923
Pahlavi
magu: Zoroastrian priest
MON:4248,4421
Persian
moğ: Zoroastrian priest
مُغ (مَغ۱)
MON
مَغ۱
رجوع شود به: مُغ
مَغ۲
Avestan
Mağa: hole, recess سوراخ، فرورفتگی
HRN:221, MPP:85
Persian
mağ: hole, a place dug in ground مَغ۲، مَغاک، مُغاک
ابله و فرزانه را فرجام خاک
جایگاه هر دو اندر یک مغاک (رودکی)
BQT:2021, MPP:85, FRS:145
مغازه
magazine :هم
Parthian
Gzn: treasure
گنج
SOD:182
Pahlavi
ganj: treasure
BQT:1841, FVQ:122
Arabic
kanz: treasure
FVQ:251
Arabic
maxzan: storage
PLA:108, FVQ:122
Italian
mazzazino: storage
Turkish
maghazeh: store
NOTE- through French
ETM:70
Persian
mağâzeh: store
مغازه
ETM:70
NOTE- FVQ claims The Pahlavi word is possibly borrowed from a Median root
مغاک
رجوع شود به: مَغ۲
مغز
رجوع شود به: مزغ



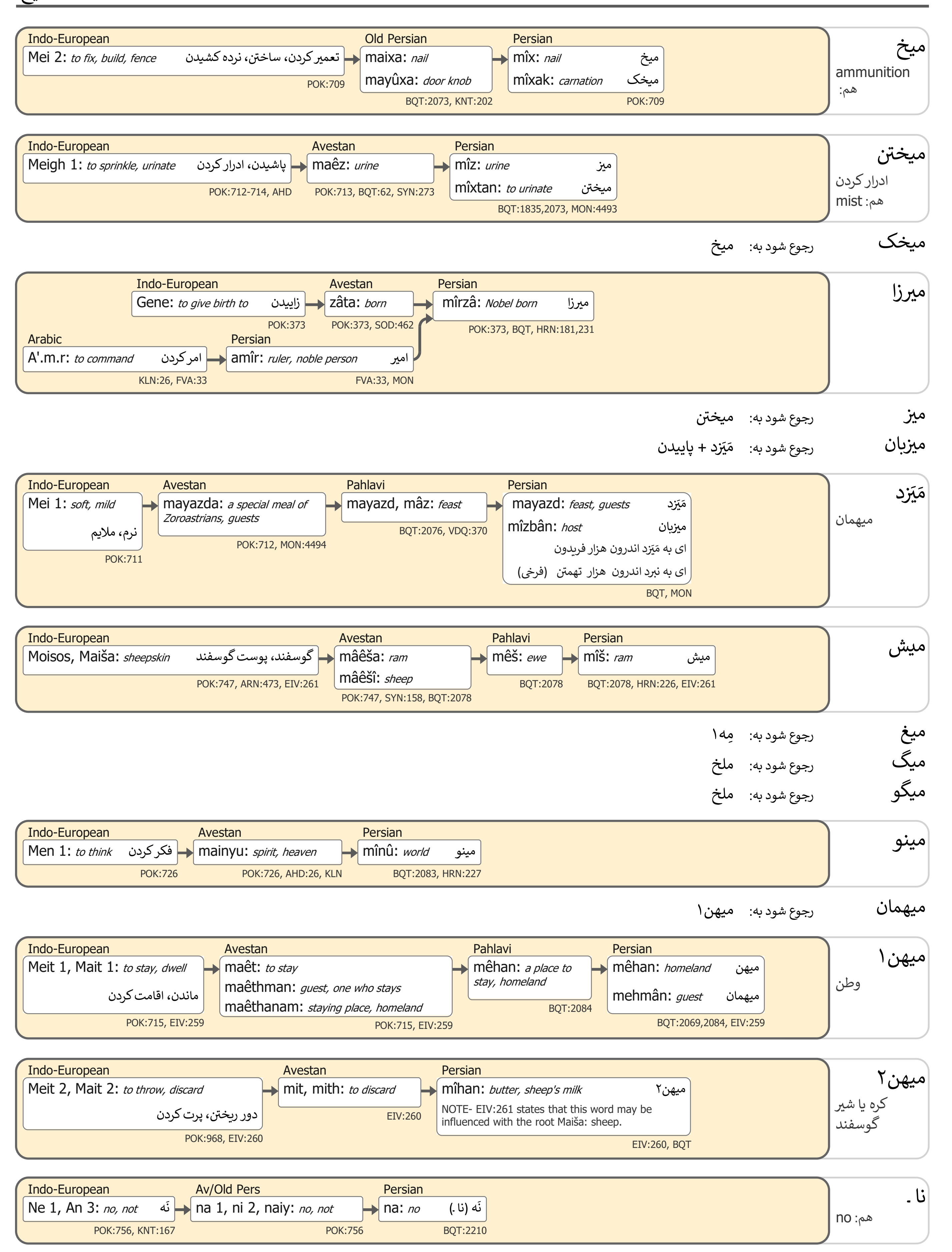
مفت
moist :هم
Indo-European
Meug: wet, slippery, also to give up, describe مرطوب ، لغزنده ، رها کردن، توضیح دادن
POK:744
Sanskrit
mûkti: thrown away (worthless)
POK:744
Persian
moft: free مفت
BQT:2024, HRN:221
Indo-European
Meug: wet, slippery, also to give up, describe
POK:744
Old Persian
a-mutha, a-muntha: fled
POK:744
Persian
?
مُفلس
رجوع شود به: فَلس
مکیدن
Indo-European
Maič, Mač: to suck مکیدن
EIV:357-360
Avestan
maêkant: oozing
EIV:357-360
Pahlavi
mêz, myc: to suck, taste
EIV:357-360
Persian
makîdan: to suck مکیدن
EIV:357-360
مگر
رجوع شود به: اگر
مگس
Indo-European
Mako: house fly مگس
POK:699
Avestan
maxši: house fly
POK:699, SYN:193
Pahlavi
maxš: house fly
makas, magas: fly
HRN:221, SNS:238, ISS:278
Persian
magas: house fly مگس
BQT:2029, HRN:221
NOTE- see "Mû: a kind of fly" for an alternative root.
مگس
Indo-European
Mû, Mus: fly مگس
POK:752, ARN:476
Avestan
maxši: house fly
SYN:193, ARN:476
Pahlavi
maxš: house fly
makas, magas: fly
HRN:221, SNS:238, ISS:278
Persian
magas: house fly مگس
BQT:2029, HRN:221
NOTE- see "Mako: fly" for an alternative root.
مُل
Indo-European
Mehdhu: honey, intoxicating drink (POK:707) عسل، نوشابه مستی آور
POK:707, 723-724
Avestan
madhu: honey
madha: wine
POK:707, ARN:479
Persian
mol: wine مُل
BQT:2071, HRN:225, SYN:389
NOTE- For another possible root see" Mer 2: rub away".
مُل
Indo-European
Mer 2: to rub away, harm, die فرسوده شدن، مردن
POK:735,970, AHD:1529
Old Persian
mard: crush
mard-una: crusher of grapes, wine maker
KNT:203
Persian
mol: wine مُل
KNT:203
NOTE- For another possible root see "Mehdhu: honey, intoxicating drink".
ملخ
Av/Old Pers
Madhaxa, Mazaxa: grasshopper ملخ
NOTE-BQT introduction (page 18) indicates that these words are from a Sogdian root and cognate with Armenian "marax".
HRN:227, HUB:100
Pahlavi
madhax, mazax, matax: grasshopper
maig: a kind of grasshopper, also shrimp
HRN:222,227, BQT:2031
Persian
malax: grasshopper ملخ
mayg: shrimp میگ (میگو)
HRN:222,227, BQT:2031, MON:4503
ملغم
melt :هم
Indo-European
Mel 3: soft, soft material نرم، اجناس نرم
POK:716
Greek
malagma: soft material
POK:719
Arabic
al-malagma: the "soft" material
KLN:58
Persian
malğam: paste ملغم
MON:4345
ممه
رجوع شود به: ماما
من۱
me, my :هم
Indo-European
Me 2, Meh: me, I من
POK:702
Av/Old Pers
manâ: me, mine
KLN:763, POK:291, ARN:478
Persian
man: me, I من۱
BQT:2036, SNS:221, ARN:478
من۲
سه کیلوگرم
Sumerian
Mana: an ancient unit of weight واحد قدیمی وزن
AKD:20,21, KLN:982
Akkadian
mânu: unit of weight
AKD:20,21
Sanskrit
manâ
KLN:949
Persian
man 2: a unit of weight equal to 3 kilograms من۲
BQT:2035
من۳.
رجوع شود به: مان۳.

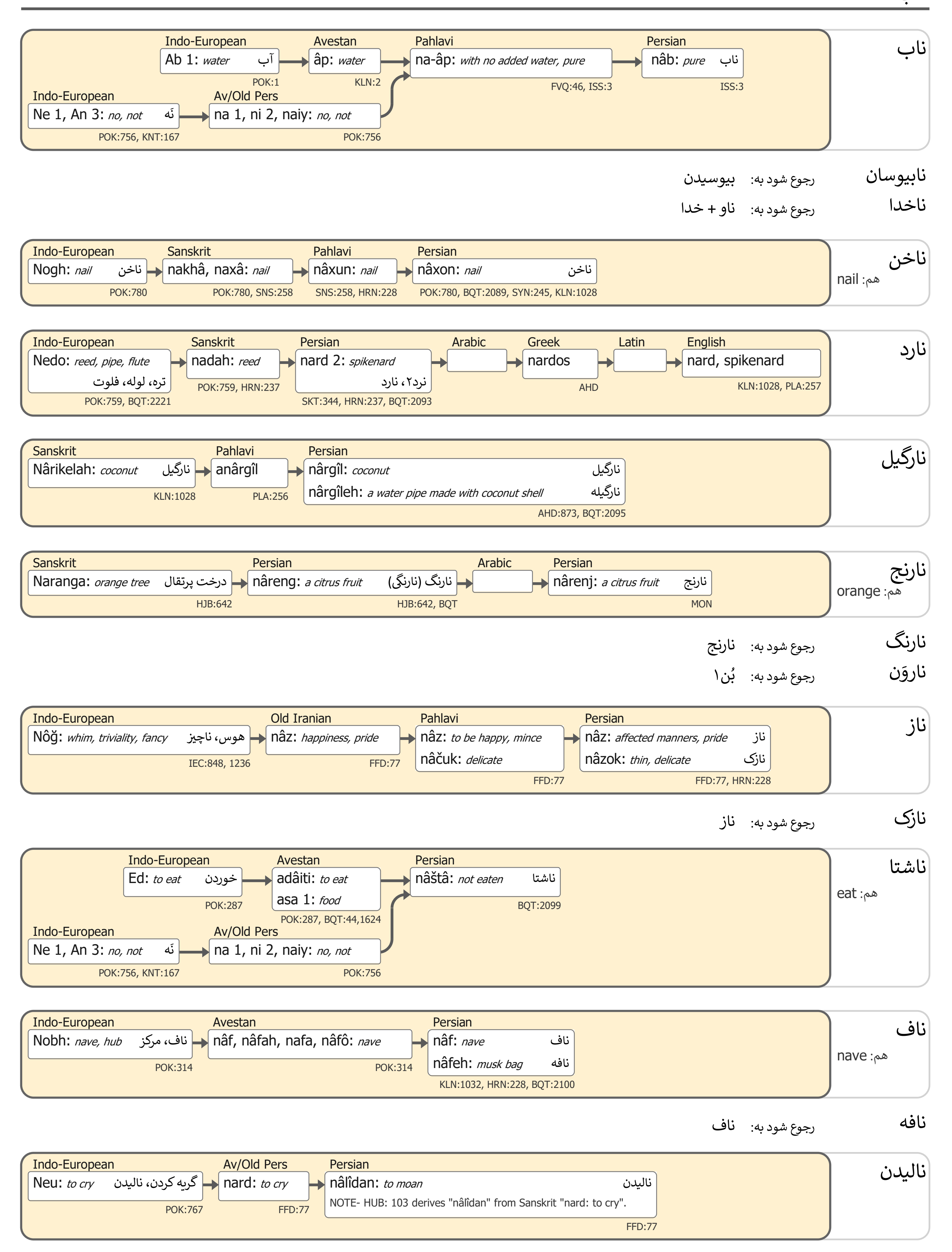


مَنج
زنبور عسل
هم: mildew
Indo-European
Mehdhu: honey, intoxicating drink (POK:707)
عسل، نوشابه مستی آور
POK:707, 723-724
Indo-European
Mehlit: honey (POK:723) عسل
POK:707, 723-724
Avestan
madhu: honey
POK:707, ARN:479
Persian
manj: honeybee, honey مَنج
ARN:479
منجنیق
هم: mechanics
Indo-European
Magh: might, power توان، قدرت
POK:695
Greek
maxanikon: a war machine
KLN:919, AHD:780
Persian
manjanîk: catapult منجنیک، منجنیق
BQT:2039, FSF:311, AFM:164, MON:4384
منجنیک
رجوع شود به: منجنیق
. مند
Indo-European
Menth 2: to turn, stir
هم زدن، چرخاندن
POK:732
Avestan
mant, vant: to stir, be in control, own
POK:732, BQT:2040, FSF:311
Pahlavi
mand, omand: owner, with, like
BQT:2040
Persian
-mand: (suffix) owner of, with
مند (هنرمند)
BQT:2040, FSF:311
مندیل
دستار
هم: manteau
Latin
Mantil: cloak خرقه
SYN:417, KLN:932
Arabic
mandil: turban, napkin
KLN:932
Persian
mandîl: napkin, turban مندیل
MON:4389
منش
هم: mind
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
Pahlavi
mênîšm: manners
SNS:240,254
Persian
maneš: mind and manners منش
BQT
منوچهر
"با چهره مردانه"
Indo-European
Skai: shining, bright درخشان، روشن
POK:917
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Indo-European
Manu: thinker, man
KLN:930, POK:700
Avestan
čitra: clarity, face, also race and origin
manuš-čitra: with a manly face
POK:700,916, BQT:2047,674, KNT:184
Persian
Manûčehr: "with manly face" منوچهر
BQT, MON
موبد
رجوع شود به: مُغ + بُد
مور
Indo-European
Morwi: ant مورچه
POK:749
Avestan
maoirî: ant
POK:749
Pahlavi
môr, môrčag: ant
BQT:2049, SNS:248
Persian
mûr: ant مور (مورچه)
BQT:2049
مورچه
رجوع شود به: مور
موزه
چکمه
Indo-European
Meuk 2: stocking, boot
جوراب ساق بلند ، چکمه
IEC:1643, EIV:138
Avestan
maoč, muxtâ: shoe, boot
paitiš-mauc: to shoe, to wear
fra-muxti: to take out (shoes)
HRN:223, EIV:138, SNS:247
Pahlavi
môzag, mûčak: shoe, boot
paymōz-: to wear
BQT:2051, EIV:138
Persian
mûzeh: boot, shoe موزه۲
paymôzidn: to dress, to wear پیموزیدن، پیموختن ؟
همیشه به یک ساق موزه درون
یکی خنجری داشتی آبگون (فردوسی)
MON, EIV:138
موش
هم: muscle
Indo-European
Mu: a mouse, muscle موش، ماهیچه
POK:752
Persian
muš: mouse موش
mâhîčeh: muscle ماهیچه
POK:752, BQT:2053 ARN:465
موق
چکمه
Indo-European
Meuk 2: stocking, boot
جوراب ساق بلند ، چکمه
IEC:1643, EIV:138
Avestan
maoč, muxtâ: shoe, boot
HRN:223, EIV:138, SNS:247
Pahlavi
môzag, mûčak: shoe, boot
BQT:2051, EIV:138
Arabic
EIV:138
Persian
môq: large boot موق
EIV:138
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
موک
نیش
Indo-European
Mûk: pile, peak, spike تپه، قله، نوک
POK:752, IEC:814
Persian
mûk: sting موک
IEC:814, MON:4445

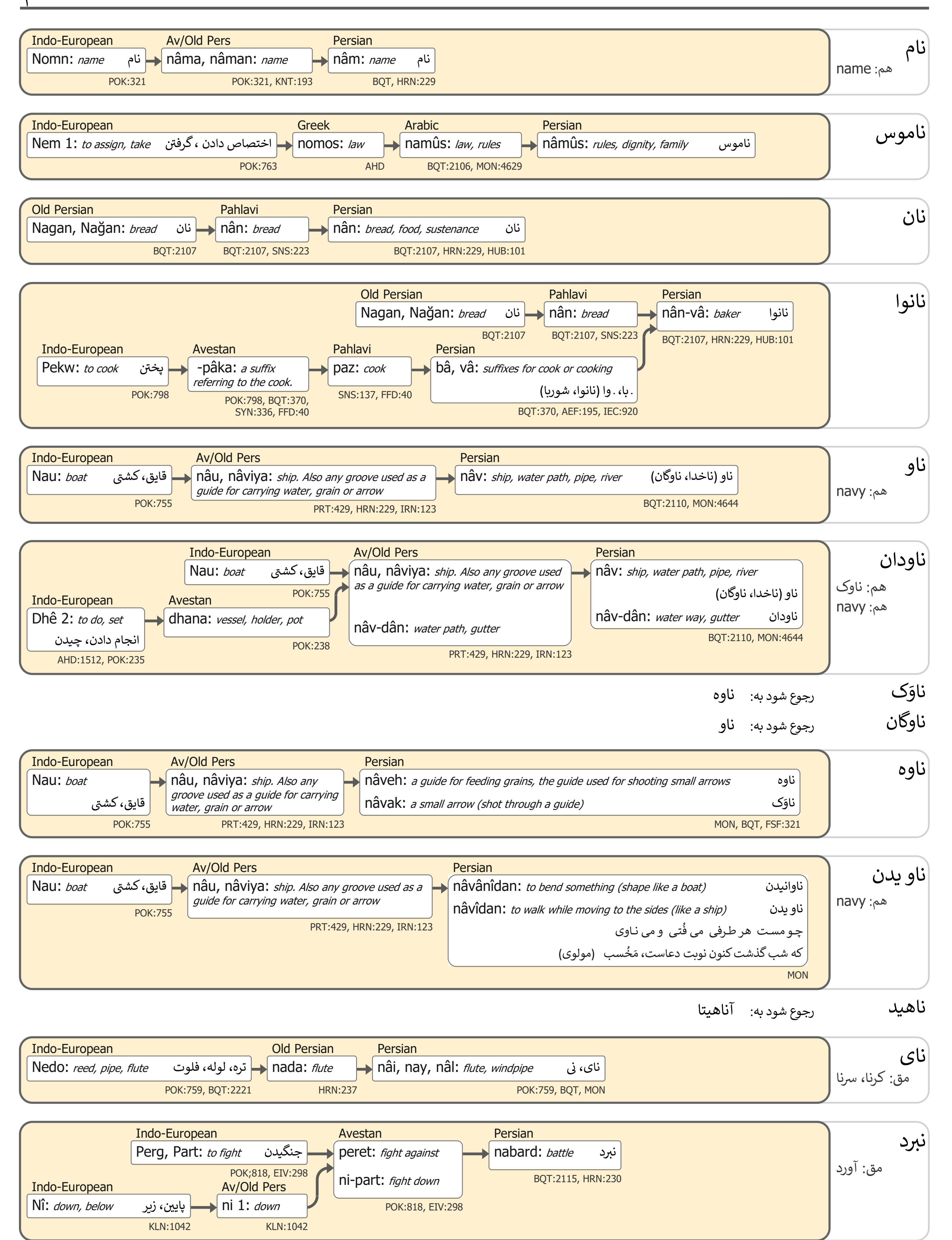


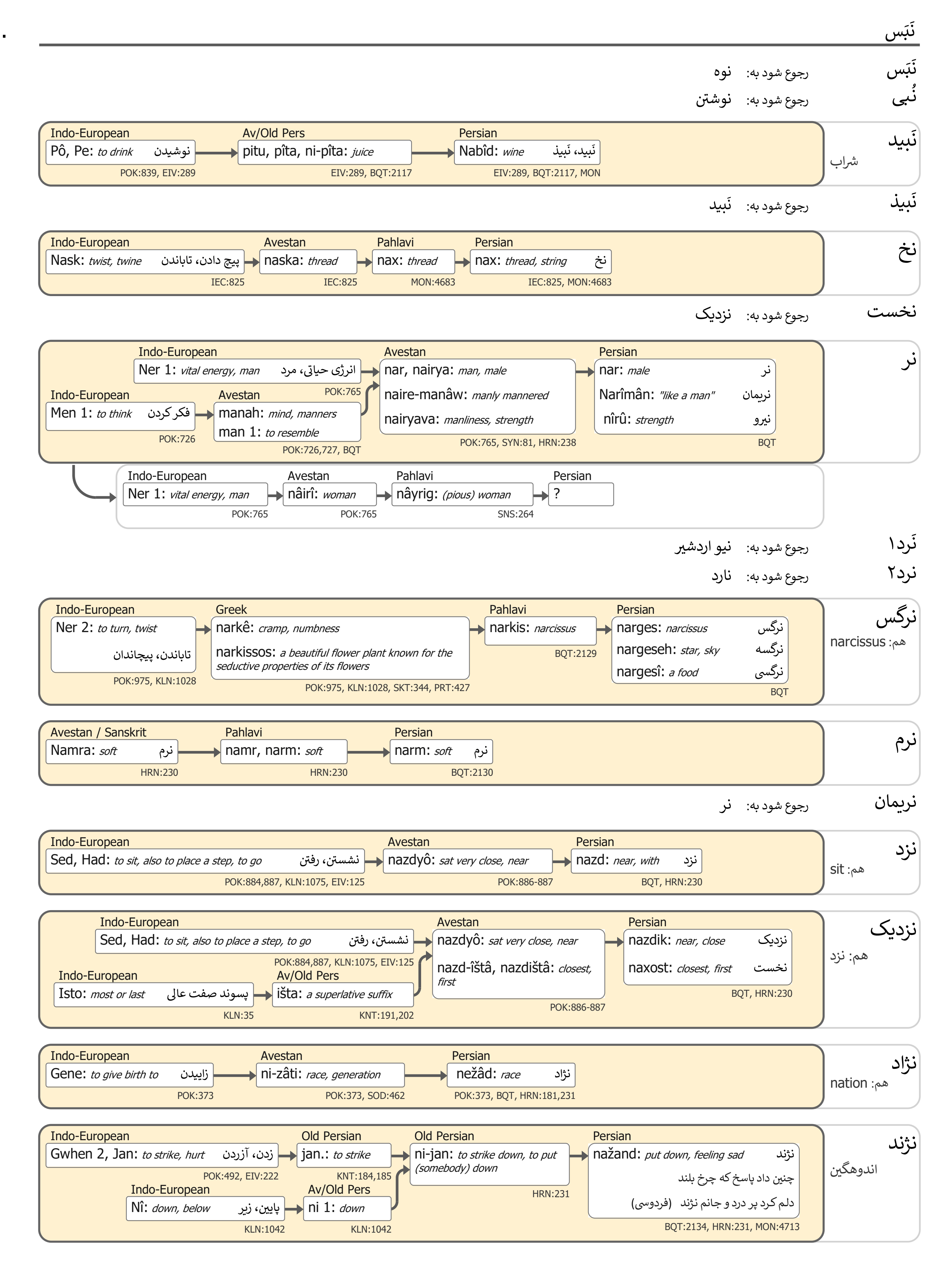
مویه
Indo-European
Moudh, Maud: to mourn
عزا داری کردن
IEC:802, EIV:270
Avestan
môy: groaning
a-mayavâ: grief
HRN:224
Pahlavi
môy, môyak: groaning
must: groaning, complaint
NOTE- HRN links these to Avestan "amâ-yavâ: grief".
HRN:224, FFD:77, MON
Persian
mûy-îdan: to cry
موییدن (مویه)
most: groaning, complaint, sorrow
مُست۲ (مُستمند)
من این مُست گران را با که گویم
من این بیداد را داد از که خواهم (ویس و رامین)
HRN, FFD, MON, IEC
موییدن
رجوع شود به: مویه
مِه۱
Indo-European
Meigh 2: to blink, cover, darken
چشمک زدن ، پوشاندن ، تاریک شدن
POK:712-714, AHD, EIV:259
Avestan
maeğa: cloud
POK:712, BQT:2079
Pahlavi
mîğ: cloud
ISS:285
Persian
mîğ: cloud
میغ
meh 1: fog
مِه۱
HRN:226, ISS:285
مِه۲
هم: mega
Indo-European
Meg: great
بزرگ
NOTE- This root may be related to "Mâk: long, slender"
POK:708, KLN:958
Av/Old Pers
maz, mazant: great
POK:708, KLN:958, SYN:878
Pahlavi
meh: great
Persian
meh: great
مِه۲
HRN, BQT
مهتاب
هم: moon
Indo-European
Tep: to be warm
گرم بودن
POK:1069
Avestan
tap 2, tab: warm, glowing
POK:1069, KLN:1589
Avestan
mâh-tab: moonshine
BQT:49,453,1252, 1958
Persian
mahtâb: moonshine
مهتاب
BQT, HRN
Indo-European
Me 1: to measure
اندازه گرفتن
POK:703, 731
Indo-European
Mênôt: moon used to measure time
ماه که در اندازه گیری زمان بکار میرفت
POK:703, 731
Av/Old Pers
mâ 1: to measure
mâh, mâhya: moon, month
POK:703,731, SYN:54,877,1010
مِهر
Indo-European
Mei 4: to bind, tie
بستن، ایجاد همبستگی
POK:710
Av/Old Pers
mithra: bond, friendship, kindness, angel of light guarding the truth.
POK:710, KNT:203
Persian
mehr: angel of light, sun, a month in the Persian calendar
مِهر
مهرگان، میترا
BQT:2060, MON5: 2056, KNT:203
مُهر
Indo-Scythian
Mûrâ: seal, coin, jewel
مُهر، سکه، جواهر
ISS:283
Pahlavi
mutrâk, mudrâk: ring
mudar, muhr: seal
KLN:993, ISS:284
Persian
mohr: seal
مُهر
HRN:224, BQT:2062,2068, ISS:284
مِهَست
هم: mega
Indo-European
Meg: great
بزرگ
NOTE- This root may be related to "Mâk: long, slender"
POK:708, KLN:958
Av/Old Pers
maz, mazant: great
maz-išta: greatest
POK:708, KLN:958, SYN:878
Persian
mehast: greatest
مِهست
HRN, BQT
Indo-European
Isto: most or last
پسوند صفت عالی
KLN:35
Av/Old Pers
išta: a superlative suffix
KNT:191,202
مهشید
رجوع شود به: ماه + شید
مِی
Indo-European
Mehdhu: honey, intoxicating drink (POK:707)
عسل، نوشابه مستی آور
POK:707, 723-724
Avestan
madhu: honey
madha: wine
POK:707, ARN:479
Persian
may: wine
مِی
BQT:2071, HRN:225, SYN:389
میان
هم: middle
Indo-European
Medhyo: middle
میان
POK:706-707
Avestan
maidyâna: middle
KLN:954, HRN:225, ARN:486
Pahlavi
miyân, mayân: middle
ARN:486
Persian
miyân: middle
میان
ARN:486
میترا
رجوع شود به: مِهر

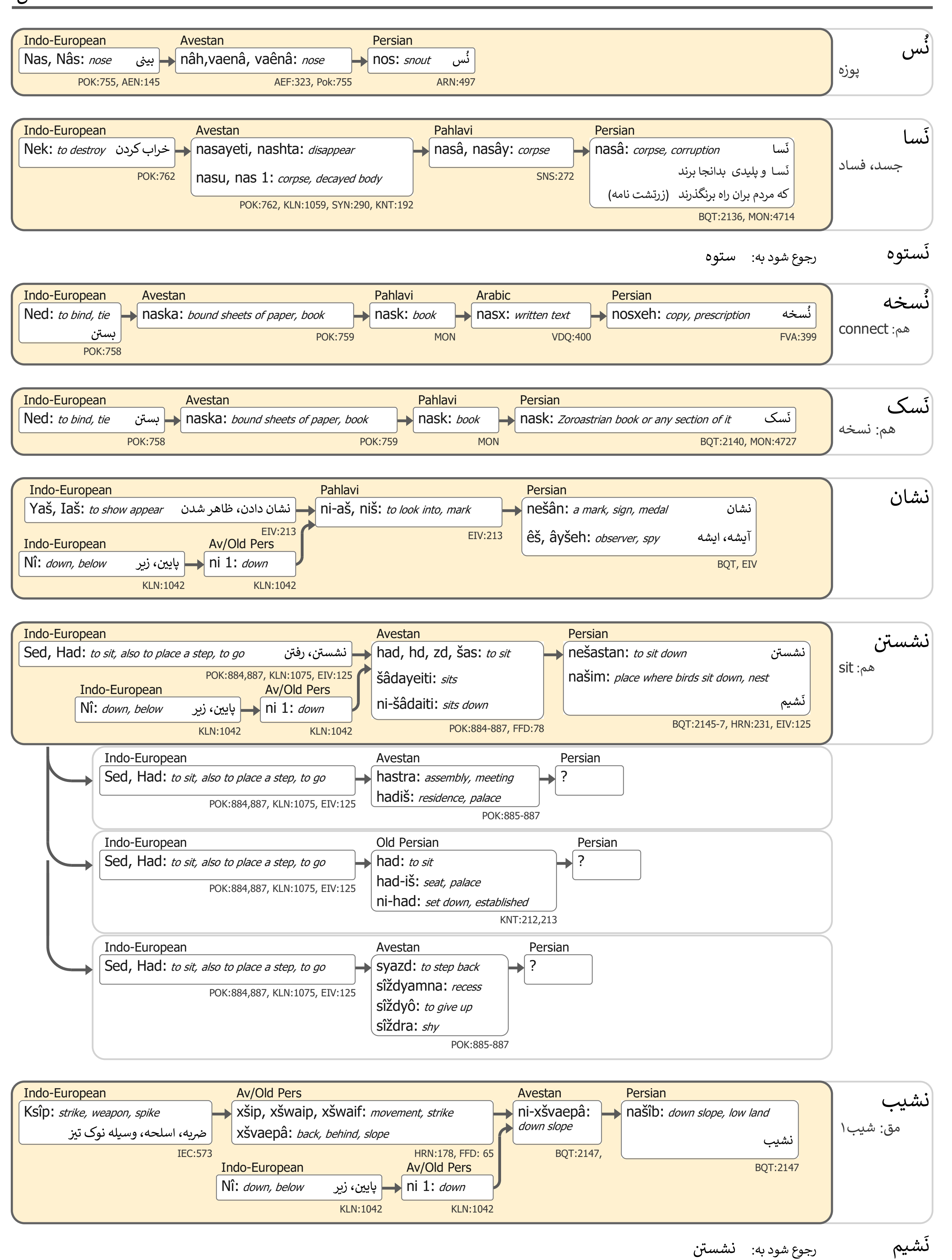

میخ
ammunition
هم:
Indo-European
Mei 2: to fix, build, fence تعمیر کردن، ساختن، نرده کشیدن
POK:709
Old Persian
maixa: nail
mayûxa: door knob
BQT:2073, KNT:202
Persian
mîx: nail میخ
mîxak: carnation میخک
POK:709
میختن
ادرار کردن
mist :هم
Indo-European
Meigh 1: to sprinkle, urinate پاشیدن، ادرار کردن
POK:712-714, AHD
Avestan
maêz: urine
POK:713, BQT:62, SYN:273
Persian
mîz: urine میز
mîxtan: to urinate میختن
BQT:1835,2073, MON:4493
میخک رجوع شود به: میخ
میرزا
Indo-European
Gene: to give birth to زاییدن
POK:373
Avestan
zâta: born
POK:373, SOD:462
Persian
mîrzâ: Nobel born میرزا
POK:373, BQT, HRN:181,231
Arabic
A'.m.r: to command امر کردن
KLN:26, FVA:33
Persian
amîr: ruler, noble person امیر
FVA:33, MON
میز رجوع شود به: میختن
میزبان رجوع شود به: مَیَزد + پاییدن
مَیَزد
میهمان
Indo-European
Mei 1: soft, mild
نرم، ملایم
POK:711
Avestan
mayazda: a special meal of Zoroastrians, guests
POK:712, MON:4494
Pahlavi
mayazd, mâz: feast
BQT:2076, VDQ:370
Persian
mayazd: feast, guests مَیَزد
mîzbân: host میزبان
ای به مَیَزد اندرون هزار فریدون
ای به نبرد اندرون هزار تهمتن (فرخی)
BQT, MON
میش
Indo-European
Moisos, Maiša: sheepskin گوسفند، پوست گوسفند
POK:747, ARN:473, EIV:261
Avestan
mâêša: ram
mâêšî: sheep
POK:747, SYN:158, BQT:2078
Pahlavi
mêš: ewe
BQT:2078
Persian
mîš: ram میش
BQT:2078, HRN:226, EIV:261
میغ رجوع شود به: مِه۱
میگ رجوع شود به: ملخ
میگو رجوع شود به: ملخ
مینو
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
mainyu: spirit, heaven
POK:726, AHD:26, KLN
Persian
mînû: world مینو
BQT:2083, HRN:227
میهمان رجوع شود به: میهن۱
میهن۱
وطن
Indo-European
Meit 1, Mait 1: to stay, dwell
ماندن، اقامت کردن
POK:715, EIV:259
Avestan
maêt: to stay
maêthman: guest, one who stays
maêthanam: staying place, homeland
POK:715, EIV:259
Pahlavi
mêhan: a place to stay, homeland
BQT:2084
Persian
mêhan: homeland میهن
mehmân: guest میهمان
BQT:2069,2084, EIV:259
میهن۲
کره یا شیر گوسفند
Indo-European
Meit 2, Mait 2: to throw, discard
دور ریختن، پرت کردن
POK:968, EIV:260
Avestan
mit, mith: to discard
EIV:260
Persian
mîhan: butter, sheep's milk میهن۲
NOTE- EIV:261 states that this word may be influenced with the root Maiša: sheep.
EIV:260, BQT
نا ـ
no :هم
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
na 1, ni 2, naiy: no, not
POK:756
Persian
na: no نَه (نا ـ)
BQT:2210



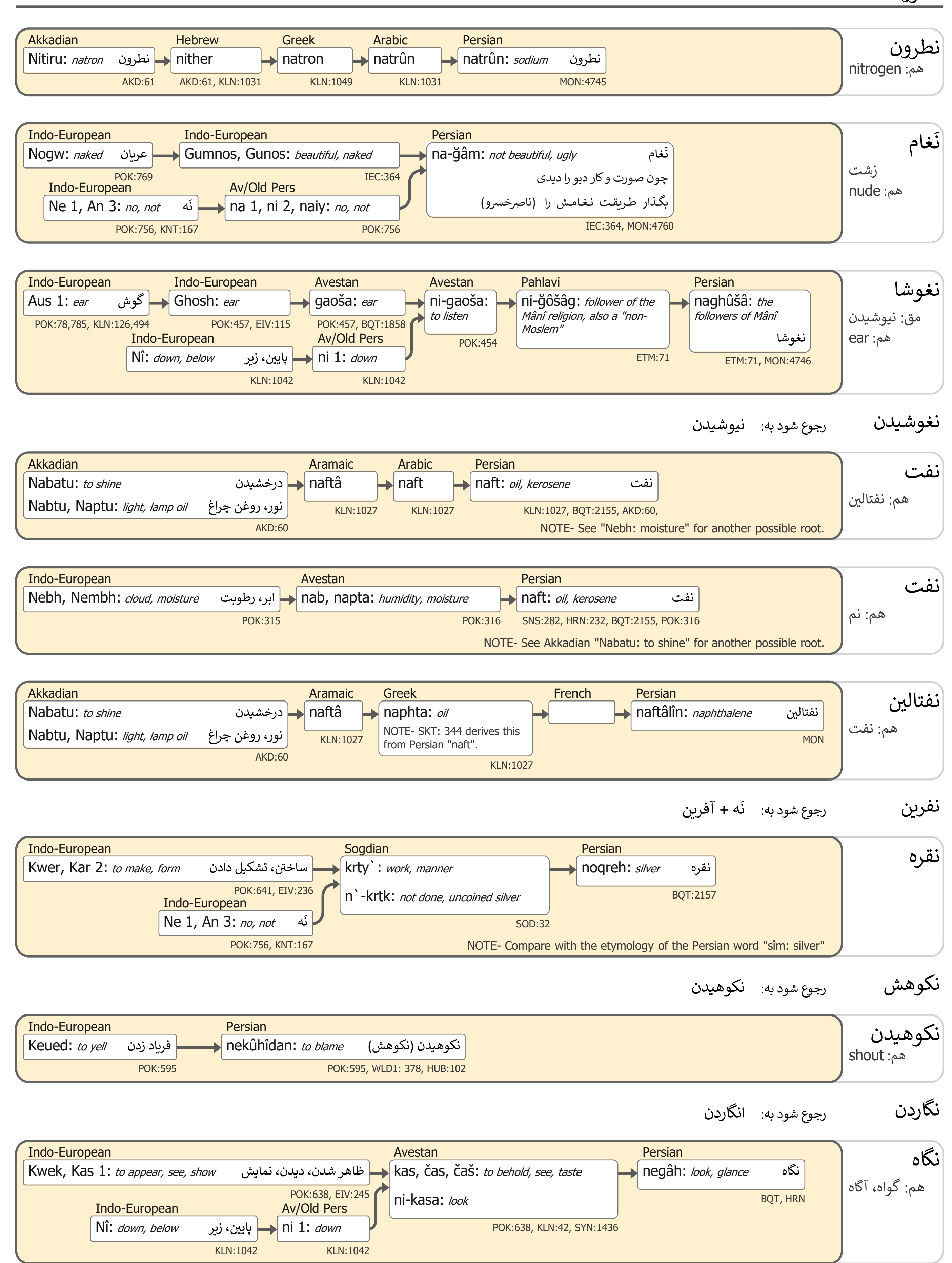
ناب
Indo-European
Ab 1: water آب
POK:1
Avestan
âp: water
KLN:2
Pahlavi
na-âp: with no added water, pure
FVQ:46, ISS:3
Persian
nâb: pure ناب
ISS:3
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
na 1, ni 2, naiy: no, not
POK:756
نابیوسان
رجوع شود به: بیوسیدن
ناخدا
رجوع شود به: ناو + خدا
ناخن
هم: nail
Indo-European
Nogh: nail ناخن
POK:780
Sanskrit
nakhâ, naxâ: nail
POK:780, SNS:258
Pahlavi
nâxun: nail
SNS:258, HRN:228
Persian
nâxon: nail ناخن
POK:780, BQT:2089, SYN:245, KLN:1028
نارد
Indo-European
Nedo: reed, pipe, flute
تره، لوله، فلوت
POK:759, BQT:2221
Sanskrit
nadah: reed
POK:759, HRN:237
Persian
nard 2: spikenard
نرد۲، نارد
SKT:344, HRN:237, BQT:2093
Arabic
Greek
nardos
AHD
Latin
English
nard, spikenard
KLN:1028, PLA:257
نارگیل
Sanskrit
Nârikelah: coconut نارگیل
KLN:1028
Pahlavi
anârgîl
PLA:256
Persian
nârgîl: coconut نارگیل
nârgîleh: a water pipe made with coconut shell نارگیله
AHD:873, BQT:2095
نارنج
هم: orange
Sanskrit
Naranga: orange tree درخت پرتقال
HJB:642
Persian
nâreng: a citrus fruit نارنگ (نارنگی)
HJB:642, BQT
Arabic
Persian
nârenj: a citrus fruit نارنج
MON
نارنگ
رجوع شود به: نارنج
نارَون
رجوع شود به: بُن۱
ناز
Indo-European
Nôğ: whim, triviality, fancy هوس، ناچیز
IEC:848, 1236
Old Iranian
nâz: happiness, pride
FFD:77
Pahlavi
nâz: to be happy, mince
nâčuk: delicate
FFD:77
Persian
nâz: affected manners, pride ناز
nâzok: thin, delicate نازک
FFD:77, HRN:228
نازک
رجوع شود به: ناز
ناشتا
هم: eat
Indo-European
Ed: to eat خوردن
POK:287
Avestan
adâiti: to eat
asa 1: food
POK:287, BQT:44,1624
Persian
nâštâ: not eaten ناشتا
BQT:2099
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
na 1, ni 2, naiy: no, not
POK:756
ناف
هم: nave
Indo-European
Nobh: nave, hub ناف، مرکز
POK:314
Avestan
nâf, nâfah, nafa, nâfô: nave
POK:314
Persian
nâf: nave ناف
nâfeh: musk bag نافه
KLN:1032, HRN:228, BQT:2100
نافه
رجوع شود به: ناف
نالیدن
Indo-European
Neu: to cry گریه کردن، نالیدن
POK:767
Av/Old Pers
nard: to cry
FFD:77
Persian
nâlîdan: to moan نالیدن
NOTE- HUB: 103 derives "nâlîdan" from Sanskrit "nard: to cry".
FFD:77


نام
هم: name
Indo-European
Nomn: name نام
POK:321
Av/Old Pers
nâma, nâman: name
POK:321, KNT:193
Persian
nâm: name نام
BQT, HRN:229
ناموس
Indo-European
Nem 1: to assign, take اختصاص دادن ، گرفتن
POK:763
Greek
nomos: law
AHD
Arabic
namûs: law, rules
BQT:2106, MON:4629
Persian
nâmûs: rules, dignity, family ناموس
نان
Old Persian
Nagan, Nağan: bread نان
BQT:2107
Pahlavi
nân: bread
BQT:2107, SNS:223
Persian
nân: bread, food, sustenance نان
BQT:2107, HRN:229, HUB:101
نانوا
Old Persian
Nagan, Nağan: bread نان
BQT:2107
Pahlavi
nân: bread
BQT:2107, SNS:223
Persian
nân-vâ: baker نانوا
BQT:2107, HRN:229, HUB:101
Indo-European
Pekw: to cook پختن
POK:798
Avestan
-pâka: a suffix referring to the cook.
POK:798, BQT:370, SYN:336, FFD:40
Pahlavi
paz: cook
SNS:137, FFD:40
Persian
bâ, vâ: suffixes for cook or cooking
.با، وا (نانوا، شوربا)
BQT:370, AEF:195, IEC:920
ناو
هم: navy
Indo-European
Nau: boat قایق، کشتی
POK:755
Av/Old Pers
nâu, nâviya: ship. Also any groove used as a guide for carrying water, grain or arrow
PRT:429, HRN:229, IRN:123
Persian
nâv: ship, water path, pipe, river ناو (ناخدا، ناوگان)
BQT:2110, MON:4644
ناودان
هم: ناوک
هم: navy
Indo-European
Nau: boat قایق، کشتی
POK:755
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Avestan
dhana: vessel, holder, pot
POK:238
Av/Old Pers
nâu, nâviya: ship. Also any groove used as a guide for carrying water, grain or arrow
nâv-dân: water path, gutter
PRT:429, HRN:229, IRN:123
Persian
nâv: ship, water path, pipe, river
ناو (ناخدا، ناوگان)
nâv-dân: water way, gutter ناودان
BQT:2110, MON:4644
ناوَک رجوع شود به: ناوه
ناوگان رجوع شود به: ناو
ناوه
Indo-European
Nau: boat قایق، کشتی
POK:755
Av/Old Pers
nâu, nâviya: ship. Also any groove used as a guide for carrying water, grain or arrow
PRT:429, HRN:229, IRN:123
Persian
nâveh: a guide for feeding grains, the guide used for shooting small arrows ناوه
nâvak: a small arrow (shot through a guide) ناوَک
MON, BQT, FSF:321
ناو یدن
هم: navy
Indo-European
Nau: boat قایق، کشتی
POK:755
Av/Old Pers
nâu, nâviya: ship. Also any groove used as a guide for carrying water, grain or arrow
PRT:429, HRN:229, IRN:123
Persian
nâvânîdan: to bend something (shape like a boat) ناوانیدن
nâvîdan: to walk while moving to the sides (like a ship) ناو یدن
چو مست هر طرفی می فُتی و می ناوی
که شب گذشت کنون نوبت دعاست، مَحُسب (مولوی)
MON
ناهید رجوع شود به: آناهیتا
نای
مق: کرنا، سرنا
Indo-European
Nedo: reed, pipe, flute تره، لوله، فلوت
POK:759, BQT:2221
Old Persian
nada: flute
HRN:237
Persian
nâi, nay, nâl: flute, windpipe نای، نی
POK:759, BQT, MON
نبرد
مق: آورد
Indo-European
Perg, Part: to fight جنگیدن
POK;818, EIV:298
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Avestan
peret: fight against
ni-part: fight down
POK:818, EIV:298
Persian
nabard: battle نبرد
BQT:2115, HRN:230

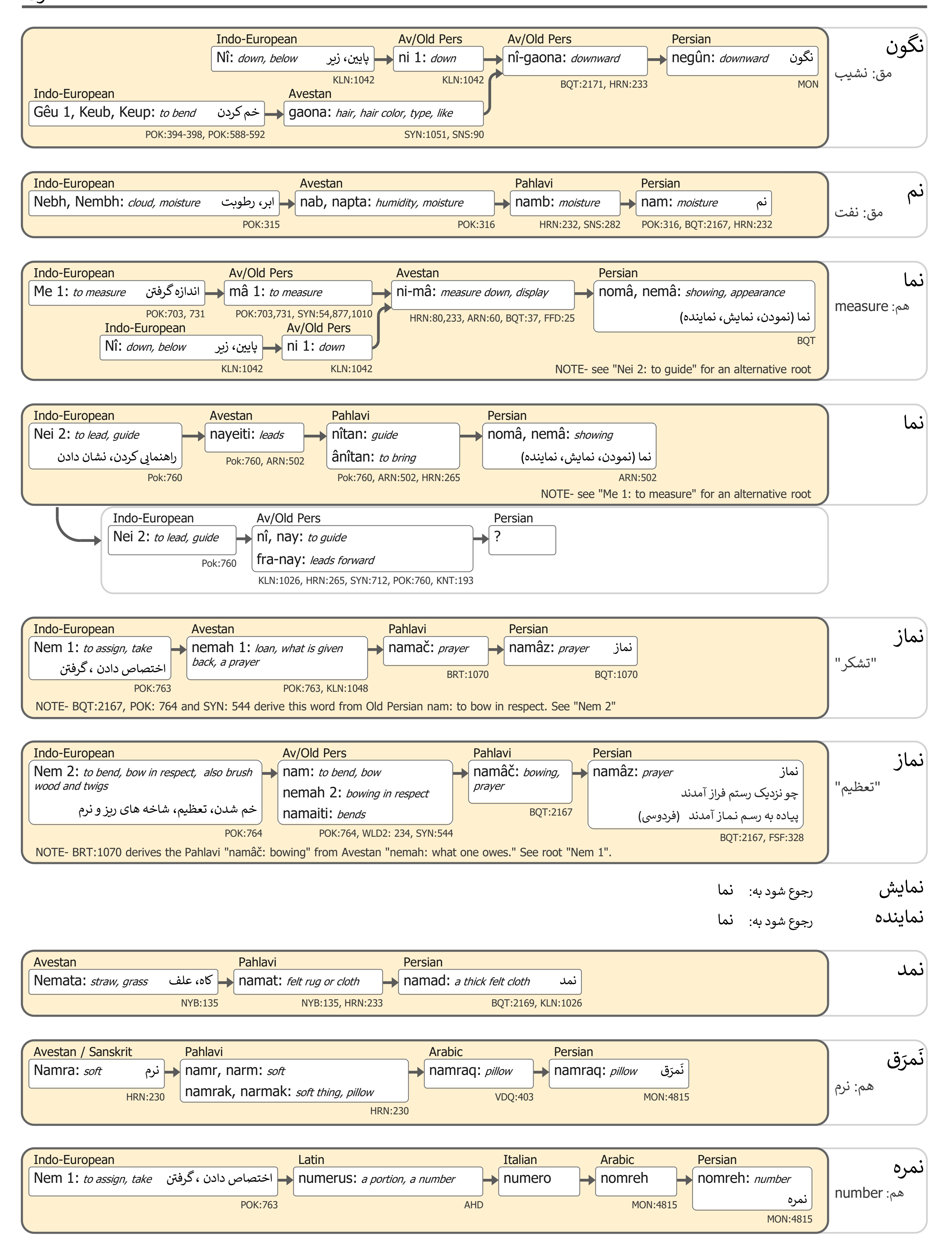

نَبَس رجوع شود به: نوه
نُبی رجوع شود به: نوشتن
نَبید
Indo-European
Pô, Pe: to drink نوشیدن
POK:839, EIV:289
Av/Old Pers
pitu, pîta, ni-pîta: juice
EIV:289, BQT:2117
Persian
Nabîd: wine نَبید، نَبیذ
EIV:289, BQT:2117, MON
شراب
نَبیذ رجوع شود به: نَبید
نخ
Indo-European
Nask: twist, twine پیچ دادن، تاباندن
IEC:825
Avestan
naska: thread
IEC:825
Pahlavi
nax: thread
MON:4683
Persian
nax: thread, string نخ
IEC:825, MON:4683
نخست رجوع شود به: نزدیک
نر
Indo-European
Ner 1: vital energy, man انرژی حیاتی، مرد
POK:765
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
man 1: to resemble
POK:726,727, BQT
Avestan
nar, nairya: man, male
naire-manâw: manly mannered
nairyava: manliness, strength
POK:765, SYN:81, HRN:238
Persian
nar: male نر
Narîmân: "like a man" نریمان
nîrû: strength نیرو
BQT
Indo-European
Ner 1: vital energy, man
POK:765
Avestan
nâirî: woman
POK:765
Pahlavi
nâyrig: (pious) woman
SNS:264
Persian
?
نَرد۱ رجوع شود به: نیو اردشیر
نرد۲ رجوع شود به: نارد
نرگس
Indo-European
Ner 2: to turn, twist
تاباندن، پیچاندن
POK:975, KLN:1028
Greek
narkê: cramp, numbness
narkissos: a beautiful flower plant known for the seductive properties of its flowers
POK:975, KLN:1028, SKT:344, PRT:427
Pahlavi
narkis: narcissus
BQT:2129
Persian
narges: narcissus نرگس
nargeseh: star, sky نرگسه
nargesî: a food نرگسی
BQT
هم: narcissus
نرم
Avestan / Sanskrit
Namra: soft نرم
HRN:230
Pahlavi
namr, narm: soft
HRN:230
Persian
narm: soft نرم
BQT:2130
نریمان رجوع شود به: نر
نزد
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go نشستن، رفتن
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Avestan
nazdyô: sat very close, near
POK:886-887
Persian
nazd: near, with نزد
BQT, HRN:230
هم: sit
نزدیک
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go نشستن، رفتن
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Indo-European
Isto: most or last پسوند صفت عالی
KLN:35
Av/Old Pers
išta: a superlative suffix
KNT:191,202
Avestan
nazdyô: sat very close, near
nazd-îštâ, nazdištâ: closest, first
POK:886-887
Persian
nazdik: near, close نزدیک
naxost: closest, first نخست
BQT, HRN:230
هم: نزد
نژاد
Indo-European
Gene: to give birth to زاییدن
POK:373
Avestan
ni-zâti: race, generation
POK:373, SOD:462
Persian
nežâd: race نژاد
POK:373, BQT, HRN:181,231
هم: nation
نژند
Indo-European
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt زدن، آزردن
POK:492, EIV:222
Old Persian
jan.: to strike
KNT:184,185
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Old Persian
ni-jan: to strike down, to put (somebody) down
HRN:231
Persian
nažand: put down, feeling sad نژند
چنین داد پاسخ که چرخ بلند
دلم کرد پر درد و جانم نژند (فردوسی)
BQT:2134, HRN:231, MON:4713
اندوهگین



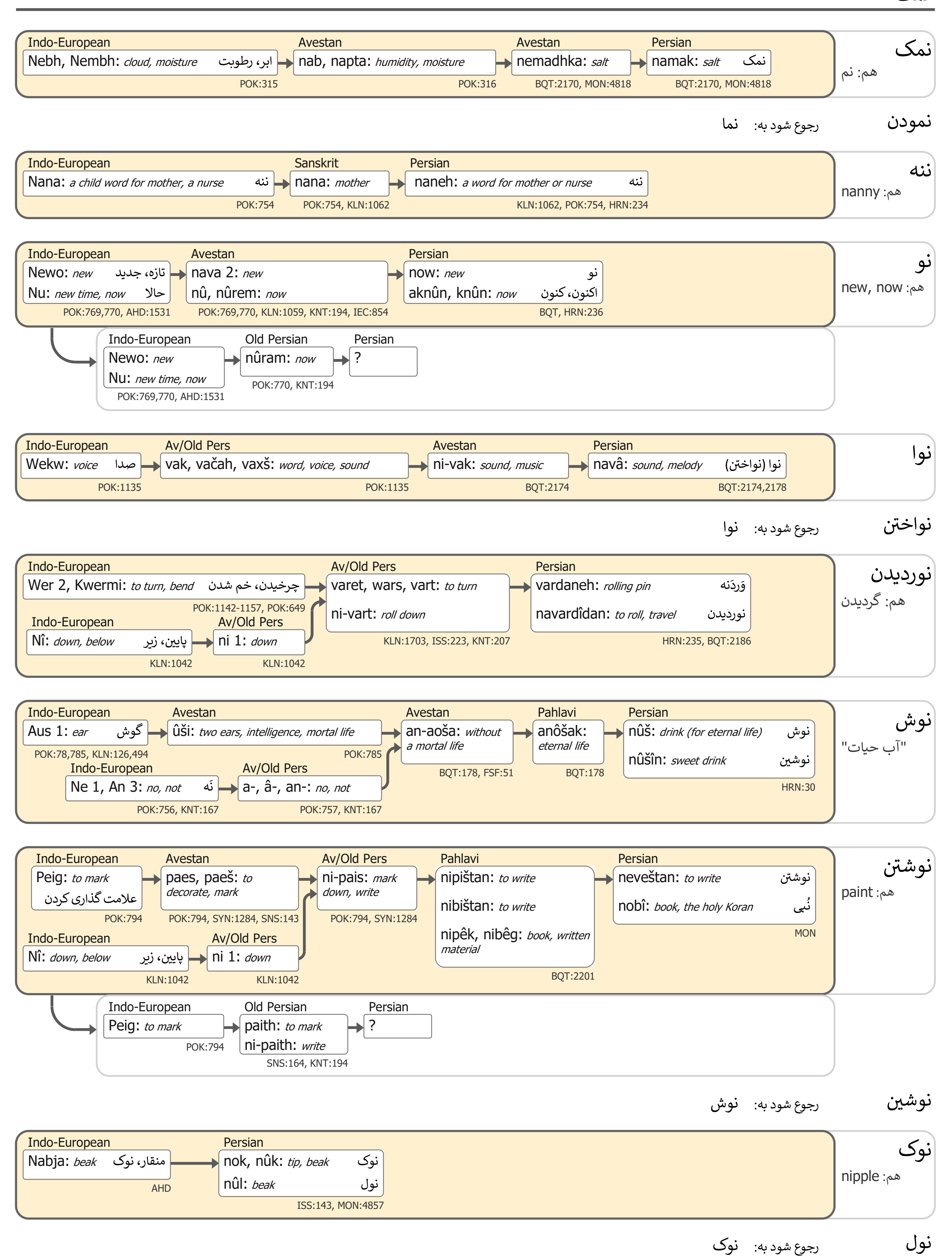
نُس
پوزه
Indo-European
Nas, Nâs: nose بینی
POK:755, AEN:145
Avestan
nâh,vaenâ, vaênâ: nose
AEF:323, Pok:755
Persian
nos: snout نُس
ARN:497
نَسا
جسد، فساد
Indo-European
Nek: to destroy خراب کردن
POK:762
Avestan
nasayeti, nashta: disappear
nasu, nas 1: corpse, decayed body
POK:762, KLN:1059, SYN:290, KNT:192
Pahlavi
nasâ, nasây: corpse
SNS:272
Persian
nasâ: corpse, corruption نَسا
نَسا و پلیدی بدانجا برند
که مردم بران راه برنگذرند (زرتشت نامه)
BQT:2136, MON:4714
نَستوه
رجوع شود به: ستوه
نُسخه
هم: connect
Indo-European
Ned: to bind, tie بستن
POK:758
Avestan
naska: bound sheets of paper, book
POK:759
Pahlavi
nask: book
MON
Arabic
nasx: written text
VDQ:400
Persian
nosxeh: copy, prescription نُسخه
FVA:399
نَسک
هم: نسخه
Indo-European
Ned: to bind, tie بستن
POK:758
Avestan
naska: bound sheets of paper, book
POK:759
Pahlavi
nask: book
MON
Persian
nask: Zoroastrian book or any section of it نَسک
BQT:2140, MON:4727
نشان
Indo-European
Yaš, Iaš: to show appear نشان دادن، ظاهر شدن
EIV:213
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Pahlavi
ni-aš, niš: to look into, mark
EIV:213
Persian
nešân: a mark, sign, medal نشان
êš, âyšeh: observer, spy آیشه، ایشه
BQT, EIV
نشستن
هم: sit
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go نشستن، رفتن
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Avestan
had, hd, zd, šas: to sit
šâdayeiti: sits
ni-šâdaiti: sits down
POK:884-887, FFD:78
Persian
nešastan: to sit down نشستن
našim: place where birds sit down, nest
نَشیم
BQT:2145-7, HRN:231, EIV:125
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Avestan
hastra: assembly, meeting
hadiš: residence, palace
POK:885-887
Persian
?
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Old Persian
had: to sit
had-iš: seat, palace
ni-had: set down, established
KNT:212,213
Persian
?
Indo-European
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go
POK:884,887, KLN:1075, EIV:125
Avestan
syazd: to step back
sîždyamna: recess
sîždyô: to give up
sîždra: shy
POK:885-887
Persian
?
نشیب
مق: شیب۱
Indo-European
Ksîp: strike, weapon, spike
ضربه، اسلحه، وسیله نوک تیز
IEC:573
Av/Old Pers
xšip, xšwaip, xšwaif: movement, strike
xšvaepâ: back, behind, slope
HRN:178, FFD: 65
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Avestan
ni-xšvaepâ: down slope
BQT:2147,
Persian
našîb: down slope, low land
نشیب
BQT:2147
نَشیم
رجوع شود به: نشستن



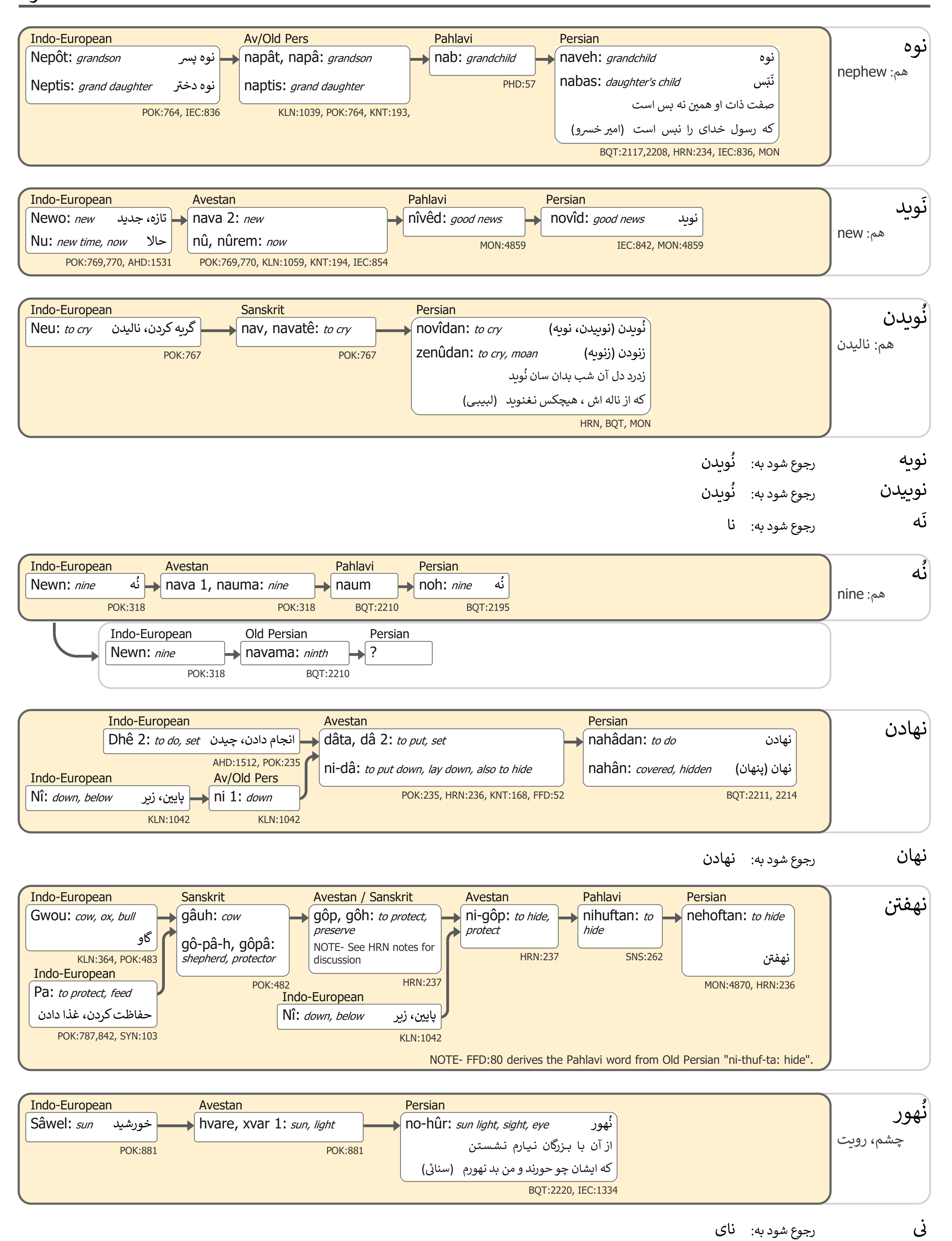
نطرون
nitrogen :هم
Akkadian
Nitiru: natron نطرون
AKD:61
Hebrew
nither
AKD:61, KLN:1031
Greek
natron
KLN:1049
Arabic
natrûn
KLN:1031
Persian
natrûn: sodium نطرون
MON:4745
نَغام
زشت
nude :هم
Indo-European
Nogw: naked عریان
POK:769
Indo-European
Gumnos, Gunos: beautiful, naked
IEC:364
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
na 1, ni 2, naiy: no, not
POK:756
Persian
na-ğâm: not beautiful, ugly نَغام
چون صورت و کار دیو را دیدی
بگذار طریقت نغامش را (ناصرخسرو)
IEC:364, MON:4760
نغوشا
مق: نیوشیدن
ear :هم
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Indo-European
Ghosh: ear
POK:457, EIV:115
Avestan
gaoša: ear
POK:457, BQT:1858
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Avestan
ni-gaoša: to listen
POK:454
Pahlavi
ni-ğôšâg: follower of the Mânî religion, also a "non-Moslem"
ETM:71
Persian
naghûšâ: the followers of Mânî نغوشا
ETM:71, MON:4746
نغوشیدن
رجوع شود به: نیوشیدن
نفت
هم: نفتالین
Akkadian
Nabatu: to shine درخشیدن
Nabtu, Naptu: light, lamp oil نور، روغن چراغ
AKD:60
Aramaic
naftâ
KLN:1027
Arabic
naft
KLN:1027
Persian
naft: oil, kerosene نفت
KLN:1027, BQT:2155, AKD:60,
NOTE- See "Nebh: moisture" for another possible root.
نفت
هم: نم
Indo-European
Nebh, Nembh: cloud, moisture ابر، رطوبت
POK:315
Avestan
nab, napta: humidity, moisture
POK:316
Persian
naft: oil, kerosene نفت
SNS:282, HRN:232, BQT:2155, POK:316
NOTE- See Akkadian "Nabatu: to shine" for another possible root.
نفتالین
هم: نفت
Akkadian
Nabatu: to shine درخشیدن
Nabtu, Naptu: light, lamp oil نور، روغن چراغ
AKD:60
Aramaic
naftâ
KLN:1027
Greek
naphta: oil
NOTE- SKT: 344 derives this from Persian "naft".
KLN:1027
French
Persian
naftâlîn: naphthalene نفتالین
MON
نفرین
رجوع شود به: نَه + آفرین
نقره
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Sogdian
krty`: work, manner
n`-krtk: not done, uncoined silver
SOD:32
Persian
noqreh: silver نقره
BQT:2157
NOTE- Compare with the etymology of the Persian word "sîm: silver"
نکوهش
رجوع شود به: نکوهیدن
نکوهیدن
shout :هم
Indo-European
Keued: to yell فریاد زدن
POK:595
Persian
nekûhîdan: to blame نکوهیدن (نکوهش)
POK:595, WLD1: 378, HUB:102
نگاردن
رجوع شود به: انگاردن
نگاه
هم: گواه، آگاه
Indo-European
Kwek, Kas 1: to appear, see, show ظاهر شدن، دیدن، نمایش
POK:638, EIV:245
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Avestan
kas, čas, čaš: to behold, see, taste
ni-kasa: look
POK:638, KLN:42, SYN:1436
Persian
negâh: look, glance نگاه
BQT, HRN



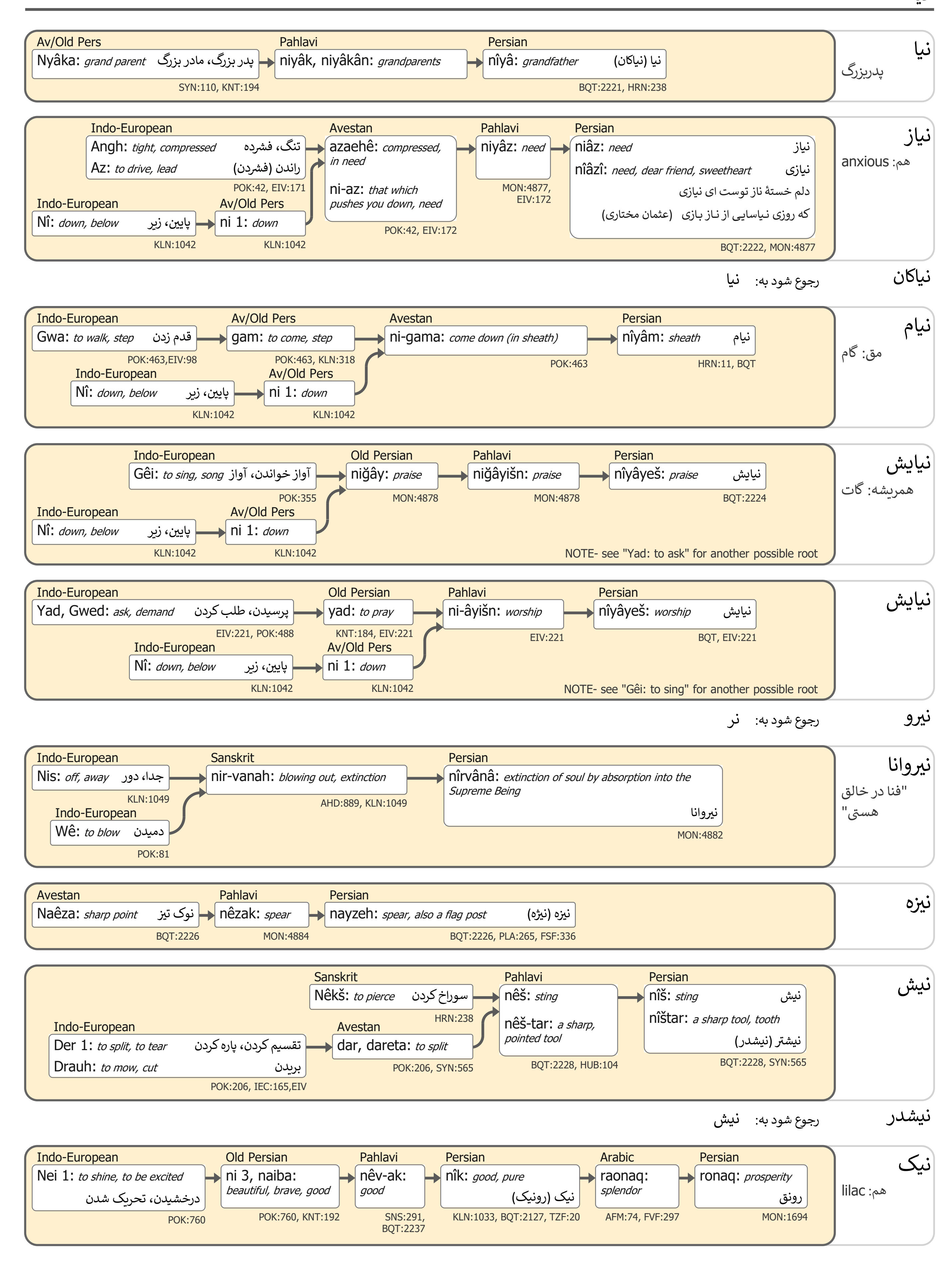
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Av/Old Pers
nî-gaona: downward
BQT:2171, HRN:233
Persian
negûn: downward نگون
MON
Indo-European
Gêu 1, Keub, Keup: to bend خم کردن
POK:394-398, POK:588-592
Avestan
gaona: hair, hair color, type, like
SYN:1051, SNS:90
نگون
مق: نشیب
Indo-European
Nebh, Nembh: cloud, moisture ابر، رطوبت
POK:315
Avestan
nab, napta: humidity, moisture
POK:316
Pahlavi
namb: moisture
HRN:232, SNS:282
Persian
nam: moisture نم
POK:316, BQT:2167, HRN:232
نم
مق: نفت
Indo-European
Me 1: to measure اندازه گرفتن
POK:703, 731
Av/Old Pers
mâ 1: to measure
POK:703,731, SYN:54,877,1010
Avestan
ni-mâ: measure down, display
HRN:80,233, ARN:60, BQT:37, FFD:25
Persian
nomâ, nemâ: showing, appearance
نما (نمودن، نمایش، نماینده)
BQT
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
NOTE- see "Nei 2: to guide" for an alternative root
نما
هم: measure
Indo-European
Nei 2: to lead, guide
راهنمایی کردن، نشان دادن
Pok:760
Avestan
nayeiti: leads
Pok:760, ARN:502
Pahlavi
nîtan: guide
ânîtan: to bring
Pok:760, ARN:502, HRN:265
Persian
nomâ, nemâ: showing
نما (نمودن، نمایش، نماینده)
ARN:502
NOTE- see "Me 1: to measure" for an alternative root
نما
Indo-European
Nei 2: to lead, guide
Pok:760
Av/Old Pers
nî, nay: to guide
fra-nay: leads forward
KLN:1026, HRN:265, SYN:712, POK:760, KNT:193
Persian
?
Indo-European
Nem 1: to assign, take
اختصاص دادن ، گرفتن
POK:763
Avestan
nemah 1: loan, what is given back, a prayer
POK:763, KLN:1048
Pahlavi
namač: prayer
BRT:1070
Persian
namâz: prayer نماز
BQT:1070
NOTE- BQT:2167, POK: 764 and SYN: 544 derive this word from Old Persian nam: to bow in respect. See "Nem 2"
نماز
"تشکر"
Indo-European
Nem 2: to bend, bow in respect, also brush wood and twigs
خم شدن، تعظیم، شاخه های ریز و نرم
POK:764
Av/Old Pers
nam: to bend, bow
nemah 2: bowing in respect
namaiti: bends
POK:764, WLD2: 234, SYN:544
Pahlavi
namâč: bowing, prayer
BQT:2167
Persian
namâz: prayer نماز
چو نزدیک رستم فراز آمدند
پیاده به رسم نماز آمدند (فردوسی)
BQT:2167, FSF:328
NOTE- BRT:1070 derives the Pahlavi "namâč: bowing" from Avestan "nemah: what one owes." See root "Nem 1".
نماز
"تعظیم"
نمایش رجوع شود به: نما
نماینده رجوع شود به: نما
Avestan
Nemata: straw, grass کاه، علف
NYB:135
Pahlavi
namat: felt rug or cloth
NYB:135, HRN:233
Persian
namad: a thick felt cloth نمد
BQT:2169, KLN:1026
نمد
Avestan / Sanskrit
Namra: soft نرم
HRN:230
Pahlavi
namr, narm: soft
namrak, narmak: soft thing, pillow
HRN:230
Arabic
namraq: pillow
VDQ:403
Persian
namraq: pillow نَمرَق
MON:4815
نَمرَق
هم: نرم
Indo-European
Nem 1: to assign, take اختصاص دادن ، گرفتن
POK:763
Latin
numerus: a portion, a number
AHD
Italian
numero
Arabic
nomreh
MON:4815
Persian
nomreh: number
نمره
MON:4815
نمره
هم: number

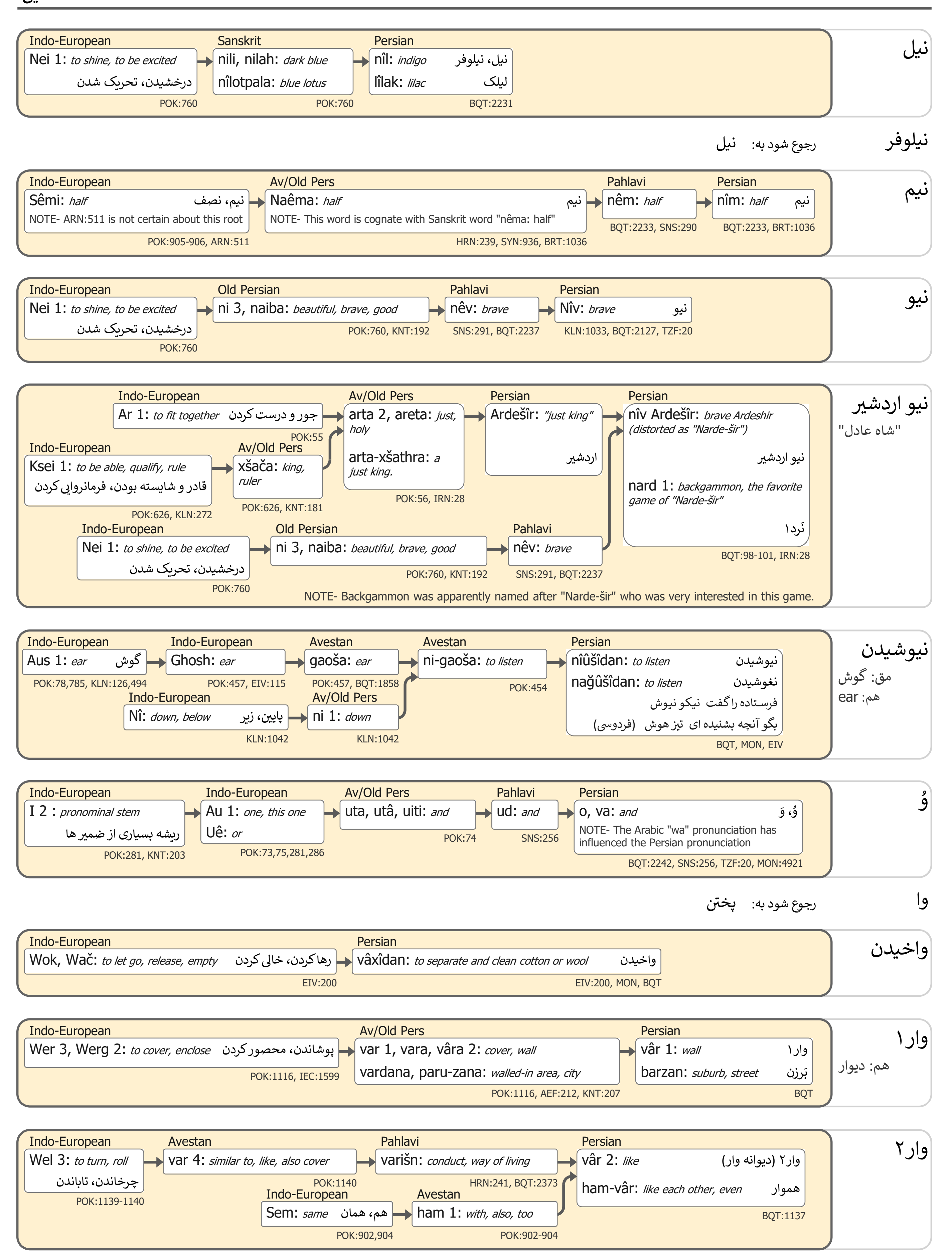


نمک
هم: نم
Indo-European
Nebh, Nembh: cloud, moisture ابر، رطوبت
POK:315
Avestan
nab, napta: humidity, moisture
POK:316
Avestan
nemadhka: salt
BQT:2170, MON:4818
Persian
namak: salt نمک
BQT:2170, MON:4818
نمودن
رجوع شود به: نما
ننه
هم: nanny
Indo-European
Nana: a child word for mother, a nurse ننه
POK:754
Sanskrit
nana: mother
POK:754, KLN:1062
Persian
naneh: a word for mother or nurse ننه
KLN:1062, POK:754, HRN:234
نو
هم: new, now
Indo-European
Newo: new تازه، جدید
Nu: new time, now حالا
POK:769,770, AHD:1531
Avestan
nava 2: new
nû, nûrem: now
POK:769,770, KLN:1059, KNT:194, IEC:854
Persian
now: new نو
aknûn, knûn: now اکنون، کنون
BQT, HRN:236
Indo-European
Newo: new
Nu: new time, now
POK:769,770, AHD:1531
Old Persian
nûram: now
POK:770, KNT:194
Persian
?
نوا
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Avestan
ni-vak: sound, music
BQT:2174
Persian
navâ: sound, melody نوا (نواختن)
BQT:2174,2178
نواختن
رجوع شود به: نوا
نوردیدن
هم: گردیدن
Indo-European
Wer 2, Kwermi: to turn, bend چرخیدن، خم شدن
POK:1142-1157, POK:649
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Av/Old Pers
varet, wars, vart: to turn
ni-vart: roll down
KLN:1703, ISS:223, KNT:207
Persian
vardaneh: rolling pin وَردَنه
navardîdan: to roll, travel نوردیدن
HRN:235, BQT:2186
نوش
"آب حیات"
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Avestan
ûši: two ears, intelligence, mortal life
POK:785
Indo-European
Ne 1, An 3: no, not نَه
POK:756, KNT:167
Av/Old Pers
a-, â-, an-: no, not
POK:757, KNT:167
Avestan
an-aoša: without a mortal life
BQT:178, FSF:51
Pahlavi
anôšak: eternal life
BQT:178
Persian
nûš: drink (for eternal life) نوش
nûšîn: sweet drink نوشین
HRN:30
نوشتن
هم: paint
Indo-European
Peig: to mark علامت گذاری کردن
POK:794
Avestan
paes, paeš: to decorate, mark
POK:794, SYN:1284, SNS:143
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Av/Old Pers
ni-pais: mark down, write
POK:794, SYN:1284
Pahlavi
nipištan: to write
nibištan: to write
nipêk, nibêg: book, written material
BQT:2201
Persian
neveštan: to write نوشتن
nobî: book, the holy Koran نُبی
MON
Indo-European
Peig: to mark
POK:794
Old Persian
paith: to mark
ni-paith: write
SNS:164, KNT:194
Persian
?
نوشین
رجوع شود به: نوش
نوک
هم: nipple
Indo-European
Nabja: beak منقار، نوک
AHD
Persian
nok, nûk: tip, beak نوک
nûl: beak نول
ISS:143, MON:4857
نول
رجوع شود به: نوک

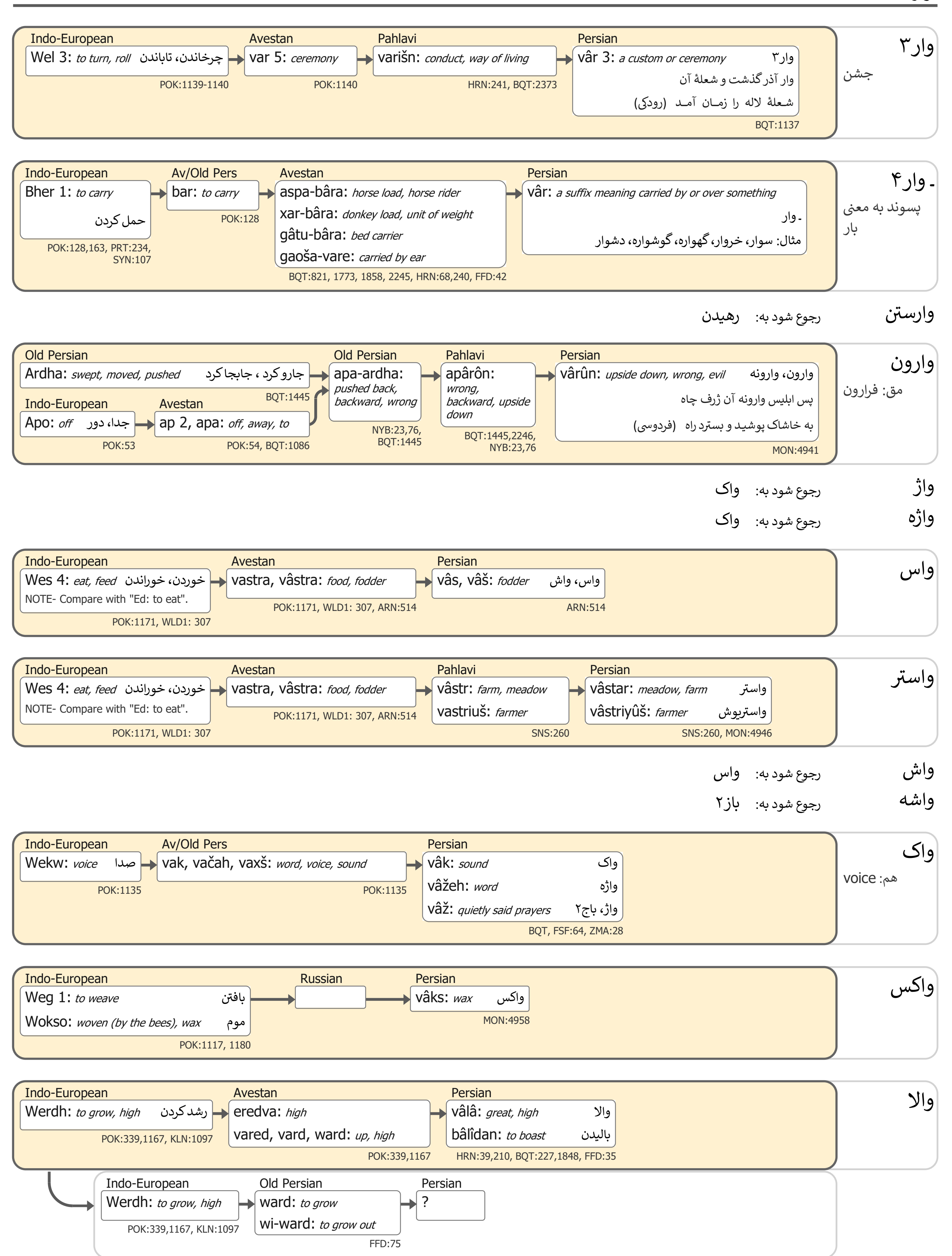


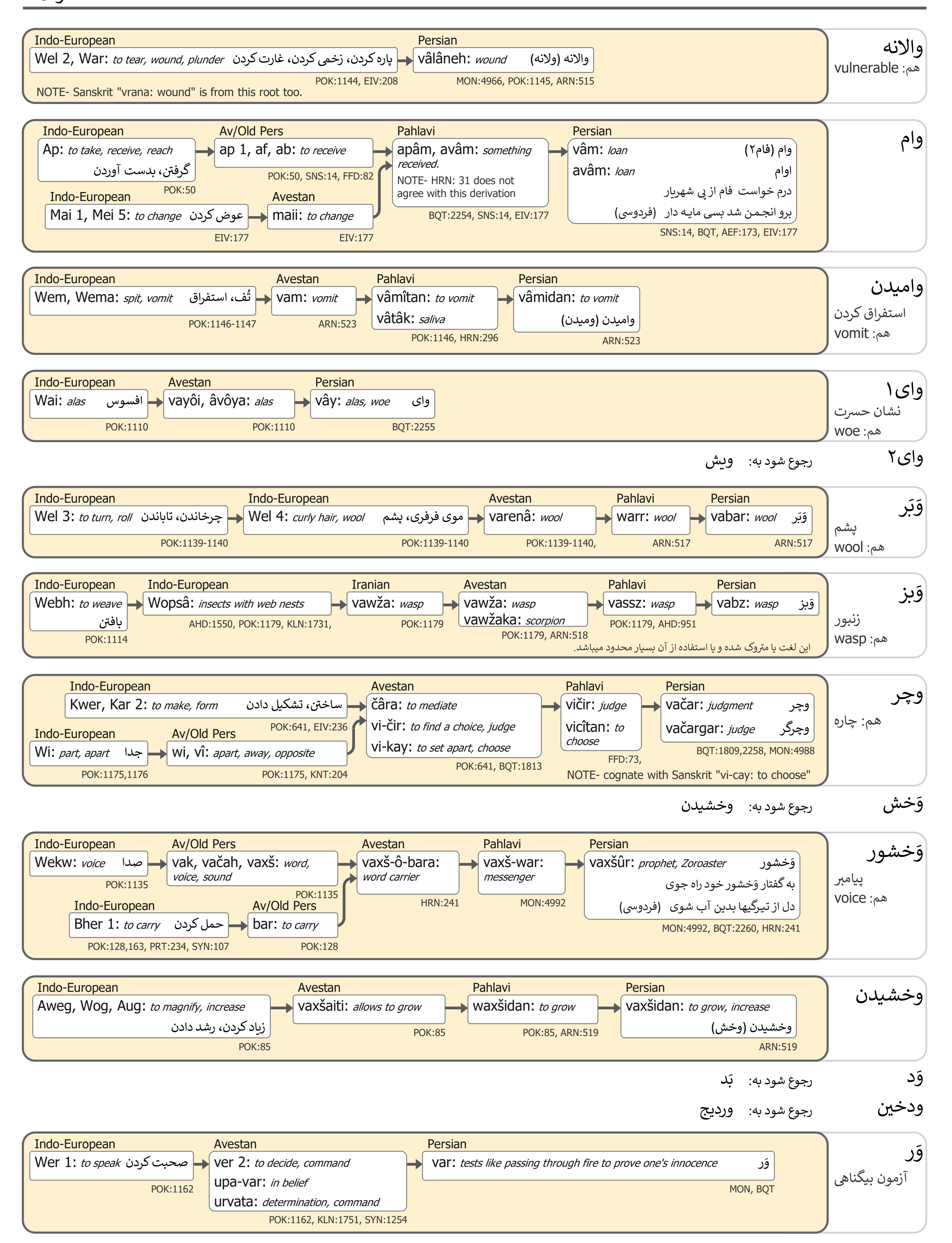
نوه
هم: nephew
Indo-European
Nepôt: grandson نوه پسر
Neptis: grand daughter نوه دختر
POK:764, IEC:836
Av/Old Pers
napât, napâ: grandson
naptis: grand daughter
KLN:1039, POK:764, KNT:193,
Pahlavi
nab: grandchild
PHD:57
Persian
naveh: grandchild نوه
nabas: daughter's child نَبَس
صفت ذات او همین نه بس است
که رسول خدای را نبس است (امیر خسرو)
BQT:2117,2208, HRN:234, IEC:836, MON
نَوید
هم: new
Indo-European
Newo: new تازه، جدید
Nu: new time, now حالا
POK:769,770, AHD:1531
Avestan
nava 2: new
nû, nûrem: now
POK:769,770, KLN:1059, KNT:194, IEC:854
Pahlavi
nîvêd: good news
MON:4859
Persian
novîd: good news نوید
IEC:842, MON:4859
نُویدن
هم: نالیدن
Indo-European
Neu: to cry گریه کردن، نالیدن
POK:767
Sanskrit
nav, navatê: to cry
POK:767
Persian
novîdan: to cry نُویدن (نوییدن، نویه)
zenûdan: to cry, moan زنودن (زنویه)
زدرد دل آن شب بدان سان نُوید
که از ناله اش ، هیچکس نغنوید (لبیبی)
HRN, BQT, MON
نویه رجوع شود به: نُویدن
نوییدن رجوع شود به: نُویدن
نَه رجوع شود به: نا
نُه
هم: nine
Indo-European
Newn: nine نُه
POK:318
Avestan
nava 1, nauma: nine
POK:318
Pahlavi
naum
BQT:2210
Persian
noh: nine نُه
BQT:2195
Indo-European
Newn: nine
POK:318
Old Persian
navama: ninth
BQT:2210
Persian
?
نهادن
Indo-European
Dhê 2: to do, set انجام دادن، چیدن
AHD:1512, POK:235
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Avestan
dâta, dâ 2: to put, set
ni-dâ: to put down, lay down, also to hide
POK:235, HRN:236, KNT:168, FFD:52
Persian
nahâdan: to do نهادن
nahân: covered, hidden نهان (پنهان)
BQT:2211, 2214
نهان رجوع شود به: نهادن
نهفتن
Indo-European
Gwou: cow, ox, bull گاو
KLN:364, POK:483
Indo-European
Pa: to protect, feed
حفاظت کردن، غذا دادن
POK:787,842, SYN:103
Sanskrit
gâuh: cow
gô-pâ-h, gôpâ: shepherd, protector
POK:482
Avestan / Sanskrit
gôp, gôh: to protect, preserve
NOTE- See HRN notes for discussion
HRN:237
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Avestan
ni-gôp: to hide, protect
HRN:237
Pahlavi
nihuftan: to hide
SNS:262
Persian
nehoftan: to hide
نهفتن
MON:4870, HRN:236
NOTE- FFD:80 derives the Pahlavi word from Old Persian "ni-thuf-ta: hide".
نُهور
چشم، رویت
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Avestan
hvare, xvar 1: sun, light
POK:881
Persian
no-hûr: sun light, sight, eye نُهور
از آن با بزرگان نیارم نشستن
که ایشان چو حورند و من بد نهورم (سنائی)
BQT:2220, IEC:1334
نی رجوع شود به: نای

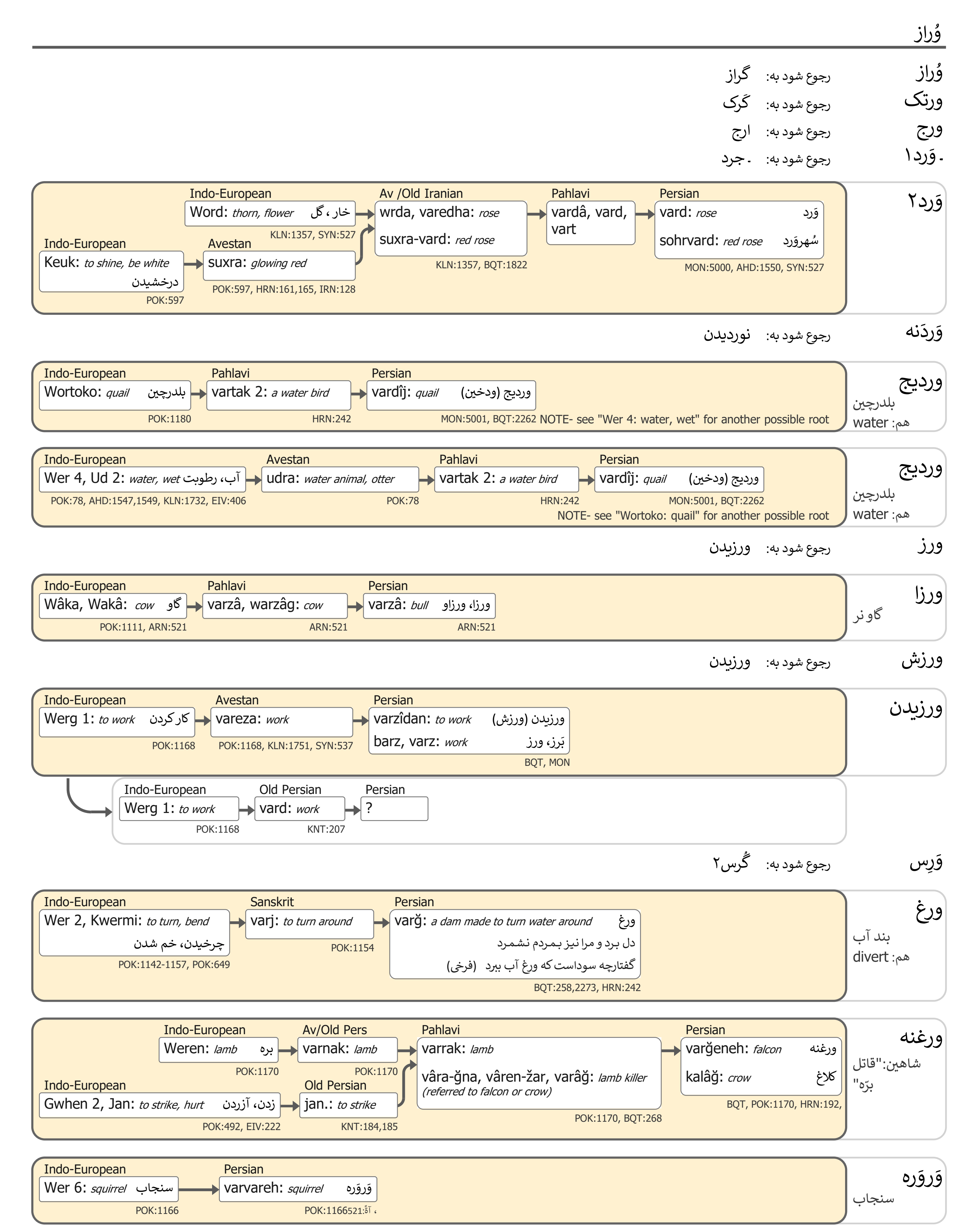

نیا
پدربزرگ
Av/Old Pers
Nyâka: grand parent پدر بزرگ، مادر بزرگ
SYN:110, KNT:194
Pahlavi
niyâk, niyâkân: grandparents
Persian
nîyâ: grandfather نیا (نیاکان)
BQT:2221, HRN:238
نیاز
هم: anxious
Indo-European
Angh: tight, compressed تنگ، فشرده
Az: to drive, lead راندن (فشردن)
POK:42, EIV:171
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Avestan
azaehê: compressed, in need
ni-az: that which pushes you down, need
POK:42, EIV:172
Pahlavi
niyâz: need
MON:4877, EIV:172
Persian
niâz: need نیاز
nîâzî: need, dear friend, sweetheart نیازی
دلم خستهٔ ناز توست ای نیازی
که روزی نیاسایی از ناز بازی (عثمان مختاری)
BQT:2222, MON:4877
نیاکان
رجوع شود به: نیا
نیام
مق: گام
Indo-European
Gwa: to walk, step قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
POK:463, KLN:318
Avestan
ni-gama: come down (in sheath)
POK:463
Persian
nîyâm: sheath نیام
HRN:11, BQT
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
نیایش
همریشه: گات
Indo-European
Gêi: to sing, song آواز خواندن، آواز
POK:355
Old Persian
niğây: praise
MON:4878
Pahlavi
niğâyišn: praise
MON:4878
Persian
nîyâyeš: praise نیایش
BQT:2224
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
NOTE- see "Yad: to ask" for another possible root
نیایش
Indo-European
Yad, Gwed: ask, demand پرسیدن، طلب کردن
EIV:221, POK:488
Old Persian
yad: to pray
KNT:184, EIV:221
Pahlavi
ni-âyišn: worship
EIV:221
Persian
nîyâyeš: worship نیایش
BQT, EIV:221
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
NOTE- see "Gêi: to sing" for another possible root
نیرو
رجوع شود به: نر
نیروانا
"فنا در خالق هستی"
Indo-European
Nis: off, away جدا، دور
KLN:1049
Sanskrit
nir-vanah: blowing out, extinction
AHD:889, KLN:1049
Persian
nîrvânâ: extinction of soul by absorption into the Supreme Being
نیروانا
MON:4882
Indo-European
Wê: to blow دمیدن
POK:81
نیزه
Avestan
Naêza: sharp point نوک تیز
BQT:2226
Pahlavi
nêzak: spear
MON:4884
Persian
nayzeh: spear, also a flag post نیزه (نیژه)
BQT:2226, PLA:265, FSF:336
نیش
Sanskrit
Nêkš: to pierce سوراخ کردن
HRN:238
Pahlavi
nêš: sting
nêš-tar: a sharp, pointed tool
BQT:2228, HUB:104
Persian
nîš: sting نیش
nîštar: a sharp tool, tooth
نیشتر (نیشدر)
BQT:2228, SYN:565
Indo-European
Der 1: to split, to tear تقسیم کردن، پاره کردن
Drauh: to mow, cut بریدن
POK:206, IEC:165,EIV
Avestan
dar, dareta: to split
POK:206, SYN:565
نیشدر
رجوع شود به: نیش
نیک
هم: lilac
Indo-European
Nei 1: to shine, to be excited
درخشیدن، تحریک شدن
POK:760
Old Persian
ni 3, naiba: beautiful, brave, good
POK:760, KNT:192
Pahlavi
nêv-ak: good
SNS:291, BQT:2237
Persian
nîk: good, pure
نیک (رونیک)
KLN:1033, BQT:2127, TZF:20
Arabic
raonaq: splendor
AFM:74, FVF:297
Persian
ronaq: prosperity
رونق
MON:1694



نیل
Indo-European
Nei 1: to shine, to be excited
درخشیدن، تحریک شدن
POK:760
Sanskrit
nili, nilah: dark blue
nîlotpala: blue lotus
POK:760
Persian
nîl: indigo نیل، نیلوفر
lîlak: lilac لیلک
BQT:2231
نیلوفر
رجوع شود به: نیل
نیم
Indo-European
Sêmi: half نیم، نصف
NOTE- ARN:511 is not certain about this root
POK:905-906, ARN:511
Av/Old Pers
Naêma: half نیم
NOTE- This word is cognate with Sanskrit word "nêma: half"
HRN:239, SYN:936, BRT:1036
Pahlavi
nêm: half
BQT:2233, SNS:290
Persian
nîm: half نیم
BQT:2233, BRT:1036
نیو
Indo-European
Nei 1: to shine, to be excited
درخشیدن، تحریک شدن
POK:760
Old Persian
ni 3, naiba: beautiful, brave, good
POK:760, KNT:192
Pahlavi
nêv: brave
SNS:291, BQT:2237
Persian
Nîv: brave نیو
KLN:1033, BQT:2127, TZF:20
نیو اردشیر
"شاه عادل"
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Indo-European
Ksei 1: to be able, qualify, rule
قادر و شایسته بودن، فرمانروایی کردن
POK:626, KLN:272
Av/Old Pers
xšača: king, ruler
POK:626, KNT:181
Av/Old Pers
arta 2, areta: just, holy
arta-xšathra: a just king.
POK:56, IRN:28
Persian
Ardešîr: "just king"
اردشیر
Persian
nîv Ardešîr: brave Ardeshir (distorted as "Narde-šîr")
نیو اردشیر
nard 1: backgammon, the favorite game of "Narde-šîr"
نَرد ۱
BQT:98-101, IRN:28
Indo-European
Nei 1: to shine, to be excited
درخشیدن، تحریک شدن
POK:760
Old Persian
ni 3, naiba: beautiful, brave, good
POK:760, KNT:192
Pahlavi
nêv: brave
SNS:291, BQT:2237
NOTE- Backgammon was apparently named after "Narde-šir" who was very interested in this game.
نیوشیدن
مق: گوش
هم: ear
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Indo-European
Ghosh: ear
POK:457, EIV:115
Avestan
gaoša: ear
POK:457, BQT:1858
Avestan
ni-gaoša: to listen
POK:454
Indo-European
Nî: down, below پایین، زیر
KLN:1042
Av/Old Pers
ni 1: down
KLN:1042
Persian
nîûšîdan: to listen نیوشیدن
nağûšîdan: to listen نغوشیدن
فرستاده را گفت نیکو نیوش
بگو آنچه بشنیده ای تیز هوش (فردوسی)
BQT, MON, EIV
وُ
Indo-European
I 2 : pronominal stem
ریشه بسیاری از ضمیر ها
POK:281, KNT:203
Indo-European
Au 1: one, this one
Uê: or
POK:73,75,281,286
Av/Old Pers
uta, utâ, uiti: and
POK:74
Pahlavi
ud: and
SNS:256
Persian
o, va: and وُ، وَ
NOTE- The Arabic "wa" pronunciation has influenced the Persian pronunciation
BQT:2242, SNS:256, TZF:20, MON:4921
وا
رجوع شود به: پختن
واخیدن
Indo-European
Wok, Wač: to let go, release, empty رها کردن، خالی کردن
EIV:200
Persian
vâxîdan: to separate and clean cotton or wool واخیدن
EIV:200, MON, BQT
وار۱
هم: دیوار
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Av/Old Pers
var 1, vara, vâra 2: cover, wall
vardana, paru-zana: walled-in area, city
POK:1116, AEF:212, KNT:207
Persian
vâr 1: wall وار۱
barzan: suburb, street بَرزن
BQT
وار۲
Indo-European
Wel 3: to turn, roll
چرخاندن، تاباندن
POK:1139-1140
Avestan
var 4: similar to, like, also cover
POK:1140
Pahlavi
varišn: conduct, way of living
HRN:241, BQT:2373
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Persian
vâr 2: like وار۲ (دیوانه وار)
ham-vâr: like each other, even هموار
BQT:1137


وار۳
جشن
Indo-European
Wel 3: to turn, roll چرخاندن، تاباندن
POK:1139-1140
Avestan
var 5: ceremony
POK:1140
Pahlavi
varišn: conduct, way of living
HRN:241, BQT:2373
Persian
vâr 3: a custom or ceremony وار۳
وار آذرگذشت و شعلهٔ آن
شعلهٔ لاله را زمـان آمـد (رودکی)
BQT:1137
-وار۴
پسوند به معنی بار
Indo-European
Bher 1: to carry
حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
Avestan
aspa-bâra: horse load, horse rider
xar-bâra: donkey load, unit of weight
gâtu-bâra: bed carrier
gaoša-vare: carried by ear
BQT:821, 1773, 1858, 2245, HRN:68,240, FFD:42
Persian
vâr: a suffix meaning carried by or over something
-وار
مثال: سوار، خروار، گهواره، گوشواره، دشوار
وارستن
رجوع شود به: رهیدن
وارون
مق: فرارون
Old Persian
Ardha: swept, moved, pushed جاروکرد ، جابجا کرد
BQT:1445
Indo-European
Apo: off جدا، دور
POK:53
Avestan
ap 2, apa: off, away, to
POK:54, BQT:1086
Old Persian
apa-ardha: pushed back, backward, wrong
NYB:23,76, BQT:1445
Pahlavi
apârôn: wrong, backward, upside down
BQT:1445,2246, NYB:23,76
Persian
vârûn: upside down, wrong, evil وارون، وارونه
پس ابلیس وارونه آن ژرف چاه
به خاشاک پوشید و بسترد راه (فردوسی)
MON:4941
واژ
رجوع شود به: واک
واژه
رجوع شود به: واک
واس
Indo-European
Wes 4: eat, feed خوردن، خوراندن
NOTE- Compare with "Ed: to eat".
POK:1171, WLD1: 307
Avestan
vastra, vâstra: food, fodder
POK:1171, WLD1: 307, ARN:514
Persian
vâs, vâš: fodder واس، واش
ARN:514
واستر
Indo-European
Wes 4: eat, feed خوردن، خوراندن
NOTE- Compare with "Ed: to eat".
POK:1171, WLD1: 307
Avestan
vastra, vâstra: food, fodder
POK:1171, WLD1: 307, ARN:514
Pahlavi
vâstr: farm, meadow
vastriuš: farmer
SNS:260
Persian
vâstar: meadow, farm واستر
vâstriyûš: farmer واستریوش
SNS:260, MON:4946
واش
رجوع شود به: واس
واشه
رجوع شود به: باز۲
واک
هم: voice
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Persian
vâk: sound واک
vâžeh: word واژه
vâž: quietly said prayers واژ، باج۲
BQT, FSF:64, ZMA:28
واکس
Indo-European
Weg 1: to weave بافتن
Wokso: woven (by the bees), wax موم
POK:1117, 1180
Russian
Persian
vâks: wax واکس
MON:4958
والا
Indo-European
Werdh: to grow, high رشد کردن
POK:339,1167, KLN:1097
Avestan
eredva: high
vared, vard, ward: up, high
POK:339,1167
Persian
vâlâ: great, high والا
bâlîdan: to boast بالیدن
HRN:39,210, BQT:227,1848, FFD:35
Indo-European
Werdh: to grow, high
POK:339,1167, KLN:1097
Old Persian
ward: to grow
wi-ward: to grow out
FFD:75
Persian
?


والانه
هم: vulnerable
Indo-European
Wel 2, War: to tear, wound, plunder پاره کردن، زخمی کردن، غارت کردن
POK:1144, EIV:208
Persian
vâlâneh: wound والانه (ولانه)
MON:4966, POK:1145, ARN:515
NOTE- Sanskrit "vrana: wound" is from this root too.
وام
Indo-European
Ap: to take, receive, reach گرفتن، بدست آوردن
POK:50
Av/Old Pers
ap 1, af, ab: to receive
POK:50, SNS:14, FFD:82
Pahlavi
apâm, avâm: something received.
NOTE- HRN: 31 does not agree with this derivation
BQT:2254, SNS:14, EIV:177
Persian
vâm: loan وام (فام۲)
avâm: loan اوام
درم خواست فام از پی شهریار
برو انجمن شد بسی مایه دار (فردوسی)
SNS:14, BQT, AEF:173, EIV:177
Indo-European
Mai 1, Mei 5: to change عوض کردن
EIV:177
Avestan
maii: to change
EIV:177
وامیدن
استفراق کردن
هم: vomit
Indo-European
Wem, Wema: spit, vomit تُف، استفراق
POK:1146-1147
Avestan
vam: vomit
ARN:523
Pahlavi
vâmîtan: to vomit
vâtâk: saliva
POK:1146, HRN:296
Persian
vâmidan: to vomit
وامیدن (ومیدن)
ARN:523
وای۱
نشان حسرت
هم: woe
Indo-European
Wai: alas افسوس
POK:1110
Avestan
vayôi, âvôya: alas
POK:1110
Persian
vây: alas, woe وای
BQT:2255
وای۲ رجوع شود به: ویش
وَبَر
پشم
هم: wool
Indo-European
Wel 3: to turn, roll چرخاندن، تاباندن
POK:1139-1140
Indo-European
Wel 4: curly hair, wool موی فرفری، پشم
POK:1139-1140
Avestan
varenâ: wool
POK:1139-1140,
Pahlavi
warr: wool
ARN:517
Persian
vabar: wool وَبَر
ARN:517
وَبز
زنبور
هم: wasp
Indo-European
Webh: to weave بافتن
POK:1114
Indo-European
Wopsâ: insects with web nests
AHD:1550, POK:1179, KLN:1731,
Iranian
vawža: wasp
POK:1179
Avestan
vawža: wasp
vawžaka: scorpion
POK:1179, ARN:518
Pahlavi
vassz: wasp
POK:1179, AHD:951
Persian
vabz: wasp وَبز
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
وچر
هم: چاره
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
čâra: to mediate
vi-čir: to find a choice, judge
vi-kay: to set apart, choose
POK:641, BQT:1813
Pahlavi
vičir: judge
vicîtan: to choose
FFD:73,
Persian
vačar: judgment وچر
vačargar: judge وچرگر
BQT:1809,2258, MON:4988
NOTE- cognate with Sanskrit "vi-cay: to choose"
وَخش رجوع شود به: وخشیدن
وَخشور
پیامبر
هم: voice
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Av/Old Pers
vak, vačah, vaxš: word, voice, sound
POK:1135
Avestan
vaxš-ô-bara: word carrier
HRN:241
Pahlavi
vaxš-war: messenger
MON:4992
Persian
vaxšûr: prophet, Zoroaster وَخشور
به گفتار وَخشور خود راه جوی
دل از تیرگیها بدین آب شوی (فردوسی)
MON:4992, BQT:2260, HRN:241
Indo-European
Bher 1: to carry حمل کردن
POK:128,163, PRT:234, SYN:107
Av/Old Pers
bar: to carry
POK:128
وخشیدن
Indo-European
Aweg, Wog, Aug: to magnify, increase
زیاد کردن، رشد دادن
POK:85
Avestan
vaxšaiti: allows to grow
POK:85
Pahlavi
waxšidan: to grow
POK:85, ARN:519
Persian
vaxšidan: to grow, increase
وخشیدن (وخش)
ARN:519
وَد رجوع شود به: بَد
ودخین رجوع شود به: وردیج
وَر
آزمون بیگناهی
Indo-European
Wer 1: to speak صحبت کردن
POK:1162
Avestan
ver 2: to decide, command
upa-var: in belief
urvata: determination, command
POK:1162, KLN:1751, SYN:1254
Persian
var: tests like passing through fire to prove one's innocence وَر
MON, BQT



وُراز — رجوع شود به: گراز

ورتک — رجوع شود به: کَرک

ورج — رجوع شود به: ارج

وَرد۱ـ — رجوع شود به: ـجرد

وَرد۲

Indo-European — Word: *thorn, flower* خار ، گل — KLN:1357, SYN:527
Indo-European — Keuk: *to shine, be white* درخشیدن — POK:597
Avestan — suxra: *glowing red* — POK:597, HRN:161,165, IRN:128
Av /Old Iranian — wrda, varedha: *rose*; suxra-vard: *red rose* — KLN:1357, BQT:1822
Pahlavi — vardâ, vard, vart
Persian — vard: *rose* وَرد; sohrvard: *red rose* سُهروَرد — MON:5000, AHD:1550, SYN:527

وَردَنه — رجوع شود به: نوردیدن

وردیج — بلدرچین — هم: water

Indo-European — Wortoko: *quail* بلدرچین — POK:1180
Pahlavi — vartak 2: *a water bird* — HRN:242
Persian — vardîj: *quail* وردیج (ودخین) — MON:5001, BQT:2262
NOTE- see "Wer 4: water, wet" for another possible root

وردیج — بلدرچین — هم: water

Indo-European — Wer 4, Ud 2: *water, wet* آب، رطوبت — POK:78, AHD:1547,1549, KLN:1732, EIV:406
Avestan — udra: *water animal, otter* — POK:78
Pahlavi — vartak 2: *a water bird* — HRN:242
Persian — vardîj: *quail* وردیج (ودخین) — MON:5001, BQT:2262
NOTE- see "Wortoko: quail" for another possible root

ورز — رجوع شود به: ورزیدن

ورزا — گاو نر

Indo-European — Wâka, Wakâ: *cow* گاو — POK:1111, ARN:521
Pahlavi — varzâ, warzâg: *cow* — ARN:521
Persian — varzâ: *bull* ورزا، ورزاو — ARN:521

ورزش — رجوع شود به: ورزیدن

ورزیدن

Indo-European — Werg 1: *to work* کارکردن — POK:1168
Avestan — vareza: *work* — POK:1168, KLN:1751, SYN:537
Persian — varzîdan: *to work* ورزیدن (ورزش); barz, varz: *work* بَرز، ورز — BQT, MON

Indo-European — Werg 1: *to work* — POK:1168
Old Persian — vard: *work* — KNT:207
Persian — ?

وَرِس — رجوع شود به: گُرس۲

ورغ — بند آب — هم: divert

Indo-European — Wer 2, Kwermi: *to turn, bend* چرخیدن، خم شدن — POK:1142-1157, POK:649
Sanskrit — varj: *to turn around* — POK:1154
Persian — varğ: *a dam made to turn water around* ورغ
دل برد و مرا نیز بـمردم نشمرد
گفتارچه سوداست که ورغ آب برد (فرخی)
BQT:258,2273, HRN:242

ورغنه — شاهین:"قاتل بَرّه"

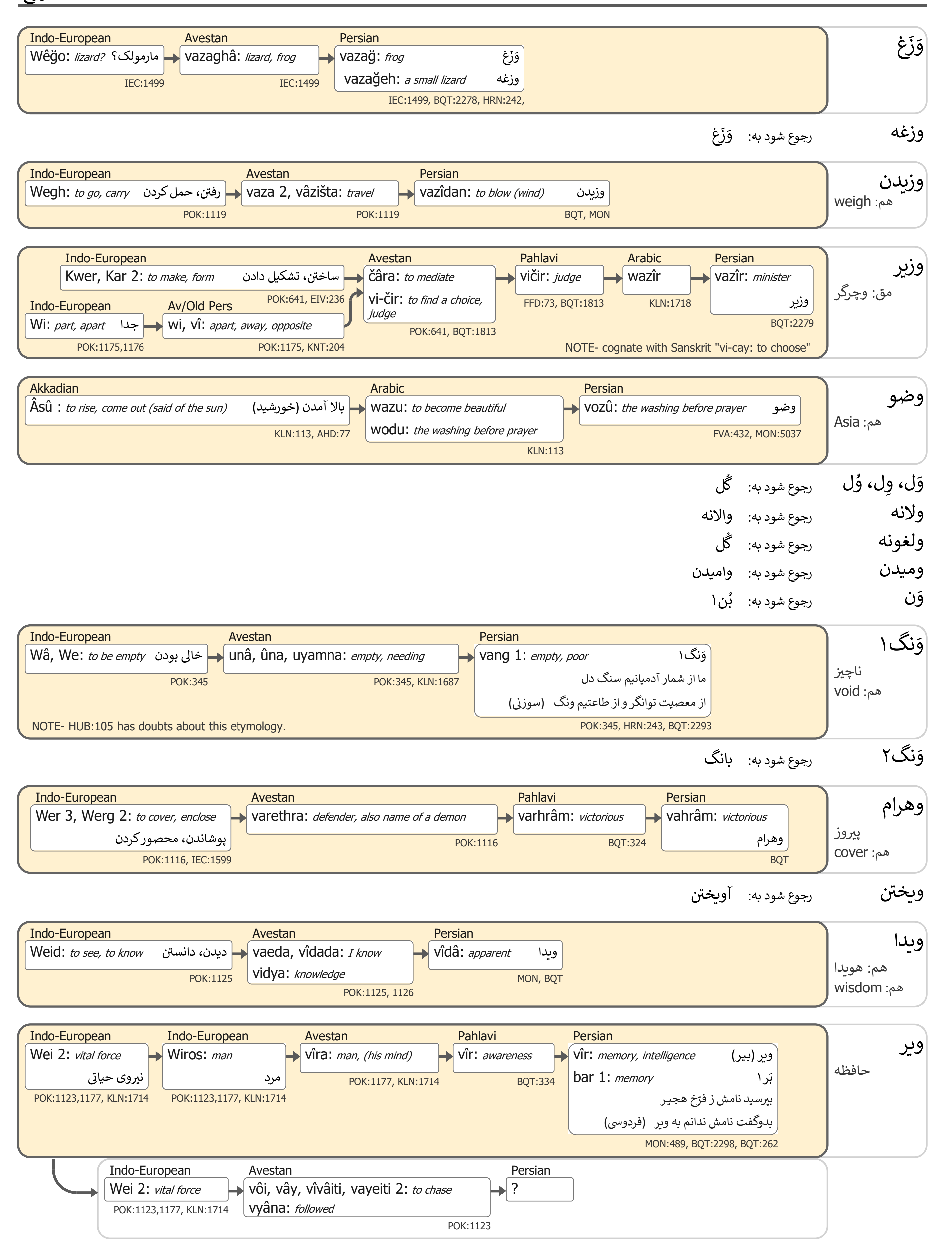
Indo-European — Weren: *lamb* بره — POK:1170
Indo-European — Gwhen 2, Jan: *to strike, hurt* زدن، آزردن — POK:492, EIV:222
Av/Old Pers — varnak: *lamb* — POK:1170
Old Persian — jan.: *to strike* — KNT:184,185
Pahlavi — varrak: *lamb*; vâra-ğna, vâren-žar, varâğ: *lamb killer* (referred to falcon or crow) — POK:1170, BQT:268
Persian — varğeneh: *falcon* ورغنه; kalâğ: *crow* کلاغ — BQT, POK:1170, HRN:192,

وَروَره — سنجاب

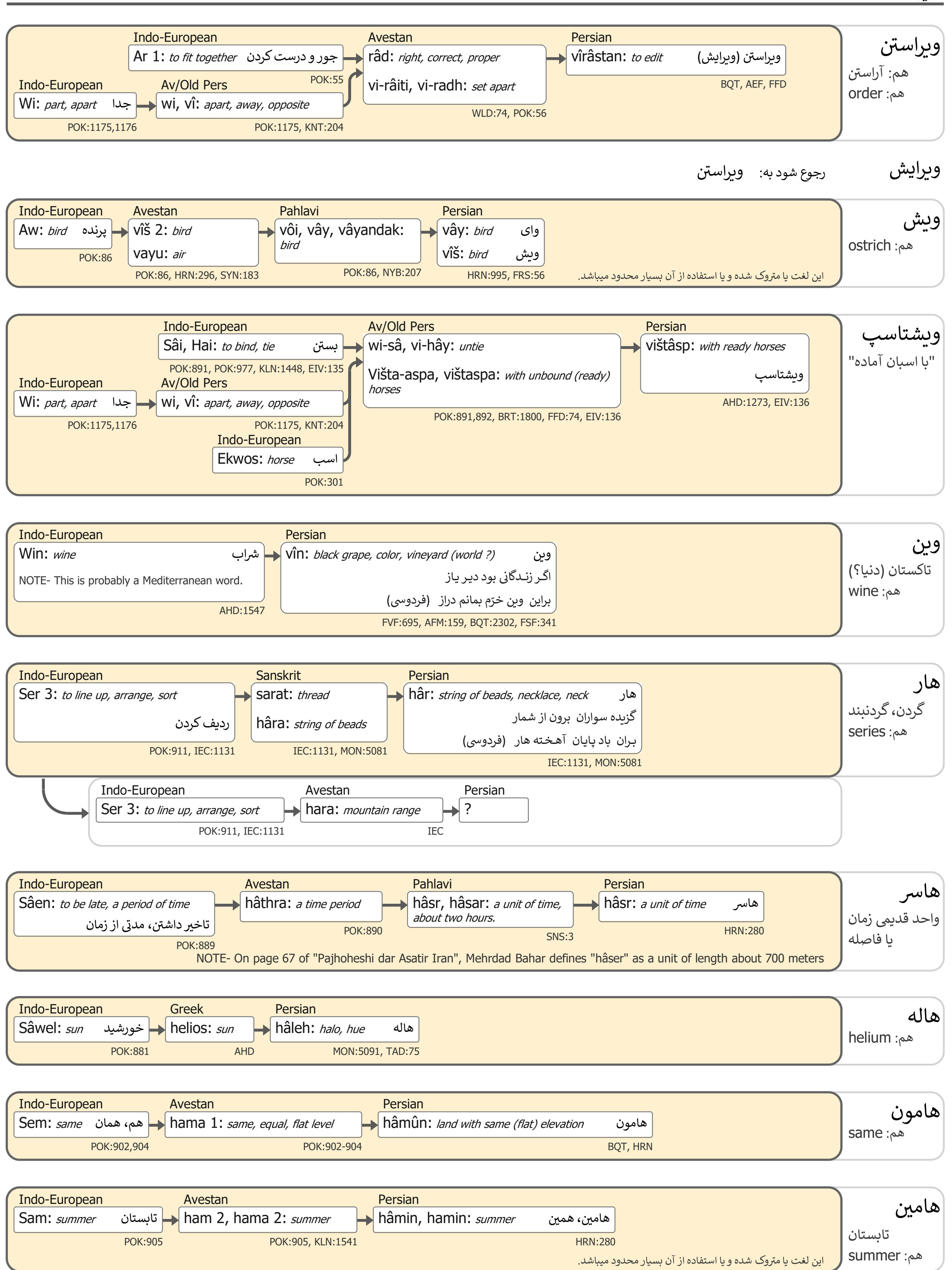
Indo-European — Wer 6: *squirrel* سنجاب — POK:1166
Persian — varvareh: *squirrel* وَروَره — POK:1166521:اَّآ ،

وریزه — رجوع شود به: برنج۲

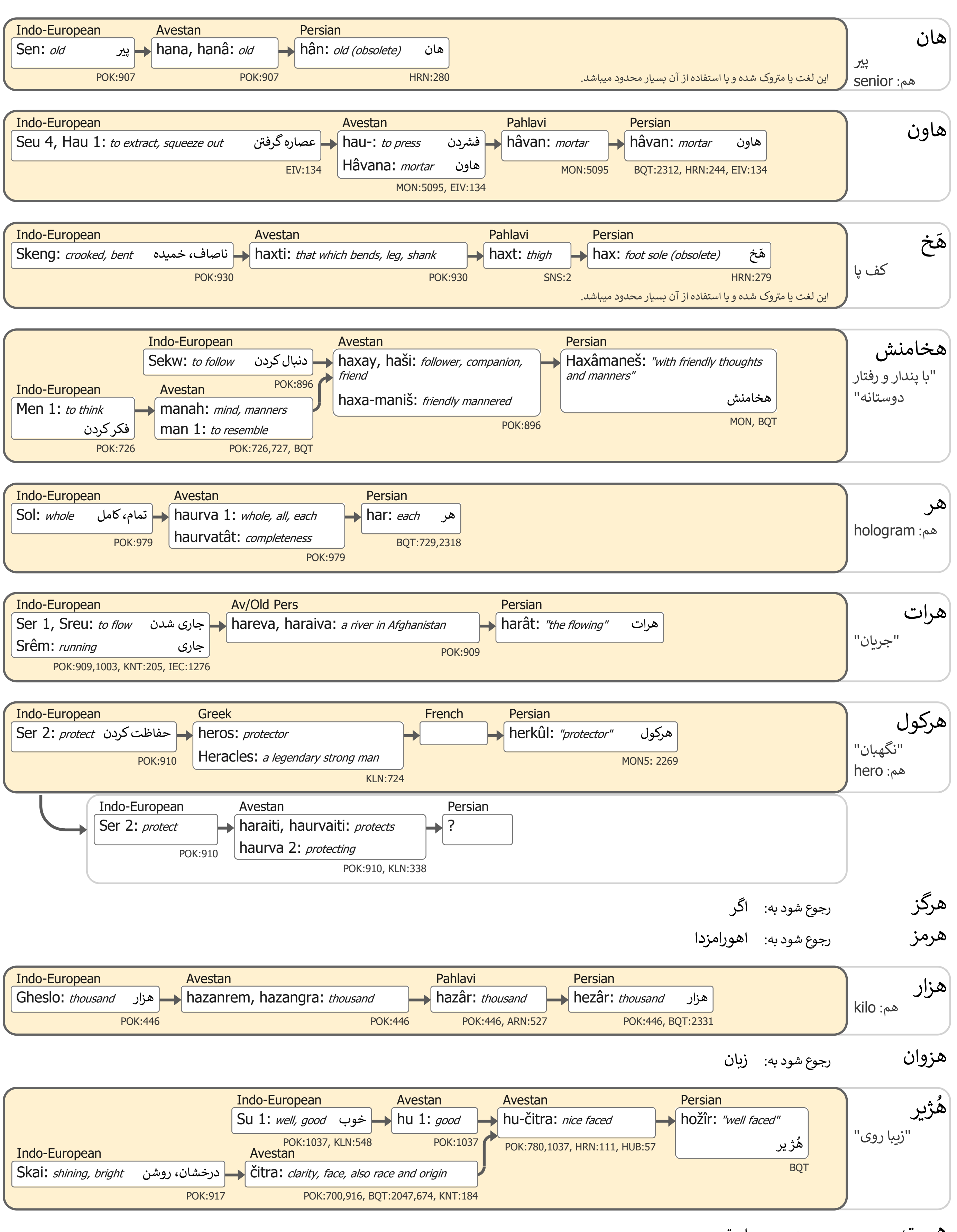
وَرِیس — رجوع شود به: گُرس۲



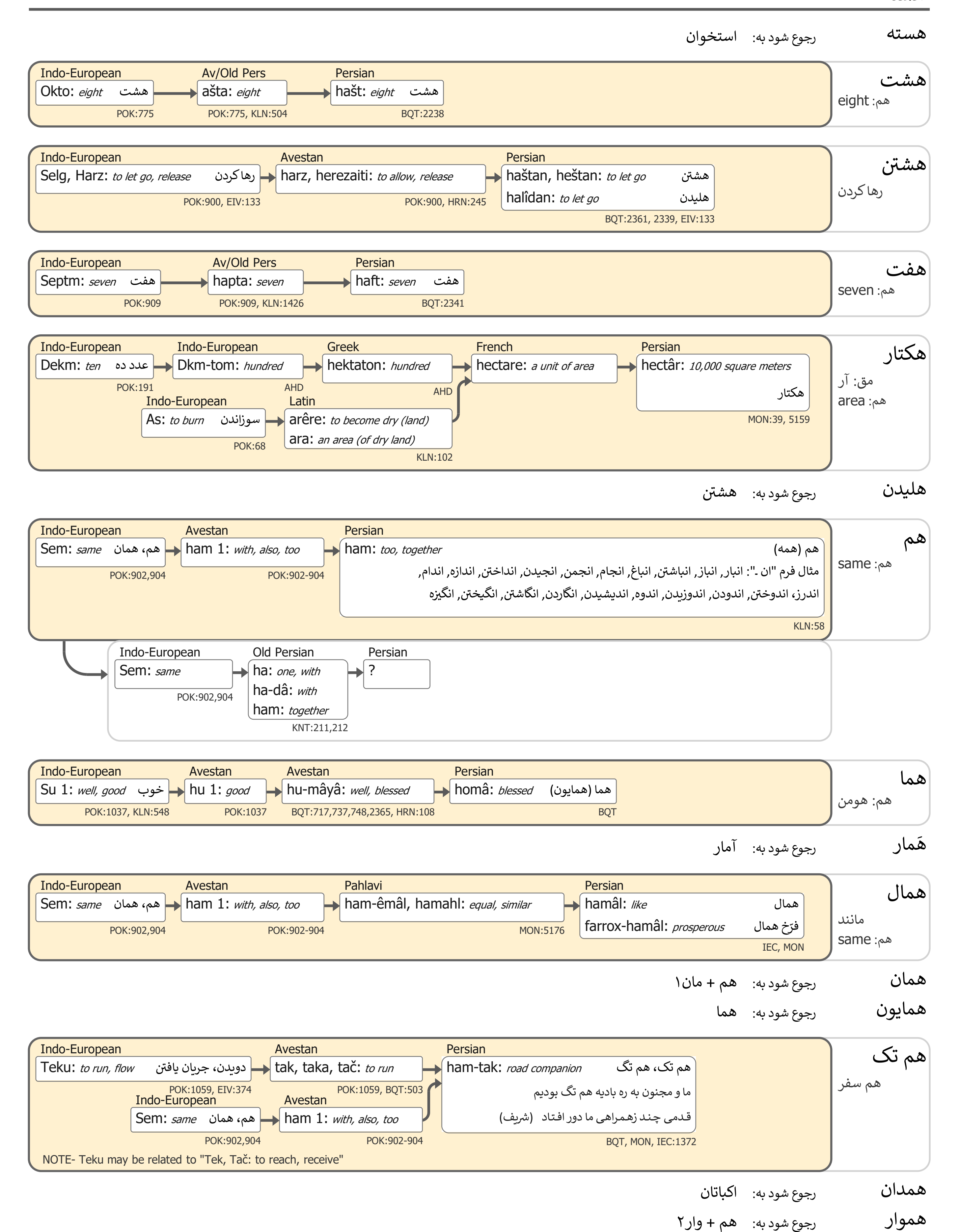
وَزَغ
Indo-European
Wêğo: lizard? مارمولک؟
IEC:1499
Avestan
vazaghâ: lizard, frog
IEC:1499
Persian
vazağ: frog وَزَغ
vazağeh: a small lizard وزغه
IEC:1499, BQT:2278, HRN:242,
وزغه رجوع شود به: وَزَغ
وزیدن
هم: weigh
Indo-European
Wegh: to go, carry رفتن، حمل کردن
POK:1119
Avestan
vaza 2, vâzišta: travel
POK:1119
Persian
vazîdan: to blow (wind) وزیدن
BQT, MON
وزیر
مق: وچرگر
Indo-European
Kwer, Kar 2: to make, form ساختن، تشکیل دادن
POK:641, EIV:236
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Avestan
čâra: to mediate
vi-čir: to find a choice, judge
POK:641, BQT:1813
Pahlavi
vičir: judge
FFD:73, BQT:1813
Arabic
wazîr
KLN:1718
Persian
vazîr: minister
وزیر
BQT:2279
NOTE- cognate with Sanskrit "vi-cay: to choose"
وضو
هم: Asia
Akkadian
Âsû : to rise, come out (said of the sun) بالا آمدن (خورشید)
KLN:113, AHD:77
Arabic
wazu: to become beautiful
wodu: the washing before prayer
KLN:113
Persian
vozû: the washing before prayer وضو
FVA:432, MON:5037
وَل، وِل، وُل رجوع شود به: گُل
ولانه رجوع شود به: والانه
ولغونه رجوع شود به: گُل
ومیدن رجوع شود به: وامیدن
وَن رجوع شود به: بُن۱
وَنگ۱
ناچیز
هم: void
Indo-European
Wâ, We: to be empty خالی بودن
POK:345
Avestan
unâ, ûna, uyamna: empty, needing
POK:345, KLN:1687
Persian
vang 1: empty, poor وَنگ۱
ما از شمار آدمیانیم سنگ دل
از معصیت توانگر و از طاعتیم ونگ (سوزنی)
POK:345, HRN:243, BQT:2293
NOTE- HUB:105 has doubts about this etymology.
وَنگ۲ رجوع شود به: بانگ
وهرام
پیروز
هم: cover
Indo-European
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose
پوشاندن، محصور کردن
POK:1116, IEC:1599
Avestan
varethra: defender, also name of a demon
POK:1116
Pahlavi
varhrâm: victorious
BQT:324
Persian
vahrâm: victorious
وهرام
BQT
ویختن رجوع شود به: آویختن
ویدا
هم: هویدا
هم: wisdom
Indo-European
Weid: to see, to know دیدن، دانستن
POK:1125
Avestan
vaeda, vîdada: I know
vidya: knowledge
POK:1125, 1126
Persian
vîdâ: apparent ویدا
MON, BQT
ویر
حافظه
Indo-European
Wei 2: vital force
نیروی حیاتی
POK:1123,1177, KLN:1714
Indo-European
Wiros: man
مرد
POK:1123,1177, KLN:1714
Avestan
vîra: man, (his mind)
POK:1177, KLN:1714
Pahlavi
vîr: awareness
BQT:334
Persian
vîr: memory, intelligence ویر (بیر)
bar 1: memory بَر۱
بپرسید نامش ز فرخ هجیر
بدوگفت نامش ندانم به ویر (فردوسی)
MON:489, BQT:2298, BQT:262
Indo-European
Wei 2: vital force
POK:1123,1177, KLN:1714
Avestan
vôi, vây, vîvâiti, vayeiti 2: to chase
vyâna: followed
POK:1123
Persian
?



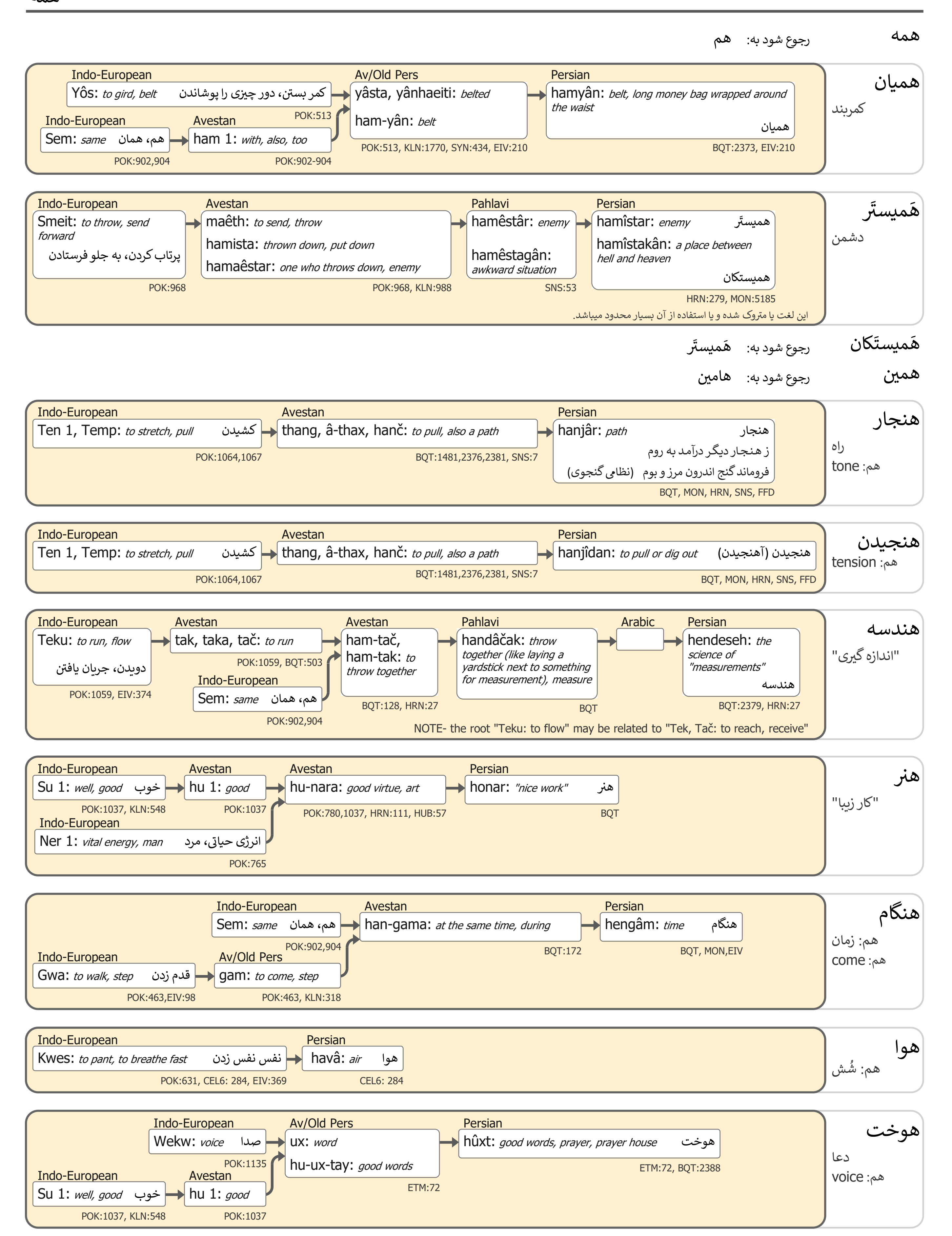
ویراستن
هم: آراستن
هم: order
Indo-European
Ar 1: to fit together جور و درست کردن
POK:55
Avestan
râd: right, correct, proper
vi-râiti, vi-radh: set apart
WLD:74, POK:56
Persian
vîrâstan: to edit ویراستن (ویرایش)
BQT, AEF, FFD
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
ویرایش
رجوع شود به: ویراستن
ویش
هم: ostrich
Indo-European
Aw: bird پرنده
POK:86
Avestan
vîš 2: bird
vayu: air
POK:86, HRN:296, SYN:183
Pahlavi
vôi, vây, vâyandak: bird
POK:86, NYB:207
Persian
vây: bird وای
vîš: bird ویش
HRN:995, FRS:56
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
ویشتاسپ
"با اسبان آماده"
Indo-European
Sâi, Hai: to bind, tie بستن
POK:891, POK:977, KLN:1448, EIV:135
Av/Old Pers
wi-sâ, vi-hây: untie
Višta-aspa, vištaspa: with unbound (ready) horses
POK:891,892, BRT:1800, FFD:74, EIV:136
Persian
vištâsp: with ready horses
ویشتاسپ
AHD:1273, EIV:136
Indo-European
Wi: part, apart جدا
POK:1175,1176
Av/Old Pers
wi, vî: apart, away, opposite
POK:1175, KNT:204
Indo-European
Ekwos: horse اسب
POK:301
وین
تاکستان (دنیا؟)
هم: wine
Indo-European
Win: wine شراب
NOTE- This is probably a Mediterranean word.
AHD:1547
Persian
vîn: black grape, color, vineyard (world ?) وین
اگر زنـدگانی بود دیر یاز
براین وین خرّم بمانم دراز (فردوسی)
FVF:695, AFM:159, BQT:2302, FSF:341
هار
گردن، گردنبند
هم: series
Indo-European
Ser 3: to line up, arrange, sort
ردیف کردن
POK:911, IEC:1131
Sanskrit
sarat: thread
hâra: string of beads
IEC:1131, MON:5081
Persian
hâr: string of beads, necklace, neck هار
گزیده سواران برون از شمار
بران باد پایان آهخته هار (فردوسی)
IEC:1131, MON:5081
Indo-European
Ser 3: to line up, arrange, sort
POK:911, IEC:1131
Avestan
hara: mountain range
IEC
Persian
?
هاسر
واحد قدیمی زمان
یا فاصله
Indo-European
Sâen: to be late, a period of time
تاخیر داشتن، مدتی از زمان
POK:889
Avestan
hâthra: a time period
POK:890
Pahlavi
hâsr, hâsar: a unit of time, about two hours.
SNS:3
Persian
hâsr: a unit of time هاسر
HRN:280
NOTE- On page 67 of "Pajhoheshi dar Asatir Iran", Mehrdad Bahar defines "hâser" as a unit of length about 700 meters
هاله
هم: helium
Indo-European
Sâwel: sun خورشید
POK:881
Greek
helios: sun
AHD
Persian
hâleh: halo, hue هاله
MON:5091, TAD:75
هامون
هم: same
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
hama 1: same, equal, flat level
POK:902-904
Persian
hâmûn: land with same (flat) elevation هامون
BQT, HRN
هامین
تابستان
هم: summer
Indo-European
Sam: summer تابستان
POK:905
Avestan
ham 2, hama 2: summer
POK:905, KLN:1541
Persian
hâmin, hamin: summer هامین، همین
HRN:280
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.



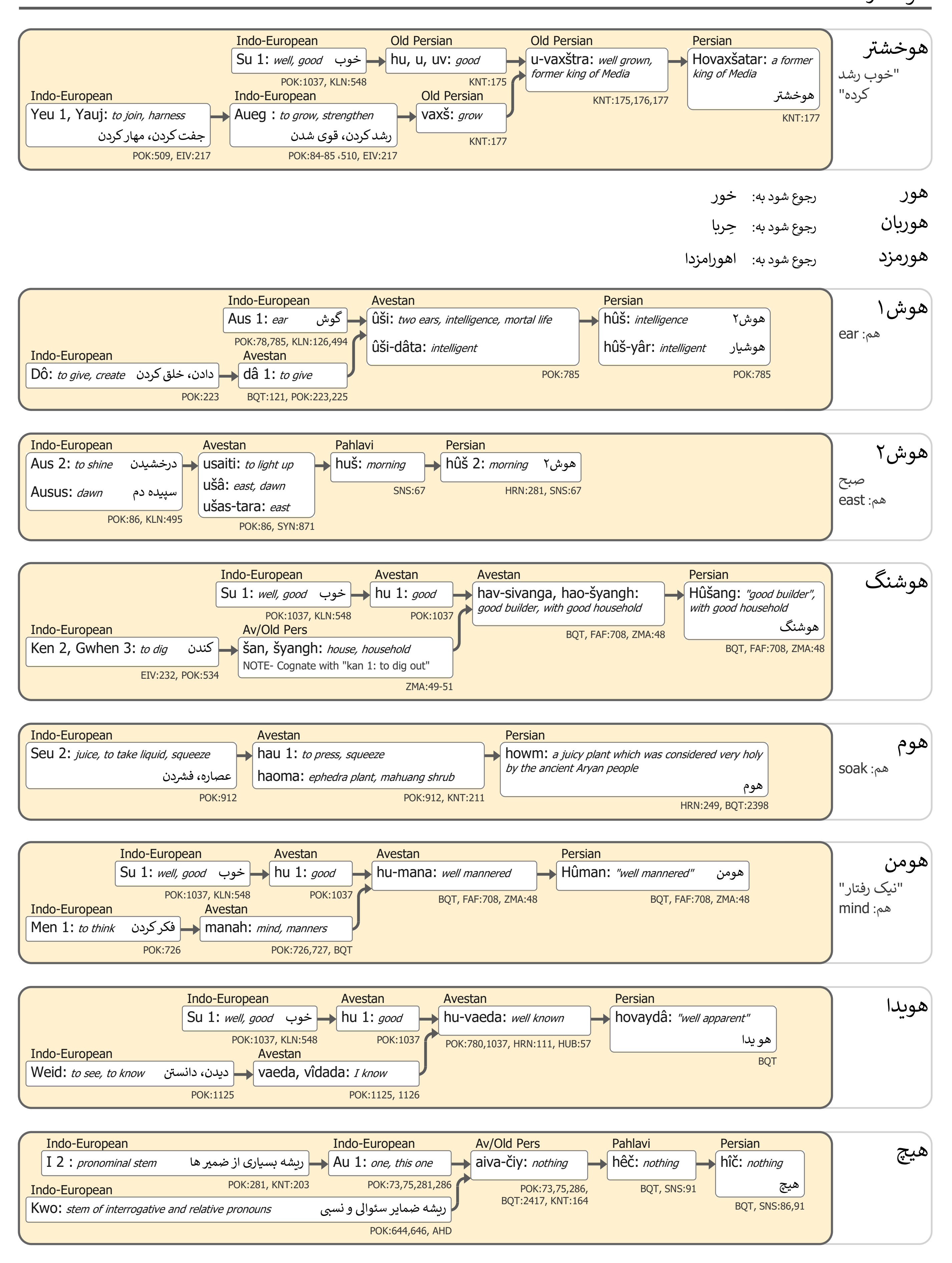
هان
پیر
هم: senior
Indo-European
Sen: old پیر
POK:907
Avestan
hana, hanâ: old
POK:907
Persian
hân: old (obsolete) هان
HRN:280
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
هاون
Indo-European
Seu 4, Hau 1: to extract, squeeze out عصاره گرفتن
EIV:134
Avestan
hau-: to press فشردن
Hâvana: mortar هاون
MON:5095, EIV:134
Pahlavi
hâvan: mortar
MON:5095
Persian
hâvan: mortar هاون
BQT:2312, HRN:244, EIV:134
هَخ
کف پا
Indo-European
Skeng: crooked, bent ناصاف، خمیده
POK:930
Avestan
haxti: that which bends, leg, shank
POK:930
Pahlavi
haxt: thigh
SNS:2
Persian
hax: foot sole (obsolete) هَخ
HRN:279
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
هخامنش
"با پندار و رفتار دوستانه"
Indo-European
Sekw: to follow دنبال کردن
POK:896
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
man 1: to resemble
POK:726,727, BQT
Avestan
haxay, haši: follower, companion, friend
haxa-maniš: friendly mannered
POK:896
Persian
Haxâmaneš: "with friendly thoughts and manners" هخامنش
MON, BQT
هر
هم: hologram
Indo-European
Sol: whole تمام، کامل
POK:979
Avestan
haurva 1: whole, all, each
haurvatât: completeness
POK:979
Persian
har: each هر
BQT:729,2318
هرات
"جریان"
Indo-European
Ser 1, Sreu: to flow جاری شدن
Srêm: running جاری
POK:909,1003, KNT:205, IEC:1276
Av/Old Pers
hareva, haraiva: a river in Afghanistan
POK:909
Persian
harât: "the flowing" هرات
هرکول
"نگهبان"
هم: hero
Indo-European
Ser 2: protect حفاظت کردن
POK:910
Greek
heros: protector
Heracles: a legendary strong man
KLN:724
French
Persian
herkûl: "protector" هرکول
MON5: 2269
Indo-European
Ser 2: protect
POK:910
Avestan
haraiti, haurvaiti: protects
haurva 2: protecting
POK:910, KLN:338
Persian
?
هرگز رجوع شود به: اگر
هرمز رجوع شود به: اهورامزدا
هزار
هم: kilo
Indo-European
Gheslo: thousand هزار
POK:446
Avestan
hazanrem, hazangra: thousand
POK:446
Pahlavi
hazâr: thousand
POK:446, ARN:527
Persian
hezâr: thousand هزار
POK:446, BQT:2331
هزوان رجوع شود به: زبان
هُژیر
"زیبا روی"
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Indo-European
Skai: shining, bright درخشان، روشن
POK:917
Avestan
čitra: clarity, face, also race and origin
POK:700,916, BQT:2047,674, KNT:184
Avestan
hu-čitra: nice faced
POK:780,1037, HRN:111, HUB:57
Persian
hožîr: "well faced" هُژیر
BQT
هست رجوع شود به: استن
هستن رجوع شود به: استن

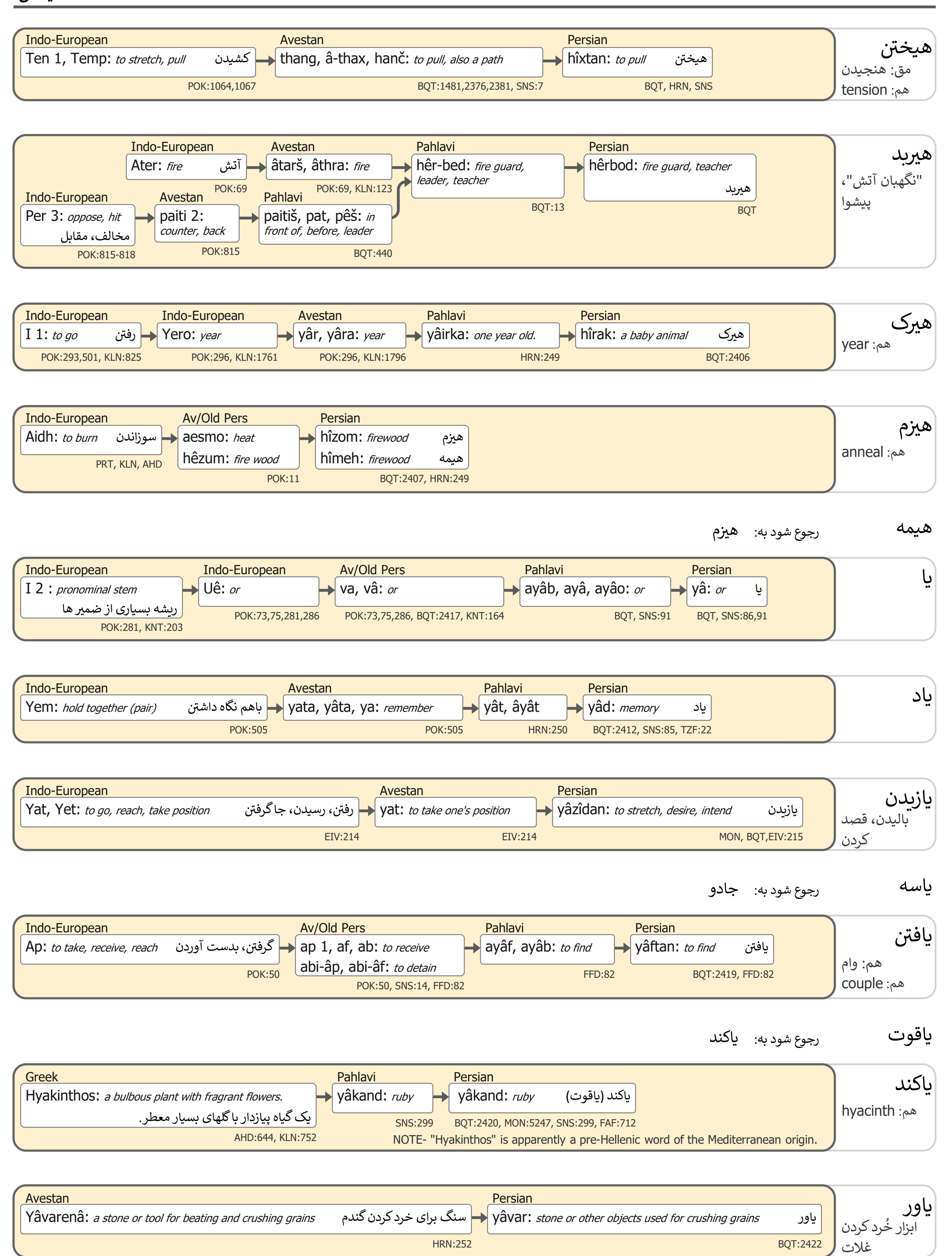


هسته
رجوع شود به: استخوان
هشت
هم: eight
Indo-European
Okto: eight هشت
POK:775
Av/Old Pers
ašta: eight
POK:775, KLN:504
Persian
hašt: eight هشت
BQT:2238
هشتن
رها کردن
Indo-European
Selg, Harz: to let go, release رها کردن
POK:900, EIV:133
Avestan
harz, herezaiti: to allow, release
POK:900, HRN:245
Persian
haštan, heštan: to let go هشتن
halîdan: to let go هلیدن
BQT:2361, 2339, EIV:133
هفت
هم: seven
Indo-European
Septm: seven هفت
POK:909
Av/Old Pers
hapta: seven
POK:909, KLN:1426
Persian
haft: seven هفت
BQT:2341
هکتار
مق: آر
هم: area
Indo-European
Dekm: ten عدد ده
POK:191
Indo-European
Dkm-tom: hundred
AHD
Greek
hektaton: hundred
AHD
French
hectare: a unit of area
Persian
hectâr: 10,000 square meters
هکتار
MON:39, 5159
Indo-European
As: to burn سوزاندن
POK:68
Latin
arêre: to become dry (land)
ara: an area (of dry land)
KLN:102
هلیدن
رجوع شود به: هشتن
هم
هم: same
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Persian
ham: too, together هم (همه)
مثال فرم "ان ـ": انبار, انباز, انباشتن, انباغ, انجام, انجمن, انجیدن, انداختن, اندازه, اندام,
اندرز، اندوختن, اندودن, اندوزیدن, اندوه, اندیشیدن, انگاردن, انگاشتن, انگیختن, انگیزه
KLN:58
Indo-European
Sem: same
POK:902,904
Old Persian
ha: one, with
ha-dâ: with
ham: together
KNT:211,212
Persian
?
هما
هم: هومن
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hu-mâyâ: well, blessed
BQT:717,737,748,2365, HRN:108
Persian
homâ: blessed هما (همایون)
BQT
هَمار
رجوع شود به: آمار
همال
مانند
هم: same
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Pahlavi
ham-êmâl, hamahl: equal, similar
MON:5176
Persian
hamâl: like همال
farrox-hamâl: prosperous فرّخ همال
IEC, MON
همان
رجوع شود به: هم + مان۱
همایون
رجوع شود به: هما
هم تک
هم سفر
Indo-European
Teku: to run, flow دویدن، جریان یافتن
POK:1059, EIV:374
Avestan
tak, taka, tač: to run
POK:1059, BQT:503
Persian
ham-tak: road companion هم تک، هم تگ
ما و مجنون به ره بادیه هم تگ بودیم
قدمی چند زهمراهی ما دور افتاد (شریف)
BQT, MON, IEC:1372
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
NOTE- Teku may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"
همدان
رجوع شود به: اکباتان
هموار
رجوع شود به: هم + وار۲



همه
رجوع شود به: هم
همیان
کمربند
Indo-European
Yôs: to gird, belt کمر بستن، دور چیزی را پوشاندن
POK:513
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham 1: with, also, too
POK:902-904
Av/Old Pers
yâsta, yânhaeiti: belted
ham-yân: belt
POK:513, KLN:1770, SYN:434, EIV:210
Persian
hamyân: belt, long money bag wrapped around the waist
همیان
BQT:2373, EIV:210
هَمیستَر
دشمن
Indo-European
Smeit: to throw, send forward
پرتاب کردن، به جلو فرستادن
POK:968
Avestan
maêth: to send, throw
hamista: thrown down, put down
hamaêstar: one who throws down, enemy
POK:968, KLN:988
Pahlavi
hamêstâr: enemy
hamêstagân: awkward situation
SNS:53
Persian
hamîstar: enemy همیستَر
hamîstakân: a place between hell and heaven
همیستکان
HRN:279, MON:5185
این لغت یا متروک شده و یا استفاده از آن بسیار محدود میباشد.
هَمیستَکان
رجوع شود به: هَمیستَر
همین
رجوع شود به: هامین
هنجار
راه
هم: tone
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
thang, â-thax, hanč: to pull, also a path
BQT:1481,2376,2381, SNS:7
Persian
hanjâr: path هنجار
ز هنجار دیگر درآمد به روم
فروماند گنج اندرون مرز و بوم (نظامی گنجوی)
BQT, MON, HRN, SNS, FFD
هنجیدن
هم: tension
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
thang, â-thax, hanč: to pull, also a path
BQT:1481,2376,2381, SNS:7
Persian
hanjîdan: to pull or dig out هنجیدن (آهنجیدن)
BQT, MON, HRN, SNS, FFD
هندسه
"اندازه گیری"
Indo-European
Teku: to run, flow
دویدن، جریان یافتن
POK:1059, EIV:374
Avestan
tak, taka, tač: to run
POK:1059, BQT:503
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Avestan
ham-tač, ham-tak: to throw together
BQT:128, HRN:27
Pahlavi
handâčak: throw together (like laying a yardstick next to something for measurement), measure
BQT
Arabic
Persian
hendeseh: the science of "measurements"
هندسه
BQT:2379, HRN:27
NOTE- the root "Teku: to flow" may be related to "Tek, Tač: to reach, receive"
هنر
"کار زیبا"
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Indo-European
Ner 1: vital energy, man انرژی حیاتی، مرد
POK:765
Avestan
hu-nara: good virtue, art
POK:780,1037, HRN:111, HUB:57
Persian
honar: "nice work" هنر
BQT
هنگام
هم: زمان
هم: come
Indo-European
Sem: same هم، همان
POK:902,904
Indo-European
Gwa: to walk, step قدم زدن
POK:463,EIV:98
Av/Old Pers
gam: to come, step
POK:463, KLN:318
Avestan
han-gama: at the same time, during
BQT:172
Persian
hengâm: time هنگام
BQT, MON,EIV
هوا
هم: شُش
Indo-European
Kwes: to pant, to breathe fast نفس نفس زدن
POK:631, CEL6: 284, EIV:369
Persian
havâ: air هوا
CEL6: 284
هوخت
دعا
هم: voice
Indo-European
Wekw: voice صدا
POK:1135
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Av/Old Pers
ux: word
hu-ux-tay: good words
ETM:72
Persian
hûxt: good words, prayer, prayer house هوخت
ETM:72, BQT:2388


هوخشتر
"خوب رشد کرده"
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Old Persian
hu, u, uv: good
KNT:175
Old Persian
u-vaxštra: well grown, former king of Media
KNT:175,176,177
Persian
Hovaxšatar: a former king of Media
هوخشتر
KNT:177
Indo-European
Yeu 1, Yauj: to join, harness
جفت کردن، مهار کردن
POK:509, EIV:217
Indo-European
Aueg : to grow, strengthen
رشد کردن، قوی شدن
POK:84-85 ،510, EIV:217
Old Persian
vaxš: grow
KNT:177
هور رجوع شود به: خور
هوربان رجوع شود به: حِربا
هورمزد رجوع شود به: اهورامزدا
هوش۱
هم: ear
Indo-European
Aus 1: ear گوش
POK:78,785, KLN:126,494
Avestan
ûši: two ears, intelligence, mortal life
ûši-dâta: intelligent
POK:785
Persian
hûš: intelligence هوش۲
hûš-yâr: intelligent هوشیار
POK:785
Indo-European
Dô: to give, create داده، خلق کردن
POK:223
Avestan
dâ 1: to give
BQT:121, POK:223,225
هوش۲
صبح
هم: east
Indo-European
Aus 2: to shine درخشیدن
Ausus: dawn سپیده دم
POK:86, KLN:495
Avestan
usaiti: to light up
ušâ: east, dawn
ušas-tara: east
POK:86, SYN:871
Pahlavi
huš: morning
SNS:67
Persian
hûš 2: morning هوش۲
HRN:281, SNS:67
هوشنگ
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hav-sivanga, hao-šyangh: good builder, with good household
BQT, FAF:708, ZMA:48
Persian
Hûšang: "good builder", with good household
هوشنگ
BQT, FAF:708, ZMA:48
Indo-European
Ken 2, Gwhen 3: to dig کندن
EIV:232, POK:534
Av/Old Pers
šan, šyangh: house, household
NOTE- Cognate with "kan 1: to dig out"
ZMA:49-51
هوم
هم: soak
Indo-European
Seu 2: juice, to take liquid, squeeze
عصاره، فشردن
POK:912
Avestan
hau 1: to press, squeeze
haoma: ephedra plant, mahuang shrub
POK:912, KNT:211
Persian
howm: a juicy plant which was considered very holy by the ancient Aryan people
هوم
HRN:249, BQT:2398
هومن
"نیک رفتار"
هم: mind
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hu-mana: well mannered
BQT, FAF:708, ZMA:48
Persian
Hûman: "well mannered" هومن
BQT, FAF:708, ZMA:48
Indo-European
Men 1: to think فکر کردن
POK:726
Avestan
manah: mind, manners
POK:726,727, BQT
هویدا
Indo-European
Su 1: well, good خوب
POK:1037, KLN:548
Avestan
hu 1: good
POK:1037
Avestan
hu-vaeda: well known
POK:780,1037, HRN:111, HUB:57
Persian
hovaydâ: "well apparent"
هو یدا
BQT
Indo-European
Weid: to see, to know دیدن، دانستن
POK:1125
Avestan
vaeda, vîdada: I know
POK:1125, 1126
هیچ
Indo-European
I 2 : pronominal stem ریشه بسیاری از ضمیر ها
POK:281, KNT:203
Indo-European
Au 1: one, this one
POK:73,75,281,286
Av/Old Pers
aiva-čiy: nothing
POK:73,75,286, BQT:2417, KNT:164
Pahlavi
hêč: nothing
BQT, SNS:91
Persian
hîč: nothing
هیچ
BQT, SNS:86,91
Indo-European
Kwo: stem of interrogative and relative pronouns ریشه ضمایر سئوالی و نسبی
POK:644,646, AHD


هیختن
مق: هنجیدن
هم: tension
Indo-European
Ten 1, Temp: to stretch, pull کشیدن
POK:1064,1067
Avestan
thang, â-thax, hanč: to pull, also a path
BQT:1481,2376,2381, SNS:7
Persian
hîxtan: to pull هیختن
BQT, HRN, SNS
هیربد
"نگهبان آتش"، پیشوا
Indo-European
Ater: fire آتش
POK:69
Avestan
âtarš, âthra: fire
POK:69, KLN:123
Pahlavi
hêr-bed: fire guard, leader, teacher
BQT:13
Persian
hêrbod: fire guard, teacher هیربد
BQT
Indo-European
Per 3: oppose, hit مخالف، مقابل
POK:815-818
Avestan
paiti 2: counter, back
POK:815
Pahlavi
paitiš, pat, pêš: in front of, before, leader
BQT:440
هیرک
هم: year
Indo-European
I 1: to go رفتن
POK:293,501, KLN:825
Indo-European
Yero: year
POK:296, KLN:1761
Avestan
yâr, yâra: year
POK:296, KLN:1796
Pahlavi
yâirka: one year old.
HRN:249
Persian
hîrak: a baby animal هیرک
BQT:2406
هیزم
هم: anneal
Indo-European
Aidh: to burn سوزاندن
PRT, KLN, AHD
Av/Old Pers
aesmo: heat
hêzum: fire wood
POK:11
Persian
hîzom: firewood هیزم
hîmeh: firewood هیمه
BQT:2407, HRN:249
هیمه
رجوع شود به: هیزم
یا
Indo-European
I 2 : pronominal stem
ریشه بسیاری از ضمیر ها
POK:281, KNT:203
Indo-European
Uê: or
POK:73,75,281,286
Av/Old Pers
va, vâ: or
POK:73,75,286, BQT:2417, KNT:164
Pahlavi
ayâb, ayâ, ayâo: or
BQT, SNS:91
Persian
yâ: or یا
BQT, SNS:86,91
یاد
Indo-European
Yem: hold together (pair) باهم نگاه داشتن
POK:505
Avestan
yata, yâta, ya: remember
POK:505
Pahlavi
yât, âyât
HRN:250
Persian
yâd: memory یاد
BQT:2412, SNS:85, TZF:22
یازیدن
بالیدن، قصد کردن
Indo-European
Yat, Yet: to go, reach, take position رفتن، رسیدن، جا گرفتن
EIV:214
Avestan
yat: to take one's position
EIV:214
Persian
yâzîdan: to stretch, desire, intend یازیدن
MON, BQT,EIV:215
یاسه
رجوع شود به: جادو
یافتن
هم: وام
هم: couple
Indo-European
Ap: to take, receive, reach گرفتن، بدست آوردن
POK:50
Av/Old Pers
ap 1, af, ab: to receive
abi-âp, abi-âf: to detain
POK:50, SNS:14, FFD:82
Pahlavi
ayâf, ayâb: to find
FFD:82
Persian
yâftan: to find یافتن
BQT:2419, FFD:82
یاقوت
رجوع شود به: یاکند
یاکند
هم: hyacinth
Greek
Hyakinthos: a bulbous plant with fragrant flowers.
یک گیاه پیازدار با گلهای بسیار معطر.
AHD:644, KLN:752
Pahlavi
yâkand: ruby
SNS:299
Persian
yâkand: ruby یاکند (یاقوت)
BQT:2420, MON:5247, SNS:299, FAF:712
NOTE- "Hyakinthos" is apparently a pre-Hellenic word of the Mediterranean origin.
یاور
ابزار خُرد کردن غلات
Avestan
Yâvarenâ: a stone or tool for beating and crushing grains سنگ برای خرد کردن گندم
HRN:252
Persian
yâvar: stone or other objects used for crushing grains یاور
BQT:2422

یخ
هم: ice

Indo-European: Eis 2: *ice* یخ (POK:301) → Avestan: isav: *frosty*; aêxa: *ice* (HRN:252, POK:301) → Persian: yax: *ice* یخ (BQT:2427)

Indo-European: Eis 2: *ice* (POK:301) → Old Persian: viyaxna: *ice* (SOD:452) → Persian: ?

یزد
رجوع شود به: ایزد

یزدان
رجوع شود به: ایزد

یزدگرد
ایزد + کار

Indo-European: Yag: *to worship* ستایش کردن (POK:501) → Avestan: yazatanam: *God*; yazato-kerata: *God's creation* (POK:501, HRN:95,252, KLN:1759) → Persian: Yazdgerd: *"God's creation"* یزدگرد (BQT, ETM)

Indo-European: Kwer, Kar 2: *to make, form* ساختن، تشکیل دادن (POK:641, EIV:236) → Old Persian: krta: *creation, city* (HRN:201) → Avestan: yazato-kerata

یسنا
مق: مزدیسنا

Indo-European: Yag: *to worship* ستایش کردن (POK:501) → Avestan: yesnya: *worship* (POK:501, HRN:95,252, KLN:1759) → Pahlavi: yasn, yašt: *worship* (ARN:540) → Persian: yasnâ: *worship ceremony* یسنا (BQT, ETM)

یک

Indo-European: I 2 : *pronominal stem* ریشه بسیاری از ضمیر ها (POK:281, KNT:203) → Indo-European: Au 1: *one, this one* (POK:73,75,281,286) → Av/Old Pers: ava 2, aiva, aêva, aeva, aivaka: *one* (POK:73,75,286, BQT:2417,) → Pahlavi: êvak, yak: *one* (BQT, SNS:91) → Persian: yak, yek: *one* یک (BQT, SNS:86,91)

یوز
رجوع شود به: یوزیدن

یوزپلنگ
رجوع شود به: یوزیدن + پارد

یوزیدن
هم: جوشیدن

Indo-European: Yeu 3: *to mix, blend* مخلوط کردن (POK:506) → Indo-European: yeu-dh: *shaken, active, fight*; yeug: *ready to fight* (KLN:833, POK:512) → Avestan: yaoz, yaozaiti: *search, fight* (KLN:833, POK:512, IEC:446) → Persian: yûzîdan: *to be active, to search* یوزیدن

زبهر طلایه یکی کینه توز
فرستاد بالشکری رزم یوز (فردوسی)

(BQT, MON)

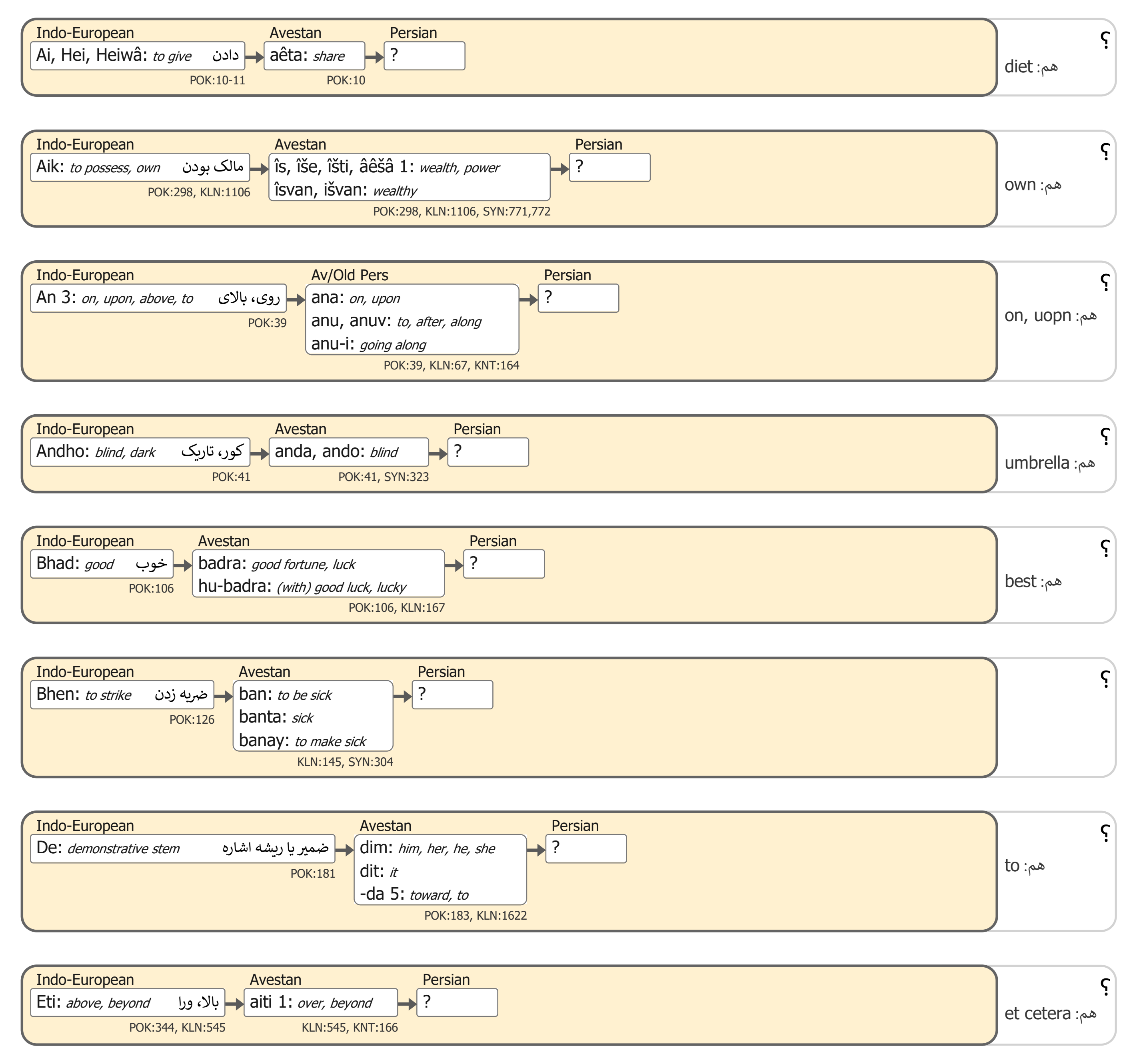
یوغ

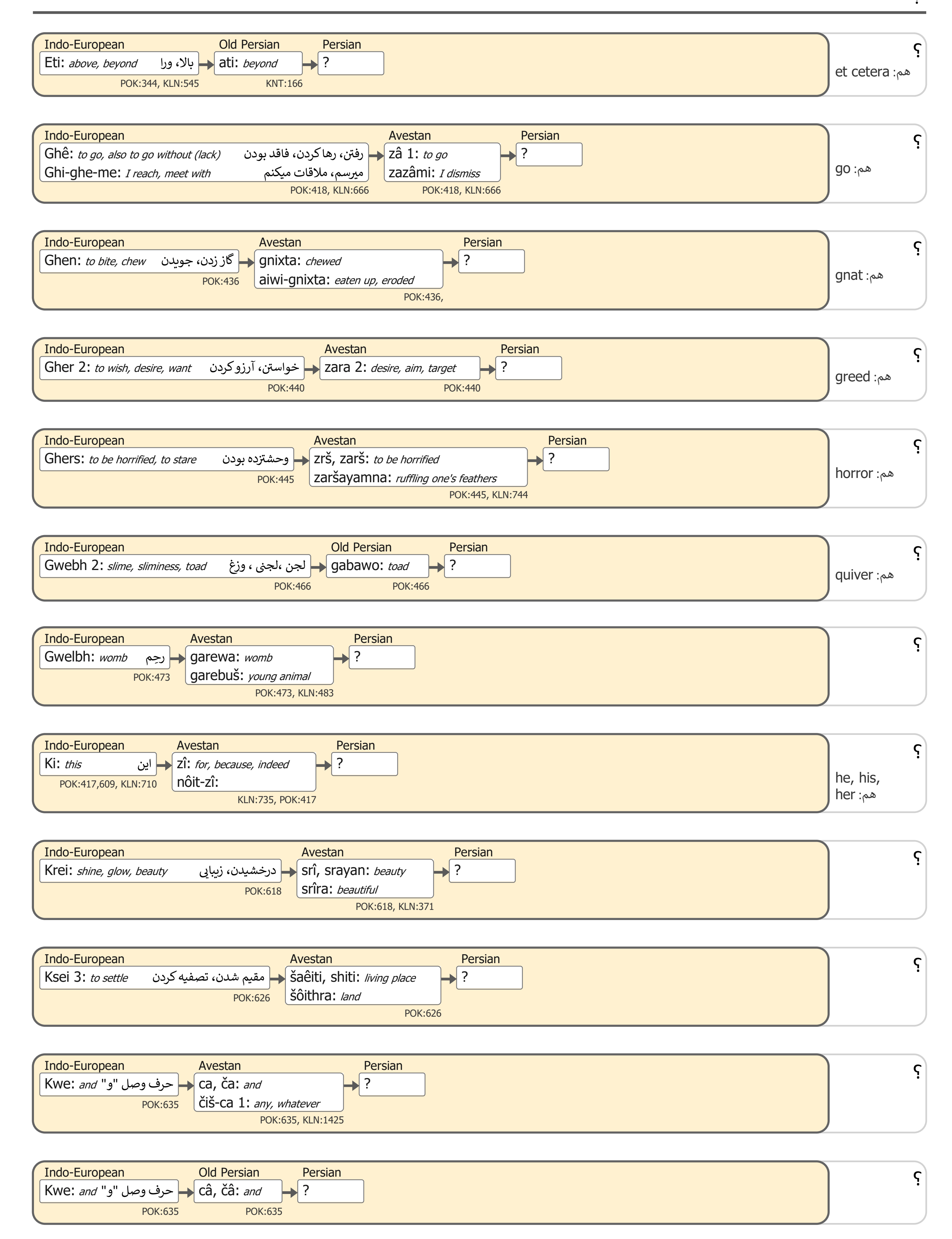
Indo-European: Yeu 1, Yauj: *to join, harness* جفت کردن، مهار کردن (POK:509, EIV:217) → Avestan: yaoj, yuj: *I harnessed*; yuxta: *harnessed, joined* (BQT:577,1228,2458, POK:509) → Persian: yûğ: *yoke* یوغ; joft: *pair (union)* جفت

یونان
هم: حنّان

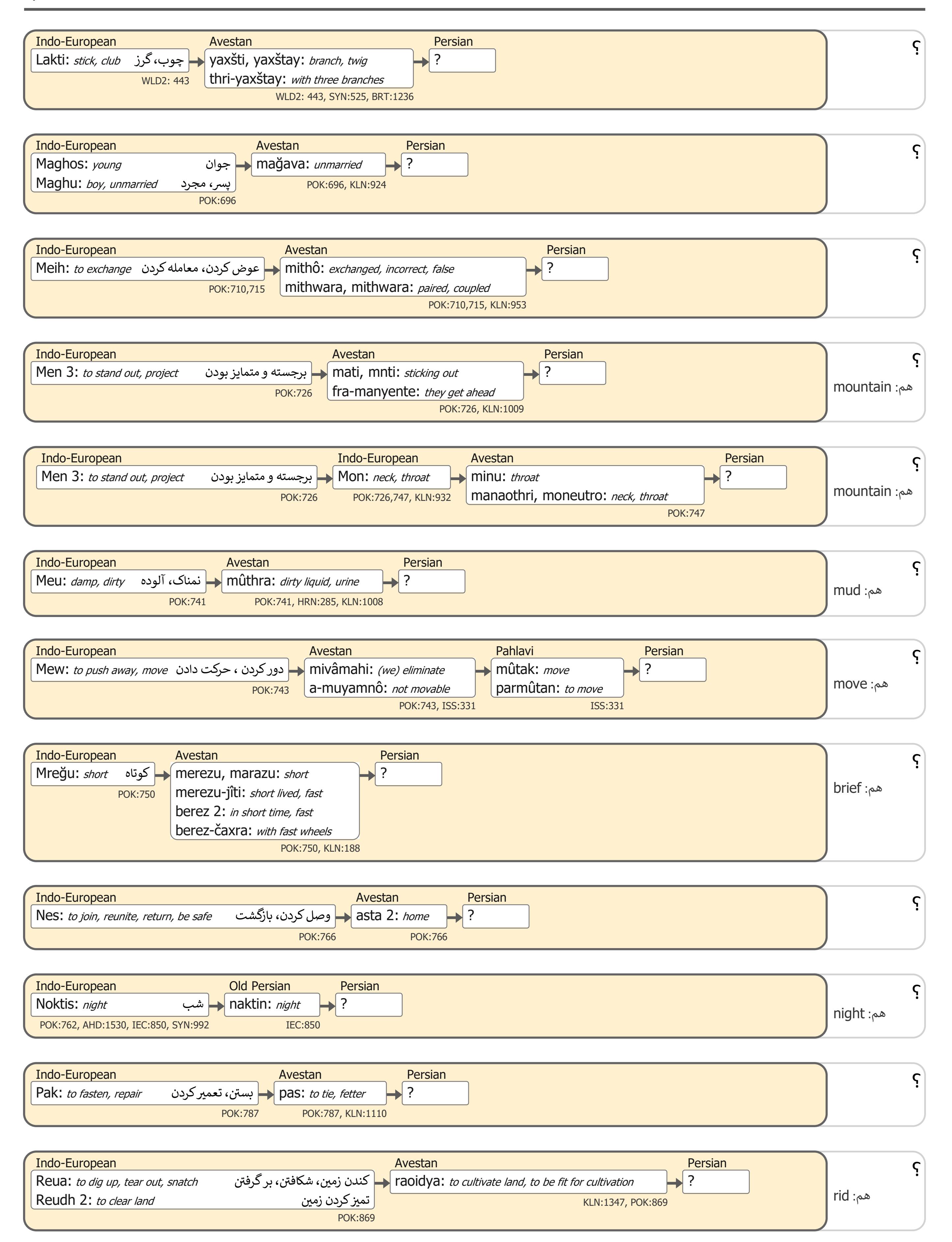
Semitic: H.n.n: *to have grace and kindness* شکوه و محبت داشتن (KLN:701) → Hebrew: hânan: *was gracious* (KLN:701) → Greek: Iwannos: *gracious* (KLN) → Greek: Ion: *Hellenic people who settled in the Mediterranean islands in 1100 BC.* (KLN:813, OEW:xi) → Old Persian: yauna: *Greece* (KLN:813, KNT:204) → Persian: yûnân: *Greece* یونان (BQT:2549)

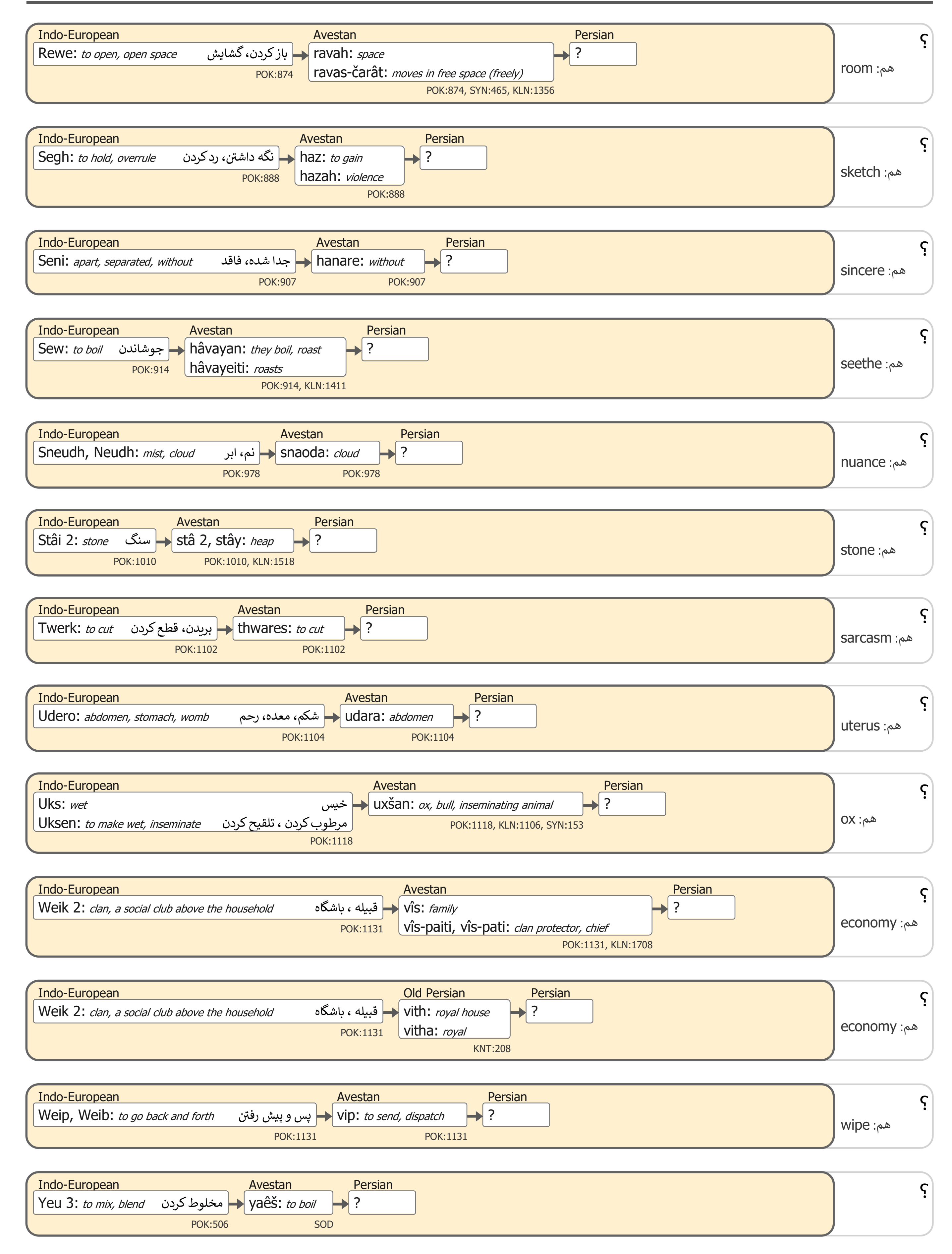
نمودارهای ناتمام





؟
Indo-European
Eti: above, beyond بالا، ورا
POK:344, KLN:545
Old Persian
ati: beyond
KNT:166
Persian
?
؟
et cetera :هم
Indo-European
Ghê: to go, also to go without (lack) رفتن، رها کردن، فاقد بودن
Ghi-ghe-me: I reach, meet with میرسم، ملاقات میکنم
POK:418, KLN:666
Avestan
zâ 1: to go
zazâmi: I dismiss
POK:418, KLN:666
Persian
?
؟
go :هم
Indo-European
Ghen: to bite, chew گاز زدن، جویدن
POK:436
Avestan
gnixta: chewed
aiwi-gnixta: eaten up, eroded
POK:436,
Persian
?
؟
gnat :هم
Indo-European
Gher 2: to wish, desire, want خواستن، آرزو کردن
POK:440
Avestan
zara 2: desire, aim, target
POK:440
Persian
?
؟
greed :هم
Indo-European
Ghers: to be horrified, to stare وحشتزده بودن
POK:445
Avestan
zrš, zarš: to be horrified
zaršayamna: ruffling one's feathers
POK:445, KLN:744
Persian
?
؟
horror :هم
Indo-European
Gwebh 2: slime, sliminess, toad لجن، لجنی ، وزغ
POK:466
Old Persian
gabawo: toad
POK:466
Persian
?
؟
quiver :هم
Indo-European
Gwelbh: womb رحم
POK:473
Avestan
garewa: womb
garebuš: young animal
POK:473, KLN:483
Persian
?
؟
Indo-European
Ki: this این
POK:417,609, KLN:710
Avestan
zî: for, because, indeed
nôit-zî:
KLN:735, POK:417
Persian
?
؟
he, his, her :هم
Indo-European
Krei: shine, glow, beauty درخشیدن، زیبایی
POK:618
Avestan
srî, srayan: beauty
srîra: beautiful
POK:618, KLN:371
Persian
?
؟
Indo-European
Ksei 3: to settle مقیم شدن، تصفیه کردن
POK:626
Avestan
šaêiti, shiti: living place
šôithra: land
POK:626
Persian
?
؟
Indo-European
Kwe: and حرف وصل "و"
POK:635
Avestan
ca, ča: and
čiš-ca 1: any, whatever
POK:635, KLN:1425
Persian
?
؟
Indo-European
Kwe: and حرف وصل "و"
POK:635
Old Persian
câ, čâ: and
POK:635
Persian
?
؟


Indo-European
Lakti: stick, club چوب، گرز
WLD2: 443
Avestan
yaxšti, yaxštay: branch, twig
thri-yaxštay: with three branches
WLD2: 443, SYN:525, BRT:1236
Persian
?
؟
Indo-European
Maghos: young جوان
Maghu: boy, unmarried پسر، مجرد
POK:696
Avestan
mağava: unmarried
POK:696, KLN:924
Persian
?
؟
Indo-European
Meih: to exchange عوض کردن، معامله کردن
POK:710,715
Avestan
mithô: exchanged, incorrect, false
mithwara, mithwara: paired, coupled
POK:710,715, KLN:953
Persian
?
؟
Indo-European
Men 3: to stand out, project برجسته و متمایز بودن
POK:726
Avestan
mati, mnti: sticking out
fra-manyente: they get ahead
POK:726, KLN:1009
Persian
?
؟
هم: mountain
Indo-European
Men 3: to stand out, project برجسته و متمایز بودن
POK:726
Indo-European
Mon: neck, throat
POK:726,747, KLN:932
Avestan
minu: throat
manaothri, moneutro: neck, throat
POK:747
Persian
?
؟
هم: mountain
Indo-European
Meu: damp, dirty نمناک، آلوده
POK:741
Avestan
mûthra: dirty liquid, urine
POK:741, HRN:285, KLN:1008
Persian
?
؟
هم: mud
Indo-European
Mew: to push away, move دور کردن ، حرکت دادن
POK:743
Avestan
mivâmahi: (we) eliminate
a-muyamnô: not movable
POK:743, ISS:331
Pahlavi
mûtak: move
parmûtan: to move
ISS:331
Persian
?
؟
هم: move
Indo-European
Mreğu: short کوتاه
POK:750
Avestan
merezu, marazu: short
merezu-jîti: short lived, fast
berez 2: in short time, fast
berez-čaxra: with fast wheels
POK:750, KLN:188
Persian
?
؟
هم: brief
Indo-European
Nes: to join, reunite, return, be safe وصل کردن، بازگشت
POK:766
Avestan
asta 2: home
POK:766
Persian
?
؟
Indo-European
Noktis: night شب
POK:762, AHD:1530, IEC:850, SYN:992
Old Persian
naktin: night
IEC:850
Persian
?
؟
هم: night
Indo-European
Pak: to fasten, repair بستن، تعمیر کردن
POK:787
Avestan
pas: to tie, fetter
POK:787, KLN:1110
Persian
?
؟
Indo-European
Reua: to dig up, tear out, snatch کندن زمین، شکافتن، بر گرفتن
Reudh 2: to clear land تمیز کردن زمین
POK:869
Avestan
raoidya: to cultivate land, to be fit for cultivation
KLN:1347, POK:869
Persian
?
؟
هم: rid


Indo-European
Rewe: to open, open space باز کردن، گشایش
POK:874
Avestan
ravah: space
ravas-čarât: moves in free space (freely)
POK:874, SYN:465, KLN:1356
Persian
?
؟
room :هم
Indo-European
Segh: to hold, overrule نگه داشتن، رد کردن
POK:888
Avestan
haz: to gain
hazah: violence
POK:888
Persian
?
؟
sketch :هم
Indo-European
Seni: apart, separated, without جدا شده، فاقد
POK:907
Avestan
hanare: without
POK:907
Persian
?
؟
sincere :هم
Indo-European
Sew: to boil جوشاندن
POK:914
Avestan
hâvayan: they boil, roast
hâvayeiti: roasts
POK:914, KLN:1411
Persian
?
؟
seethe :هم
Indo-European
Sneudh, Neudh: mist, cloud نم، ابر
POK:978
Avestan
snaoda: cloud
POK:978
Persian
?
؟
nuance :هم
Indo-European
Stâi 2: stone سنگ
POK:1010
Avestan
stâ 2, stây: heap
POK:1010, KLN:1518
Persian
?
؟
stone :هم
Indo-European
Twerk: to cut بریدن، قطع کردن
POK:1102
Avestan
thwares: to cut
POK:1102
Persian
?
؟
sarcasm :هم
Indo-European
Udero: abdomen, stomach, womb شکم، معده، رحم
POK:1104
Avestan
udara: abdomen
POK:1104
Persian
?
؟
uterus :هم
Indo-European
Uks: wet خیس
Uksen: to make wet, inseminate مرطوب کردن ، تلقیح کردن
POK:1118
Avestan
uxšan: ox, bull, inseminating animal
POK:1118, KLN:1106, SYN:153
Persian
?
؟
ox :هم
Indo-European
Weik 2: clan, a social club above the household قبیله ، باشگاه
POK:1131
Avestan
vîs: family
vîs-paiti, vîs-pati: clan protector, chief
POK:1131, KLN:1708
Persian
?
؟
economy :هم
Indo-European
Weik 2: clan, a social club above the household قبیله ، باشگاه
POK:1131
Old Persian
vith: royal house
vitha: royal
KNT:208
Persian
?
؟
economy :هم
Indo-European
Weip, Weib: to go back and forth پس و پیش رفتن
POK:1131
Avestan
vip: to send, dispatch
POK:1131
Persian
?
؟
wipe :هم
Indo-European
Yeu 3: to mix, blend مخلوط کردن
POK:506
Avestan
yaêš: to boil
SOD
Persian
?
؟

فهرست لغات

A20 - A36

فهرست ریشه لغات

همراه معنی و لغات فارسی مشتق از آنها

A2 - A19

Semitic

Sogdian

سغدی

Spanish

Sumerian

Syriac

Tamil

Turkish

Portuguese

Russian

Sanskrit



Word Index



Hebrew

Hindustani

Indo-European

Caribbean

Chinese

Dutch

Egyptian

English

English (Old)

Ethiopian

French

Greek

Word Index



Root	Persian Derivatives
Werdh: to grow, high	بالیدن, گوالیدن, والا
Weren: lamb	برّه, کلاغ, ورغنه
Werg 1: to work	ارغنون, بَرز, ورز, ورزش, ورزیدن
Werg 2	see Wer 3
Werg 2, Warz: nourished, strong	پروردن
Wes 1 : wet, also male animal	اشتر, باه, خون, زرتشت, زردشت, شتر
Wes 2: to buy	بها
Wes 3: to wear, put on	آستر, بام۲, بان۲, بهانه, پوست
Wes 4: eat, feed	واس, واستر, واش
Wet: year, also referring to things with few years (young) or many years (old)	بچّه
Wi: part, apart	بستر, بیدار, بیست, بیمار, جُناح, گ ـ, گداختن, گدار, گدازیدن, گذار, گذر, گذشتن, گریختن, گریز, گزاردن, گزارش, گزند, گُزیدن, گَزیدن, گزینش, گستاخ, گستردن, گسستن, گسیختن, گسیل, گشادن, گماردن, گماشتن, گمان, گُمیختن, گناه, گهولیدن, گوارا, گواردن, گوارش, گواژه, گواژیدن, گوالیدن, گواه, گوهَریدن, وچر, وزیر, ویراستن, ویرایش, ویشتاسپ
Wiač: to contain	گُنج, گنجایش, گنجیدن
Win: wine	وین
Wog	see Aweg
Wok, Wač: to let go, release, empty	واخیدن
Word: thorn, flower	رُز۲, گل, گلبن, گلشن, وَرد۲, وَل، وِل، وُل, ولغونه
Wortoko: quail	ودخین, وردیج
Wreg: to push, drive	گرازیدن

X

Root	Persian Derivatives
Xac: shine through	کاج, کاچی, کاشی
Xad: to beat, to wound	خَستن, خسته
Xâk: dust, soil, earth	خاک, خاکستر
Xalen: birch tree, birch wood	خدنگ
Xšad: to forgive	بخشودن, بخشیدن۲
Xšai: weep, lament	شیون
Xšarta: to press, squeeze	افشاردن, افشره, فشار
`Xšnk: nice	قشنگ
Xvaini: cover, carpet	خوان, خوانچه

Y

Root	Persian Derivatives
Yâ: to be aroused	جادو, یاسه
Yad, Gwed: ask, demand	نیایش
Yag: to worship	ایزد, جشن, مزدیسنا, یزد, یزدان, یزدگرد, یسنا
Yamb: to move, wander	جنبیدن
Yaš, Iaš: to show appear	آیشه, ایشه, نشان
Yat, Yet: to go, reach, take position	یازیدن
Yau 1: move, movement	جو۱, جوب, جوی, جویبار
Yau 2, Yeu 4: to separate	جدا
Yauj	see Yeu 1
Yâvarenâ: a stone or tool for beating and crushing grains	یاور
Yekwer: liver	جگر
Yem: hold together (pair)	جم, جمشید, دشیاد, یاد
Yes, Ies: to boil	جَستن, جهیدن, جوشیدن
Yet	see Yat
Yeu 1, Yauj: to join, harness	بنفش, بنفشه, پیروز, جفت, زوج, قسط, قسطاس, هوخشتر, یوغ
Yeu 2: young	جوان
Yeu 3: to mix, blend	جُستن, جوییدن, یوز, یوزپلنگ, یوزیدن
Yeu 4	see Yau 2
Yôs: to gird, belt	پیراهن, پیژامه, جامه, چمدان, زنّار, همیان
Yu: you	شما

Z

Root	Persian Derivatives
Zauša: raising a noise, being violent or bad tempered	زوش
Zgwes: to extinguish	زخم
Zi: to adorn	دیبا, زوار, زیب, زیبا, زیبنده, زیبیدن, زیور

Root	Persian
Tuer, Tur: to hurry, hasten	توریدن
Tulupos: lump, ball, mass, crowd	تُرُب
Tur	see Tuer
Turd: hard, strong	تُرد
Tuxš: to be busy, working	تخشا, تخشیدن

U

Root	Persian
Ud 1: up, out, away	آزمایش, اِسکِنه, اُشنان, اوج, زاهیدن, زدودن, زِه۲, زهاب, زهدان, زهیدن, سپری, ستوه, سِگال, نَستوه
Ud 2	see Wer 4
Ul: to go, to step	الاغ
Ulk,Ulkos: wolf (with fiery eyes)	تهمورث, روباه
Ulkos	see Ulk
Umm: mother	خانم
Upo: to, from below	آبسال, ابَر, امید, باور, باید, بَر۲, بردیه, برگستوان, برمنش, به, پِچِگم, پدید, پسندیدن, پِشگم, پگاه
Urigh: rice	اُرز, برنج۲, وریزه
Uroiks: twist, beard	ریش۲, ریشه
Urvan: spirit, soul	انوشیروان, روان۲

V

Root	Persian
var: to cover	بَرم
Varâza: boar (animal)	گراز, وُراز
Vareta: slave	بَرده
Vata: small, undesirable, bad	بَد, وَد
Vatin-ganah: eggplant	بادنجان

W

Root	Persian
Wâ, We: to be empty	وَنگ۱
Wač	see Wok
Wai: alas	وای۱
Wakâ	see Wâka
Wâka, Wakâ: cow	ورزا
War	see Wel 2
Warš: to be hungry	گُرس۱, گرسنه, گشنه
Warz	see Werg 2
We	see Wâ
Wê: to blow	اندروا, باد, بادآس, نیروانا
Webh: to weave	بافتن, وَبز
Wedh 1: to marry	بیو, بیوگ
Wedh 2: to slay, strike	گوِه
Weg 1: to weave	واکس
Weg 2: to be lively, strong	باختن, بازیدن, بزرگ, گرز
Wegh: to go, carry	باز۲, باشه, پرواز, واشه, وزیدن
Wêğo: lizard?	وَزَغ, وزغه
Wegwh	see Eueguh
Wei 1: to bend, turn, twist	بید, بیشه
Wei 2: vital force	بَر۱, بیر, ویر
Weid: to see, to know	اسطوره, اوستا, پژوهیدن, هویدا, ویدا
Weidh: to select, separate	بیختن, بیوه, پرویزن
Weik: to shake, swing	آونگ, آویختن, آویز, انگیختن, انگیزه, بیختن, پرویزن, ویختن
Weis: to rot, melt away, flow	بیش۱
Wek: to wish, desire	بَس, بسنده, بسیار
Wekw: voice	آوا, آواز, باج۲, بانگ, پژواک, خُنیا, فروختن, گواژه, گواژیدن, نوا, نواختن, هوخت, واژ, واژه, واک, وَخشور, وَنگ۲
Wel 1: to wish, desire	آری, باور, شهریور, گرو یدن
Wel 2, War: to tear, wound, plunder	آوار۱, گرس۲, گرگ, گرگان, والانه, وَرِس, وَریس, ولانه
Wel 3: to turn, roll	بار۲, دربار, شلوار, هموار, وار۲, وار۳, وَبَر
Wem, Wema: spit, vomit	وامیدن, ومیدن
Wema	see Wem
Wen: to wish, desire	بُن۲, بنفش, بنفشه.
Wep: to throw, spray ?	برف
Wer 1: to speak	فرمان, وَر
Wer 2, Kwermi: to turn, bend	قرمز, کِرم, کوپال, گِرد۲, گرد۳, گردن, گُرده, گردیدن, گشتن, گوپال, نوردیدن, وَردَنه, ورغ
Wer 3, Werg 2: to cover, enclose	باره۲, بارو, بَرزن, بهرام, پروار, دیوار, فردین, فَروار, فروردین, فَروَهَر, گیج, وار۱, وهرام
Wer 4, Ud 2: water, wet	باران, بارگین, ودخین, ورديج
Wer 5: to burn	سماور
Wer 6: squirrel	وَروَره
Werd: raised point	بالو

Sukurna, Skarna: porcupine	سُغُر, سُگر
Šûlaka: wild horse	شولک
Sup	see Rup
Šurmênu: cypress tree	سَرو
Svas: thresh, beat grain	خُست, خُوست
Swâd: sweet	خواستن, خواهش
Swei: to bend, twist	شیبا, شیوا
Sweid, Huaid: to sweat	خِوی, خیو, خیوه
Swekwo: resin, juice	اپیون, افیون
Swel: to eat	آخور, خوردن, خَوَرنَق, خورنگاه
Swen, Huan: to sound, call	آخوند, افغان, خنیدن, خواندن, فغان
Swep: to sleep	بَختَک, خُفتَک, خُفتن, خَفج, خواب
Swer: to press, cut, hurt	خاراندن, خَستن, خسته, خلبان, خَلِه, خَلیدن, خوره
Swerd: dirty, dark	خوال
Šypšyr	see Šfšyr
Šypwr: trumpet	شیپور

T

Tabaco: a pipe for smoking, roll of tobacco leaves	تنباکو
Tabûrâk: a drum	تنبور, طبل
Tač	see Tek
Tâl: to grow, twig, a stick used as a unit of length	تالار
Talk: a mineral, talc, talcum powder	تالک, طلق
Tanûr: fire, oven	تنور
Tar	see Ter 2
Targumânu: interpreter	ترجمه
Tauj: to gather, gain	اندوختن, اندوزیدن
Teig	see Steig
Tek, Tač: to stretch the hand, reach, receive	پرداختن۲
Teku: to run, flow	انداختن, اندازه, پرداختن۱, تاختن, تازیانه, تازیدن, تخش, تکیدن, گداختن, هم تک, هندسه
Tel: to lift	تراز, ترازو
Tem: dark	تار۲, تاریک, تَم, تیره
Temar: he concealed	مطموره
Temp	see Ten 1
Ten 1, Temp: to stretch, pull	آبستن, آختن, آهختن, آهنجیدن, آهنگ, آهیختن, پشوتن, تابیدن۱, تار۱, تافتن۱, تَر۲, ترانه, تَن, تنش, تُنُک, تَنیدن, تهمتن, توره, توله, فرهنگ, فرهیختن, فروهیختن, گیتار, هنجار, هنجیدن, هیختن
Ten 2: to thunder	تُندر
Tenk: to become firm and thick	ترخینه, تلخینه, تنجیدن, تَنگ, تهمتن, تهمورث, رُستم
Tep: to be warm	آفتاب, پرتو, تاب, تابستان, تابیدن۲, تافتن۲, تب, تپیدن, تفت, شتاب, شتافتن, مهتاب
Ter 1: to cross over, surpass, overcome	اندر۲, پدراندر, پسراندر, ـ تر۱, ترابری, ـ ترین, دختراندر, ـ سار۱, سُرادِق, سرای, کوهسار, گدار, گذار, گذر, گذشتن, مادراندر
Ter 2, Tar: a kinship term	آزرمیدخت, برادر, بیدخت, پدر, خواهر, داماد, دختر, دختراندر, فغفور, مادر, مادراندر, ماده, مادیان, ماکیان, مایه
Terp 1:to lie, steal	تَرفند, تروند
Terp 2	see Ster 3
Ters: dry, to dry	تشنه
Teter: chatter	تذرو
Têu: to swell	تخم, تُند, تهماسب, توان, توبره, توده, ثور, ستوه, طهماسپ, نَستوه
Teub: side	تو۲, سو, سوق, سوی
Teup: to push, beat, hit, also throw	تباه
Teus: empty	تَه, تهی
Tex: to build from wood, to build	تاس, تخته, تراشیدن, تشت, تیشه, طاس
Thranč	see Trenk
Tiegu: to approach shyly	سیج
Tien: store, shop	تیم, تیمچه
Titi: imitation of a bird song	تیتو, طیطو
Tôkei: peacock	طاووس
Trei: three	سه, سوم, سی
Trenk, Thranč: to compress	تَرنجیدن
Trep: to tremble, be restless	چابک, سبُک
Tres: to tremble	ترسا, ترسیدن, سهم
Trp: to satisfy	تولف
Tu: you	تو۱

Roots with meaning & Persian Derivatives

Root	Persian Derivatives
Sked,Sâd: to cover	آسایش, چادر, چتر
Skeht, Ĉat: tremble, shake	چندش
Skel: bent, curved	شَل, شَلپوی, شلنگ, شلوار, قولنج, قولون, کُل
Skeng: crooked, bent	هَخ
Sker 1: to turn, bend	کران, کنار
Sker 2	see Ker 2
Skeu	see Keu 3
Skêu: to sneeze	اشنوسه, شنوشه
Skeud, Ĉaud: to throw, shoot	چُست
Skhai: to cut, strike	چیلان, چیلنگر, قیصر
Skordh, Kerdh: small	خُرد
Sku: to cover	خود۲, سکوره, کاز, کازه, کوچ
Smeit: to throw, send forward	هَمیستَر, هَمیستَکان
Smer	see Mer 1
Snâ: to flow, swim	اُشنان, شنا
Sneigwh: snow, to snow	سِنِهر
So: this, that	او, ایشان, که
Sol: whole	خرداد, هر
Sophos: skilled, wise	سفسطه, فلسفه
Šôšen: lotus	سوسن
Spek: to look, examine	پاس, پاسبان, سپاس, سکوبا
Spelgh: spleen	سِپُرز
Spen	see Pend
Sper: sparrow	پرستو, سار۳
Spereg: to swell, sprout, jump, begin	اسپرغم, اسپرود, اسفراج, شاه اسپَرَم
Sphallein: cause to fall, slip	اسفالت, زفت
Sphê: long flat piece of wood	فَه, فیه
Sphel: to split	سپار, سپر
Spher: ankle, move fast, spread	سپاردن, سپردن, سپری, سپهر
Spiš: an insect, bug, flea	شپش
Spongo : fluffy, empty	اسفنج, سپنج
Spyeu: to spit	تُف, تفنگ
Srau	see Kleu
Srêno: thigh, hip	ران
Sresk: to drip	سرشک
Sreu	see Ser 1
Srgâla: howler	شغال
Srîra: satisfied	سیر
Srisâ, Sernh, Harn: file, saw	ارّه
Sru, Srva : lead (metal)	سرب
Srva	see Sru
Stâ: to stand	آستان, آشتی, ارتش, استاد, استاک, استان, استخر, اسطبل, ایستادن, بغستان, بیستون, پرستار, پرستیدن, پشت, تابستان, سِتاک, ستان, سُتُرگ, ستم, ستور, ستون, شبستان, فرستادن, فرشته, فغستان, گستاخ
Stâi: to steal	ستادن
Stebh: support, stem	استبرق, استبرک, استوار, استوان۲, ستبر, ستنبه, سُتوان۲
Steg: to cover	تاج, تاجور, تاجیک, تازی, تایر, تَجَر, تَزَر
Steig, Teig: pointed, sharp	ترکش, تیر, تیز, تیغ, دجله, دیاله, ستیز, ستیغ, ستیهیدن, کیش۲, کیش۳
Ster 1: to spread, throw	بستر, خاکستر, صراط, گستردن
Ster 2: star	ستاره
Ster 3, Sterp, Terp 2: stiff, hard	تُرش, تره
Ster 4: barren	سَتَروَن
Sterp	see Ster 3
Steu: to praise	استوان۱, خَستو۲, ستایش, ستاییدن, ستوان۱, ستودن
Stewe: to cluster, condense	توپ
Stoigh: to stride, step, rise	اُسطُقُس
Stomen: mouth	آستَم
Storos: a type of bird (sparrow?)	سار۳
Su 1: well, good	آلگوریتم, آهو۲, اردیبهشت, اوستا, بَه, بهشت, بهمن, حور, خجسته, خُرّم, خُسُر, خسرو, خُسور, خُسوره, خشنود, خُشو, خُنیا, خوارزم, خوب, خوش, داریوش, فُرات, کسریٰ, کیخسرو, هُژیر, هما, همایون, هنر, هوخت, هوخشتر, هوشنگ, هومن, هویدا
Su 2: wild boar, pig	خوک, سفلیس
Su(m)b	see Keu 2
Suîĝ: jump, dance	خاستن, خیزیدن, رستاخیز

Root	Derivatives
Rêp: to crawl	رَفتن, روا, رواج, روان۱, روش
Resg	see Rezg
Ret: to roll, run	ارّابه, ارّاده, ارتش, ترهّات, راه, راهب, رایگان, رده, رژه
Rêu, Raud 1: to cry, roar	لُندیدن
Reudh: red	روناس
Reug: to vomit, belch, produce smoke or vapor	آروغ, رُغ
Reughmen: oil, cream	روغن
Reuto: intestines, bowels	اشکم, روده, شکم
Rezg, Resg: to plait, wind	رَغزه
Rk-tho: bear (animal)	ارشام, خرس
Rup, Sup: shoulder	سُفت

S

Root	Derivatives
Šabatu: to cut, stop working	سَبْت, شنبه
Sâd	see Sked
Sâen: to be late, a period of time	هاسر
Sâi, Hai: to bind, tie	سنَوَر, گشادن, ویشتاسپ
Sakah: teak wood	ساج
Šâli: grains, cereals	چلتوک, شالی, شالیزار, شَلتوک
Salîbâ: cross	چلیپا, صلیب
Sam: summer	هامین, همین
Šamšêr	see Šfšyr
Saus, Hauš: dry	خشک, خوشیدن
Šavala: (a fabric) marked with colors	شال۱, شال۲
Sâwel: sun	جربا, خاور, خراسان, خور, خورشید, فَر, فرّخ, فرخُندِه, فرزاد, فرشاد, فرشید, فرناز, فریبرز, نُهور, هاله, هور, هوربان
S.d.a`: to split	سدیم
Sê: to sift	سطل
Sed, Had: to sit, also to place a step, to go	پسندیدن, خرسند, نخست, نزد, نزدیک, نشستن, نَشیم
Šedû: devil, mad person	شیدا, شیطان
Seiku, Haič: to flow, moisten	پشنجیدن, خیساندن
Seip: to pour out, drip	صابون
Seks: six	شانزده, شَست
Sekw: to follow	از, اسکناس, سجلّ, سقرلات, شاگرد, هخامنش
Selg, Harz: to let go, release	هشتن, هلیدن
Selh: to earn, posses	گهولیدن, گوهَریدن
Selp: fat, oil	چرب
Sem: same	اکباتان, اگر, انبار, انباز, انباشتن, انباغ, انجام, انجمن, انجیدن, انداختن, اندازه, اندام, اندرز, اندوختن, اندودن, اندوزیدن, اندوه, اندیشیدن, انگاردن, انگاشتن, انگیختن, انگیزه, پُر, سماور, مگر, نگاردن, هامون, هرگز, هم, هم تک, همال, همان, همدان, همه, هموار, همیان, هندسه, هنگام, وار۲
Sêma: marked, stamped (coin)	سیم۲
Sêmi: half	نیم
Sen: old	سنا, هان
Septm: seven	هفت
Ser 1, Sreu: to flow	رَم, رمیدن, رود۱, روضه, سِرُم, هرات
Ser 2: protect	هرکول
Ser 3: to line up, arrange, sort	سری, هار
Sernh	see Srisâ
Seu 1: one's own self	خدا, خدیو, خو, خواجه, خواهر, خود۱, خویش, ناخدا
Seu 2: juice, to take liquid, squeeze	هوم
Seu 3, Hau 2: to give birth	رود۲
Seu 4, Hau 1: to extract, squeeze out	هاون
Šfšyr, Šypšyr, Šamšêr: sword	شمشیر
Sinkadruš: the red ore of mercury (mercuric sulfide) used as a pigment	زنجرف, شنگرف
Skabh: to support	پچگم, پِشگم
Skai: shining, bright	چهره, سایه, منوچهر, هُژیر
Skaip: to wait	شکیبا, شکیبیدن
Skaivos: sinister, odd, strange	شوخ
Skand 1: to climb, leap	اسکله
Skand 2: to break	شکستن
Skarf: to stumble	شکرفیدن
Skarna	see Sukurna

Root	Persian Derivatives
Per 1: around, forward.	پار, پارسال, پالیز, پراکندن, پرتو, پرچین, پرداختن۱, پرداختن۲, پردیس, پرستار, پرستیدن, پرگار, پَرماسیدن۱, پَرماسیدن۲, پَرَندوش, پروار, پرواز, پروردن, پَریر, پریروز, پژمردن, پشت, پشنجیدن, پیراستن, پیرامون, پیراهن, پیرایه, پیروز, جالیز, فرا, فرارون, فراز, فرامرز, فربه, فرجام, فردوس, فردین, فرزانه, فرزند, فرزین, فرستادن, فرشته, فَرفَر, فرمان, فرهنگ, فرهیختن, فرو, فَروار, فروختن, فروردین, فَروَهَر, فروهیختن, فریاد, فریرون, فلاخن, فیرون
Per 2: to lead or fly across.	بار۳, پُل, فُرات, فروردین, فَروَهَر, فروهیختن, فریاد, فریرون, فلاخن, فیرون
Per 3: oppose, hit	آورد, بُد, بند, به, بیغاره, پ ـ, پاداش, پادافراه, پادزهر, پاسخ, پتیاره, پدرام, پذیرفتن, پذیره, پرهیختن, پرهیز, پژمان, پژوهیدن, پشیمان, پیاله, پیام, پیش, پیشانی, پیشوا, پیغاره, پیغام, پیکار, پیکان, پیکر, پیمان, پیمانه, پیمودن, پیوستن, سپهبد, موبد, هیربد
Per 4: to give, present	پاره
Perd, Pers: speck, spot, sprinkle	پارد, پارس۲, پاشیدن, پلنگ, یوزپلنگ
Perg, Part: to fight	نبرد
Perk 1 : to ask	پادافراه, پرسیدن
Perk 2: rib, chest	پهلو۱
Pers	see Perd
Persna: heel	پاشنه
Pestêno: breast	پستان
Pet 1: to fly, to fall	افتادن, پَست, گَسَک, گَشَک, گَشَکرک
Pet 2: to spread	پَهن
Peu: to purify	پاک
Peua: to decay, rot	پوده, پوسیدن
Peud: to press, hasten	پو, پویا, پوییدن, تکاپو
Peuk: to prick	سپوختن۱, سپوختن۲, سپوزگار, سپوزیدن
Pilo: hair	پیله
Pin: wood, tree stump	پَنگان, فنجان
Pippalî: pepper	پلپل, فلفل
Plou, Blou: flea	پشه
Pô, Pe: to drink	پاتیل, نَبید, نَبیذ

Root	Persian Derivatives
Pod: foot	پا, پای, پایین, پَل, پِی, پیاده, پیژامه, پیک, قالب, کالا, کَالب, کالبد, کالیر
Pôl : to touch, feel	پالیدن۲, سنتور
Porno	see Parn
Pôu: small, young	آبستن, بیدخت, پسر, پور, فغفور
Prî: to love, praise	آفریدن, آفرین
Pu: to blow, swell	پوک
Puk 1: bundled together	بَساک, پَساک
Puk 2, Pauk: puff, a blow of air	پُف
Pulâka: ball of rice	پلو
Pwt: Buddha, also used to mean an idol	بُت

Q

Root	Persian Derivatives
qâter: smoke, incense	سِدر

R

Root	Persian Derivatives
Ragâ, Rağâ: city of "Ray" south of Tehran.	رازی, ری
Rağâ	see Ragâ
Raič	see Leigh 2
Raika: sand, gravel	ریگ
Raip	see Leip
Raiš	see Rei 2
Rand: to scrape	رنده, رندیدن
Raud 1	see Rêu
Raud 2	see Leudh
Raup 1: to sweep away	جاروب, رُفتن, لای
Raup 2	see Leup
Raxš	see Lakš
Redh: to separate, isolate	راز, رستگار, رَستن, رهیدن, وارستن
Reg 1: move straight, right	افراشتن, راست, رَج, رده, رزم, رژه, ریال
Reg 2: to dye, color	رَجیدن, رزیدن, رنگ, لاک
Rei 1: possession	راد۲, رای
Rei 2, Raiš: to hurt, tear, cut	ابریشم, رشته, ریزه, ریسمان, ریسیدن, ریش۱, ریشتن
Rek: to tie	رَسَن
Rem: to rest	آرام, پدرام, خُرّم, رام, رامش, رامین, شهرام

Root	Persian Derivatives
Nem 2: to bend, bow in respect, also brush wood and twigs	نماز
Nemata: straw, grass	نمد
Nembh	see Nebh
Nepôt: grandson	نَبَس, نوه
Ner 1: vital energy, man	اسکندر, نر, نریمان, نیرو, هنر
Ner 2: to turn, twist	نرگس
Neu: to cry	زنودن, زنویه, نالیدن, نُویدن, نویه, نوییدن
Newn: nine	نُه
Newo: new	اکنون, کنون, نو, نَوید
Nî: down, below	آیشه, ایشه, پنهان, نبرد, نُبی, نژند, نشان, نشستن, نشیب, نَشیم, نغوشا, نغوشیدن, نگاه, نگون, نما, نمایش, نماینده, نمودن, نهادن, نهان, نهفتن, نوردیدن, نوشتن, نیاز, نیام, نیایش, نیوشیدن, وَردَنه
Nis: off, away	نیروانا
Nitiru: natron; carbonate of soda	نطرون
Nobh: nave, hub	ناف, نافه
Nôǧ: whim, triviality, fancy	ناز, نازک
Nogh: nail	ناخن
Nogw: naked	برهنه, نَغام
Nomn: name	دشنام, نام
Nyâka: grand parent	نیا, نیاکان

O

Root	Persian Derivatives
Oies: pole	خیش, خیشکار
Okto: eight	هشت
Ôku: swift	آهو۱, گسَک, گشَک, گشکرک
Om: raw, bitter	خام
Ome: to move with energy	ارشام
Op: work, produce in abundance	خوب
Opop: a bird sound	پوپک, پوپو
Orghi: testicle	ارکیده
Ost: bone	است۲, استخوان, خستو۱, هسته
Ôus: mouth, lip	زاهیدن, زِه۲, زهاب, زهدان, زهیدن
Ozgho: branch, bud, offspring	ازغ, ازگ۱, ازم

P

Root	Persian Derivatives
Pa: to protect, feed	آباد, آبادان, آذربایجان, اردوان, استوان۲, باب, بابا, بابک, بان۱, برگستوان, پادشاه, پالان, پالایش, پالودن, پالوده, پالونه, پالیدن۱, پاییدن, پدر, پنام, پناه, چوپان, حِربا, دربان, سُتوان۲, شبان, فالوده, گریبان, میزبان, نهفتن, هوربان
Pad-: duck	بَط
Pais: crush, grind	پِست
Paita: to spread, make flat	پرده, فراخ
Parîkâ: sweet heart, fairy	پری
Parn: wing, feather	پَر, پریدن
Pârsa: name of an Aryan (Indo-European) tribe who migrated to Persia (Iran) about 4000 years ago.	پارس۱, پاسارگاد, پشملبا, فارس
Part	see Perg
Parth, Parti: the name of a tribe in Khorâsân who rose to power and pushed the Greeks out of Iran in 250 BC.	پارت, پهلبُد, پَهلُو۲, پهلوی
Parti	see Parth
Parvan: knot	پَژ, پژواک
Pauk	see Puk 2
Pe	see Pô
Peg: breast	پنکه
Peî: sap, fat	انگ۲, انگبین, پنیر, پِه, پینو, پیه, دُژپیه, دُشپیل, دُشپیه, دُمَل, سکنجبین, فربه
Peig: to mark	پیسه, پیشه, نُبی, نوشتن
Pek: wool, to pluck wool	پشم, چوپان, شبان
Pekw: to cook	با, پختن, پَز, پَزیدن, شوربا, نانوا, وا
Pel 1: to fill	اُباردن, اُباشتن, انباشتن, انبار, اوباش, برنا, پُر, پروین, سپری, فراوان, فِرِه, فَرهَست
Pel 2: pale, gray	پارسا, پیر
Pel 3: dust, flour	باروت, پودر
Pelpel: butterfly	پروانه
Pend, Spen: twist	پینه
Penkwe: five	پنج
Pent: to go, pass	پند

Root	Persian Derivatives
Meigh 1: to sprinkle, urinate	گمیختن, میختن, میز
Meigh 2: to blink, cover, darken	مژگان, مژه, مِه۱, میغ
Meit 1, Mait 1: to stay, dwell	میهمان, میهن۱
Meit 2, Mait 2: to throw, discard	میهن۲
Mel 1: black, dirty	خیال, مالیخولیا
Mel 2: small, harmful	مار
Mel 3: soft, soft material	ملغم
Mêlg, Marz?: to wipe off, rub, milk	آمرزیدن, پَرماسیدن۱, فرامرز, مالیدن, مُرز۲, مُشت۲, مُشتن
Men 1: to think	اهریمن, اهورا, اهورامزدا, اورمزد, ایرمان, برمنش, بهمن, پژمان, پشیمان, دُژم, دُژمان, دشمن, قهرمان, کهرمان, گمان, ـ مان۳, مزدا, مزدیسنا, ـ من۳, منش, منوچهر, مینو, نر, نریمان, نیرو, هخامنش, هرمز, هورمزد, هومن
Men 2: to remain	امید, ماندن
Menth 1: mouth, to chew	مصطکی
Menth 2: to turn, stir	ـ مند
Mer 1, Smer, Hmar: to remember	آمار, شماره, شمردن, گماردن, گماشتن, مَر, هَمار
Mer 2: to rub away, harm, die	امرداد, پژمردن, خاموش, فراموشیدن, کیومرث, مار, مرد, مرداد, مردم, مردن, مرگ, مَرمَر, مشیا, مشیانه, مُل
Mereğa: a large bird	سیمرغ, شاهین, مُرغ۱
Merg: mark, border	مرز۱
Merk: to take, grasp	گمرک
Meug: wet, slippery, also to give up, describe	مفت
Meuk 1: scratch, rub	مشت۱
Meuk 2: stocking, boot	پیموزیدن, موزه, موق
Miždho: reward	مُزد, مزدور, مژده
Moisos, Maiša: sheepskin	مَشک۳, مَشکو۱, مَشکو۲, میش
Morwi: ant	مور, مورچه
Moudh, Maud: to mourn	مُست۲, مُستمند, مویه, موییدن
Mozgo: marrow	مزغ, مغز
Mu: a mouse, muscle	ماهیچه, مُشک۱, مِشک۲, مِشکی, موش
Mû, Mus: fly	مگس
Mûk: pile, peak, spike	موک

Root	Persian Derivatives
Mûrâ: seal, coin, jewel	مُهر
Murvârît: small pearl	مرجان, مروارید
Mus	see Mû

N

Root	Persian Derivatives
Nâ: to help	پناه
Nabatu: to shine	نفت, نفتالین
Nabja: beak	نوک, نول
Naêza: sharp point	نیزه
Nagan, Nağan: bread	نان, نانوا
Nağan	see Nagan
Namra: soft	نرم, نَمرَق
Nana: a child word for mother, a nurse	ننه
Naranga: orange tree	نارنج, نارنگ
Nârikelah: coconut	نارگیل
Nas, Nâs: nose	بینی, نُس
Nâs	see Nas
Nask: twist, twine	نخ
Nau: boat	ناخدا, ناو, ناو یدن, ناودان, ناوَک, ناوگان, ناوه
Ndheros	see Ndhos
Ndhos, Ndheros: under	زیر
Ne 1, An 3: no, not	آزرمیدخت, آناهیتا, آهو۲, اسفالت, الماس, امرداد, انکار, انوشه, انوشیروان, برنا, خَشَن, خشیسار, سایه, ستوه, سیم۲, مرداد, نا ـ, ناب, ناشتا, ناهید, نَستوه, نَغام, نقره, نوش, نوشین
Ne 2: our, us	ما
Nebh, Nembh: cloud, moisture	ابر, ابرآمون, نفت, نم, نمک
Ned: to bind, tie	نُسخه, نَسک
Nedo: reed, pipe, flute	سرنا, سورنا, کُرنا, نارد, نای, نرد۲, نی
Nei 1: to shine, to be excited	انبیق, رونق, لیلک, نَرد۱, نیک, نیل, نیلوفر, نیو, نیو اردشیر
Nei 2: to lead, guide	نما, نمایش, نماینده, نمودن
Nek: to destroy	جُناح, فَرناس, گناه, نَسا
Nêkš: to pierce	نیش, نیشدر
Neku: to reach, arrive, carry	آسیدن
Nem 1: to assign, take	ناموس, نماز, نمره

Root: meaning	Persian Derivatives
Lêi: slime, sticky	لای
Leig: to leap, jump	آلیختن, آلیز, آلیزیدن
Leigh 1: to lick	لِشتن, لیسیدن
Leigh 2, Raič: to leave	آبریز, اِبریق, پرهیختن, پرهیز, خسوف, ریختن, کسوف, گریختن, گریز
Leip, Raip: to smear with oil, cover	ریو, فریب, فریفتن
Leith: to go forth, die	رستاخیز
Lek 1, Lehk: joint, member, bend	لِنگ
Lek 2: to leap, fly, kick	لگد
Leng	see Longos
Lep, Lap-aro: soft, friendly	لابه, لاف
Lêsos: place, space, area	لاخ
Letro: skim, strip, piece	لَت۱, لَتره
Leu: to smear, make dirty	آلودن, پالان, پالایش, پالودن, پالوده, پالونه, پالیدن۱, فالوده
Leudh, Raud 2: to grow	حور, رَز۱, رُستم, رُستن, رو۲, روستا, روضه, روی, روییدن
Leuk: light, brightness	آرش, افروختن, درخش, درخشیدن, درفش۱, دیروز, رخش, رزق, روز, روشن, فروزان, فروغ
Leup, Raup 2: to break, peel off	ربودن, کهربا
Liginnu: a pot for measuring wheat	لگن
Limû: lemon, lime	لایم, لیمو, لیموناد
Lithra: a scale, balance	رطل
Lohrk: weasel	راسو
Longos, Leng: limp, lame, bent, also a low land	لَنگ
Lrğ: to tremble	لرزیدن

M

Root: meaning	Persian Derivatives
Mâ: breast	مادر, مادراندر, ماده, مادیان, ماکیان, مامان, مایه, ممه
Mač	see Maič
Mad: wet, also coagulated	ماست, ماسیدن, ماغ, ماهی, مست۱, مَسکه
Madhaxa, Mazaxa: grasshopper	ملخ, میگ, میگو
Mağa: hole, recess	مَغ۲, مغاک
Magh: might, power	مجوس, مُغ, مَغ۱, منجنیق, منجنیک, موبد
Mai 1, Mei 5: to change	اوام, فام۲, وام
Mai 2, Mei 6: to harm, reduce	گم
Maič, Mač: to suck	ماچ, مزه, مزیدن, مکیدن
Maiša	see Moisos
Mait 1	see Meit 1
Mait 2	see Meit 2
Mako: house fly	مگس
Mana: an ancient unit of weight	من۲
Mantil: cloak	مندیل
Mareğâ: grass	مَرغ۲, مرغزار
Marz?	see Mêlg
Masgdâ: place of worship	مزکت, مسجد
Mat:pick	آماج
Mauč: to learn, teach	آموختن
Maud	see Moudh
Maz: to break	ماز
Mazaxa	see Madhaxa
Me 1: to measure	آزمایش, آسمان, آماده, بیمار, پَرماسیدن۲, پیمان, پیمانه, پیمودن, فرمان, مان۱, مانستن, مانند, ماه, مهتاب, مهشید, نما, نمایش, نماینده, نمودن
Me 2, Meh: me, I	من۱
Mê 3: no, not	مَ .
Medhyo: middle	میان
Meg: great	مِزنا, مِه۲, مِهَست
Meh	see Me 2
Mehdhu: honey, intoxicating drink (POK:707)	مُل, مَنج, مِی
Mei 1: soft, mild	مایده, میزبان, مَیَزد
Mei 2: to fix, build, fence	میخ, میخک
Mei 3: to go, move	سَمت
Mei 4: to bind, tie	مِهر, میترا
Mei 5	see Mai 1
Mei 6	see Mai 2
Meig: to mix	آمیختن, آمیزش

Root	Persian Derivatives
Ksen: to card wool	شانه
Ksero: dry	اکسیر
Kseubh: to shake, rock, disturb	آشفتن, آشوب, کَشُفتن
Kseud: water, to clean by stamping in water	شستن, شور۲, شوی۱, شوی۲
Ksîp: strike, weapon, spike	شیب۱, شیب۲, شیب۳, شیبیدن, شیفتن, نشیب
Ksîro: milk	شیر۱, شیرین
Ksudros: coarse, crushed in small pieces	خُرد
Kû 1: to burn (also firewood)	قالب, قفقاز, کالا, کالب, کالبد, کالیر
Kû 2: spike	سوزن, سوک۲, سوگ۲
Kuâtos: straw	کاه۱, کهربا
Kuei: white, shining	سپهر, سپید, سفید
Kund: blunt, stocky, rough	کُند۱, کُند۲, کُنداور, کُندی
Kung: corner	کُنج
Kûp: to smoke, cook, also move violently, be agitated	کَپی
Kupriti: sulfur	کبریت
Kur	see Ker 5
Kûr: dark, blind	کور
Kurkizannu: rhinoceros	کَرگ, کرگدن
Kut: small, short	کوتاه, کوچک, کودک
Kwal: a big fish, whale	کَرو
Kwei 1: to pay back, revenge, punish	کین
Kwei 2, Ĉai: to pile up	انجیدن, پرچین, توختن, توزیدن, چیدن, گُزیدن, گزینش
Kweis, Kaiš: to assign, teach	کیش۱
Kwek, Kas 1: to appear, see, show	آگاه, چاشت, چاشنی, چشم, چشیدن, گواه, نگاه
Kwel: to move around,turn	بازار, بازرگان, چال, چالاک, چالش, چَرا, چرخ, چریدن, چلیدن, ـ زار۳, طلسم, کارزار, کاشتن, کالسکه, کشاورز, کشیدن, گزاردن, گزارش
Kwem	see Kwen 3
Kwen 1: holy	اسپنتا, اسفند, اسفندیار, افسنتین, سپنتا, گوسفند
Kwen 2: sip, swallow	چمیدن۲, کام۲
Kwen 3, Kwem, Ĉîam: to swallow	آشامیدن
Kwer, Kar 2: to make, form	آهنگر, ابیورد, انگاردن, انگاشتن, بروجرد, پرگار, پیکار, پیکر, ـ جرد, چاره, دارابگرد, سِگال, سوسنگرد, شاگرد, شکار, قهرمان, کار۱, کاریدن, کردن, کهرمان, گر۲, ـ گِرد۴, گُزیدن, گزیر, گزینش, گوارا, گواردن, گوارش, لاجورد, لشگر, نقره, نگاردن, وچر, ـ وَرد۱, وزیر, یزدگرد
Kwermi	see Wer 2
Kwes: to pant, to breathe fast	شُش, هوا
Kwetwer : four	چَتوَر, چهار, چهارم, چهل, شترنگ, شطرنج, کترنگ
Kweye, Ĉiah: quiet, comfortable	آشیانه, شاد
Kwo: stem of interrogative and relative pronouns	چگونه, چند, چه, چون, چی, چیز, کَس, کو, کِی۱، کی۲, هیچ
Kwon: dog	اصفهان, سپاه, سگ, قناری
Kwri: to buy	خریدن
Kwsep: darkness	شام, شب, شبدیز, شبستان

L

Root	Persian Derivatives
Lâ, lal 1, Lalla: roots of sound words including animal crys, baby babbling and even silence.	لال, لالا, لالایی
Ladunu: resin of a certain tree	لادن
Lâiô: roar, bark, bellow	لاییدن
Lâjîn: name of a Turkish tribe	لاجورد
Lak: to tear	لَت۲, لَخت
Lakš, Raxš: to protect, defend	لشگر
lal 1	see Lâ
Lâl 2: red color	آلاله, لالس, لالک, لاله, لاله سار, لعل
Lalla	see Lâ
Lanğ: to droop, be sad, sorrow	رنج
Lap-aro	see Lep
Laqalaqa: flamingo, stork	لقلق, لقلقه, لکلک
Lêb: lip	لب
Legwh: light in weight, quick in movement	لاغر
Lehk	see Lek 1

Root	Persian Derivatives
Kel 3: to strike, cut, stab	گلند, کلنگ
Kel 4: light and dark spots, gray color tones	چرمه
Kel 5: cup, bowl	کاس, کاسه, کوزه
Kelewo: lacking, bald	کچل, گروِه, کل
Kem 1: stick	سیم۱
Kem 2: to cover	قمیص
Ken 1: young, fresh	کنیز
Ken 2, Gwhen 3: to dig	آکندن, اِسکِنه, افکندن, بالاخانه, بالکن, پراکندن, پیکان, چاه, خانه, خانی, خَن, خندق, سمرقند, شَن, قانون, کانال, کانون۲, گندَک, کندن, کندو, کَنَند, گلشن, هوشنگ
Keng	see Keg
Kens: to speak solemnly, proclaim	افسانه
Ker 1: head, horn	افسار, افسر, زنجبیل, سالار, سر, سُرو, سَرون۱, شنگبیل, قیراط, لاله سار
Ker 2, Sker 2: to cut, separate, tear	اگر, چرم, خوک, سرگین, سِگال, سودن, سیلی, شکافتن, شکوفه, شگفت, غربال, فرسودن, کارد, کافتن, کاو یدن, کاوُش, گر, گرت, گفتن, گسستن, گسیختن, گسیل, مگر, هرگز
Ker 3: loud noise, noisy birds	خروس, خروشیدن, سرفه, گرک, کرکس, گُروه, ورتک
Ker 4, Kers: black, dirty	چرده, سمور, شیمی, گرس, کِرسنه۱, گرسنه۲, گره, کیمیا
Ker 5, Kur: heat, fire	کوره
Kerd 1: heart	دل
Kerd 2: row, herd	سرده
Kerdh	see Skordh
Kerk: thin, slender	گرسیوز, گرشاسپ
Kers	see Ker 4
Kes: to scratch	خسیدن, خشنود, خوش, شانه, شور۱, شوربا
Ket: living room	کد ـ کده
Keu 1: to shine, bright	سرنا, سور, سورنا
Keu 2, Su(m)b: to swell, cavity, hole	سُفتن, سُمبه, سُنبه, سود, سوراخ, صفر
Keu 3, Skeu: to watch, see, hear	شُکوه, قابوس, کاووس, کِی۳, کیا, کیان, کیخسرو

Root	Persian Derivatives
Keub	see Gêu 1
Keued: to yell	نکوهش, نکوهیدن
Keuk: to shine, be white	افسوس, سرخ, سهراب, سُهروَرد, سوختن, سوز, سوزاک, سوزان, سوزش, سوک۱, سوگ۱, سوگند, وَرد۲
Keup	see Gêu 1
Khâd: to bite	خاییدن
Kharpuna	see Kahrpu
Ki, Ĉih: to freeze	چاییدن
Kiês: bug, tick	ساس
Kiph: thin flexible twig	سیف, شَفش
Kîru: wax	قیر, گریس
Kitu: cotton clothing	تُنکه, کتان
Klei: to lean	اقلیم
Klem: tired, loose, dull	شَمَن
Kleu, Srau: to hear	خُسُر, خسرو, خُسور, خُسوره, خُشو, سراییدن, سروا, سرواد, سرود, سُروش, شنیدن, کسریٰ, کیخسرو
Klêu: hook, peg used to lock doors	کلید
Klis: adhere	سرشت, سرشتن, سِریش
Klou-ni: buttock, rump	سُرون۲, سَرین
Koksâ: a part of body like foot, hip, etc.	کشاله
Kolemos: grass, reed, cane	قلم
Korkâ: gravel	ساخارین, ساکارُز, سوخاری, شِکر
Kormo: pain, suffering	شرم
Koro: war, army, a large crowd	کار۲, کارزار, کاروان, کالنجار, کرب, کُرنا, کلنجار
Kost: bone, rib, side of anything	برگستوان, کُستی, کُشتی
Kram: to walk, to step	خرامیدن
Krep: body	خِرَفستَر, خَستَر
Kreu: icy or solid	قفقاز, کلوخ
Ksei 1: to be able, qualify, rule	اردشیر, افشین, پادشاه, چَک, خشایار, شاه, شاید, شایستن, شایسته, شهر, شهرام, شهریور, شیر۲, شیراوژن, نَرد۱, نیو اردشیر
Ksei 2: bright	جمشید, خَشَن, خشیسار, خورشید, درخش, درخشیدن, درفش۱, رخش, روشن, شید, شیده, مهشید

Root	Persian Derivatives
Ieuo: grain	جو۲, جُوازه, گوازه
Isto: most or last	اردیبهشت, بهشت, فِرِه, فَرهَست, کاست, مِهَست, نخست, نزدیک

J

Root	Persian Derivatives
Jai	see Gwei
Jan	see Gwhen 2
Jangalah: wasteland covered with wild growths	جنگل
J.b.r: to reunite, join together, force	جبر, گبر
Jiau	see Geu 3

K

Root	Persian Derivatives
Kâ: to wish, desire	کام۱
Kâd: sorrow, hatred	سار۲
Kafa: foam	کف, کفچ, کفچلیز
Kaffa: the plant or drink coming from Kaffa, a district in southwestern Ethiopia	قهوه, کافه
Kagaz: tree bark	کاغذ
Kahrpu, Kharpuna: lizard	چلپاسه, کرباسو
Kai: alone	کور
Kaiš	see Kweis
Kâk: twig, branch	شاخ, شکله
Kak 1: to have power, help, enable	ساختن, سازش, سخت, سزا, سزیدن
Kak 2: a round object (loaf), cake	کاک, کعک
Kak 3, Kas 2: to become thin, diminish	.ک, کاست, کاستن, کاه۲, کاهش, کاهیدن
Kakis: spike, prong	سگک
Kakka: to defecate	ککه
Kam 1: to restrain	کمند
Kam 2, Kamp: to bend, also a cavity, vault	چپ, چَپه, چفته, چمبر, چمیدن۱, خَم, قپان, کپان, کمر, کمرا
Kamma: little, small	کم, کمین
Kamp	see Kam 2
Kand: to shine, to be white	چُندل, چُندن, سَندَروس, سندل, صندلی, قندیل, کُندر
Kânûnu: fireplace	کانون۱
Kap, Ĉap 2: grasp	چسبیدن, چفسیدن, قفس, قفیز, کویز
Kapastay : poison, a bitter plant	کَبست
Kapho: hoof	سَفَل, سُم, سُنب
Kapolo	see Kaput
Kapparis: a shrub	قَباریس, کَبار, کَبَر
Kaput, Kapolo: head, cup	کَلّه
Kar 1: hard	خار, خارا, خارپشت, خاریدن, خر, خرچنگ, خِرَد, خروار, قاطر, کنگره۱
Kar 2	see Kwer
Kard: keep down, subside	کال
Karpâsah: cotton	کرباس
Karpurah: camphor tree	کافور
Karš: to drag, pull	ترکش, کشاله, کشکول, کیش۲, کیش۳
Karšvar: a "circle" of land, country	کشور
Kas: to cut	قصر
Kas 1	see Kwek
Kas 2	see Kak 3
Kâs 3: to direct, command	پاسخ, ساستا, سُخن
Kasyapa: tortoise	کَشَف
Kâtara: shy, disoriented, wandering	کاتوره
Kâu 1: to strike, beat	کُشتن, کوبیدن, کوشش, کوشیدن, کوفتن
Kau 2: to howl, a raucous bird	کبک, کوکو
Kaus: to pound, beat	کوس
Kavûta: gray, dark blue	کبوتر, کبود, کفتر
Kaz	see Kaž
Kaž, Kaz: inexpensive silk	غژ, غژغاو, قَز, قزاغند, گز, گژ۲, کژاکند, گاز۱
Keg, Keng: hook	چنگ, سنج, صنج, کج, کژ۱
Kei 1: gray or black color, dark	سام, سیامک, سیاه, سیاوش, سیمرغ, شاهین
Kei 2, Ĉiau: to set in motion	شدن
Kei 3: to lie down, rest	اریکه
Keku: club	چاقو, چکاد, چکش
Kel 1: cold or warm, a year	آبسال, افسردن, سال, سرد, سرما
Kel 2: to cover	کلاه, کلبه

Root	Persian Derivatives
Gnauh: to sleep, Slumber	غنودن
Gnô: to know	آشنا, دانستن, دانش, زند, زندیق, شناختن, فرزانه, فرزین
Gogel: knob, tapering object	گَزَر
Gong, Geng: lump	گند
Gôtra: race, origin, substance	جوهر, گوهر
Gram	see Ghrem
Gras: to eat	غانغرایا
Gredh: to walk, go	کنگره۲, گراییدن
Grnom	see Ger 2
Gurdos 1: brave, proud	گرد۱, گردان
Gurdos 2: sluggish, stupid	گول
Gûysna: deer, stag	گوزن
Gwa: to walk, step	آغاز, آمدن, آینده, اکباتان, انجام, انجمن, پیام, پیغام, جاه, خورنگاه, زمان, فرجام, گام, گاه۲, گهواره, نیام, همدان, هنگام
Gwag: cry, quack, squeak, squeal	زاغ, زکیدن, ژاژ, ژکیدن
Gwebh: to dip, sink	ژرف
Gwed	see Yad
Gwedh: to injure, destroy	گست, گند, گندیدن
Gwei, Jai: to live	آژیر, جهان, جیوه, زندگی, زیبق, زیرک, زیستن, کیهان, کیومرث, گیتی
Gweie: to over power, defeat	زیان, گاییدن
Gwel 1: to throw, reach	ابلیس, گرزین
Gwel 2: to pierce	پول, فَلس, مُفلس
Gwen: woman, female	زن
Gwer 1: heavy	گران
Gwer 2: to praise, welcome, sing	بیغاره, پیغاره, گرامی, گرزمان, گروگر, گریستن, گریه
Gwer 3: to swallow	پیاله, خرخره, غرغره, غلغل, قُلقُل, گریبان, گریوه, گل, گلو, گوارا, گواردن, گوارش
Gwer 4: mountain	گر۱, گرشاه, گلشاه
Gwhder: to flow, run	آبشار, سرشار, شار, شاریدن, شُرشُر, شِریدن
Gwhedh: to ask, wish, want	تَکَدّی, خجسته, گدا
Gwhen 1: to fill	غانه, غژ, غژغاو, قَز, قزاغند, قنات, قند, گز, گژ۲, کژاکند
Gwhen 2, Jan: to strike, hurt	آجدن, آزدن, آژدن, انغوزه, انگژه, اوژدن, اوژندن, بهرام, پادزهر, زدن, زه۳, زهر, زَد, ژِه, شیراوژن, کلاغ, گزند, گزیدن, نژند, ورغنه
Gwhen 3	see Ken 2
Gwher: warm	گرم
Gwhi: thread, string	زه۱, فیله
Gwou: cow, ox, bull	توده, کود, گاو, گوبان, گوساله, گوسفند, گوشت, گوه, نهفتن
Gzn: treasure	جنازه, خزانه, گنز, گنج, مخزن, مغازه

H

Root	Persian Derivatives
Had	see Sed
Haem, Haya: character, nature	خیم, دژخیم
Hai	see Sâi
Haič	see Seiku
Har	see Dher 1
Harn	see Srisâ
Harz	see Selg
Hau 1	see Seu 4
Hau 2	see Seu 3
Hauš	see Saus
Haya	see Haem
Hebni: ebony tree (common in India)	آبنوس
Hmar	see Mer 1
H.n.n: to have grace and kindness	یونان
Huaid	see Sweid
Huan	see Swen
Hyakinthos: a bulbous plant with fragrant flowers.	یاقوت, یاکند

I

Root	Persian Derivatives
I 1: to go	باید, جا, جاروب, جَن, هیرک
I 2 : pronominal stem	اِم, امروز, ایدر, ایدون, این, هیچ, وُ, یا, یک
Iaš	see Yaš
Iâtom: going, movement, crowd	جادّه
Ies	see Yes

Roots with meaning & Persian Derivatives

فهرست ریشه لغات

Root: meaning	Persian derivatives
Gal, Garz 2: to shout, complain, cry	گروگر, گریستن, گریه, گِله
Gan: to seize	زغن
Gang: to mock, hum	گنگ
Garenu: scab on animal skin	گر۳, گرِگن
Garz 1: to bite, sting	گرزه
Garz 2	see Gal
Gassu: mortar	گچ
Ğaulos: vessel, boat	زورق
Gaz: to bite, string	گاز۲
Ğazal: a new born deer, a wild goat	غَزال
Gêi: to sing, song	گات, گاه۱۰, نیایش
Geibh, Gaip: to spin thread	گیوه
Gel 1: to form into a ball, stick together	گُرّه, گلوله, گولّه, گوی
Gel 2: to swallow, devour	زالو, زلو
Geme: to marry	داماد
Gene: to give birth to	آزاد, زادن, زاییدن, فرزند, قرمز, میرزا, نژاد
Geng	see Gong
Genu 1: angle, knee	زانو, گونیا
Genu 2: chin, jaw bone	چانه, زنخدان
Geph: mouth	زفر
Ger 1: crooked, curved, round object	گره, گروه
Ger 2, Grnom: to become ripe, grow old. Also means grain	آزرمیدخت, ارزن, ارژن, زار۱, زال, زر۲, زرتشت, زردشت, زرمان, زروان, زیره, گندم
Ger 3: to awaken	بیدار
Ger 4: to cry hoarsely, growl	زار۲, زاری, غرّیدن
Gêu 1, Keub, Keup: to bend	اکواب, چگونه, چون, خُم, خمره, زرگون, زیرکونیم, سرگین, سنج, صنج, غوز, قوز, قوزک, کُپ, کوژ, کوشک, کوه, کوهان, کوهسار, کیوسک, گنبد, گنده, گوشه, گون, گوی, نگون
Geu 2: to hasten	ابزار, افزار, افزودن, زاو, زاوَر, زود, زور۱, فزون
Geu 3, Gieu, Jiau: to chew	جویدن
Geus: to love, favor, choose	دوست
Ghâgwh: young animal	زاغ

Root: meaning	Persian derivatives
Ghaido: goat	زاق, زاقدان
Ghait: wavy hair	گیس
Ghans: goose	غاز
Gharš	see Ghers
Ghdhem: earth	آلگوریتم, خوارزم, زمین
Ghdies: yester	دی۲
Ghebh-el: head, top	قیفال, کوفیّه
Ghei 1: winter	دِی۱, زم, زمستان, زمهریر
Ghei 2: to propel	ابزار, افزار, زنجیر, زندان, زنهار, زین, زینهار, گرزین
Ghêi 3: to yawn	فاژ, فاژیدن
Gheis: to frighten, to be angry	زشت
Ghel: to shine, also a bright yellow color	آرسنیک, خیال, زر۱, زرد, زردک, زرگون, زرنیخ, زریر, زَهره, زیرکونیم, مالیخولیا
Gheled: ice, hail	ژاله
Ghengh: to proceed, step	جنگ, خِنگ, زنگ
Gher: to grasp, enclose	آزار, آزردن, ابیورد, بروجرد, ـ جرد, سوسنگرد, قَرن, ـ گِرد۴, ـ وَرد۱
Ghers, Gharš: to be delighted	گش
Gherto: milk, butter	آغار, آغر, آغشتن, فرغار, فرغاریدن, فرغر, فرغردن, فرغن, فرغنده
Gheslo: thousand	هزار
Ghesto: hand	آستین
Gheu: to pour	رفوزه, زوت, زَور۲, شیمی, کیمیا
Gheugh: to hide, conceal	آغل
Ghlâd: to sound, to ring	زرّاد, زره
Ghou-ro-s: terrifying, grief	گور, گوراب
Ghrebh 1: seize	پذیرفتن, گرفتن, گرو
Ghrebh 2: to dig, bury	گور, گوراب
Ghrem, Gram: to roar, be angry	غرش, غَرمیدن, غُرنبیدن, غُزم, غُژم
Ghu 1: to call for help, appeal	خدا, خدیو, خواجه, گپ, گفتن, ناخدا
Ghu 2: tongue	زبان, هزوان
Ghuel: crooked, bent	تزویر, زور۳
Ghûk: hoot, whoop	غوک
Gieu	see Geu 3
Glei: run up to, water flow	دریا, زراه

Root	Persian Derivatives
Dheugh: to milk	آزرمیدخت, بیدخت, دختر, دختراندر, دوختن۲, دوشیدن, دوشیزه, دوغ, فغفور
Dheye: to see	آدینه, آذین, آینه, آیین, اندیشیدن, بینا, پدید, جان, دیدن, دیم, دیمه, دین۱ , سیما
Dhîs: village, land	دِه
Dhragh 1: to pull	درشکه
Dhragh 2	see Dher 2
Dhreu, Drau: to call on	دراییدن
Dhreugh: to deceive	دروغ, دُروَند
Dhûs: whir, whirring object, spindle	دوک
Dhwer: door	بندر, در, درب, دربند
Dînu: law, right, judgment	تمدّن, دین۲, دِین۳
Dô: to give, create	اسفندیار, بغداد, پاداش, دادار, دادن, داشن, دَشت۲, دهش, دِی۱, هوش۱
Dolmak: to wind, wrap	دلمه
Dous: arm	دوش۲
Drassoman: as much as one can hold in the hand	دِرَم, دِرهم
Drau	see Dhreu
Drauš: to make a mark, brand	دِروش
Dregh: unwilling	درو یش, دریوزگی
Dub: tablet, scripture	آداب, ادب, ادبیات, دبستان, دبیر, دَف, دیباچه, دیوان, شندف
Dumb: tail	تنبک, دُم, دُمَل, دُنب, دُنبک, دنبلان
Dus: bad, evil	جوجه, دزد, دُژ ـ, دُژپیه, دژخیم, دُژم, دُژمان, دُش ـ, دُشپیل, دُشپیه, دشخوار, دشمن, دشنام, دشوار, دشیاد, دُمَل, دوزخ, ژوژه
Dwo: two	ابلیس, بیش۲, دو, دوازده, دوجین, دوم, دویست, دیگر, دیهیم

E

Root	Persian Derivatives
Ed: to eat	آش, آلفاآلفا, اسپست, خِرَفستَر, خَستَر, دندان, دنده, سپست, فسفسه, فصفصه, کرکس, ناشتا
Eis 1: passion	خشم
Eis 2: ice	یخ
Ekwos: horse	آلفاآلفا, ارجاسپ, ارشاسپ, اسب, اسپست, استر, تهماسب, جاماسب, سپست, سوار, طهماسپ, فسفسه, فصفصه, گرشاسپ, گشتاسپ, گشناسب, گشنسپ, لهراسپ, ویشتاسپ
El 1 : to bend, elbow	آرنج, آرش
El 2: red or brown used in animal and tree names	آل, آلگونه
Elu-ephas: elephant	پیل, پیلاس, فیل
Embhi: honey, honey bee	انغوزه, انگ۲, انگبین, انگژه, سکنجبین
Ĕmos: a suffix meaning most or last	دوم, سوم, ـُ م
En: in, inside	آری, اندر۱ , اندروا, اندرون, ایستادن
Ens: meet with hostile intent	اهریمن
Er, Ar 2: to set in motion, excite	آریغ, ارغنده, اروند, الوند, پتیاره, پذیره, راندن, رسیدن, ریدن, ریغ, ریم, لهراسپ
Ere, Arš: to have bad will, envy	ارشک, رَشک
Erêbu: to enter, to go down (sunset)	اروپا, غرب
Erek: flea, mite	رِشک
Eres 1: to flow, to be wet	ارشان, رگ, ریواس, ریوند
Eres 2: to pierce	خِشت۲
Ersen: ejector of semen, male	ارشاسپ, خشایار, سیاوش, گُشن, گشناسب, گشنسپ, گُشنی
Es-ti: to be	است۱ , استن, هست, هستن
Ĕter: internal (insignificant) organs	خوار
Eueguh, Wegwh: to speak solemnly	پاسخ

F

Root	Persian Derivatives
Fra-sanga: a distance of about five kilometers	پَرسنگ, فرسخ, فرسنگ
F.r.q: to split, divide	ترافیک
Fšân: spread, sprinkle	افشاندن, افشون

G

Root	Persian Derivatives
Gabbah: dome, vault, blister	قُبّه, کُبّه, کُپّه, گپیدن
Gaip	see Geibh

Roots with meaning & Persian Derivatives فهرست ریشه لغات

Root	Persian
Ĉap 2	see Kap
Ĉartês: leaf of papyrus	قرطاس, کارت
Ĉat	see Skeht
Ĉaud	see Skeud
Chiang-yu: soybean oil	سویا
Chou-shu: millet	شوشو
Ĉiah	see Kweye
Ĉîah: to move, throw, relieve oneself	شاش
Ĉîam	see Kwen 3
Ĉiau	see Kei 2
Ĉih	see Ki
Cîrâğ: lamp	اشراق, چراغ, سراج, شرق
Ĉirya: brave, quick	چیره
Ĉîxâ : point, tip, skewer	سیخ, شیش کباب, شیشلیک
Ĉop: stick, wood	چپق, چوب, چوگان

D

Root	Persian
Dâ 1: to divide, cut in pieces	بیدستر, داس, داو, داوطلب, دهره
Dâ 2: to flow	دانوب
Dah 1	see Dhê 1
Dah 2	see Dê
Danh	see Dens
Daqal: fruit of palm tree, date	دقَل
Darb, Darf: to join, sew	درفش۳
Darf	see Darb
Darh: to have pain	دَرد
Darz	see Dher 1
Dê, Dah 2: to bind, tie	دام۲, دیهیم
Dei: to shine, used to describe bright days and heavenly spirits	دیبا, دیو, دیوانه, زاوش
Deik: to show	ـ دیز, ـ دیس
Dek: take, accept, understand	دخش۱, دشت۱, دَشن
Dekm: ten	بیست, چهل, دَه, دوجین, دویست, دینار, سی, شانزده, شَست, صد, هکتار
Del: long	دراز, درنگ, دیر
Dem: house	دودمان, گرزمان, مان۲
Dema: to tame and domesticate animals	الماس, دام۱
Denk: to bite	دَد, دندان, دنده
Dens, Danh: to teach, instruct	دستور
Deph: to stamp	دفتر
Der 1: to split, to tear	دَرد, درفش۲, درّه, دِرو, دُرودن, دریدن, نیش, نیشدر
Der 2: to run	درون
Derk: to see	ترخون
Deru: wood, tree, to be firm	دار, دارکوب, دارو۱, داریه, درخت, درست, دُرود۱, دُرود۲, درودگر, درونه
Deu 1: to penetrate, sink	دوش۱
Deu 2: to lack, not available, far away	دور
Deuk: to lead, move, draw	دوختن۱, دوزیدن, دوش۳
Dhars: to dare	درشت, دلیر
Dhê 1, Dah 1: to suckle milk, to produce	دانگ, دانه, دایه, دایی
Dhê 2: to do, set	آپادانا, اصفهان, اندام, اهورا, اهورامزدا, اورمزد, پنام, پنهان, داد, داستان, ـ دان, داور, دستور, زندان, زهدان, مزدا, مزدیسنا, ناودان, نهادن, نهان, هرمز, هورمزد
Dhedh: nurse	دَده۲
Dhegh: to heat, burn	داغ, دخش۲, دخمه, ذغال, سکار, فلاخن, گدازیدن
Dheigh: to form out of clay, to knead clay or dough	پالیز, پردیس, جالیز, دِژ, دیزی, دیگ, دیوار, فردوس
Dhem: to make vapor, raise dust	دَم, دما, دماوند
Dhen: to flow, run around	دانیدن, دَن, دَنان, دَنیدن
Dher 1, Darz, Har: to hold firmly, keep, guard	اندرز, بهادر, پندار, پنداشتن, داراب, دارابگرد, دارو۲, داریوش, داشتن, درز, درزمان, درزن, درزی, درمان, زنهار, زینهار
Dher 2, Dhragh 2: to confuse, disturb	تراخم
Dheu 1: to flow, move	دویدن
Dheu 2: smoke, mist, dizziness	اندوه, دود, دودمان, طوفان
Dheu 3 : to shine	اندودن, زدودن

Root	Persian Derivatives
Aus 1: ear	آشکار, انوشه, انوشیروان, گَر, گوش, گوشواره, نغوشا, نغوشیدن, نوش, نوشین, نیوشیدن, هوش۱
Aus 2: to shine	بهار, هوش۲
Aw: bird	خاویار, خایه, وای۲, ویش
`Awar: he damaged	عار, عوار
Aweg, Wog, Aug: to magnify, increase	وَخش, وخشیدن
Ayer: day, morning	پار, پارسال, پَرَندوش, پَریر, پریروز

B

Root	Persian Derivatives
Baba: baby words, indistinct speech.	بَبَه, بربط
Bamb: bang, rumble	بَم
Banz	see Bhengh
Batiaxê: a bowl (of wine)	باده, بادیه, باطیه
Baud: to feel, sense	بوس
Bazda: bad, sin	فژ, فژاک
Bêlûr: an Indian city famous for its crystal	بُلور
Berenža: brass	برنج۱, برنز
Beu 1: root of muffled sounds	بوتیمار, بوف, بوم۱
Beu 2: to swell, blow	بوق
Bhâ 1: to shine	بام۱, بامداد, ـ فام۱, فانوس
Bhâ 2: to speak, heal	پزشک
Bhag: to share out, to enjoy	اتابک, انباز, انباغ, باج۱, باژ, باغ, بَخت, بخشیدن۱, بذله, بَرخ, بزم, بغ, بغداد, بغستان, بهادر, بهره, بیدخت, بیستون, بیگ, فغ, فغستان, فغفور
Bhâghu : elbow, arm	بازو
Bhê: indeed	بِ ـ, بله, بی ـ
Bheğh: outside, open	باز۳, بجز, بی, بیدستر
Bhel: to swell, blow, grow, overflow	بالش, بالین, بَرسَم, برگ, بلگه
Bhendh: to bind, fasten	انبست, انفست, بستن, بند, بندر, بنده, پیوستن, دربند, فاشیسم
Bhengh, Banz: to be thick, dense	باز۱, دَبز
Bher 1: to carry	آوردن, استوار, انبر, بار۱, باره۱, بَر۳, برادر, بردن, بَرید, ترابری, خاور, خاویار, خروار, خورنگاه, داور, دستور, دشخوار, دشوار, سوار, گاه۲, گهواره, مزدور, ـ وار۴, وَخشور
Bher 2: to cook	برشته, بریان, بریجَن
Bher 3: to cut, pierce	بریدن, بیل
Bher 4: bright, brown	بَبَر, بور, بوره
Bhereg: to shine, bright	برازنده, برازیدن
Bhergh: high	آرزو, ابَر, بالا, بالاخانه, بالکن, بَر۲, بردیه, بُرز, برزخ, برزوی, برمنش, بروزیه, بَش, بلند, فریبرز, فَش
Bheru: to boil, bubble	بلوا
Bheu: to exist, grow	اورَور, بُت, بودن, بوم۲, بومَهَن
Bheudh: to be aware, enlighten	بستان, بو, بودا, بوستان, بوی۱, بیوسیدن, پیوسیدن, نابیوسان
Bheug: to purify, save, free	بُخت, پوزش, پوزیدن
Bhilo: friendly, loving	سفلیس, فلسفه
Bhôi: to fear	باک, بیم, بیمه
Bhôu: joy, satisfaction	بوی۲, بویه
Bhreus: swollen	بَر۴
Bhru 1: eyebrow	ابرو, بُرو
Bhru 2: beam, log	باهو
Bhugo: male animal of various kinds	بُز
Bhun: base, bottom	بُن۱, بُنه, بنیاد, گلبن, نارَون, وَن
Bistak: pistachio	پسته
Blou	see Plou
Boqčâ: linen for wrapping clothes in it	بغچه
Bu: lip, kiss	بوس
Bûnai: naked	برهنه
Busmâ: perfume	بَشام, بلسام
Byûrru: ten thousand	بیوَر

C

Root	Persian Derivatives
Ĉ'a: tea	چای
Ĉag	see Ĉak
Ĉai	see Kwei 2
Ĉak, Ĉag: to strike, hit	چاک
Ĉap 1: to seize, strike	چاپیدن

A

Root	Derivatives
Ab 1: water	آب۱, آب۲, آبان, آبرو, آبریز, آبشار, آخور, آسیاب, آفتاب, اِبریق, اَبّهت, انبیق, دریا, زهاب, ناب
Abâ: to assemble together	بازار, بازرگان
Âdhâmah: earth, red soil	آدم
Ag: to drive	تراز, ترازو
Agaru: to hire	اجاره, اجرت
Agaruh: aloe wood	عود, فلوت
Agh, Aghlo: depressed, disagreeable	آخ, آک, اخ
Aghlo	see Agh
Agurru: baked clay, brick	آجر, آگور
a-hu: not good, defect, fault	آناهیتا, آهو۲, ناهید
Aidh: to burn	خشت۱, هیزم, هیمه
Aig-: goat, of a goat	ازگ۲
Aios: metal	آهن
Aiw: vitality, eternity	برنا, جاو ید, خدا, خدیو, خواجه, ناخدا
Ak: sharp, also a sharp stone	آس, آسمان, آسیاب, اپسان, افسان, افسانیدن, بادآس, ساییدن, سختن, سختیدن, سنجیدن, سنگ, سوهان, فسان, فسانیدن
Akos: suffix indicating small size	ک.
Akru: tear, tear drop	ارس, اشک
Aksas	see Asksâ
Akwa: water	آله, لِه
Al 1: beyond, above	آریا, اراک, آران, اردلان, ایران, ایرانویج, ایرج, ایرمان
Al 2: to grind	آرد
Âlêiô: to wander, roam, rove	آوار۲, آواره
Alek: to ward off, protect	اسکندر, لاک, لُجّه, لَک
Algwh: worth, value	ارج, ارجاسپ, ارز, ارزش, ارزیدن, ورج
Amalaka: emblic tree	آمُلَج
Ambhi: around	آستین, افراشتن, افروختن, افزودن, افسار, افسر, افسوس, افشاندن, افشون, افغان, افکندن, انبر, شتاب, شتافتن, شکار, فزون, فغان
Âmon: full, filled with	آمودن, ابرآمون
A'.m.r: to command	میرزا
An 1: breath	اهورا, اهورامزدا, اورمزد, برزخ, دوزخ, هرمز, هورمزد
An 2: other	آن, اندر۲, پدراندر, پسراندر, دختراندر, مادراندر
An 3	see Ne 1
Ang: to bend	انگ۱, انگشت, انگولک, جوجه, ژوژه, شترنک, شطرنج, کترنگ, لنگر
Angh: tight, compressed	آز, جُوازه, گُوازه, نیاز
Angwhi: snake	اژدر, اژدها, اژدهاک, ضحّاک
Anôr: watery, juicy	انار
Ap: to take, receive, reach	اوام, فام۲, وام, یافتن
Apânk: turned backwards, north	اختر, باختر, بدخشان, بلخ
Apo: off	آپادانا, آختن, آراستن, آغاز, آفدُم, آکندن, آماده, آمدن, آهختن, آهیختن, آورد, آینده, بافدُم, بخشودن, بخشیدن۲, پس, پوست, سپاردن, سپردن, وارون
Ar 1: to fit together	آراستن, ارد, اردشیر, اردلان, اردوان, اردیبهشت, اشو, پیراستن, پیرایه, چِرا, راد۱, رَد, نَرد۱, نیو اردشیر, ویراستن, ویرایش
Ar 2	see Er
Ardha: swept, moved, pushed	فراورن, فریرون, فیرون, وارون
Arg: to shine, white metal	ارزیز
Arš	see Ere
As: to burn	آر, هکتار
âs, âsa: to arrive, come	آسیدن, خراسان
âsa	see âs
Asksâ, Aksas: axis	آسه
Âsû : to rise, come out (said of the sun)	آسیا, وضو
Ater: fire	آتش, آذر, آذربایجان, هیربد
Âtos: father, mother, family, race	آبتین, دده۱
Au: away, off, down	اُباردن, اُباشتن, افتادن, اوباش, اوژدن, اوژندن, خرسند, شیراوژن
Aug	see Aweg
Aulos: jaw	آرواره

CONTENTS

Reverse Pagination

The order of the Persian Words in this dictionary is from right to left. Therefore, except for the Index section, the book is paginated from right to left.

To my wife and sons
who supported me with their
love and patience.

ISBN: Softcover 978-1-6698-5269-8

Print information available on the last page.

Rev. date: 10/26/2022

To order additional copies of this book, contact:
Xlibris
844-714-8691
www.Xlibris.com
Orders@Xlibris.com
847389

The

Origins of

Persian Words

An Etymological Dictionary
of the Persian Language

Dr. Ali Nourai